

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

طِبُّ آبِ الشَّيْ

المعروف
بـ خزانة شفا

حيدر زباني

حکیم و ڈاکٹر غلام سرور خان میٹھی فیروز پوری

نعلف الرشید

حکیم حاکم علی خان مشہود علی دوا خانہ صدیق پور گمری

ناشرین

شیخ غلام حسین اینڈ سنسز پشاور بازار لاہور

جملہ حقوق بحق مصنف محفوظ ہیں

گنگو عنڈی لکھنؤ جان

طب آزمائشی عکسی

تعداد

۱۰۰۰

قیمت

۱/-

عباس رضا اینڈ برادرز مالکان شیخ غلام حسین اینڈ ستر
۳۶ - اردو بازار، لاہور نے میسرز طقس ستر پرنٹرز سے
طبع کروایا۔ اور اردو بازار سے شائع کیا۔

Abgan
حسن
Iqbal.

فہرست مضامین

صفحہ	نام امراض	صفحہ	نام امراض
۶۰	سرم سدوادی	۱۸	صفت باری تعالیٰ
۶۳	ماشرا	۱۹	نعت سرور کائنات
۶۴	گنج	۱۹	سبب تالیف کتاب
۶۶	مالیخویا	۲۱	بیان آغاز کتاب
۶۳	مالیخویا مراقی	۲۳	شناخت علامات صفرا
۶۶	دیوانہ عشق	۲۲	شناخت علامات خون
۶۸	مالیخویا غمیدہ	۲۴	شناخت علامات بلغم
۶۹	نسیان	۲۴	شناخت علامات سودا
۸۱	دوار	۲۵	بیان درد سر صفراوی
۸۵	سدر	۳۵	بیان درد سر دسوی
۸۶	سہر	۳۶	بیان درد سر بلغمی
۸۶	سہات	۴۴	بیان درد سر سوداوی
۹۰	فالج	۳۲	بیان درد سر صفراوی مشاکل
۹۵	لقوہ	۴۸	درد سر ریاحی
۹۸	تشنج	۵۰	درد شقیقہ
۱۰۲	رعشہ	۵۲	درد عصابہ
۱۰۴	تمد گناز	۵۴	سرم دسوی
۱۰۶	صرع	۵۶	سرم صفراوی
۱۱۲	کابوس	۵۹	سرم بلغمی

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۱۵۳	ناسور چشم	۱۱۳	خدر
۱۵۴	ناسور جاڑیہ	۱۱۴	سکتہ
۱۵۸	درد گوش	۱۱۸	اختلاج
۱۵۹	درد گوش	۱۱۹	زکام
۱۶۳	قرح گوش	۱۲۱	تعریف چشم
۱۶۴	کرم گوش	۱۲۲	رمد صفراوی
۱۶۵	طنین گوش	۱۳۱	پھولا چشم
۱۶۶	خون آمدن از گوش	۱۳۲	نسخہ چشما - پھولہ
۱۶۷	مرض رفاف	۱۳۴	نسخہ پھولا چشم و بیان مرض سلاق
۱۶۷	رفاف بینی	۱۳۶	سیل چشم
۱۶۷	درد بینی	۱۳۷	دمعہ چشم
۱۷۰	کرم بینی	۱۳۸	خاروش چشم
۱۷۱	قرح بینی	۱۳۸	رمد الطفال
۱۷۲	میکہ بینی	۱۳۸	ناخود چشم
۱۷۳	خشم بینی	۱۴۰	ضعف بصر
۱۷۴	عطسه بینی	۱۴۲	سرفہ چشم
۱۷۴	امراض زبان	۱۴۴	دھند و غبار
۱۷۴	درد زبان	۱۴۵	اندھرتا چشم
۱۷۹	ثقل زبان	۱۴۶	روز کوری
۱۷۸	سوزش زبان	۱۴۶	پڑوال چشم
۱۸۰	تشقق زبان	۱۴۸	موتیا بند یعنی نزول الماء
۱۸۰	نقصان ذائقہ	۱۵۳	قرح چشم
۱۸۲			

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۲۳۲	نفث المده	۱۸۲	قلاع
۲۳۴	مرض رسل	۱۸۴	آكله غم
۲۳۶	ذات الریه	۱۸۶	يخز النعم
۲۳۸	ذات الجنب	۱۸۸	سيلان النعم
۲۴۱	ذات الصدر	۱۹۰	تضيق لب
۲۴۲	ذات العرض	۱۹۰	ورم لب
۲۴۳	ورم پستان	۱۹۲	درد دندان
۲۴۵	قلع لبین	۱۹۵	خون آمدن دندان
۲۴۷	امراض قلب	۱۹۷	ضرس دندان
۲۴۷	مرض خفقان	۱۹۷	مویری مسورها
۲۵۶	غشی دل	۱۹۷	ناصور مسورها
۲۵۸	امراض معده	۱۹۸	حرکت دندان
۲۵۹	مرض اسهال	۱۹۹	خناق حلق
۲۶۲	سنگرینی کینه	۲۰۲	قرح حلق
۲۶۵	اسهال ریاحی	۲۰۳	ورم لبات
۲۶۶	اسهال معدی	۲۰۴	چرخنا جونک کا حلق میں
۲۶۸	اسهال اطفال	۲۰۴	بحة الصوت
۲۶۹	اسهال جگري	۲۰۶	امراض ششی
۲۶۹	اسهال رودی	۲۰۷	سرفه یعنی کھانسی
۲۷۰	ضعف جگر اسهالی	۲۱۸	سرفه اطفال
۲۷۱	اسهال بحرانی	۲۱۹	ضيق النفس
۲۷۵	بیضه	۲۲۸	نفث الدم

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۳۲۰	استسقا سه قسم	۲۲۹	مرض قه
۳۲۶	ورم طحال	۲۸۳	مرض عطش مفراط
۳۲۸	برقان	۲۸۶	درد شکم
۳۵۰	بواسیر	۲۹۱	درد شکم ورمی
۳۵۴	رتج البواسیر	۲۹۲	قه الدم
۳۵۹	کالج بکلنا	۲۹۳	کرم شکم
۳۶۰	پهوزه بگندر	۳۰۰	ضعف معده
۳۶۱	خارش سفره	۳۰۲	اسهال ورمی
۳۶۲	دپم سفره	۳۰۵	ورم معده
۳۶۳	نواسیر سفره یعنی قره سفره	۳۰۸	قروح معده
۳۶۳	درد گرده	۳۱۰	مرض دکار
۳۶۴	مرض سنگریزه	۳۱۳	مرض بچکی
۳۶۶	ورم گرده	۳۱۶	مرض مروارید پیش
۳۶۹	قروح گرده و مثانه	۳۱۶	قبض دائمی
۳۷۱	ذیابیطس	۳۱۹	مرض قولنج هر قسم
۳۷۳	بول الدم	۳۲۱	قولنج غیر حقیقی
۳۷۵	تقطیر البول	۳۲۲	قولنج صفراوی
۳۷۷	سوزاک	۳۲۳	قولنج ریاحی
۳۸۱	سلس بول	۳۲۸	قولنج مرضی
۳۷۹	بندش بول	۳۳۰	ضعف جگر
۳۷۸	آتشک حقیقی	۳۳۲	ورم جگر
۳۸۸	آتشک غیر حقیقی	۳۳۴	سوء الفیه
۳۹۵			

جریه

ضعف

قروح

سوزاک

خارش

درد

بندش

بول

تقطیر

سوزاک

سلس

بندش

بول

تقطیر

بول

سوزاک

سلس

بندش

بول

تقطیر

بول

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۳۹۶	سوزش رحم	۳۹۶	جریان منی
۳۹۹	احتناق الرحم	۳۹۹	ضعف پاء
۳۸۲	وجع المفاصل	۳۸۲	قروح آتشکی
۴۰۸	در دپشت	۴۰۸	سرعت انزال
۴۱۴	وجع الورك	۴۱۴	خارش خصیه
۴۱۵	عرق النسا	۴۱۵	ورم خصیه
۴۱۶	نقرس	۴۱۶	فتق خصیه
۴۱۸	وجع الكتف	۴۱۸	فتق اطفال
۴۱۹	وجع العقب	۴۱۹	عسر الولادات
۴۲۱	داء الفیل	۴۲۱	سقوط حمل و جنین
۴۲۲	دوالی	۴۲۲	مرض استسقاء حمل
۴۲۳	زالوداد	۴۲۳	احتباس طمث
۴۲۵	حمیات	۴۲۵	کثرت طمث
۴۲۹	نام و سبب حی یوم	۴۲۹	عقر عقیقه
۴۳۱	علاج حی یوم	۴۳۱	درد رحم از پرسوتک
۴۳۸	تب خطی	۴۳۸	ورم رحم
۴۳۹	تب مطبقه	۴۳۹	قروح رحم
۴۴۱	تب غیب داره خالص	۴۴۱	نفخ رحم
۴۴۲	تب غیب لازم	۴۴۲	سیلان الرحم
۴۴۴	شطر الغیب	۴۴۴	خارش رحم
۴۴۵	تب محرقه	۴۴۵	سرطان رحم
۴۴۶	تب بلغمی	۴۴۶	مرض رجا

صفحه
۳۴۰
۳۴۶
۳۴۸
۳۵۰
۳۵۴
۳۵۹
۳۶۰
۳۶۱
۳۶۲
۳۶۳
۳۶۳
۳۶۴
۳۶۹
۳۶۹
۳۷۱
۳۷۳
۳۷۵
۳۷۶
۳۷۸
۳۷۹
۳۸۰
۳۸۱
۳۸۲
۳۸۳

صفر	نام امراض	صفر	نام امراض
۵۵۱	چھپاکی	۴۹۹	تپ مرکب
۵۵۲	ورم طلعونی	۵۰۰	تپ بمعہ اسہال
۵۵۵	برص	۵۰۰	تپ سرفہ بمعہ خون
۵۵۶	ہسق	۴۹۹	تپ کمنہ (چھپانا)
۵۵۸	عرق مدنی	۵۰۶	حلی سلیج
۵۵۹	چنداناخن	۵۰۹	تپ اطفال بمعہ سرفہ واسہال
۵۶۱	بال خورہ یعنی بالچر	۵۰۹	تپ پیرسوتک
۵۶۳	شقوق الاطراف یعنی جھانجن	۵۰۹	حلی دق
۵۶۳	کلف یعنی چھائی	۵۱۲	تپ جدری
۵۶۴	عرق النار	۵۱۲	تپ حصبہ
۵۶۴	ضربہ و سقطہ	۵۱۳	تپ وبائی
۵۶۴	جراحت	۵۱۵	بیان ورم ہر قسم
۵۶۹	قروحات	۵۲۰	بیان دگل
۵۷۲	ناسور و گھنیر	۵۲۴	بثورات
۵۷۲	قرح دگل کمنہ	۵۲۶	بثورات ابلیل
۵۷۴	قرح آتشکی	۵۲۷	مرض جذام
۵۷۶	زہر خوردہ	۵۳۰	مرض خنازیر
۵۷۷	افیون خوردہ	۵۳۴	سرخ بادہ
۵۷۹	زہر کشدم	۵۳۳	کچھالی
۵۷۹	مارگزیدہ	۵۳۵	چنبیل
۵۸۱	گزیدین زنبور	۵۳۹	قویا یعنی وھدر
۵۸۱	گزدیدن سگ دیوانہ	۵۴۷	خارش بدن

بیان

آہن

انوشدا

اطریقہ

اطریقہ

انوش

اندر

اطریقہ

اطریقہ

آہن

پاش

پوش

پیش

پچکا

تد

تد

تد

تد

نام امراض	صفحه	نام امراض	صفحه
بیان شکسته استخوان	۵۸۳	نسخه معمول مطب حکیم جگ شیر	۵۸۳

فهرست ادویات مرکبه

نام ادویات	صفحه	نام ادویات	صفحه
آهن اکسیر	۳۳۱	جوارش دار چینی	۳۱۹
انوشدارو سرد	۲۵۴	جوارش کونی	۷۶
اثریفیل صغیر	۴۳۳	جوارش عود	۳۰۲
اثریفیل مقل	۳۵۸	جوارش مصطفی	۱۸۹
انوشدارو گرم	۷۵	جو آتش	۳۸۱
اندری جهاڑ	۳۸۳	جوارش قمر سندی	۴۷
اثریفیل شاه پره	۵۳۰	جلاب گهوڑ	
اثریفیل کشنیز	۳۴۷	جلاب مطبوخ بلید زرد	۵۲۶
آهن اکسیر	۵۷۷	حب ایارج	۴۰
پاشویه درد سر	۳۱	حب سعال	۲۱۴
پوٹلی جوش چشم	۱۲۹	حب رنگاری	۱۳۳
پیش سستی قضیب	۴۰۶	حب سم الفار	۴۶۹
پچکاری سوزاک	۳۸۶	حب مضمه	۲۸۶
تدبیر گل دوائی	۴۶۵	حب مسهل	۳۰۷
تریاق نزل	۲۱۴	حب چورن	۳۱۹
تدبیر گل دوائی	۷۳	حب آتشک	۳۹۱
تدبیر مقروح کردن	۵۳۲	حب جو گراج	۳۶۲

نام ادویات	صفحه	نام ادویات
روغن سداب	۲۶۸	حب اسهال اطفال
روغن ادراق	۲۵۳	حب سورنجاں
روغن کچله	۲۵۲	حب کچله
روغن فرنیون	۲۶۵	حب اسهال ریاحی
روغن سیر	۲۲۶	حب سم افار
روغن خنظل	۲۸	حریره مقوی دماغ
روغن حب الملوک	۲۸	حریره مرطب دماغ
رَبّ انبلی	۱۲۵	حریره خشخاش
رَبّ لیمون	۸۲	حریره مجربہ مقوی دماغ
سفوف جلاب بلغمی	۳۹۱	حقہ فرنگ
سکنجبین سادہ	۲۱۵	حریره سیوس گندم
سکنجبین بزوری	۳۱۲	چشمتی مقوی معدہ
سکنجبین بزوری گر	۳۰۳	چورن ہاضمہ
سورنجاں کائنندہ	۳۰۶	چورن آگن بھکھ
سفوف ہاضمہ	۳۰۲	چشمتی ہاضمہ
سفوف کرم خشک	۳۱۲	چشمتی مزہ دار
سفوف اسہال	۵۴۲	خضاب موئے
سفوف کرم دراز	۵۴۵	خضاب موئے
سفوف ریح شکم	۱۳۲	دوائی پھول
شربت لیمون	۱۳۸	دوائی غارلش چشم
شربت انار	۱۳۹	دوائی دمعہ چشم
شربت عناب	۱۳۷	دوائی سبل
		روغن عضو خشک

صفحه	نام ادویات	صفحه	نام ادویات
۵۸	شربت نیلوفر	۲۵۷	روغن سداب
۷۱	شربت گاؤ زبان	۲۵۸	روغن ادراق
۷۰	شربت صندل	۲۵۸	روغن کچله
۵۸	شربت بنفشه	۲۵۷	روغن فرنیون
۷۲	شربت گل بلبل	۲۶۳	روغن سیر
۸۲	شربت تمر مندی	۲۶۳	روغن خنظل
۲۱۱	شربت بارد کوکناری	۲۶۳	روغن حب الملوک
۲۱۲	شربت اعجاز	۲۸۲	رُب انبلی
۲۱۲	شربت خشنخاش ساده	۲۸۳	رُب لیمون
۲۵۳	شربت مجرب خفکان	۲۷۱	سفوف جلاب بلغمی
۲۳۱	شربت حب آلاس	۲۷۷	سکنجبین ساده
۲۳۱	شربت انجبار	۲۷۲	سکنجبین بزوری سرد
۲۹۳	شربت انجبار صندلی	۵۰۶	سکنجبین بزوری گرم
۳۱۸	شربت سنا	۱۸۶	سورنجان کانسو
۳۲۵	شربت دینار	۲۶۳	سفوف باضمه
۳۳۵	شربت بزوری گرم	۲۹۷	سفوف کرم شکم
۳۳۹	شربت افستین مسهل	۲۷۱	سفوف اسهال آور
۵۰۳	شربت بزوری سرد	۲۹۸	سفوف کرم دراز
۳۴۷	شربت ورد	۳۰۴	سفوف ریح شکن
۴۹۹	شربت گلو	۳۰۴	شربت لیمون
۵۰۳	شربت بزوری	۷۶	شربت انار
۵۰۴	شربت افستین مسهل	۵۵	شربت عناب

نام ادویات	صفر	نام ادویات
قیروطی ملین سینه	۲۶۵	شریت آلو بخارا
قرص کاکج	۱۳۰	شیاف بریوما
قرص بارد	۱۲۹	شیاف جوش چشم
کحل روشنائی	۲۲۵	ضماد محلل
کاغذی طلسمی درد بلغمی	۲۵۷	ضماد درد بلغمی هر قسم
گل دوا درد هر قسم	۲۵۹	ضماد مخدر مسکن درد هر قسم
گلشنه گل بلبل	۲۶۱	ضماد جلد اثر درد بلغمی
کحل دوائی کنپشتی	۵۰	طلا مجرب شناسی شقیقه بلغمی
گلکلاج سرد	۵۶	طلا درد شقیقه
نخله درد صفراوی سر	۲۲۰	طلا جسمی ذات الجنب
نخله سرسام	۵۲۱	عرق مصفا خون
لعوق بکته الصوت	۲۵۲	عرق شیر
لعوق انبتاس	۵۱۱	عرق شیر
لعوق پوست خنکاش	۵۳۰	عرق عشب
لعوق بادام	۵۱	فرنی مقوی دماغ
لعوق پستانی	۱۸۵	فله فیدون
لعوق نقث الدم	۲۲	مقہ بلغمی
لعوقه منقشر	۳۰	مقہ صفراوی
لعوق تپ و کنگ	۵۷۷	مقہ بلغمی
لعوق تپ و سرفه خونی	۵۷۷	مقہ آدر نسو
لعوق مسهل	۱۰۶	قیروطی مرطب
منضج صفراوی	۱۱۱	قہ درج

۵۱

✓

صفحه	نام ادویات	صفحه	نام ادویات	صفحه
۳۴۴	معجون خبث الحید	۳۹	منفع بلغمی	۲۳۲
۴۰۲	معجون زرعونی	۴۵	منفع سوداوی	۴۴۳
۴۹۴	معجون وجم المفاصل	۱۲۵	منفع مرکب	۲۱۲
۴۵۲	معجون سورنجان	۵۷	ملین نفورع	۱۹۲
۹۸	ماء العسل	۹۵	منفع ماء الاصول	۴۹۱
۷۱	ماء الجبین	۳۳۳	مسهل ملین صفراوی	۷۳
۱۹۶	منجن مجربه	۴۶	مسهل سوداوی ملین گهوٹ	۷۲
۲۳۴	مرہم مجربه قروح	۲۸	ملین مبارک	۱۵۰
۳۱۱	مرہم لیمون	۲۵۵	مسهل ملین	۳۳۶
۴۵۵	معجون سیر	۳۱۸	ملین گهوٹ	۳۲
۳۳۶	ماء الاصول بزوری	۴۰	مسهل مطبوخ پیلہ زرد	۵۹
۳۲۹	معجون سائیں بخش	۸۰	معجون نخاج	۲۰۶
۳۸۹	مرہم آتشک	۸۰	معجون فلاسفہ	۲۱۳
۴۱۲	ماء الطعم ذوا آتشہ	۸۹	معجون کبیر	۲۱۳
۶۰	مطبوغ سورنجان	۲۱۷	معجون بر شعشا	۲۱۴
۵۷۲	مرہم دُنبِل کندن	۲۵۸	معجون غشی سرد	۲۱۶
۵۷۰	مرہم زنگاری	۳۲۶	معجون خیار شنبہ	۲۳۰
۵۳۲	مقدوحی نسخہ	۳۲۷	معجون پودینہ	۲۱۷
۵۳۳	مرہم خوردندہ انجیراں	۳۲۸	معجون مشہل	۵۸۱
۵۳۶	مرہم چنبل	۳۲۵	معجون دافع باد قولنج	۵۰۲
۵۶۵	مرہم سفیدہ	۳۶۸	معجون عقرب	۵۰۲
۵۷۱	مرہم قرع گنج سر	۳۶۹	معجون حجر الیہود	۳۲۲

نام ادویات	صفحه	نام ادویات	صفحه
مرهم قرص کهنه	۵۷۲	نسخه نسوار نزله	۱۲۳
مرهم قرص آتشک	۵۷۴	نسخه نسوار بلغمی گرم	۲۲۲
مرهم سندھوری	۵۲۱	نسخه مقوی دماغ	۱۵۱
مجون ریح شکم	۳۴۳	نسخه گل دماغ دوائی	۱۵۰
مرهم ناسور بگند ز گھنیر	۵۷۲	نسخه ناسور چشم	۱۵۲
پلاس درد سر	۳۲	نسخه قی	۱۸۸
نقوع ملین	۳۴۹	نسخه ناسور مسورها	۱۹۷
نسخه عرق آدر	۲۸۰	نسخه ضرس دندان	۱۹۸
نسخه نشاسته مغزی	۱۰۳	نسخه مومری مسورها	۱۹۷
نسخه مقروچی	۵۳۱	نسخه مجرب اسهال صفراوی	۲۶۳
نسخه بال خوره	۱۳۵	اسهال خونی	۲۶۳
نسخه مجرب گنج	۶۶	نسخه پیکاری سوزاک	۳۸۷
نسخه مجرب پھولا چشم	۱۳۳	نسخه مجرب خفقان سرد	۲۵۶
نسخه مجرب اندھراتا	۱۲۶	نسخه شش ناسی ضیق	۲۲۶
نسخه جوش آنکھ	۱۲۸	نسخه مجرب ضیق صدری	۲۲۵
نسخه نسوار کابوس	۱۱۱	نسخه دمه ریاحی	۲۲۵
نسوار نزله	۵۰	نسخه قرص سرطان	۲۲۹
نسخه پھولا چشم	۱۳۲	نسخه مجرب نفث الدم	۲۲۹
نسخه نسوار	۲۰۸	نسخه دمه کهنه	۲۲۷
نقوع سرد	۲۰۵	نسخه مرهم مدله	۲۲۳
نسخه پھولا چشم	۱۳۲	نسخه دھقانی ضیق	۲۲۴
نسخه مصفا خون	۵۲۹	نسخه ضیق بلغمی	۲۲۴

صفحه	نام ادویات	صفحه	نام ادویات
۳۳۶	نسخه چشنی	۲۱۹	نسخه کورک کھانی
۳۳۶	نسخه مادر الاصول بزور	۲۱۹	نسخه حریره
۳۵۱	نسخه مجربہ بواسیر	۲۱۲	نسخه حنہ پوست
۳۵۲	نسخه بواسیر	۲۳۴	نسخه قیر و طی
۳۸۵	نسخه سوزاک	۲۶۸	نسخه حب اسهال اطفال
۳۷۷	نسخه آهن اکیر	۳۸۳	نسخه سوزاک
۳۶۶	نسخه ریح شکن گرده	۲۷۰	نسخه مجربہ ضعف جگر
۳۹۴	نسخه آتشک	۲۶۷	نسخه اسهال ریاحی
۳۹۹	نسخه جریان	۲۷۸	نسخه ریاح شکن
۳۸۹	نسخه باد فرنگ	۲۸۲	نسخه ترشش
۳۸۳	نسخه اندری جھڑ	۲۸۶	نسخه صفراوی
۳۹۵	نسخه آتشک غیر حقیقی	۳۰۰	نسخه کرم خورد
۴۰۸	نسخه ملذذ	۲۹۹	نسخه مسهل کرم خورد
۴۰۱	نسخه مغلف منی	۲۹۸	نسخه کرم دراز
۴۰۴	نسخه قوت باه	۲۹۸	نسخه کرم شکم
۴۰۳	نسخه طلسمی قوت باه	۲۹۴	نسخه مجربہ کرم شکم
۴۱۱	نسخه طلسمی قوت باه صدری	۲۹۱	نسخه قه یغنی
۴۱۲	نسخه قوت باه صدری	۲۹۶	نسخه مجربہ کرم شکم
۴۱۰	نسخه سرعت ازال	۳۰۹	نسخه طین مبارک
۴۰۹	نسخه مجربہ قوت باه	۳۵۶	نسخه خوراکی بواسیر
۴۳۷	نسخه درد پر سوتک	۳۵۷	نسخه بواسیر
۴۱۹	نسخه تل بھار طفل	۳۵۳	نسخه بواسیر

۱۲۲

۴۴

۱۵۱

۱۵۰

۱۵۴

۱۸۸

۱۹۷

۱۹۸

۱۹۷

۲۶۳

۲۶۳

۳۸۷

۲۵۶

۲۲۶

۲۲۵

۲۲۵

۲۲۹

۲۲۹

۲۲۷

۲۲۳

۲۲۳

۲۲۴

صفحه	نام ادویات	صفحه	نام ادویات
۵۰۹	نسخه پرسوتک	۳۷۴	نسخه زیابیطس
۵۰۷	شناسی نسخه تپ ریح	۳۷۵	نسخه بول الدم
۵۲۹	نقوع مصفا خون	۴۶۱	نسخه لیب محدر هر قسم
۵۸۱	نسخه سگ دیوانه	۴۶۱	نسخه مجرب درد پشت
۴۹۱	نسخه شناسی مجرب تپ کهنه	۱۵۶	نسخه گنطیا بلغمی
۵۶۲	نسخه مجرب بال خوره	۵۰۰	نسخه تپ بموع اسهال
۵۵۶	نسخه خوراک برص	۴۹۹	نسخه تپ مرکب
۵۲۵	نسخه دھدری گنج	۵۵۰	نسخه خارش اطفال
۵۲۸	نسخه خارش	۴۲۱	نسخه ساقط حمل
۵۲۸	نسخه خارش اطفال	۴۹۹	نسخه شناسی تپ کهنه
۵۲۰	نسخه داد	۴۵۲	نسخه معجون
۵۳۷	نسخه چنبیل	۵۰۴	سورنجان
۵۸۰	نسخه قے آور	۵۰۴	نقوع مسهل صفرا
۵۸۱	نسخه قے آور	۵۰۸	نسخه شناسی تپ ریح
۵۸۱	نسخه قے آور	۵۰۸	نسخه تپ کهنه بلغمی و ریح
۵۸۳	نسخه درد دندان	۵۰۹	نسخه تپ واسهال و سرفه اطفال

ایں تحفہ برائے یادگار مثل طلبم اسرار نہانی
من تصنیف حکیم سائین بخش صاحب مرحوم سنیاسی فیروز پوری

طب آزمائشی

المعروف

خانہ شفا

حسب فرمائش

حکیم و داکٹر غلام سرور خاں سندھ سنہری تمغہ یافتہ

طبیہ کالج دہلی

خلف الرشید حاذق الحکما حکیم حاکم علی صاحب بھٹی پسر مصنف فیروز پوری

مالک مشہور دہلی دوا خانہ صد بازار غنیمتی

شیخ غلام حسین اینڈ سنز پبلشرز اردو بازار لاہور

سَبِّ يَسْبِرُ يَفْتَحُ وَتَمَّ بِالْحَدِّ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خالق مالک بخشہارا
خس نے چوداں طبق بنائے
صفت نہ رب دی کیتی جائے
کیتی خواہش آپ الہی
تار ب بندیاں نول آزمائے
نیک نصیبیاں دالے بندے
ہودن نیک نصیب اونہاں دے
چھڈ دیون سب بُریائیاں
سمجھ اونہاں نول کل جگ فانی
یاد خدا دج عمر لنگھاون
اوہودج بہشتاں جانڈے
إلا اللہ دا ذکر کساون
جو بدبخت ہودن انسان
کم بُرے شیطان سکھاوے
بھڑے ہون بخت جہانڈے

جس پیدا کیتا عالم سارا
تھماں باجھ آسمان ٹکائے
جے لکھ درہیاں لکھدا جائے
موت جیساں خلق بنائی
کیڑا چنگے عمل کماوے
پاون راہ ہدایت سندے
جیڑے طرف اللہ دی جانڈے
کرن ہمیشہ نیک کمائیاں
وفانہ کرسی ایہہ زندگانی
اک دم نول نہ غفلت کھاون
جو رب اپنے دا قرب پانڈے
سدھی راہ شروع دی جادون
اوہ رستہ پکڑن شیطان
راہ بھلا، کوراہیں لکے
چان چھڈ اندھیرے جانڈے

پجوری یاری، ظلم کساون
عمر ساری بریاہیاں کرے
رب توں خوف نہ ہرگز کھاون
آخر دوزخ دے وچ سرے

نعت سرور کائنات و اصحاب کبار

لکھ کروڑ درود سلام
نام محمد نبی رسول
جس دا شان بلند ذریار
جس دی کیتی صفت الہی
جس دے خاصے چارے یار
آل سنے اصحاباں تائیں
اوپر نبی علیہ السلام
جیہڑا اللہ دا مقبول
جیہڑا عالم دا سردار
وچ قرآن مجید گواہی
صدیق - عمر - عثمان - کراہ
یار رب بھیج درود اسائیں

در سبب تالیف کتاب

کہندا سائیں بخش حکیم
تشریح الطب کتاب بنائی
ہن خاطر حاکم علی تے دارا
طب آزمائشی کراں تیار
بھانویں ہون شناسی رنج
سارا اس وچ کراں بیان
میں حکمت کردیاں عمر گزاری
دافع میرے کل شناسی
تجربہ کار ولایت ہند
میں خاطر حاکم علی تعلیم
جس نوں پڑھدی عام لوکانی
جگ شیر دل جان پیارا
نسخے کل آزمودہ کار
صدری حکمت والے گنج
فائدہ پہنچے وچ جہان
کیتا سیر ولایت ساری
نسخے صدری تے آزمائشی
ملک پہاڑ ولایت سندھ

او نہاں تھیں جہیزے ہتھ آئے
 سب سے اس وجہ کران بیان
 زندگی دا نہیں بھروسا
 ہووے ایہ مشہور کتاب
 خاص برادر اک حقیقی
 راست دین مشہور اس نام
 اُس بھی آن سفارش پائی
 خاطر اینہاں بر خور داراں
 حاذقان دے مخفی اسرار
 ہووے جو نسخے میرے پاس
 اوہ بھی اس وجہ لکھو تمام
 سب سفارش ایس فقیر
 تجربہ کاراں دی کرامات
 سائیں بخش حکیم شناسی
 اس نوں پڑھ سکے خاص عناد
 سنہ ہجری تیراں سو بابی
 اکثر فانی ایہ جیاتی
 ایہ گلدستہ فیض نشان
 رب اربعہ عناصر بت بنایا
 آپے دیند از رحمت لا
 جس نوں رب نہ کرے شفا

ہووے جہیزے خود آندہ بھادیر
 یادگار وجہ رہے جہاں آپے
 اورک فنا ہے وار بہت
 اندر سارے ملک پنجاب
 حاذق بڑا حکیم رفیق ہووے
 واقف کار شناس تمام صدر
 طب آزمائشی لکھو بھادیر
 نسخے کل تجربہ کاراں علم
 اس دے وجہ کرو اظہار علم
 ہفت پشت دی وجہ قیاس پیدا
 تاں اُنہاں دے آون کام مہتر
 نسخے مثل طلسم اکیہ رب
 نسخے صدری تے مجربات اللہ
 لکھو دے وجہ طب آزمائشی جب
 دنیا دے وجہ راہی نام جد
 جدیدین ایہ کتاب بنائی
 حاصل ہونا نال مواتی
 یادگار وجہ رہے جہاں پانی
 قدرت تھیں روح اس وجہ پایا
 آپے اس نوں کرے شفا
 ہرگز

<p> قطعی حکم نہ مٹے قضا قدرت داکھ انت نہ آفے حکمت کر کر ہو گئے فانی کل ولاتناں دے دانا کامل - دانشمند - نسیم سبھے کر کر گئے قیاس سارا انت کسے نہ پایا حضرت آدم نوں سکھایا وح قرآن اللہ فرمایا کل بیماری نال دوا ہو یا رنت ربے لاچار یا رب مینوں بخش شفا رنگی دایہ دوا آیا تب تک کرساں نہ شفا کرتا ہے دوا دا فرض </p>	<p> بھادیں کرے لکھ ادپا آپے مارے آپے جوائے بہت حکیم طبیب یونانی اکڑی ہندی حکماء ہور شناسی بہت حکیم صدر بعدری علم شناس علم حکمت جو رب بنایا علم طبابت رب او پایا عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا پیدا کیتے آپ خدا مہتر موسے ہوئے بیمار رب اگے رنت کرے دوا اللہ نے اس نوں فرمایا جب تک کرسیں نہ دوا جد بندے نوں ہووے مرض </p>
--	---

در بیان آغاز کتاب

<p> اربع عناصر کمن حکما خلطوں چار ایہ نام سداں تریجا خون چوتھا سودا مٹی تھیں ہووے سودا </p>	<p> پانی - مٹی - آگ - ہوا چار جسم ہو جادوں یک بلغم - دوجا صفرا پیدائش آگ تھیں ہے صفرا </p>
--	---

پانیوں بلغم ہووے پیدا
جد ایہ رہن برابر چار
ہک پوہاں تھیں ودھ گھٹ جلاوے
جدوں بیمار ہووے انسان
سر پیراں تک کرے شناس
چونہ خلطوں دی کریں پچھان
کس خلط تھیں ہو یا آزار
کس سببوں ہوئی بیماری
جد ہووے تشخیص مزاج
صفراوی ہووے گرم مزاج
جے بلغم کرے بدن وچ زور
جے خون زیادہ نظری آ
جیکر غلبہ کرے سودا
کر خلط غالب مغلوب
ہر چیلے نال دوا غذا

خون واڈ تھیں کرے ہو یا
رہندی صحت بدن قرار
اوے وقت بیمار ہو جاوے
ساری اس دی کرے پچھان
کر کے چنگی طرح قیاس
کس خلط کیتا نقصان
مادی یا سادہ بیگاڑ
کر معلوم کیفیت ساری
پھر توں اس دا کریں علاج
کر توں اس دا سرد علاج
دے کے مسہل کڈھ پنچوڑ
جھبڈے اس دا فصد کرا
رطوبت والی کریں دوا
کر مغلوب نوں غالب خوب
بہت عقل قیاس دوڑا

در بیان شناخت علامات خون

پچھان خلط دے چار ہیں ڈھنگ
جد گندہ ہو جاوے خون
مارے وچ بدن دے جوش
سر بھارا نئے گندہ اس

نبض قارورہ، ذائقہ، رنگ
وچ بدن دے بہت زبون
عقل بدھ گھٹ جاوے ہوش
رہے ہمیشہ طبع ادا اس

رہس ہڈیں بہت نمار
جد کرے عفونت لموزلون
درم تے سو جاں کرے پیدائش
پھوڑے پھنسیاں کر سن تنگ
نلقہ بٹھا منہ دا سواد
چہرہ اکھیں سرخ ہو جاوے
سرخ قارورہ گاڑھا رنگ
کوئی ہووے نبض عظیم

سرنوں چڑھیا رہے بخار
نک دندان تھیں آئے خون
خونی مرضاں کرن رہائش
خارش دھدر مارن ڈنگ
کئی قسم دے کرے فساد
اکڑ بہت اباسیاں آون
فساد خون ایہہ سمجھ رنگ
علامتاں دموی غلط حکیم

بیان شناخت علامات صفرا

صفرا ددھے وچ تن
س تھیں پیدا ہون آزار
بد صفرا کر جادے زور
رنگ اکھیں دا زرد ہو جائے
نبض تیز رفتار
تو نہ کوڑا تے خشک زبان
کر کن جئے وچ تمام
بہت تر یہ بیمار
بیت آون تے جی متلاے
سوں آوے قے زنگاری
روں نہایت پاے زور

زرد ہو جاوے سب بدن
کئی قسم دے سخت بخار
وچ بدن دے پاے شور
چہرہ زردی رنگ وٹاے
زرد قارورہ ہلکی سار
دونویں ناساں خشک دہان
گھٹ ہو جاوے بھکھ طعام
گھبراہٹ تلخی کرے خوار
بسن زرد، کوڑی قے آوے
ہوئی اوسدی موت تیاری
بلغم سب ہو جاوے شور

رنگ
زہون
مشائش
اواس

اوہ بلغم حکم رکھے صفرا ایہ صفرا خدا دا قہر کردا بہت جسم نوں تنگ ہین علامتاں ایہ صفرا	دیوے آتش بدن لگا دج جسم بن جاوے زہر وانگ سپ دے مائے دنگ یاد رکھیں دل اندر لا
---	---

بیان علامات بلغم

علامت بلغم کراں شمار بلغم دوجی ہوئی دج جسم نیں درہتی سست حواس جستہ اُس دا کولا نرم بد ہضمی اُس نوں کرے عوار گئے گھٹ ترہیہ رنجول پھل سست چلے اس ناڑ بچہ رنگ پیشاب سفید نکوں پتلا پانی آدے سست حواس لے بہتی خواب علامتاں ایہ بلغم دیاں ہین	جیڑے اس دے خاص نشان پیدا مرض کرنے کئی قسم تھوکاں بہتیاں ڈھلا ماس ٹھنڈا رہے نہ ہووے گرم آدن کچے بہت دکار جوڑیں درد شکم دج سول ہاضمہ دے دج پوسے بگاڑ پھکا ذائقہ منہ دا وید ریزش نزلہ بہت اکا دے موندہ تھیں بہتا آدے آب کل حکیم سیانے کمن
--	--

بیان شناخت علامات سودا

علامت سب غلط سودا سودا بڑا جربخت	سائیں بخش ہن اکھ سنا پیدا کردا مرضاں سخت
-------------------------------------	---

مواد
جد غلبہ
جسم خشک
منہ تک
دل دج
رستا
رات
اکھیں
رنگ
سخت
جد معہ
فکر دے
ہاضمہ
جس
جاوے
علامتاں

کرہن
سر
ذرا

مواد سودا خلطان دا ساڑ	کر دا جتے وچ بگاڑ
جد غلبہ کرے خلط سودا	خشکی جتے جاوے کھا!
جسم خشک اکر سب جاوے	رات دھیں اس نیند نہ آوے
منہ تک خشک تے خشک زبان	سُکّا رہے سب حلق دہاں
دل وچ کر دا رہے وسواس	اڈے ہوئے ہون حواس
رستا لاغر ، دُبلّا جتے	جسم کرخت سیاہ رنگ بھٹا
رات دھیں دل ہے اُداس	فکر اندیشہ ، غم وسواس
اکھیں چہرہ سیاہ ہو جاوے	سبزی مائل رنگ وٹا
رنگ قارورہ سبز سیاہ	کیتا خشکی حال تباہ
سخت باریک ہووے اس نبض	رہے مدام شکم وچ قبض
جد معدے وچ کرے فساد	ذائقہ کھٹا جتے سودا
فکر دیلاں بہتیاں آون	ضرباں چُپکاں جسم اکاون
ہاضمہ دے وچ پوے بگاڑ	آون بستے بھس ڈکار
جس تے آوے قہر خدا	ودھ جاوے خلط سودا
جاوے اُس دی بگڑ مزاج	مشکل ہوندا اوس علاج
علامتاں سب خلط سودا	ہندی وچ دتیاں سمجھا

بینان ورد سر صفراوی

کرہن سائیں بخش عیاں	سر دیاں مرضاں الابیہاں
سر سارے دھڑدا سر پوش	ڈبا جقل جواہر ہوش
ذرہ بے رنج پہنچے سر وچ	حواس غمہ ہو جاوے زچ

جیکر درد ہووے حل
 سرنوں جددں ہوئے کوئی مرض
 جے صفرا نوں سرتھیں پیڑ
 یادی درد ہووے یا سادہ
 دھیں تے رات نہ پچے آرام
 یا کرے ہمیشہ دھوبی کار
 یا اُس کھا دا گرم غذا
 یا صفرا نے پایا زور
 یا اُس کیتا تاپ بگاڑ
 غلبہ خلط لٹیں پچھان
 بہت کرے صفرا اس تنگ
 سڑے دن تے دل گھبراوے
 گرمی اُس نوں کرے خراب
 تیز توانر ہووے نبض
 اہلی تو لے دو لے آ
 فخریں تل کے صاف کرا
 غرقہ کا سنی نت پلا
 ترے تو لے سنجییں ملائیں
 متھے اُس لے یپ کرائیں
 پاشویہ دو تے وار کرا
 بنفشہ معن آب بنا

عقل ہوش ورج پاوے خلل
 دارو جلد کرو یا لفرض
 ہووے اوکھا بہت سریر
 ہوندا جاوے روز زیادہ
 تلخی سوزش بدن تمام
 یا سرتے چکے بہتا بھار
 یا کوئی گرم یا تیز دوا
 سب بلغم بن جاوے شور
 سرنوں استھوں چڑھے بخار
 جو صفرا دی پین نشان
 ہوس قارورہ آتش رنگ
 مونہ دا ذائقہ تلخ ہو جاوے
 کرو علاج اس مرد شتاب
 زردی رنگ شکم ورج قبض
 راتیں پانی گھت پکا
 دد تو لے مصری گھول پلا
 ڈنڈے کوڈے ورج گھوٹا
 دقت شام لے نت پلائیں
 دھنیا صندل خوب گھوٹائیں
 دیوے سردی پیڑ دینا
 مالش جتے روز کرا

<p>جے صفراوی گرم مزاج کدے کدے اس تے کرائیں کل صفرا خارج ہو جائے غرفہ، کاسنی، تخم خیار بنفشہ، دھنیا، صندل بور رات پانی دے تہ کمر چار فجریں نل پن صاف کرا جے کچھ باقی رہے قصور ناساں دے جھڑا ہلاس صندل بورا - انیون کافور شریت لیموں ترش انار</p>	<p>معدے دے دے دے کرے فساد ہر ہفتہ تلیپین دیوائیں مڑ کے درد نہ شکل دکھائے گھوٹ شیرہ دیدہ نت نہا گاؤ زبان دے ڈال ضرور پنج پنج ماشے دا مقدار رنت پلا مصری دے پا نخلہ اس نوں کریں ضرور سر دی پیڑ کرے جھیناس پہرے کے دیدہ نوار ضرور دے کون صفراوی سا</p>
---	---

صفت سنگبین سادہ

<p>سنگبین سادہ کو تیار محرقة تاپ تلی میرقان بدھنسی، پیضہ بڈ کے سول ادھک سیر پانی دے ڈال ایک دو اس نوں جوش دوا ادھ سیر خالص عرق گلاب پاک سر کر اس دے پا جدوں قوام پکے اس آ</p>	<p>صفراوی مرضاں دے درکار سر کن تریہہ تلی خفقان رہن نہ استخوان ہرگز نول ترے پاؤ خالص کھنڈ اوبال لاٹیکے سپڑا دے چھنڈا داخل اس دے کریں شتاب مڑ کے دیگی دے جوشا اگ تھیں لاکے ہیٹھ رکھا</p>
---	--

<p>بوتل چٹکی صاف کرا طبع موافق رنت پلا صفراوی سردی پیر بخار ایہ صفراوی ہے تلوار جس نوں ریش کھنگ نزل</p>	<p>ٹھنڈا کر اُسل دے دج پا معدیوں کٹ سٹے صفرا کٹ سٹے جڑ سردی گھار معدیوں مرضاں کڈھے یار اُس نوں دیہ نہ ہرگز مول</p>
---	--

صفت جلاب ملین مبارک

<p>اصلی سچے بھل جلاب چٹے سُتھرے نہیں کرا بنفشہ گل تولے دو لیا رائیلی تولے ڈالو ست سیر پک پکا پانی پا قلعی دار بہترین منگوا دو تولے اُس نوں دیہ اُبال تل پن اُس نوں صاف کرا چھٹاکی گودا امتاس چھاتی دے دج لے کڈھا حصے کر کے اس دے تڑے ددجا بعد دوپہروں پیوے گوکے گھینڈ نوں گرم کرا ایہ طریقہ پیر استاد</p>	<p>ادھ پا پکا لیا شتاب گنڈھیاں مٹی روڑ کڈھا کاسنی تڑے تولے کٹا چال دانے آٹو گھت بھانڈے مٹی دچہ پوسا فخری اس دج گھت جوشا ادھا ہے اتار سمھال چار تولے دج کھنڈ ملا حل کر اس دج مال قیاس چٹکا خوب صاف کرا حصہ اک صبح پی لے قریباً وقت دیگر جد تھیوے تولہ بیون وقت ملا دل دے اندر رکھیں یاد</p>
--	---

جے کوئی بکے وار پلاوے ہے صفرا دا ایہہ جلاب ملین مبارک ہے اس دانام ملین دو تومے دفعہ کرا بعض حکیم محکم فرماون پنج تولے ترنجبین ملاون عوض گھیٹو روغن بادام جس نوں ہووے کھانسی نال استھیں اُسوں ہووے کھنگ	قے نال نکل سب جاوے دیویں حاجت وقت شتاب ایہہ نسخہ مشہور عام معدیوں کٹ سے صفرا مصری کھنڈ ہرگز نہ پاون تولہ شیر خشک وچ پاون ورتن وچ ملین عام آلو انہلی دیو نکال ہوونے روگی ڈا ہڈا تنگ
--	--

صفت ملین گھوٹ

ہک ہووے ملین گھوٹے دالی صفراوی تپ وچ قبض ہو جاوے سرنوں چڑھیا رہے بخار اس نوں دیویں گھوٹ پلا بنفشہ کاسنی پھل گلاب مغز کدو تولے دو پا نگدہ کپڑے وچ چھنا شیرہ اس دا سب کڈھا	دسائیں تینوں بہت سکھالی پنج ست روز نہ جھاڑا آوے روگی ہووے بہت لاچار کرے شتابی قبض کشا تولے دو دو ملین شتاب دندے کوندے خوب گھٹا تھوڑا تھوڑا پانی پا مصری اس وچ ڈال پلا
---	--

ایہہ گھوٹ ہندی مشہور
دیویں دو ترے دفعہ ضرور

صفت قے صفراوی

نسخہ قے دا بہت آسان
 جس نول صاف ہووے صفرا
 صفراوی سڑیا ہو یا مواد
 سرکن ترہیہ، تلخی، گھبرائی
 تپ غب محرقہ، ہڈ کی سول
 جیکر ہووے مرض دہائی
 جیکر ذرا نہ ہووے کھنگ
 صفراوی مرضاں دی تلوار
 کئی دفعہ قے کرد ضرور
 قے لاثانی ہے دواء
 چادل دو ترے چار گواہ
 جو آتش، جواں دی خوب پکا
 پختوں اُس نول قے کرائیں
 یا پکا سکنجیبیں سنا
 ترے پیالے پانی گرم کرائیں
 قہوڑا جیہا نک کھورا
 دج خلق دے کھن پھرائیں
 مر دوجا پیار چا پلا
 تریخی دفعہ ایہو دستور
 سائیں بخش نول کریں بیان
 اوس دے نال اوس قے کرا
 کرے جے معدے دج فساد
 پاوے اس تھیں جلد رہائی
 سٹے پٹ اُنہاں دی مول
 آوے مشکل نظر رہائی
 قے کرن تھیں ذرا نہ سنگ
 مردیوں زندہ کرے بیمار
 رہے نہ جھتے دج قصور
 کئی مرضاں تھیں کرنے شفا
 پہلاں اس نول لیں کھوا
 یا اس پہلوں لے پلا
 یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں
 سرکہ ہک چھٹانک پلا
 سکنجیبیں دے نال پلائیں
 ہک پیالہ دیہہ پلا
 سارا پانی چا اٹائیں
 نال تھیں کھن پھرا
 قے اس طرح کرا ضرور

مڑ گرم پانی دی اعداد جو آتش یا چاول خوب پکا جیکر دیویں بابت سول	خارج ہووے گل مواد پہلاں تھوڑی جیہی کھوا حاجت اس دی ناہیں سول
---	--

صفت پاشویہ درد سر صفراوی

پاشویہ ہک دوبار کرا بنفشہ تولے دو منگوا ادھ پالے کنک دا چھان گھت کر اہی وج جو شا اگوں لائیے ہیٹھ رکھا گرما گرم پاشویہ کر جلدی نال اس ننگ چھپا	دیوے سردا درد ونجا چار تولے گل خیرا پا ہنج میر پانی گھتیں آن تا پک جاوے خوب دوا کپڑے وچدوں صاف کرا گوڈیان تیک نہ ہرگز ڈر مت لگ جاوے سرد ہوا
---	---

بیان صفت روغن بنفشہ

بنفشہ روغن لے بنا مالش کر ہر روز ضرور جاوے اس دے کھل ماس بنفشہ لے کے تولے چار نجر دیگی وج جو شا پاک لے کے مٹھائیل ہیٹھ کر اہی دے اک پا	جسم روگی دے بنت ملا خشکی جسموں ہووے دُور نرم ہو جاوے بدن تمام رات پانی گھت رکھ سنوار گل کے پن کے صاف کرا گھت کر اہی دے وج میل نرم نرم اک نال پکا
--	--

جدوں پانی جل جاوے سب شیشے دے وچ رکھ سمہال پنڈے مالش کرد سنوار	ہیٹھ کڑا ہی لائیں جھب وقت مالش دے لے نکال نکل جاوے سب باہر بخار
---	---

صفت لخلخہ صفراوی

دھنیا کاہو صندل بُوَر خالص مُشک کافور، انیم گلاب ادھ سیر شیشے وچ پا نخلخہ نال اس آدے خواب	ہک ہک تولہ ڈال ضرور ترے ترے ماشے میل حکیم نخلخہ دم دم نال سنگھا جاوے سردا درد شتاب
--	---

صفت ہلاس وردسہر

نسخہ کراں بیان ہلاس کافور، نوشادر، چونہ لے پیچھ کے میل شیشے وچ گھت نک اگے رکھ دیو ہلاس	جاوے سردی پیڑ خناس ونہن برابر وارد ترے نال کاک منہ شیشے ڈٹا کرے شتاب درد دھاس
---	--

بیان درد ہر صفراوی مشار کی

سردا درد ہے ہودے آ ہودے درد شراکت نال جمع ہوئی کے صفراء مواد آوے اکثر دورے نال	نال شراکت کے اعضا جیونگر معدہ، جگر، طحال نم معدے وچ کرے فساد مالوں بہت کرے بر حال
---	--

معدیوں جافے سردے دہج بہت دیر تک ہے آزار کئی دفعہ صفرا نکال اطریقہ نیت کھوا کشنیر بر ہفتہ دیویں تیلیں	کرے حواس دماغی زنج روگی ہووے بہت لاچار موافق منضج مسهل نال شانی ایس نہیں کوئی چیز منضج دے کے نال یقین
--	---

بیان منضج صفراوی

بنفشہ پتے پھل گلاب نیلوفر پنج ماشے گھت کاسنی پنج ماشے مقدار لٹوریاں دس دانے کٹ ڈال کل پن اہس نوں صاف کرا چھ روز دیویں اس طویل	پنج پنج ماشے قدر حساب میل عناب دانے دہج ست سیاہ آلو دانے گھت چار رات پوسائیگی فجر ابال دو توڑے مصری ڈال پلا ملین دیہہ ستویں فی الفولہ
--	--

بیان صفت ملیں صفراوی

دہج ادھ سیر خالص عرق گلاب پنج توڑے ترنجبین ملا انبلس دا گودا تازہ دہج عرق ہے دیویں گھول تولہ یک بادام تیل پھر گھتے اس دے ترے کرا	دس توڑے گلقد شتاب کپڑے دہج گھت صاف کرا کرے توڑے پنج اندازہ چھانسی دہج کڈھ اڈل تازہ کڈھ کے اس دہج میل فجری، پیشی، عصر پلا!
---	--

ب
ل
نارنرود
لمیم
نگھا
بابناس
ترے
ڈٹ
ناسمضا
حال
فساد
بد حال

پچکی، تاپ تے سول قولنج سردا درد، قبض سرسام جے تولہ شیرخشت دج پائے تلیتین ایہہ اعظم اکسیر	ترت و نجاے ایہہ سب لہج جادن استھوں نس تمام زیادہ استھیں نفع کماے تجربہ سائیں بخش فقیر
---	--

صفت اطریفل کشنیز

اطریفل لے کشنیز بنا چھل ہریڑاں زرد سیاہ چھل ہیڑہ آملہ پا پنج پنج تولے وزن کرا چھانسی وچ گھت چھان دھیں گھنی ماکھیوں وچ گھتا ہک مہینہ رکھ ٹیکا بعد مہینہ گھاڑے بنت ایہہ اطریفل مثل طلسم بلاں سردا درد نزول خون گندہ سب کرے صفا خونی دکھ ہودن سب دور جے عضو شہدے مصری پادیں	جیویں حکیم گئے فرما کابلی ہریڑاں دی چھل لاه دھنیا دے لے مغز کڈھا حمام دتے دے وچ گوتا گھیو گوکے وچ چرب کرائیں اطریفل لے کشنیز بنا اس دا لے خمیر اکھا ہک ہک تولہ لائیے چت مرضاں دور کرے سب جسم بدہضمی، قبض، شکم داسول دیوے مرضاں پیٹ و نجا پھوڑے پھنسیاں چکنا چور گرم دکھاں وچ نفع اکھا دیں
--	---

تغریف شربت لیموں انار

شراب
شراب
دھند
شراب
زنبو
سیر
دیگچ
ایہو
صا
جیکر
استم
جو

خون
رنگ
سٹھا
ہو
موتی
سر
نوا
گندہ

<p>شربت بھون ترش انار سڑیا ہویا مواد سوداوی ڈھڈ دج رہے صفراوی سول شربت دونوں روز پلا زنبو کا غزی کے منگا سیر پکی دج مصری پا دیگچہ قلعی دار منظور ایہو قاعدہ ترش انار صاف شیشہ دج رکھ ٹیکا جیکر سڑیا ہویا سودا استعمال کرو کچھ دیر جو صفراوی ہیں آزار</p>	<p>ہتھیں اپنی کرد تیار کہنے دوکھ دموی صفراوی جیکر کھنگ نہ ہوئے سول دیوے صحت چھب خدا ادھ سیر پانی لے کڈھا دیگچی دج قوام پکا باہجہ قلعی دے پوسے قصور ایس طرح کر نہیں تیار دونوں وقت ہر روز پلا رگاں گوشت دج جاری دھا خارج کرن مواد اکھیڑ سب اونہاں نہیں ہون نزار</p>
---	---

بیان درد سردموی یعنی خونی

<p>خون تھیں ہووے جے سر پڑ رنگ اکھیں چہرے دا لال کٹھا ذائقہ نمٹہ دا سواد ہووے گاڑھا سرخ قارورہ موٹی چوڑی نبض عظیم سرنوں چڑھیا رہے بخار گندہ خون کرے جد زور</p>	<p>سرخ ہو جاوے رنگ سر پر گندا لہو کرے بد حال کرے تعفن خون مواد نشان خلط خون دا پورا دموی غالب خلط حکیم بہت دیوے تکلیف آزار پادے سرد دج جائیکے شور</p>
---	---

دیوے سردی خون اہمارے سرگز کم نہ سوچھے کار جھدے اس دا کرو علاج متھے وچوں نار ٹکا استرے نال پہلاں پچھا تھوڑا تھوڑا فاصلے نال دیوے خون دا جوش بٹھا	سر بھارا درد تراٹاں مارے رووے روگی ڈھائیں مار جاوے اس دی بگڑ مزاج سرا رو دا فصد کرا رو کٹاں پچھے سنگیاں لا موافق قوت خون نکال پچھوں اس نوں دیہہ دوا
---	---

بیان نقوع سرد

فصد بعد کرا اس شروع بنفشہ گل چھ ماشہ پائیں انبلی دو تولے وچ گھت دانے ست عناباں نال راتیں پانی گھت پلوا مصری ڈال دو دقت پلا دیوے خون دا جوش گھٹا	کراں بیان یک سرد نقوع نیلوفر تولہ منگوائیں دانے آٹو سیاہ دے ست کاسنی نو ماشے کٹ ڈال ستھ دارو لٹیں پلا فجریس تل پُن صاف کرا ترے ہفتے استعمال کرا
---	---

نسخہ مجربہ مصفا خون

استعمال ہے کریں طیب کرے قصور خداوند معاف سر دا درد ہو جائے دفع	ہور یک نسخہ بڑا عجیب گندہ خون کرے سب صاف جوش خون نل دیوے نفع
--	--

مونڈی
سفید
عناب
کر کے
ہفتے
برگ

سبب
سرد
سرد
علامہ
پھگ
منہ
ترید
سفید
ساد
گرم
کیس
کچلا
شامل

مونڈی بوٹی تو لیا سفید صندل بورا وچ گھت عناب ولایتی آلو سیاہ کر کے پانی وچ نقوع ہفتے ترے چار بے پیوے برگ بکین یا بغم گھوٹا	پا پڑہ پنج ماشے وچ پا دھنیا ہرا ہک ماشے ست پنج پنج دانے کر ہمراہ فصلوں بعد کراؤ شروع فضل خدا تھیں چنگا تھوے سر کے دے وچ کر د طلا
---	---

بیان درد سر بلغمی

سبب بلغم سردی یا باد سرد چیز جد کھائے پیوے سردی تھیں اس پوے بگاڑ علامت بلغم نہیں پچھان پھٹکا ذائقہ بول سفید منہ تھیں تھکال بہت آب تر یہ نہ لگے اس نوں مزل سفید اکھیں چہرے دارنگ سادہ جیکر ہووے درد گرم چیز اس پوے مفید کیسر سنڈھ افیم گھسا کچلا، مٹھا تیل یا شامل نال افیم وچ گھس	کرے جے سردا درد فساد سردا درد بہت ودھ جائے ہووے روگی بہت لاچار جیھڑی اس دی خاص نشان ڈھل نبض چلے اس دید جائے بہت آٹھ اس خواب رہے شکم وچ قبض رنجول غلبہ بلغم سمجھ سنگ طبع مزاج نہایت سرد کرو معالجہ نال تاکید منٹھے اُتے کر د طلا بول دچھے دے وچ گھسا جائے درد شتابی نس
---	---

کار
لاج
مٹکا
پچھا
نال
بٹھا

نرود
پائیں
ست
نال
پوا
ت پلا
گھٹا

طیب
حات
دفع

اچھے کے کاغذی دانگ لگا
 دودھ اک دا لے چڑا
 درد دالی جگہ تے رکھ
 فرنیون گھس وچ شراب
 مصبر، رائی، مایوں لے
 پیچہ سر کے وچ کرد طلا
 رائی سرکہ گھوٹ لگا
 گرم درا دی دیہ نسواں
 سر مٹھ تے لیپ کرا
 ڈنڈے گوندے وچ گھوٹا
 اک تے رکھ کے گرم کرا
 نیم گرم اس کرد ضمد
 بذر البج نوں خوب گھوٹا
 نوشادر ماشہ خوب پسا
 خالص کیسر اصل انیم
 پیچہ کے دے ناسیں نسواں
 سرتے ماش روز کرا
 سردا درد پورا نہ ہو
 ہودے بلغی خاص مزاج
 پینے وچ دو تے کرا
 بعد ہفتے تک کرد علاج

دیوے فائدہ تروت لگا
 پنہ روں دے نال لگا
 تروت فائدہ لٹیں پرکھ
 لادیں پھونچے فیض شتاب
 ہر یک ہودن ماشے تروت
 دیوے فوراً درد اڑا
 پلستر بے ایہ عجیب ددا
 برتھیں سردی کڈھے بار
 حرمل - سُنڈھ - بابونہ پا
 پانی تھوڑا تھوڑا پا
 تیل مٹھا کچھ وچ ملا
 ہودے دفع شتاب فساد
 گھت سرکے وچ کرد طلا
 مرچاں کالیاں چار ملا
 ہک ہک رتی وزن حکیم
 ہودے سردا درد فرار
 گرم روغن کوئی آپ بہا
 تروت بہت بے رہ کھلو
 منصف مسهل اس علاج
 دو جلاب ضرور ددا
 دو جی تے کردا شتاب

ایہو
 دو تروت
 خوب
 جوش
 جب
 منصف
 طبیعت
 ایہ
 اطرین
 وچ

حکماء
 پچھور
 ایہ
 سولف
 ملٹھی
 منقہ
 گافند
 کل
 ہفتے

ایہو یاد رکھو دستور دو ترے چار مہینے تیک خوب طرح تنقیہ کرو جوشاندہ دیہہ منضج کروا جب پک جاوے خوب مواد منضج پنج ست روز کرا طبیعت اس دی کرو صفا ایہہ اطرینل اس صغیر اطرینل اوس کھوا زمانی دوچ فترا بادیں کتاب	رہے نہ سبھتے دوچ قصور استعمال کرا دیں ٹھیک حب ایارج نال نہ ڈر کچی بلغم خوب پکا مسهل دے کے کڈھ فساد مسهل چفتے بعد دوا دو ترے چار جلاب کرا ہے اس دے حق دوچ اکیر نہیں کوئی نسخہ اس دے ثانی اوتھوں دیکھ بنا شتاب
--	---

صفت منضج بلغمی

ٹھکانا دل دا ہے دستور پچھوں اس تول جلاب یواؤن ایہہ جوشاندہ کاہڑ پلا سولف نویں پک تولہ لیا لمٹھی نو مانے کٹ ڈال منقہ دہ دانے دوچ پا گلقد سوا سب رات پوسا مل پین اس تول صاف کرا ہفتے پچھوں کرو جلاب	منضج پہلاں کرن ضرور بادی موزی دفع کراؤن دیوے بلغم خام پکا تولہ پر سیاہ شال پلا دانے پنج انجیراں نال پنج تولے گلقد ملا نخریں گھت گلقد جوشا ایہہ منضج ست روز پلا حب ایارج نال شتاب
---	--

لگا
لگا
رکھ
ب
کے
ڑا
دوا
بار
پا
پا
پلا
فساد
وطلا
ملا
حکیم
فرار
بہا
کھلو
علاج
دوا
شتاب

صفت مطبوخ ہلیلہ زرد

جلاب مطبوخ ہلیلہ زرد
چھل ہریڈاں زرد لیا
ہر ایک ہودن تولے چار
کاسنی، سونف ہریڈاں سیاہ
سناکی تولہ ایک گھت
کل کے پٹن کے صاف کرا
حصے اس دے ترے کرا
وقت پیون دے گھیو کھنڈ ڈال

جلد و نجاوے سردا درد
اصلی پھل گلاب ملا
بنفشہ یک تولے مقدار
دو دو تولے کر ہمراہ
پوسا، جوشا ایدہ دوست
چھانکی انبلس ملا
فجری، پیشی، عصر ملا
ہر ہفتہ کر استعمال

صفت حب ایارج

حب ایارج ہے اکسیر
ترودی تولے چار سفید
تولہ غاریقون ملا
رب السوس تولہ وچ پائیں
داند کٹ سب جمع کرا
عرق سونف وچ بٹھو حب
گولیاں دپے رکھ سکھا
چھ ماشے دا وزن ملا
ہر ہفتہ کر استعمال

بلغم خارج کرے سریر
سفونیا اصلی تولہ وید
کر کے چھانسی وچ صفا
مصبر تولہ نال ملائیں
مڑ کونڈے وچ گھت گھوٹا
دانے بانہ برابر سب
میشے دے وچ ڈال لٹکا
تازے پانی نال پھکا
دیوے بلغم سب نکال

جے مریض
شقیقہ، خ
کرے کرے
ہو دے رو
بلغم بخیر
چھ ماشے
پنج چھ
جے بلغم نال
یا گنٹھیا
ایہ گولیاں
وڈھ وڈھ

پہلاں
دیہ گولہ
داسط
سائیں بخ
جے مریض

ترودی
ماشہ دو
پہلاں

جے مریض کم قوت ہو
 شقیقہ، خدر، صرع، نسیان
 کرے کسے نوں بلغم تنگ
 ہووے روگی بہت لاچار
 بلغم تھیں ہووے نقصان
 چھ ماشے دا وزن پھکا
 پنج چھ ست تنقیہ کر
 جے بلغم نال بدن پھل جائے
 یا گنٹھیا، بلغمی ہوس آزار
 ایہہ گولیاں دیہہ ہر ہفتہ دار
 وڈھ وڈھ بلغم لاوے ڈھیر
 پہلاں اندر نرم کرا
 دیہہ گولیاں حب ایاج نام
 واسطے خارج بلغم کل
 سائیں بخش کیتا کئی باد
 جے مریض کم قوت ہو

فاصلہ دیوے ہفتے دو
 رہن نہ دیوے نام نشان
 درد جوڑاں وچ مالک ڈنگ
 چل نہ سکے ہوس نہ کار
 آون ظاہر نظر نشان
 ست ست دن دا فرق کرا
 منضج دے کے ذرا نڈر
 بھارا بہت جسم ہو جائے
 درواں پیڑاں کرن لاچار
 کٹ سے بلغم دا بھار
 دسے بلغم دی پنج ادھیڑ
 چانول گھیو کھنڈ دودھ پلا
 مشہور حکیمان وچ تمام
 نہیں جلاب کوئی اسدے تل
 ایہہ نسخہ آزمودہ کار
 فاصلہ دیویں ہفتے دو

سفوف جلاب بلغمی

تروی تول بہت مفید
 ماشہ دوکٹ مسندھ پلا
 پہلاں گھیو وچ چرب کرا
 عشق پیچہ چھ ماشہ دید
 تازے پانی نال پھکا
 مصطلکی پیس ماشہ وچ پا

درد
 رطا
 قدار
 مراہ
 ست
 ملا
 پلا
 اعمال

سریر
 وید
 صفا
 ملائیں
 گھوٹا
 سب
 ال
 پھکا
 بکال

بلغم دا ایہ خاص جلاب

متفج کر کے دیہو شتاب

صفت قے بلغمی

قے کراون دی ترکیب
قے جیہا نہیں کوئی دوا
صفت نہ قے دی کیتی جاے
ملک ہند وچ نہیں رواج
استقاء مرگی اسمہاں
تپ غیب بلغمی باد فرنگ
ایہ جادون دکھ پڑانے ہو
کئی دفعہ اس فوں قے کر
ہووے ہر دا درد پڑانا
ریشہ نزلہ کھنگ نزل
طبع موافق قے کردا
موافق قوت طبع بیمار
چا دل تھوڑے جیسے پکا
پچھوں اس فوں قے کراوین
تخم مولیٰ تے سوئے یا
مین پھل دا ڈوڈہ ہک پا
ترے پیالے پانی مع ڈال
مل چن اس فوں صاف کرا

نال عقل دے سمجھ طبیب
ہوئے مریض بہت شفا
نویں پڑانے دکھ دنجاوے
کرما قے دے نال علاج
بھادون ہوون کتنے سال
پیڑاں درد کرن جس تنگ
فائدہ کرے دوا نہ کو
اندر اس دا کر کے تر
رہے مدت تک مل ٹھکانا
جیکر ذرہ نہ ہووے مول
دیوے اس فوں رب شفا
مہینے وچ دے دو ترے وار
پہلاں اس فوں لئیں کھوا
یاد رکھیں مت بھل نہ جادیں
ہک ہک تولہ وزن کرا
ڈوڈے کوندے وچ درٹا
دیگی دے وچ گھت آبال
تھوڑا جیہا نمک کھورا

مرکہ
بھرے
جہ
ترے
پانی
مدد

اطریقہ
چھل
چھل
پیچ
گھبو
بعد
چاندی

روغن
تہے
کا شہل
ترے

مرکہ تیز چھٹا کی گھست بھر کے پیالہ تر ت پلا بد او پانی نکل جائ تریجے دا ایہو دستور پانی اس نوں ہو پلا مدد دیہہ پانی دی ہو	کھنڈ ملا وچ تولے ست وچ حلق دے کھنڈ پھرا پیالہ دو جا جلد پلا تے کروا نہ رہے قصور دو ترے پیالے گرم کرا نمک حقوڑا جیہا وچ کھور
--	--

تعریف اطریشل صغیر

اطریشل لے بنا صغیر چھل ہریڑاں زرد ہیا چھل بہیرہ ہریڑاں سیاہ پنج پنج تولے وزن تول گھيو گوکے وچ چرب کرا بعد مہینیوں شروع کرا چاندی ورق جے نال ملاویں	دماغی مرضاں نوں اکیر کابل ہریڑاں دی چھل پا آملہ صاف کرو ہمراہ کٹ چھان سب جمع کرا ترے جتے ماکھیوں وچ ملا دو دو تولے وزن دوا فائدہ بہت نہایت پاویں
--	--

صفت روغن گرم

روغن گرم بنا ضرور تہے تولے کوڑی کھ ملا کاشپھل ، مال کنگنی نال ترے اجونیاں تولے ترے	جیوں حکماواں دا دستور تور گل بابونہ ، پا اک اک تولے وچ ڈال تور دانے حرمل لے
---	--

اب

یبیب

شفا

وے

علاج

سال

تنگ

نہ کو

تر

ٹھکانا

مول

ب شفا

رے وار

ییں کھوا

نہ جاویں

وزن کرا

وچ درٹا

ت آبال

کھورا

عقر قرھا کٹ لونگ رلا دارو چھو وچ کوٹا فجری دو ترے جوش دوا پاک پکا مٹھاتیل نرم نرم ہیٹھ اگ جلا کر کے صاف بوتل وچ ڈال گٹھیا واؤ، لقوہ ادھرنگ ہک چلیہ مالش کر	اک اک توٹہ وزن کرا رات پانی گھت رکھ پوسا مل کے، پین کے صاف کرا گھت کڑا ہی دے وچ میل جل جادے پانی ہیٹھ لہا وقت حاجت کر استعمال جوڑیس پیڑاں مارن ڈنگ جاون ٹس پیڑاں چھڈ گھر
---	---

صفت نسوار گرم

سب سردی ہووے سرگھا توٹ لے کشمیری پت سٹھ لونگ لے مریج سیاہ تریان پوست ماشے چار نزلہ، سردی پیڑ، زکام	گرم دوا دی دیہہ نسوار توٹے دو کا پھل وچ گھت ترے ترے ماشے کر ہمراہ کٹ چھان کر سب نسوار دیوے جلدی نال اہرام
--	---

بیان درد سوداوی

سودا تھیں پیڑ جے سردی ہو مادہ سٹریا ہو یا سودا جائیے سرو وچ مارے ڈنگ نٹکی اس نوں کرے خراب	بہر سارے وچ رہے کھلو داخل ہووے بہر وچ جا بہت کرے روگی نوں تنگ پونچے بہر نوں سخت عذاب
--	---

نشان
ہووے
رنگ
منہ
دیکے
مالش
دو تر
جد
دو
جد
دو تر
خرفہ
دھنیہ
رات
فجری
شامل

منضج
کاسنی
پا پڑا

نشان غلط دا کہیں معلوم ہووے کہڑی نبض باریک رنگ قارورہ سبز سیاہ مُنہ دا کھٹا ترشش سواد دیکے روغن دار غذا میں مالش اُس نوں روز کریں دو تہے دفعہ دھاڑی دج جد خشکی ہو جاوے دور دو ہفتے مُنضج اوس کرا جد ہو جاوے نرم مواد دو ترے چار جلاب کرا خرفہ، کاسنی، تخم حیار دھنیاں، مونڈی، صندل بول رات پانی دج تہہ کر چار فجری تل، پُن صافا کرا شامل نال جیکہ صفرا	حکماواں دی جیویں رسوم رنگ سیاہی اٹل ٹیک علامت پختہ خاص سودا جد معدے دج کرے فساد خشکی اُس دی دور کریں گل روغن، گوکا گھیو ملا میں مالش کریں نہ ہوویں زنج مُنضج اس نوں کریں ضرور جاوے چنگا یک سودا مُشمل دے کے کڈھ شتاب پہلا مُنضج اوس دیوا گھوٹ شیرہ دے نت نہار گاؤ زبان دج ڈال ضرور پنج پنج ماشے دا مقدار نت پہلا مصری دج پا ہووے سرد نفوع پلا
---	--

صفت مُنضج سوداوی

مُنضج کر سودا مزاج کاسنی پر سیاہ نشان باد پا پڑا، پھلی ہوئی ملٹھ	حکماواں دا جیویں رواج بنفشہ، نیلوفر، گاؤ زبان پنج پنج ماشے دارو اٹھ
--	---

کرا
سا
کرا
بل
لہا
مال
نگ
گھر

سوار
مت
ہمراہ
سوار
اکرام

کھلو
سج جا
تنگ
عذاب

دیہہ لسوڑیاں لے درڑا
 دارو سبجے رات پسا
 چار تولے خالص گلقد
 دے کے دو ترے چار اُبال
 دو ہفتے مُنضج کر اس طور
 شامل نال جے کر صغرا

دانے اکٹھے عناباں
 فجری چوڑھے چاہڑ جوش
 نال جو شاندرے کریں بیوند
 کر کے صاف کر استعمال
 پکھوں مُسہل دیہہ فی انفور
 مُنضج ہفتے تیک لدا

صفت مُسہل سودا

ہر خلط دا ساڑ سودا
 جس خلط دا ساڑ شکایت
 پنج تولے اصلی پُھل گلاب
 بنفشہ کاسنی، سونف، ملٹھ
 دو تولے زرد ہرڑ دی چھال
 ترے ماشے چنگی نویں سنا
 پا پڑا نو ماشے وچ پائیں
 پنج تولے گودا انبقتاس
 تھنڈ سفید چھٹا کی تول
 جتے اُس دے ترے کرا
 فجری، پیشی، عصر ضرور
 دو ترے دفعہ چار یا پنج
 دفع کرا دیں سارا کھوٹ

آکھن اُس نوں کل حکماء
 وچ مُسہل دے کریں رعایت
 دیہہ لسوڑیاں دہ عناب
 ہک ہک تولہ کریں اکٹھے
 آٹو دیہہ دانے وچ ڈال
 چھ ماشے تروی کٹ ملا
 سبجے دارو دات پوسائیں
 تازہ لے کے نال شناس
 وچ جو شاندرے دیویں گھول
 ترے دارو دن وچ پلا
 کرے موزی سب دور
 کریں جلاب نہ ہوویں رخ
 مڑ کے پھیر نہ مارے چوٹ

ہور
 حکمت
 جیہڑا
 مرکب
 ہک
 مرکب
 بناؤ

گھوڑے
 کرے
 سونف
 تخم
 ڈنڈر
 تولے
 نگدہ
 شبیہ
 ایہہ
 سبب
 ایہہ
 خشی

ہور بھی اوس دا کریں علاج حکمت ہے عقل دا کم جیہڑا آوے دج شعور مرکب مسلسل ایہ جلاب ہک بلغم دوجا صفرا مرکب خلط عفونت دار بناؤندا ایویں دستور	موافق جیہڑا طبع مزاج اوپر علم نہ ماریں دم دیویں موافق طبع عنزور ترے خلطان خارج کرے شتاب ترتجا سڑیا ہو یا سودا کڈھے باہر بدن تھیں بار پکچھے ہو یا جویں مذکور
---	---

صفت جلاب گھوٹ

گھوٹے دا ہک عجیب جلاب کرے شتابی قبض کشا سونف، بنفشہ، مغز بادام تخم کاسنی لے دج پا ڈنڈے کوٹے دج گھوٹا تولے بیج خالص گلقد نگدہ کپڑے دج پھنا شیرہ خوب صاف کرا ایہ گھوٹے دا خوب جلاب سبب خشکی جیکر سر پیڑ ایہ سردرد سودا دی سادہ خشکاش تے مغز بادام گھوٹا	سائیں بخن کرے بیان شتاب دفع کرے مادہ سودا کدو مغز، سناء تمام ہک ہک تولہ سب دوا مخوڑا مخوڑا پانی پا گھوٹے نال کرو پیوند پانی ہتھاں نال ملا روگی تائیں ترت پلا صاف شکم نوں کرے شتاب دیوے سرنوں دکھ سریر ہوے روز بروز زیادہ دیہ شیرہ مصری دج پا
--	---

اں پا
جو شتاب

یا پیوند

مفعول

فی انقور

رہا

ن حکماء

ی عایت

عنا ب

ی اکٹھ

ج ڈال

کٹ ملا

پوسائیں

ن شناس

یویں گھول

دج پلاء

ب دور

وویں رنج

رے چوٹ

مقوی مغز اس کر دوا
حریرہ دیہہ خشخاش پکا دیوے سر نو

صفت حریرہ مقوی دماغ

ترے تولے خشخاش سفید
ہک تولے گھٹ مغز بادام
شیرہ کڈھ کے صاف کرا
چار تولے مصری وچ گھٹ
ایہہ حریرہ نت پلا
ردغن مغز کڈو بادام
مصری مکھن فخر چٹا
چار تولے مغز ہک دیہہ
گھوٹ پانی دے وچ مدام
چار تولے گوکھ گھیو پاء
پتلی خوب پکا دیں پت
دیوے خشکی مغز گوا
ناسیں اوس چڑھا مدام
بکھی دا دودھ شام پلا

سندھ، گھار
اک دا دودھ
کوزے وچ
خوب طرح لے
ایہویں اس
مرگی رتج

نسخہ مرطب دماغ

شیرہ مغز کڈو بادام
مصری کچھ قدرے وچ ڈال
گلاوہ شیر بلا وچ عام
کر کے گرم کر استعمال

جرٹ آک دی
گل حکمت کوز
سبب سردی
دیہہ اُس نوں
بایوں گھوٹ
ایہہ بھی ٹوٹکا
یا لسن دا
نرفیون وچ

بیان درد سر ریاحی

سبب رتج جیکر سر پیڑ
سردی رتج گھٹے سر لاٹ
جادے ہو پڑانی پیڑ
روک ڈھانیں مابے نت
عجائب اک نسخہ نسوار
ہو دے رہے روگی دلگیر
دانگ سمندر مارے ٹھانڈ
کوئی نہ چل سکے تدبیر
رہے بیزار ہمیشہ چم
سائیں بخش توں کر اظہار

دیوے سرنوں جلد آرام	توڑے سردی رتج تمام
نسخہ نسوار	
<p>گھت کوزے وچ، اک چوا دھپے رکھ کے خشک کرا وچ انگلیٹھی اگ دے دھر پیہہ کے رکھ بل وچ نسوار رہے نہ سردی رتج آزار جاون استھوں چھوڑ مکان</p>	<p>سندھ، نگھاں، مرچاں درڑا اک دا دودھ اتوں تروا کوزے وچ گل حکمت کر خوب طرح لے اس نوں ساڑ ایویں اس نوں دیہ نسوار مرگی رتج والی نیان</p>
نسخہ نسوار	
<p>اک دا دودھ اس وچ پا پیہہ کے خوب بنا نسوار سردا درد جے کرے فساد ہووے رتج دا درد فرار ادرک دا پانی وچ پا درد رتج تھیں کرے آسودہ دیوے رتج دا درد گوا لاویں جاوے درد شتاب</p>	<p>جڑ اک دی چھل لہا گل حکمت کوزے وچ ساڑ سبب سردی رتج بلغم باد دیہ اس نوں جلدی نسوار بالیوں گھوٹ کے لیپ کر ایہ بھی ٹوٹکا ہے آزمودہ یا لسن دا کرد طلا نزفینون وچ رگڑ شراب</p>
نسخہ نسوار مجربہ	

پکار

دید

مدام

پاء

بت

گوا

ندام

م پلا

عام

متعال

دنگیر

ٹھاٹھ

تدبیر

چشم

راہا

پنچ لونگ، پنچ مرج سیاہ کیسر خالص، اصل افیم کا ٹپھل، کندش صندل بور پیپہ کے دیہہ اس نوں نسواں	تڑیاں پوست کر ہمراہ شامل کر ادس نال حکیم ہر اک تڑے تڑے ماشے پورا رہے نہ سر دا ذرا آزار
--	---

بیان درد شقیقہ

درد شقیقہ مندا روگ پیڑاں نال ادھا سر زنج ٹوٹنگہ یک عجیب اقسام کیسر، کیکر گوند، افیم سٹڈھ دی گنڈھی نال گھسا درد والی جگہ پیچھوا عصابہ، ہلاں درد تمام کچی کاغذی ایہ مشہور کاہو، بذرا پنچ، افیم سر کے دے دج خوب گھسا	ادھے سر نوں رہندا سوگ ادھا رہے آسائش دج دساں تیرے آدے کام یک یک ماشہ قدر حکیم پانی تھوڑا جیسا ملا رون ادھ کر چمڑا دیوے اُسے وقت آرام وقت حاجت دے کریں ضرور کیسر، مشک کا فود حکیم درد اُتے جھب کر د طلا
--	---

نسخہ نسوار

سٹڈھ، نشادر، مرج سیاہ وزن برابر دارو چار بہت دفعہ اس نوں آزمایا	تڑیاں پوست کر ہمراہ پیپہ کے دے ناسیں نسوار فائدہ بہت نہایت پایا
---	---

طلا مجربہ درد ہر قسم

<p>آگ دا دودھ افیم گھسا درد والی جگہ تے رکھ ہلال سردا درد ریاجی نوشادر سیل تے رکھ گھسا چاہڑو ناسیں نال وقوف فرنی اُس نوں نت کھوا</p>	<p>پنبہ روں دے نال لگا فوراً فائدہ لئیں پرکھ پادیں استھوں جلد رانی پینچ بوند پانی وچ پا ہووے فوراً درد موقوف نال شیرہ خشخاش پکا</p>
--	---

نسخہ فرنی مقوی نارغ

<p>ترے تولے خشخاش سفید راتیں پانی وچ پوسا کپڑے دے وچ صاف کرا نشاستہ لے چھٹا کی آن نشاستہ جد ہو جاوے لال فرنی کہ اس طرح تیار جیکہ کوئی ہو سبب سبب صفرا شقیقہ درد موافق خلط جلاب کرا</p>	<p>مغز بادام تولہ گھت وید فجری گھوٹ شیرہ کڈھوا ادھ پاؤ مصری نال ملا ادھ پاؤ گھیو وچ کر بریان شیرہ جھب اس دے وچ ڈال کھاے نت نہ رہے آزار موافق طبع دارو کر جھب ہووے رنگ ہو جائے سرد کل صفرا خارج کرا</p>
--	--

پچھوں اُس نوں سرد نقوع
دو ترے ہفتے رکھ شروع

صفت نقوع سرد

اصلی سچے پھل گلاب کاسنی، انبلی دارو چار بنفشہ چھ ماشے گھت رات پانی دج تر کردا ترے ہفتے ایہو کار	چھل زرد ہریاں میل شتاب ہر ہک تولے دا مقدار میل سیاہ آلو دج گھت فجری مصری ڈال پلا دیوے سردا درد امار
---	---

بیان درد عصابہ

درد عصابہ مرض خراب بھروٹے اُتے ہووے پیڑ شروع ہووے چڑھدے دینہ نال رہے آرام ساری دج رات مشہور ہندی دج دینہ بھارا سخت پیڑ ہوش برلاوے پیدا ہوندا بعد زکام حمارت فضلہ دج مل جاوے ریش گرم بھروٹے دج کر دا درد نہایت تنگ دو ہفتے اس دی میعاد وانگوں داری دالے تاپ	دیوے سرنوں سخت عذاب پھونچے تنگی بہت سریر گھٹے سورج جد پھڑے زوال ہووے صبح شروع بد ذات نام اس دالیندا جگ سارا ڈھائیں مار روگی کرلاوے سڑکے فضلہ فاسد خام فاسد ہو کے شور مچاوے داخل ہو کے کر دی زنج وانگ اٹھوئیں مارے ڈنگ وت ہو جاوے دفع فساد چلا جاوے مہلت تے آپ
---	--

دھنیا، کاسنی، نیلوفر
 چھ چھ ماشے وزن تمام
 بنفشہ شربت نیلوفر
 کیسر، کبکیر گوند، افیم
 درد والی جگہ پچھوا
 مُشک کافور افیم ملا
 روگی دے وچ تک چڑھا
 دھنیا، صندل، مُشک کافور
 ڈنڈے کوٹھے وچ گھوٹا
 متھے اوتے لیپ کرا
 افیم بقدر مسور گھسا
 کرے دفع جھب سردی پیڑ
 سرکہ مُشک کافور ملا
 گرم پانی دی کرو نطول
 بسبب لہو بے ہووے پیڑ
 فاسد خون دی اے نشانی
 ہر جیلے اُس کڈھو رت
 شربت دیبہ عذاب پکا
 گرم غذا نہ ہرگز کھاوے
 جیکر رت تھیں ہووے پیڑ
 دساں اک میں عجب دوا

بنفشہ گل نوں شامل کر
 نقوع پلا صبح تے شام
 فجرے شام پلایا کر
 پیہہ کے پانی وچ حکیم
 رول آلودہ کر چمڑا
 گل روغن دے وچ گھسا
 دیوے جلدی نفع دکھا
 تخم کاہو وچ میل ضرور
 پوست دا پانی وچ پا
 دیوے اُس نوں رب شفا
 میل روغن گل کرو طلا
 رکھے حکم وانگ اکسیر
 شیشے دے وچ گھت سونگھا
 فائدہ بخشے بہت رنجول
 متھے وچوں چھڈیں سیر
 سوزش، سُرخ وچ پیشانی
 عصابہ درد نہ ہووے وت
 خون گندہ سب کرے صفا
 گرم درد نوں ضرر پہنچاے
 بادی بلغم وچ سریر
 دیوے رت دا درد ونجا

اک دا دودھ افیم گھسا درد والی جگہ تے رکھ	آلودہ رُوں دے نال کرا فوراً فائدہ لئیں پرکھ
---	--

صفت گل روغن

گل روغن دا کراں بیان ادھ پا سچے پھل گلاب فجرے دو ترے چار اُبال کپڑے وچ گھت صاف کرا پاک لے کے مٹھائیل نرم نرم ہیٹھ اگ جلا کر کے صاف شیشے وچ ڈال مانش کر ہر روز ضرور آکھن ایس نوں روغن گل تازہ سچے پھل گلاب دھپے چالی روز رکھا	بناون جس دا بہت آسان رات پوسا وچ تر کر آب دے کے کل اوس خوب سمال وچ کڑا ہی پھیر جوش دونویں وچ کڑا ہی میل جل جاوے پانی ترت لما وقت حاجت کر استعمال خشکی کرے بدن دی دُور روغن نہیں کوئی اس دے تل تیل مٹھے وچ ڈال شتاب آفتابی روغن کن حکما
--	--

بیان سرسام دموی

سخت مندی زحمت سرسام علامت دموی لئیں پچان اکھیں سرخ نہایت لال تاپ نہایت ہوئے زور	تاپاں اندر ہووے عام جھپڑے اس دے خاص نشان مطبقہ تاپ ہووے اس نال دیوے قوت بدن تروڑ
--	---

<p>خون گندہ سر نفل چڑھیا جائے قائم رہن نہ ہوش حواس بھارا سر ہاشا اس آدے کرے بے ہودہ بات کلام جھب دے اس دافصد کرا دو کناں، موراں پلپیانوچ پچھوں اوکس تیلیں کرا مادہ خارج کرے تمام شربت رنت پلا عناب</p>	<p>پردہ مغز ورم کر جائے دُور ہو جاوے فکر قیاس دھج بے ہوشی تاپ بڑاے دفع ہو جاوے عقل تمام سرا رونوں نشتر لا پچھاں والیاں سنگیاں کھج دیوے دکھ سرسام و نجا رفو چکڑ ہووے سرسام کرے صفا سب خون خراب</p>
--	---

ترکیب شربت عناب

<p>دس تولے آلو نویں سیاہ بنفشہ، کاسنی، نیلو فر دو سیر پکا پانی پا فحری چوٹے چاہڑ اُبال نل کے پن کے صاف کرا ترے پا مصری لیا سفید جد اوہ شربت چھڑے تار دو ترے تولے صبح پلا شربت چالی روز بے پیوے صفرا دی خالص یرقان</p>	<p>عناب برابر کر ہمراہ دو دو تولے شامل کر رات دو سب رکھ پوسا ادھار ہے تاں لاه سمہال مڑ دیگی دھج گھت جو شا داخل کر اس دے دھج وید اگ تھیں جلدی نال اُتار وقت شام پانی دھج پا گندہ خون صاف سب تھیوے مطبقہ، محرقہ دوکھ خفقان</p>
--	---

پھوٹے پھنسیاں گرم بخار پھیر بنا جے ہووے لوٹ	دفع کرے سب گرم آزار دیوے گرمی جگروں توڑ
--	--

در بیان سرسام صفراوی

صفرا تھیں جو ہووے سرسام محرقة تاپ چڑھے اس نال تاپ محرقة والی زہر سرکن زرد اکھیں دارنگ صفرا بدن وچ پلے شور جائیکے سروچ کرے جگاڑ تیز بخار نہایت گرم جدوں خدا دا ہووے قہر پیدا ہوندا معدے وچ معدیوں برنوں چڑھے بخار اچویں کھٹن کرے خوار ہووے زردی رنگ زبان نیند نہ آوے دن تے رات زور کرے موذی صفرا عقل ہوش نپ لیندا مار وچ بے ہوشی کرے براٹ اکھیاں دی جد لگے تاڑی	فرائیض خالص اس نام حالوں بہت کرے بد حال جادے وچ جسم دے ٹھہر تلخی تریہہ کرے اس تنگ چڑھیا سرنوں دے کے زور دیوے سردے پرے ساڑ پیدا کرے مغز وچ ورم ایہ صفرا بن جائے زہر کردا بہت طبیعت زچ پردے پردے لیندا مار بہت طبیعت ہوس بیزار خشک ہو جائے حلق دہان ہوش عقل دی کرے نہ بات دل نول ہووے بہت گھبرا اٹھ اٹھ نئے باہر وار موت نہ پکے جبھ جائے پاٹ یکتی اُس نے موت تیاری
--	--

جو اس نون آن بلا دے	بویا اس تون مول نہ جکے
دیہ تون اس نون بکھدوا	بہتا نون قیاس دورا
تلیں ادس نقوع پلا	خارج کر مودی صفرا

صفت ملیں نقوع

چالی دانے آلو سیاہ	ادھ انبلی کر ہمراہ
پانی وچ نقوع کرا	نل کے پانی صاف کرا
کاسنی دو تولے منگوا	بنفشہ گل تولہ یک پا
مغز کدو تولہ یک گھت	گلکند ڈال تولے وچ ست
ڈنڈے کونڈے وچ گھوٹا	نقوع والا پانی وچ پا
کر کے اس نون خوب صفا	چھٹاکی انبلیتاس رلا
چھاننی وچ مر کر کے صاف	دیہ تقصیر کرے رب معاف
وچ بے ہوشی سپی نال	تھوڑا تھوڑا منہ وچ ڈال
دن وچ دو تہے وار پلا	فاسلہ یک یک پھر کرا
جد اسہال ہون اس جاری	زائل ہووے گل بیماری
رفع ہووے مودی سرسام	جاوے سر دا چھوڑ مقام
بید مشک تے عرق گلاب	مصری ڈال پلا شتاب
کاسنی خرفہ گھوٹ پلا	سکنجبین دے نال پلا
آلو، انبلی رات پوسا	فجری مصری ڈال پلا
بنفشہ، شربت نیلو فر	کیوڑہ رلا پلایا کر
آتش جواں دی دے ضرور	کرے جیکر روگی منظور

گل روغن گودا گھیٹو پا جے ہووے جھب فصد کرا کٹاں پچھے موران روچ دیہہ چادل کچھڑی ترت پکا جیویں طبیبیاں دا دستور گھوٹ عناد کرا دیں دید	مالش برستے خوب کرا مرکب خون نال صفرا پچھاں دایاں سنگیاں کچھ جدادہ خواہش کرے غذا پاشویہ نخلخہ کریں ضرور بہر نول کر ہر وقت طلا
---	---

ترکیب شربت بنفشہ

صفراوی مرضاں دے دیکار مصری خالص تولے سمٹ رات بنفشہ رکھ پوسا ادھا لہے کل صاف کرا میل اتوں شربت دے لاء کر استعمال صبح تے خنام ترہیہ موافق پانی پا	بنفشہ شربت کریں تیار بنفشہ گل لے تولے اکھڑ دو سیر پچا پانی پا فجری اس نول خوب جوشنا مصری ڈال توام پکا پکے اس دا جدول توام شربت دونوں وقت پلا
---	--

ایہہ شربت ہر دل منظور
دوچ ملکیمیاں دے دستور

صفت شربت نیلوفر

شربت نیلوفر پکا ترے جھٹانک نیلوفر گل	جیویں حکیم گئے فرما باہجہ ڈوڈیاں ہون پھل
---	---

رات کرو پانی دج تر تل کے پٹن کے صاف کرا مٹ دو بارہ پٹھے چاہر جدوں کے توام اس آ ٹھنڈا کر بوتل دج ڈال تولے ترے دو وقت پلا ایہ شربت دونوں اکسیر حکیم ادنیٰ نوز بہت کماون	خوب جو ش اس وقت فجر ترے پا پکا مصری پا نال نرم آگ دے کاہر آگ بھیں لہ کے ہیٹھ دھرا حاجت وقت پلا فی الحال ترہ یہ موافق پانی پا استعمال پتیاں دج پیر تا پاں دے دج نفع دیکھاون
--	---

صفت نخلہ

نخلہ فائدہ مند سرسام عرق گلاب تولے دس بھال ہک چھٹائی سرکہ تیز دھنیا چٹا، صندل بھر چھ ماشے مشک کافور ملا شیشی دو ترے دار پلا	ورتن جویں طبیب تمام موندہ چڑی شیشی دج ڈال دج عرق دے کریں آمیز ہک ہک تور میل ضرور موندہ شیشی سے ڈاٹ چڑھا روگی نوں ہر وقت سونکھا
--	---

بیان سرسام بلغنی

بلغنی جے ہو دے سرسام لازم تپ اس ہے مدام سر بھارا اس عقل زوال	یشتر عش آکھن اس نام اکو جیہا صبح تے شام رہے نہ ذرا ستر سمہال
--	--

گھوکی، سستی بہت بیہوشی
نبض، قارورہ کریں شناس
بلغم والے سب نشان!
قارورہ ہوس رنگ سفید
منہج پنج ست روز پلا
پچھوں دے مہل دازور
مرکتب نال جے کرے صفرا
سرتے ردغن گرم ملا
پک پاسے روٹی خوب پکا
گرم جگہ دھج ادس رکھا
چوزہ مرغ پکا کے خوب
زیرہ، دام چینی دھج ڈال
سجوں فلا سفہ بنت کھوا

رہے حیران زبان خموشی
بہت دوڑاویں عقل قیاس
نال علامت کریں پچھان
جے خالص بلغم ہووے دید
کچی بلغم خوب پکا
مادہ بلغم کڈھ پخوڑ
مرکتب مہل ادس کرا
دیوے سر دا سرسام دغا
تیل مٹھا گھت تڑت بھا
جتنے سرد نہ لگے وا
دیہ جے کرے غذا مطلوب
کھاوے شورہ روٹی نال
ہفتے تک رب کرے شفا

بیان سرسام سوادی

سرسام سودا خفیں کرے ظہور
ہوش عقل نہ رہے آسودہ
ردوے بہت ڈربے دھج خواب
صفرا جے نال ہووے ہمراہ
صفرا خفیں جو غلط سڑھاوے
بدنوں سرنوں چڑھ کے ساڑ

اڈ جاوے پھرے دا نور
سخن کلاماں کرے بے ہودہ
دھج بے ہوشی کرے پیشاب
کرے طبیعت بہت تباہ
غیر طبعی سودا بن جائے
دیوے سر دی طبع بگاڑ

نشکر
موند
نبض
ایہ
مرکتب
شر
شر
بید
جے
جیکر
آلو
مالش
گاؤ
مرکتب
جدو
روغن
سید
کشمش
کھاو
جو
ہور

نشکی بہت کرے اُس زور
 موندھ تک تالو خشک ہو جائے
 نبض سخت کر دی باریک
 ایہ سودا بڑا کم بخت!
 مرکب خون جے نال سودا
 شربت خالص گھاؤ زبان
 شربت نول کر خوشبودار
 بید مشک دا عرق پلا
 جے اُس تلخی بہت تریہ
 جیکر ذرا نہ آوے کھنگ
 آلو، انبلی، ترش نار
 مالش کر روغن بادام
 گھاؤ زبان دا اصلی عرق
 مرکب مسهل دیہ تلیٹین
 بد دفع ہووے تپ تے سرم
 روغن دار کھوا غذا
 سبب جیکر سٹریا سودا
 کشمش سبز نارنج انگور
 کھاوے کھنڈے ترش اچا
 جوشے پیدا کرے سودا
 ہور گرم خشک جو ہووے تیز

وانگ سوداٹیاں پائے زور
 رنگ سیاہ چہرے بدلائے
 سبز سیاہ قارورہ ٹھیک
 دیوے دکھ بدن نول سخت
 سہرا رو دا قصد چھوڑا
 نت پلا روگی نول آن
 روح کیوڑے نال سنوار
 عرق گلاب خالص وچ پا
 سکنجبین سادہ اُس دیہ
 ترش نقوع پلا سنگ
 نقوع کر کے دیہ نت نہار
 گوکا ٹکیو ملا کے عام
 کڈھ پلا جھب ہووے فرق
 دو ترے واری نال یقین
 مکھن دے صبح تے شام
 فالودہ، سیویاں چرب پلا
 انار، انبلی، سنگترے کھوا
 دیہ ہو جائے سودا دور
 کڈھن ہا بر سودا نول مار
 نیڑے اُس دے مول نہ جا
 بالکل کر استھیں پور سبز

جیوں کہ باجرہ مٹر چرال جوار کی، جیوں مس اناج نیرے اُس دے مول نہ جاوے سکنجیں بزدری نت پلا ہتھیں آپ بنا ضرور	مسور وینگن جیوں مرچاں لال ہووے جس دا خشک مزاج کھن، گھیو گوکا نت کھاوے دیوے ساڑ سودا دنج ہٹی والے نہیں منظور
--	---

صفت سکنجین بزدری سرد

بنا سکنجیں بزدری سرد تخم خیسرہ خربوزہ بیا تخم کھکھڑی نال پلا حسام دستے وچ خوب کٹا صبح اگ تے خوب جوشا ترے پا پکی مصری ڈال سرکہ پا پکا وچ پا پک توام ہووے جد تیار خوب طرح اس سرد کرا نت پلا پانی وچ گھول مادہ جگر کرے ادرار ضعف جگر، پیلاہمتقان	ساڑ سودا دنجاوے جلد کاسنی، جڑھ کاسنی کٹ پا پنج پنج تولے کل دوا رات پانی وچ تر کردا کل کے، پن کے صاف کرا مڑ کے دوترے دے ابال چنگی طرح توام پکا اگ تھیں جلدی نال اتار صاف بوتل وچ رکھ ٹپکا دیوے سڈہ جگڑیں کھول راہ بول دے کڈھ باہر نسن استھوں چھوڑ مکان
--	--

مرضاں واسطے جگری کل
شریت نہیں کوئی اس دے تل

ماشر
خون گر
رنگ

بعضیا
اصلی

تلخی

سڑکن

پہلاں

چھڈیں

پھر جے

خارج کر

پھر تول

بنفشہ

تو داسے

راتیں پا

مصری

جے قبض

پلا اس

گھیو گوکا

بیان مرض ماثرا

ماثرا مرض بڑی ہلک سخت
خون گندہ وچ آوے جوش
رنگ سُرخ لال ہو جاوے
بعضیاں نوں ہووے تپ نال
اصلی شکل چہرہ بدلاوے
تلخی ہوس دل گھبراوے
سُرکن بہت بدن فوج ساوے
پہلاں جھبہ لے کرے توں فصد
چھڈیں اس دی رگ قیقل
پھر جے حاجت آوے آ
خارج کر کے گندہ خون
پھر توں اس نوں کرے تبرید
بنفشہ ، کاسنی ، نیلوفر
نو دانے آلو ، آٹھ غناب
رائیں پانی وچ پوسا
مصری اس دے وچ ملا
جے قبض شکم دی کرے خراب
پلا اس نوں شربت غناب
گیو گوکا اس بہت کھوا

موت نہ سر سوچ کرے یکخت
سرد وچ جائیکے کرے خردش
گردن چہرہ پھل جاوے
حالت بہت کرے بد طال
صورت نقش وضع بگڑاوے
بھڑکے تریہ آتش لگ جاوے
ضرباں چھکاں لین اُبھارے
پھر توں کرے دوا دا قصد
ہلک دو داریں خون نکال
جوکاں ہلک دو وار لگا
جیہڑا بچھے وچ زبُون
سرد دوائیں نال تاکید
چھ چھ ماشے وزن قدر
سب دارو کر جمع شتاب
فجرے کل کے صاف کرا
شام صبح دو وقت پلا
دیہ اس نوں تلین شتاب
کرے صاف سہن عمل غراب
مت اس خشی جاوے دھا

بیان مرض گنج سر

مشکل سخت بیماری گنج
 اکثر لڑکے چھوٹے بال
 نگے چھوٹی عمر آزار
 مواد گندہ سر وچ جولاے
 پاک و گے آوے بدبو
 خارش بہت پادے برلاٹ
 پھنسیاں سر وچ کھکھر رنگ
 گل گل جھڑ دا سردا ماس
 دستان میں ہک عجب دوا
 ہندی گندر پھل انامہ
 مردا سنگ، بھس کتھ نسیال
 ماجو نیلا تھوٹھا آن
 وکھو وکھو کھل کرا
 کر کے سب دوا باریک
 میل دوا کر کپڑ چھان
 لے کے تھوڑا جیہا دوا
 گنج اُتے نت کر د طلا
 جیکر دموی ہووے گنج
 جوکاں لا سرتے بھر پور

کئی سالوں تک دیوے رنج
 اُس دکھ نال ہوون بد حال
 بہت مدت تک کرے خوار
 خارش نال روگی کرلاے
 نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو
 سڑکن درد گھتے کھڑلاٹ
 ضرباں چبکاں مارن ڈنگ
 سر سارے دا ہونے ناس
 دیوے سردا گنج و نجا
 ہک ہک تو لے دا مقدار
 چھ چھ ماشے لے وچ ڈال
 ترے ترے ماشے کر بیان
 سب دوائیں جمع کرا
 مثل غبار ہو جاوون ٹھیک
 خوب طرح کر کے ہک جان
 محل روغن سر کے وچ پا
 دیوے اُس نوں رب شفا
 گندہ خون پہنچاے رنج
 دو تن دفعہ نہ رہے قصور

چھل ہریڑاں زرد سیماہ
 چرائستہ موندی انبرول
 وزن بہا بر سب دوا
 چھ ماشے نت پوسا نقوع
 ترے ماہ تک کر استعمال
 جے بلغم دا ہووے زور
 موذی بلغم شور مواد
 بلغم شور پھرے سروچ
 مرکب مہسل کر کے تیار
 مادہ فاسد دور کرا
 نپال، مسر، آملہ آن
 سبز توتیا کر بریان
 کیسلہ تول نال ملا
 تھوڑا نیل کوڑا وچ ڈال
 مواد سودادی جیکر آن
 مادہ گنج دا ہووے خشک
 ادھ پا گھیو اُس نت پلا
 جست ساڑیا تولے چار
 نیلہ تھوٹھا کر بریان
 ترے چھٹانک گری داتیل
 مراکم گھوٹ مار بنا

پاپڑہ تم کرے ہمراہ
 صندل بور غلاب اصل
 درڑ کر کے رکھ ہک جا
 مصری گھت کرائیں شروع
 دیوے اُس نوں فیض کمال
 صفرا نال رل ہووے شور
 جائیکے سروچ کرے فساد
 خارش کرے نہایت زنج
 کر تنقے دو ترے چار
 کر کے چنگی طرح صفا
 ہک ہک تول کر بریان
 ماشے چار ملاؤ آن
 کھرے وٹے وچ خوب پسا
 کرو گنج تے استعمال
 سرے وچ کرے نقصان
 چھلکے دچوں آوے مشک
 خشکی اُس دی دور کرا
 دو تولے گھت آملہ سار
 ماشے ترے ملاؤ آن
 پیس دوا سب اس وچ میل
 دو ترے ہفتے نت لگا

بہت گنج نون دیوے سوڈ چنبیل دھڑ کرے نابود

نسخہ مجربہ گنج کہنہ

دیا بلیا عجب دوا سفید سہاگہ پھل کرا ناخن گھوڑے دے منگوا لے کے وال بکری دے ساڑ پیہ کے چارے جمع کرا شکم گھوڑے داتوے چار پھلاں تیل اسی والا	دساں دیوے رب شفا ساڑ پٹا ناچم ملا گل حکمت دے نال سڑا وزن برابر دارو چار تیل یا سر کے نال لگا گل حکمت کر اُسوں ساڑ اتوں اُس نون پیس لگا
--	--

در بیان مایخولیا

مایخولیا مرض سودا مادہ سڑیا ہو یا سودا سر دھج جائیکے کرے فساد ساڑ سودا کرے جد زور رتج دا رنگ پھردا سر دھج خشکی سر دھج کرے فتور آفت پیار، محبت بدھ نیک بدی نفع، نقصان پاک پلید، حرام حلال	عقل، فکر، بدھ رہے نہ کا داخل ہوندا سر دھج آ خانہ ہوش ہووے بریاد جادے عقل ٹھکانہ چھوڑ کرے مغز نون ڈاڈا زج کرے دماغوں دانش دور ذرا نہ رہندی اُسوں سدھ پرگز ذرہ نہ کرے پچھان آدے نہ اس صغ خیال
--	---

بعض
نسخن
نال غف
دودک
اپنے
بعض
بھوند
علام
جے
بعض
بھڑکا
حالوا
بعض
بولن
بہت
جھٹک
مست
بلغی
مزان
چار
جے

بعضے جوش غصے وچ آون
 سخن کلام بے ہودہ کرے
 نال غضب دے کدھن گالیں
 روون پٹن تے کرلاون
 اپنے آپ کرن بکواد
 بعضے مارن ڈرن ڈراون
 بھوندے پھرے دینہ تے راتوں
 علامت ہے صفرا دا ساڑ
 جے دموی ہووے سودا
 بعضے باتاں کرے کرہسن
 بھڑکن کدن، پنجن گاون
 حالوں بہت ہوون بدحال
 بعضے رہندے وچ نموشی
 بولن آپ نہ کسے بولاون
 بہت کلام نہ ہرگز کرے
 جتھے رات پورے ڈگ رہندے
 تے گھوک رہن دن رات
 بلغمی ایہ سودا ہے وید
 مزاج طبع دی کریں شناس
 چار علاج سوداوی کل
 جے دموی ہووے سودا

مندا بولن چوٹ چلاون
 مارن مرن توں مول نہ ڈرے
 اٹھ اٹھ نسن مارن چھالیں
 کپڑے پاڑ جنگل نوں دھاون
 کر دے ہر اک نال فساد
 نال دیسلاں جنگ مچاون
 اپنے آپ کہہ بندے باتاں
 جا سر دے وچ کرے بگاڑ
 رنگ پھرے دا سرخ سیاہ
 چلن چال اوٹے نسن
 موراں دانگوں پیلاں پاون
 بہت طرح دے کرن پال
 کدی ہوش تے کدی بے ہوشی
 ہر یک پاسوں ڈر غم کھاون
 کل تکلیفاں سرتے جردے
 دھپیاں، پالے سرتے سہندے
 نال کسے دے کرن نہ بات
 رنگ چہرے دا ہوس سفید
 کر کے چنگی طرح قیاس
 فصد، جلاب تراوت گل
 بہت دفعہ اس فصد کرا

جے صفراوی ہووے مادہ
 جے بلغم دا ہے سبب
 جیکر ہووے خشک سوا
 طبع موافق کریں علاج
 چونکہ خلطوں دے خوب نشان
 دوسری مادہ نظر ہے آ
 سرار و والے رگ چھڈ
 مٹ پیشی دے وقت کھلائیں
 فاصلہ دے کے دوترے دار
 پچھوں اس نوں کر تبرید
 عناب دلائی آلو سیاہ
 بنفشہ، صندل، نیلوفر
 میلہ ایہہ دوائیں چار
 کر کے پانی وچ نقوع
 شربت صندل، گھاؤ زبان
 شربت رنت پلا عناب
 جے صفراوی ہووے مادہ
 بنفشہ شربت نیلوفر
 خوب کلاں نے تخم بارنگ
 شربت رنت انار پلا
 بید مشک تے عرق گلاب

اس نوں کر تبرید زیادہ
 کر تنقیہ اس نوں جھب
 تراوت اس نوں بہت پہنچا
 خوب کیفیت سمجھ مزاج
 نال علامت لیں پچھان
 اول اس دہ قصہ کرا
 ترے یا قدر لو دا کدھ
 اوے رگ نوں چا ہلا میں
 موافق طاقت چھڈو ناڑ
 شربت سرد نقوع سفید
 پنج بیج دلے کر ہمراہ
 گھاؤ زبان وچ شامل کر
 ترے ترے ماشے دامقدار
 مصری ڈال کراؤ خردق
 رنت پلا روگی نوں آن
 کرے مصفا خون خراب
 کرے بیہودہ گدنی زیادہ
 رنت آٹھ صبح پلا یا کر
 شربت نال پچکا سنگ
 گھاؤ زبان دا عرق رلا
 رنت آٹھ فجر پلا شنتاب

عرق کیوڑہ شامل کر
 سودا جیکر صفراوی ساڑ
 ہر ہفتہ دیویں تلئیں
 چالی روز کر استعمال
 تراوت اُس نوں بہت پہنچا
 بنفشہ روغن مالش کر
 بنفشہ نیلو فر جوشا
 بکری دا دودھ ہنت پلا
 تخم بنگو، ایسبغول
 شربت گل ملہل جے پیوے
 مربہ آملہ ہرڈاں سبب
 جیکر کھنگ نہ ہووے نال
 آلو، انبل، تخم انار
 مصری تھوڑی جیہی ملا
 گھنڈ جے گل ملہل دی کھائے
 گل ملہل دا پیوے عرق
 سہجے سہجے کریں دوائیں
 پنج چھ ماہ تک کریں علاج
 بلغنی جے ہووے سودا
 سہ مریض مدام خموش
 صفرا نال بلغنی سڑ جائے

مصری ڈال پلایا کر
 کرے نہایت بہت بگاڑ
 ماء الجبن کر نال یقین
 دیوے مرض سودا نکال
 مصری مکھن میل چٹا
 دن وچ دو ترے دفعہ مقرر
 سرتے ہنت فطول کرا
 مصری تھوڑی جیہی ملا
 دونویں اس دن گھول
 بہت شتابی چنگا تھیوے
 کھائے ورق چاندی کر زیب
 ترش چیزاں کر استعمال
 آملہ دیہہ نقوع کر تیار
 ایہہ نقوع اُس ہنت پلا
 مرض سودا نوں نفع پہنچائے
 بہت شتاب ہووے اُس فرق
 نال شتابی ناہ گھبرائیں
 تاں ہووے تندرست مزاج
 دیوے عقل قیاس و نجا
 کدے ہونی تے کدے بیہوش
 بلغنی ادہ سودا سداوے

<p> سُورِ بِلْغَم ہو جاوے سُور سودا سِر دِجِ جِد کرے طہو دیوے جِدوں سودا اُس زو ہوش بُدھ سبب جاوے ماری گلُ سِر اس لے دِجِ لگا جذاب موافق طبع مزاج ہفتے بعد ملیں کر گرم نہ اس نول کریں جلاب رطوبت دار کھوا غذا لستی مرچاں مس اناج خشک چیز تھیں کر پرہیز سرتے رت مابش کروا سرتے ملیں بادا مال تیل بنفشہ شربت رت پلا </p>	<p> جا سِر دے دِجِ ہووے زو اڈ جاوے چہرے دا نور جاوے عقل ٹھکانہ چھوڑ کردشتابی اُسدی کاری جیو لوٹا بیچھ لوا دے کے کر سودا اخراج اندر اُس دا کر کے تر مرت ہو جاوے طبع خراب مکھن دودھ مصری دِجِ پا دیون بہت بگاڑ مزاج بہت مدت تک رہے گریز گلُ روغن، گوکا گھینو، ملا بنفشہ روغن لے دِجِ میل نیلو فر دا نال ملا </p>
---	---

صفت شربت صندل

<p> شربت صندل دی ترکیب پندراں تولے صندل بُوڑ خالص سیر گلاب دا عرق فجے کل کے صاف کرا دے کے پنچ چھ ست اُبال </p>	<p> سمجھ عقل دے نال طبیب چنگا اصلی لئیں ضرور بات بُوڑہ کر اُس دِجِ عرق مُڑ پانی دِجِ گھست جو شا اگ تھیں اُس نول لاء فی الحال </p>
--	---

مل کے کپڑے وچ پھنسا ترے پا پکا مصری گھت ٹھنڈا کر بوتل وچ پا مائیخولیا ، دکھ خفقان	دونویں پانی دیہہ ملا تار والی پکواویں پت وقت ضرورت کدھ پلا پیوے جاون چھوڑ مکان
--	---

صفت شربت گاؤ زبان

لے دس تولے گاؤ زبان راتیں دو سیر پانی ڈال ادھا رہے مل صاف کرا چنگا خوب پکا توام خفقان ، غشی سودا مراقی شربت دونویں رت پلا	سٹھری کر کے نال دھیان فجری اٹھ کے خوب اُبال سٹھ تولے مصری وچ پا پیوے رت صبح تے شام جاون ہو علاجوں ساتی بخنے اُنہاں رب شفا
--	--

صفت ماء الجبن

بکری لوسی جوان منگا سیر پکا ہک دودھ چوا دیویں ادھا دودھ کھیا دو تولے وچ سرکہ ڈال جد پٹیاں بن جائے دودھ پٹیاں بدن اُتے ملوا دودھ والا پانی سرد کرا	چارہ ٹھنڈا سرد کھوا دیچی دے وچ گھت جوشا لکڑی نال انجیر ہلا دیویں دو ترے ہوز اُبال کپڑے وچ صفا کر سُدھ گھیو تھوڑا جیہا وچ ملا مصری اس وچ ڈال پلا
---	---

چالی روز کر ایہو کار

ملیتین دیہہ ہر ہفتہ وار

صفت شربت گل ملہل

مغرب شربت گل ملہل
فسخ یاد مجرب آیا
عرق کیوڑہ، عرق گلاب
رس بنوا ایہہ دارد چار
دو سو پھل ملہل منگوا
سیر پکا درج مصری گھت
شربت دو لڑیں وقت پلائے
جیکر باقی رہے آزار

نہیں دوا کوئی ایسے تل
تجربہ کاراں دا فرمایا
بہد مشک وچ ڈال شتاب
ہک ہک سیر پکا مقدار
عرقاں وچ شربت پکوا
شربت دانگ پکا دے پت
مائیخویا مرض و نجاوے
دوجی داری کرو تیار

صفت گلقد گل ملہل

بنا گل ملہل پی گلقد
وزن چھٹانک دو لڑیں کھاوے
پنج سو پھل ملہل منگوا
گل کے خوب پتھاں دے نال
گل ملہل دا پتہ نشان
امرت سرے باغاں وچ

بہت نہایت فائدہ مند
مائیخویا مرض و نجاوے
دو سیر مصری گھٹ رلا
دھپے ہفتہ رکھ سہماں
دشاں پورے جے حاجت آن
کریں تلاش نہ ہو دیں زنج

ایہہ درخت وچ ہندوستان
بہت ہووے وچ یاغستان

صفت گل دوا

گل لگا دن دی تجوینہ جمال گوٹ دانے ترے چار تالو اُتے پیچھ لگا لے کے پھیرو چھتے دابول تیلی اُتے رُوں پیسٹ جدوں گل خشک ہو جا ست اٹھ دینہ تک تر کروا جیکر گل گرے ادہ ناہیں اٹھویں نانویں نیں اُتار دو ترے پھاہ دن وچ لا	سائیں بخش ہُن دس تمیز رسل نے گھس گو تر وچ ڈار رُوں آلودہ کر چمڑا رکھ ٹکائیے اندر کول وچ بول دے دیویں سیٹ نال تیلی دے تر کروا خوب طرح اُس لے گڑا دو جی واری پھیر لکائیں پھیر لگاؤ گھو گوکا ساڑ دیوے جھبڈے زخم چھوڑا
--	---

بیان مایخو لیا مرقی

بک مایخو لیا ستم مرقی پردہ شکم تھیں اٹھ بخار او قہول جاوے سرے وچ یا کوئی کرے نہایت غم ایں سببوں اٹھ ساڑ سست طبیعت منو جھان اختلاف اُس ہر دے نبض	پردے رہے شکم وچ عاتی چاول لول دیوے پھر کار کرے حواس دماغی زچ یا پہنچے صدر سخت الم کرن حواس دماغ بگاڑ چپ چپاتا رہے حیران کرے ہمیش شکایت قبض
---	--

خوشی نہ اُس نول آفے مول
 گھاٹا دل نول پورے دام
 کردا رہے اندیشہ غم
 اڈے دل ہووے بدخو
 دُکھا رہے غم وچ دن ات
 علامت نال پہچان مزاج
 قوت دل ، دماغ پہنچا
 گرم پانی دی کرو نطول
 بالونہ روغن رنت پلا
 مرض جیکر صفرا سبب
 ملین دو ترے کرو ضرور
 دودھ بکری دا مصری پا
 مکھن گوکا جے رنت کھاوے
 بہیدانے دا کڈھ لعاب
 مالش کر روغن بادام
 جو پچھے ، پچھے ہوئے مذکور
 شربت رنت پلا انار
 جے معدے وچ ہووے ریح
 جیکر گرم طبیعت ہو
 جیکر ہووے سرد مزاج
 انوش دارو جیکر رنت کھاوے

رہے غمناک ہمیش رنجول
 آوے نہ کسے وقت آرام
 کوئی نہ اُس نول سوچھے کم
 بھلا نہ اُس نول لگے کر
 عقل ہوش ہو جاوے مات
 طبع موافق کریں علاج
 انوش دارو اس رنت کھوا
 معدے اُتے رنت رنجول
 بنفشہ روغن لے وچ پا
 ہووے سرد دارو کر جھب
 معدیوں سب صفرا کر دور
 تازہ چوٹیکے رنت پلا
 مایخولیا خشک و نجاوے
 پیوے رنت گھت عرق کلاب
 گل روغن مل گھیو گھت عام
 اوہ بھی کرو علاج ضرور
 معدیوں دفع کرے سب سار
 کہ نول چنگی طرح صبح
 دارو گرم نہ نیڑے ڈھو
 کہ نول اس دا گرم علاج
 بہت نہایت فیض پہنچاوے

ہووے
 جوا
 جوہر
 سکے

انوش
 ایہ
 خف
 قوت

انوش
 نہ
 الا
 مہ
 بیگ

کہ
 آ
 ف
 ز
 یہ
 مہ

ہور جو رتخ نوں دیوے توڑ جواریش کمونی روز کھوا جوین - پودنہ - سونف د ارق سکنجیں سادہ نال ملا انوش دارو اس نت کھوا ایں علاج جیہا نہیں ہور خفقان، سودا توں نفع پہنچائے قوت دیوے، دل دماغ	کر توں بہتی اس دی لوڑ بچھوں ترے اس عرق پلا میل پلاء ہووے بھب فرق بعد معجونوں رنت پلا! دیوے معدیوں رتخ اڑا دیوے رتخ معدے دی توڑ دل نوں قوت خوشی دکھائے کرے روشن رنگ مثل چراغ
--	--

✓ صفت انوشدارو گرم

انوشدارو نسخہ لاثانی نسخہ ایہ بنا ضرور الاجی دانہ، نگھاں کچڑ مصطکی موختا، پھل گلاب تنگر، جوتری کالی چھڑ کٹ، چھان کے سب دوا آملہ ادھک سیر منگا فجری دیگچی وچ جوشا زور لگا کل ہتھاں نال سیر بک لے کے چٹی کھنڈ مڑ کے دیگچی وچ جوشا	قوت بخشے دانگ جوانی کرے سودا رتخ والا دور کیسر، جاثفل، لونگ کافور دار چینی وچ میل شتاب چھ چھ ماشے وزن قدر رکھ حفاظت نال ٹکا ترے سیر پانی گھت پوسا ادھا رہے تاں سرد کرا گودا چھاننی وچ نکال کر توں گودے نال پیوند خوب طرح اس لیں پکا
---	---

جد اوہ ہودے گا ہڑا آ راک وینہ روزہ خمیر اٹھا وزن اس دا دوترے مشقل ماکھیوں دج جے کرے قوام گرم انوس دارو اس نام دیوے معدیوں ضعف نکال زائل خوف کرے وسواس کمرے نہایت قوت باہ قوت بخشے دل ارواح جان	لاہ دارو سب دج ملا بعد اکیسویں روزہ کھوا بہت کھائے گھیٹو روٹی نال نسق سرد آزار تمام فرحت بخشے بدن تمام ہضم طعام کرے فی الحال غم اندوہ کرے سب ناس دیوے دل دا ضعف و بجا دفع کرے غش دل خفقان
--	---

صفت شربت انار

شربت کرو تیار انار زائل کرے معدے داساڑ سیر پکا منگوا انار تل کے پن کے صاف کرا خوب طرح جد پکے تار ٹھنڈا کر بوتل دج پا	دفع کرے سب گرم آزار ہور جو مرضاں جگڑہ بگاڑ پانی گھت تل خوب سنوا ترے پا مصری ڈال پکا اگ تھیں جلدی نال آتار وقت ضرورت کدھ پلا
---	--

صفت جوارش کمونی

جوارش کمونی کرو تیار دیوے ریح شکم دی توڑ	دفع کرے چھب بھس ڈکار دارد اسدے جیہا نہ ہور
---	---

نسخہ ایہہ آزمودہ کار دار چینی، لنگ، مرچ سیاہ پھل زرد ہرڑ، اجوین سدا ترے ترے تولے وزن دوا بورہ ارمنی تولہ گھت تنگنا خالص ماکھیوں ڈال دارو اس دے درٹہ کر جوارش کمونی اُس دانام	سائیں بخش کیتا کئی بار پودنہ سندھ کرد، ہمراہ ڈالو اصلی پھل گلاب پنج تولے گلقتند ملا مدبرہ زیرہ تولے ست کٹ، دوا ملا دوج تھال بہت بار یک نہ ہرگز کر رتج معدے دے آفے کام
---	--

صفت زیرہ مدبرہ

لے کے زیرہ خالص سیاہ راتیں سر کے دوج پوسا راتیں مڑ سر کے دوج گھت ایہو طریقہ کر ترے دار تولے اُتے مڑ کر بریان	چھٹ پھوک کے صاف کر فجرے دھپے رکھ سکھا فجرے پھیر سکادیں دت چنگی طرح سوکھا ہر بار زیرہ ایہہ مدبرہ جان
--	---

بیان دیوانہ عشق

کہ تم مایغولیا عشق فراق ادہ صورت ہوئے تاہ حصول کیتا اُس نوں عشق دیوانہ دہم دلیلاں فکر اندیشہ	کوئی صورت دیکھے ہوئے مشتاق دل دوج مائے شوق ڈنڈول گئی دانائی چھوڑ رکھا نہ! مارے آپیں سرد ہمیشہ
---	--

دل وچ اگ عشق دی لاٹ
کرے دیلاں تے غم کھا دے
عشق دے وچ مارے ہوش
دل تھوں سرنوں چڑھے بخار
عقل ہوش جاوے اُس ماری
جدناں معشوق ہووے ملاقات

وانگ سمندر مائے ٹھاٹ
مقصد اوسنوں ہتھ نہ آوے
جاوے چھوڑ ٹھکانہ ہوش
رطوبت دیوے سردی ساڑ
باہج معشوق نہیں اس فی کاری
دفع ہو جاوے مرض آفات

مالیخولیا غم

جے غم دا ہووے اسباب
غم والے نوں خوشی دیکھا
چنگے نویں لباس پہنائیں
کسے شہرے وچ لے جا
وچ عجائب، چڑیا گھر
عطر گلاب روئی باس
سوہنے خوب عجیب مقام
جنگل وچ لے جا کئی بار
شادی اُس دی چاکر و
سیر کراویں باغ بہار
پھل چنبائے گل عباس
نکھن تازہ فجر چٹا
مقوی اوس کھوا غذا

مالیخولیا کرے خراب
کرے خدا اُس جھب شفا
رنگ برنگ اس راگ سنائیں
تماشے نامک دے دکھا
چیزاں عجب دکھایا کر
چھڑکیں اُس دے وچ لباس
شہراں وچ دکھا تمام
کئی قسم دے کرے شکار
بابجے رنگ برنگ بجا
جھٹھے پھل پھڑے گلزار
رکھ ہمیشہ اُس دے پاس
وقت شام دودھ پلا
گوشت چانول چرب پلا

کیوڑہ میل پلا شتاب
ورق چاندی سے نال لگا

شرت صندل عرق گلاب
مرہ آلا سیب کھوا

بیان مرض نسیان

چیتا بھل جاوے انسان
یاد نہ آوے دینچ خیال
دینچ قیاس نہ آوے بات
جاوے اُس نوں بھل شتاب
نسیان حکیم اکھن اس کل
وانگ سودائیاں پھرے حیران
پاٹے سرے دینچ خواری
دیوے سردی توڑ
آوے تیرے دینچ شعور
سورنج برابر دارو ترے
چھست ماشے نت کھوا
کر تنقیہ خوب سنوار
دے کے ادس معجون نباح
معجون فلاسفہ نت کھوا
او حقوں ہو جلدے نسیان
نیلو فرہیدانہ آن
خبرے بصری ڈال پلا!

نام اک مرض دا ہے نسیان
سنیا، یولیا سخن مقال
مغزوں قوت ہووے مات
ہر مطلب دا سوال جواب
بات کلام جد جاوے بھل
پوے ذہن دے دینچ نقصان
اکثر بلغم تھیں بیماری
بلغم بادی پاوے نور
جے بلغم دی خاص قصور
عقر قرعہ دار چینی لے
ماکھیوں دینچ معجون بنا
دینچ مہینے دو ترے وار
پہلاں کر سردی اصلاح
کرے معدہ خوب صفا
جیکر گرمی کرے زیان
بنفشہ خطمی، گاد زبان
ترے تے ماشے رات پوسا

سبب ہے ہووے خشک مواد ظاہر باطن ترے پہنچا دماغ بدن اُس دا کر تر بنفشہ روغن مغز بادام دو ترے دفعہ کر د تلئیں خشک چیزاں تھیں کرے کنارہ لستی مرج نہ ہرگز کھاوے	جاہرے دج کرے فساد مد مال دوا غذا کھاوے مکھن وقت فجر سرتے مالش کرو مدام مادہ خارج کرو بعین نہیں باطل عمل ہو جائے سارا مرض نسیاں اسے توڑ دھ جائے
--	--

صفت معجون نجاح

کرے مغز دی جھب اصلاح چھل ہریڑاں زرد ملا آملہ مال کرو ہمراہ ہر یک دارو تولے دو ریونڈ مصطکی ڈالو دئید ہر یک تولہ وزن دوا ہر ہفتہ کر استعمال ہفتے بعد یک وار کھلا رہے نہ سرے دج قصور مڑ کے پھیر نہ پاؤں جھات	کر د تیسار معجون نجاح کابی ہریڑاں دی چھل لاه چھل بیڑہ ہریڑاں سیاہ اسطوخودوس بسفاج ہو سقمونیا ، غاریقون سفید تردی رب السوس ملا تنگناں اس دچہ ماکھیوں ال دو تولہ بنت وزن دوا بلغم رضاں ہوون دور سردا درد نسیاں سبات
--	--

صفت معجون فلاسفہ

<p> مجنون فلا سفہ عجب دوا نیسان دوار لقوہ ادھرنگ دفع کرے تقطیر ابول کر تنقیہ ہفتہ وار دارچینی، مک، مرج لے آ دراوند، مدح، مغز نارگیل چیتا، عقرقرح، سورنجان دو دو تولے کل دوا مویز منقہ تولے ست رنگناں ماکھیوں اس دج ڈال تولہ، تولہ، وزن دوا قوت باہ نوں ہے اکیر پھرے ریاح معدے دج عام رینگن، گٹھیا، پیٹھ دا درد کچھ مدت کر استعمال </p>	<p> استعمال قلم حکم صرع۔ کابوس۔ تشنج۔ کھنگ تور دیوے رنج دل دا حول مڑ دیکھیں اس دا اسرار چلغوزہ، سنڈھ، بابونہ پا آملہ چھل، بہیرہ میل ثعلب، مغز اکھروٹ، خونچال کٹ چھان، سب میل دوا کر کے صاف دیویں دج گھت ہک چلیہ رکھ کمال بعد چلیوں نت کھوا دیوے مدد دج سریر قبض شکم دج رہے مدام ہورجو ہون بیماریاں سرد جادن ہو سب خواب خیال </p>
--	--

بیان مرض دوار سر

<p> بھویں نظر دج کل جہان اوس مرض دا نام دوار اندھیر اکتیں دج جائے چھا قائم رہن نہ ہوش حواس </p>	<p> چرخے دانگ زمین آسمان بھوندا نظر آدے سنسار گریے زمین تے گردش کھا کم ہو جادے فکر قیاس </p>
--	---

روگل اس دُکھ نال حیران
 حواس خمسہ ہو جادون سُست
 ادیت آدن تے جی متلاشے
 جے بلغم رتیج کرے فساد
 جن کے رتیج جادے سر دوج
 سرون چڑھے دیوے جھنٹاٹ
 مخالف یج سر دوج سر لاوے
 ایس سببوں چیزاں عام
 بلغم والے کل نشان!
 کر کے خوب شناس مزاج
 بلغم منضج نال پکا
 پنج چھ دینہ منضج کردا
 چار پنج تیتھے کر!
 فاصلہ ست ست روز دیوا
 حب ایارج دا مِجلاب
 کر کے اُس دا بدن صفا
 دو ترے دفعہ جے تے کراویں
 ایس طور کر استعمال
 جے مادہ دمی کرے بگاڑ

رہے ہمیشہ سرگرداں
 ہوو سریر رہے تندرست
 کدے کدے اس قے بھی آسے
 فم معدے دوج رگرے مواد
 رُوح نفسانی ہووے رتیج
 کناں لے دوج پوسے گھوکاٹ
 رُوح استہیں حرکت دوج آوے
 پھر دیاں آون نظر تمام
 نال علامتاں خوب پچھان
 پھرتوں اس دا کریں علاج
 مسہل دیہہ خارج کردا
 ستویں روز جلاب دیوا
 منضج دے کے خوف نہ کر
 اندر اوس دا تر کروا
 دیویں اوس بنا شتاب
 معجون فاسفہ رنت کھوا
 بہت نہایت نفع اٹھاویں
 دوار مرض چھڈ جاوے نیال
 پیدا ہووے مرض دوار

پاؤں گندہ خون فتور
 سرارد رگ چھڈ ضرور

جیکر بہت
 متھے دوج
 کر کے خا
 شربت
 جے قبص
 سبب
 ٹھنڈے
 دو ترے
 جیکر
 شربت
 سرتے
 سکینیر
 دو ترے
 بہت
 دس کلہ
 ایہہ ترے
 سبب
 گوکا
 جد ماد
 سرتے
 ادھ

پاوے وچ مغز دے شور
 دو کتاں پچھے بوکاں لا
 جیہڑا جھٹے وچ زبون
 ہووے گندہ خون صفا
 ہک دو کر تلیٹن شتاب
 وچ بدن ہووے اظہار
 کچھ مدت رکھ اس نوں شروع
 منفع دے کے موٹل زڈر
 شربت ترش اس نت پلا
 نت پلا اس کر کے تیار
 روغن مغز کدو کڈھ گھر
 یاد رکھیں مت بھل زجاویں
 قے کروا نہ ہو دیں زج
 ایہہ نقوع اس نت پلا
 پنج آلو زرد ملا شتاب
 فجرے مصری ڈال پلا
 رطوبت اس نوں بہت پہنچا
 دودھ مصری گھت شام پلا
 مسهل دے کے خارج کر
 بنفشہ روغن مغز بادام
 پیوے نت نہ رہے آزار

جیکر بہت لمو دا زور
 متھے وچوں ناڑ ٹوکا
 کر کے خارج گندہ خون
 شربت اس انار پلا
 جے قبض شکم دی کرے خراب
 سبب صفرا جے مرض دوار
 ٹنڈے شربت مسرد نقوع
 دو ترے دفعہ تلیٹن کر
 جیکر تیز ہووے صفرا
 شربت انبلی ترش انار
 سرتے اس نوں مالش کر
 سکجییں دی تے کرا دیں
 دو ترے دفعہ مہینے وچ
 بہت جیکر ہووے صفرا
 دس کالے آلو ست غلاب
 ایہہ ترے دار و رات پوسا
 سبب جے ہووے خلط سوا
 گولا مکھن فجر کھوا
 جد مادہ ہو جاوے تر
 سرتے مالش کریں بادام
 ادھ پا پکا گھیٹو بھنگار

کالی مرچ گٹ دو ترے گھت
ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ
حریرہ اس نول رت پلا

جر دوار دی سٹے پٹ
ہک مثناسی دا فرمودہ
دیوے خشکی مغز و نجا

بیان حریرہ

حریرہ کراں بیان عجب
چار تولے کنک دا چھان
دیگی دے وچ گھت جوشا
چار تولے گوکا گھیو گھت
مٹ دیگی وچ گھت پکا
اگ تھیں لاہے ہیٹھ رکھا
جو خشکی تھیں ہیں آزار
ہو دے جے خشکی تھیں کھنگ
حریرہ ایہ پلا ضرور
موافق اس دے طبع مزاج
حکمت ہے عقل دی کار
یک من علم تے دہ من عقل

مرض دوار دنجادے جھب
اگریاں ست باداں آن
آل کے پُن کے صاف کرا
تولے دو مصری وچ سٹ
تھوڑا جیہا جوش دوا
کھنڈا کر کے تڑت پلا
ہوون استھوں جلد فرار
اس نول ایہ پلا سنگ
ضعف دماغوں ہووے دور
خوب سمجھ کے کریں علاج
علم اُتے ناہیں مقدار
باہجہ عقل دے حکمت نقل

بیان شربت انبلی

شربت انبلی کرد تیار
انبلی سیر پکا منگوا

دفع کرے کل گرم آزار
دو سیر پانی وچ پلوا

فجرے
چنگی ط
سروکن
ہور جو

اٹھن وق
سدر
جد مع
طبع مو
جیکر ہ
ہر ج
جے صف
کر اس
سکنجبیر
ہتھیں
آلو ا
سبب
بلغم دا

فجرے کی پن صاف کرا چنگی طرح پکا قوام سرد کن تریہ تلخی برقان ہو رہو مرضاں جگر بگاڑ	مصری شہ تو روج پا پیوے رت صبح نے شام مرض دوار گرم خفقان دفعہ کرے معدے داساڑ
--	--

ابیان مرض سدر یعنی اندھالی

اٹھن وقت اندھالی آوے سدر بیماری اس داناں جد معدے روج پوسے قصوہ طبع موافق کرو صفائی جیکر ہووے خون زیادہ ہر چیلے اس فصد کرا جے صفرا تھیں ہووے پیدا کر اس نوں جلدی تبرید سکنجبین کر استعمال ہتھیں اپنی کر کے تیار آلو انبلی رات پوسا سبب جے ہووے سرد مواد بلغم دا جے ہووے نور	چلے چکر بھولی کھاوے اٹھن کل حکیم تمام ہووے ایہ مٹھ آن ظہور دیوے جھبے مرض رٹائی آوے نظر دموی مادہ شربت رت عناب پلا ہودن خاص نشان ہویدا شربت شیرہ سرد مفید شیرہ کاسنی شامل نال شربت رت پلا آزار فجر پلا مصری دج پا معدے دے دج کرے فساد تنقیہ جیہا علاج نہ ہووے
--	--

دو تہے دفعہ جے قے کراوے
سدر بیماری رفع ہو جاوے

پرس
فرمودہ
ونجا

جھب
آن
ف کرا
سٹ
دوا
ت پلا
فرار
سنگ
دور
علاج
مقدار
ت نقل

آزار
چ پلا

بیان مرض سہر

سہر مرض یک بہت خراب
نہند والا اس مزہ نہ آوے
لگا اس نون سخت آزار
ہو وے باہجوں نہند ذلیل
ہرگز اس نون نہند نہ آوے
ودھے مواد سوداوی عام
بدنوں سرنوں چڑھے بخار
گرے سودا سرون عام
مواد سوداوی بہت کرخت
کھاوے گھمن گھیر بخار
روح نفسانی نون گھیراے
روغن کدو مغز بادام
دودھ عورت لیں تری چھا
تخم کا ہو، خشخاش سفید
مغز بادام لیں دج پا
پیوے شیرہ بنت نکال
پلا شربت پوست خشخاش
تخم کا ہو خشخاش منگا
دارد چارے کر بریان

ہرگز ذرہ نہ آوے خواب
بیٹھا دل دج غوطے کھاے
بہت طبیعت رہے میزار
کئی طرح دی کرے دلیل
دینہ راتیں بیٹھا برلاے
کرے رطوبت خشک تمام
دیوے سردی طبع بگاڑ
سرے بند ہو جادون مسام
کرے مغز دے پردے سخت
سر تھیں نکل نہ سکے بار
ایں سببوں نہند نہ آوے
سرتے مالش کرو مام
گل روغن گھت سرتے بلا
مغز تخم کدوے وٹید
چھ چھ ماشے چار دوا
کچھ قدرے مصری وچ ڈال
کرے مرض سہر داس
دھنیاں سوئے نال بلا
ڈھلی پوٹی بنھوں آن

<p> نکھ اگے رکھت سو نگھاڑے چوتھائی رتی قدر افیم پانی دے دج بھنگ گھوٹا بکری دا دودھ رت پلا گوکا مکھن روغن گل بابونہ سو نگھے ہو ر افیم مل ادسنوں روغن خشخاش بنفشہ کا پوست ڈال دال مونگی دی رت کھوا جلد مواد ہو جاوے تر افیم پانی دے دج گھسا سر دی چوٹی تے کھوا سبب تپ یا گرم بخار جیکر ہووے ہو ر سبب نال عقل دے کر کے دھیان جس طرح ہووے طبع مزاج </p>	<p> بہت شتابی نیند زیادے کھاوے، آدس نیند حکیم ہتھیں پیریں لپ کر دھاراں سر اُتے مروا بنفشہ روغن مل ایہ کل فائدہ بخشے بہت عظیم بادام روغن گھت دیہہ جوش اس نول کریں نطول اُبال نال شیرہ خشخاش پکا موافق طبع ملین کر نال روغن خشخاش ملا دیوے سہر دی مرض دجا نیند نہ آوے کرے بیزار موافق ادس دوا کر جھب گرمی سردی لٹیں پچھان ادس موافق کریں علاج </p>
--	---

صفت جو آتش

آتش جواں دی لے پکا	راہ طریق جو یں حکماء
--------------------	----------------------

جو پُرانے خوب چھڑا گلیاں اُس دیاں لے کڈھا دس تو لے دیگی وچ ڈال جد اوہ دانے جاون پھٹ مصری تھوڑی جیسی رلا بادام روغن کچھ میلو نال	پانی تھوڑا جیہا رلا کر کے چنگی طرح صفا دو سیر پانی گھت اوبال پانی رہے وچ دس گھٹ روگی نوں ہر روز پلا کرد ہمیشہ استعمال
--	--

صفت شربت پوست خشخاش

وہیہ ڈوڈے پوست منگوا رات پانی وچ رکھ پوسا نل اس نوں کر صاف سمبال چنگی طرح پکا قوام بہت کسے نوں ہووے کھنگ ایہہ شربت دو دقت پلا	پاہک کٹ خشخاش رلا نچرے دیگی وچ جوشا ترے پا مصری گھت اوبال رنت پلا صبح تے شام نیند نہ آوے ہووے تنگ دیوے اُس نوں رب شفا
--	--

بیان مرض سبات

سُتتا گھوک رہے دن رات مُشکل اُس نوں کرن جگارا لگے اُس نوں نیند پیاری بہت رطوبت وچ دماغ سبب جیکر بلغم تے باد	اوس مرض دا نام سبات گدبے دانگ رہے سر بھارا تھکاو آون بہت آزادی ایس سببوں آوے خواب سبات مرض دا پوسے فساد
---	---

بلغم
تھوڑے
نخلہ
رنت
سبات
بہت
متھے
تھوڑ
ترے
لے
سر
سبت

در
بر
مر
مر

<p>بلغم منضج نال پکا! تتھے نال طبع کر صاف نخلہ سرکہ لونگ بنا نت کھوا معجون کبیر سبات جے گندے خون سبب بہت قوت جے دج بیمار متھے وچوں چھڑیں ناڑ تھوڑا تھوڑا لہو کڈھا تر پھلہ پا پڑا رات پوسا لے ہک کالی مرج منگا سرچو نال اکھیں وچ ڈال سبب جے خشکی نظری آ</p>	<p>مُسل دو ترے چار کرا کرسی رب تصور معاف روگی نوں ہر وقت مونگھا رہے نہ دکھ اُس دج سریر اوس دا فصد کراوین جھب زور لہو دا کرے لاچار جوکاں لا کتاں پکھوڑ کئی دفعہ رب کرے شفا فجری ماکھیوں ڈال پلا گھوڑے دی لب نال گھسا کہ کچھ مدت استعمال سرتے روغن نت ملا!</p>
---	---

صفت معجون کبیر

<p>کرد تیار معجون کبیر کرے بلغھی مرضاں دور رتج والی گردے دی پیڑ درد پشت دا باد قویج بد ہضمی رتج بادی داسول مرچاں گھماں پاناں دی جڑ موتھا تخم کرفس ایہ ست</p>	<p>سر سبات دج مارے تیر پیڑاں درد ہون سب دور رہے نہ ذرہ دج سریر رہن نہ دیوے ایہ سب لہج معدیوں پٹ سٹے جڑ مول الاچی دانہ کالی چھڑ ہک ہک تولہ لے کے گھت</p>
--	---

پودن لے اجوین سداب
 سورنجاں دارچینی سنڈلیا
 جلد تری، جعفر، زیرہ سیام
 چھ چھ ماشے پنج دوا
 انیسوں، گل بابونہ پا
 مغز اخروٹ، فندق نارجیل
 چلعوزہ - پیستہ - مغز بادام
 ایہ بھی کٹ کے میلوناں
 روج تھال معجون بنا
 مرتبان دے اندر ڈال
 بعد چلیہوں کڈھ کھوا
 کل آزار بدن دے سرد
 ہیضہ - ہڈکی، بھس ڈکار
 گنشیا واڈ - لقوہ، ادھرنگ
 ایہ دوا کر استعمال
 کر تھقے دو ترے چار
 سائیں بخش حکیم شناسی

زیرہ چٹا پھل گلاب
 دو دو تو لے آٹھ دوا
 قرضل عقرقرا، ہمراہ
 کٹ چھان سب جمع کرا
 نو نو ماشے کٹ رلا
 مغز چار اس دے وچ میل
 ترے ترے تو لے وزن تمام
 خالص ماکھیوں تگنا ڈال
 چھوٹی چچی، نال رلا
 چلیہ رکھ حفاظت نال
 دو مثقال ہے وزن دوا
 بلغم دایاں پیڑاں درد
 کڈھے باہر انہاں نوں مار
 سبب بلغم دے کرے جی تنگ
 دیوے مرضاں سرد نکال
 کر کے منضج ہر ہر بار
 ایہ نسخہ لکھیا آزمائشی

بیان مرض فاج یعنی ادھرنگ

فاج نام ادھرنگ سداب
 سرخیں پیراں تیک آزار

ادھا پاسا سست ہو جان
 ادھا پاسا لیندا مار

ادھا بدن ہو جائے سخت
 گھس دا پٹھیا وچ مواد
 سڈھ پٹھیا وچ پیوند
 قوت روح اس طرف نہ جائے
 جیکر سچی طرف آزار
 کھی طرف جے پورے قصور
 پڑھے نول ادھرننگ بیماری
 نال علاج شفا جے پائے
 اکثر بلغم تھیں آزار
 سخت تاب گرم دا ساڑ
 جیکر بلغم کریں معلوم
 بلغم پیٹھے کرے ضعیف
 جدول شروع ہووے ادھرننگ
 لوکا ہووے بہت رنجول
 جیکر تاب نہ ہووے نال
 چار روز نہ دیہہ غذا
 پانی ادس نہ دیویں مول
 جیڑی بلغم ہووے خام
 سولف تولہ پاکٹ جوش
 یا پانی کر کے سنگ تا
 جے متعلیٰ رہے بیمار

ادھا رہے صبح تندرست
 سڈھ بن کے کرے فساد
 راستہ روح دا کردا بند
 جس حرکت باطل ہو جائے
 ہووے جھب شفا بیمار
 مشکل اوس علاج ضرور
 رکھے قبریں تیک لاچاری
 مڑ کے پھیر عود کر آوے
 ادھا پاسا کرے بیکار
 پیٹھیاں دے وچ کرے بیگاڑ
 نال علامت جیویں رسوم
 سر دے نال ہو جان کثیف
 بازو حرکت کرے نہ ٹنگ
 گرم مزاج نہ ہووے مول
 ایہہ دوا کر استعمال
 ناء نہ کوئی دیویں سخت دوا
 ماء العسل دیہہ روز معمول
 یک جادے بھوکہ نال تمام
 نت پلا وچ شہد ملا
 شہد میل کے روز پلا
 کر ہفتے تک ایہو کار

سرد رطوبت پٹھیاں دج
 کرے جیکر اور طلب غذا
 چڑھا، کبوتر رنت کھوا
 عرق سونف تازہ کڈھوا
 عوض پانی دے پیوے عرق
 مُنضج ہفتے بعد کرا
 ماء الاصول اس رنت پلا
 مشہل دو ترے چار دیوا
 پچھوں دیہہ معجون کبیر
 دستان ہک نسخہ اکیر
 راسن - سنڈ اسکند سورجیا
 دو دو تولے دارو ست
 لڑنگ - جھفلے عاقر قرحا
 مغز بادام - مغز نارجیل
 یگناں لے ماکھیوں دج ڈال
 چھ جھ ماشے رنت کھوا
 حب کوچلہ اس بہت مفید
 بقوہ استرخاء ادھرنگ
 ماش روغن گرم کرا
 کانپھل کوڑی گٹھ منگا
 پنج پنج تولے دارو ڈال

اک معدے دی سب کچ
 شوربا تتر مرغ پلا
 لوا بیٹر مصالح پا
 پیوے رنت دج شہد پلا
 ہودس بہت شتابی فرق
 کچی بلغم خوب پکا
 عوض مُنضج دسے خوب جوشا
 کل بلغم خارج کرا
 فاج بلغمی نوں اکیر
 رہے نہ فاج دج سریر
 دار چینی - مگھ مرچ خونجاں
 ترے تولے گل بابونہ گھت
 اک اک تول چار دوا
 چار چار تولے لے دج میل
 کر معجون عقل دے نال
 پچھوں سونف دا عرق پلا
 دیہہ رنت اس نوں نال تاکید
 لہن نہ ہک ذرہ دج انگ
 دیوے فاج جلد و نجا
 ترے اجوین، بابونہ پا
 رات پوسلے یکے فجر اُبال

<p> ترے پا مٹھا تیل ملا اک جلا پانی سب ساڑ ماش اس نون ریت کرا کڈھن دکھ بدن تھیں مار پت کنیر کرو ہمراہ پیہ کے دیہہ ناسیں نسوار حب اذراقی ریت کھوا ہوس بہت شتابی فرق پا پا پکا ترے دوا پنج چھ بوتل عرق نکال چار تولے وچ شہد ملا نس بدن نون بھار اٹھا </p>	<p> نل کے پُن کے صاف کرا گھت کڑا ہی دے وچ چاہر کر کے صاف پانی وچ پا ایہ نسخے، آزمودہ کار نک چھکنی، کانچل، مرچ سیاہ جیکر فالج سرد آزار فالج نال جے استرخا شامل نال رکھیں ایہ عرق پودنہ سولف اجوین منگا دار چینی ادھ پا وچ ڈال ادھ پا اس نون ریت پلا لقوہ فالج استرخا </p>
--	---

نسخہ روغن گرم

<p> دار چینی، مالکنگنی پا ہر ہک پنج پنج تولے لے پنج دینہ رکھ پانی وچ گھت چھویس رات اس نال پوسا نل کے پُن کے صاف کرا ڈال کڑا ہی نالی اس میل باقی خالص تیل رو جاوے </p>	<p> کانچل، کوڑی کٹھ منگا دانے حرمل جویناں ترے آٹا کچھ تولے ست پھلے دارو سب کوٹا ستویل روز اس خوب جوشا سیر پکا ہک مٹھا تیل جد سارا پانی جل جاوے </p>
---	---

اگ تھیں جلدی نال اُتار
 فالج، استرخاء، ہزار
 ہے ایہ نسخہ پر تاثیر
 جبکہ فالج ہووے گرم
 ہفتے پچھوں دہ یک بار
 دو ترے چار ملین کر
 دھوی مادے تھیں ادھر تک
 مطبقہ تاپ چڑھے اس نال
 حالت دانگ ہووے سرسام
 ساڑ تیز تاپ دا گرم
 درم کرے راہ روح دا بند
 نفسانی روح اس طرح نچاھے
 خونی مادہ کرے زیان
 چہرہ سرخ نہایت لال
 کر تحقیق جبکہ ایہ مرض
 ہووے اس دا گرم مزاج
 کر تنقیہ گندہ خون
 اطر پھل اس کشنیز کھوا
 جو کاں یک دو دار لگا
 سزارو رگ بھب پچھڈ
 کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق

ڈال بوتل وچ خوب تار
 کر مالش ہو جان فرار
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 اس نوں دیہہ ملین نرم
 ہووے دفع شتاب آزار
 ہر ہر ہفتہ منضج کر
 جبکہ کرے کسے نوں تنگ
 دیوے گندہ خون اُبال
 ہوش سُر ت اُڈ جائے تمام
 پیدا کرے پٹھیاں وچ درم
 پاوے سدے دانگ کمند
 ایس سبب فالج ہو جاوے
 ظاہر آون نظر نشان
 رطوبت خون کرے بد حال
 تاپوں بعد ہووے بالفرض
 گرم نہ ہرگز کریں علاج
 جتنا جھٹے وچ زبُون
 کرے رطوبت خون صفا
 کر توں گندہ خون صفا
 گندہ خون درم دا کڈھ
 پیسے نت اس ہووے فرق

اک
گرم

کر
مات

سو

چار

ایہ

بہن

حب

مریہ

بہن

علاق

حب

جسم

سند

گھوڑ

دو

اک دو دفعہ عملین کر
گرم نہ دہ کوئی اس نون چیز
طبع موافق مول نہ ڈر
ایہ بھی رکھیں یاد تیز

نسخہ منضج ماء الاصول

کرفس تے جڑاں کرفس منگا
مالٹھی ماشے چار ملا
سوف انیسوں جڑاں دیان
چار تولے گلقد وچ ڈال
ایہ منضج دیہ دیہاڑے ست
بہت دفعہ تنقیہ کر
جب ایارج دا جلاب
مرین جے ہودے عمر ضعیف
بہت جلاب نہ اُس نون کر
علاج استرخا جے باقی
جب اذراقی کرد تیار
بسموں کل آزار ریاحی
سندھ گھاں مرچاں منگوا
گھوٹ پانی وچ بخوں حب
دو دو حب ددوقتی کھاے

ترے ترے ماشے وزن تلا
انجیراں دالے ترے وچ پا
چھ چھ ماشے میلو آن
منقہ تولہ گھت اوبال
مُسل پھیر کراویں دت
منضج دے کے مول نہ ڈر
منضج پچھوں کریں شتاب
دیویں مُسل اوس خفیف
مت خشکی تھیں جادے مر
رہن بدن وچ ہو کے عاتی
کھاے ہودن دق آزار
کھانڈیاں سار ہو جاو نہ ہی
مدیر آٹا کچلے پا
قدر چنے دی گویاں سب
عرق یا پانی نال سنگھاے

بیان مرض لقوہ

لقوہ بہت بیماری سخت
 قسماں دو لقوے دیاں ہیں
 تشنج جس نوں لگے کھج
 استرخاء دا ایہ نشان
 ذائقہ دوج پوے نقصان
 لقوے دا کر جلد دوا
 علاج کرن دوج کریں شتابی
 چھ مہینے نیک جے ڈھل
 بعد مہینے چھ تاخیر
 کریں معلوم جے بغم باد
 استرخاء لقوے دا ڈھنگ
 ہووے مرض شروع جدا
 نہ دیہ پانی قسم اناج
 جے دیویں فاقہ ہفتہ وار
 جیکر خواہش کرے غذا
 زیرہ دار چینی دوج ڈال
 جیکر اس نوں لگے ترہیر
 یا عرق سونف تازہ کڈھوا
 دوج اندھیرے اوس بٹھا
 شیشہ چینی صاف منگا
 جعفر منہ دے دوج رکھا

چتا مکھ کرے یک لخت
 تشنجی، استرخائی کس
 ہووے بہت طبیعت زہا
 ہووے ڈھیلا سست دمان
 وقت بولن دے اٹے زبان
 ہووے جھب بیمار شفا
 بہت دیر دوج پوے خرابی
 پوے لگاؤ کتنا ٹیل
 کوئی نہ چل سکے تدبیر
 کیتا چہرے دوج فساد
 کریں علاج مثل ادھرنگ
 چار روز نہ دیہ غذا
 نہ کر کوئی سخت علاج
 ہووے جھب شفا بیمار
 کبوتر - تتر، مرغ پکا
 پیوے روگی گھٹاں نال
 ماء العسل جیہا دیہ
 دیہ نت اُسوں شہد بلا
 جتھے سرد نہ لگے دا
 رکھے اُس دے دوج نگاہ
 ذرہ ذرہ چتھ لنگھا

بلغم

عقر

سکھ

سکھ

تیل

سکھ

پیر

نور

درا

بہت

دار

عقر

بیر

گولہ

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

بلغم مُنضَج نال پکا
 عقرقرا، کھٹ، رائی لیا
 کٹ پانی دے دج جو شہ
 کھٹ، بابونہ، کانپھلے
 تیل میٹھا گھت گرم کرا
 میٹھا تیل شکر لے
 پس میٹھے دج تیل رلا
 نوشادر، دارچینی منگوا
 وزن برابر دارو چار
 بہت جے ہووس سرد مزاج
 دارچینی، مکھ، مرچ سیاہ
 عقرقرا ایہ دارو ست
 بیر برابر حب بنا
 گولی نال زبان پپول
 یک دو گولیاں منہ دج رکھ
 گلن دت زبان دمان
 جس نقوے نوں لگے کھج
 تشخ دی ایہ خاص نشانی
 باجیاں منہ دیاں آکر جان
 کھٹ دا تیل ماش کرا
 کالے تیل بابونہ لیا
 دو تہے چار جلاب کرا
 دارچینی، سنڈھ نال بلا
 غارے اس نوں نت کرا
 گھوٹ پانی دج دارو ترے
 پٹا گرم گرم بنھا
 سنڈھ برابر وزن ترے
 نقوہ اُتے خوب ملا
 عقرقرا سنڈھ لے دج پا
 پیہہ کے دیہ اس نوں لہوا
 دساں اس دا ہوو علاج
 لونگ، جعفر سنڈھ کریمراہ
 کٹ خالص ماکیوں دج گھت
 مونہ روگی دے دج رکھا
 ہولی ہولی مونہ دج گھول
 فائدہ بہت شتاب پرکھ
 رہے نہ یک ذرا نقصان
 ذیکھ علاج تشخ دج
 مونہ کھچیا جاوے طرف پیشانی
 نال کھج دونوں مل جان
 روغن نال ارند ملا
 پانی ڈال کونڈے گھوٹوا

لب لخت
 فی کمن
 بیعت زہا
 مست دمان
 لکے زبان
 بیمار شفا
 دے خرابی
 متنا میل
 سکے تدبیر
 چ فساد
 ادھر تک
 دیہ غذا
 نت علاج
 شفا بیمار
 مرغ پکا
 شاں نال
 دیہ
 شہد
 لگے دا
 دج کھا
 تھ

تیل مٹھا گھت کر کے گرم مالش کر کے دیہ مروڑہ دو جا ہتھ سرتے رکھوا ایہو حکمت اس دی کر کرے جے گندہ خون بگاڑ جائز اس دا فصد ضرور دو کٹاں پچھے جوکاں لا موافق قوت لہو کڈھ بنفشہ مغز کڈو دا تیل لقوہ بہت کرے جے زنج	بخہ پٹا مونہ ہودن نرم ہیٹھ باچی رکھ ہتھ تگورہ باچی دوجی طرف بھوا چالی روزاں زتیک مفر سرخ بہت چہرے وچ ساڑ گندہ خون کرو سب دور رمی سنگی پیچھ لگا ہرگز گھٹ نہ ہووے ودھ مالش کریں دوہاں نوں میل کر دیکھ علاج تشنج وچ
--	---

صفت ماء العسل

ماء العسل کر جمب تیار ادھ پا پکا شہد منگا ترجیا حصہ جد سڑ جاوے اگ بقیں دیگہ جلد لہا مٹھ کے حاجت پوے جے آ	بلخی مرضاں دے درکار سیر پانی گھت خوب جوشا ترے پا قدر پانی رہ جاوے تھوڑا تھوڑا وزن پلا تازہ تازہ ہور بنا
--	---

بیان مرض تشنج

مرض تشنج دے کئی قسم بدنوں گندی اٹھ ہواڑ	سردی لگے کچھ جسم جا سرے وچ کرے بگاڑ
--	--

بلغم تھیں ریح بن جائے
 سپ یا بچھو مارے ڈنگ
 چڑھ دے سرزوں دے کے زور
 کرن پیٹھے اس نامنظور
 اسے سبب خشکی و دھ جائے
 تشنج خشک نہایت سخت
 یا تپ تیز دا گرم بخار
 پیٹھے اس تھیں ہودن زنج
 کر تحقیق علامتاں نال
 جے بلغم فاسد کرے زیان
 جیکر تاپ نہ ہو دے نال
 بلغم منضج نال پکا
 سخت نہ اس نول کریں جلاب
 عرق سوئف ادھ سیر منکا
 ترنجبین لے تو لے چار
 گودا انبتاس دا تازہ
 دق عرق دے حل کرا
 تول پک روغن بادام
 حقے اس دے کر کے ترے
 آون جد اس نول اسہال
 مالش اس نول خوب کرا

سرے پٹھیاں دق گھس جائے
 نہ ہر کرے پٹھیاں نول تنگ
 سردی نال کرے ربخور
 ایس سببوں پوسے فتور
 سر دیاں پٹھیاں نول سنگردے
 پیدا آن ہو دے یک سخت
 جا پاوے پٹھیاں نول ساڑ
 لگے ایس سببوں کھج!
 پھیر معالجہ کر فی الحال
 کر دریافت نال نشان
 گرم دوا کر استعمال
 جو شانہ دے دو ترے چار پلا
 مت ہو جاوے طبع خراب
 گلقد ادھ پا مل صاف کرا
 حل کر اس دق صاف نتار
 کر کے پک چھٹانک اندازہ
 چھاننی دے دق گھت چھنا
 داخل کر اس دق تمام
 فجر، پیشی، دیگر پے لے
 تشنج دفعہ ہو دے فی الحال
 بابونہ روغن گرم کرا

نمود آب اس کریں غذا
 عرق سولف ماکھیوں دھو گھٹ
 ہو ر فایع دالا کریں علاج
 جیکر سخت تپ لے دھو
 ہے اوہ خاص تپ داعض
 تپ نہایت ہووے گرم
 شامل نال ہووے سرسام
 لت یا موہرہ لوں لگے کھج
 یا اوس سرد دھو ہووے دم
 مادہ جیکر رتبی ہو
 لگے اس نوں تربیہ نہایت
 اکثر لڑکے بال انادان
 جیکر مادہ ہووے سالم
 پھر لوں اس دا کریں علاج
 گرم خفک ہے ہوس مزاج
 ادھ پا پچا پھل گلاب
 دھجی دے دھو گھٹ جوش
 بیج تو لے گودا انبداس
 مڑکے چھانی نال چھنا
 گھنٹہ گھنٹہ ا جیہا ملا
 ہوون جہ اسہال اس جاری

بھرا پھوڑہ مرغ پکا
 ریت پلا دھالے ست
 موافق اس دے طبع مزاج
 دانگ تشنج لگے کھج
 اصلی نہیں تشنج مرض
 پیدا کرے پھیپاں دھو دم
 رہے بے ہوش صبح تے شام
 بہت کرے روگی نوں رنج
 شامل نال ہووے تپ گرم
 نہیں اُمید خلاصی کو
 ہر دھو ہووے درد شکایت
 پاوون اس دکھ نال زیان
 نال ملاقاتاں کر توں معلم
 موافق جیہڑا طبع مزاج
 کر توں اس دا ایہہ علاج
 اصلی سچے لیا شستاب
 تل کے پٹن کے صاف کرا
 تل اس دے دھو بے وسواس
 تڑکے اس دے تڑکے کرا
 تڑکے داری دن دھو پلا
 ہاوسے ہرنوں نس بیماری

ایہو اسم
 سے خج
 بہت
 بنفشہ
 خا ہر
 گو کا
 دھو
 شرج
 تخم
 لہ
 فخر
 رو
 بنفشہ
 خر
 بنفشہ
 پاؤں
 تر
 کا
 کھج

ایہ اس نول کریں جلاب
 ستخیں سادہ دیہ بنا
 بہت ہے اس دا خشک مزاج
 بنفشہ روغن نیلو فر
 ظاہر باطن تری پہنچا
 گو کا مکھن فجر چٹا
 دج تاپ دے گھیو تے دودھ
 شربت گاو زبان منگا
 تخم کنوچ، تخم بارتنگ
 سہوڑیاں، بھیدانہ، گاو زبان
 فجر کل کے صاف کرا
 روغن مغز کدو، بادام
 بنفشہ شربت، نیلو فر
 خرفہ، کاسنی، تخم خیار
 بنفشہ، خطمی، نیلو فر
 پانی دے دج گھت او بال
 سپ یا بچھو مارے ڈنگ
 تریاق اربعہ اس جلد کھیا
 ہک دو دفعہ ملین کر
 گل روغن دی مالش کر
 جے مرگی دقت تشخ آدے

ہک دو ہفتے بعد شتاب
 شیرہ کاسنی نال پلا
 کر توں اس دا ایہ علاج
 بدن سارے پر مالش کر
 تراوت نال دوا غذا
 مصری گھت دودھ شام پلا
 دیہ نہ ہرگز سنبھل مدھ
 تخم بالنگو ڈال پلا
 شربت نال پھکا سنگ
 رات پوسا پانی دج آن
 مصری ڈال اس نت پلا
 مالش کرو صبح تے شام
 نت اٹھ فجر پلایا کر
 شیرہ کدھ پلا نتار
 کدو چیر شامل دج کر
 کرو نطول عقل دے مال
 تشخ کرے کسے نول تنگ
 دیوے زہر دا اثر دنیا
 زہر جسم بھیں جادے بھڑ
 تشخ والے عضوے پر
 دورے بعد نائل ہو جائے

پکا

مست

مزاج

کھج

مرض

دوم

شام

رنگ

گرم

کو

یت

یان

لم

ج

ج

ب

س

ا

ا

جے کرم شکم تھیں کرے ظہور

نال علاج کرم کر دور

بیان مرض رعشہ

رعشہ نام یک سخت آزار
ہو دے روگی بہت ظہیر
ایہہ دوکھ بہت بُرا بدقسم
ہستھاں نال نہ ہو دس کار
قابو وچ نہ رہے سر یہ
جھوٹے حرکت کرے بیمار
اکثر بلغم تھیں ایہہ مرض
مادہ موذی پٹھیاں وچ
پٹھے مادہ دفع کراون
مادہ موذی دفع نہ ہوئے
نبض قارورہ خوب پکھان
سردی گرمی سمجھ مزاج
کس سبب تھیں ہو یا زبان
یا کوئی پیوے بہت شراب
یا غم غصہ کرے اندہ
یا صحبت کرے بے حد شمار
یا کوئی سڑیا سخت مواد
جے دموی مادہ پاسے زور

کرے جسم نوں بہت لاچار
کنبن ہتھ سر پیر مریر
جھوٹے باہجہ ارادے جسم
کر دا ایہہ دکھ بہت خار
بہت بیمار ہو دے دیگر
بہت طبیعت ہو دس بزار
پٹھیاں وچ ہو دے بالفرض
داخل ہوئیے کرا زنج
بہت نہایت زور لگاؤن
نہ حرکت کرنوں بدن کھلوت
کر کے جنگی طرح دھیان
طبع موافق کرد علاج
کس مادے کیتا نقصان
یا کوئی سرد نہایت آب
یا کوئی استفراغ انہوہ
جاوے قوت مغزوں ہار
جا پٹھیاں وچ کرے فساد
تھوڑا تھوڑا خون پھوڑ

کئی دفعہ کر فصد ضرور
 شربت اوس پلا عذاب
 مصفا خون اس کرو علاج
 سبب جماع یا استفراغ
 ضعف ہے ہووے وچ سریر
 جیکر ہووے خشک مزاج
 جیکر خشکی کرے جسم وچ زود
 گھیو دودھ مکھن مصری نال
 گل روغن مغز کدو بادام
 نشاستہ مغزے نت کھوا
 بہت دیر تک کریں علاج
 جیکر زور ہووے صفرا
 صفراوی قے جلاب کرا
 جے بلفم تھیں ہووے ریح
 کئی دفعہ تنقیہ کر
 جد مادہ خارج ہو جائے
 مالش کر نت کٹھ دا تیل
 دیویں اُس نوں چرب خوراک

ہووے خون گندہ سبب دودھ
 کرے صاف سبب خون خراب
 تا ہووے تندرست مزاج
 پاوے قوت ضعف دماغ
 نت پلا گھیو گھت وچ بشیر
 جھب دے کر مرطوب مزاج
 باہجہ تراوت دیہ نہ ہو
 رات دینہ کر استعمال
 مالش کر گھیو گھت وچ عام
 مغزیات گھیو کھنڈ ملا
 تا ہووے تندرست مزاج
 شربت بشیرہ سرد پلا
 بہت دفعہ رب کرے شفا
 کر توں چنگی طرح صحیح
 منضج دیہ مادہ تر کر
 مرضوں بدن رہائی پاوے
 روغن نال ارندھی میل
 مت خشکی اس کرے ہلاک

صفت نشاستہ مغزیات

ہووے ضعف دماغ فرار

نشاستہ مغزیات کرتیار

مغز فندق تے مغز نارجیل
مغز پستہ چلوڑہ لیا
مغز کھیرہ کھکھڑی دھج ڈال
مغز تخم کدو بادام
نشاستہ ترے پا پکا آن
نشاستہ کرچھی نال ہلا
تھوڑا جیہا جد ہووے لال
سیر پکا لے چٹی کھنڈ
ادھ پا قدر جیکر نت کھاے

مغز تخم خربوزہ میل
مغز تخم ہندواں پا
مغز اخروٹ کر شامل لال
پنج پنج توے وزن تمام
پنج پا گھیو دھج کر بریان
بہت مٹھی ہیٹھ اگ جلا
لاٹیکے ہیٹھ دوا گٹ ڈال
دھج نشاستہ دیویں منڈ
ضعف دماغوں دور ہو جائے

بیان مرض تمدد

جیکر آکرٹ جان پران
ہو جاوے لنگ سیدھا تیر
دوہیں طرفیں لگدی کھچ
جے گردن دھج ہے اکڑا
خفک مواد پٹھیاں دھج جا
علاج دوٹال دا کر کے غور
جے کرتا پ ہووے کھ نال
تپ دا سڑیا ہو یا مواد
مادہ سخت نہایت گرم
شامل نال ہووے سرسام

اس نوں مرض تمدد جان
یا آکرٹ جاوے کل سریر
بہت کرے روگی نوں نہج
مرض کزاز آکھن حکماء
کر کے سخت دیندا اکڑا
نال عقل دے کر فی الفو
حالوں بہت کرے بد حال
پٹھیاں دے دھج کرے فساد
کرے جیکر سرے دھج دم
دھج بے ہوشی رہے مدام

سخت
جے جاوے
تپ
سڑیا
کریں
اکثر اس
ظاہر
جیکر تا
بنفشہ
ہور گلا
جیکر
بنفشہ
جیکر
جیکر
گرم
نہ کر
جب
اگے
تا پور
تپ
روغن

سخت علاج نہ اُس دا کر
 جے جافے اٹھواں روز لنگھا
 تپ والا بحرانی ساڑ
 سڑیا ہو یا مادہ سخت
 کریں نہ اس دا گرم دوا
 اکثر اس دا خشک مزاج
 ظاہر باطن تری پہنچا
 جیکر تاپ ہووے کچھ نال
 بنفشہ شربت گاؤ زبان
 ہو رگاؤ زبان دا عرق پلا
 جیکر ذرہ نہ ہووے کھنگ
 بنفشہ روغن مغز بادام
 جیکر قبض شکم وچ ہو
 جیکر مادہ سڑ گیا گرم
 گرم دوا تپ وچ نہ دیہ
 نہ کر کوئی گرم مکور
 جب تک ہے بدن وچ تاپ
 اگے گرم تاپ دا ساڑ
 تاپوں بعد مالش کر گرم
 تپ وچ مول نہ کریں مکور
 روغن بابونہ کھلوا

چار روز تک بہت خطر
 اُس دی رکھ امید شفا
 جا سرے وچ کرے جگاڑ
 سردی پٹھے کرے کرخت
 نہ کوئی دیویں خشک غذا
 کر اس دا مرطوب علاج
 دیوے رب اس جلد شفا
 ایہ دوا کر استعمال
 نت پلا روگی نوں آن
 عرق سولف کچھ نال پلا
 سکنجیس دے ذرہ نہ سنگ
 مل روگی دے بدن تمام
 دیہ ملین اُسوں کو
 دیویں سرد ملین نرم
 یاد رکھیں مت ساڈی ایہ
 مت دکھ بن جائے کوئی ہو
 گرم چیز نہ کریں ملاپ
 دے کے گرم دوا نہ مار
 جاون ہو پٹھے سب نرم
 مالش پر رکھ بہتا زور
 گل روغن اس نال رلا

میل

پا

لال

تمام

بریان

جلد

ڈال

منہ

جافے

جان

سری

نہج

کماء

اکوا

ع الفد

حال

فساد

دوم

دام

یک دن دینج کر دو ترے دار
 جیکر تاپ نہ ہو دے نال
 ستویں اٹھویں دیہہ تلپین
 ایس مرغ دا خشک مزاج
 بنفشہ، لسوڑیاں، گاؤ زبان
 رات پلوسا رکھ اندر آب
 مصری پائیکے رنت پلا
 گرم پانی دی کرو ٹکول
 بدن جدول اس خشک ہو جا
 حریرہ گندم چھان ملا
 علا جوں مول نہ ہو دیں تنگ
 ترے مہینے کریں علاج
 لستی، مرچاں، مسر، چرال
 جدول بیمار شفا ہو جائے

بالش اُس نول خوب سنوار
 گھیو دودھ بہت کر استعمال
 خارج کرو مواد لعین
 ہر جیلے کر چرب علاج
 رنیلوفر، پھیدانہ آن
 فجرے کل کے کدھ لعاب
 بخنے جلدی صحت خدا
 طبع ہے اُس دی کرے قبول
 قیروطی اُس نول جلد ملا
 مصری گھیو گھت رنت پلا
 صحت خداوند پانسوں منگ
 تاں ہو دے تندرست مزاج
 کرے نہ ہرگز استعمال
 پھر بھی اپنا آپ بچا

صفت قیروطی

قیروطی ایہ بنا ضرور
 گل روغن یا گری دا تیل
 بنفشہ روغن لے وچ پا
 چربی مرغ، روغن کتان
 روغن مغز کدو بادام

کرے کزاز تمدد دور
 روغن نال بابونہ میل
 گھیو گوگا اس نال ملا
 چربی بکرا میلو آن
 تیخ تیخ تولے وزن تمام

میلو سب روغن کر گرم ایہ قیروطی ہے اکسیر ہودن جس دے خشک اعضا ایہ قیروطی فیض کمال گرم خشک ہے بہت اکڑا بنفشہ خطمی کدھ لعاب	سخت اعضا کرے جھب نرم تجزیہ سائیں بخش فقیر دیوے اس لوں فیض پہنچا بعد نطول کر استعمال میل لعاب طسلا کرا میل قیروطی مال شتاب
--	--

بیان صرع یعنی مرگی

مرگی والا سخت آزار ڈٹے زمین تے گردش کھا جادے اڈ دماغوں ہوش ہتھ پیر ہو جادون ڈنگے آوے ایہ دورے نال مونہوں نکلیں بھونے جھگ کے مکانوں اٹھ مواد پاوے سڈے وانگ کند روح نفسانی ہودے زنج روح نہ ہرگز سکے لنگ سڈہ روح دل جنگ مچاون اوڑک سڈہ جاونے کھل سر بھارا اس رہے ہمیشہ	بہت مدت تک کرے خوار ایس لوں صرع کہن حکماء سجن کلاموں رہے خاموش تشنج وانگ لگے کھج ٹنگے ذرہ رہے نہ سرت سمہال آکھن لوگ گیا جن لگ جا سر دے دھ کرے فساد رستہ روح ہو جافے بند ایس سببوں لگے کھج ! سڈہ بہت کرے اس تنگ آپہ اپنا زور لگا دن عارضے دفع ہو جادون کل کردا رہے غم فکر اندیشہ
---	---

سست حواس طبع پریشان
ایسا آدھ کم دل ہو جاوے
اہل ہڈیں رہے اُداس
دہم دیلاں بھیڑے خواب
غصے نال رہے دل تنگ
اکثر چھوٹے بال نادان
جد لڑکا پیوے دودھ خراب
فاسد دودھ جو غیر صحیح
رتج جد سروچ کرے خردش
مومنوں جادون بھونے جھگ
دورے نال کرے رتج زنج
نام اُس دا اُم القبیان
ہووے لڑکا جدوں جوان
حاجت نہیں کوئی اوس علاج
جیہڑی اوس پلاوے دودھ
کر توں اُس دا بدن صفا
فاسد دودھ ہووے جس نال
چٹی مرچاں دودھ مسور
بہت لطیف کھوا غذا
گھیو ہک رپتی گرم کرا
گوربتی والا دیویں بھاڑ

وانگ سودائیاں رہے حیران
ہر اک پاسوں غم ڈر کھائے
کم ہو جاوے عقل قیاس
کر دے اُس نوں بہت خراب
ناحق کرے لڑائیاں جنگ
ایہ دکھ بہت کرے حیران
جاوے بگڑ مزاج شتاب
پیدا کرے بدن وچ رتج
ہووے لڑکا ترے بیہوش
جادون اکھیں تاڑے لگ
ہتھیں پیریں لگے کھج
سارے مرگی وانگ نشان
مرگی دا نہ رہے نشان
آپے جاوے بدل مزاج
اُس دا دودھ کراویں سدھ
ملین دو ترے چار کرا
ہرگز نہ کرے نہ مول خیال
دینگن خشک چیزوں ہے دد
شام صبح دافر گھیبو پا
لڑکے نوں ہر روز پلا
وچ مہینے ہک دو وار

سوف
فجر
قدر
دیور
اُس
خاص
سبب
غالب
نال
کئی
خون
چھنا
شر
جے
عطر
روغن
سر
تراو
گھیو
پتھر
جس

سونف بنفشہ پھل گلاب
 فخرے دیگی دج جو شا
 قدرے گودا ابلتا س
 دیویں اُس نوں سیپی نال
 اُس دی ماڈل دا کرو علاج
 خاص علاج صرع لے چار
 سبب صرع دا جیکر خون
 غالب ہووے دموی مادہ
 نال عقل لے کر کے دھیان
 کئی دفعہ اس فصد کرا
 خون گندہ جد ہووے صاف
 چھنانک مکھن اس فخر کھوا
 شربت پیوے نت عتاب
 جے گرمی دا بہت سبب
 عطر اوی تے ا جلاب کرا
 روغن مغز سکدو کدھوا
 سرتے نت مالش اس کر
 تاوت اس نوں بہت مفید
 گھیو گوکا اس بہت کھوا
 چونہ غلطاں دی کریں پچھان
 جس تھیں جادے بگڑ مزاج
 موافق جسم پوسا شتاب
 تل پُن اس نوں صاف کرا
 حل کر اس دج نال قیاس
 دن دج دو ترے دفعہ سہال
 موافق جیڑا طبع مزاج
 تے - جلاب - مالش - نسوار
 ہووے بجھے دج زبُون
 سُرخ چہرے دج زیادہ
 دموی مادہ خوب پچھان
 دے کے فاصلہ دو ترے ماہ
 کرے قصور خدا معاف
 سرتے مالش رنت کرا
 شامل کر کے عرق گلاب
 کر معلوم علامت سب
 ماہ مرض خارج کردا
 بنفشہ روغن نال ملا
 خوب طرح رکھ سرنوں تر
 شامل نال رکھیں تبرید
 خشک چیزوں پر ہیز کرا
 نال علامت کر کے دھیان
 اوس سبب دا کریں علاج

رہے حیران
 ڈر کھائے
 نل قیاس
 مت خراب
 ماں جنگ
 سے حیران
 شتاب
 دج رنت
 بیہوش
 لے لگ
 لے کھج
 نشان
 نشان
 مزاج
 دیں سدھ
 چار کرا
 خیال
 ہے دج
 پیو پا
 ز پلا
 دو دار

سبب جیکر بلغم تے باد
 کر تنقیہ تے جلاب
 دو تے کروا مینے روح
 پہلے ہفتے تے کراویں
 مڑ تریجے روح تے کروا
 چھ مینے تک ایہ کار
 جے مریض کم قوت ہو
 دو ہفتے پچھوں تے کروا
 گھیو ہمیش اس بہت کھوا
 مت خشکی کر جاوے زور
 اندر اس دا کر کے تر
 عطر قرحا دار چینی لے
 کٹ بتلناں ماکھیوں تے ڈال
 ہک دو ماشہ رنت کھوا
 کریں جلاب ایارج حب
 اکا دل دالی دیہہ فتوار
 اک دی جڑ دی چھل لما
 چل حکمت کر گزے روح ساڑ
 عطر قرحائے موزج سیاہ
 اک بیڑی اک دی نے سوکا
 کھونجی کندش مریج سیاہ

بادے مرگی آن فساد
 بلغم خارج کریں شتاب
 دو جلاب نہ ہمدیں نہ
 دوجے روح جلاب دیواویں
 چوتھے روح جلاب دیوا
 کر تنقیہ خوب سنوار
 فاصلہ دیوے ہفتے دو
 چودھویں روز جلاب دوا
 پنڈے سر مالش کروا
 پیدا کرے مرض کوئی ہو
 تنقیہ تے جلاب اس کر
 سندھ برابر وزن ترے
 کر اس نوز رنت استعمال
 پچھوں گھیو چھٹانک پلا
 دفع کرے بلغم نوز جھب
 کرے بلغمی صرع فرار
 اک دا دودھ گھت تر کروا
 پیہہ کے دیہہ اس نوز سنوار
 قدرے کر اس دے ہمراہ
 پیہہ کے رنت سنوار چڑھا
 مغز تے دا کر ہمراہ

وزن
 سر
 کر

نسخہ

لے

گولی
سکنج

پیالہ

ہک

ہے

جے

کوئی

پورا

چھ ماہ

جالیہ

ترے

دار

دزن برابر دارو چار سرکھیاں دے کر جُدا کر باریک نہایت پیس	پیہ کے دیہ اس نون نسوا دُپتے اس نون رکھ سوکا دیہ نسوار دیہاڑے پیس
--	---

نسخہ فنی اور

نسخہ ہک عجب فنی والا لے ہک ماشہ درج کوٹا گولی پہلاں مہنہ درج پا سکنجیس پیچ تو لے تول پیالہ پانی گرم ملا ہک دو پیالے پانی ہو ہے ایہ فنی آزمودہ کا جے مرگی دا سرد مزاج کوئی اس نون مدت تک کما پورانی ہڈی لے انسان چھ ماشے وزن پھکا جالینوس امر فرمایا ترے ماہ تک استعمال	دس سال تینوں بہت سکھلا گولی ماکھیوں درج بنا پچھول ایہہ دو پلا ترے ماشے رائی کٹ گھول پیلا روگی نون فنی کردا پیوے گرم نمک درج کھو ہو دے بہت شفا بیمار اُس دا ہے اسے خوب علاج مرگی جاندی نظر آدے پیہ باریک کھول درج آن اوتوں ادھ پا گھیو پلا ایہہ میری درج آزمائش آیا مرگی دفع ہووے فی الحال
--	---

نسخہ ناسوار

دار چینی کشمیری پست	کانپھل برگ تمباکو گھت
---------------------	-----------------------

کندش کالی مرج بلا	تبرے تبرے ماشے سب دوا
اک دی ٹڈی خشک کرا	پہیہ کے سب فسوار بنا
مرگی دالے نوں فسوار	دیویں روز مرہ ہک وار

بیان مرض کا بوس

کا بوس مرض مرگی دی بھین	طیب حکیم سیانے کن
ایہ آوے دورے نال	مرگی وانگ کرے بد حال
ستاپیا ہووے انسان	بھار پوے سینے تے آن
ایسا بوجھ کرے اوہ تنگ	جیونکہ دشمن کردا جنگ
دج خواب دے کرے گمان	مینوں کسے دبا یا آن
ایسا زور دا دورہ آوے	ہووے تنگ اوکھا ساہ آکے
نکلے مٹھوں نہ صاف آوازہ	زور لگا دے بے اندازہ
نوموے خواب اندر گرلاوے	خوفوں ڈردے نال بڑا
چیکاں مار کرے فریاد	کرے میری کوئی اعداد
ردوے کرے دہائیاں کوک	نکلے مٹھوں آوازہ ہوک
بہت نہایت زور لگائے	بولیا اس توں مول نہ جاوے
بدنوں اٹھ غلیظ بخار	سینے سرتے پاوے بھار
گرمی سردی خشکی تر	معلم کل کیفیت کر
مرگی دا کریں علاج	موافق جیہڑا طبع مزاج
غلط جو پوے نظر	نال عقل ہے خارج کر
کہنہ مرض جیکر ہو جائے	خاص شکل مرگی بن جائے

غالب مادہ کریں شناس
 قے جلاب دے کدھ قصو
 کٹ ادھ پا ماکھیوں دج پا
 اتوں پانی گرم پلا
 دیوے اس نوں رب تنفا
 قصد نال کر خارج مادہ
 پچھوں کریں معالجہ ہوو
 ظاہر باطن تری پہنچا
 تنقیہ کر سودادی شتم
 ہووے جیہڑی خلط زیادہ
 موافق اوس دوا کر جھب
 منضج دے کے مول نہ ڈر
 نال شتابی ناہ گھبرا
 کر اس دی نہ ہو دلگیر
 ہووے مادہ دفع خراب
 شامل کر اس نال سنا
 یک یک تولہ وزن تمام
 دھندے کونڈے دج گھوٹا
 ہر ہفتہ کر استعمال

بہت عقل دوڑا قیاس
 جیکر بلغم کرے فتور
 یک چھٹانکی ورچ لیا
 ترے ماشے دا وزن کھوا
 ہر ہفتہ ایہہ قے کروا
 سبب جے ہووے خون زیادہ
 اول با سلیق رگ چھوڑ
 کرے جے زور مواد سودا
 روگی دا تر کر کے جسم
 ہر چیلے کر خارج مادہ
 جے صفرا دا ہے سبب
 بہت دفعہ تنقیہ کر
 سہجے سہجے کریں دوا
 مرگی والی کل تدبیر
 ہر ہفتہ دیہہ نہ جلاب
 سونف کانسٹی لے منگوا
 بنفشہ کدو مغز بادام
 پنج تولے گلقتن ملا
 صاف ریشہ کر مصری ڈال

بیان مرض خدر یعنی سن

پید ہونے خدر آزار
 سوندے مڑیاں دانگ اعضا
 مواد غلیظ پٹھیں گھس جاوے
 جس اعضا دوج خدر آزار
 یا بہت اعضاواں دوج مواد
 کر کے چنگی طرح دھیان
 گرمی دا کر سرد دوا
 کرے تراوت خشکی دفع
 جیکر بلغم کرے بگاڑ
 مادہ اس دا کر کے تر
 کر کے خارج سارا گند
 پھرتوں اس نوں مالش کر
 طریقے جنتز نال پتال
 مالش اس نوں رنت کرا
 رائی سرکہ خوب گھوٹا
 رائی کانپھل زیرہ سیاہ
 سرکے دیونج گھوٹ لگا
 جوائن دیسی دا کدھو تیل
 مقام خدر تے کرو طلا
 نوشادر طوطیا سبز منگا
 بہت باریک اس پچھ لگا

دوج بدن دے پھڑے قرار
 سنّ اس نوں آکھن حکماء
 جس اعضا باطل ہو جاوے
 ہووے اوہ اعضا بے کار
 داخل ہو کے کرے نساد
 غالب لئیں مواد پکھان
 سردی گرمی نال ونجا
 خشک دوا ترمی نوں دفع
 کر تنقیہ بھستی دار
 ہر ہفتے دوج خارج کر
 جیہڑا دوج اعضا داں بند
 تیل اجوین مقطر کر
 لے توں تیل اجوین نکال
 روغن نال ارند طلا
 تنقیہ پچھوں کرو طلا
 نوشادر عقرقرھا ہمراہ
 دیوے بلغمی خدر گوا
 روغن دارچینی دوج میل
 دیوے سنّ دی بیخ اڈا
 پانی نہوے گھست جوشا
 خدر اٹے جھب کر طلا

ایک دے
 اجوین
 تنقیہ
 عقرقرھا
 ماکھیوں
 ہر ہفتہ
 سبب
 کریں
 مالش
 مکھن
 ظاہر
 اندر
 روغن
 یا گل
 کرے
 صفراوی
 پلا، شریہ
 کرے
 ایسے
 سچ کوئی
 کرے

اک نے دودھ دینے میں سیما
 اجڑیں ارنڈ دی بیج لے آ
 تنقہ پکھوں نت لگاے
 عقر قرحا دارچینی لے
 ماکھوں دینے معجون بنا
 ہر ہفتہ پک کریں جلاب
 سبب ہے خاص سوداوی مادہ
 کریں تراوت دینہ تے رات
 مانس کہ تر دیہہ غذا
 مکھن گوکا خیر کھوا
 ظاہر باطن کہ مرطوب
 اندر اس دا کر کے تر
 ردغن مغز کدو بادام
 یا گل ردغن رنت ملا
 کرے جبکہ صفرا زیان
 صفرا دی سے کے قے جلاب
 پلا شربت نت سرد فقور
 کرے ہے گندہ خون خرابی
 ایسے طور کچھ مدت تیک
 ہے کوئی ہووے ہووے سبب
 کر کے چٹکی طرح قیاس

کر کے کھل خدر تے لا
 پستال جنتر نال تیل کڈھا
 خدر مرض نوں جلد اڈاے
 مکھاں تو لے بیج بیج ایہ ترے
 چھ ست ماشے رنت کھوا
 دفع ہو جاوے خدر شتاب
 ہووے خشکی بہت زیادہ
 ہر جیلے کر خشکی مات
 خشکی اس دی ہووے کرا
 دیہہ گاوا دودھ مصری پا
 تا حاصل ہووے مطلوب
 سودا والا تنقہ کر
 بنفشہ روغن کل نت عام
 گھیو گوکا چرنی دینے پا
 ظاہر آون نظر نشان
 خارج مادہ کریں شتاب
 طبع ہے اس دی کرے رجوع
 کر توں اس خصد شتابی
 کر توں بدن ہو جائے ٹھیک
 دارو اس دا کر توں جھب
 نال علامت کریں شناس

جس خلط دا ہووے زور
طبع موافق کریں علاج
جیویں طبییاں دا دستور

دیویں غلبہ اُس دا توڑ
گرمی سردی سمجھ مزاج
کہ توں اُسے طرح ضرور

بیان مرض سکتہ

سکتہ مرض ہووے جد آن
تُردا پھر داگم ہو جادے
مُردیاں دانگ ہوئے بے جان
بدنوں ردی اُٹھ بخار
خلیظ مواد سُدہ بن سخت
مثل درم سُدہ بن جادے
کل رُوح طرف سُتے دی جادون
سُدہ رُوح نوں کرے تباہ
سردیج رُوح جا ہوندے بند
سُدہ درمی سردے دین
رُوح سُدے دین جذب ہو جادے
ہووے سکتہ جدوں آزار
جیکر مادہ سالم ہو
آوے ساہ دم بہت باریک
نال علامت خوب پہچان
ڈکھا رکھ طب دین عظیم

اچانک مر جادے انسان
ساہ دم اُس نوں مول نہ آدے
ہووے خلقت دیکھ حیران
کرے حواس دماغ بگاڑ
سردی پٹھے کرے کرخت
جس حرکت کل بدن ونجائے
دفع کرن نوں زور لگاؤن
قوت رُوح دی کرے قہار
ہودن سُتے نال پیوند
قوت رُوح دی لیندا رنج
مڑ کے خالے دین نہ آوے
ہووے ہوش حواس بیکار
سُدہ رہے سردی کھل
نال عقل کر معلم ٹھیک
زندگانی دے سب نشان
اکھیا جالینوس حکیم

کے
مور
پنبہ
جے
دو
جے
بھان
جے
چوٹی
تے
مُرخ
جد
بک
دین
کھنپ
سبب
دو
جے
سر
مالش
شور

تہے روز تک دفن نہ کر
 جیویں عیماں دا فرمودہ
 ہلسی جد سادہ اس نوں لگے
 زندہ ہے اوہ مُردہ ناہیں
 طرف دھیری دیں کریں دھیان
 زندہ اس نوں جان مقرر
 اوپر سینے ساہ پرکھ!
 مُردہ نہیں، زندہ ہے ٹھیک
 رائی سرکہ گھوٹ لگا
 دیوے سکتے ثروت دنیا
 وزن رتی اک گھول پلا
 ہووے سکتے دفع بیماری
 ناساں دے دچ پھوک چڑھا
 مصبر پانی نال لگا
 تا اس قے شتابی آدے
 ہووے سکتے مرض صحیح
 بختے اس نوں رب شفا
 کیتا بلغم ٹھیک فتور
 سندھ اجوائن قرنفل میل
 زور ہتھال دا خوب لگا
 دار چینی زیرہ روچ پا

سکتے نال ہاوے کوئی مر
 موت جیاتی کر آزمودہ
 پنبہ رڈوں دا رکھ تک اگے
 جے حرکت پنبہ کرے کدائیں
 دوجا پختہ ایہہ نشان
 جے عکس چہرے پوے نظر
 بھانڈا پانی دا بھر رکھ
 جے اوہ پانی کرے تحریک
 چوٹی سر دے وال مُنا
 قے جیہا کوئی نہیں دوا
 سرخ کاہی دی قے کرا
 جد اوسنوں قے ہووے جاری
 تک چھکنی کالی مرچ پسا
 دچ حلق دے کھنپ پھرا
 کھنپ جد دچ حلق دے جاے
 سبب جیکر بلغم قے رتج
 دو تہے قے جلاب کرا
 جے آوے تیرے دچ شعور
 سرتے ل اس کھڈ دا تیل
 مالش سرتے خوب کرا
 شوربا رتر مرغ پلا

دا توڑ
 مزاج
 ضرور

انسان
 نہ آدے
 حیران
 باغ بگاڑ
 کرخت
 ن و نجات
 لگاؤں
 قہار
 ل پیوند
 میندا
 نہ آوے
 س بیکار
 دچ کھل
 ٹھیک
 نشان
 حکیم

سوف انیسویں زیرہ سیاه
ترے ترے ماشے سب دوا
کا ہڑہ کر کے روز پلا
خون زیادہ نظر ہے آ
سرا روگ نول جھب چھٹ
جیکر بدن نضج کر جائے
جسم وچوں آوے بدبو
ہو جاوے عورت شکل خراب
سبب جیکر اس ہوئے قبض
حقنہ یا اس کر پچکاری
جیکر خشک طبیعت گرم
سرتے کل روغن بادام

پودنہ دار چینی اکرا
درڑہ کر کے رات پوسا
قدرے شند اس وچ ملا
جلدی اس دی فصد کرا
خون موافق قدرت کڈو
سبزی مائل رنگ دٹاے
نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو
نال علاج نہ کریں عذاب
حرکت کرے ذرہ ہک نبض
قبض شکم کھل جائے ساری
دیہہ دواتر سرد اس نرم
گل روغن بیل گو کا گھیو عام

بیان مرض اختلاج

جد پیدا ہووے مرض اختلاج
بے مدت مجھے دج کھلوے
غیر طبعی مادہ نکام
بند ہو جاوے ریح بخار
قوت دافع کردی دفع
مادہ اپنا زور لگاے
جد مادہ ہووے تحلیل

بہت شتابی کرد علاج
مشکل پھیر خلاصی ہووے
کردا سارے بند مسام
نکل نہ سکے باہر وار
ریح مواد نہ ہووے دفع
گوشت پھلیاں دا پھر کاے
ہو جاوے تندرست علیل

جد مٹ پ
تنقیہ
طبیعت
جس خلط
جے ادہ
جے ادہ
جے ادہ
جد ہوو
اٹھویں
جد اس
بدن
بابو نہ
موافق
نال
تازہ
کریں
سب
جیکر
جیکر خ

پوسے جسم دے دج پھرکار
 بہمتی دفعہ نہ ہرگز ڈر
 مرضوں پاوے بدن رہائی
 کر تہں اُس دا خارج مادہ
 قے کرن دی دیویں لے
 فصد کھولن دا جھب کر قصد
 دو تہے داری دے شتاب
 نال بھانسن دے کھول مسام
 بگل مار ننگا رکھ سانس
 بخشے اُس نوں رب ارام
 بہت نہایت زور لگا
 انبرول دی بھانسن دوا
 دیویں بخشے رب شفا
 قفل نال نہ ہرگز ڈول
 کہنہ محنت بہت کراوے
 موسم قوت عمر سہماں
 طریقہ حکمت پیر استاد
 سرد دوا نہ دیویں کو
 دیہ دوا اس ٹھنڈا نرم

جد مڑ پیدا ہووے بخار
 تنیقہ طبع موافق کر
 طبیعت دی کہ خوب صفائی
 جس خلط دا زور زیادہ
 جے ادہ لائق ہووے قے
 جے ادہ ہووے لائق فصد
 جے ادہ لائق ہے جلاب
 جد ہووے مادہ صاف تمام
 اٹھویں نانوہیں دیویں بھانسن
 جد اُس دے کھل جان مسام
 بدن اُتے مالش کروا
 بابونہ روغن رنت ملا
 موافق طبع دوا غذا
 نال بیماریاں دیکر گھول
 تازہ مرض شتابی جائے
 کریں دوائیں استعمال
 سب قواعد رکھیں یاد
 جیکر سرد طبیعت ہو
 جیکر خشک طبیعت گرم

در بیان مرض زکام

ہمراہ
 پوسا
 ملا
 کرا
 کڈ
 نال
 کھ
 کو
 زاب
 نبض
 ساری
 نرم
 دعام
 علاج
 دے
 سام
 وار
 رفع
 دے
 طبع

مندا روگاں دوج زکام
 استھیں پیدا ہوں بگاڑ
 غلبہ مرض کرے یکبار
 نک تھیں پتلا پانی آئے
 وگے جے نک تھیں فضلہ عام
 جے طرف حلق دی گرے فضول
 فاسد بدنوں اٹھ بخار
 سردی طرف ہو دے جد دفع
 مغز نہ اُس نوں کرے قبول
 رہے رطوبت نک تھیں جاری
 یا بدھمی تھیں اٹھ رتخ
 زکام جے سردیوں ہوئے پیدا
 جب پکا جائے ریزش خام
 سبب یا ہووے بلغم داد
 نک تھیں ٹھنڈا پانی وگے
 ڈھلی سست چلے اس نبض
 سرد دوج سردی بہت نہایت
 سرد چیز اُس ضرر پہنچائے
 کچی بلغم کرے خراب
 بلغم مُنضج نال پکاء
 جلد بلغم ہو جائے دفع

کردا سرنوں بے آرام
 کئی قسم سے سخت آزار
 پنچھاں لین نہ دیوں وار
 فضلہ بہت وگے بدلائے
 اُس نوں کہن حکیم زکام
 اُس نوں ریزش کہن نہ دل
 جا سردے دوج کرے بگاڑ
 کرے طبیعت اس نوں دفع
 طرف نک دی گرے نہ دل
 اوکھا ہووے بہت آزاری
 دیوے جا سرنوں تصدیح
 مُنضج نال پکاوے ویدا
 دفع ہو جادے جلد زکام
 کرے ہمیش زکام فساد
 سرد ہوا بُری اُس لگے
 رہے شکم اس دے دوج قبض
 بدھمی دی کرے شکایت
 گرم غذا تھیں فائدہ پادے
 مُنضج دے کے کرو جلاب
 دو ترے دفعہ جلاب کرا
 معجون فلاسفہ دیوے نفع

زکام
 پر شعث
 تخم
 ادھ
 سر اس
 پٹھا
 پوٹی
 سرستے
 گرم دو
 جیکر
 جد گرم
 طے
 ٹھنڈا
 بنفشہ
 جے
 بنفشہ
 رات
 جو
 جاری
 گوشت
 اطر لعل

زکام ہے ہووے بہت مطلوب
 بر شمش دیہہ اس نوں معجون
 تخم اسی دے کر بریان
 ادھ پا پکا وزن متلا
 سر اس دے نوں کرتوں گرم
 ہٹھا تیل توے پر گھت
 پوٹی بھ کنگ دا چھان
 سرے کر ایہ گرم ٹکور
 گرم دوا دی دیہہ نسوار
 جیکو ہووے گرم زکام
 جد گرمی کر جادے زور
 عے جے گرمی بلغم نال
 ٹھنڈے شربت اوس پلائیں
 بنفشہ شربت نیلو فر
 جے گرمی دا بہت سبب
 بنفشہ گل تے نیلو فر
 رات پانی وچ تر کردا
 جو شے بندش کرے زکام
 جاری اس دا بڑا ثواب
 گوشت - مچھی - مرچ نہ دیہہ
 اطر ایل نت کھوا زمانی

سرد طبیعت ہووے خوب
 ہووے رفع زکام زبون
 کٹ ملا لاکھیوں دج آن
 ردگی نوں ہر روز کھوا
 نال ٹکور پوٹی نرم
 اگ تے رکھ توے نوں وت
 کر توں گرم توے پر آن
 اس دے جہا دوا نہیں ہووے
 ہووے جلد زکام فرار
 کرے مغز تھیں ریزش خام
 بلغم خام ہو جادے شور
 بلغم شور ہووے فی الحال
 گرمی بدنوں دور کرائیں
 دونوں وقت پلایا کر
 ایہ نفوع پلاویں جھب
 ہمیدانہ وزن برابر کر
 فجرے مہری ڈال پلا
 کر استھیں پور ہیز تمام
 بندش فضلہ کرے فراب
 دج زکام ساڈی مت ایہ
 نہیں کوئی نسخہ ایس دے ثانی

دیہہ اطریفل بنت صغیر
 بنفشہ روغن بنت ملا
 سر اس دے رکھیں گرم
 جیکر خشک طبیعت ہو
 دیہہ بنت اوس جو آتش پکا
 فاقہ دو ترے روز دیوا
 ہو ر غذا نہ مول کھوا
 مالش کر بنت روغن گرم
 مالش اس نوں خوب کرا
 جیکر قبض طبیعت ہو
 بہت بے ہووے خشک کام
 نک تھیں مول نہ آوے ساء
 بنت پلا گھیو تے دودھ
 روغن کدو مغز بادام
 گھیو نہایت دافر کھاے
 سبب زکام بے ہووے کھنگ
 یا شربت پوست خشخاس

سر نزلہ دھج مارے تیر
 گھیو گوکے دے نال بنا
 تاں مسام رہن اس نرم
 حریرہ جیہا دوا نہیں کو
 بادام روغن مصری دھج پا
 دیوے جھب زکام دغا
 مصری گوکا دودھ پلا
 مسام دماغ ہو جادن نرم
 نال ہتھال دا زور لگا
 بلین جیہا دوا نہیں کو
 بند ہو جاوے مغز تمام
 ہووے بند ناساں دا راہ
 مصری ڈال بے ہووے بڈ
 سرتے مالش کریں تمام
 لستی دے نزدیک نہ جاے
 خمیرہ دیہہ خشخاس سنگ
 کرے زکامی کھنگ داناس

ترکیب حریرہ خشخاس

حریرہ نے خشخاس پکا	زکام دالے نوں بنت پلا
ترے توے خشخاس سفید	چار مغز تولہ اک دید

ڈال توہ یک مغز بادام چار تولے گھت بکا خشک ز کام نول دیوے نفع	گھوٹ پانی دے دج تمام دو تولے مصری ڈال پلا ہووے ضعف دماغی دفع
ترکیب منضج بلغم	
سونف تولہ مشقال ملٹھ بنفشہ گاؤ زبان دج ڈال رات پانی دج ترہ کردا بے کرتاپ ہووے کچھ نال	چار انجیر منقہ اٹھ دونویں نے یک یک مشقال صبح جوشا دیہہ کھنڈ ملا گلو بانسہ قدرے دج ڈال
نسخہ تاسوار نزلہ بلغمی	
تریاں پوست کیسر چھڑ پنج لونگ ترے مرج سیاہ صندل بؤر کچور افیم پیہہ یار یک دیہہ نسوار دفع ہو جادے سردا درد	ترے ترے ماشے شامل کر چھ ماشے کانپمل کر ہمراہ یک یک ماشہ وزن حکیم ہووے نزلہ جلد فرار جیکر ہوس طبیعت سرد
بیان تعریف چشم	
اکھیں عجب نعمت جان چشماں شیشے نور رحمانی اکھیں بڑی نعمت بھاری	روشن جہاں نال جہان بخشش رحمت رب رحمان مزہ جیسا قی خلق ساری

چشماں شیشے دیوے نور	کیتی رحمت رب ظہور
چشماں دے وچ نور خدا	کیتا رحمت رب عطا
چشماں جدوں نارن چمکارا	روشن نظر آوے جگ سارا
جد اکھیں ہو جاون بند	پادن آن اندھیر کند
ہر کوئی نال اکھیں دے شیر	باہجہ اکھیں دے پوسے اندھیر
جد اکھیں ہو جان تباہ	ہووے کل جہان سیاہ
رب اگے نت کرو دعائیں	یا رب فضل کرم دے سائیں
بندے تیرے اسیں گناہیں	بخشیں ساڈیاں کل خطائیں
مردیاں تیک جیاتی تائیں	اکھیں دا دکھ نہ دکھائیں

بیان رمد صفراوی

جد اکھیں نوں آوے جوش	سوچن درد بھلاوے ہوش
لالی ہنجول کرن مسقیم	آکھن اُس نوں رمد حکیم
گرمی تھیں ایہہ موذی مرض	اکثر بہت ہووے بالفرض
ضرہاں وڈکاں کرن خوار	ہوون روگی بہت لاچار
بدلوں موذی اُٹھ بچار	جا اکھیں نوں کردا مار
بچار دیوے جد سر نوں زور	دل گھبراوے پاوے شور
کوڑیاں اکھیں سر کن نال	ہووے درد کرے بد حال
تیزی بہت ہووے دھن بیض	سخت شام وچ ہووے قبض
اڈل قبض اوس دور کرا	نال ملین سرد دوا
رس پھٹکڑی ہرڑ انیم	اکھیں تے کر یپ حکیم

پس
جوکا
نظ
گھو

دو

تو

مص

ینف

لے

ہور

جے

اسجو

ڈھای

ہو

یہ

نم

پت بکین اُتوں بنھوا جوش جے ہودے قبض سبب	ہودے اس نوں جھب شفا دیو ایہہ ملین جھب
نسخہ ملین قبض کشا	
کاسنی پتے پھل گلاب بنفشہ مغز کدو دج پا گھوٹ کوندے شیرہ کڈھلے	دو دو تولے قدر حساب ہک ہک تولہ وزن تولہ پیوے نت دھاڑے ترے
نسخہ حریرہ	
دو تولے خستاس سفید تولہ مغز بادام ملا مصری گھت ہفتہ تک پیوے بنفشہ شربت نیلو فر لے کے مکھن گوکا عام ہور ٹھنڈے شربت سر فروغ جے خشکی تھیں اکھیں آدن انجوں چوک نہ آوے مول ڈھائیں مار روگی کر لاوے ہودے ورم اکھ داسخت پڑیا ہو یا بادہ سودا م المی خطمی منگوا	تولہ مغز کدو گھت دید گھوٹ کوندی شیر کڈھوا حکم خدا تھیں چنگا تھیوے پانی ڈال پلایا کر مالش کرو صبح تے شام رکھ ہمیشہ اس نوں شروع سخت دانگ پتھر ہو جاوے ہودے بہت اکھیں نول سول راتیں دیں آرام نہ آوے کر رۓ پتھر دانگ کرخت کرے فساد اکھیں دج جا کٹ پوسا لعاب کڈھا

اسبغول لعاب ملا
 روغن کدو مغز بادام
 بنفشہ روغن آپ بنا
 مالش کرو صبح تے شام
 مکھن گوکا فجر کھوا
 جیکر اس نوں ہوے قبض
 بنفشہ گل تے سولف منگا
 سنا کاسنی مغز بادام
 گلقد ڈال تے وچ چار
 شیرہ کپڑے وچ پھنا
 لعاب کدو کے اسبغول
 دودھ عورت دے وچ ملا
 شیان بریوما اکھیں ڈال
 بنا پوٹلی پھیر ضرور
 گرم خشک کوئی دیہ نہ چیز
 گھیو کھنڈ کٹ چوری نت کھاوے
 لسی، نشہ، ہوا غبار
 گوشت، صحبت، قہوم پیاز
 ایہ چیزاں سب اُسوں زہر
 جے دیوے گندہ خون اُبال
 خون گندہ جد ہووے آ

اکھیں اُتے کرو طلا
 سرتے مالش کرو مدام
 کر مالش روغن گل پا
 سارے جتے بدن تمام
 گھیو چھٹانکی شام ملا
 کرڑے سخت ہووے اس نبض
 مغز تخم کدو وچ پا
 اک اک تولہ وزن تمام
 گھوٹ گوندے وچ خوب سوار
 پیوے ہووے قبض کُشنا
 وچ سفیدی بیضہ کھول
 اکھیں اُتے کرو طلا
 ہووے رمد دفع فی الحال
 ہووے جوش اکھیں دا دُور
 ایہو رکھیں یاد تمیز
 لوں مرچ دے راہ نہ جائے
 مصالحہ، حقہ، گرم آچار
 بینگن تھیں کردا احتراز
 استھیں جوش آدے وچ تہر
 اکھیں سرخ نہایت لال
 دیوے جوش اکھیں نوں جا

سر
 خلع
 سر
 عن
 را
 جیک
 ماج
 شیا
 یا
 سب
 طرد
 خار
 چرک
 مرکہ
 بلغم
 شیا
 کرا
 کرک
 چوہن
 شس
 مری

سوزش ضرباں کرن حیران
 کر کے چنگی طرح پچھان
 متھے وچوں ناڑ مٹھا
 آلو ، انبلی شامل کر
 مصری ڈال کراڈ شروع
 دیہہ ملیں اس نون کو
 کرو اکھیں تے یپ حکیم
 جاوے درد نہ ہو دے وت
 کرو قصور خداوند معاف
 آون اکھیں دے کے زور
 پاوے بلغم شور فساد
 ہنجوں دگن نہ سکن کھل
 رڑک پوے اکھ تے دوج کار
 بلغم خارج کرو شتاب
 منضج نال جلاب کرا
 جوش اکھ جاوے فی الحال
 فائدہ کرے اکھ نون جھب
 مثل غبار ہووے جد ٹھیک
 پست بکین اتوں بنخوا
 سائیں بخش توں کر اظہار
 ہرگز کدی خطا نہیں پایا

سر بخارا دائم شبان
 جلط خون دے سب نشان
 سرارو دا فصد کرا
 عتاب ، بنفشہ ، نیلوفر
 رات پانی دج کرو نقوع
 جیکر قبض طبیعت ہو
 ماجو پھٹکڑی رس انیم
 شیا ف امیض اکھیں دج گھت
 یا بریوما ڈال شیا ف
 سبب جے ہووے بلغم شور
 طرف اکھیں جے گرے مواد
 خارش نال جاوے اکھ پھل
 چرکہ میل آوے بسیار
 مرکب اس نون دیہہ جلاب
 بلغم منضج نال پکاء
 شیا ف بریوما اکھ دج ڈال
 کراں بیان دوا عجیب
 کرے چاکسو بہت باریک
 چوہنڈی اکھیں دج پلوا
 نسخہ اک آزمودہ کار
 دج عمر ساری آزمایا

طلا
 مدام
 پا
 تمام
 م پلا
 نبض
 پا
 تمام
 ب سوار
 کشا
 کھول
 طلا
 الحال
 دور
 تمیز
 جاوے
 آچار
 احتراز
 دج تہ
 لال
 نون جا

مٹ
جد
اگ
بک
ضعف

پھٹک
انہی
رات
ترے
گاہڑ
گھس
ہے
جوش

نسخہ
دھنیہ
انارہ
ترے

نسن استغول گھت دیر
افاقیا، جھگ سمندر آن
ترے ترے ماشے ست دوا
چھ ماشے تانبا سڑیا لے
کر کھل شیاں بناویں وت
دیوے اکھدا جوش و نجا
جوش اکھ دا چاہرے سولی
جوش اکھ دا ہودے دور
مغز بادام تولے دیند
پانی ڈال کونڈے گھوٹا
مصری تولے چار بلا
پتلی جیسی پکاویں پت
پیوے ردگی سرکیاں نال

ضرباں رڑکاں ہنجواں پیڑ
کندر کتھ ماجو بریان
گوشت خورہ چاکسو پا
پھٹکڑی گھت دج ماشے ترے
پانی دھنیاں مہندی گھت
وقت ضرورت اکھیں پا
جیکر ہووے رد نزولی
حریرہ ردہ بنا ضرور
دو تولے خشخاس سفید
چارے مغز تولہ بک پا
کپڑے دج مٹ صاف کرا
چار تولے گوکا گھیو گھت
ترے ہفتے کر استعمال

نسخہ مجربہ جوش آنکھ

جیکر رد پڑانا ہو
شرعی اکھیں رہے کمال
کراں بیان عجیب دوائی
تر پھلے لے ادھ سیر منگا
فجرے دیکھی دے وچ ڈال
نل کے پن کے صاف کرا
بہت دیر تک رہے کھلو
ہنجوں دگن کرن بے حال
پاوے جوش بھیس اکھ رانی
رات پانی گھت تر کردا
خوب طرح مس لے اُبال
سیر پکا گوہ گھیو پا

ہولی ہولی اگ جلا گھٹوتنہا باقی رہ جادے گھٹا کر کے خوب اُتار جوش اکھ تھیں چنگا تھیں دھر ہنجواں دیوے نفع	مڑا دیگی دج گھت پکا جد سارا پانی جل جاے اگ تھیں جلدی نال اُتار ہک چٹانکی جے نت پاے ضعف دماغول ہودے دفع
--	--

نشیاں مجربہ جوش چشم

دھنیا مہندی رس نپال ہر ہک تولے دا مقدار فجری تل پُن صاف کرا کر پھی دے دج کاہر حکیم اس دے رکھ شیاں بنا کر کچھ مدت استعمال آئی اکھ نوں ہے مفید لالی ہنجواں ہودن دفع	پھٹکری لے ہرڑ دی چھال انہی پوست دانہ اُتار رات پانی دج رکھ پوسا ترے ماشے دج ڈال افیم گاہڑہ قوام ہودے جد آ گس پانی دج اکھیں ڈال ہے ایہ نسخہ پُر تاثیر جوش اکھ نوں دیویں نفع
--	---

پوٹلی مجربہ جوش آنکھ

آدے جوش اکھ دے درکار چاکسو زرد ہرڑ دی چھال پھٹکری چٹی پوست آن پوٹلی بٹھ درڑہ کر دا	نسخہ پوٹلی کہو تیار! دھنیا مہندی رس نپال انار دانہ ماجو بریان ترے ماشے سب دوا
---	--

دیکھ
آن
نار
لے
وت
ونجا
مولی
دور
وید
فوتوا
بلا
پت
نال

کھلو
حال
رانی
کر دا
آبال
و پا

نم نے پانی روج پوسا جوش اکھ جے دیوے دگھ	اکھیں اُتے رنت گ پھیر پوٹلی ہودے گ
--	---------------------------------------

نسخہ شیا ف بریوما

بریوما کرو شیا ف تیار میل چاندی ترے ماشے لے گوند لگر دی ماشے ترے کیسر گوشت خورہ افیم سفیدی انڈا ہودے صاف وقت حاجت اکھیں روج پا	کرے رمد ہک دن روج صاف تانبا سٹیا ماشے ترے کتیرا قاقیا دو دو ہو ماشہ ماشہ وزن حکیم گھت کھل روج بنھ شیا ف دیوے اکھ دا جوش بنجا
---	---

صفت شیا ف ابیض

شیاف ابیض نسخہ مشہور ضعف بصر نوں دیوے نفع ترے ماشے قلعی سفیدہ لیا کتیرا ترے ماشے روج گھت لے ناشتہ ہو ر افیم گوشت خورہ ماشے ترے نقاب کدھ کے اسبغول وقت ضرورت اکھیں ماشے لال بنجوں رڑکاں شمول	کرے شتاب جوش اکھ دور بنجوں پپر کرے سب دغ ترے ماشے گوند لگر روج پا کندر پاویں ماشے ست ماشہ ماشہ وزن حکیم دارو سب کھل کرے بنھ شیا ف اسدے روج گھول مڑکے جوش نہ شکل دکھاے رہن نہ روج اکھیں دے ٹول
---	---

پھولہ پا

مادہ

بہت د

گاہڑہ

کراں

نیلہ

نیلہ

نمک

رس

جدوں

دو حصہ

مصری

فاصلے

ناخنہ

جالا

سائیں

بختر

ہور ہک

اس

بیان پھولہ چشم

پھولہ پوے کسی دی اکھ	کرے لکھ دی قیمت سکھ
مادہ تیز گرم ساڑ	جوش دیوے اکھ کرے بگاڑ
بہت دیر اکھ رہے جے بند	چڑھدا جالا وانگ کند
گاہڑہ سخت یا پتلا ہو	رگال اکھیں دج رہے کھلو
کراں بیان دوا عجب	پھولہ دور کرے ادھ جھب
نیلہ تھوٹھا کج رنگار	پیس کھل دج وانگ غبار
نیلہ تھوٹھا کر بریان	تا ہو جاوے بے نقصان
نمک شیشہ شورہ کچلون	ہک ہک ماشہ کل موزون
رس نہتو دا اس دج پا	ترے روز تک کھل کرا
جدوں دوا ہو جادے خشک	رہے نہ پانی دا دج مشک
دو حصہ مصری اس دج گھت	نال سلائی پادیں دت
مصری ہووے بیکائیری	رکھیں یاد نصیحت میری
فاصلے دیکے اکھیں ڈال	کچھ مدت کر استعمال
ناخنہ جالا پھولا چھوڑ	چھوڑ اکھیں نوں جانوں دور
سائیں بخش حکیم شناسی	ایہ نسخہ لکھیا آزمائشی

نسخہ پھولہ چشم

ہور ہک نسخہ بڑا عجیب	استعمال کرا طبیب
اُس نوں لے بنا ضرور	پھولا چٹا ہووے دور

سبز توتیا ناخن ہاتھی پھٹکڑی نمک شیشہ زنگار توتیا ناخن کہہ بریان کھل کراؤ دارو ست پانی سارا خشک کرا نال سلائی اکھیں ڈال چالی روز اکھیں دج گھٹ مصری کوزہ نال ملا روز اکھیں دے دج نہ پاویں	تخم شرنہبہ شورہ کرساقی ہر ہک ماشے دا مقدار دو لوں پھیر ملاؤ آن پانی پت شرنہبہ دا گھٹ ڈال اکھیں مصری دج پا کہ کچھ مدت استعمال پھولے دی جڑ سے پٹ سرچو نال اکھیں دج پا فاصلہ دو ترے روز کرا دیں
---	--

نسخہ چشمہ نادان بال

چشمہ پورے جیکر اکھ بال پھٹکڑی نمک شیشہ منگوا ترے ترے ماشے ڈال حکیم رسونت مہندی دی پت نپال فجری اس توں کر کے صاف دودھ عورت دے نال گھسا کچھ مدت کر استعمال	ایہہ دوا کر استعمال چاکسو، جھگ سمندر پا ماشہ ہک ملا اقیم! رات پوسا رکھ پانی ڈال میل دوا سمجھ بنھ شیان نال سلائی اکھیں پا! کرے شفارب ذوا بجلال
--	---

نسخہ پھولہ مجربہ

سچا تانہ
نبتہ دا
اکھوں رو
سرچو نال

کاپی مصر
ایہہ بھی نسخہ

بیٹ مرغ
سرچو نال

شورہ نمک
کھل کرا تا
جداوہ ہوو

حب زنگاری
نفسیدہ کلا

<p>تپا تانبہ جست منگا زیتو دا پانی وچ گھت اٹھویں روزہ کرانویں خشک سرچو نال اکھیں وچ گھت</p>	<p>چھنے کانی وچ گھسا کھل کرا دھاڑے ست رہے نہ پانی دا وچ مشک جالہ پھولہ رہے نہ کت</p>
نسخہ چٹہ	
<p>کاپی مصری سبز کیس! ایہ بھی نسخہ ہے آزمودہ</p>	<p>پیشہ کے ڈال دھاڑے بین بزرگ شناسی دا فرمودہ</p>
نسخہ چٹہ	
<p>بیٹ مرغ دی خشک لیا سرچو نال اکھیں نت پامے</p>	<p>عرق لیموں گھت کھل کرا چٹہ پتلا دت و نجادے</p>
نسخہ چٹہ و پھولا	
<p>شورہ نمک سبز کچ لے کھل کرا تانبے دے نال جدادہ ہووے گا ہڑا آ</p>	<p>دزن برابر دارو تڑے عرق بتو چھٹے وچ ڈال رکھ ڈبی وچ اکھیں پا</p>
نسخہ حب رنگاری	
<p>حب رنگاری عجب دوا سفیدہ کلر گوند رنگاری</p>	<p>دیوے پھولا سخت دغا کیٹ سونے دی دارو چار</p>

عرق لیموں وچ کھل کرا گھس پانی وچ اکھیں ڈال	کر کے کھل شیاف بنا کر کچھ مدت استعمال
---	--

نسخہ مجربہ پھولہ چشم

بُورہ جنت تانبے دا بُورہ سُچی چینی سبز کچ لے سبز توتیا لے رنگار عرق زہو گھت شیشے ڈال ادسنوں پھیر کھل وچ گھت کر کے اُس نوں مشل غبار مصری کا پی نال رلا جالا پھولا دَمَعہ سَبَل خارش چھوٹ ہووے دُور ضعف اکھ نوں دیوے نفع	ہودے چھ چھ ماشے پُورا ہر یک ہودن ماشے تری ہک ہک ماشے دا مقدار چار ٹہینے رکھ سہماں کھل کرا دیہاڑے ست ڈبّی دے وچ رکھ سنوار سُرچو نال اکھیں وچ پا ڈال اکھیں ہو جاون حل رہے نہ اکھیاں وچ قصور دھند غبار ہو جائے رفع
---	--

بیان مرض سلاق یعنی خورہ بال چشم

بال خورہ جد کرے ظہور کنارے چشم سخت ہو جاون رہن ہمیشہ ہنچوں جاری نسخہ ہک لکھاں لاثانی لے کے کانواں ٹوٹیاں میں	پادے اکھیں وچ فتور لالی جھمنیاں جھڑ جاون وچ نظر دے پوے خواری مغرب میرے پاس نشانی ساڑ چھنے کا نسی وچ پیس
--	---

کھن
روز
ترب
اکھڑ

نسخہ
کا نہ
تانبہ
مدبر
سب
ریت
لد لی
چھنے
تانبے
سُرچو

دو چھ
اول
اک

دستے تانبے نال گھسا مڑ ڈبی دج رکھ ٹکا دیوے خورہ مرض دجا اگن محکم خدا دے نال	بھتن کچھ قدر قدرے دج پا روز چالی تک کھل کرا ترے ماہ استعمال کرا اکھڑے جھمبیاں دے وال
--	---

نسخہ مجربہ خورہ بال حشم

جادے دکھ ٹھکانہ پھوڑ دو ترے تولے دا مقدار جست ساڑ کے لے دج پا ترے ترے ماشے ہراک دید وانگ غبار ہو جائے ٹھیک دو ترے ماشے پلے رلا چھ ست ماشے میلو ٹاٹاں کھل کرا دھارے ست گوکا گھیسو تھوڑا جیہا ڈال خورہ اکھ دا دکھ دجا دے	نسخہ بیان کراں ہک ہور کانہ پر دل توے پر ساڑ تانبہ سٹریا نال رلا مدبّر چاکسو کتھ سفید سب دوا کر کے باریک لریت کورے بھانڈے لیا لد لیڈیاں دالے دھماٹاں چھنے کانی دے دج گھت تانبے دے دستے دے نال مڑچو نال اکھیں نت پائے
---	--

تعریف دھماٹاں لد خرو لیڈی شتر

گلے مٹکے ہودن جیڈے ہاری دے دج کر تیار لیڈے ڈال اٹھانڈے وقت	دھچ یا اٹھانڈے لیڈے اول تھاپیاں دے انگار اک چھ لد گدوں دی گھت
--	---

مکھن نال بائی چوڑا چمڑے سیاہی بائی نال گہوں کر بھانڈے کانشی نال سب دوا اس دے وچ پا مڑاں نوں اکھیں وچ ڈال بھینیاں دے اکھڑے وال ایہ نسخہ آزمودہ کار	ہاری تے موندلی مردا سرد ہووے تاں لاه سمہال تھوڑا جیہا مکھن وچ ڈال اک ہفتہ تک کھل کرا کے کچھ مدت استعمال مگن حکم خدا دے نال سائیں بخش کیتا کئی وار
---	---

بیان مرض سبل

رگاں اکھیں دیاں جاوون پھل رہے ہمیشہ پانی جاری دو ترے دفعہ مجلاب کرا اطریفل بنت کھوا صغیر تانیا سڑیا ماشے ست سفیدہ قلعی سمندر جھگ کالی چھڑ کیسر زنگار بک مگے ترے مرج سیاہ ست جوین ماشے ترے پا نال سلائی اکھیں ڈال دمعہ سبل ہنواں بال خودہ نظر آوے غلبہ خون	ہوون سرخ نہ سکن کھل آکھن اُس نوں سبل بیماری ست ست دن دا فرق کرا سبل چشم نوں ہے اکیر میل پاندی ترے ماشے گھت ترے ترے ماشے پیس الگ ترے ترے ماشے دامقدار ترے لونگ کر کے ہمراہ ترے روز تک کھل کرا کریں چلیہ استعمال رہن نہ اکھیں دے وچ بھورا مادہ خارج کرو زبون
--	---

نسخہ

سڑیا

اتاقیا

سپار

کامنہ

تانبا

سب

کڈھ عرق

عرق

جد گاہ

اکھیں

مگ پیس

استعمال

ناخنوں

کمال بیاہ

سڑیا تان

ہرڈ سا

نسخہ مجرب سبیل و دمعہ چشم

جس نون بہت دفعہ آزمایا
پھٹکڑی پھل کرا دیں آن
دانے بابرنگ گھت وید
ہر ہک ترے ماشے مقدار
تول وزن وچ تولے چار
چھست ماشے کر کے خیال
دانگ غبار کھل وچ ٹھیک
نال پتال جنترے مبدھ
ترے روز تک کھل کرا
اس مے رکھ شیاں بنا
ہنچوں دفعہ جاون سب نس
وانگ سرچو صاف کرا
پانی نے سبیل دا کھچ
اندراتا ہو جادے دفع

نسخہ یاد مجرب آیا
سڑیا جست ماجو بریان
اتاقیا چاکسو کتھ سفید
سپاری سڑی ہوئی رنگار
کامنہ پردل توے پر ساڑ
تانبا سڑیا لے وچ ڈال
سب دوا کر کے باریک
کڈھ عرق مقطر گدوں لد
عرق لد اس مے وچ پا
جد گاہڑہ ہو جائے دوا
اکھیں ڈال پانی وچ گھس
مگ پیل نون خوب گھسا
استعمال کرو اکھ وچ
ناخنوں نون دیوے نفع

نسخہ مجرب دمعہ چشم

اکھیں کریں دمعہ تھیں صاف
پھل پھٹکڑی نال ملا
چھ چھ ماشے دا مقدار

کمال بیان ہک عجب شیاں
سڑیا تانبا جست لیا
ہرڈ ساڑ ایہہ دارو چار

گھت پوست پانی کھل کرا نال سلائی اکھیں ڈال	تریجے روز شیاف بنا کرو چلیہ استعمال
--	--

نسخہ خارش چشم

جے اکھیں نوں خارش ہو ڈال اکھیں دج جت گھسا یا ڈالو سرخ بھتل دا پانی	بہت دیر تک رہے کھلو یا قلعی شورہ دج پا نہیں دوا کوئی اُس داثانی
--	---

نسخہ رد اطفال

نسخہ کراں بیان یک ہو جیکر جوش آدے اکھ بال دو دانے گنک ہریڑ سڑا بک ما جو کر کے بریان پھنکڑی سڑی سمندر جھگ کتھ چاکسو نال ملا چونڈی اکھیں دج گھتا لالی ہنچوں پیڑاں جوش	جوش دمنہ جادون سب چھوڑ ایہ دوا اُس دے اکھ ڈال دج کر اہی ریت سٹا سڑیا جست مانخے ترے آن ترے ترے ماشے پیس الگ ترے ترے ماشے وزن تلا اوپر پت بکین بنھا راک دن ہو جادون غموش
--	---

بیان ناخونہ چشم

ناخونہ جیکر پیدا ہوا شیشہ نوں پھنکڑی شورہ	دج اکھ دے رہے کھلو لے دوا ترے بھورا بھو
--	--

نال سلائی اکھیں پا کر استعمال نہ رہے قصور اکھ وچ پھیر ناخونہ جا ہو دے بہت پورا نہ سخت کٹ کینچی دے نال پلا	رس نبو وچ کھل کرا ناخونہ چٹے خارش دور سُرچو شیشہ نمک بنا ناخونہ گا ہڑہ بہت کرخت لکڑ کنڈے دے نال اکھا
---	--

بیان دَمعہ چشم

آکھن اس نوں دَمعہ بیماری ماشہ دو کیس رلا اُس دے نال ملا ڈال ترے ترے رتی میل حکیم فانگ بخار ہو جائے ٹھیک ہنجوں بند کرے فی الحال رتی نال رلا کیس دیوے ہنجوں دَمعہ دِجا	رہن ہمیشہ ہنجوں جاری دو ترے گشک ہریڑ ہڑا ہک دانہ ماجوہ بریان خالص کیسر اصل اقیم پہیہ توں اُس نوں خوب باریک نال سلائی اکھیں ڈال پچی چینی ماشہ رپیس کر باریک اکھیں نت پا
---	---

نسخہ دَمعہ چشم

ہنجواں دَمعہ دِجاوے جب سنگ بصری اس نال رلا چار دوا ہک ہک مشقال اکھیں ڈال نہ رہے آزار	نسخہ ہو رہک بڑا عجیب میل چاندی تانبہ سڑا پھٹکڑی سڑی ہوئی وچ ڈال کر کے ایسنوں مثل غبار
---	--

نسخہ دمعہ چشم

دیوے جلدی نفع خدا ترے ترے ماشے دامقدار نمک شیشہ تھوڑا جیہا پا ہنجوں دفع کرے تت کال پوست دا پانی وچ پا دمعہ اکھ نوں فیض پہنچاے	کراں بیان ہک ہور دوا جست ساڑیا پھل انار نخم ہریڑاں ترے سڑا کر باریک اکھیں وچ ڈال سسل نئے زرد ہریڑا گھسا نال انگل اکھ تے نت لاسے
--	--

بیان ضعف بصر

بہت نظر جاوے کم ہو ضعف بصر ایہہ جان آزار سُرخی اکھیں رہے کھلو سڑا رہے منہ نمک پیشانی وچ عقل دے پوے زبان جو کال لا کتال پچھواڑ کر سب گندہ خون صفا پیوے قصدوں بعد شتاب پا پڑا دھنیا میل ضرور مصری ڈال کر استعمال دیہہ ملین اُس نوں کو	جیکر ضعف اکھیں نوں ہو نظر آوے سب دھند غبار ضعف بصر جے دموی ہو بہت رہے سر وچ گرانی چیتا بھل جاوے نسیان متھے دچوں چھڈیں تار سراو دا قصد کرا شریت کرو تیار غلاب مونڈی بوٹی صندل پور بنفشہ نیلوفر وچ ڈال جیکر قبض منکم وچ ہو
---	--

سفیدی پھٹکڑی پھل کرا
 زرد ہرڑتے چھل انار
 دو ماشے نے مشک کا فور
 ترے رتی کیسر پنج افیم
 سجے دارو کھل کرا
 انار دانہ ہندی رس لیا
 رات پانی دج رکھ پوسا
 سب دارو اس سے دج ڈال
 لیسپ پن کر ڈبی دج رکھ
 پانی ضعیف ہووے سب دوا
 جے گرمیوں ضعیف اکھیں نوں آوے
 پیلا چہرہ تلخ دہان!
 قبض ہے معدے دے دج
 نال ملین سرد جلاب
 بنفشہ شربت نیلوفر
 بکری دا دودھ لے کے تازہ
 پیوے مصری ڈال نہار
 چھٹی پھٹکڑی قلمی شورہ
 سرد چینی لے کے دج پا
 لے کچلون چنگا دج گھت
 پودے دا ست مشک کا فور

چاکسو، جھگ سمندر پا
 چھ چھ ماشے دا مقدار
 ترے ماشے دج ڈال پور
 شامل کر اس نال حکیم
 گھت کپڑے دے دج چھنا
 تولہ تولہ وزن تولہ
 فحری کل پن صاف کرا
 کرتوں اس نوں کھل کال
 گھس پانی دج پانویں اکھ
 ہے نہ اکھیں دج قصور
 رنگ اکھیں دا زرد ہو جاوے
 سکی خشکی نال زبان
 گرمی کرے اکھیں نوں دج
 خارج کر صفرا شتاب
 روز ہمیش پلایا کر
 ادھ سیر پکا دج اندازہ
 گھیو گو کا کھاوے بیار
 جھگ سمندر گوشت خور
 تانبہ سڑیا نال رلا
 ترے ترے ماشے دارو دست
 پنج پنج رتی ڈال ضرور

انار دانہ لے تو لے چار
فجری کل پُن صاف کرا
جد پانی تولہ رہ جا
کر کے کھل بنا شیان
سبب برودت بلغم باد
سرد دماغ جدوں ہو جاوے
ضعف سبب مواد فضول
ہنجول رہن ہمیشہ جاری
بلغم مُنضج نال پکا
معجون فلاسفہ جے نت کھاوے
کحل روشنائی اکھیں ڈال

پانی دج گھت رات گزار
دیگی دے دج ڈال جوش
گھت دوا سب کھل کرا
کرے نظر اک دن صاف
ضعف بصر دا پوے فساد
ضعف قوت مغز نزل آوے
طرف اکھیں دی کرے نزول
پوے نظر دے دج خواری
دو ترے چار جلاب کرا
ضعف بصر نوں فیض پہنچاوے
ضعف بصر جاوے فی الحال

صفت کحل روشنائی

شادنج تانبہ سڑیا لے
شحم حنظل مگ مرج سیاہ
مصبر میل چاندی زنگار
کیسر چار رتی دج پا
کرو نہایت بہت باریک
نال سلائی اکھیں ڈال
ضعف بصر نوں دیوے نفع
اندھراتا، چٹہ، خارش جھاڑے

ہر یک ہون ماشے ترے
بورہ ارمنی کر ہمراہ
ہر اک ماشے دا مقدار
دارو سبھے کھل کرا
کچھ دانگ ہو جاوے ٹھیک
کچھ مدت کر استعمال
اکھیں تھیں کرے سب دفع
اکھیں تھیں کر جان کنارہ

نسخہ کر

اُس

ضعف

سکے

پھٹکڑ

سرد

کا فور

کھل

تر چھل

ایہہ

فجری

گھس

نیپال

چھ

نیلا

پیس

انار دا

نسخہ برود چشم

کرے گرم اکھ توں میت
ضَعْف کرے صفراوی دُور
ہنچوں دھند کرے سب رفع
تانبہ سڑیا نال ملا!
چٹہ سرسہ ڈالو وید
ہر اک ہودن ماشے ترے
پنچ پنچ رقی میلو آن
کپڑے دے وچ گھت چھنا
انار دانہ دھنیا دج پا
چھ چھ ماشے وزن تولہ
میل دارو سب کھل کرا
کر کے خشک اکھیں وچ ڈال

نسخہ کراں بیان ہک میت
اُس دا نام برودہ کافور
ضَعْف بصر نوں دیوے نفع
سکّہ جھگ سمندر یا
پھٹکڑی دج ملا سفید
سرد چینی تے شورہ لے
کافور، نیلا کھوتھا بریان
کھل دے وچ خوب پس
ترچلہ پوست برگ حنا
ایہ پنچ دارو رات پوسا
نجرى نل پن صاف کرا
گھس دستے جست دے نال

نسخہ سُرخی چشم

رسوت، چاکسو میلو آن
ایم ترے ماشے دج پا
ماشہ ہک ملا ڈ آن
سُرے دانگ ہر جادن ٹھیک
اک اک تولہ رات پوسا

نپال ہلد پھٹکڑی بریان
چھ چھ ماشے سب دوا
نیلا کھوتھا کر بریان
پیس دوا سب کر باریک
انار دانہ تے برگ حنا

فجری تل پُن کر کے صاف گھس پانی وچ اکھیں پاوے اس دا نام شیاف رمانی	میل قوام کر بنھ شیاف لالی ہنجوں جوش دغما لے نہ ضعف دی ذرہ نشانی
---	---

نسخہ دھند و غبار چشم

سبب جے ضعف بصر آزار سُرمہ مکھی سُرمہ سیاہ میل سونے دی لے وچ ڈال سنگ بصری سچی چینی لے کیسر پنج رتی وچ پا گاہڑہ کر کے بنھ شیاف	ہووے اکھیں دھند غبار سڑیا جست کرو ہمراہ شادنج تانبا سڑیا نال ہر یک ہوون ماشے ترے عرق گلاب وچ کھل کرا ڈال اکھیں رب کرے معاف
---	---

نسخہ مجربہ سُرخِ چشم

دھنیاں ہندی دانے انار پھٹکڑی رس اُس نال ملا رات پانی وچ تر کروا ترے ماشے وچ ڈال انیم ہووے گاہڑہ جدوں قوام پانی نال شیاف گھسا جیکر مرض پورانی ہو ڈالو ایہہ شیاف ضرور	دو دو تولے دا مقدار چھ چھ ماشے وزن تولہ فجری تل پُن صاف کرا کراچھی دے وچ گاہڑہ حکیم اُسدے بنھ شیاف تمام سُرمہ نال اکھیں بنت پا سُرخِ اکھیں رہے کھلو سُرخِ جوش ہووے سب دور
--	--

بیان مرض اندھرتا

نظر بند ہو جاوے رات
رات ہووے اندھا ہو جاوے
سردی اُس نوں کرے کثیف
رات نظر بند ہو جاوے
کرے رطوبت گا ہڑی نرم
سب کچھ اُس نوں نظری آوے
چیر اس دے دج مگ یک پا
کلیجی ادپر توے دیکا
دونوں طرفاں خوب پکا
پانی اُس دا مگ پی جاوے
چار رتی کیسر دج پا
مرض ہووے اندھرتا نقد
اُس نوں رت کھواڈ آن
پتال جنترے نال کڈھا
کرے شفا رب ذوالجلال
پانی رت اکھیں دج پا
سرمجی نال اکھیں رت پا
شکوری جاوے فی الحال
سرمجی نال اکھیں دج پا

اندھرتا مرض اک بُری آفات
دینہ اس سب کچھ نظری آوے
رطوبت دھیری دچہ لطیف
کثافت دھیری دچہ جد آوے
حرارت سورج والی گرم
رطوبت جد پتی ہو جاوے
کلیجی بکرے دی منگوا
گھیو دے نال توا چو پڑا
نرم نرم ہیٹھ اگ جلا
کلیجی خوب جدوں یک جاوے
مگ نوں پیہ کئے کھل کرا
ڈالو اکھیں رت ضرور
کلیجی بکرا کر بیان
روغن سونف اکھیں رت پا
کر رت ایس نوں استعمال
صابن کالی مرچ گھا
عرق پیاز دج شہد ملا
دو ہفتے کر استعمال
سیاہی نیچہ حقہ لیا

نسخہ مجربہ اندھراتا

مغرب ایہ نسخہ لاثانی	دج قرا بادین یونانی
چھ ماشے سونف سداب	گھوٹ پانی دے دج شتاب
کپڑے دج گلت صاف کرا	کڑھی دے دج خوب جوشا
جد گاہڑ ہو جاوے دوا	ترے ماشے لگ پیس بلا
پنج سست روز ڈالو دج اکھر	جلدی فائدہ لیں پرکھ

در بیان روز کوری

اندھا دینہ سو جا کھا شام	کہن دوندی اس دا نام
دینہ نظر بند ہو جاوے	راتیں سب کچھ نظری آئے
گر میوں سر نوں چڑھے بخار	نظر آوے سب دھندوکار
کڈھو مغز کڈو دا تیل	سر تو تلو گوکا گھیو میل
چھٹانکی مکھن فجر کھوا	شام پلا دودھ مصری پا
بنفشہ شربت رب انار	نت پلاؤ وقت تہار
ترے ماشے سرد چینی منگوا	چھ ماشے قلعی شورہ پا
ہک ماشے لے مُشک کافور	پیہ سب ڈال ہووے دکھ دوا
بنفشہ ، نیلوفر منگوا	نقوع کر مصری ڈال پلا

بیان پڑوال چشم

جے پیدا ہوں اکھیں دج وال	کہن حکیم اس نوں پڑوال
--------------------------	-----------------------

پانی و
دانگ
سبب
نل
سبب
نسخہ
حکیم
کارش
کہے
چام
ناخن
مردار
دو ترے
پیس
موچنے
کر

نسخہ
سونا
تانا

سوتیاں دانگ چھن پڑوال
 کرن اکھیں نون ڈا ہڈا تنگ
 اکثر مرض ہووے ایہ عام
 طرف پلک دے گردا جا
 کرن تباہ اکھیں بد حال
 بزرگ شناسی دا فرمودہ
 مشہور شناسیاں دیچ تمام
 ایہ نسخہ اس دی بخشیش
 دفع ہو جاون سب پڑوال
 بگل حکمت کر اس نون ساڑ
 بگل حکمت کرو ساڑ وادو نویں
 چھ چھ ماشے سب دوا
 ساڑ نوے پر کرو سواہ
 کر نون اس نون دانگ غبار
 نال سلائی اکھیں ڈال
 دفع ہو جاون سب پڑوال

پانی وگے ہووے اکھ لال
 دانگ اکھوئیں مارن ڈنگ
 سبب رطوبت فاسد خام
 زل کے بلغم نال سودا
 سبب سودا جمن پڑوال
 نسخہ یک رکھاں آزمودہ
 حکیم گھنڈی اس دا نام
 کار شناسیاں دیچ رئیس
 کہے کوئی ایسنوں استعمال
 جام چٹھ یک بیاؤ مار
 ناخن گدوں گھوڑا دونویں
 مردار سنگ بھی نال ملا
 دو تیرے پر لے زاغ سیاہ
 بیس کھل دیچ خوب سنوار
 موچنے نال پٹو پڑوال
 کر کچھ مدت استعمال

نسخہ پڑوال چشم

ہندوستانوں لکھیا آیا
 نیلا عقوقھا ساڑ نیارہ
 بخت ساڑیا لے دیچ ڈال

نسخہ ہندو لکھاں آزمایا
 سونا کھتی سونا پارہ
 تانبہ ساڑ وگندھک نال

یوتانی
 شتاب
 بوجشا
 پس بلا
 پرکھ

نام
 آئے
 ندوکار
 میل
 سی پا
 تہار
 رہ پا
 دکھ دور
 ل پلا

پڑوال

موتیا
میں
موتیا
جد
جد
پر

ہر اک ترے ترے ماشے پا
ماشے ہک بلاؤ آن
فجری کل کے صاف کرا
پہلاں ایہ ترے کھل کرا
کرو دوا سب کھل کمال
رکھو اس سے بنہ شیان
گھس پانی وچ اکھیں ڈال

وزن برابر چھ دوا
سبز توتیا کر بریان
تولہ ہک اجوائن پوسا
سکہ پارہ سبز توتیا
پانی سب جوین وچ ڈال
جد گھڑھا ہو جاوے صاف
پہلاں پٹ سٹو پڑوال

نسخہ پڑوال چشم

پڑوال واسطے کرد تیار
تیل کوڑے وچ تر کردا
وچ کھل گھت پیس سنوار
بتی وانگ پیٹ ضرور
تیل تھوڑا جیہا وچ پا
سیاہی ڈھکن نال لگا
نال عقل سے نیش فروش
ادہ سیاہی اکھیں پا
رتی دو کافور بلا
مڑ کے پھیڑ نہ جمن وال

نسخہ ہور آزمودہ کار
گٹھ ٹاکی ململ منگوا
دو تولے گندھک آملہ سار
ہک پاسے ٹاکی گندھک دھوٹ
بتی دیوے وچ جلا
کلی ٹھوک ڈھکن لٹکا
سیاہی نال لگے سرپوش
پہلاں لے پڑوال پٹا
کیسر رتی چارہ بیا
کرد طلا پٹ کے پڑوال

بیان موتیا چشم

موتیا بند مرض دا نام
 اُس نوں کمین نزول الملاء
 موتیا بند جاں کرے ظہور
 جد قوت قائم رہے دماغ
 جد ضعف قوت مغز نوں آئے
 پردے ست اکھیں دے پین
 چوتھے پردے اُتے تُوڑ
 جد پلوے عفونت سرے دُج
 قوت کرے اکھیں دی مات
 پانی موتیا کرے نزول
 جے پانی ردی اُتر آئے
 چمداں قسماں موتیا بند
 زیلا زرد یا سبز سیاہ
 نشتر اوس نہ ہرگز لا
 جیکر مادہ سالم ہو
 ہووے اس دا رنگ سفید
 دستکاری اس دیوے نفع
 سفید پانی جے ہووے کچا
 جب تک نظر نہ ہووے بند
 نشتر اس نوں کرے زیان
 سفید موتیا جد پک جائے

بند کرے اوہ نظر تمام
 طبیاں دے وسیع کل حکماء
 گم ہو جاوے اکھیں دا نور
 نظر اکھیں رہے مثل چراغ
 نور اکھیں والا کلاوے
 کل حکیم سیانے کمین
 موتیا اوتھے کرے ظہور
 مغز نہایت ہووے زنج
 دفع نہ کر سکتا فضلات
 سبب ضعف اکھ کرے قبول
 نور اکھیں دے نوں کھا جائے
 سبب بیمار اک دے دُج جند
 کرن اکھیں دا نور تباہ
 نیڑے اُس دے مول نہ جا
 دھیری تے چڑھ رہے کھلو
 دستکاری اس دی کر دید
 کرے مواد فاسد سب دفع
 چنگی طرح نہ ہووے پکا
 رکھیں یاد نصیحت پسند
 ہو جاوے اکھ دا نقصان
 دستکاری بھین دفع ہو جائے

موتیا شروع ہوئے جد آ
 جیکر اس دا کریں علاج
 سبب ضعف دا کرد معلوم
 طبع موافق کرد دوا
 کرد عفونت مغزوں دور
 قوت اس دی مغز پہنچا
 دیہنت سیویاں چرب پلا
 دارو سخت نہ اکھیں گھت
 جاہل لوگ عوام الناس
 آکھن ہوئی دھند غباری
 دھند غبار نہ ہووے دفع
 دارو گھت گھت کرن خراب
 موتیا بند جد ہووے شروع
 داغ کرد کنپٹیاں روچ
 رکھ کنڈی نوں اوپر آگ
 چنگی طرح پکاؤ داغ
 یا نال دوائی ڈالو گل

اس دا جھبڈے کرد دوا
 پہلے اس دی سمجھ مزاج
 نال علامت جیویں رسوم
 دیوے جلدی رب شفا
 خلط موافق نال شعور
 مقوی مغز دوا کھوا
 گھبو دودھ حلوا خوب پکا
 رکھیں یاد اسادی مت
 موتیا بند نہ کرن شناس
 نہیں کوئی سانون ہو رہیای
 کوئی دوا نہ دیوے نفع
 آخر اکھیں دین جواب
 کنپٹیاں نوں کر مقروح
 لے شروع پانی نوں کھج
 داغ کرد دو طرف الگ
 قلم اس دے رہن چراغ
 دفع مواد ہو جائے گل

تعریف گل دوائی

نصف دانہ لے جو لوٹا
 ریل تے کوتر گھت گھسا

ہووے تازہ فریہ موٹا
 کچھ سبز توتیا نال رلا

کنپٹیاں
 کنار
 پنچو
 دن

نسخہ
 شروع
 جیکر
 سر
 دل
 ش
 ریزہ
 ضعف
 دکھ
 صفرا
 چٹا
 مغز
 مغز
 پستہ
 کور

کنپٹیاں گوہے نال اوچھا کناریاں تے گل گھس لا پنجویں، چھبویں لے اتار دن وچ دد ترے پھلے لگا	رؤں آلودہ کہ چھڑا چار روز تک تھوک لگا نت لگا گوکا گھیبو ساڑ دیوے جھبے زخم چھڑا
---	---

نسخہ مجربہ مقوی دماغ جگر

نسخہ کراں بیاں لاثانی شروع موتیا دیوے روک جیکر ایہہ دوا کوئی کھائے سرے سارے دکھ تمام دل گردیاں نوں دیوے نفع شناسی ایستوں بہت کماؤ ریزش نزلہ کھنگ نزل ضعف دماغوں ہووے دوا دکھ پُرانے جاوے ہو صغرا دی، دموی مرضاں سب چٹا زہیرہ سولف منگا مغز اکھروٹ فندق ناریل مغز تخم خربوزہ لیا ہستہ مغز کدو بادام لہلہ الائچی دانہ ڈال	تازہ پیدا کرے جوانی دو تن بہت شناسی لوک موتیا نیڑے مول نہ آئے نسن استھوں چھڑ مقام کرے جگر دیاں مرضاں دفع ہر یک دکھ وچ نفع اٹھاؤں سے پیٹ اد نہاندی مول رہے نہ سر وچ ذرا قصور رہن بدن لے وچ کھلو جاوے ہو مسافر جھب دھنیاں دے لے مغز کڈھا چلغوزہ مغز، سندوانہ میل مغز کھیرے کھمڑی وچ پا پنج پنج تو لے وزن تمام کٹ دوا سب رکھ دے تھال
---	---

کشتہ منگا موتی سیم
 جڑ مونگا لاچورد عقیق
 کشتہ سونا لے وچ ڈال
 ترے ترے ماشے کشتے سب
 سیر پکا مصری منگوا
 سیر پکا لے ماہاں دی ڈال
 فجری ہستیاں نال ہلا
 ڈنڈے کونڈے وچ گھت
 سیر پک پکا گھیلے آن
 مٹھی مٹھی اگ جلا
 رنگ اس دا جب پوئے لال
 کڑا ہی دے وچ سب دوا
 بھانڈے چینی دے وچ ڈال
 وزن اسدا ہے تو لے پنج
 جدوں کوئی ایہہ نسخہ کھاے
 فاصلہ دے کے وچ دوا
 جس خلط دا زور زیادہ
 کر ایہہ نسخہ استعمال
 جگر ناتھ حکیم شناسی
 ادو حکیم نامی مشہور
 ملک وطن اس دا کشمیر

فولاد ماریا میل حکیم
 چند روزہ وچ ڈال تحقیق
 سرد بھنگ بھی ہووے نال
 وچ دوا ہلاڈ بھب
 گٹ کے مصری نال ہلا
 رات پوسا پانی وچ ڈال
 چھلکے اس دے ددر کرا
 بہت باریک گھوٹا دیں وت
 دال اس دے وچ کر بریان
 دال نون چچی نال ہلا
 جلد اوتار دوا سب ڈال
 گھت کر چھی دے نال ہلا
 نال حفاظت رکھ سمہال
 ترے سو سٹھ دنجاے رنج
 دوترے چار جلاب کرائے
 چودھویں روز جلاب کرا
 خارج کر کے اس دا مادہ
 ہوون سب دکھ خواب خیال
 ایہہ نسخہ اس دا آزمائشی
 علم شناس اندر بھر پو
 شناسیاں حکمت وچ پیر

ایہہ
 نسخہ
 لے
 کرے

چھ ما
 نشا
 دو

زخم
 ریم
 مرہم
 پھوڑا
 پیپ
 ایہہ
 شمس
 تونہ
 سڑی
 نیل

ایہ نسخہ اس تھیں مظهر نسخہ ہو رہا مثال طلسم لے کے تخم دھتورہ سیاہ کر کے کھل اٹھیں وچ پا	کرے پڑائے دکھ سب دور مفید نزول الماء ہر قسم تخم نیل کر کے ہمراہ دیوسے فوراً نفع دیکھا
--	--

بیان قرحہ چشم

چھ ماشے قلعی سفیدہ لیا نشاہتہ کلر گوند افیم دو ماشے تانبہ سڑیا ڈال	میل چاندی ترے ماشے پا دو دو ماشے میل حکیم پیہ کر رت استعمال
--	---

بیان ناسور چشم

زخم قرحہ اک نام ناسور ریم رہے اس تھیں رت جاری مرہم کراں بیان آزمودہ پھوڑا کنہ زخم گھنیر پیپ رہے جس تھیں رت جاری ایہ مرہم کوئی روز کماے سٹم گدوں دا تولے دو تذہ بڈی گاندی ساڑ سڑی سی، چم کن سواہ نیل تھوٹھا کر بریان	پاس کو آ اکھ کرے ظہور کاگ نہند اس کن بیماری خاص شناسی دا فرمودہ پورا نا قرحہ ناسور شریر ہوں طبیب علاجوں عاری ہوس فضل رٹائی پاوسے گل حکمت کر ساڑیا ہو زرد کوڈیاں ساڑو چار چھ چھ ماشے کہ ہمراہ کندر گوشت خورہ آن
--	---

صبر سفیدہ کنگن کھار
پھٹکڑی رسپور زنگار
اسٹھی کر کے سب دوا
دس تولے سٹھائے نیل
سیر پانی گھت اندر تھال
نیل پانی دے دچ رلا
چمڑے تیل ہتھال دے نال
دب انگل دے نال ناصوہ
ٹاکی مہل دی کترا
اٹھویں پھر پچھوں بدلا
ایسے طور کر استعمال

مردہ سنگ کتھ پھل انار
ہر اک ترے ماشے مقدار
کہہ بار یک کھل دچ پا
دارو سب اس دے دچ میل
پنڈ دوا اس دے دچ ڈال
خوب ہتھال دے نال گھسا
کر کے جدا ڈپی دچ ڈال
پاک ریم ساری کر دور
آلودہ مرہم کر چمڑا
ٹاکی تازہ ہور لگا
کرے شفا رب جل جلال

نسخہ ناصور چشم

گوشت خورہ صبر زنگار
کوار گندل دچ بنہ شیان
گھس پانی دچ ڈال ضرور
پھلاں دے ناصور دھوا
نوشادر صابن پانی ڈال

دم الاغویں کندر گلزار
کر کے پانی اس دا صاف
دو ترے قطرے دچ ناصور
کہہ پچکاری صاف کرا
کہہ پچکاری استعمال

بیان ناصور جاڑیہ

سفیدہ قلعی مردہ سنگ بیا

چونہ سپنی ساڑ رلا

چھٹ
سر
سب
کھو
قرح

کن
نعم
فام
عاجز
بخش
رنگ

بابجو
کن
بول
جے
جے

بالکل
پکودہ
سدہ

چھٹانک تیل اسی دالے ہر آدمی دے بال منگا سپ کچ نول ساڑوچ تیل گھونہ کر مرہم وانگ بنا قرح داہڑے وچ بے ہو	ہک ہک تولہ دارو تھک روغن اسی وچ جلا پیہ سب دوا وچ میل جاڑیے پر ہر روز لگا پٹن جیہا علاج نہ کو
---	---

بیان امراض گوش

یعنی کان

کن اعضاواں وچ شریف نعمت بخشش رب دی بھاری فائدہ کتاں وچ ہزار عاجز ہو جاوے انسان بخشیا رب کتاں نول شان رنگ برنگی سُنن آوازہ باہجوں کتاں دے انسان کن جہوں ہو جاوے بند بول کتاں دے درجے ترے جے تھوڑا جیہا ہووے نقصان جے وچ سنائی بہت قصور بالکل کن جے ہووے بند پروردہ کن دا بہت لطیف سدہ لے پردے نول کل	پیدا کیتے رب لطیف دیون لطف جیاتی ساری آون ناہیں وچ شمار باہجہ کتاں دے مثل حیوان سمجھن، سخن کلام زبان دیون خوشی ہووے روح تازہ وانگ سودائیاں پھرے حیران بندہ مثل ہو جاوے کندہ طرش، وقرتے صمم ہے اس نول بولا طرش پچیان اس دا نام دقر مشہور کن صمم اس دانشمند سدہ اس نول کرے کشیف وچ سنائی پوسے غل
--	---

یا ہووے مادہ خاص سودا
 سوداوی خشک مواد کرخت
 سودا سدہ یا سرد ریاہ
 کدھ عرق مقطر گدول رلد
 بابونہ، ردغن میلونال
 بول کتال نول دیوے نفع
 روغن ہرمل ردغن سیر
 گلیاں تھوم دیاں پنچ ست
 ڈال کتال دے وچ ضرور
 تازہ دانے ہرمل لیا
 کپڑے وچ گھت صاف کرا
 مکھن مصری فجر چٹا
 نشاستہ ترے تولے منگوا
 پنچ تولے گوکا گھیو ڈال
 ایہ حریرہ روز پکا
 جے بول کتال دا ہوئے تازہ
 ہووے اس دا گرم مزاج
 شربت شیرہ سرد دوا
 روغن کدو مغز بادام
 قطرہ قطرہ کن وچ ڈال
 سرتے مالش خوب کرا

کرے فساد کتال وچ آ
 پرے کرے کتال دے سخت
 گرم روغن گھت کر اصلان
 نال پیتال جنتر دی بدھ
 قطرہ قطر کن وچ ڈال
 گھٹن کن ہووے ریرک دفع
 بول کتال نول ہے اکیر
 ساڑو تیل مسھے وچ گھت
 ہووے بول کتال دے دور
 تیل مسھے وچ گھت سڑا
 قطرہ کتال وچ چوا
 گھیو دووہ اس نول شام پلا
 پانی دے وچ خوب پکا
 مصری گھت کر استعمال
 کر کے ٹھنڈا سرد پلا
 تھوڑا بہتا سنے آواز
 کر تول اس دا سرد علاج
 طبع موافق روز پلا
 سرکہ اس وچ ساڑ تمام
 کریں جب استعمال
 بنفشہ روغن آپ پلا

پیرا
 کتال
 گرم
 تنقیہ
 بدھا
 اس

جیکر
 سبب
 سبب
 جے
 روغن
 روغن
 روغن
 ہوو
 رقی
 دوو
 یا
 سبب
 وہ

پُرانا سرکه تیز منگا کٹاں دھج بنت کرد قطور گرم خشک نہ دیہ کوئی چیز تنقیہ طبع موافق کر بڈھا ہووے یا مولود اس دا مٹول نہ کریں دوا	محل روغن دھج گھت سڑا ہووے بول کٹاں دا دور ایہہ رکھیں یاد تیز دو ترے دفع نہ ہرگز ڈر کرے دوا نہ اس نوں سود ضائع محنت نہ ہو دنیا
--	--

بیان درد گوش کان

جیکر درد کٹاں دے دھج سبب درد دا کرد صحیح سبب صفرا یا دموی مادہ جے سادہ گرمی دیوے زور روغن ڈال کٹاں دھج سرد روغن مغز کدو بادام لو لگند آیا ، یاد عجیب ہووے درد نہایت سخت رقی قدر افیم گھسا دودھ عورت دے دھج ملا یا چاول قدر افیم ضرر سبب درد دا جیکر رتج دورہ کرے ریاحی مادہ	ہووے کرے نہایت زح پھوڑا پھنسی درد یا رتج درد گوش یا ہووے سادہ پاوے درد نہایت شور ہووے دفع کٹاں دا درد بنفشہ روغن ڈال تمام دیوے نفع درد نوں مجب اس نوں دفع کرے یکلفت ساڑ توے پر کرد سواہ قطرہ ہک کٹاں دھج پا دودھ عورت دھج کرد قطور کرتوں چنگی طرح صحیح ہووے تھوڑا کدے زیادہ
---	---

شعلہ مار کرے جھڑناٹ
 ہودے خاص ہے سرد ریاہ
 شراب روغن گل وچ ملا
 دانے مرل تخم سداب
 قطرہ کٹاں وچ چوا
 دو ترے قطرے ڈال شراب
 درد گوش ہے خاص ریاہ
 تیل مسھے وچ مقوم جلا
 پانی موی دا کدھوا
 جد سارا پانی سڑ جاوے
 ایہ روغن تڑت کٹاں وچ ڈال
 باونہ گل پوست خشخاش
 جیکر پھنسی کرے آغاز
 درد کرے کٹاں بے وچ
 جب تک مادہ پھنسی خام
 جب پھنسی پک کے پھٹ جاوے
 گل روغن سرکہ میل سڑا
 سبب درد دا جیکر مادہ
 مادہ فاسد دود کرا
 سبب درد ہے خون کثیر
 بلغمی جیکر ہوس مزاج

کٹاں بے وچ پوسے گھوٹاٹ
 گرم روغن گھت کراصلار
 قطرہ کٹاں وچ چوا
 تیل مسھے وچ سار شتاب
 گرد کٹاں مالش کردا
 دیوے فائدہ بہت شتاب
 ہودے جلدی نال رانی
 دو ترے قطرے کن وچ پا
 تیل مسھا گھت کے پکوا
 دو ترے قطرے کن وچ پا
 درد گوش جاوے فی الحال
 جوشا شکور کرے وسواس
 مشکل جاوے سنی آواز
 ہودے بہت طبیعت زچ
 آدے کے نہ وقت آرام
 درد تھیں جلد آرام اس آئے
 قطرہ کٹاں وچ چوا
 ہوندا جاوے بہت زیادہ
 جیہڑا غالب نظری آ
 مسھے وچوں چھٹو سیر
 تنقیہ جہا نہیں ہو ر علاج

سبب
 درد مو
 اول خا
 پچھوں

پیدا ورم
 طرف باہ
 ورم زور
 روگی رو
 صفرا یا
 سبب
 سر بھارا
 صفرا مو
 کرے طب
 جیکر
 جد دیوے
 گوہر یاں
 بہت
 مسھے

سبب صفرا جے ہووے درد	شریت اوس پلا رت مرد
درد مواد سودا سبب	کر مرطوب طبیعت جھب
اول خارج کر مواد	جس دا وچ مزاج فساد
پچھوں اس دی کر تعدیل	طبع موافق مرض علیل

بیان ورم گوش

پیدا ورم ہووے وچ گوش	جاوے بھل دماغ ہوش
طرف باہر یا کتال وچ	کرے روگی نون ڈاڈا نیچ
ورم زور کر سرون پاڑے	مارے موذی درد کوڑے
روگی رو رو حال وچلے	راتیں دینہیں آرام نہ آئے
صفرا یا دوسری مادہ گرم	پیدا کرے کتال وچ ورم
سبب ورم دا جیکر خون	نال ہووے صفرا زبون
سر بھارا درد تراٹا مارے	رل صفرا لہو نون ساڑے
صفرا موذی جد کردا زور	بلغم خون ہو جاوے شور
کرے طبیعت اس نون دفع	طرف گوش دی ہووے رفع
جیکر مادہ سالم ہو	خاک ورم بن رہے کھلو
جد دیوے گندہ خون ابال	چہرہ سرخ ہو جائے لال
گوہریاں سرخ اکھیں ہو جاون	نشان خون دی نظری آملن
بہت لہو دا جیکر زور	کھول سراو فصد پخوڑ
مقے وچوں ناڑا مٹکا	کتال تپکے جوکال لاء

کر توں اس دی قبض کشا
 کدو مغز بادام ملا
 تولہ تولہ وزن تولہ
 شامل اس دے کرو پیوند
 کر کے صاف شتاب ملا
 دھنیاں صندل بُوڑ ملا
 دارو سب اکٹھے کر
 دانے اٹھ آلو وچ گھت
 فجری مصری ڈال ملا
 جوش خون جادے فی الحال
 زائل کرے اُنہاں نوں جھب
 ہک ہک رتی وزن حکیم
 کٹاں پچھے کرو طلا!
 تولہ گل روغن وچ پا
 سڑ سرکہ رہ جائے تیل
 قطرہ قطرہ کن وچ پا
 جے کن دے وچ کرے فساد
 کچا مادہ خوب پکا
 بلغم خارج کرو شتاب
 کر رہ سخت نہ ہو دے نرم
 ڈال بادام روغن وچ میل

ملین گھوٹ گھوٹ ملا
 بنفشہ کاسنی سونف منکا
 سناہ کلی پنج ایہ دوا
 ترے پنج خالص مخلقتند
 گھوٹ کوڑے شیرہ کدھوا
 مونڈی بوٹی برگ حنا
 بنفشہ انبل نیلوفر
 ترے ترے ماشے داروست
 رات پانی وچ رکھ پوسا
 ترے ہفتے کر استعمال
 صفراوی خونی مرضاں سب
 کیسر مشک کافور انیم
 گل روغن دے وچ ملا
 تولہ سرکہ تیز منکا
 آگ تے رکھ دوں نوں میل
 شیشی دے وچ گھت رکھا
 کچا مادہ بلغم یاد
 پہلاں اوس منفعیج کروا
 دو ترے دار اس کرو جلاب
 سوادی مادے واجے ورم
 گل روغن یا بونہ تیل

کر مالش تیل رستھا کر گرم
 سبب دم بے خاص ریاح
 کالی زیری یسپ کرا
 کچلہ پانی دے دھج گھس
 اک دی جڑھ دی چھل یا
 تخم السی میتھی منگوا
 ایہ دوا پکا دے دم
 بے باہر طرف کتاں دے دم
 طرف دم دی کرو دھیان
 کس مادے تھیں پیا فساد
 جیکر مادہ خونی ہو
 رنگ دم دا ہوئے لال
 شربت روز عتاب پلا
 پا پڑ، دھنیاں، صندل، بوری
 عتاب، ہریٹیاں زرد سیاہ
 کر کے پانی دھج نقوع
 بے صفرا دی ہووے مادہ
 رنگ دم دا ہووے زرد
 دھنیاں، پیسک، آٹا جو
 گھوٹ پانی دھج کر ضماد
 پڑ بنھ جواہری باٹ

سخت دم ہو جائے نرم
 گرم پڑ بنھ کر اصلاح
 سر کے دے دھج خوب گھوٹا
 کرو طلا رتج جائے نس
 گھوٹ کونڈے دھج یسپ کرا
 کڈھ لعاب کتاں دھج پا
 یسپ پوسے ہو جائے نرم
 ہووے یا کوئی پھوڑہ گرم
 کرو تمام معلوم نشان
 داخل اس دھج کون مواد
 جوگاں باہجہ علاج نہ کو
 دیوے گندہ خون ابال
 خون گندہ سب کرے صفا
 مونڈی، بوٹی، ڈال ضرور
 بنفشہ، نیلوفر، سمراہ
 دو تومے ہفتے رکھ شردھ
 سرکن سوزش بہت زیادہ
 مارے سخت تراٹاں درد
 بنفشہ وزن برابر ہو
 کرے خداوند دھج فساد
 پک دم جادے جھب پاٹ

ہووے جیکر مادہ سرد
 رنگ سفیدی مائل درم
 پردے لے کناں دے کل
 جے بلغم دا ہووے زور
 نمک کٹ درڑا کروا
 مسٹھا تیل پوے پر پا
 پوٹی بنھ کر گرم ٹکور
 نمک چھکنی کا پھل پت کثیر
 ست لونگ پنج مرچ سیاہ
 کٹ پیس کر دیہ فسوار
 اسی تخم بابونہ گل
 گھوٹ پانی دج کر ضماد
 جے صفرا بلغم دل خون
 کالی زیری سرک لیا
 پانی آٹا گھیو ملا
 گھت کر چھی دے دج پکا
 جیکر درم کناں دے دج
 میتھی اسی کڈھ لعاب
 طرف باہردی سخت بے درم
 اسی میتھی خوب گھوٹا
 پانی گھت میٹھس پکوا

پھوڑہ درم کرے کم درد
 ہووے بہت نہایت درم
 وچ سنائی پوے خلل
 اُس نول مسہل نال توڑ
 چھان کنک دا نال رلا
 ہیٹھ توے دے اک رکھا
 دیوے درد ریاحی توڑ
 یک یک تولہ لے وچ گیر
 نال اُنہاں دے کر ہمراہ
 ہووے سرد ریاح فراہ
 میٹھی وزن برابر کل
 جاوے ہو تحلیل مواد
 کرن پیدائش درم زبون
 گھوٹ درم دے اوپر لا
 نمک تھوڑا جیہا وچ پا
 ایہو پولٹس بنت بنھا
 طرف اندر دی دیوے رکھ
 نیم گرم کر ڈال شتاب
 پولٹس بند کرد اس نرم
 آٹا وچ کنک دا پا
 پٹہ درم آتے بنھا

<p>جب پک جادے مادہ خام ترے دن خلفہ کنوار بٹھا تا پھٹ جائے دم شریہ گر صابن تے لُون ملا مُونہ زخم دا جادے کھل جد خارج ہووے ریم تمام مڑ گوکا گھیو ساڑ لگا</p>	<p>بن جادے کل ریم تمام چوَنہ سَچّی لُون ملا نہیں تاں نال نشتر دے چیر مُونہ زخم دے اوپر لا نکلے فاسد مادہ کل اوسے اوسے دقت آرام دیوے جھبے زخم چھوڑا</p>
--	--

بیان قرح گوش

<p>قرح گوش اس کن حکیم دج سنائی پوسے خواری! نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو کر کے نیم گرم اودھ تھوڑا موندھا کہ سر نول اُلٹا جس دج سرکہ سرطیا عام کرے قصور خداوند معاف بہت مدت تک رہے کھلو بہت پسند مفید یونانی ہر اک ماشے دا مقدار ترے ماشے گھت موم سفید پیہ کر چھی دج گرم کرا</p>	<p>کن تھیں پیپ دسگے تے ریم ریم رہے کن تھیں نت جاری کن دچوں آدے بدبو ماء العسل تے گوشت خورہ کن دے دج پچکاری لا پکھوں گھت روغن بادام ایزیں روز قرح کر صاف جے کر قرح پورانہ ہو مُجرب نسخہ کھاں لاثانی کندر اتر روت زنگار ترے ترے ماشے سرکہ شہد تور کل روغن دج پا</p>
--	---

مرہم بقی نال لگا لے سواگر ساڑ سفید قطرہ قطرہ کن وچ ڈال گوشت خورہ شہد ملا ریم کن دی کرو صفائی قرحہ گندہ حد ہووے صاف اس تھیں بعد روغن بادام	قرحہ کن لے وچ رکھا حل کر پس بنو وچ دید کرے صفا قرحہ فی الحال بقی کن دے وچ لگا ہو دے جلدی نال مائی کرے قصور خداوند معاف کناں دے وچ ڈال مام
---	---

بیان کرم گوش

جد گندہ ہووے درم قرحہ حرکت کرن کیڑے بد ذات درد نہایت پاوے زور پت آڑو دے خوب گھوٹا قطرہ قطرہ کن وچ ڈال مصبر سر کے وچ گھسا ایہ نسخہ ہے بڑا مفید پانی تھیں افسستین ڈنڈے کوڈے وچ گھوٹا کر کے صاف کناں وچ گھست نعل جاوے جد کرم تمام جے ڈالیں تازہ پودہ پانی	ہوون کرم کناں وچ شرم کناں وچ پاوے سرلاٹ کیڑے کرن کناں وچ شود کر کے کیڑے وچ صفا مرن کیڑے ہوئی کے بد حال قطرہ قطرہ کن وچ پا کیڑے اس تھیں مرن پلید گھت کناں وچ نال یقین پانی تھوڑا جیہا ملا کیڑیاں دی جڑ دیوے پٹ پچھوں گھت روغن بادام نہیں دوا کوئی ایس دانتانی
---	---

شیرہ پیاز تے مشیرہ مولیٰ آڑو دے پت گھوٹ پھوڑ قطرہ قطرہ کن دھج ڈال	دیون چاہڑ کیڑیاں سولی ایلو میل پنہ مول بور کیڑے باہر آون ت کال
---	--

بیان طنین گوش

کناں دے دھج سنے آواز ہو دے سخت آواز مہین گھر کاٹ چکی جیون پس دانے جیکر ہووے سرد مواد کیسر دھج شراب ملا شیرہ کٹ پیاز کڈھا قطرہ قطرہ کن دھج ڈال بودنہ افستین سداب نخری مل پُن صاف کرا ڈال کناں دھج نال یقین کر مالش تیل بابہ گل طبع موافق کرو جلاب بے صفراوی خاص مواد دوغن مغز کدو بادام قطرہ قطرہ کن دھج ڈال دو ترکے چار چیمے تیک	کھنٹی، پھتر وانگ دراز اُس نول کن طنین حکیم دوی اس نول کن سیانے یا ریح کن دھج کرے فساد کر کے حل کناں دھج پا! گل دوغن دے نال ملا کو کچھ مدت استعمال رات پوسا دھج رکھ خراب گل دوغن دے دھج ملا ہووے زائل سرد طنین نہیں ددا کوئی اُس دے تل ہووے دفع مواد شتاب جا کناں دھج کرے فساد مالش سرے کرو دام بہت مدت کر استعمال استعمال کراویں ٹیک
---	---

ہموے زائل مرض طنین دور ہموے موزی صغرا کرد رطوبت نال تعدیل ڈالو کتاں دچ مدام شام پلا دودھ مصری پا رہے نہ کتاں دچ قصور گریاں پنج باواماں دید فجرے کوٹے دچ گھوٹا نت کھواؤ ہفتے ست تنقیہ کرو موافق مادہ	ہفتہ وار کرو تلیئین بزوری شربت سرد پلا بخشک مزاج بہت علیل بنفشہ روغن یا بادام کھن گوکا فجر کھوا خشکی مغزوں ہموے دور دو توے نشی س سفید رات پانی دچ رکھ پوسا ہک چھٹانک کھن دچ گھت جے کر ہموے خلط زیادہ
--	---

بیان خون گوش

یا کوئی ہور مواد زبون قطرہ قطرہ کن دچ پا! سرکے دے دچ گھت پکا ہموے خون بند فی الحال نال قصد کڈھ خون زبون انہلی کا سنی کر ہمراہ مصری ڈال پلا شتاب	جے کتاں تھیں آدے خون مازو سرکے دچ گھسا تازہ چھل انار منگا قطرہ قطرہ کن دچ ڈال نظر جے آدے فاسد خون نیلو فرتے آلو سیاہ بنفشہ دانے میل غناب
---	--

بیان تعریف بیٹی

بینی ہے چہرے دا نشان بینی ہے اعضاء لاثانی بینی دے وچ خاص تیز خوشبو ہووے یا بدبو بند جے ہووے بینی داراہ بینی سر دی خدمت گار راہ بینی دے سرد ہوا جدوں ہوا مغز نوں جامے ہون سوراخ جے بینی راس جے سوراخ نہ رہن درست کرو دُعا اگے رب باری یا رب کریں گناہ معاف	زینت کل انسان حیوان بخشش فضل کرم سبحانی بو تھیں کرے شناخت چیز بینی باہجہ نہ سمجھے کو فعل مغز سب ہون تباہ کدھے مغزوں باہر بخار طرف مغز دی پہنچے جا روح نفسانی فرحت پائے قوت قائم رہے حواس کل حواس ہو جاون سُست جس پیدا کیتی خلقت ساری راہ بینی دے رکھیں صاف
--	---

بیان مرض رُعاف نکسیر

نک تھیں خون چلے یا سیر گندہ خون آوے یا صاف خون نال تیزی صفرا سر وچ خون ہو جائے شہ پھٹ جادے رگ چلے سیر روز بچراں چلے جے خون تپ والے نوں دیوے نفع	کہن حکیم ہندی نکسیر حکیم یونانی کہن رُعاف جدوں سڑے سر دے وچ جا دیوے باہر طرف دی زور طاقت بدنی کرے ظہیر ہودے گندہ بہت زبون کرے مادہ موزی اوہ نفع
---	---

اس نون ہرگز بند نہ کر
 اکثر دھج تپ دے بھراں
 جیکر خون بہت گھٹ جائے
 بیشک اس دا کرو دوا
 نسخہ خوب لکھاں نکیر
 سفید پھٹکڑی پھل کرا
 کالا سرمہ دارد چار
 جیکر ہووے خون زیادہ
 پچھوں شربت دیہہ عناب
 پا پڑا صندل بڑ سفید
 رات پانی دھج کرو وقوع
 جے صفرا کرے اس تنگ
 خرف کاسنی گھوٹ پلا
 جے خشکی کر جادے زور
 مکھن گوکا فجر کھوا
 جے بہت کرے نکیر فساد
 پھل گلاب تے صندل بڑ
 گھٹ پانی گوندے دھج گھوٹا
 دساں نسخہ فائدہ مند
 کافور افیم ماجو گھٹا
 دسم پانی دھج گھوٹا

بند کرنا دھج بہت ضرر
 ہووے تک بھیس خون دھج
 ضعف طبیعت بھج آئے
 دیوے اس نون رب شفا
 مارے دھج نشانے تیر
 ماجو پھل انار ملا
 پیہہ کے دے ناسیں نسوار
 قصد نال کر خارج مادہ
 صاف ہو جائے خون خراب
 ہندی دے پت مہنڈی دید
 مسری ڈال کراؤ شروع
 ہووے زرد چہرے دارنگ
 سبکجیس نون نال ملا
 دساں دارو اس دا ہو
 بکری دا دودھ شام پلا
 سبز مٹھے تے کرو ضماد
 دھنیاں کاسنی مشک کافور
 مٹھے چوٹی لپ کرا
 کرنے خون ساعت دھج بند
 پیہہ کے بھونک ناسیں نسوار
 سبز مٹھے تے مہنڈی کرا

نسخہ
 نکیر
 کاغذ
 کندہ
 پانی
 قطر
 پلایا
 گوا
 تاسا
 تخم
 صفت
 رات
 پا پڑ
 جھ
 کرے
 افیم
 پھل
 تاسا
 سر
 پانی

نسخہ ہور لکھاں نسوار
 نکسیر نہایت دیوے نور
 کاغذ پھٹکڑی، ہرے دال
 کندر، ماجو، پھل انار
 پانی بد گدوں دا کڈھ
 نظرہ تاساں دج چڑھا
 پلایاں بازو گھت بھاؤ
 گوا، ماہجھ لے پخوڑ
 تاساں دے دج بت چڑھا
 تم کدو، خشخاش سفید
 صندل بوریہ، سرسہ سیاہ
 راتیں بت نسوار چڑھا
 پاڑا، دھنیاں، نیلوفر
 جھ چھ مائے دا مقدار
 کر کے پانی دج لتوج
 انیم چوتھائی رتی کھا
 پھل پھٹکڑی لے کرا
 تاساں دج نسوار چڑھا
 برتے پانی سرد دگاؤ
 پانی دے دج نیل گھسا
 سرد پانی دج غوطے لے

کئی دفعہ آزمودہ کار
 فائدہ کرے دوا نہ ہور
 ساڑو ترے توے پر ڈال
 کر باریک دیوہ نسوار
 مشک کا فور دیوہ دج مدھ
 ہودے اُسے وقت شفا
 برتے پانی سرد دگاؤ
 پیہہ رول اس دج بوڑ
 دیوے دھک نکسیر دجا
 شیرہ کڈھ پلاؤ دید
 مشک کا فور کرد ہمراہ
 مر کے خون نہ ہرگز آوے
 بوریہ صندل شامل کر
 وقت رات ایہ داند چار
 مصری ڈال رکھو بت شروع
 ایہ بھی فائدہ ترے پہنچے
 قدرے نال انیم مل
 دیوے جلدی اثر دکھا
 گاجنی مٹی لپ کر
 مٹھے چوبی لپ کر
 دگدی ترے نکسیر ہٹکے

اٹھاں دی جت لے توں ساڑ جالا لکڑی، سُرہ سیاہ ایہہ بھی پیہہ کے دیہہ نسوار اسبغول سر کے دوج ترہ	چنگی بھر ناساں دوج چاہڑ سیاہی تو ا کرو ہمراہ فائدہ بخشے بے شمار کر کے یسپ مشقے دوج کر
---	--

بیان ورم بینی

ورم بینی جد کرے طہ ہودے بند بینی دا راہ مواد بے ہودے دموی گرم سراو دا فصد کرا سیاہ سوداوی ورم کرخت صفرا نال سڑ کے سودا قیروطی جلدی نال بنا چل روغن دوج موم گلا لعاب بنفشہ خطمی ڈال گرم خشک بے ہودے ورم ورم گوش دا جیویں علاج نقع اخراج ضماد طلا	بدل جاوے چہرے دا نور فعل دماغی ہون تباہ مارے سخت تراٹاں ورم ورم بینی تے جوکاں لا ہودے پتھر دانگ بے سخت ورم کرے بینی دوج جا ورم بینی تے روز لگا چربی بکرا نال طلا کرو قیروطی استعمال کرے قیروطی اس نوں نرم کرو اتھائیں سمجھ مزاج جس لائق اودہ کردا راہ
--	--

نسخہ قیروطی مرطبہ

بنفشہ خطمی تخم کتان	پھل گلاب نیلوفر آن
---------------------	--------------------

دو دو
فجرے
پا بک
لے د
مسطی
قوام
ایہہ فی

رطوبت
حرکت
دگے
درد
مجرّب
آرود
چاہڑ
ملون
دونویر
دو ترہ
تھاں
مصیبت

رات پانی گھٹ رکھ پوسا
نیل پُن صاف لعاب کڈھا
گھٹ کر ڈا ہی شے دج میل
کر کے گرم میلو دج وید
چھوٹی چمچی نال ہلا
جلدی نال کر ڈا ہی لاہوے
سخت درم نرم ہو جاوے

دودھ تولے قدر دوا
جرے دیگی دج جو شہا
پک پکا مٹھا تیل
لے دو تولے موم سفید
مٹھی مٹھی اگ جلا
قوام قیروطی تے جد آوے
ایہ قیروطی جے نت لاشے

بیان کرم بینی

پیدا ہوں کرم زبون
بینی دج پورے سرلاٹ
ہووے بدبودار زبون
اوکھا ہووے بہت بیمار
مر کے ہوں کرم سب فانی
پنبہ رول دا اس دج بوڑ
کرم بینی دے ہوں فناہ
بینی دج نسوار چڑھا
تیل مٹی رول نال لگا
مر کے کرم آون سب باہر
گھوٹ پانی دج دارقین
قطرہ ناساں دج چڑھا

رطوبت بینی کرے عفون
حرکت کرے کیڑے دن رات
دگے بینی تھیں گندہ خون
درد نہایت کرے لاچار
جرب نسخہ رکھاں یونانی
آڑوے پت گھوٹ پچوڑ
چارٹ ناسیں ہنگ کر ہمراہ
لمون تسکو ہنگ پسا
دونوں ناساں بند کرا
دوتڑے روز کرو ایہ کار
نال پودنہ افسنتین
مستبر خنور ا جیہا ملا

تاسیں پھونکو ہنگ کافور
 ایلوا ہنگ تماکو لیا
 گھوٹ پانی دج کر پچکاری
 یا پانی دے نال رطا
 مَر کے ہودن کیڑے مُردار
 ایرنا گوبا خوب گھوٹا
 تاسیں دیہ اس دی سوا
 لد گدوں دا پانی ڈال
 ایلوا خوب باریک کرا
 پیہ روں دے نال گھا
 مشک بری دے پت سنگھاڈ
 ایہ بھی کرم کرے قلام
 جد کیڑے نک دے مرجادون
 گل روغن کر استعمال
 دیویں اُس نوں نرم غذا

ہودن کرم بینی دے دور
 ماشہ ماشہ وزن سکا
 اسدے جیہ نہیں کوئی کاری
 بشی تاساں دج چڑھا
 آدن جلدی باہر داو
 پیہ کے کیڑ چھان کرا
 دیوے کرم بینی دے مار
 کیڑے باہر آدن تت کال
 پانی پت میم دج رطا
 دواں تاساں دج چڑھا
 یا پانی کڈھ کے تاسیں لاڈ
 باون کیڑے پھوڑ تمام
 مَر کے باہر نکل سدھا دن
 مشک کافور ہلائی کے نال
 گھیت گوکا دج بہت رطا

بیان قرح بینی

قرح بینی اودہ مرض سدا نم دچوں آوے بدو دساں بنجے رب شفا موم تور گھت گرم کلا	بے بینی تھیں چھوڑ جاوے جادے قرح پراتا ہو آزمایا ہویا عجب دوا چار توڑے گل روغن لیا
---	--

ڈال
 بادام
 بنفشہ
 گوکا
 تراوت
 چربی
 قدرے

سبب
 پیدا
 دوسرے
 طرف منہ
 ہونہ پھ
 دارو پہ
 دو ہفتہ
 اور پک
 بکری کا
 ساو اُس

چھ ماہ تک کر استعمال کر استعمال دو ماہ نوں میل ترے ماہ استعمال کرا سرتے مالش بنت کرا جاوے چھوڑا چھوڑ مقام گھٹیو گوکا وچ ڈالو دید نال بٹی کر استعمال	ڈال ڈٹی وچ رکھ کمال بادام روغن تے کوڑا تیل بنفشہ روغن موم رلا گوکا مکھن فخر چٹا تراوت اس نوں کرو مدام چربی بکرا موم سفید قدرے گوشت خورہ ڈال
---	---

بیان مہکے بینی

مہکے نمک وچ کرن فساد فعل دماغی ہوون وچ کرن سوراخ بینی سے بند روح نفسانی غوطے کھائے میل سبھی وچ کنگن کھار بٹی ناساں وچ چڑھا دفع کرے مہکے سب گال کرے مہکے بینی سے دور دو ترے دفع اس نوں آریا جمال گوڑ دا پچھ لگا	سبب خون یا ہوو مواد پیدا ہوون بینی وچ دوے جدوں انہاں وچ گند طرف مغز دی ساہ نہ جائے چونہ پھٹکڑی نمک زنگار دارو پیہ سب شہد رلا دو ہفتے کر استعمال ہور ہک کرو علاج ضرور بکرہ کار حکماء فرمایا تاو اُتے گل لگا
---	---

گل گڑے تاو سے وچ
مہکے نے بینی سے کھج!

بیان نخستم بینی

نختم مرض پیدا جد ہو
 ہووے جس بینی معدوم
 شامہ قوت وچ نقصان
 سڑ خلط کوئی رہے کھلو
 یا کوئی بحرانی گند
 یا سوداوی خشک مواد
 سڑ یا ہو یا سودا کرخت
 یا خون گندا بینی صفرا
 سبب سڈے دا کر دریافت
 سڈہ خون جے نظری آ
 سبب جیکر سڑ یا سودا
 بنفشہ روغن دی نسوا
 مادہ موزی کر مطلوب
 سرتے مالش نت کرا
 سبب غلیظ جے بلغم ہو
 سبب جے موکے دم خراج

بینی سونگہ نہ سکے بو
 بو ہر چیز نہ کرے معلوم
 خلطی سڈہ کرے زریان
 ایس سبب نہ آوے بو
 کرے جس بینی دی بند
 بینی دے وچ کرے فساد
 کرے بینی دے پٹھے سخت
 یا بلغم کرے غلیظ جما
 کر کے چنگی طرح شناخت
 اول اس دا قصد کرا
 یا سبب موزی صفرا
 دیہودینہ وچ دوترے وار
 تا حاصل ہووے مطلوب
 روغن کدو مغز کدوا
 تنقیہ جیہا علاج نہ کو
 مرض مطابق کرو علاج

بیان مرض عطسہ

عطسہ مرض ہاں کرے خلط

بینی دے وچ پوے قوت

چڑ

سب

مجزر

دو

رات

کھن

مصر

کچھ

گل

قطرہ

گرم

جے

نشا

تولہ

نشا

مصری

کر کے

اطریفل

دلیہ

نسی

بنفشہ

چڑھے مغز جد گرد غیا
 سبب ہے ہموے نزلہ شہ
 مجرب کراں بیان دوا
 دو تولے خشکاش سفید
 رات پانی دج تر کروا
 مکھن ڈالو تولے چار
 مصری دو تولے دج سٹ
 کچھ مدت کہ استعمال
 گل روغن دی مالش کر
 قطرہ ناساں دج چڑھا
 گرم پانی دے کرو فطول
 جے کہ تینوں ہموے لوٹ
 نشاستہ تازہ تولے ترے
 تولے مغز بادام لیا
 نشاستہ پانی دج پکا
 مصری ڈال تولے دج چار
 کر کے سرد ہریرہ مسرک
 اطرلغل بنت کھوا کشنیز
 دلیہ گندم سرے غذا
 کسی مرچاں گرد غبار
 روغن مغز بادام

پچھل لین نہ دیون وار
 آون پچھاں دے کے زور
 دیوے عطسہ مرض و نجا
 مغز بادام تولے گھت دید
 فخرے کوندے دج گھوٹا
 رگڑو ڈنڈے نال سنوار
 وقت نہار صبح اٹھ چٹ
 دیوے عطسہ مرض نکال
 دن دج دو ترے دفعہ نہ ڈر
 نیم گرم کتاں دج پا
 طبع ہے اس دی کرے قبول
 دساں عجب ہریرہ ہور
 چار مغز تولے ہک لے
 گھوٹ نشاستہ دج بلا
 ڈیڑھ چھٹانک گوا گھیو پا
 کاہڑ ہریرہ کرو تیار
 دفع کرے نزلے دی کھرک
 اُسدے جیہ نہ کوئی چیز
 گھیو وافر اس دے دج پا
 سرد ہوا تھیں رہے فرار
 مالش سرے کرو مدام

بیان صفت زبان

واہ قدرت خالق سبحان ہر ہر عضوے دج خدا صفتاں جہڑیاں دج زبان ہر اک مطلب کار جہان کل احکام جو دین اسلام لذت لطف سواد ہر چیز زبان عطا کیتی رب باری سوال جواب آواز کلام ہنر فن کل علم جہان لکھ لکھ شکر کرد رب باری	افضل عضو کیتی زبان پیدا کیتا فعل جدا تاہیں اس دا حد بیان پورے ہووے نال زبان دیوے خبر زبان تمام ہووے نال زبان تمیز ہر حاجت دج دیوے یاری رنگ برنگی مزہ طعام تاج سارے بین زبان جس ایہہ نعمت بخشی بھاری
--	--

بیان ورم زبان

سون پوے جے دج زبان پہنچے وقت غذا تکلیف طرف ورم دی کرو دھیان کہ معلوم ہے ورم زبان سرخ ہووے چہرے انگ فصد چار بند دا چھوڑ رس ہرڈ دا کریں غرارہ	آکھن اُمس نوں ورم سان قوت کرے زبان ضعیف کس مادے دا ہے نقصان دھوی آون نظر نشان فصد کرن تھیں ذرا نہ سنگ پچھوں کریں معالجہ ہور ورم زبانوں کرے کنارہ
---	--

پا پٹا

دو تر

جے

سوز

دھنیا

کرے

بنفشہ

اسبخو

کاسنی

ساعت

ہور

جے

مٹنہ

میتھی

کپڑے

ڈالو

دو تر

کرے

خشکی

تازہ

غرارہ

گھوٹ پانی وچ شیشی گھٹ
 غرارے کرو درم دے کھج
 چہرہ زرد نہایت گرم
 تلخی سکے حلق دہان
 سرکہ مُشک کافور ملا
 دفع ہو جاوے درم زبان
 بہیدانہ میل لعاب کڈھا
 گھٹ گھٹ منہ دے وچ رکھا
 دھنیاں میل شیرہ کڈھوا
 گھٹ گھٹ ایسے طرح پلا
 دفع ہووے موزی صفرا
 پولا بہت نہایت نرم
 لگے تریہ نہ ہرگز آب
 گل بابونہ گھٹ جوشا
 گودا انبلس ملا
 کرو غرارے فجرے شام
 بلغم بادی ہووے دور
 ہووے کرڑی سخت زبان
 ہرگز میل نہ آوے ٹھک
 گودا انبلس ملا
 دیوے درم زبان اتاہ

پا پڑا ہندی نم دے پت
 دو ترے دفعہ دھاڑی وچ
 جے صفراوی ہووے دم
 سوزش خشکی وچ زبان
 دھنیاں پیلک خوب گھوٹا
 کرے غرارے دارو چھان
 بنفشہ خطمی تخم پوسا
 اسبغول لعاب ملا
 کاسنی کا ہو خرفہ لیا
 ساعت مونہ دے وچ رکھا
 ہور شربت شیرہ سرد پلا
 جے بلغم تھیں ہووے دم
 منہ تھیں جاری ہے لعاب
 میٹھی اسی تخم کڈھا
 کپڑے دے وچ صاف کرا
 ڈالو وچ روغن بادام
 دو ترے کرو جلاب ضرور
 کرے سودا جبکہ نقصان
 خشکی تھیں منہ جاے سک
 تازہ گوکا دودھ چڑھا
 غرارے کرو ترے دینہ چار

زبان
 مجدا
 بیان
 زبان
 تمام
 تمیز
 یاری
 طعام
 زبان
 جاری

لسان
 ضعیف
 نقصان
 نشان
 سنگ
 ہور
 کنارہ

<p> ہنفسہ روغن مغز بادام مکھن گوکا فجر چٹا جد خشکی ہو جائے دُور کڈھ پیلک الی دالعباب مغز فلوں عرق بادیان سرکہ میل گلاب داعرق سرکہ عرق گلاب ملا کرد غارے دینہ تے رات نوشادر مازد کرد باریک اُتے کلو زبان مام بہیدانہ تے اسبغول غارے ہر دم کرد ضرور </p>	<p> مٹنہ وچ رکھ صبح تے شام مصری کھوڑی جیہی ملا رہے نہ وچ زبان قصو کر لیاں کر اس نال شتاب مل کے کرد غارے چھان کر لیاں کر جھب ہو دے فرق کھوڑا جیہا نوشادر پا دم زبان جھب ہو دے مات سرکہ نال ملاؤ ٹھیک آوے اُسے دقت آرام کڈھ لعاب مصری وچ گول دم زبانوں ہو دے دُور </p>
---	---

بیان ثقل زبان

<p> زبان کسے دی ہو دے بھاری مشکل ہو دے پیون کھاون صاف نہ نکلے سخن کلام اکثر وچ بیماریاں سخت وچ فالج بقوہ استرخاء تمدد مرض تشنج وچ مادہ انتقالی بحران </p>	<p> بولن وچ نہ دیوے یاری دقت بولنے دے اڑے زبان ثقل لسان مرض دانام ایہہ آزار ہو دے کم بخت یا وچ تاپ طاعون دیا یا کھ اس نول لگے کھج داخل ہو دے وچ زبان </p>
---	---

جس مرض دا ایہ دوکھ عرض
 سبب موافق کرو دوا
 کرد شناخت طبع مزاج
 مادہ گرم یا خشک مواد
 خشک رہے یا حلق دبان
 مادہ خشک جے ہووے گرم
 بنفشہ روغن کلو مدام
 ہر جیلے اس کر تبرید
 خرفہ کا ہو تخم خیار
 گھوٹ پانی دج مصری ڈال
 شربت نیلوفر دا لیا
 میل دونویں ہر روز پلا
 شیرہ مغز کدو بادام
 آتش جواں دی شربت پلا
 سرد مواد جے بلغم باد
 ہووے ڈھلی سست زبان
 منہ تھیں وگدا ہے لعاب
 دوترے اس نوں کرو جلاب
 عرق حاشندہ مرچ سیاہ
 رائی پودن لے دج ڈال
 کرد غرائے دینہ تے رات

کرنا اس دا دارد فرض
 دج علاج نہ پوے خطا
 نال علامت جیویں رواج
 بلغم خون یا کرے فساد
 ہووے کرڑی سخت زبان
 نال مالش روغن کرزم
 یا کل بنت روغن بادام
 شربت شیرہ سرد مفید
 دھنیاں کاسنی داروچار
 کرد غزائے استعمال
 اسبقول دا لعاب کڈھا
 صفراوی دیوے مرض دجا
 مصری گھت صبح دیہ شام
 بادام روغن مصری دج پا
 دج زبان جے کرے فساد
 بولن دا نہ ہوس تران
 دارد اس دا کرد شتاب
 ہووے بلغم دفع شتاب
 لونگ جعفر مک کہ ہمراہ
 ترے ترے ماشے مک ابال
 نقل زبان ہووے جھب مات

م
 ملا
 مو
 ب
 ان
 رق
 پا
 ت
 ل
 ام
 بول
 دور
 ری
 زبان
 نام
 بخت
 ن دیا
 سچ
 زبان

دستاں نسنہ ہورامول
دار چینی مگھ مرچ سیاہ
عقرقرھا گھٹ کٹ دوا
ڈال ماکھیوں دج جب بنا
ذرہ ذرہ کرچتھ لنگھاے
سونف انیسوں تخم کتان
تخم کرفس ماشے دو گھٹ
ماشے پنچ ملٹھی ڈال
نل کے پن کے عصار کرا
ہفتے دو جو شانہ پیوے
ماء العسل اس بنت پلا
یا حلوا بیضہ کرے غذا
گندہ خون جے کرے زبان
دولیں ناڑاں زیر زبان

دل زبان سے دیوے کھول
لونگ جعفل سُنڈھ کرہ ہرا
دو دو توے دزن کٹا
گولی مُنہ دج بنت رکھا
ہودس صحت رہائی پائے
چھ چھ ماشے میلو آن
مویزہ منقی داسے ست
کٹ دوا سب خوب ابال
دو توے دج شہد پلا
فضل خدا تھیں چکا تھیں
کبوتر تتر مرغ کھوا
گھیو گوکا دافر دج پا
ہودس بھاری سُرخ زبان
جاڑ اس وہ فصد پچان

بیان سوزش زبان

سڑکن جیکر دج زبان
دھنیاں گھوٹ کافور پلا
مغز تخم کدو بادام
صاف شیرہ کر مصری پا
لعاب ملاؤ اس بخول

کوڑا لے ہمیش وہان
گھٹ گھٹ مُنہ دے دج رکھا
تخم کھیرہ خرفہ گھٹ عام
دودھ بکری دج گھٹ پلا
بھ قدرے مصری دج کھول

سکے
گوک
ہور

جیک
لعا
ریش
غرا
لعا
جیک
بنف
کھٹ
جو

چالی
کاہ

شیر
کھٹ
گوک
نیلو
لسو

سکجیں اس رنت پلا	شیرہ کاسنی نال پلا
گوکی لستی بہت پلا	بکری دا دودھ مصری پا
ہور شربت شیرہ سرد نقوع	رکھ ہمیشہ اس نول شروع

بیان عشق زبان

جیکر جاوے پاٹ زبان	مشکل ہووے پیون کھان
لعاب بہیدانہ اسبغول	رنت پلا مصری دچہ گھول
ریشہ خطمی کڈھ لعاب	خطمی تخم بلا شتاب
غارے کر کر مٹنہ وچ رکھ	بہت شتابی نفع پرکھ
لعاب بہیدانہ نیلو فر	مصری ڈال پلا یا کر
جیکر جاوے پاٹ زبان	رہے ہمیشہ خشک دبان
بنفشہ روغن موم ملا	اوتھل نال جھٹے لا
کھن مصری فخر چٹا	بکری دا دودھ شام پلا
جو آتش جواں دی خوب پکا	بادام روغن مصری وچ پا
چالی روز پلا ضرور	رہے نہ وچ زبان قصور
کاہو دھنیاں کاسنی لیا	چار مغز گھٹ گھوٹ پلا
شیرہ مغز کدو بادام	حرفہ گھوٹ پلا تمام
کھٹے مٹھے تھیں پرہیز	نوں برج تھیں کرے گریز
گوڑ کتیرا رات پوسا	فخر پلا مصری دودھ پا
نیلو فر دے پھل سنگا	ریشہ خطمی نال ملا
سوڑیاں گٹ کے شامل کر	نقوع کر رنت پلا یا کر

بیان نقصان ذائقہ

<p>مزہ نہ آوے پیون کھان لذت مزہ زبان نہ پائے داخل ہوئی کے کرے زبان پھکا ذائقہ موندہ داسواد پودنہ دار چینی وچ پا کر کے صاف شیشی وچ ڈال بلغم باد کڈھے سب مار وچ جھجھ دے کرے فساد سکجییں گھت کرے غزارے آلو، انبلی، ترش آچار مٹھا ذائقہ منہ داسواد جلدی اس دا فصد کرا غزارے کرو اُبال شتاب کرو غزارے رنت اُبال وچ زبان کرنے نقصان گوکا گھن رنت کھوا</p>	<p>ذائقہ وچ پوے نقصان کے قسم دا کھانا کھاے فاسد مادہ وچ زبان بلغم باد جے کرے فساد عقر قرھا مُنڈھ رائی لیا کُٹ سب پائی وچ اُبال کرو غزارے رنت نہار جیکر کوئی گرم مواد کابجی پیوے رنت دماڑی بہت کھاے سنگترے انار گندہ خون جے کرے فساد چہرہ سُرخ جے نظری آ پاپڑا دھنیاں پھل گلاب مہندی رس ہرٹاں وچ ڈال سوداوی مادہ جیکر آن تراوت اس نوں بہت پینچا</p>
---	--

بیان قلاع یعنی مُنہ پکنا

<p>جے مُنہ پک کے دا جاے</p>	<p>مشکل نال غذا اوہ کھاے</p>
-----------------------------	------------------------------

طبع موافق کر اصلاح
 مُنہ دے اندر کرے فساد
 مصری تھوڑی جیہی پلا
 مصری ڈال پہلا شتاب
 ریت پلا مصری دینچ گھول
 کڈھ لعاب ہر روز پلا
 دیوے اس نوں رب شفا
 مُشک کا نور داخل کرناں
 مُنہ پکے نوں بڑا مفید
 کباب چینی پیہہ چھڑک وید
 پھل اناراں میل شتاب
 پھٹکڑی دھنیاں ساڑ پلا
 کرے پکے مُنہ دا سب دور
 کرو غارے اس دے شروع
 سرکہ پانی گھت ادبال
 کرو غارے استعمال
 رس ہندی دے کرو غارے
 کپڑے وچدوں صاف کرا
 غارے کر کر باہر ڈال
 غارے کر دھرتی تے ڈال
 رات پوسا رکھ اندر آب

ایں مرض نام قلاع
 جیکر ہو دے گرم مواد
 کا ہو خرفہ گھوٹ پلا
 بہیدانہ دا کڈھ لعاب
 لعاب نیلوفر اسبغول
 لسوڑیاں ریشہ خطمی بیا
 غارے کر ریت سرود دوا
 ہندی پھل انار اُبال
 کرو غارے نال تاکید
 طباشیر الچی کتھ سفید
 طباشیر الچی پھل گلاب
 سنگ جراثیم کتھ منگا
 یک یک پیہہ کے مُنہ دینچ دھوڑ
 گٹنار تر پھلہ کرو نقوع
 ما جو ہرڈ ہندی نیپال
 کر کے صاف شیشی دینچ ڈال
 مونہ دینچ خون جوش جے مائے
 دھنیاں پیلک خوب گھوٹا
 مُشک کا نور ملائی کے نال
 پھٹکڑی رس پانی دینچ گھول
 دھنیاں ہندی پھل گلاب

کھان
 پاؤے
 زبان
 اسود
 دینچ پا
 ج ڈال
 ب مار
 ے فساد
 غارے
 آچار
 اسود
 د کرا
 شتاب
 اُبال
 قصان
 کھوا
 کھانے

فجری تل کے صاف کرا
الاچی دانہ اکتھ سفید
کر بار یک مٹھ دے وچ دھو
گاؤ زبان توے پر ساڑ
نال پھٹکڑی کر کے پھل
سبب بلغم جے کر مٹھ پکے
دو ترے کرو جلاب ضرور
عقر قرعہ دار چینی لیا
گھت شیشی وچ کرو غارہ
سرکہ شہد نمک وچ پا
نوشادر پھٹکڑی نمک اوبال
جیکر ہووے خشک مواد
گھیو گوکے وچ دودھ بلا
فجر گوکا مکھن بنت کھاوے

غزارے کر کافر ملا
پھل انار ملاؤ دید
کرے پکے مٹھ داسب دور
نالی ملاؤ پھل انار
دھوڑہ نہیں کوئی اس دے تل
ہرگز کھانا کھا نہ سکے
بلغم باد ہووے سب دور
کٹ سرکے دے وچ جوشا
مٹھ پھیں کرے پکا کنارہ
غارہ کر مٹھ وچ رکھا
کرو غارے تو تیب ڈال
مٹھ دے اندر کرے فساد
غارے کر کرے تنگھا
خشک قلاع نول ترے وچ جات

مرض آکلہ قم یعنی موہری مٹھ کی

جیکر موہری پیدا ہووے
مادہ موہری دانگول سم
ایہ خراب بڑا دکھ بھارا
تیزی نال نہریلا مادہ
ماجو مٹھ دی کتھ نسیال

مٹھ دے گھیرا گھت کھلوے
کھا جاوے گوشت رگ چم
بہت مشتابی کرے کھلا
گھاؤ زخم دا کرے زیادہ
کرے پھل پھٹکڑی ڈال

سما
چھ
رات
کرے
گٹک
کندر
دزن
پیرا
جاو
فلد
پچھا

پچو نہ
نال
اقا قیا
پہنچے
قرص
عاجت
روز
سب کو

سماں، نوشادر، پھل انار چھ چھ ماشے سب دوا رات پانی دج رکھ پوسا کر کے صاف شیشی دج ڈال بٹنک ہریٹ سپاری ساڑ کندر نمک مابو بریان دزن برابر سب دوا پُرانا قرعہ جے بہت عظیم جادے بہت پُرانا ہو فلہ فیوں کر استعمال پتھان سورتیجان لگا	عقرقرعہ کاغذ گھت ساڑ تنبے ترے ماشہ نمک ملا فجرے سرکہ گھت جوشا کرد غرارے استعمال سرطی پھنکڑی کتھ گلنار عاققرعہ ملاؤ آن! کر باریک موہری تے لا دگے ہمیشہ استھیں ریم فائدہ کرے دوا نہ کو قرعہ صفا کرے فی الحال موہری قرعہ دفع ہو جا
--	---

نسخہ فلہ فیون

بجئے آب نادیدہ بیا نال بلاؤ زرد ہر تال آقا بیا سچی کنگن کھار بچے دارو کھل کرا قرص بنائیکے رکھ سمہال عاجت دقت باریک کرا معدہ بردز موہری تے دھوڑ سب گوشت گندہ کھا جادے	دو تولے دا دزن تولہ ہڑتال سرخ شامل کر تال ہر یک تولے دا مقدار انگوری سرکہ نال ملا کر کے خشک حفاظت نال تھوڑا جیہا قرعہ تے لا ریم قرعہ تھیں ہووے دور قرعہ ریم تھیں صاف ہو جائے
---	---

بہار

پانی سرکہ، شہد ملا اس نسخے دا آکھن نام باہجہ ہتھیار لوہے دی چاس قرحہ جدوں ہو جائے صاف پچھوں نسخہ سورتیجان	زخم قرحہ دار روز دوی فلہ فیدون حکیم تمام کٹ کٹ سے گندہ ماس کرے قصور خداوند معاف کر استعمال نہ رہے نشان
---	--

نسخہ سورتیجان

پینج تولے چھل ترش انار گٹک ہریٹاں ساڑ ملا شامل کر سماق وچ گھت نمک نوشادر داخل کر سرکے وچ سب کھل کرا گولہ پانی وچ گھسنا نام اس دا ہے سورتیجان	پیشکشی عقر قرحہ گھنار سبز کبیس مارجو دینچ پا نو نو ماشے دارو ست ترے ترے ماشے وزن قد گولہ اس دا بنھ لکھا قرحہ موہری تے نت لگا دفع موہری دا کرے نشان
--	--

بیان بحر یعنی بدلوئے منہ کے

بحر مرض جد پیدا ہو سبب بدلو قرحہ دا گند یا کوئی ادہ گندہ ہو جیکر چیز غذائی کو فجری نت کرد مسواک	منہ وچوں آدے بدلو یا پھپھر وچ ریش بند معدے وچوں دیوے بدلو دنداں وچ کرے بدلو کہ دنداں نول دائم پاک
---	---

سبب موافق کرو علاج
 سبب قرحہ دا جیکر ہو
 بکری دا دودھ نت پلا
 آتش جو اندھی کرے غذا
 نفث مے دا دیکھو باب
 فلیط ریش بے گندی ہو
 شربت رنت اعجاز پلا
 گھیو ساڑ وچ مصری پا
 صفرا جیکر تیزی وچ ہو
 سکنجییں کر استعمال
 کاخی اس نوں ترش پلا
 آٹو انبلی رات پوسا
 سبب بدلو جے بلغم باد
 دو ترے کرو جلاب ضرور
 عقرقرا دارچینی لیا
 جلو تری مصطکی کالی چھڑ
 یک یک تور سب دوا
 قدر بیر گولی بنخوا
 قھوڑا قھوڑا چتھ لنگھا
 دتاں نسخہ ہوو عجیب
 دور ہووے ساری بدلو

تال ہووے تندرست مزاج
 مونہ وچوں آدے بدلو
 شہد قھوڑا جیہا نال پلا
 بادام روغن مصری وچ پا
 ادہ سب دارو کرو شتاب
 رہے پھپھرے دے وچ کھلو
 سینہ اس دا کرے صفا
 رنت اس ردنی نال کھوا
 معدیوں آدے بہت بدلو
 دیوے سب صفرا نکال
 کٹ سے موزی صفرا
 فجر پلا ، مصری وچ پا
 معدے دے وچ کرے فساد
 کرو عفونت معدیوں دور
 بالونہ الاچی مونتھا پا
 جعفل ، لونگ پاناں دی جر
 کوٹ پیس وچ شہد پلا
 مسواک پچھوں منہ وچ رکھا
 رہے نہ بلغم باد ہوا
 نفع بخرن نوں دیوے جھب
 مونہ وچوں آدے خوشبو

ہوا
 م
 س
 ف
 مان

تار
 پا
 ست
 قدر
 رکھا
 رگا
 شان

بدلو
 بند
 بو
 بدلو
 پاک

پہلاں خوب کرو مسواک کبابہ ، لاپچی خورد ، کچور پیشہ کے دندانیں رت پلا	دند گندہ تھیں کر کے صاف وڈی لاپچی مُشک کا نور بدلو مُنہ تھیں دُور ہو جا
--	---

مرض سیلان لعاب یعنی مُنہ سے پانی بہنا

مُنہ تھیں بہت بے پانی جاے وَن دی جرٹھ دی کر مسواک اطریفیل رت کھوا صغیر پک دو اُس نوں کرو جلاب سبب جیکر بلغم اس باد اول اُس نوں فصد کرا اس تھیں بعد کوئی کھاے جوارش مصطلکی بہت مفید	دار چینی رت چتھ لنگھاے رکھ ہمیش دندان نوں پاک ایہ بھی ہتے نسخہ اکسیر بلغم خارج کرو شتاب پایا معدے وچ فساد ہفتے بعد جلاب دیوا پانی مُنہ تھیں مول نہ آوے کھوا اُس نوں رت نال تاکید
---	---

نسخہ قے

قے کرن دا دساں ڈھب پہلاں قے توں اٹیں کھوا سوئے بیج مولی دے یا تور تور دارو جار مین پھل دا ڈوڈہ پک ڈال ترے سیر پانی وچ جوشا	بلغم معدیوں کڈھے جھب چااول بیج چھ ست گراہ مانٹھی تخم خربوزہ یا نمک چھ ماشے دا مقدار کٹ سب پانی وچ اُبال ترے پیالے ہے تاں پیٹھ لہا
---	--

<p>کپڑے وچدوں صاف کرا پیار بھر کے جلد پلا جلد اوہ پانی نکل جا تریجے دا ایہو دستور ہور گرم پانی دی کرامداد</p>	<p>سکنجیں ادھ پا وچ پا! وچ خلق دے کھنڈ پھرا دوجا جلدی نال پلا تے اس طرح کرا ضرور کڈھے گندھ باہر مواد</p>
<p>جوارش مصطکی</p>	

<p>جوارش مصطکی کرو تیار بد ہضمی نوں دیوے نفع دہ تولے لے کھنڈ سفید ادھ پا گھت وچ عرق گلاب بہت گاڑہ جد ہووے توام تھوڑا تھوڑا جے نت کھائے</p>	<p>ضعف معدے دے ہے درکار اسہال گرمی دے کرے دفع تولے تڑے مصطکی وٹید دیگی وچ کر توام شتاب وچ تھال دے ڈال تمام ضعف معیوں تر ت وچ جائے</p>
---	--

نشہ جلاب

<p>نرد ہریٹاں پھل گلاب نوں انبل دا دارو چار آلو سیاہ لے دانے ست بنفشہ یک تولہ وچ ڈال کل پن اس نوں صاف کرا یک دو واری کرو جلاب</p>	<p>نم کاسنی ڈال شتاب پنج پنج تولے دا مقدار سنا کی تولہ وچ گھت رات پوسائیکے فجر ابال دو واری دن وچ پلا ہووے دفع آزار شتاب</p>
--	---

بیان تشقّق لب

<p>معلم اس دا کرو سبب سڑکن درد پاوے جھڑناٹ تراوت باہجھ علاج نہ ہو چربی روغن موم ملا شریت شیرہ شام پلا گوکا گھی ڈالو وچ دھید تھوڑا مُشک کافور ملا لباں اُتے دیویں چمڑا بالکل اس تھیں کر پیمیز گوکے مکھن نال لگا مُشک کافور ماشہ گھت دید ہر اک ہووے ماشہ ترے کرو قیروطی استعمال</p>	<p>جادن پاٹ کے دے لب سوج پوے لب جاون پاٹ خشل بہت ہووے وچ زور قیروطی لب تے نت لگا مکھن مصری فجر کھوا چربی بکرا موم سفید کرچھی دے وچ گرم کرا پُردہ انڈے نال لگا گرم غذا جو ہووے تیز ریپیہ کے نال باریک کرا چھ ماشے لے کتھ سفید موم سفید چربی بُز لے گھیو گوکا تو لے دو ڈال</p>
---	--

بیان ورم لب

<p>مادہ اُس دا ہووے گرم گندہ خون کرو سبب دُور جوکال ہیٹھ لبیاں تے لا ہووے ورم لبیاں دا دُور</p>	<p>پوے لبیاں اُتے جے ورم سبب ہووے پوے قصور چار بند دا قصد کرا پیلک دا کر لیپ ضرور</p>
---	---

جے صفراوی ہووے مادہ دھنیاں پیلک صندل پور ڈنڈے کوئٹے روچ گھوٹا جے بلغم دا ہووے نور جیکر ہووے ہور سبب جیکر ہووے ورم ریاچ	سرکن سوزش بہت زیادہ میل تھوڑا جیہا مُشک کانو ورم لبیاں تے لپ بکرا مسہل دے کڈھ پنچوڑ کہ توں داوڑ اس دا جھب موافق اس دے کر اصلاح
---	---

در بیان تعریف دندان امراض دندان

مُنہ وچ رب نے بٹی دند دند عجائب نعمت اعلیٰ دنداں دا اوپر انسان قادر قدرت نال پروتے دنداں باہجہ حیاتی خام دند لذتاں دا ہے دروازہ جے کوئی لکھ نعمت کھائے کھائے جو انسان غذا دنداں ہیٹھ جو آئے چیز سخت چیز نوں کھاوَن تڑپ دنداں باہجہ بے مزہ طعام دند جنہا نہ ہووے اعضا نہیںست مومنہ دی دندان نال	کہتے حکمت نال پیوند بخشنے رحمت نال تعالیٰ کیتا رب بڑا احسان حاضر خدمت رہن کھلوتے مزه نہ آوے ہرگز طعام دیون لطف ہووے روح تازہ دنداں باہجہ نہ لذت آئے آوے دندان نال مزہ چمکن اس نوں نال تیز کڈھن لذت اثر پنچوڑ جیون دنداں باہجہ حرام مزه دکھاوَن وقت غذا دنداں باہجہ جیون بدحال
--	---

فائدہ بہت دندان سے وچ
ایسی رحمت فائدہ مند

دندان با ہتھ رُوح ہوئے وچ
رکھے رعب سلامت دند

بیان درد دندان

جد دندان نول ہووے پیڑ
درد کرے یا گندہ خون
سبب یا ہووے بلغم باد
یا صفرا دا ہووے زور
سبب درد دا کرد شناس
سبب جے ہووے خون زیاد
کرے مسوڑیاں سے وچ دم
رگ اس دی بقیفال چھڑا
جیکر ہووے حاجت ہو
یا اس سسگی رمتی لا
گھوٹ پانی وچ نیم دے پت
غارہ کر گھت مشک کافور
پاپڑا دھنیاں، برگ حنا
نجرے کل کے صاف کرا
کرے غارے دینہ تے رات
پوست دھنیاں پیلک لیا
نیم گرم دے کرو غارے

ہووے بے آرام سریر
فاسد سڑیا ہو یا زبون
یا ریح مٹن وچ کرے فساد
یا دندان وچ ہووے کھوڑ
سوچ سمجھ کے کرد قیاس
گندہ ہووے خونی مادہ
ہووے بہت نہایت گرم
چار بند دا فصد کرا
جو کال لائے کے خون پوڑ
خون گندہ سب دور کرا
چھان رسونت ملاؤ وٹ
جوش خون دا ہووے دور
رات پانی وچ رکھ پوسا
سرکہ مشک کافور ملا
جوش خون دا ہووے مات
پانی دیگی گھت جوش
لوٹکے ہین مجرب ساسے

دھنیا
جے
نسخہ
بکرہ
پانی
جیکر
دھنیا
کرے
سبب
نسخہ
پوست
دزن
کرے
دھنیا
گٹ
نسخہ
درد
خاص
لوٹکے
اک
دا
پڑا
گو

دھنیاں ہندی رس نپال جے گرمی تھیں ہو دے پیڑ نسخہ ہک مجرب ہے بکر دی چھل ، پھل اتار پانی گھت ہانڈی وچ کاہڑ جیکر درد تراٹاں مارے دھنیاں دا بشیرہ کدھوا کرے غارے تال دتوں سبب صفرائے جیکر مادہ نسخہ بیان کراں ہک سرد پوست دھنیاں چھل اتار وزن برابر پنج دوا کر کے صاف شیشی وچ ڈال دھنیاں پیک السی لے کٹ جوشا کر کرد غارہ نسخہ ایہ غارے سرد درد جے ہو دے بلغم باد خاص سرد جے ہو دے مادہ ٹوٹکہ ہک شناس عجب اک وا دودھ انیم گھسا پھڑا گوہے بال ادچھا	کرو غارے خوب اُبال بہت نہایت کرے ظہیر لے ڈوڈے پوست دے ترے درخت شرنہ دی چھل اتار یک جاوے کر صاف سنوار نیم گرم دے کرو غارے سرکہ مشک کافور ملا درد دندان داکرے دتوں درد دندان دا بہت زیادہ کرے موقوف دندان دا درد چھل ہرٹاں دی چھل اتار کٹ پانی دے وچ جوشا کر کچھ مدت استعمال وزن برابر دارد ترے درد دندان تھیں کرے کنارہ دفع کرن گرمی دا درد یا ریح منہ وچ کرے فساد سرد پانی تھیں ہو دے زیادہ دساں درد و نجادے جھب طرف باہر دی کاغذ لا روں آلودہ کر چڑا
--	---

رنج باد تھیں ہووے پیڑ
 دساں ہووے عجیب دوا
 عقرقرھا سُنڈھ مرچ سیاہ
 دسج شراب دارو سب گھول
 جے کوئی ایہ دوا کماے
 مجرب ایہ نسخے آزماشی
 آون لوکاں دے درکار
 با تھو چیر مانڈی دسج ڈال
 دو ترے دے کے جوش اُبال
 سوچ سبب جے ہووے رنج
 ہووے سخت دندانوں درد
 کالی زیرہ گھوٹ لگا
 پنج ست روز ایہ کرو ضا
 تیزاب گندھک منگوا
 دندان دسج جے ہووے کھوٹ
 سوئی نال کھوٹ دسج رکھ
 درد دندان دا جیکر رنج
 اجوان خراسانی منگوا
 دار چینی سُنڈھ لگ اجوان
 نسخہ کراں بیان اکیر
 چھٹانک شراب مشکافہ الحال

جاوے استھیں گھت دسج
 دیوے مُنہ دی پیڑ وچا
 انیم تھوڑی جیہی کر ہمراہ
 بونہ بھر کے رکھ اندر
 درد دندان اترت وچا
 لکھے سائیں بخش شناسی
 یادگار دسج رہے سنار
 شامل کرو دھماں نال
 کرو غرارے استعمال
 کر کے اس نوں خوب صبح
 پوے مخالف پانی سرد
 کھل بالونہ نال ملا
 ہووے رنج دا دور فساد
 تھوڑی نال انیم ملا
 پیغہ رُوں دا اس دسج بوڑ
 تترت فائدہ لئیں پرکھ
 ہووے نال قیاس صبح
 عقرقرھا مرچاں کٹ پا
 اوپال غرارے کر دن دین
 زائل کرے دندان دی پیڑ
 غرارے کر کر اندر ڈال

اسے وقت آوے اس خواب
 ہاوں، عقرقرحا، اجوبین
 سبب رنج جے ہووے پیڑ
 نوشادر چونہ مُشک کا فور
 وزن برابر ترے دوا
 جے کوئی اُس دی لے ہلا س
 سبب کرم دند کرے جے پیڑ
 تے دی جڑھ دی مسواک
 پیس تماکو نال نگا
 درد دندان نوں دیوے نفع
 لے کے ون دی جڑھ مسواک
 جیکر ون دی جڑھ لے نال
 زائل درد ہووے یکھنت
 درد داہڑ دا کرے جے تنگ
 کھانا کھا نہ سکے مول
 جاوے درد پڑا ازا ہو
 اوس داہڑ نوں جھب اکھیڑ
 اوہ داہڑ ہو گئی بے کار

ہووے درد موقوف شتاب
 اوبال غارے کردن رین
 ایہ نسخہ اُس نوں اکیر
 شیشی دے دین گھت کرد
 منہ شیشی دے ڈاٹ چڑھا
 ہووے درد پیڑ سب ناس
 نسخہ بیان کراں اکیر
 کرم دندان لے کرے ہلاک
 وقت صبح مسواک کرا
 بلغم باد کرے سب دفع
 کرتوں نت دندان نوں پاک
 کرے ہمیشہ دند خلل
 جڑھاں دندان دیاں ہوون سخت
 پیچ ست جان مہینے نگ
 پلے بہت کرے نت سول
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 ہرگز ذرا نہ لاؤ دیر
 رکھن دے ناہیں درکار

۵۴۴

بیان مرض خون دندان

شور زبون

ہووے گند

دگے دندان تھیں جیکر خون

<p> خون و چوں آوے بد بو چار بندہ کر کے قصد سرار و دا قصد کرا خون گندہ جد ہوئے دفع چراغ پاپڑا دھنیا ڈال لے چھل زرد ہریڑ سیاہ ترے ترے ماشے سب دوا فجرے کل پُرن صاف کرا چھل ہریڑاں کتھ سفید سماق اقا قبا چھل انار ساڑ سپاری صندل بڑہ نیلہ تھوٹھا کرہ بریان پیپہ کے منجن کرد تیار یا کر لیاں کر پانی دھو گھول کندر ماجو پھٹکڑی ساڑ وزن برابر پیس باریک </p>	<p> ذائقہ دانگ نمک دے ہو کر تول پھیر دارو دا قصد سنگیاں، رُمیاں جو کال لا پھیر دوا دیوے اس نفع دہمانہ موندی بوٹی گھت نال نیم دے پت کرو ہمراہ رات پانی دھو گھت پوسا غارے کر کر لے لنگھا چھل گلاب ملاؤ دید پھٹکڑی نال گھت دھو ساڑ ہر ہک تول تول پورا ماشے چھ ملاؤ آن فل دندیں نہ رہے آزار بے ایہ نسخہ بڑا امول ساڑ سپاری لے گلنار لو دندیں ایہ نسخہ ٹھیک </p>
--	--

نسخہ منجن دندان

<p> دور کرے کل دکھ دندان سونا مکھی مائیں ڈال چھل پھٹکڑی کر ہمراہ </p>	<p> بستی میں ہک کراں بیان کتھ سفید ماجو نپال بودہ آہن ہرڑ سیاہ </p>
---	---

کیس نیلہ تھوٹھا بریان پہیہ کے مستی کرو تیار بند کرے دندان دا خون	دارو وزن برابر آن دنداں تے کل بت نہار ہودے موہری دفع زبون
--	---

بیان موہری مسوڑہ

موہری جدول مسوڑہ کھاوے دارو اس دا کرو شتاب دساں تینوں عجب دوا ماجو مائیں پھل انار عقر قرحا نمک نسیال نیلہ تھوٹھا کر بریان کرد غرارے بت نہار	ماس مسوڑہیاں اچھڑ جائے مت موہری اس کرے خواب دیوے موہری جھب و نجا پھٹکڑی نال ملاڈ ساڑ ترے ترے ماشے وزن کمال رتی چار ملاڈ آن ہودے موہری دفع آزار
---	--

نسخہ ناصور مسوڑہ

چھل ہریٹاں چھل انار چھل ماجو دج گھت نیلہ تھوٹھا کر بریان ادبال غرارے کرد ضرور	پھٹکڑی نال ملاڈ ساڑ ہر یک ہودن ماشے ست مسوڑہیاں دج نہ رہے نقصان مسوڑہیاں دج نہ رہے قصور
--	--

بیان مرض ضرّس دندان

طاقت دندان دی گھٹ جائے	ضرّس بیماری نام سداٹے
------------------------	-----------------------

دند سست ہو جاوے تمام بلغم باد یا ہوس ریح وَن دی جڑھ دی کرسواک	کھا دا مَوَل نہ جائے طعام کہ توں اس نوں خوب صبح کہ رت خوب دندان نوں پاک
---	---

نسخہ مجربہ ضرس

مجبرب کراں بیان دوا عقرقرا سُنڈھ مرچ سیاہ سورنجاں چھڑتے نمک ملا پیشہ کے دندیں رت ملا	دنداں اُٹے رت ملا موٹھا لونگ کرو ہمراہ وزن برابر سب دوا دیوے سستی ضعف و نجا
---	--

بیان حرکت دندان

سبب رطوبت فاسد خام گندہ خون یا کرے فساد اول کر مسواک ضرور پچھوں مل منجن یکلخت سبب ہے ہوئے فاسد خون سبب ہے ہوئے بلغم باد عقرقرا سُنڈھ زیرہ سیاہ دار چینی نمک مرچاں ڈال سبب گرمی ہے ہوئے مرض ماجو مائیں پھل انار	پلن مُنہ وچ دند تمام یا نزلہ یا بلغم باد ہووے سبب الاثش دور دند تمام ہو جاوے سخت جار نکالو خون نہ بولنا تنقیہ خارج کرے مواد پودنہ لونگ کرو ہمراہ کرو غرارے رت اُبال ایہ دوا کرو بالفرض سفید پھٹکری اگ وچ ساڑ
---	---

آہ چھل ہرڑ نسیال ڈنڈے کونڈے وچ ٹھوٹا مجن کلو صبح تے شام	بورہ نمک ملاؤ آن دنداں اُتے رت ملا دند سخت ہو جان تمام
---	--

بیان مرض خناق

مندا سخت خناق آزار بند کرے او گل دا راہ جدول ورم بہت ودھ جائے وچ حلق دے ورم خبیث ساہ دم اس نوں مشکل آئے فاسد خون نہایت گرم یا کوئی سٹریا ہو یا مواد یا کوئی بحرانی مادہ شامل تاپ جے ہوئے مال نال عقل دے کر کے دھیان کچھ کیفیت خوب مزاج پہرہ اکھیں ہون جے لال سرکھن ہووے گل دے وچ خارج گندہ خون کرا جو کال لا گل تے بھرور سراو دا فصد کرا	گل دے اندر کرے بگاڑ نال تکلیف آوے ساہ ٹھک نہ ہرگز نگلیا جائے درد کرے تے ماسے چیت ہرگز مول نہ کھائے پورے پیدا کرے حلق وچ ورم کرے حلق دے وچ فساد طرف حلق دی کرے آمادہ مواد بحران کرے انتقال فاسد لے مواد پہچان طبع موافق کرو علاج خونی مادہ کریں خیال ورم کرے روگی نوں ذبح ذره نہ ہرگز دیر لگا کر مادہ موذی سب دور ریشگی ٹھوڈی ہیٹھ لگا
---	--

خارج کر گندہ سب خون
چارے بند لبان لے چھٹ
فاسد مادہ ہووے دور
بنفشہ پانی دج گھوٹا
ملین دا دیہہ سرد جلاب
حاجت ہووے جدول غذا
بادام روغن اس لے دج ڈال
نشاستہ تولے ترے منگوا
چار تولے گھت روغن زرد
جیکر بہت ہووے صفرا
بنفشہ شربت نیلوفر
گھوٹے والی لے تلین
سوزش جے ہووے دج درم
دھنیاں پیلاک خوب گھوٹا
خرفہ کاسنی مشک کافور
گھت گوند لے دج خوب گھوٹا
کڈھ شیرہ کر کپڑ چھان
لعاب ہیدانہ اسبغول
سبب جے ہووے بلغم شور

جھڑا گل لے دج زبون
خون زبان رگاں دا کڈھ
رہے نہ گل لے دج قصو
گل روغن اس نال پلا
شریت روز پلا عتاب
جو آتش جواں دی نت پلا
مصری گھت کر استعمال
حریرہ پانی دج پکا
مصری ڈال پیوے کر سرد
شامل نال ہووے تب آ
بزدوری سرد پلایا کر
دفع کرے صفرا لعین
مادہ بہت نہایت گرم
درم موزی تے لپ کر
کاہو دھنیاں صندل بو
سرکہ عرق گلاب منگا
کریاں کر زکھ دج دھان
نت پلا مصری دج گھول
یا صفرا دا ہووے زور

جے کر کھنگ نہ ہووے نال
گرش چیزاں کر استعمال

سر کے دھج ملا گلاب
 سنجیدگی گھٹ پانی دھج
 دھنیاں پیلاک مشک کا فور
 اصلی تاپ ہے ہووے مرض
 تپ دا بھی کچھ کرو علانج
 قارورہ رنگ دلالت نبض
 جس عارضے دی سخت شکایت
 علاج اس دا کر نال تاکید
 خشکی بہت کرے جے تنگ
 جیکر تاپ نہ ہووے نال
 تازہ گوکا دودھ چوا
 کرے غرارے بہتی دار
 دودھ گوکے دھج گھیو ملا
 بنفشہ کدو مغز گھوٹا
 بنھ حلق تے گرما گرم
 روغن کدو مغز بادام
 مصری تھوڑی جیہی ملا
 شیرہ چارے مغز نکال
 لعاب بنفشہ نیلو فر
 بنفشہ مغز کدو بادام
 سبب ہے ہووے بلغم باد

کرو غرارے بہت شتاب
 غرارے کر کر اندر کچھ
 گھوٹ غرارے کرو ضرور
 درم تاپ دا ہووے عرض
 نال علامت سمجھ مزاج
 قوت ضعیف شکایت قبض
 اس دی کر تشخیص نہایت
 جیہڑا اس نوں بہت مفید
 سخت خشک ہو جائے سنگ
 ایہ دوا کر استعمال
 گوکا انبلتاس ملا
 مکھن کھاوے رنت نہار
 تھوڑا تھوڑا کرے غذا
 گھیو گوکا گھٹ گرم کرا
 سخت درم ہو جائے نرم
 گوکا گھیو ملا کے عام
 روگی نوں دینہ رات چٹا
 دودھ دھج گھٹ کر استعمال
 مصری ڈال پلایا کر
 شیرہ کدو ملا مدام
 ہووے اہلی سرد مواد

سوئے گل ہا بونہ بیا
گھوٹ پانی دج کرد غماز
یا ہو جادے جلد تحلیل
جیکر ورم ہو دے اودہ شور
پٹہ پٹلس بنہ یا باٹ
جاری اس تھیں ہوئے ریم
غرارے ماء العسل کرا
دودھ گوکا گھت انبلس
دودھ گوکے دج شہد ملا
جو آتش جو اندی نت پلا
اسی مینتی کٹ ملا
چربی بکرا موم سفید
میل قیروٹی جلد بنا
سخت گرم جے ہو دے ورم

اسی، تنم مینتی دج پا
ہو دے جلد تحلیل مواد
یا پاک جادے ورم تحلیل
دیوے طرف اندر دی نذر
پک ورم جعب جائے پاٹ
ایہ داندہ ہن کرد حکیم
شہد پانی دے دج ملا
کردے بے وسواس
روگی نون ہر روز پلا
روغن دج بادام ملا
غرارے کرد لعاب کڈھا
گوکا گھیو ملا دید
ورم اُتے نت کرد ملا
بہت قنشاب ہو جادے ورم

بیان قروح خلق

جیکر ورم ریم کرد جادے
خلق دچوں نت آدے ریم
کراں بیان عجیب دوا
کریاں اس دیاں کرد ضرور
ماجو کندر برگ حنا

اندر خلق قروح بن جائے
ادکھا ہو دے بہت عقیم
کرے قروح نون جلد شفا
ہو دے سب الاثش دور
پھشکڑی ترے ترے ماشے پا

نک
میرے
پشکڑی
پہ
جدوں
کریں
شہد
جے
بہید
روگی
سوڑیا
کرے
لے گوک
کر غرا
اعلا

جیکر پو
لعاب
تنم
خطم
رات پو
لعاب

نمک نوشادر شامل ہو	ہر ایک ہودن ماشے دو
سیر کے پانی دھج اُبال	کر لیاں کرو عقل دے نال
پھٹکڑی نمک نوشادر لے	ایک ایک ماشہ دارو ترے
پیہ کے ماکھیوں دھج رلا	انگل نال قرحتے لا
جدوں قرچ ہو جاوے صاف	کرے قصور خداوند معاف
کریں قرچ دی بہت صفائی	ہودے جلدی نال ربائی
شہد گوکا گھیو پانی گرم	کریں صفا قرچ جھپ نرم
جے صفرا دا بہت سبب	ایہ نفوع پلاؤ جھپ
بہیدانہ تے اسبغول	کڈھ لعاب مصری دھج گھول
روٹی نوں ہر روز پلا	بنفشہ شربت نال رلا
سوڑیاں دھنیاں نیلو فر	عقاب بنفشہ شامل کر
کرے پانی دھج نفوع	مصری ڈال کر او شروع
لے گوکا دودھ نال شناس	گھول گودا دھج انبلس
کر غرارے گرم کرا	کرے قرچ نوں جلد شفا

علاج ورم لہات یعنی سوج گھنڈی

جیکر پوے گھنڈی نوں ورم	ہودے بہت نہایت گرم
لعاب بہیدانہ اسبغول	رنت پلا مصری دھج گھول
نم خطمی تے نیلو فر	بنفشہ اس دے شامل کر
رات پوسائیکے کڈھ لعاب	مصری ڈال پلا شتاب
لعاب ریشہ خطمی جے پیہ	بہت شتابی چٹا تھیوے

پیلک دھنیاں سرکہ ڈال
جے بلغم تھیں ہووے ورم
دار چینی تے سُتدھ اُبال
ورم سبب سودا کرخت
دودھ گوکا وچ گھیو ملا
مالش کرو ارندھی تیل

کرو غرارے رنت اُبال
یولا بہت نہایت نرم
کرو غرارے لاکھیوں ڈال
ہووے پتھر دانگ جے سخت
غرارے کر کے لے لنگھا
روغن نال بالونہ میل

بیان چمڑ جانا جونک خلق میں

جونکس کے نوں نال قضا
کالی مٹی تے منگوا
لنبا موٹا بنھ شیا ف
چمڑ جونک جاسے جد نال
تنباکو سرکے وچ گھوٹا
غرارے کرو خلق وچ ڈال
ہک دو اس نوں تے کروا
بوئی تازہ گوشت لیا
دھاگا پکڑ خلق وچ ڈال

چمڑے وچ خلق دے جا
کر کے سخت شیا ف بنا
داخل کرو خلق وچ صاف
کھج کے جلدی نال نکال
گھت کپڑے وچ صاف کرا
مڑکے ڈگے جونک فی الحال
ہو دس اُسے وقت شفا
دھاگا سوئی نال لنگھا
چمڑے جونک تاں باہر نکال

بیان بحکۃ الصوت

گھگٹا ہووے جدوں آواز
بول نہ سکے سخن کلام

جادے بگڑ خلق ساز
بحکۃ الصوت مرض دانا م

بویا اس
لا دے
ریزش
یا خشکی
یا کوئی
یا گرمی
مغز نہ
یا کوئی
توت کر
سبب ب
چار اب
ماشے پنج
دو تہے
سبب ب
شریت خشکی
بست پا
بست بے
زرد سیہ
تھاب بیہ
جوش جوا
مکھن مو

بویا استخوان مول نہ جلے
 دے قوت بہت تران
 ریزش گرم خشک داساڑ
 یا خشکی یا بلغم خام
 یا کوئی کرے بولارہ سخت
 یا گرمی دا سر وچ زوہ
 مغز نہ اس نوں کرے قبول
 یا کوئی فاسد ہوو مواد
 قوت کرے خلق دی مات
 سبب جے ہووے بلغم خام
 چار انجیر منقہ ست
 ماشے پنج ملٹھی ڈال
 دو تہے تہے ماکھیوں اصل
 سبب جے ہووے گرم زکام
 شربت خنکاش اس دیوے نفع
 پوست پانی وچ جوشا
 بہت جے ہووے گرم مزاج
 زرد سیاہی مائل رنگ
 نقاب بہیدانہ اسبغول
 جو آتش جو اندی دیویں شام
 مکھن مصری بنت نہار
 صاف بلند آواز نہ آوے
 ہرگز بات نہ کرے زبان
 وچ خلق دے کرے بگاڑ
 یا ریزش یا گرم زکام
 ساز خلق ہو جان کرخت
 کرے رطوبت سردی شود
 طرف خلق دی گرے نزول
 خلق اندر جا کرے فساد
 ایس سبب نہ ہووے بات
 منضج نال پکاڑ تمام
 تولہ سونف کٹ کے گھت
 پیوے بنت نہار اُبال
 نال جو شانڈے کر تو وصل
 گرے خلق تے ریزش خام
 نزلہ گرم کرے سب دفع
 کرو غرارے صاف کرا
 کہ توں اس دا سرد علاج
 خشکی بہت کرے جس تنگ
 صبح پلا مصری وچ گھول
 مصری ڈال، روغن بادام
 چھتے۔ ہووے دفع آزار

گرم خشک کوئی چیز نہ کھاوے لعاب بہیدانہ ، نیلو فر بنفشہ روغن نال ملا مصری کچھ قدرے دھج ڈال بہت مدت تک کمرطوب مغز تخم کدو بادام پانی گرم روغن بادام	نقہ گھیو گھنڈ نال لنگھاوے بنفشہ خطمی شامل کر گھیو گوکے دے نال بنا پیوے روگی سرکیاں نال! تاں حاصل ہووے مطلوب گھوٹ پلا مصری گھت عام کریاں کرے صبح تے شام
---	--

نسخہ لعوق انجیر

کراں بیان لعوق انجیر یا یک زرد انجیر سنگا کل کے پن کے صاف کرا گاہڑہ خوب قوام پکا رب السوس دو تولے بھر ڈال چھٹانک روغن بادام	بجٹہ الفتوت نول ہے اکیر ڈال پانی دھج خوب جو شنا مصری ادھ سپر نال ملا کر کے سرد بھانڈے دھج پا دھج لعوق اضافہ کر پچھتے رنت صبح تے شام
--	--

بیان تعریف شان پھیر

پھیر دل دا خدمت گار باہروں تازہ بھیج ہوا دھج حکم دل تابعدار کل اعضا وال دے دھج چڑت	خارج دل دا کرے بخار دیوے دل دی طرف پہنچا ہر دم رات دینہیں ہوشیار اک دم ذرا نہ ہووے رست
---	---

<p>پھپھر تھیں رُوح کرے غذا کرے پھپھر اس سے اصلاح زندگانی ہووے برباد کمن طبیب حکیم تمام دیوے خوشی ہووے رُوح تازہ نہیں اعضا کوئی اُسدا ثانی حاجت دقت جسم لے کھج مت رُک جاوے اس رُوح ماڈ عیش سریر دل ہووے دُور بہت نہایت زور لگاوے مت پھر جاوے بگڑ مزاج</p>	<p>ہر دم تازہ سرد ہوا دل دچ طیش، تیز ارواح پھپھر کرے جے نہ امداد باب مبداء الحیات اس نام خاص حیاتی دروازہ پھپھر لطف بہشت نشانی بلغم جمع جو پھپھر وِج کرو حفاظت اس دی زیادہ جد پھپھر وِج پورے قصور مرض پھپھر دی مشکل جاوے کرو پھپھر دا جلد علاج</p>
--	--

بیان مرض کھانسی

<p>پاوے پھپھر وِج تصور اس نوں کمن حکیم سعال پھپھر اس نہ کرے قبول دفع کرے باہر دی طرف ایس سببوں آوے کھنگ ہوون کھانسی نال حیران ہووے حالت کرے تباہ پھپھر نال مچاوے جنگ</p>	<p>کھانسی روگاں وِج مشہور حالوں بہت کرے بد حال سر تھیں فاسد گرم نزل نال زور پھپھر دا طرف رستہ دم دا ہووے تنگ اکثر کئی دفعہ انسان بہتیاں مرضاں دے ہمراہ بگڑ زکاموں ہووے کھنگ</p>
---	--

شامل تاپ جے ہووے نال
 پتلی بلغم ریزش خام
 منضج نال پکا ضرور
 بنفشہ گل ماشے پیچ لیا
 چار انجیر منقہ ست
 دانے چار عناباں لے
 کاہڑ جو شانہ کرد تیار
 دو ترے ہفتے دیو ضرور
 جیکر خالص ہووے کھنگ
 دیوے کھنگ نہایت زور
 بھانویں ہووے لڑکا بال
 آزمایا ہو یا عجب دوا
 وہیہ تو لے خشکاش سفید
 خجے کوندے دج گھوٹا
 ادھ پاگھیو دج کر بریان
 مغز کھیرے کھکھڑی نابھیل
 مغز تخم کدو بادام
 پوست ڈوڈے بیس منگا
 خجے دو ترے دیہہ ابال
 ترے پا پکا کھنڈ ملا
 کر کے صاف کر اسی گھت

کرد جو شانہ استعمال
 جادے جھبے پک تمام
 ہووے کھنگ تاپ سب دور
 سونف تور کٹ قال ہلا
 گاؤ زبان ماشے پیچ گھت
 کٹ ملٹھی ماشے ترے
 داخل کر کھنڈ دیو نہار
 ہووے تاپ کھنگ سب دور
 دوجی مرض نہ ہووے سنگ
 ریزش گرم ہووے یا شور
 ریزش کھنگ کرے بد حال
 دساں دیوے رب شفا
 رات پوسا پانی دج وید
 بہت نہایت زور لگا
 پانی دا نہ رہے نشان
 مغز تخم ہندوان میل
 دو دو تو لے وزن تمام
 رات پانی دج تر کردا
 خوب طرح کل ہستاق نال
 کپڑے دے دج صاف کر
 کاکڑی خوب پکاویں پت

ما
 تو
 ج
 تا
 کر
 بھا
 جی
 او
 مرض
 عرض
 ہر
 جیک
 شرب
 مونہ
 بنفشہ
 تخم
 لعاب
 بنفشہ
 شرب
 معوق
 بے ہو

حلوہ پوست دابج کھائے
 تریاق نزلہ کر استعمال
 سرخس جیکر گرے فضول
 پکتی ریزش کرے خوار
 آوے کسے نہ وقت آرام
 لعوق پوست خشک بننا
 سبب خشکی دی جیکر کھنگ
 ٹھک کھنگار نہ آوے ٹول
 خشکی کرے پھپھر وچ زور
 لعوق بادام اس رت چٹا
 لعوق خشک، لعوق سیستان
 حریرہ چھان کنک داپوے
 حریرہ دے وچ خشک پکا
 بنفشہ روغن رت ملا
 ماش رت بدن تے کر
 مکھن گوکا رت کھوا
 روٹی گھونال رت کھائے
 بنفشہ، نیلو فر دا لعاب
 لعاب ہسیدانہ خطمی پوے
 کھنگ بلغمی جیکر ہو
 منضج بلغم دی کر تیار

کھنگ زکامی تر ت و نجاوے
 زکامی کھنگ جائے فی الحال
 سینے اُتے گرے نزول
 کھنگ آوے بے حد شمار
 لگا رہے ہمیش زکام
 دیہ اس نول رب کرے شفا
 ہووے کرے روگی نول تنگ
 کھنگدیاں پوے شکم درج سول
 تراوت باہجہ علاج نہ ہو
 گھٹو گوکا ہر طور کھوا
 چٹا لعوق بنفشہ آن
 بہت شتابی چنگا تھیوے
 ہووے جلدی نال شفا
 گھٹو گوکا دے نال بنا
 سر سینہ رکھ ہر دم تر
 مصری تھوڑی جیہی ملا
 خشک کھنگ نول فیض پہچاے
 پیوے پہنچے فیض شتاب
 خشک کھنگ تھیں چنگا تھیوے
 بر شغشا جیہا دوا نہیں کو
 پیوے روگی رت نہار

ج
 کا
 تو
 ا
 بن
 تو
 د
 ت
 سو
 دا
 با
 را
 لے
 بنفشہ
 دو
 رات
 سل
 کپڑ
 جد

نیکے ریزش پتلی خام
دیوے ریزش خام پکا
ڈالو ماشے پنج ملہ
زورفا ترے ماشے دج گھت
پیوے نت نہار اوبال
استعمال کرے دن ست
بلغم خارج کرو شتاب
کر منضج نال نہ ہوویں نہج
کر کے کھنڈ ملاؤ آن
دیوے کھنگ دا زور و بجا
چھ چھ ماشے ترے دوا
فجر اوبال پیوے کھنڈ پا

جس نوں کھانسی ہے مدام
کاہڑ جو شانده روز پلا
توہ سونف، سوڑیاں اٹھ
انجیراں چار، منقہ ست
بنفشہ پنج ماشے دج ڈال
توہ دو ترے ماکھیوں گھت
دے کے اٹھویں روز جلاب
ترے جلاب مہینے دج
سونف ہرڑ گھیو دج بریان
دام استعمال کرا
بانسا زورفا، سونف منگا
رات پوسائیکے رکھ رکھا

صفت شربت پوست خشتاش

سوڑیاں سٹھ غناب تیرینہ
بہیدانہ، نیلو فر، بادیاں
پاک کٹ خشتاش ملا
فجری دو ترے دیہہ اوبال
سیر پکا لے کھنڈ دج پا
دیگی گھت پکاؤ قوام
جلدی اس نوں ہیٹھ اوتار

لے ڈوڈے پوست دے روینہ
بنفشہ، خطی، گگاؤ زبان
دو دو توہ سب دوا
رات پوسا پانی دج ڈال
نل کے پن کے صاف کرا
کپڑے دج کر صاف تمام
جد شربت دی پکی تار

دو ترے تو لے رت پلا	دیوے کھانسی جلد و نجا
ریزش خام زکامی کھنگ	رہن نہ یک ذرہ دج انگ

صفت شربت اعجاز

شربت کرو اعجاز تیار	گرم کھانسی دے رہے درکار
طیب حکماء سب دانشمند	شربت کرن اعجاز پسند
کھنگ تاپ وچ خشک مزاج	اس شربت دا بڑا رواج
بنفشہ ، خطمی ، نیلوفر	تخم خیاری شامل کر
گاڈ زبان ، ٹھٹھ ، بہیدانہ گھت	دو دو تو لے دارو ست
سوڈیاں شٹھ ، ترپہ عباب	چھٹانک بانسہ وچ میل شتاب
رات پانی گھت ، رکھ پوسا	فجر جوشا مل صاف کرا
سیر کھنڈ گھت کرد توام	دو دو وقت پلا صبح تے شام

صفت شربت خشتخاس سادہ

پا پکا خشتخاس سفید	رات پانی وچ تر کر دید
نجرے اُس توں خوب گھوٹا	شیرہ اس دا لے کڈھا
ترے پا گھنڈ دا کر کے توام	شیرہ اس وچ ڈال تمام
مڑ کے دو ترے جوش دیوا	شربت دانگ توام پکا
ایہہ شربت سادہ خشتخاس	کرے گرم کھنگ دا ناس

صفت حلوہ خشتخاس پوست

<p>پاک پانی درج پوسا پوست والا پانی یا دو تولے مصری درج ڈال چار تولے گھیٹ درج بریان شیرہ پکڑ اس سے درج ڈال کھائے روگی رنت نہار چوتھا حصہ بال نادان</p>	<p>پک ڈوڈا پوست دا لینا دو تولے خشتاس گھوٹا شیرہ سے خشتاس نکال آٹا دو تولے کر چھان جد آٹا ہو جائے لال خلوا اس دا کر کے تیار پک خوراک ایہہ مرد جوان</p>
--	--

لعوق انبلساس

<p>جس نول کرن حکیم پسند رہے شکم دے اندر قبض کھانسی قبض ہوئے سب دفع دو دو تولے قدر حساب کر کے دارو سب اکٹھ فجری دیگھی درج جو شا ترے پا مصری نال رلا دو تولے گھت رب السوس نال چھاننی صاف کرا چھتے رنت صبح تے شام</p>	<p>لکھاں لعوق پک فائدہ مند کر رومی سخت ہوئے جس نبض اسنوں بہت پہنچا دے نفع بنفشہ خطمی سوئف عتاب عناب ترہیمہ سوڑیاں شٹھ راتیں پانی درج پوسا تل کے مین کے صاف کرا وہیمہ تولے کڈھ مغز فلوں دونویں پانی درج رلا کر کے جمع جاکڑہ کر توام</p>
--	--

صفت لعوق پوست خشتاس

<p>لَعُوقُ پُوسْتِ خَشْتِا حَشِ بِنَا پَا پَکَا خَشْتِا سِ کُٹَا رِیشِہِ خَطْمِی تُو لَے چَار بَہِیدَانِہِ خَطْمِی نِیْلُو فَر رَا تِ پُوسَا رَکھِ پَانِی ڈَال کَل کے، پُن کے، صَا فِ کَرَا پَکے جَدُوں گَا ہڑہِ قَوَام نَشَا سْتِہِ کِیکَرِ گُونَدِ کِتیرَا مَغْزِ نَخْمِ کَدُو بَادَام اِیہِ لَعُوقِ جِیکَرِ کوئی چَٹے</p>	<p>دِیوے کھَنگِ نَزُو لِ دِجَا پِیو سَٹِ ڈُو ڈے پِیسِ بِلَا سُوٹِہِیاں دَانِہِ سُو شَمَار دُو دُو تُو لَے شَا مِلِ کَر فَجْرِے دِیگِجِی دِوچِ اَدِیَال مِصْرِی سِیرِ بَکِ ڈَال پَکَا اِیہِ دُوَا کُٹِ مِیلِ تَمَام مَغْزِ نَخْمِ کَکھڑِی کَھِیرَا بَکِ بَکِ تُو لَہِ وِزَنِ تَمَام کھَنگِ نَزُو لِ دِی جِڑ مَٹِے</p>
---	---

صفت لعوق بادام

<p>نَسَخِہِ بَکِ لَعُوقِ بَادَام نَشَا سْتِہِ، رَکَرِ گُونَدِ، کِتیرَا چَلْفُو زِہِ، کَدُو، مَغْزِ بَادَام رُو عِنِ کُٹِہِ بَادَامَاں گَھر اَدِہِ سِیرِ مِصْرِی کَر کے قَوَام نِشْتِ نِہَارِ صَبِیحِ اُٹھِ چَٹِٹِ</p>	<p>خَشکِ کَھَانِسی نُوں کَر کے آدَام مَغْزِ نَخْمِ کَکھڑِی، کَھِیرَا دُو دُو تُو لَے وِزَنِ تَمَام کُٹِ سَبِ چَرِبِ رُو عِنِ وِچِ کَر دِوچِ دُوَا مَلَا تَمَام جِڑ اَل کھَنگِ دِیاں سَٹِے پِٹِ</p>
--	---

صفت تریاق نزلہ

<p>اِیہِ تَرِیاقِ بِنَا ضرور</p>	<p>گَرَمِ نَزُو لِ کَر کے سَبِ دُور</p>
----------------------------------	---

تریاق
جس
ہو
ہے
مغرب
دوچ
دس
بدر
حب
دھنیا
در
فجر
ماکھیو
دو
وزن
جیکر
لکھار
دو
نصف

تاریق التزلہ اس دانا جس نوں گرم ذکامی کھنگ ہو دے ریزش پتلی خام ہے ایہ نسخہ مثل تھنگ مغرب ایہ تاریق لاثانی دج حکیمان دے مشہور دس تولے خشتخاس سفید بذر البنج پوست وچ گھت حب آلاس اسطو خود دس دھنیاں گاؤ زبان دے پھل درڑہ کر کے سب دوا فجرے مل پن صاف کرا ماکھیوں دانگ پکاؤ پت دو دو تولے وزن تولہ وزن خوراک ترے مشعال جیکر کھاوے لڑکا بال	قاطع مرض نزول تمام کرے نزول ہمیشہ تنگ دیوے اس نوں جھب آرام مارے وچ نشانہ کھنگ لکھاں طبیاں وچ یونانی ریزش خام کرے سب دوا کا ہو ڈال چھٹانکی وید ہر ہک ہو دے تولے ست پھل کلاب تے اصل السوس دو دو تولے ہودن کل رات پانی وچ تر کروا سیر پکا مصری وچ پا رکڑ گوند کتیرا گھت کر کے بہت باریک ملا کھاوے اس نوں انگل مال چوتھا جھتہ وزن سہال
--	---

عربہ سبوس گندم

لکھاں عربہ ہک ضرور دو مٹھ چھان کنک دا لیا نصف رہے تاں صاف کرا	کرے خشک کھانسی نوں دور ادھ سیر پانی گھت جوشا چار تولے گوکا گھیو پار
---	---

دو تولے مصری وچ ڈال	دیوبین دو ترے ہو رہا بال
مٹکیاں نال حریرہ پیوے	خشک کھانسی بھین مو یا جیے

حب سعال

کھانسی گرم جے کرے فتور	حب سعال بہنا ضرور
بہت نہایت دیوے نفع	کھانسی خشک ہوئے سب نفع
نشاستہ رگہ رگہ گوند کتیرا	مغز تخم کھکھڑی کھیرا
رب الیتوس خشک س سفید	مغز تخم فرلوزہ دید
مغز تخم کدو بادام	ہر یک تولہ وزن تمام
کٹ چھان کے دارو سب	لعاب بہیدانہ وچ بندھ حب
مونہ دے وچ ریت حب کھا	ہولی ہولی چمکھ لنگھا

حریرہ خشکاش

ترے تولے خشکاش سفید	گرمیاں ست باجوا ماں دید
رات پانی وچ ترہ کر دا	نجرے کوندے وچ گھوٹا
صاف شیرہ کر کپڑ چھان	دیگی رنج پکاؤ آن
چار تولے گولا گھیٹو پا	پتلا جیہا قوام پکا
تولے دو مصری وچ ڈال	پیوے فائدہ کرے کمال

لعوق لسوڑیاں

لعوق لسوڑیاں کر دتیار	ہودے کھانسی گرم فرار
-----------------------	----------------------

لسو
ادھ
ماکھیہ
دو تولہ

بنفت
بادا
تولہ
ادھ
چمکھ

مجنون
ہودہ
بلغھی
رعش
گنٹھ

مرچا
دو
عقرو

لٹریاں ادھ سیر کٹ پوسا	نجر جو شا کر صاف کرا
ادھ سیر مصری ڈال جو شا	گاہڑہ بہت قوام پکا
ماکیوں دانگ پکے جدتار	اگ تھیں جلدی نال آثار
دو تولے دو دقتی کھاسے	خشک کھانسی نول فیض پہچائے

لعوق بنفشہ

بنفشہ گل خشتا پس سفید	مغز تخم کدو گھت دید
بادام مغز لے تخم خیابار	ہر یک دو تولے مقدار
تولے چار روغن بادام	کٹ دوا ملاؤ تمام
ادھ سیر مصری قوام کرا	میل دوا لعوق بنا
چنے نت صبح تے شام	خشک کھانسی تھیں لیے آرام

صفت معجون بر شعثاء

معجون بر شعثاء کرد تیار	نسن مستقوں دکھ ہزار
ہودے جس دا سرد مزاج	اس دا ہے ایہہ بڑا علاج
بلغنی رنج والا آزار	دو دو ہو جا دے کھانڈیاں سار
رعشہ، استرخا، ادھرنگ	ضیق النفس زکامی کھنگ
گنٹھیا، صرع، سرعت انزال	دیوے جسموں ترت نکال
برچاں لے سفید سیاہ	بذر ابنج کرد ہمارا
دو دو تولے وزن حکیم	خالص تولے یک افیم
عزرقھا، چھڑ، کیسر یا	پودنہ، دارچینی، مک پا

فریون گرس دج گھت
کٹ دوا رلا دج تھال
مہینے ترے جواں دج رکھ
دزن خوراک رتیاں چار
جیکر دزن زیادہ کھاے
پیڑاں درد کرن جس تنگ
معدہ ہووے بہت ضعیف
چار رتی بر شعثا کھاے
ہور بیماریاں سرد تمام

ہر یک ہوون ماشے ست
تگناں خالص ماکیوں ڈال
لے دوا ماکیوں سب چکر
اورک ماشے تنگ درکار
مرض مزاج بگڑ سب جاے
رتج گردے دج مائے ڈنگ
ایتسار دیون تکلیف
یک ساعت دج نفع دکھاے
نسن استھوں چھوڑ مقام

بیان سرفہ اطفال

جیکر کھانسی ہووے بال
کوکر کھانسی کالی کھنگ
کھنگ نال ہووے منہ لال
چنچ مار غوطہ دم کھاے
ہوون چھوٹے بال نادان
بہت جڑب لکھاں حب
گوند بکھر خشخاش سفید
نشاستہ کا ہو نال پلا
کیسر بذرا بھنج انیم
حب برابر مرچ سیاہ

کمن اس نول سرفہ اطفال
کرے ایانے لڑکے تنگ
حالوں بہت ہوون بد حال
شدت کھنگ نال تے آوے
کالی کھانسی نال حیران
دور کرے کھانسی نول جب
رب السوس کتیرا دید
تو تو ماشے سب دوا
ترے ترے ماشے وزن حکیم
بغھ پانی پوست دا پاہ

لڑکے

کرار

کھنگ

چھ

سو

دو

تھوڑ

نیل

لستی

چرنا

ضیق

حر

نال

آوے

حرکت

کوٹا

ایہ

لڑکے نوں گولی کجھ گھول

پستی نال پلاڈ اندول

نسخہ جو شانده کو کرکھالشی

کراں بیان ہک عجب دوا
کھنگ جے ہووے لڑکا بال
چھ ماشے کٹ سوئف پوسا
سوڑیاں کٹ گھت دانے ست
ڈوڈہ پوست ماشہ ڈال
تھوڑا جد پانی رہ جاوے
ایسے طور کر استعمال
لستی دودھ نہ ہرگز پیوے
چرنی تیل تھیں کر پرہیز

دیوے کالی کھنگ ونجا
کالی کھنگ کرے بد حال
دانے چار منقہ پا!
کٹ ملٹی ماشہ گھت
دیگی دے وچ گھت او بال
ڈھا پستی دے نال پلاڈے
جائے کالی کھنگ چندال
تاں اوہ لڑکا چنگا بھوے
تُرش چیز تھیں رہے گریز

بیان مرض ضیق النفس

ضیق النفس ہک سخت آزار
جہر تھیں موذی گرے مواد
نال مواد پچھر پھل جائے
آوے دورے نال بیماری
حرکت کرے یا قدم اٹھاوے
کو تاہ دمی طبیاں وچ نام
ایہہ کوتاہ دمی بیاہی ساہ

پچھر دے وچ کرے دگاڑ
جا پچھر وچ کرے فساد
مشکل تنگ اوکھا ساہ آئے
ساہ دم دے وچ پوے خواری
چڑھے ہوکنی دم گھراوے
مرض ساہ اس کن عوام
کرے روگی دا حال تباہ

دیوے پھانسی دانگ عذاب
 خوب کیفیت کر دریافت
 مادہ خون کرے جے زور
 چہرہ سُرخ جے ہوئے لال
 باسلیق رگ چھڑ ضرور
 پیچھوں شربت دیہ عذاب
 جے صفرا دی ہو دے ضیق
 بنفشہ ، خطمی ، نیلوفر
 سُوریاں گاوزبان چ گھت
 رات پانی دج رکھ پوسا
 دو توے مصری دج پا
 گھبو گوکا نیت مالش کر
 ردنی کھیوئے نال کھو
 ایسے طور کر استعمال
 سبب جے ہو دے بلغم شور
 سرخوں اترے گرم مواد
 نال مواد پھیر پھیل جاوے
 بہت ہو دے خشکی دا زور
 مؤذی بلغم شور آفات
 اوہ بلغم حکم رکھے صفرا
 ظاہر باطن سکر ترتیب

دارو اس دا کرو شتاب
 کس مواد تھیں ہے ایہ آفت
 پھیر دے دج پاوے شور
 کر توں جنگی طرح خیال
 گندہ خون کر دسب دور
 سرد چیزاں دا ڈال لعاب
 ہووے ریزش گرم رقیق
 عذاب ، بیدانہ شامل کر
 ترے ترے ماشے داروست
 فجر جوشا ، مل صاف کرا
 روگی نوں ہر روز پلا
 سر سیمہ رکھ ہر دم تر
 مصری کٹت کھوڑی دج پا
 گرم ضیق جاوے چھڑ خیال
 طرف پھیر دی دیوے زور
 جا پھیر دج کرے فساد
 ساہ دم اس دا اکھڑ جاوے
 دیوے پھیر دج مروڑ
 کرے قوت پھیر دی مات
 دیوے آتش جسم لگا
 نال دوا غذا طیب

شامل نال رکھو تبرید
 دے شربت اعجاز بنا
 لعوق چٹے نت انبتاس
 لعوق سوریاں دانت چٹے
 بے خشکی دا ہووے زور
 حب سعال، لعوق بادام
 مکھن مصری نت چٹا
 بنفشہ روغن، نت ملا
 سرسینہ تر رکھ دن رات
 جو آتش جواں دی نت پلا
 حریرہ روز پلا خشکاس
 حریرہ چھان کنک بے پیوے
 دورہ جدوں ضیق دا آئے
 مشکل نال آوے دم کھچ
 شامل ہووے خشکی نال
 اسی تولہ ڈیڑھ جوشا
 ادھ رہے تال صاف کرا
 سخت دورے دے وچ پلاوے
 بادے ضیق پرانی ہو
 دساں میں یک عجیب دوا
 مغز یک لے بکری دا آن

شربت سرد نقوع مفید
 دو وقت پیوے پانی وچ پا
 کرے گرم ضیق دا تاس
 جڑاں ضیق گرم دیاں پے
 لعوق بنفشہ جیہا نہ ہو
 خشک ضیق دے آدن کام
 دیوے خشکی ضیق و نجا
 گھیٹو گوکے لے نال بنا
 ہووے خشک ضیق جھب مات
 بادام روغن مصری وچ پا
 ہووے خشک ضیق دا تاس
 فائدہ بہت نہایت تھیوے
 اوکھا بہت بیمار ہو جائے
 ہووے سخت طبیعت زنج
 ایہ دوا کر استعمال
 درڑھ کرے پا پانی پا
 دو تولے وچ شہد بلا
 او سے وقت آرام ہو جائے
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 دیوے جھبے نفع دکھا
 ادھ پا گھیٹو وچ کر بریان

دو تولے مصری وچ گھت
 فاصلے نال دوا کماے
 ست دن چھوڑے ست دن کھاے
 گھیو پھٹانکی گرم کرا
 کھاوے روگی روٹی نال
 بلغمی جیکر ہووے ضیق
 بلغم کاہڑیاں نال پکا
 حب ایارج کر کے تیار
 معجون فلاسفہ دیوے نفع
 تنویق نزلہ ہر شعلہ دوزیا
 مجرب نسخہ لکھاں یونانی
 جس دا ہودے سرد مزاج
 کئی دفعہ اُس نوں آزمایا
 حبل داری چینی ، بادیاں
 بالوں ، تخم کرفس ، ملٹھ
 ادھ سیر خالص شہد ملا
 تولہ رت ہمار جے کھاے
 اس تھیں فائدہ جیکر پاے
 پنج تولے اسی بریان
 پا پکا وچ شہد ملا
 کھروڑے بکرے دے منگوا

کھاے روگی ہفتے ست
 خشکی والی ضیق و نجاے
 ست ہفتے اس طرح کماے
 دو تولے وچ شہد ملا
 کوٹہ دمی جادوے فی الحال
 نیکلے بلغم خام رقیق
 مسہل دو ترے چار کرا
 وچ مہینے دے دو بار
 کرے ضیق بلغمی دفع
 دیون نفع ضیق نوں ادویں
 ضیق واسطے بہت لاثانی
 اُس اے ایہ خوب علاج
 بہت نہایت نفع پایا
 پودبہ ، میتھی ، تخم کتان
 ہر ایک تولہ کرو اکٹھ
 دارو سجھ کٹھ ملا
 بلغمی ضیق النفس و نجاے
 ایک دو داری پھیرناے
 رب السوس تولے دو آن
 روگی نوں ہر روز چٹا
 گھیو گوکا گھت خوب پکا

جیکر
 ندو
 اسی
 چار
 رات
 ست
 کٹ
 دو
 سیر
 ادھ
 جے
 مصر
 گھیو
 چربی
 لسی

نسخہ
 لکھ
 لے
 رات

جیکر ضیق دالانت کھائے
 زونا، سونف، پودنے لے
 لسی، میتھی، شامل کر
 چار، انجیر، منقہ ست
 رات پوسا رکھ پانی ڈال
 سندھ، پودنے، ہرڑ، ملٹھ
 کٹ چھان وچ شہد ملا
 دو وقتے حب چتھ لنگھائے
 سیر یک پکا لے بادیان
 ادھ سیر کھنڈ اس سے وچ ڈال
 بے خشکی وچ بہت مزاج
 مصری مکھن شہد ملا
 گھو چھٹانک شام بے پیوے
 چربی تیل نہ ہرگز کھائے
 لسی حقہ مرچ ہو ر خشک

بلغمی ضیق النفس و نجاوے
 بانسہ ہر یک ماشہ ترے
 ملٹھی ترے ترے ماشہ بھر
 گناؤ زبان ماشہ ترے گھت
 فجر پلا کھنڈ گھت او بال
 یک یک تولہ کرد اکٹھ
 سیر برابر حب بنا
 شافی رب تھیں صحت پائیے
 گھو گو کے وچ کر بریان
 شام صبح کر استعمال
 نال تراوت کرد علاج
 روگی نون ہر روز پٹھا!
 فضل خدا تھیں چنگا تھیوے
 ترش چیز دے راہ نہ جائے
 نیڑے اوس نہ آئے مشک

لوٹکے ضیق دہقانی

نسخہ ہو ر بکھاں دہقانی
 لکڑ دی لے چھل لہا
 لے ملٹھ دارو ایہ چار
 رات پانی سے وچ پوسا
 نہیں دوا کوئی اس آثانی
 پوست تلخ تمباکو پا
 دس دس تولے دا مقدار
 فحری دو ترے جوش دوا

<p>ماکھیوں سیر ہک نال ملا چٹے رت صبح تے شام دو گنا گھیو گوکا وچ پا چربی نیل دے راہ نہ جاوے کئی سالوں تک ہے فرار فائدہ کرے دوا نہ کو دورہ ضیق جاے چھڈ خیال ماشہ قلمی شورہ کھاوے کرے موقوف دورہ فی الحال</p>	<p>مل پن کے صاف کرا کر کے ماکھیوں وانگ قوام روٹی ماکھیوں نال کھوا چیزاں ترش نہ ہرگز کھاے مرچاں سستی ترش آچار جاوے ضیق پڑا فی ہو کہ ایہ نسخہ استعمال شدت نال جے دورہ آوے مصری نال تھوڑی جیہی ڈال</p>
--	---

نسخہ مجربہ صدری ضیق النفس بلغمی

<p>کئی دفعہ اُس نوں آزمایا کرے خراب ہمیشہ کھانسی فائدہ بخشنے بہت عجیب پا پا پکا کر ہمراہ ہر اک ہو دن ماشہ ست گل حکمت کر خوب جلا بلغمی ضیق النفس و نجاوے</p>	<p>ہک نسخہ صدری ہتھ آیا دورہ ضیق آدے جیوں پھاسی استعمال جے کریں طبیب تمباکو کوڑا قند سیاہ نوشادر، نمک سوہاگر گھت دودھ اک دے وچ تر کر دوا کھنڈ وچ میل رتی ترے کھاوے</p>
---	--

نسخہ صدری ضیق النفس بلغمی

<p>ہر ہک ہووے تو لے ترے</p>	<p>نمک لاہوری شورہ لے</p>
-----------------------------	---------------------------

تولہ
 چار
 گوز
 چار

نسخہ
 پا
 سینہ
 دو
 نیلہ
 ادھ
 بھانا
 رکھ
 تھوڑ
 بلغمی

نوشا
 لکھ

نوشادر ہودے ماشے ست	نہاگہ گھت
دودھ اک دے وچ ترکوا	تولہ دو سٹ درڑا کروا
وچ انگلیٹھی اک دے دھر	کوزے وچ بگل حکمت کر
روگی نوں ہر روز پلا	چار رتی وچ کھنڈ ملا

نسخہ مجربہ صدری ضیق کہنہ بلغمی

لگے وچ نشانہ تیر	نخہ کراں بیسان اکسیر
دیوے ضیق دی بیخ اکھیر	استعمال کرو کچھ دیر
تھباکو پاؤ پکا ہمراہ	پا پکا لے قند سیاہ
نوشادر نال سہاگہ پا	سیندھا نمک سوخڑے آ
کٹ کے کر سب جمع سنوار	دو دو تولے دارو چار
گھوٹ پانی وچ سارے گھت	نیلہ تھوٹھا ماشے ست
لیپ اُنہاں اُتے کر جلد	ادھ بیرے پت اک دے زرد
وچ انگلیٹھی اک دے دھر	بھانڈے وچ بگل حکمت کر
ہک رتی کر استعمال	رکھ سواہ حفاظت نال
ضیق والے نوں نت کھوا	تھوڑی جیہی کھنڈ ملا
ضیق پُرانی ہودے دفع	بلغمی کھنگ نوں دیوے نفع

نسخہ صدری دمہ بلغمی ریاحی

ہنگ برابر کر ہمراہ	نوشادر پودنہ مرچ سیاہ
بیر برابر گولیاں سب	لک کنوار وچ بھو حب

یک ہک حب بنت منہ دج رکھا کرے خداوند لکھ تھیں لکھ

نسخہ ضیق النفس صدری مجربہ شناسی

دساں ہووے عجیب علاج
اس نوں بہت پہنچاے نفع
گنٹھیا، استسقاء، ادھرنگ
ہو رہو ہووون سرد آزار
شنگرف رومی تولہ لیا
رگڑو گھت کھل دے دج
اس نے گھولے وانگ بنا
گولہ پیالے دج رکھا
رکھ پیالہ اس مکان
جد سوتر سارا سڑ جائے
گولے نوں ہتھ نال اٹھا
شنگرف جائے ہو سفید
وزن یک نصف رتی دا کھائے
جیہڑا شنگرف دے دج پارہ
ایس سبب وزن گھٹ جائے

ہو وے ضیق جے سرد مزاج
کرے پیرانیاں مرضاں دفع
بلغمی رنج پرائی کھنگ
بدنوں باہر کڈھے مارا
ترے تولے اک دا دودھ پا
شنگرف دودھ جدوں لے کھج
سوتر تولے چار دلا
سر تے کوئلہ اک ٹکا
جھٹھے داؤ نہ لگے آن
گولہ وانگ سواہ ہو جائے
سواہ سوتر دی جدا کرا
درتن کل شناسی دید
گھت منقے دج لنگھائے
شنگرف تھیں کر جائے کنارہ
شنگرف دج سفیدی آوے

نسخہ حب سم الفار

نسخہ ایہ صدری آزمائشی

مجربہ سائیں بخش شناسی

نام اس دا حَب سم الفار
 جادے ضیق پُرانی ہو
 اس نول مدت تیک کماوے
 نقرص گنٹھیا، برص جذام
 سُنڈھ لونگ، مگ مرچ سیاہ
 مدبر کچلہ، عقرقرچا
 کیر، سم الفار، ایلم
 ادک دا پانی دِج پا!
 جب برابر دانہ جوار
 یک یک گولی دا مقدار
 گولی کھائے وقت نہار
 اک اک گولی ہفتے توڑ
 مڑ یک ہفتہ شروع کرا
 تے چار ہفتے اس طور
 روٹی کھاے ماکھیوں نال

کے مشکل سخت آزار
 نفع نہ بخٹے دارو کو
 ضیق النفس دفع ہو جاوے
 جادن اس توں س تمام
 جفضل دار چینی ہمراہ
 چھ چھ ماشہ قدر تولا
 ترے ترے ماشے وزن حلیم
 سب دارو گھت کھل کرا
 بعضوں پنج سو نال شمار
 کھاے گھیو دے نال بیمار
 ادھ پا پیوے گھیو پنگھار
 کھاوے دیوے ہفتہ چھوڑ
 مڑ ست روزاں تیک چھوڑا
 کھاے دکھ جائے فی الفور
 دد گنا گھیو اُس دے دِج ڈال

لوٹک د مہ ضیق

ماشہ خراسانی اجوین
 اوتل پیوے گھیو پنگھار
 جے کھاے کوئی تربہ رین
 گوکا ادھ پاؤ دا مقدار

بلغنی کھنگ توں دیوے نفع
 ضیق پُرانی ہووے دفع

نکھ

مزاج

دفع

ک

مارا

پا

کھج

دلا

ٹیکا

آن

اے

کرا

دید

سے

نارہ

سے

سی

بیان نفث الدم

نفث الدم ہک مرض زبون
شامل کھانسی دینہ تے رات
بہت دیر جے رہے آزار
جد صغرا دی ودھے مواد
خون رگال وچ ہوئے شور
پھٹ جادے رگ چلے خون
نالی علامت سمجھ مزاج
چہرہ سُرخ جے نظری آ
پچھول شربت دیہو غلاب
نسخہ ہک لکھاں لاثانی
پھل گلاب کندر گلزار
وزن برابر چار دوا
چار ماشے تک وزن پھکا
دو تولے شربت انجبار
کھامے نال قرص سرطان
پوست دا پوے نت گھٹ
جے صغرا دا بہت قصور
شربت دیہہ پوست خشناس
گورکھ پانی ، بوٹی اکسیر

نال تھک رل آوے خون
کرے بدن دی قوت مات
وانگ رل دے کرے خوار
نال خون رل کرے فساد
دیوے طرف باہر دی زور
ہوئے کے گندہ بہت زبون
سوچ سمجھ کے کرد علاج
اول باسلیق چھڑا
صاف کرے سب خون خراب
تجربہ حکمت وچ یونانی
پھٹکڑی نال ملاڈ سار
کٹ باریک سفوف بنا
اتوں حرفہ گھوٹ پلا
پیوے روگی نت نہار
بخشے صحت رب رحمان
جڑاں مرض دیاں سٹے پٹ
آوے تیرے وچ شعور
شام شربت دیہہ حب آلاس
تجربہ سائیں بخش فقیر

مات پانی
ہور
نفث ال
پہلوں
غارے

تولے
نشا
سنگ
سہاگر
چھ
افیم
بہیدار
شیرہ
کھوٹی
جے کرکھ
شربت
رات

رات پانی دج رکھ پوسا ہور مجرب عجب دوا نفث الدم دا قصہ کرنا پہلوں قصہ نہ دیہ کوئی چیز غارے کرے مابو گلنار	وقت صبح دے چھان پلا اندرونی بوٹی گھوٹ پلا پچھوں دارو شروع کرا ایہو رکھیں یاد نیمز پھٹکڑی نال ملاڈ سار
--	---

قرص سرطان

توے پنج سواہ سرطان نشاہتہ رگبر گوند کتیرا سنگ جراح خستاش سفید سہاگہ پھٹکڑی کر بریان چھ ماشے سب دوا انیم ترے ماشے دج گھت بہیدانہ دے ورنج لعاب شیرہ خرفہ دے ہمراہ کھوتی دا رنت پیوے دودھ جے کر کھنگ نہ ہووس نال شریت رنت پیوے خستاش رات کتیرا گرنہ پوسا	کر توں پیہہ کے کپڑ چھان مغز تخم کھٹکڑی کھیرا گل ارمنی کرایا میلو دید رب السوس ملاڈ آن کٹ چھان سب جمع کرا خرفہ ڈالو ماشے ست ترے ماشے قرص بنا شتاب ہک ہک قرص ہر روز کھوا مصری ڈال جے ہوس بُدھ دودھ بکری کر استعمال نفث الدم دج بے دسواس جر پیوے دودھ دج ملا
--	--

لو مکہ شناسی مجربہ نفث الدم

شناسی ٹوٹکے لکھاں ضرور کوہن چم دی کرے سواہ عدسی شاد نہ پتھر لے ترے ماشے دیہ بے دسواں مٹھا مریج نہ ہرگز کھاے	نفت الدم کرے مجھ دور کالا سرمہ کرے ہمراہ کٹ دوا باریک ترے ویہ شیرہ پچھوں خشناس گرم چیزے راہ نہ جائے
---	---

لعوق مجربہ نفت الدم

لنسخہ بیان کراں یونانی رنت نہار روگی کوئی کھاے معنا ترنیہ لسوڑیاں شہ ریشہ خطمی تولے ترے ہک چھٹانک پوست خشناس فجرے دیگی وچ جوشا مصری ادھ سیر وچ گھٹ ایہ دوا وچ کٹ ملا ادھ پاڈے خشناس سفید نشا سید لکھ گوند کتیرا مغز تخم کدو بادام کٹ دوا ملا وچ پست	مجرب فرمودہ ارزانی نفت الدم نوں تریں وچ دو تولے وچ ڈال ملٹ وچ اس سے داخل کرے رکھ پوسا پانی وچ پاس مل کے چمن کے صاف کرا ماکھیو دانگ پکاڈ پست شام فجر اس رنت چٹا کٹ ملا اس سے وچ دید مغز تخم کھکھڑی کھیرا دو دو تولے وزن تمام رنت نہار صبح اٹھ چٹ
--	--

جے کچھ باقی رہے قصور
پھیر بنا اس طرح ضرور

پانی
تور
گھٹ
ہک
جے
نفت

شریہ
پا
فجری
کرے
ٹھنڈ
نفت

شریہ
چار

حَبْ مَجْرَبَه نَفَث الدَّم

پانی دج رس تولے چار تور پھٹکڑی پھل کرا گھت کڑھپی دج قوام بکا ہک گولی نت منہ دج ڈال ہے ایہ نسخہ دانگ اکسیر نفث الدم دا فصد کرا	رات پوسا رکھ فجر ستار پیہہ کے دج رسونت ملا گولی رتی چار بنا کھائے شیرہ دھنیا نال بخٹے فائدہ بے نظیر! پچھوں استعمال کرا
--	---

صِفَت شَرِبَت حَبِ آلاس

شربت حَبِ آلاس بنا پاک دانے حب آلاس نجرى اس نوں خوب ابال کر کے اس دا خوب قوام ٹھنڈا کر بوتل دج پا نفث الدم نوں دیوے نفع	جیویں حکیم گئے فرما کٹ گھت رکھ پانی دج پاس وزن برابر مصری ڈال نت پلا صبح تے شام حاجت دیلے کڈھ پلا دست کرے گرمی تے دفع
--	--

صِفَت شَرِبَت انجبار

شربت انجبار کر تیار چار تولے انجبار مٹکا نجرے دیگی دج جوش	نفث الدم نہ سہے آزار پانی دج کٹ رات پوسا کپڑے دج گھت صاف کرا
---	--

مصری ادھ سیر اس دوج ڈال	کر کے قوام عقل سے نال
ہک ہک تولہ روز پلا	پانی تازہ سرد پلا
ایہہ شربت انجبار پسند	دگدا خون کرے مجھ بند

بیان نفث المدہ

منہ تھیں جاری ہووے ریم	نفث المدہ کن حکیم
پھوڑہ یا کوئی درم گھمبیر	آوے اس تھیں ریم کثیر
گندی بدبو استھیں آوے	نیڑے ڈھک نہ بیٹھا جاوے
ہے ایہہ مرض رسل داقتم	لاغر کرے نہاشت جسم
شامل تاپ جے ہووے نال	حالوں بہت کرے بدحال
کر توں اس دا جلد دوا	بخشے اس نوں رب شفا
گودا انبتاس منٹھ	دو دو تولے کر داکھ
تولے دو بہیدانہ لے	بنفشہ گل تولے ترے
سوریاں تنو غناب ترہیہ	انجیراں دو منقے دیہ
رات پوسنا پانی دوج ڈال	فجرے دو ترے دیہ ابال
کل کے پن کے صاف کرا	ادھ سیر پکا مصری پا
گاہڑہ بہت قوام پکا	ایہہ دوا دوج کٹ پلا
مغز تخم کدو بادام	رب السوس کتیرا نام
ہر ہک تولہ وزن دوا	سختے دارو کٹ پلا
گھٹ چھٹانک روغن بادام	پختے رت صبح تے شام
جیکر پیپ بے رت جاری	رے توقف دوج جاری

لگے چمچی وانگ کند
 احتقان المدہ اُس دانام
 غش پورے ہووے لاچار
 دیوے کھول درم نون حجب
 زونفا ترے ماشے دج گھت
 میٹھی ڈالو ماشے اٹھ
 پیسے شہد تھو اجہا ڈال
 دیوے حجب درم نون کھول
 تولہ شہد ملا وچ سدھ
 روگی نون ہر روز پلا
 دیہ بادام روغن وچ پا
 ایہو رکھیں یاد تمیز!
 پاوے ملک الموت کند
 فالودہ سیویاں دودھ گھیو پا

جیکر ریم ہو جادے بند
 جد بند ہو جائے ریم تمام
 اوکھا ہووے بہت بیمار
 کر توں اس دا اوہ سبب
 دو ابخیر منقہ ست!
 لے توں ماشے پنج ملٹھ
 پانی دے وچ گھت او بال
 بنفشہ روغن لے وچ گھول
 تازہ بکری واسے دودھ
 بنفشہ روغن نال ملا
 پانی وچ جو آتش پکا!
 ہرگز خشک نہ دیہ کوئی چیز
 شاید ریم ہو جادے بند
 دیویں اُس نون نرم غذا

بیان روغن مجربہ سائیں بخش

رات پانی وچ تر کروا
 کل کے پین کے صاف کرا
 بکری دا گھیو تولے ست
 تولے چار چار وچ میل
 مٹھی مٹھی آگ جلا

بنفشہ کل چھٹانکی لیا
 تجرے دیگی وچ جوشنا
 ادھ پاگھیو گوکا وچ گھت
 مغز کدو باداماں تیل
 دیہی دے وچ گھت پکا

نال
 ملا
 ب بند

حکیم
 یم کثیر
 اجاے
 جسم
 بد حال
 ب شفا
 رو اکٹھ
 ترب
 دیہ

یہ ابال
 سری پا
 ت ملا
 نیرا نام
 ملا
 شام
 ساری

جد سارا پانی جل جادے کر کے سرد شیشے دوج ڈال ایہہ گھیو دوج جو آتش ملا یا دوج ڈال کھوتی دے دودھ یا دودھ بکری دے دوج میل	دوغن گھیو باقی رہ جادے حاجت وقت کر استعمال رنگی نول ہر روز پلا دیہہ اس نول جے ہو دے ہر دیہہ رت صبح ملا ایہہ تیل
---	---

صفت قیروطی بلین سینہ

چرنی بکرا مٹھا تیل روغن مغز کدو بادام بنفشہ روغن نال ملا	کر کے گرم، موم دوج میل سب دوا ملا تمام سینے تے کرو طلا
--	--

بیان مرض سل

مشکل سخت ہک سل آزار لازم تپ ہووے اس نال قرح پھپھر سینے دے دوج لاغر جسم ہوندا اُس جاسے خاص سبب سل دے چار کے نزدل نیز یا شور کندہ نیشق یا کھنگ شدید ایہہ دکھ بہت کوئے نقصان جیکر اس نول آئے خون	پاک آدے نال ول کھنگار دائنگ دق تپ ہووے حال درد کرے تے لگے کھج رنگ بدن چہرہ بدلادے ذات الجنب یا کرے بگاڑ ضرب سٹ یا لگے زور ہو دے اس بھین سل پدید ورلا بچے کوئی انسان ہو دے گندہ بہت زبول
---	---

جیکر تاپ نہ ہووے نال
 اسلیق دا فصد کرا
 جے کوئی ہووے منع سبب
 پچھوں شربت دیہہ عناب
 دیہہ توں اس نوں قرص کاٹو
 گلقد تازہ رشت اوس کھوا
 ہو راک نسخہ آبجیات
 ے کے تیل مچھی دا شدھ
 لعاب بہیدانہ دا وچ ڈال
 سفوف سرطان جے نال پھکاوے
 نسخہ ایہہ عجیب یونانی
 ے پندراں سولال سرطان
 پانی نال دھوا رڈدھ پاڑ
 نشاستہ رکھر گوند کتیرا
 مغز تخم سکدو بادام
 کٹ پیس دارو ست
 دزن خوراک ہے ماشے چار
 کتیرا پانی وچ پوسا
 مصری تھوڑی جیہی وچ ڈال
 ٹوٹک ایہہ بڑا آزمودہ
 دودھ بکری دا وچ ملا

ہرگز سیل نہ کریں خیال
 خون گندہ سب دور کرا
 سنگی جوک رمی لا جھپ
 صاف کرے سب خون خراب
 خرفہ گھوٹ پلا ضرور
 نہیں کوئی اُس ے جیہا دوا
 کرے مرض سیل دی مات
 وچ ملا کھوئی دا دودھ
 پیوے روگی سرکیاں نال
 فائدہ بہت نہایت پاوے
 کن سفوف اس نوں سرطان
 کر کے صاف جلاڈ آن
 ساری بگل حکمت کر ساڑ
 مغز تخم کھکھڑی کھیرا
 توار توار وزن تمام
 وچ سواہ سرطان ے گھت
 کھاوے روگی رشت نہار
 بکری دے دودھ وچ گھوٹا
 پیوے نت نکشان دے نال
 پانی وچ پکاڈ فالودہ
 پیوے روگی مصری پا

<p> عرق گلو کھج نیلو فر وچ جو آتش پکا سرطان ہے ایہ ٹوٹکے خاص یونانی مغز کچھو کچھ دا آن شیرہ دھنیا وچ پکا ہے کھا ہے سل والا بیمار ہوو شربت شیرہ سرد نقور خرفہ کا ہو گھوٹ پلا گوکا دودھ تازہ نت پیوے لعاب بنفشہ نیلو فر لسوڑیاں کٹ کے نال بلا </p>	<p> وچ شربت میل پلایا کر پیوے سل والا نت آن نہیں دوا کوئی اس داثانی گھیدو گو کے وچ کر بریان مرچ مصالح نمک نہ پادے فائدہ بخشنے بے شمار رکھ ہمیشہ اس نون شروع کھوتی دا دودھ مصری پا فضل خدا تھیں چنگا تھیوے بہیدانہ عطمی شامل کر مصری ڈال ہر روز پلا </p>
--	---

بیان ذات الریہ یعنی آماس شش

<p> ذات الریہ مرض ہو جا اکھڑے دم اوکھا ساہ آئے شدت تاپ کرے بد حال ہوندا جاوے درم زیادہ ہووے زندگانی برباد ہے پھپھرے وچ کھلو دیوے صحت شافی رب پاڑے جلد شفا علیل </p>	<p> جس تے آوے قہر خدا پھپھر سخت درم کر جائے ہووے کھانسی شامل نال جیکر ہووے ردی مادہ اٹھ روز دیوے میعاد جیکر مادہ سالم ہو کر توں اس دا دارو جھب تا ہو جاوے درم علیل </p>
--	--

کرڈہ پتھر دانگ کرخت
 فضل خدا تھیں صحت پائے
 چا پھیر دج کرے بگاڑ
 پھیر دے دج پائے دم
 طرٹ پھیر دے کرے ارادہ
 حاضر آن ہووے بالفرض
 چھوڑ مسافر لد سدھائے
 ہووے گندہ بہت زبون
 اکھیں چہرہ سرخ کمال
 قدر موافق ہو کڈھ
 دو ترے وقت پلایا کر
 کرڈی سخت ہوئے اس نبض
 جیہڑا ہووے قبض ش
 ادھ یا پکا دج اندازہ
 داخل کر اُس دے دج دبید
 خوب طرح مل ہتھال نال
 دیگی دج توام پکا!
 ایہہ دوا دج کٹ ملا
 دو دو تولے وزن تمام
 چنے نت صبح تے شام
 رنت پلا مصری دج گھول

یا ادہ دم ہم جادے سخت
 یا ادہ دم ریم کر جائے
 تیز مواد گرم دا ساڑ
 بلغم شور یا ریزش گرم
 یا تپ دا بحرانی مادہ
 اکثر وقت نزع ایہہ مرض
 دانگ وحی جد حاضر آوے
 کرے معلوم ہے مادہ خون
 گوہڑہ ٹرخ ہوئے رنگ لال
 باسلیق دیویں رگ پھٹ
 بنفشہ شربت نیلوفر
 جیکر بہت شکم دج قبض
 اس نوں دیہہ لعوق بنا
 گودا انبتا س دا تازہ
 پاک پکا کھنڈ سفید
 ادھ سیر پانی دے دج ڈال
 چھاننی دج گھٹ صاف کرا
 جد اوہ ہووے گا ہڑہ آ
 کتیرا مغز کدو بادام
 دو تولے ڈال روغن بادام
 لعاب رہیدانہ اسبغول

گرم پانی دا کر جل دھارا سکنجیس دے نال تاکید اٹھ جواں بنفشہ پا ورم پھپھرتے کرد طلا پھپھر نول پہنچے تصدیق سندھ تھوڑی جیہی نال رلا دیوے رتخ دا درد دنیا ایتم طلا کر دارو ترے	کرے ورم جے سینہ بھارا شریت اوس اعجاز مفید گل بابونہ خطمی لیا گھت سر کے دچ خوب گھٹا سبب یا بغم باد یا رتخ مصبر مالولی رانی لیا گھوٹ پانی دچ کرد طلا کچلہ مٹھا تیلیا لے
--	--

بیان ذات الجنب

دیکھ حالت دل جاے کنب لین نہ دیوے مساه بیماری اوکھا ہووے بہت سریر اوسے تنگ نہایت مساه حقیقی غیر حقیقی جان خالص ذات الجنب حقیقی غیر حقیقی کریں خیال ہیمٹھ پسلی پاوے ورم ہیمٹھ پسلی دے کرے فساد بابھ فصد نہ دارو کو کرناں اس دچ فصد مناہی	مندا دکھ ہے ذات الجنب ردوے ڈھائیں مار آزادی ہیمٹھ پسلی ہووے پیڑ کھنگ تاپ ہووے ہمراہ ذات الجنب دو قسم بچان درد ورم تپ نال رینیقی جیکر تاپ نہ ہووے نال مادہ تیز نہایت گرم یا کوئی رتخ یا سرد مواد ذات الجنب جے خالص ہو غیر خالص جے پیڑ ریامی
--	--

جس
سر
کر
فار
گند
جیکر
جیکر
فاصلہ
جیکر
جے
اصلی
شاید
بنفشہ
گل
کرد
انگریزی
بابھ
رتی
گولیاں
پانی
پھسکڑی

جس دا ہودے گرم مزاج
 سرد طبیعت جس دی ہو
 کر کے چنگی طرح دھیان
 فاسد خون جے کرے فتور
 گندہ خون نکال تمام
 جیکر بہت خون دا زور
 جیکر درد باقی رہ جا
 ناصلہ دے کے فصد کرائیں
 جیکر باقی رہے قصور
 جے مادہ صفرا سودا
 اصلی فصد سچی دا ٹھیک
 شاید رُوح خارج ہو جائے
 بنفشہ شربت یا عتاب
 گل زدن دین موم گلا
 کرو طلا ترے کر کے گرم
 انگریزی نسخہ ہک ہنڈ آیا
 باہنڈ فصد دے دیوے نفع
 تکی ہک افیم منگا
 گولیاں اسدیاں بھنڈ ترے
 پانی دے گھٹ نال لنگھا دے
 بیشکری ماشے چار پھکا

گرم نہ ہرگز کریں علاج
 دارو سرد نہ نیڑے دھو
 غالب لے مواد پچھان
 باسلیق رگ چھڈ ضرور
 آوے اُسے وقت آرام
 فصد مخالف طرفوں چھوڑ
 طرف موافق فصد کرا
 یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں
 سنگی رُمی لا ضرور
 فصد موافق طرف کرا
 طرف بھی ول رُوح نزدیک
 قوت بہت جسم گھٹ جاوے
 پچھوں فصد پلا شتاب
 چہرہ بی بکرا نال ملا
 سخت درم ہو جاوے نرم
 ڈاکٹر صاحب نے فرمایا
 ذات الجنب ہو جاوے دفع
 کیلو مل دین نصف ملا
 ہک دن دین ترے واری لے
 ذات الجنب موقوف ہو جاوے
 ادتوں پانی گرم پلا

ایہ بھی ہے نسخہ دہقانہ
 دھینا پیلک خوب گھٹا
 کرے جیکر اوہ طلب غذا
 درد بے ہووے خاص ریاحی
 اک دی جڑھ دی چھل لہا
 جے اوکھا ہووے بہت بخول
 چھل ہریتھ خوب پسا
 باراں سنگھا گھس لگاؤ
 عرق سونف ادھ سیر منگا
 ڈال اس دج روغن باقام
 بہت شتابی دھوے نفع
 درد بے ہووے بلغم رنج
 نہ کر قصد جے درد ریاح
 رنج تھیں درد کسے نوں ہو
 ٹمکے یک طلسم شناسی
 رنج تھیں ہووے جیکر پیڑ
 مٹھا تیلیا کچھ لیا
 درد رنج تے کرد طلا
 پچھ لگا جے کاغذی لویں
 وساں ٹمکے ہووے آزمودہ
 بلوں رانی سندھ ایم

واسطے ذات الجنب لاثانی
 ورم گرم تے لیسپ کرا
 مونگی دال جو آخش پکا
 کرے پسلی وچ تبہا ہی
 گھوٹ دروتے کرد طلا
 گرم پانی دے کرد نطول
 گھوٹ پانی وچ کرد طلا
 یا تنہا مصبر لاؤ
 مغز قلوں چھٹانک بلا
 دو تہے دفع پلا تمام
 درد سینے دا ہووے دفع
 کر توں چنگی طرح صبح
 نال دوا کروا اصل
 دارو سرد نہ دیویں کو
 بہت دفع ہویا آزمائشی
 حق افس دے دج ہے اکبر
 دونوں گو تر دج گھا
 دیوے فوراً درد گوا
 دو چند استعیں نفع اٹھادیں
 درد رنج تھیں کرے آسودہ
 دو دو ماشے وزن حکیم

گھوٹ پانی وچ کرو طلا ہور لکھاں ہک لیپ لٹانی سجی، گدگل، سندھ ایلوا درد رتج تے کرو طلا ہور محل لکھاں ضماو بابونہ، اسی، میتھی لیا گھوٹ پانی وچ کرو ضماو چونہ مرغ نخود آب پکا کھاوے روئی نال بیمار انتقال کر مودی مادہ سڑیا ہو یا گرم مواد ساہ دم اس دا اکھڑ جاوے یا ہو جاوے رسل آزار	درد پیڑ رتج رہے نہ کا مغرب ہے نسخہ دہقانی زردی بیضہ وچ ملا دیوے جلدی رب شفا کرے تخیل بریاح مواد نظمی جو بنفشہ پا ہووے رتج دا دفع فساد دار چینی زیرہ وچ پا ہووے رتج دا دور آزار طرف پھیر جے کرے آمادہ جا پھیر وچ کرے فساد مرض ذات الریہ ہو جاوے قرعہ پوے پھیر وچکار
---	--

بیان ذات الصدہ

ذات الصدہ، شوصہ، برسام ورم ہووے سینے دے وچ ہووے مادہ گرم کمال جے اوہ ہووے رومی مادہ ہو جاوے اس نوں سرسام کر مادے دی خوب شناس	ہے ہک مرض تے اس نام درد گرے تے لگے کھج اکثر تاپ ہووے اس نال ہوندا جاوے ورم زیادہ کرے نہ ہرگز بایت کلام بہت فکر دوڑا قیاس
---	---

نظر جے آوے غلبہ خون
جے غلبہ ہووے صفرا
نال علامت سمجھ ضرور
کر توں نال تراوت خوب
بنفشہ روغن، نیلوفر
روغن مغز کدو بادام
جیکر قبض شکم وچ ہو
وچ بے ہوشی رستی نال
دست جدوں ہوون اس جاری
کر اس توں تبرید طیب
سبب جے بندش رتج دا ہو
تاپ نہ ہر گز ہووے نال
عرق اجوین پودن لے
خالص ماکھیوں نال ملا
روغن کھٹ بابونہ لیا
طلب جے روگی کرے غذا
جیکر دم پیپ کر جائے
ریم دم تھیں ہووے جاری
نفث المدہ دا کرد دوا

خارج کر سب خون زبون
یا سٹریا ہو یا سودا
جیویں طیبیاں دا دستور
سر سینہ اس دا مرطوب
سر سینے تے مالش کر
مالش کرو صبح تے شام
دہہ ملین اس نوں اکو
تھوڑا تھوڑا منہ وچ ڈال
زائل ہووے جھب بیماری
شامل نال رکھیں ترطیب
درد سینے وچ زبے کھلو
ایہ دوا کر استعمال
عرق سونف ایہ دارو ترے
روگی نوں ہر روز پلا
سینے تے مالش کروا
طبع موافق سمجھ کھوا
نفث المدہ مرض ہو جائے
نفث المدہ خاص بیماری
جیویں حکیم گئے فرما

بیان ذات العرض

پسیاں
درد کہ
آکھن
ذات الہ
لیپ کر
کریں
جیکر ہو
تعم کا
مغز
پنج تو
بابونہ
مالش تر
ہور ذات

جے مٹے نور
دم سرخ
باسلیق
یا اس
تنگ نہایت
پیشہ سڑی پا

پیلیاں دے گرد نواح درد کے تے پھرے چو پھیر آکھن اس نوں ذات العوض ذات الصدر دا جیویں علاج لیپ کرو دوستانہ وچ کریں علاج اس نال شعور جیکر ہووے درد نہایت تخم کا سنی برگ سنا مغز تخم کدو بادیاں بیج تولے گلقد ملا بابونہ، اسی، میسقی لے ماشے ترے افیم ملا ہور ذات الجنب دا جو دستور	اگے پچھے پھرے ریاہ شانہ سینہ لے سب گھیر سخت عذاب دیوے اس مرض کرتوں اس دا کچھ مزاج درد پیڑ لے سب کچھ ذات الصدر جیوں دستور کے قبض دی سخت شکایت مغز بادام اس نال ملا بنفشہ ہر ہک تولہ آن گھوٹ پانی وچ تڑت پلا رائی ہر راک ماشے ترے شانہ اُتے کرو ملا اوہ بھی ایٹھے کرو ضرور
--	--

بیان ورم پستان

جے مٹے نوں ہووے ورم ورم سُرخ جے ہووے لال باسلیق دا فصد کرا یا اُس نوں جوکاں لگوا تنگ نہایت کرے جے پیڑ پھنکڑی پانی وچ گھسا	کرڑہ سخت نہایت گرم دیوے گندہ خون اُبال خون گندہ سب دور کرا ہووے گندہ خون صفا ادکھا ہووے بہت سریر شال نال افیم ملا
--	--

<p>ورم مٹے کر دے طلاء پت بکین تے نم گھوٹا بہت نہایت دیوے نفع جے ہووے صفراوی مادہ دھنیا پیلک خوب گھوٹا جے بلغم خون مرکب ہو پیش اوتھے روز بنھا جد ساری بن جاے ریم ہفتہ تک زخم رکھ جاری کر کے ساری ریم صفا پیلک پانی وچ جوشا گل خیرے دے پت گھوٹا قیروٹی اُس تے نت لگا</p>	<p>دیوے فوراً ورم اٹھا ورم مٹے تے لیپ کرا جوش خون دا ہووے دفع ہووے ستر کن درد زیادہ مٹے اُتے لیپ کرا ورم مٹے تے رہے کھلو کچا خوب مواد پکا نشر نال نکال حکیم ریم دفع ہو جاے ساری مرہم لائے کے زخم چھڑا سوچ مٹے دی نت دھوا پانی دے وچ لیپ کرا گل روغن چربی موسم ملا</p>
--	---

نسخہ مرہم مجربہ

<p>جیکر ورم ریم کر جاے وگے ہمیشہ استھیں ریم سفیدہ مصطلی لے زنگار صابن دیسی موسم سفید ہک ہک تور پنچے ہو نبید کھوتھا کر بریان</p>	<p>گندہ پیپ اس وچ بھر جاے ایہ مرہم اس لاؤ حکیم چھ چھ ماشے دا مقدار مردا سنگ رال کتھ دید خشک بروزہ تولے دو ماشے ترے ملاؤ آن</p>
---	--

تر
مر
سر
محل
جیک
بابو
پانی
سخت

جد ہو
جے ایہ
مردہ
تور
تیل
آلودہ

دودھ تھنا
نمیاں
کے

تیرے چھٹانک مٹھالے تیل مرہم گھوٹ مار بنا سرد ریاچ یا بلغم باد مخلل اس تے کرو ضماد جیکر حاجت ہو س جلاب بابونے دے پھل منگا پانی دے دج خوب گھوٹلا سخت درم تے کرو ضماد	پیہ کے سب دوا دج میل زخم قرعہ تے رنت لگا کرے جے مجھے دج فساد ہو جادے تحلیل مواد دیہ اس نوں دو دج شتاب اسی، میسقی نال ملا گھت گل روغن گرم کرا ہو جادے تحلیل مواد
---	--

مرہم مد ملہ

جد ہو جادے قرعہ صفا جے ایہ مرہم روز نکاڑے مردہ سنگ سفیدہ رال تور تور سب دوا تیل مٹھے دے دج ملا آلودہ ٹاکی کر چھڑا	بنا مرہم اس رنت لگا بہت شتابی زخم چھڑاڑے مصطکی سوم کتھ دج ڈال ادھ پا مٹھا تیل لیا مرہم گھوٹ مار بنا دیوے جھب دے زخم چھوڑا
--	--

بیان قلت لبن یعنی کم شیر

دودھ تھناں دج گھٹ جے ہوئے نمیاں وچوں دودھ نہ آئے کرے جیکر صفرا بگاڑ	بھوکا بال ایانا رودے پچہ لاغر ہوندا جلدے دیوے دودھ تھناں داساڑ
---	--

<p>پائے دودھ وچ آن فاد پانی وچ گھوٹا تمام مصری گھت ہر روز پلا مصری ڈال پلاڈ وید باد تھتاں وچ رہے کھو وافر گھيو مصالح پا کر بریان وافر گھيو پا نال روٹی کر استعمال میوہ مغزیات وچ پا دودھ چلے اس وانگ شمار دونویں وقت پھکا یا کر گوشت سیویاں چرب پلا ست ست دینہ دافرق کرا ایہو رکھیں یاد تیز</p>	<p>یا کوئی سڑیا خشک مواد چار مغز، تے مغز بادام گوکا دودھ اس وچ پا خرفہ زیرہ گھوٹ سفید سبب جے ضعف معدے اہو جانوراں دا ماس کھوا بیضہ مرغی دا منگوا زیرہ دارچینی وچ ڈال نشاہتہ گھيو کھنڈ نال پکا کھاوے عورت رت نہار سونف کھنڈ گٹ پھکی کر متنجن، پھرنی روز کھوا دو ترے اوس جلاب کرا ہرگز خشک نہ کھاوے چیز</p>
---	---

بیان تعریف شان قلب یعنی دل

<p>دل اعضاء لائق تعریف کل اعضاء دا سردار دل اعضاء دا بادشاہ سب اعضاء اس خدمتگار جس اعضاء تے حکم چلاوے</p>	<p>شان اعضاء وچ شریف حاکم بدن فعل مختار ہور اعضاء تمام سپاہ وچ حکم دل تابعدار ذرا نہ ہرگز عذر یادے</p>
---	--

دل پیدائش رُوح حیوانی	جس نول نشان بقا زندگانی
دل مبدا ہے فعل قوے	دل تھیں شروع قوت ادرار
جو اعضاء باطن تے ظاہر	دل دے حکموں نہیں کوئی باہر
دل دے دینج جیہڑا ارواح	کرے بدن دی بہت اصلاح
دینج رگاں پھیاں شریان	چرخ و انگ کرے دوران
رکھو اس دا بہت خیال	مت کوئی ایس نول پوے زوال

بیان مرض خفقان

جد پہنچے دل نول نقصان	پیدا مرض ہووے خفقان
طیش کرے دل رُوح گھبرے	چنگا کچھ نہ دل نول بھارے
گھٹا دل نول پوے مدام	آوے کسے نہ وقت آرام
لگے دل نول ڈاڑھی کھچ	ہووے بہت طبیعت زہج
پہنچے دل نول سخت الم	ڈوبا رُوح رہے دینج غم
کدے کدے ہووے غش آن	دیوے دل نول ضعف زیان
دل نول بہت پوے پھڑکار	ہرگز کم نہ سوچھے کار
خوشی نہ ہرگز اس نول آوے	رُوح غوطے غم دے دینج کھارے
فکر اندیشہ، بھیڑی خراب	آون سُفنے بہت خراب
کرے دیلاں تے وہمات	نیمند نہ آوے دینہ تے وات
رہے طبیعت منو جھمان	وانگ سودائیاں پھرے حزان
دل تھول سر نول چڑھے بخار	عقل فکر دینج پوے بگاڑ
دل دے اندر پوے خواری	ہوش مبدھ جاوے سب ماری

تنگ ہووے دل پٹے رے
 رہے ہمیشہ غم اندوہ
 اُودے دل ہووے نسیان
 سبب مرض دا کرو معلوم
 نال عقل دے سمجھ مزاج
 سبب ضعف دا جے صفرا
 داخل دل وچ ہووے آن
 سڑکن تلخی کرے خواہ
 اکھیں چہرہ زرد زبان
 مجرب نسخہ نکھاں عجیب
 گرم جیکر ہووے خفقان
 گھاؤ زبان دے پھل منکا
 پھل گلاب تے صندل بوڑا
 رات پانی وچ تر کردا
 تل کے پُن کے صاف کرا
 جد شربت دی پکے تار
 خنڈا کر بوتل وچ پا
 بیدار تے عرق گھاؤ زبان
 عرق کیوڑہ ، عرق گلاب
 نسخہ ایہہ بڑا اکسیر
 آملہ وحنیاں نیلوفر

سرے دال غصے تھیں کھوے
 دل نوں بھلا نہ لگے کو
 پلوے عقل دے وچ زبان
 نال علامت جیویں رسوم
 کر توں اس دا پھیر علاج
 یا سڑیا ہو یا سودا
 دیوے دل نوں بہت زبان
 ہر دم رُوح رہے بزار
 کوڑا رہے ہمیشہ دُمان
 کرے جے استعمال طیب
 جاوے دل دا چھوڑ مکان
 گھاؤ زبان بھی نال ملا
 ہر یک لے بیج تو لے پورا
 فخرے دو ترے جوش دوا
 سیر پکا وچ مصری پا
 آگ تھیں اُس نوں سپیہ اتار
 نت پلا وچ عرق ملا
 فخرے نال ملا آن
 وقت شام دے میل شتاب
 بخرے سائیں بخش نقر
 گھاؤ زبان وچ شامل کر

نفوع کر کے ہر روز پلا
 ماء الجبن جیہا نہیں علاج
 ترے ترے ماشے دار دتے
 ماء الجبن نال رکھو شروع
 حق اس سے وچ ہے اکیر
 بہت شتابی چنگا تھیوے
 پیوے روگی نت نہار
 اوہ بھی دیویں نال ملا
 دور کرے دل دادہ مات
 غم اندوہ سب کرے دفع
 فائدہ بخش بے شمار
 بکری دا دودھ شام پلا
 نت پلا مصری وچ گھول
 نال لعاب ملاؤ شتاب
 لکھاں طبیعت کرے آسودہ
 کھادے فخری مصری نال
 فائدہ بہت نہایت پایا
 نال پانی دھو صاف کرا
 چھلکا چنگی طرح خراش
 مصری ترے پا نال ملا
 گاجراں ہرگز رہن نہ خام

بڑہ حسد نال ملا
 جے اس ہودے خشک مزاج
 انقیمول پا پڑہ دھنیاں لے
 کر کے پانی وچ نفوع
 عرق پیوے کڈھ تازہ شیر
 عرق نیلوفر جیکر پیوے
 شربت گل پھل کر تیار
 گل پھل دا عرق کھینچا
 مجرب ایہ نسخہ کرامات
 گلقد پھل دی دیوے نفع
 تر بوڑ زبو سنگترہ آنا
 گوکا مکھن فخر چٹا
 لعاب بہیدانہ اسبغول
 روح کیوڑہ تے عرق گلاب
 دہقانی لوطکے ہور آزمودہ
 گاجراں راتیں رکھ او بال
 مرتبہ گاجراں دا آزمایا
 گاجراں سیر پکا منگوا
 نال چاقو دے خوب تراش
 کڑا ہی دے وچ گھت بوشا
 ماکھیوں دانگ پکے جد توام

دے ہر گز

آگ تھیں لاه بھانڈے مچ پا
 ہک شناسی کینا فقیر
 شربت روز پلا انار
 انقیموں دھنیاں رات پوسا
 فجری تل پٹن صاف کرا
 جے دیویں سنگھیں لیموں
 سنگھیں جے پیوے سادہ
 مڑیہ بیہی تے سیب کھوا
 مڑیہ آملہ زرد ہریٹ
 دل نوں بہت پوے پھڑکا
 کشمش سبز دانہ پنجاہ
 دانہ رک رک یا دودھ
 پچھوں اودہ پلاؤ عرق
 ترے ہفتے دیہہ نققہ تلپین
 کدھو مغز کدو دا تیل
 شیرہ دھنیاں مشک کافور
 سینے اُتے کرو طلا
 سرد انوشداو جے کھامے
 ملین مسہل کر کے تیار
 دساں میں ہک ہو رضماد
 کاسنی دھنیاں مشک کافور

ایہہ مڑیہ روز کھوا
 عرق گاجر ڈٹھا اکیر
 دفع کرے سب صفرا دا ساڑ
 چھ چھ ماشے وزن تولہ
 پیوے روگی مصری پا
 دفع کرے صفرا زبولن
 دفع کرے سودادی مادہ
 سونا چاندی ورق لگا
 دل دے ضعف نوں ہے اکیر
 ہووے روگی بہت بینار
 گلاب ادھ پا دھج تر کردا
 کھادے سوئی نال چھو
 جادے ضعف ہووے جھب نرق
 دفع کرے خفقان بعین
 بنفشہ روغن لے دھج میل
 روغن نال ملاؤ ضرور
 تلخی دفع ہووے گھبرا
 خفقان گرم نوں جلد و نجاے
 ہر ہفتہ دیویں ہک بار
 ہووے سرکن دور فساد
 پھل گلاب تے صندل بود

گھوٹ پانی دج کرو طلا
 جے دمو ہودے خفقان
 پیتا بھل جائے سر بھارا
 باسلیق دی چھڈو رت
 آو انبلی رات پوسا
 شربت زنت پلا عتاب
 گرم غذا نہ ہرگز کھائے
 جیٹری پچھے لکھی دوا
 حاجت ہووے پوسے جد آ
 مایخولیا دا جو باب
 بلغی جے ہودے خفقان
 ریح سرد یا بلغم باد
 ڈھلی نبض سفید پیشاب
 ہودے خاص جے سرد مزاج
 گرم معجون اس دیوے نفع
 روغن دار چینی لے آ
 دل سینے تے کرد طلا
 کٹھ لونگ سوٹھا چھڑ لیا
 گوشت جانوراں دا کھائے

دیوے فوراً ساڑ دجا
 اکھیں چہرہ سرخ دان
 تلخی تریہ لگے بھڑکارا
 شربت سرد پلاؤ دت
 فجر پلا زنت مصری پا
 صاف کرے سب خون خراب
 لون مریج دے راہ نہ جائے
 اوہ بھی استعمال کرا
 وچ مایخولیا دیکھن جا
 لکھیا اندر ایس کتاب
 آون نظر جے سرد نشان
 پاوے دل وچ بہت فساد
 پھٹا ذائقہ بہتی خواب
 کر توں اس دا گرم علاج
 خفقان سرد ہو جائے دفع
 بالونہ روغن مال ملا
 دیوے دل دی ریح دجا
 گھوٹ پانی دج کرو طلا
 ردی نال وافر گھیو پاوے

بیضہ مرغی دا بریان
 کر کے ننت کھواڈ آن

نسخہ عرق شیر

کہ ال بیان اس دی تدبیر میل دوا ترے عرق کدھا بوره صندل شامل کر پنج سیر پانی گھت پوسا پنج چھ بوتل عرق نکال رہے نہ اس دا نام نشان مصری تھوڑی جیہی رطلا	جیکر عرق نکالو شیر دہ سیر گوکا دودھ منگا گاڈ زبان تے نیلوفر دس دس تولے وزن تولا فجر رلائی کے دودھ لے نال گرم جیکر ہودے خفقان ادھ پا پکا نت پلا
---	--

بیان نفوق ملین

کہ لڑوں اس نول نال یقین مارے جوش بدن وچ خون دیوے اس تھیں جھب مائی خارج بدنوں کرے نشان کہو دوا ایہہ استعمال اکو بخارا دانے شٹ رات پانی گھت رکھ پوسا مصری ادھ پا حل کرا دینہ وچ دو ترے دفعہ یا چار نعم اندوہ سب ہوں ناس	کہ ال بیان نفوق ملین محرزہ تاپ ، ہیضہ طاعون یا کوئی ہودے مرض دبائی گرم خفقان زردیرقان جیکر کھنگ نہ ہودے نال ابلی لے نت تولے اکھ دانے دیہہ زرد آکھ لیا فجرے کل پھن صاف کرا ایہہ نفوق پیوے بیمار دل دا دور کرے وسواس
--	---

خانہ
نسخہ
محرزہ
ہیضہ
دس
سرکہ
سرکہ
بوره
سرکہ
بوره
نویں
دو
جد
نکال
پانی
مصری
تھوڑا
عرق
ایہہ

خارج کرے موزی صفرا

تلخی دور کرے گھبرا

شربت مجربہ سائیں بخش

تجربہ کیتا ہو یا لاشانی
سرطن ترپہ تلخی یرقان
پیوے دیوے رب شفا
اصلی ہووے باہجہ قصو
ویہ ویہ تو لے قدر حساب
مٹی دے برتن وچ پا
فجرے مل پن صاف کرا
ڈھک پیالے دے وچ رکھ
قلعی دار بھانڈے وچ پا!
دونویں پاڈ پاڈ کر ہمراہ
چنگی طرح دوا سب گال
سیرہک پکا نظری آئے
سرکہ عرق گلاب ملا
میسو پاڈ پاڈ مقدار
شربت دانگ پکاؤ پت
روگی نوں دو وقت پلا
فائدہ بہت نہایت پاویں
ہووے بہت شفا بیمار

نسخہ کراں بیان یونانی
محرقة تاپ غشی خفقان
ہیضہ ڈالی مرض ویا
دس تو لے لے صندل بور
سرکہ خالص عرق گلاب
سرکہ عرق گلاب ملا
بورہ اس وچ رات پوسا
سرکہ عرق دونویں کر دکھ
بورے سرکیوں جدا کرا
نیں انہلی آٹو سیاہ
دو سیر پکا پانی ڈال
بد پانی ادھا جل جاوے
کے اُس نوں صاف کرا
پانی نیو ترشش انار
مصری سیر پکا وچ گھت
ٹھنڈا کر بوتل وچ پا
عرق سردجے نال پلاویں
ایہ نسخہ آزمودہ کار

تدبیر

کڑھا

کے

پوسا

نکال

نشان

ملا

یقین

خون

بائی

نشان

تعال

شفا

پوسا

کے

نشان

باچار

صفت نوشدارو سرد

نسخہ کراں بیان عجیب
کھاوے نت صبح تے شام
ڈھٹی اس دی عجب تاثیر
سرد نوشدارو اس نام
کئی دفعہ اس نوں آزمایا
سفید ہمن طباشیر لیا
بورہ صندل سرخ سفید
مغز کدو تے گوند کثیرا
چھوٹی الاچی بھل گاؤ زبان
پھل گلاب اصلی وچ پا
خالص کیسر مشک کا فور
آملہ ادھک سیر منگا
فجری دیگی دے وچ ڈال
کل کے خوب ہتھاں دے نال
عرق کیوڑہ عرق گلاب
عرق گاؤ زبان گھت نال
پانی سیب تے آب انار
سیر پکا مصری وچ گھت
ماکھیوں وانگ کچے جد توام

استعمال جے کریں طیب
آوے جلدی نال آرام
وچ تقویت دل اکیر
وچ مشہور طبیبان عام
فائدہ بہت نہایت پایا
دھنیاں دے بھن مغز کڈھا
زرشک صاف لے غزوید
مغز تخم کھکھڑی کھیرا
گاؤ زبان بھی ڈالو آن
ہر ہک تولہ وزن دوا
ترے ترے ماشے میل ضرور
رات پانی وچ تر کر دوا
چنگی نال طرح دے نکال
چھانسی وچ دواں مغز نکال
بیدمشک وچ ڈال شتاب
سنگتیاں دا پانی ڈال
ہر ہک پاؤ پاؤ دا مقدار
آملہ سنے پکاؤ پیت
کٹ دوا ملاؤ تمام

ایہ
ونک
جو

جیکہ

سبب

ایہو

چھل

بنفٹ

پھل

سوفت

کل کے

تازہ

وچ ج

تولہ

حقے

جے کو

دست

ہر ہفت

ایہو جو

<p>ایہ مفرح سرد دوا ورنہ اس دا مثقال چار جو شربت ہوئے مذکور</p>	<p>روگی نوں ہر روز کھا کھائے دو نویں وقت نہار ادہ بھی نال پلاؤ ضرور</p>
<p>صفت مسہل ملیں</p>	
<p>جیکر ہووے قبض کمال سبب معدے جے پوے بگاڑ ایہ جو شانہ دیہو ضرور چھل ہریڑاں تولے چار بنفشہ تولہ یک ملا پھل گلاب چھٹانکی ڈال سونف تولے دو کٹ ملا تل کے پُن کے صاف کرا تازہ گودا انبلساس وچ جو شانہ حل کرا تولہ یک روغن بادام حقے اس دے ترے کرا جے کوئی کئے وار پلاوے دست جدول ہو جاوے جاری ہر ہفتہ دیویں اسہال ایہ جو شانہ مسہل خوب</p>	<p>نسخہ کراں بیان اسہال کدھے باہر معدیوں ساڑ رہے نہ جتے وچ قصور انبلی بیج تولے مقدار مینلو تولہ نال سنا کاسنی دو تولے گھت نال رات پوسا سب فجر جوشا کھنڈ سفید چھٹانکی پا یک چھٹانکی کر کے قیاس نال چھاننی صاف کرا وچ جو شانہ میل تمام فجرے پیشی عصر پلا قے دے نال نکل سب جائے قطع ہو جائے کل بیماری قوت موسم عمر سہال دیویں جدول ہوئے مطلوب</p>

نسخہ مجربہ خفقان سرد

دفع کرے ٹھنڈا خفقان
رتج جوڑاں دینے مارے دنگ
کڑھے باہر جسم تھیں مار
دار چینی چھڑ کر ہمراہ
الاجی دانہ مصطکی دید
بادر نجمویہ ڈال ضرور
جلوتری پودنہ، سندھ بادیان
گٹ دوگنا ماکھیوں دینے پا
ہو جاوے معجون تیار
دیوے سرد آزار دغا
پچھوں روز پیوے دن رین
بہت نہایت فیض پہنچا دے
کہتے ایہ نسخہ آزمائشی

مغرب نسخہ کراں بیان
گنٹھیا داؤ مرگی ادھرنگ
ہور جو ہوں سرد آزار
لونگ بالونہ زیرہ سیاہ
موتھا بہمن سرخ سفید
عود، الاجی خورد، کچور
گھاں خونجاں بھنگ بریان
ہک ہک تولہ سب دوا
میل دو ہفتے رکھ سنوار
چھ چھ ماشے رنت کھوا
عرق پودنہ سونف اجوین
ماکھیوں دو تولہ رنت کھاوے
سائیں بخش حکیم شناسی

بیان مرض غشی

جدول غشی دی ہو دے مرض
رنگ اکھیں چہرے دا زرد
ہو دے نبض ضعیف باریک
کریں معلوم جے گرم سبب
خاص علامت ایہہ بالفرض
ہتھ پیر ہو جاوے سرد
سکتے دانگ ہو جاوے ٹھیک
ایہہ علاج کریں اس وجہ

بید مشک تے عرق گلاب
 شربت نال انار ملا
 مندل مشک کافور گلاب
 باہج پچھاں دے موراں دج
 خالص عرق گلاب منگا
 جدوں بیمار آوے دج ہوش
 مرتبہ بھی تے سبب کھوا
 سبب ضعف دل جے غش کھاے
 میل گاؤ زبان دا عرق
 سنگتیاں دا پانی پیوے
 مرتبہ آملہ دا نت کھاے
 جیکر خشکی ہوس کمال
 جیکر ہووے سرد سبب
 دیویں گرم کوئی نسوار
 کانپھل کندش مرچ سیاہ
 پیسہ باریک ناسا نوچ پھوک
 جے دوکھ بہت پُرانا ہو
 ہووے اس دا سرد مزاج
 سرنوں چڑھی رہے نت گھاڑ
 معدیوں رنج اٹھ سرنوں جاے
 ہتھ پیر ہو جادن سرد

روح کیوڑہ دج ڈال شتاب
 دج حلق قطرہ پیکا
 شیشی گھت سنگھ شتاب
 پنڈلیاں تے سنگیاں کھج
 چہرے اُتے کر چھڑکا
 سُنے آوازہ کر کے گوش
 نال چاندی دے ورق لگا
 شربت نت انار پلاوے
 پیوے نت ہووے جھب فرق
 بہت شتابی چنگا تھیوے
 ایہ بھی دل دا ضعف دجائے
 گھو دودھ دیہ مصری دج ڈال
 جعفل سنگرف دیویں جھب
 ہووے زائل غشی آزار
 لونگ تھوڑا جیہا کر ہمراہ
 مار آوازہ اوچی کوک
 رہے جسم دے دج کھلو
 دل نوں رنج دیوے اختلاج
 دل دے دج پوے پھر کار
 پھر کے دل روح نوے کھاے
 معدہ جگر کرے نت درد

<p>آوے دل نول سخت آزار ایس سببوں غش اس آئے دیوے جیہڑا رتج و نجا ردگی نول ہر روز کھوا تیل مٹھے دی ذرا نہ ڈر جیویں طیبیاں دا دستور الاچی دانہ نال ملا سمجھ مزاج کرد اس آن طبع موافق کرد علاج</p>	<p>بہت رتج جد دیوے زور ضعت ہووے گھاو ل کھاوے دہ اس نول معجون بنا منقہ دھوے کے گرم کرا تھیں پیریں نالش کرا پاشویہ بھی سکرو ضرور گلقد تازہ اس روز کھوا ہور علاج جیہڑے خفقات گرمی سردی سمجھ مزاج</p>
--	---

بیان معجون مجربہ غشی سرد کنہ

<p>رہے نہ رتج دا نام نشان سندھ، جلو تری لوگ تگر چھوٹی الاچی کہ ہمراہ خونچاں نال چھڑیلہ گھت ہر یک تولہ وزن دوا ماکھیوں وچ معجون بنا موسم عمر مزاج سہل دفع کرے دکھ درد تمام</p>	<p>مجب کراں معجون بیان مرچاں گھاں مصطکی چھڑ الاچی دانہ، زیرہ سیاہ دارچینی، جھل تیز پت چھل ہریڑاں پودنہ پا دارو سمجھ کٹ پھنا وزن خوراک اس دا انتقال معجون ارسطو اس دا نام</p>
---	--

بیان تعریف شان معده

معدہ
فیض بہ
پٹ پٹ
گوشت
سب
معدہ
معدہ
جدول
جد معده
جاد

پیٹ
کچا کھا
خون
جاوے
جکیم
معدہ
توت
کھڑ
کرتور

معدہ حوض بدن دا جان فیض بدن نوں بہت پہنچا دے پٹھے ناراں شریاں گوشت پوست کل اعضا سب اعضا معدے دے سوا معدے دا کل جسم محتاج معدہ نہ غذا پہنچا دے جدوں اعضا ہوں بیمار جد معدے وچ پوے فساد جادے جد اس بگڑ مزاج	مرتبہ اس دا عالی شان ہرگز وج شمار نہ آوے بھلی پردے دل رُوح جان معدے وچوں کرن غذا جدوں غذاؤں ہوں خالی ہر یک عضوے نوں احتیاج طاقت کل جسم گھٹ جاوے معدہ ہووے خدمت گار دیوے کوئی نہیں امداد جھیدے اس دا کرد علاج
--	---

بیان مرض اسہال

پیٹ کسے دا ہووے جاری کچا کھانا باہر آوے خون آوے سل دستاں نال جاوے مرض پُرانی ہو حکیم ہندی سنگرہنی کہن معدہ ہضم نہ کرے غذا قوت بدنوں گھٹدی جاوے کھڑے کچھ نہ معدے وچ کرتوں اس دی خوب شناس	پوے شکم دے وچ خواری سول نال روگی کرلاوے کہن حکیم اس نوں اسہال مدت تک جے رہے کھلو بہت دیر تک دست جے رہن لاغر ہوندے جان اعضا روگی فکر کرے غم کھاوے دقت مردے گئے بچ! کر کے مٹاں فکر قیاس
---	---

گرمی سردی سمجھ مزاج
 جے صفرا دا ہووے زور
 رنگ دست دا ہووے زرد
 گرم چیز اس رنج پہنچاے
 رنگ اکھیں چہرے دا زرد
 سرکن ترہیہ تلخی گھبرا
 مادی مرض ہووے یا سادہ
 اول اُس نون تے کردا
 دو ترے چارے کے تلٹھیں
 قطع ہووے موزی صفرا
 ہر ہفتے دینج ہک دو بار
 پکڑے معدہ جددں صفائی
 فاسد مواد بکل سب جادے
 پھیر طبع دی کراصلاح
 مواد جے نہ ہووے اخراج
 مت مواد ہو جادے بند
 قابض سخت نہ دیویں چیز
 جے کچھ باقی رہے مواد
 یقین مشہل ہووے دیوا
 سخت تیز جیکر صفرا
 معدے دے دینج کرے بگاڑ

نال عقل دے کرد علاج
 آون معدیوں دست مرد
 ہووے سخت شکم دینج درد
 سرد چیز تھیں فائدہ پادے
 سفرہ کرے نہایت درد
 ہین نشانیاں ایہ صفرا
 تے نال خارج کر بادہ
 نہیں کوئی اُس دے جیہا دوا
 خارج کرد مواد تعین
 تلخی دور ہووے گھبرا
 دیویں تے تلٹھیں بیمار
 آون کھلے دہست غذائی
 مادیوں معدہ صاف ہو جادے
 دے کے قابض سرد دوا
 قابض کریں نہ کوئی علاج
 پادے جھبے اجل کمند
 ایہو رکھیں یاد تمیز
 کرے شکم دے دینج فساد
 کر معدہ اس خوب صفا
 تلخی بہت کرے گھبرا
 درد شکم سفرے دینج ساڑ

دہیہ
 لکھا
 نوا
 زرد
 راز
 چاد
 اچا
 اچا
 گوئی
 مرتبہ
 چانو
 کھاو
 آٹا
 روگ
 کنگہ
 خوب
 فوری
 گاہر
 ساگر
 یا کھا
 رٹھا

دیہ توں اس نوں ترش دوا
 لکھاں عجائب اک نقوع
 نواں انار دانہ منگوا
 زرشک سماقی ایہ داروچار
 رات پانی دج تر کروا
 چاول مونگ پکاؤ رات
 اچار نبو سنگترہ انار
 اچار گاجر دا دیوے نفع
 گوئی لستی بہت پلا
 مرتہ ہی دا گھوٹ پلا
 چانول بھن کونڈی گھوٹوا
 کھاوے روگی چچے نال
 آٹا باجرے دا منگوا
 روگی نوں ہر روز کھوا
 کنگنی دے چاول پکواوے
 خوب دیوے معدے نوں گھوٹ
 فوری دہی چاول بت کھاوے
 گاہڑی بہت لستی بت پیوے
 ساگ سر ہوندا کھن پا
 یا کھاوے مچھتی بت اباں
 رٹھا مریج نہ ہرگز کھاوے

معدیوں کٹ سٹے صفرا
 ہک دو ہفتے دکھ شروع
 آملہ اس دے نال پلا
 ہک ہک تو لے دا مقدار
 فجرے مصری ڈال پلا
 کھاوے فجرے گھت جفراں
 دفع کرن معدے دا ساڑ
 گرمی کرے معدے دی دفع
 دیوے اس نوں رب شفا
 طباشیر سمجھ نال پلا
 فربنی دیگی دج پکا
 دست بند ہوون فی الحال
 رابڑی لستی دج پکا
 لستی گاہڑی بہت پلا
 گھت چکے دی نت کھاوے
 ذرہ مرض دا رہے نہ کھوٹ
 رات ندی دودھ نال لنگھاوے
 فضل خدا تھیں چنگا تھیوے
 جے روگی بت کرے غذا
 دفع ہوون معدی اسہال
 تال اوہ روگی صحت پاوے

ہر ہفتہ دیوے تلین
تے جیہا نہیں کوئی دوا

یاد رکھیں مت نال یقین
دیوے مرض اسہال و نجاس

بیان مرض سنگرہنی کہنہ

جیکر مرض پُرانی ہو
معدیوں بہت آون اسہال
جیکر مرض پُرانی ہو
جیکر تپ نہ ہووے نال
پہلاں دو ترے کرتلین
کر کے معدہ خوب صفا
مغرب جہاں ایہہ آزمودہ
پاوے معدے وچ کمند
ماجو مائیں چھل انار
سماق مصطکی لے وچ گھت
سپاری، کرکر گوند افیم
ڈنڈے کوڈے وچ گھوٹا
گولی ہک ہک ماشہ مقدار
جے معدی ہوون اسہال
ہک گولی پانی لے نال
کرتلنی چانوں مسر جوار
گوکا دہی رنت نال ملا

رہے جسم دے وچ کھلو
حالوں بہت کرن بد حال
وٹیاں حب آزمودہ کو
کر توں اس نوں استعمال
خارج کرد مواد لعین
مڑ ایہہ نسخہ شروع کرا
سفاہ ارزانی دامنودہ
فوراً دست ہو جاوون بند
حب آلاس کند گلنار
ہر یک ہوون ماشہ ست
ترے ترے ماشہ وزن حکیم
پانی تھوڑا جیہا ملا
بنھول شتر وچ شمار
تپ نہ ہووے ہرگز نال
کھاوے رنت نہ رہن اسہال
کھاوے جو آوے درکار
نستی گاہڑی کرے غذا

گرم

نسخہ

مص

ہر

چھ

کھوڑ

پتھر

جیکر

بہت

پھل

ڈنڈ

چھ

کھوڑ

پتھر

یا

گاہ

رنت

کھا

درکار

نستی

گاہڑی

کرے

غذا

گرم چیز دے راہ نہ جائے گوشت، مٹھا، مریچ نہ کھائے

نسخہ مجربہ اسہال صفراوی

نسخہ کہاں تک بہت پسند
مصطفیٰ بل کتھ پوست رال
ہر یک تولہ وزن دوا
چھ ماشے رنت وزن کھوا
پچھڑی چاول امر پکا
معدی دست کرے بھب بند
موچرس گوند بکھر دوج ڈال
پیہ کے سارے جمع کرا
کھائے دوج گلقد، ملا
رنت کھوا دوج دہی ملا

نسخہ مجرب اسہال معدی خونی

جیکر تینوں ہودے لوڑ
بہت بیماریاں تے آزمایا
پھل دھادا بھنگ چھل اند
ڈنڈے گوندے دوج گھوٹا
چھ ماشے رنت وزن خوراک
پچھڑی چاول رنت پکا
یا گاہڑی لستی دے نال
رنت روٹی کھوا جوار
لکھاں مجرب نسخہ ہود
ہرگز کدے خطا نہیں پایا
مصطفیٰ ہر یک تولے چار
ماکھوں بخوڑا جیہا، ملا
کھائے صحت کرے رب پاک
کھائے گوکا دہی ملا
کھائے دفع ہودن اسہال
لستی نال نہ رہے آزار

بیان نسخہ مجرب اسہال خونی

کہاں تک فقیر شناسی
ایہ نسخہ میرا آناشتی

نہیں
و نجا

کھلو
حال
کو
حال
بین
کرا

مردہ
بند

لنار
ست
طکیم

ملا
شمار

نال
سہال

دکار
غذا

<p>جے خونی ہوں اسہال ہرڑاں زنگ چھٹانکی آن چھل بیڑہ پھل انار چھ ماشے روگی نت کھائے دودھ چاول دہی لسی نال عوض پانی دے لسی پیوے جے پیوے شربت انجیار پلا شربت نت حب آلاس</p>	<p>کرد اتھائیں استعمال گھیو گوکے وچ کر بریان دو دو تولے دا مقدار لوئن مریج دے راہ نہ جائے کرے غذا نت استعمال گھاڑے پانی باہجھ جو تھپوے خونی دست ہو جان فرار کرے اسہال خونی داناس</p>
--	--

نسخہ مجربہ اسہال

<p>سوفت ہریڑاں زنگ لیا دو دو تولے دا مقدار سوفت ہریڑاں کر بریان گھوٹ کونڈے وچ چار دوا زرشک سماق دانہ انار کر کے پانی وچ نقوع! قابض اس نوں دیہ غذا میل انار دانہ وچ گھوٹ</p>	<p>زیرہ نال سفید ملا بھنگ ملا وچ تولے چار گھیو دے وچ ملاوت آن چھ ماشے تک روز پھکا آملہ وزن برابر چار پھکی نال رکھو نت شروع ترشی شامل نال ملا دفع کرے صفراوی گھوٹ</p>
---	--

گلگل بنو ترش آچار
دفع غذا میلو ہر بار

بیان اسہال ریاحی

جیکر ہودن دست ریاحی قرقر ہووے معدے وچ چھل ہریاں پودن لیا زیرہ بھن سفید سیاہ تخم کرفس بالوں بریان ہر یک تولہ وزن دوا کھاوے چھ ماشے مقدار جیکر سرد ہووے اس ریاح قبض محکم وچ کرے زیان گرم دوا اس دیوے نفع جانوراں دا ماس کھوا جس دا ہووے سرد مزاج	رتخ معدے وچ کرے تباہی بولے پیٹ دیوے رتخ کھج دو دو تولے وزن تولہ سونف انیسوں کر ہمراہ بذر البتج مرچاں احوان کٹ چھان وچ شہد ملا صبح شام رت دقت نہار کریں عقل دے مال صحیح سرد چیز دیوے نقصان کرے ریاح سردیوں دفع دار چینی زیرہ وچ پا اس دا ہے ایہ خوب علاج
---	--

نسخہ شناسی مجربہ اسہال ریاحی

نسخہ بڑا عجیب آزمائشی کرے کوئی ایس نوں استعمال شکر گڑ جعفری لونگ انیم چارے ڈال کھل وچ پیس گل مال پانی دے کھاوے	آکھیا راست دین شناسی دفع ہودن رتخ دے اسہال ترے ترے ماشے وزن حکیم منقہ وچ بنہ حب چاہیں دست ریاحی ترے دنجائے
--	--

نسخہ آزمودہ سائین بخش اسہال ریح

نسخہ یاد مینوں یک آیا اودہ بھی نسخہ کرتوں جھب پودنہ باغی زیرہ سیاہ زلف ہریٹاں دانہ انار سیرکہ تیز چھٹانک منگا فجرے دھوپے کرتوں خشک دوٹاں نوں کر کے بریان کٹ چھان کے کر سفوف	دو ترے چار دفع آزمایا بخشے صحت شانی رب دھنیاں آملہ کر ہمراہ ہر یک دو تولے مقدار دھنیاں زیرہ رات پوسا رہے نہ پانی دا دج مشک دج دوا ملاؤ آن چھ ماشے دیہہ نال دقوف
--	--

نسخہ اسہال ریح

مصطلی زیرہ لے سفید آملہ چھل بہیرہ لیا ہر یک تولہ دا مقدار چھ ماشے دیہہ نت سفوف	ہر رٹاں سیاہ ملاؤ دید دار چینی دج سفوف ملا پودنہ ڈال تولے دج چار دست ریاجی کرے موقوف
---	---

نسخہ اسہال ریاجی

ہر یک کواں بیان دوائی ترے اجوین لے زیرہ سیاہ پودنہ دار چینی دج گھست	دفع کرے اسہال ریاجی انیسوں تخم کرش ہمراہ وزن برابر دارد آٹھ
---	---

کٹ چھان کر بھکی تیار
ہک دو ہفتے بے نت کھائے
چھ ماشے دیہہ وقت نہار
دست سول ریح نفع دنجادے

نسخہ اسہال ریاحی

ہدری نسخہ کراں بیان
استعمال ہے کریں طبیب
گوگل بھینسیا تولے چار
منقہ گھیو وچ کدیر بیان
ماشے ترے افیم ملا
حمام دستے لوہے وچ گھت
گولی ماشے دا مقدار
ہک ہک حب دو وقتی کھائے
جائے ریح معدے نول چھوڑ
جو گراج حب اس دا نام
رہے نہ ریح دا نام نشان
ہے ایہہ نسخہ بڑا عجیب
منقہ دو تولے مقدار
دانے سب نکالو آن
ایہہ ترے دارو جمع کرا
کٹ سوا لکھ لاؤ سٹ
بھول ستر وچ شمار
گرم پانی دے نال لنگھائے
اسدے جیہا دوا نہیں ہو
مشہور وچ طبیبیاں عام

شناسی لٹمکہ مجرب اسہال

لٹمکہ کراں بیان آزمودہ
کریں جے ایس نول استعمال
رتی ترے افیم لے آ
بارال وزن بناؤ سب
نہی لسی دودھ کرے غذا
بزرگ شناسی دا فرمودہ
زائل مرض کرے فی الحال
توتیا رتی ڈیڑھ ملا
دیہہ دو وقتی ہک ہک حب
ترے ماہ استعمال کرا

دو ہفتے بعد دوائی چھوڑ کرے دوا نہ ہرگز ہو

علاج اسہال اطفال

دست جیکر آدن اطفال
 رنگ دست دا کرو معلوم
 رنگ دست دا جیکر زرد
 پہلاں اس نوں دیہہ تلئیں
 کر کے معدہ خوب صفا
 یک تولہ لے کے نپال
 ہر ڈال سیاہ گھیو دج بریان
 چار رتی دج ڈال افیم
 ادھی جب ایاناں بال
 تک دو حب خوراک جوان
 کنگنی دے چاندل دے نال
 پوست بھنگ کر کے بریان
 بھنگ یا پوست دا گھٹ پیوے
 لٹکا شیر خوارہ جو ہو
 ماؤں اُس دی دا کرو دوا
 خراب ہووے جیکر اس دودھ

بھالوں بہت کرن بدحال
 نال علامت جیویں رسوم
 ہووے سخت شکم دج درد
 خارج کرو مواد لعین
 پچھوں اس دا کرو دوا
 چھ ماشے مائیں وچ ڈال
 کر کے تولہ میلو آن
 حب اکیس بنا حکیم
 کھادے دست جادوں فی الحال
 دافر وزن دیوے نقصان
 دیہی لسی کر استعمال
 دیہہ ذرہ یک پونڈی آن
 حکم خدا تھیں چنگا تھیوے
 دارو کھا نہ سکے کو
 دیوے اس نوں رب شفا
 نال دوا کرویں سدھ

گرمی سردی سمجھ مزاج
 طبع موافق کرو علاج

ذرہ ذ

رودیا

جگر یا

مودی

رودیا

چار

ریشہ

لعاب

سوڑیا

گوند

دومالی

دیویں

قالبض

بے جگر

درد پر

میلے زر

شعفہ

بیان اسہال رودی

ذره ذرہ آون اسہال رودیاں دے وچ ہووے پیر جگر یا معدیوں گرے مو موزی مرض دیوے جد زور رودیاں دے وچ کرے خراش چار تخم کرے بریان ریشہ خطمی کڈھ لعاب لعاب کڈھ کے اسغول سوڑیاں خطمی نیلوفر گوند کتیرا رات پوسا مدامی سیویاں نت کھوا دیویں نت غذا فالودہ قالبض کوئی نہ دیویں چیز	خون یا پول آفے اس نال اس نول کن اسہال ذحیر پاوسے رودیاں دچ فساد مادہ گرم ہووے یا شور گل گل نکلے باہر ماس اس نول نت پھکاؤ آن پچھوں اوس پلا شتاب نت پلاؤ مصری وچ گھولی کڈھ لعاب پلایا کر فجر پلاؤ دودھ مصری پا ہے آزمودہ عجب دوا ایہ بھی بہت دفعہ آزمودہ ایہو رکھیں یاد تینر
--	--

بیان اسہال جگری

بے جگری ہون اسہال درد پیر نہ ہووے مول پیلے زرد یا ہون لال ضعف جگر دے سب نشان	اکثر آون دورے نال نہ کوئی دچ شکم دے سول شامل خون ہووے اس نال چہرے دچوں ہون عیان
---	--

ہور

حال

سوم

درد

لعین

دوا

ڈال

آن

حکیم

ن الحال

قصان

ستعمال

طری آن

قیوے

لے کو

ب شفا

مدہ

لاغر بدن اس ہوندا جائے
 رنگ بدن دا زرد سفید
 وقت چلن دے دم پڑھ جائے
 جے ہووے گرمی دا زور
 دینہ اس نوں کوئی ادب
 کاسنی خرفہ گھوٹ پلا
 انار دانہ دھنیاں بادیاں
 مرتبہ بھی دا روز گھوٹا
 روگی نوں ہر روز پلا
 شیرہ چار مغز کڈھوا
 جے دیویں سنگترے انار
 پہلاں دست اس بند کرا
 چاول دہی لسی بنت کھاوے
 کٹھنی دے چاول پکوا
 دو ترمے ماہ کر استعمال
 گوشت مٹھے تھیں پرہیز

چہرہ دھج سفیدی آوے
 ہے ایہہ خاص علامت
 دھڑکے دل رُوح غوطے کھاوے
 آون جگروں دست مرد
 گرمی جگروں کڈھے مار
 کا ہو مصری نال ملا
 ایہہ بھی گھوٹ پلاؤ آن
 رب انار اس دھج ملا
 دیوے اس نوں رب شفا
 مصری ڈال ہر روز پلا
 جگروں گرمی کرے فراہ
 دے کے قابض سرد ددا
 غیر چیزے راہ نہ جائے
 کھاوے چکے دہی ملا
 تانا اس طبع ہووے بر حال
 لوں مرنج تھیں ہے گرید

نسخہ مجربہ اسہال ضعیف جگر

جاوے مرض پُرانی ہو
 خون جسم دھج نظر نہ آوے
 دل نوں بہت پورے دھڑکا

فائدہ کرے دوا نہ کہ
 چہرہ رنگ سفید ہو جاوے
 ہرگز کم نہ سوچھے کار

دس
ہفت
کہ
پہلا
آملہ
پینچ
ترہ
چار
نہ
نال

جے ا
اکثر
اصلی
تپ
سبب
پھر
جے او
دیوے
جے ا

دیوے جگری ضعف و نجا
ہرگز کدے خطا نہیں پایا
سفید رنگ ہو جاوے لال
کر ایہ نسخہ استعمال
چھل ہر پڑاں زرد ملا
ٹکٹ ملا دارو ایہ تیرے
اس دے نال ملاؤ ضرور
گھیکو گوکے دینچ چرب کرا
دیوے جگریوں ضعف و نجا
فضل خدا تھیں چنگا تھیوے

دساں ہک اکسیر دوا
ہفت پشت اس نوں آویا
کہ توں اس نوں استعمال
پہلاں بند کر کے اسہال
آبلہ چھل بہیرہ لیا
پنج پنج تہ لے دارو لے
تہ کے پاؤ ماریا ہو یا منور
چارے دارو جمع کرا
تو دس ماشے نت کھوا
نال گوکا ادھر ٹکا پیوے

بیان اسہال بحرانی

جید اس دی ایہ نشانی
دست بحرانی کریں خیال
دست تاپ دا ہووے عرض
ہو اسہال جادو سب دور
سادہ ہے یا مادی آفت
ردی سالم نال قیاس
ہوندی جادے مرض زیادہ
کرے حیاتی ختم تمام
ٹکٹ جادے ہلتے آپ

جے اسہال ہووے بحرانی
اکثر تاپ ہووے اس نال
اصلی تاپ ہووے اس مرض
تپ دائرہ علاج ضرور
سبب تاپ دا کر دریافت
پھر مادے دی کرد شناس
جے اوہ ہووے ردی مادہ
دیوے کسے زوقت آرام
جے اوہ سادہ ہووے تاپ

ری آفے
علامت دید
ٹوٹے کھٹ
ت مرد
ٹھ مار
نال ملا
پلاؤ آن
دینچ ملا
رب شفا
ہر روز پلا
کرے فرار
س سرد دوا
ہ نہ جائے
دہی ملا
روے بر حال
سے گریز
دوا نہ کر
بد ہو جادے
سوچے کار

طبع جدول ہووے بر حال دفع ہوون عرضی اسہال

بیان اسہال ورمی

سبب ہے ہووے ورم گھنیر
آون ذرہ ذرہ اسہال
میلے زرد یا سبز سیاہ
لازم تپ تے ہر دم پیڑ
یا کوئی اندر پھوڑہ ورم
معدے درج کرے انتقال
دست وچوں بدلوئی آوے
دن دن کھانا حقوڑا کھاے
سوج ہتھیں پیریں جد آے
جیکر پھوڑہ ورم گھنیر
یا اس آون دست زنگاری
ہر دم تاپ رہے اس نال
جے ادہ ہووے ردی مادہ
جیکر تاپ نہ ہووے نال
جاوے مرض پُرانی ہو
ہرگز وڈھے نہ گھٹے آوار
دیہو طبیعت نول امداد
طبع موافق کرد علاج

دست آون جیوں مرض زحیر
ریلم آوے رل دستال نال
ہر دم تاپ رہے ہمراہ
خاص نشانی ورم گھنیر
یا مواد کوئی سڑیا گرم
ایس سبب آون اسہال
نیڑے ڈھک نہ پیٹھا جاے
قوت بدلوں گھٹ دی جاے
آخر اس نول موت لے جاے
آوے اس تھیں ریلم کثیر
کیتی اس نے موت تیاری
لازم درد آون اسہال
ہوندی جاوے مرض زیادہ
سالم مادہ کریں خیال
رہے شکم لے درج کھلو
بہت موت تک بے بیمار
نال طریقے پیر مستاد
گرمی سردی سمجھ مزاج

قالب
کر
ماد
نال
جے
جے
پھر
کر
ہنغ
دو
ش
پیو
شیر
رو
ایہ
جیک
ماد
آب
اول
ماد
ادھ

قابض چیز نہ ہرگز کھا دے
 کر اس نون ہر دم مرطوب
 مادہ سرد ہو دے یا گرم
 نال عقل دے کر اخراج
 جے لائق ہو دے تلثین
 جے مادہ ہو دے صفرا
 پھرتوں اس دی کہ تبرید
 کر توں اس دا ادہ دوا
 بنفشہ کاسنی سونف منگا
 دو دو تولے دا مقدار
 شیرہ اس دا لے کڈھا
 پیوے روگی مصری گھول
 شیرہ کاسنی گھوٹ نکال
 روغن نال بادام بلا
 ایہ بھی بہت چنگی تلثین
 جیکر مادہ ہو دے سرد
 مادا اس دا سالم ہو
 اب حیات مثال علاج
 اول نفع دوجا تلثین
 مادہ مرض کرو اخراج
 ادہ بیر عرق سونف منگا

مت زندگانی ختم ہو جائے
 تا حاصل ہو دے مطلوب
 رکھ ہمیشہ اس نون نرم
 پھتوں اس دا کریں علاج
 دیہہ بلین نال یقین
 کر توں اس دا سرد دوا
 جیہڑی اس نون پوس مفید
 جیہڑا ہو دے قبض کشا
 مغز تخم کدو وچ پا
 کلقد میل تولے وچ چار
 گھت کپڑے وچ صاف کرا
 قبض مشکم دی دیوے کھول
 مغز فلوس دیوے وچ ڈال
 دیہہ روگی نون مصری پا
 مادہ خارج کرے لعین
 کرے گھنیر شکم وچ درد
 رہے شکم دے وچ کھلو
 دساں کر توں سمجھ مزاج
 تریجا تہے چوتھا تسکین
 ایہ نے بڑا عجیب علاج
 چھٹاںکی انبتاس بلا

بادام روغن مصری و بچ ڈال
 جیکر ہووے سرد گھنیر
 عرق سونف اس نت پلا
 کرڑہ سخت ہے ہووے دم
 کریں بے پیڑہ لپ لکوم
 دیہہ جوائن پودنہ عرق
 جیکر ہووے خام آماس
 میتھی اسی خوب گھوٹا
 تھوڑا تھوڑا پانی پا
 ورم خام تے کرو ضماد
 دیویں بے پیٹ تے گل
 زخم گل جد ہووے جاری
 اندرون جیکر آفے ریم
 ماکھوں دیہہ وچ دودھ ملا
 کدے کدے دیویں تلشیں
 بے ہو جاوے دکھ پُرانا
 دوترے چاروے بکے تلشیں
 مواد بے نہ ہووے اخراج
 غلبہ مرض ہے بہت عظیم
 رکھیں حوصلہ دانگول شیر
 مخالف قوت مرض مزاج
 کرو ملین استعمال
 عرق قبول اس نوں اکیر
 ہک رتی کونین پلا
 روغن مال کرو اس نرم
 جاوے دکھ ٹھکانہ چھوڑ
 عرق سونف دیہہ سوئے فرق
 مال عقل دے کریں قیاس
 گل بالونہ مال پلا
 رکھ اگ تے گرم کرا
 جاوے اس دا پک مواد
 بہت شتابی جاوے گل
 خارج ہووے کل بیماری
 ایہہ تدبیر اس کرو حکیم
 لوگی نوں ہر روز پلا
 ہووے مادہ دفع بعین
 نیمٹے محکم بل ٹھکانا
 مادہ خارج کرو بعین
 فائدہ کرے نہ کوئی علاج
 ہرگز خوف نہ کریں حکیم
 جیونکر مرد میدان دلیر
 ہرگز ذرہ نہ کریں علاج

جلد

ہیف

جیا

مح

دیو

رج

نبض

کر

جد

اکثر

مادہ

میک

دوت

اس

دست

اول

قابض

اکثر

اول

طبع موافق ہر تدبیر حق اس سے دہج ہے اکیس

بیان ہیضہ دیائی و غذائی

ہیضہ ہک بیماری سخت
جیکر ہودے مرض دیائی
محرقة تاپ ہودے ہمراہ
دیوے زور مودی صفرا
رنگ اکھتیں چہرے دازرد
نبض ضعیف باریک ہو جائے
کرے طبیعت بے قراری
مد صفرا زور کر جائے
اکثر موسم دہج دبا
مادہ مودی کرے بگاڑ
سکے مونہ زبان کرخت
دو تہے اس نون تے کروا
اس نون ہیضہ کن بجرانی
دست تے اس بند نہ کر
اول تاپ دا کرد علاج
قابض کوئی نہ دیویں چیز
اکثر ادہ دیائی تاپ
اول مادہ کر اخراج

ڈاکی دست لگن یک لخت
ہوندی چاہے دون سوائی
کرے جسم دا حال تباہ
تلخی طیش ہودے گھبرا
ہستہ پیر ہو جادون سرد
مردیاں دانگ شکل بدلاکے
ترپے چمچی دانگ آزاری
تلخ زرد کوڑی تے آئے
پیدا مرض ہودے ایہہ آ
پوے جسم ساڑے دچہ ساڑ
لگے تر یہ نہایت سخت
تا خارج ہودے صفراء
سخت تاپ اس خاص نشانی
بند کرن دہج بہت خطر
چنگل طرح پچھان مزاج
یاد رکھیں ایہہ عقل تیز
ٹٹ جائے مہلت تے آپ
بعد صفائی کریں علاج

جیکر کھنگ نہ ہووے نال
 دیہہ نہیو سنگترے انار
 سکنجبین یا کاجی پیوے
 کاسنی خرفہ گھوٹ پلا
 جیکر نال نہ ہووے تاپ
 پانی ٹھنڈے نال نہوا
 بنفشہ روغن نیلو فر
 پوٹلی ہک بنا خرفہ
 جیکر تاپ نہ ہووے نال
 کاسنی پھل گلاب کافور
 ڈنڈے کونڈے وچ گھوٹا
 پوٹلی بنہ گھت عرق گلاب
 جد مادہ خارج ہو جائے
 ہے طبیعت وچ نہ گھوٹ
 جے کھائے سنگترے انار
 ست پودہ دا پانی ڈال
 لعاب بہیدانہ اسبقول
 جیکر ہیضہ خاص غذائی
 بد ہضمی تھیں پوے جگاڑ
 ہضم نہ کریاں پانی آفے
 اکھیں چہرہ رنگ سفید

ترش چیزاں کرا استعمال
 آلو انبلی ترش انار
 قائمہ بہت نہایت تھپوے
 کہکے صاف مصری وچ پا
 تلخی نال کہکے درلاپ
 مالش گل روغن کدوا
 بدن سائے تے مالش کر
 سترکن بدن کرے سب دور
 کرو اتھائیں استعمال
 دھنیاں گاہو صندل بور
 تھوڑا تھوڑا پانی پا
 بدن سارے تے ملو شتاب
 ضعف طبیعت ہے وچ آفے
 انار دانہ پیوے جھب گھوٹ
 دست تے ہو جان فرار
 پیوے تے ہائے تن کال
 نت پلا مصری وچ گھول
 پائے معدے وچ تباہی
 آون بہنے جھس ڈکار
 درد شکم تے جی متلا ہے
 ضعف قوت وچ آفے دید

معدہ
 جیکر
 دست
 تے کر
 جیکر
 جے او
 جد
 تے ار
 بے شہ
 درد
 ماشہ
 چھ چھ
 گوبیاں
 بہت
 معدہ
 الاچی
 دار چینی
 گٹ
 سکنجبین
 جے مہ
 نسخہ

معدہ ہضم نہ کرے غذا
 جیکر تپ نہ ہوئے نال
 دست تے جے ہودن جاری
 تے کرن دج دے اہاد
 جیکر حاجت ہو س جلاب
 جے اوہ ہیضہ خاص غذائی
 جد معدہ ہو جاوے صاف
 تے اسہال جے کرن تباہی
 بے شمار آون اسہال
 درد نال روگی کرلاوے
 ماشہ ہک افیم منگا
 چھ چھ ماشہ وزن تولا
 گولیاں اس دیاں بنھ سنوار
 بہت اسہال جے کرن ظہیر
 معدے تے مانس کرا
 الاچی دانہ زیرہ سیاہ
 دارچینی سنڈھ مکھ وچ گھت
 کٹ چھان ماکھوں دج پا
 سکنجین اس بہت پلا
 جے معدے دج ہوئے پیر
 نسخہ یاد مینوں ہک آیا

دج شکم دے پھرے ریاہ
 ایہ دارو کر استعمال
 پوے شکم دے وچہ خواری
 جاوے معدیوں نکل فساد
 دیوہ ملیں اوس شتاب
 بعد فراغت کرے رائی
 کرے تصور خداوند معاف
 ہووے ہیضہ خاص ریاہی
 کرن روگی دامدا حال
 ضعف طبیعت دے دج آفے
 جعفل لونگ چوارے پا
 گھت منقے دج گھوٹا
 پندراں سولاں وچہ شمار
 ایہ گولی اس نوں اکیر
 لونگ جعفل سنڈھ نیل ملا
 پودنہ مصطکی کر ہمراہ
 وزن برابر دارو ست
 روگی نوں ہر روز کھوا
 عرق پودینہ سونف ملا
 دیوہ مرہ زرد ہریڑ
 کئی دفعہ اس نوں آزمایا

جیکر ہیضہ خاص غذائی ست پودنہ، ست لے بادیاں لے کے خالص ایہہ ست چار میل درج گلقد جے کھائے بہت نہایت دیوے نفع جوارش کوئی دیوے نفع	دیوے اس تھیں جلد رانی دار چینی ست لاپچی کن ہک ہک رتی دا مقدار غذائی ہیضہ تروت و نجلے تے اوبت ہو جاوے دفع کرے ریاہ باد سب دفع
---	---

نسخہ ریاہ شکن

منقہ دانے ترش انار سُنڈھ مصطکی لے درج گھت الچی دانہ زیرہ سیاہ ہک ہک تولے دا مقدار ماکھوں خالص نال ملا چھ ست ماشے نال و قوف جیکر ورم اندر کوئی سخت سخت تاپ ہووے اس نال ردی اس دا ہووے مادہ سب ہر وقت معدے لے درج درد ردی خاص زہریلا مادہ نسخہ اعضا والے گھس جاکے مادہ نہ ہووے اخراج	ہر ہک ہووے تولے چار ہر ہک ہووے ماشے ست پودنہ دار چینی ہمراہ کٹ ملا سب کرد تیار روگی نول ہر روز چٹا کھائے ہیضہ کرے موقوف اوس سبب آون قے دست ردگی بہت ہووے بد حال ہوندی جاوے مرض زیادہ رنگ سیاہی مائل زرد طرف باطن دی کرے آمادہ ڈاکی دست نہ ہرگز آوے جاوے اس دا بگرہ مزاج
--	---

کے خراب مادہ بدکار دست تھے ہو جادون بند ہر جیلے ہیضہ رکھ جاری ضعف طبیعت دینج جد آوے	ہووے روگی بہت لاچار پاوے جھبڈے اجل کمند ہووے موذی دفع بیماری تذول طیب اس بند کرافے
--	---

در بیان مرض تے

جے تے نت کے نوں آوے خون نہ ہرگز آوے نال لاغر جسم ہوندا اُس جاوے معدے دینج نہ ٹھہرے طعام گرے معدے دینج فاسد مواد یا معدے دینج ہووے دم سرد مواد یا بلغم رتج چنگی طرح پہچان مزاج سبب جے خاص ہووے صفرا سکنجیں دی تے کروائیں پچھے جیویں ہوئے مذکور دے کے سرد کوئی تلبین جے معدے دینج ہووے کھوٹ شیرہ اس دا نے کٹھا چھٹانکی گودا انبتاس	معدیوں نکل غذا سب جاوے دیوے معدہ بنت اوچھال ضعف طبیعت دے دینج آوے نکل جاوے تے نال تمام دینج ہضم دے پوے فساد یا صفرا نہایت گرم کرتوں اس نوں خوب صحیح طبع موافق کرو علاج ہر ہفتہ اس تے کروا سرد پانی گرم ملائیں یاد رکھیں ادویں دستور خارج مادہ کرد لعین کاسنی ہک چھٹانکی گھوٹ نل پُن اُس نوں صاف کرا حل اس وچ بے وسواس
--	---

ترے تو لے کھنڈ اس وچ ڈال
 انہی دا رُب روز پچھا
 رُب لیموں تے ترش انار
 جوارش انہی جے نت کھاے
 ترش نقور جیکر نت پیوے
 سبب گرمی جیکر متلاے
 اقل اُس نوں تے دوا
 غلبہ جیکر بہت صفرا
 پھل الاچی چھوٹی لے
 پانی دیگی ڈال جو شا
 مصطکی خورد الاچی گلقتند
 منقہ زیرہ لے سفید
 نمک تھوڑا جیہا نال پلا
 مرنج سیباہ کچھ میلو نال
 ایہہ چھنی اس نت چٹا
 خربت لیموں ترش انار
 رُب سیب دا نال پلا
 پستہ دی چھل لے منگوا
 زرشک سماق پودینہ لے
 سفید الاچی دو سٹ ڈال
 صفا کر کے رُب سیب پلا

پیوے شروع ہو دن اسہال
 معدیوں کٹ سٹے صفرا
 صفراوی تے نوں کرن فرار
 تے صفراوی مرض دنجائے
 فضل خدا تھیں چنگا تھیوے
 تے اوت معدہ ادھلاے
 تلہین لے کے صاف کرا
 شربت نت انار پلا
 انار دانہ آملہ ترے
 مل پُن کر کے صاف پلا
 کھاوے ترے کر کے پیوند
 انار دانہ دینج میلو دید
 کوندے دینج گھت خوب گھوٹا
 بنا چٹنی پانی دینج ڈال
 دیوے تے دی مرض دنجائے
 دیہہ روگی نوں نت نہار
 دیوے اُس نوں صحت خدا
 چھ ست ماشے وزن تولا
 یک یک ماشہ دارو ترے
 گھت پانی وچ خوب اوبال
 تے والے نوں نت پلا

نہر
 سبب
 عرق
 پلا اس
 مرتبہ
 سبب
 اکثر
 درم
 جے
 ہرگز
 غب
 روت
 تے جس
 جے

دساں
 جوارش
 انہی
 جوارش
 پانی

<p> گھس پانی دے دھج پلا تے جے کر دیوے تصدیح خالص ہوں عرق ترے زائل تے کرے فی الحال بلغمی تے دی مرض دنجائے تے طبیعت کرے ظہیر مہلک ہے ایہ مرض خندال اوہ اُس دا سمجھ رواج شامل تاپ اس خاص نشانی رکھیں یاد نصیحت پند معدے دے دھج کرے بگاڑ بعد بھران نہ ہرگز آدے کرنا دارو اس دارو فرض مشکل ہوندی اس دی کاری </p>	<p> نہر مہرہ نار جیل دریا سبب بادی بلغم یا رتخ عرق اجوین پودینہ لے پلا اس نول ماکھوں دھج ڈال مرہ سندھ دلہے نت کھائے سبب یا پھوڑہ ورم گھنیر اکثر تاپ ہووے اس نال ورم معدے دا جیویں علاج جے تے ہووے مرض پُرانی ہرگز اس نول کریں نہ بند غب یا محرقہ تپ دا ساڑ روتہ بھران شروع ہو جائے تے جس دی مرض دی ہووے عرض جے تے آوے رنگ رنگاری </p>
--	--

بیان جوارش انبلی

<p> دیوے تے تھیں جھب ربائی کئے مرضاں گرم تمام رات پانی دھج تہ کردا سیر پکا کھنڈ میلو آن دیہہ دیہہ تو لے کردا آمیز </p>	<p> دساں میں ہک عجب دوائی جوارش انبلی اُس دانام انبلی سیر پکا منگوا نجرے مل کر کپڑ چھان پانی زیتو سرکہ تیز </p>
--	---

تقلی وار دیگی وچ پا	گاہڑہ خوب قوام پکا
گاہڑہ خوب ہووے جد آ	اگ تھیں لاسکے ہیڈ رکھا
منقہ دانہ ترش انار	ہک ہک پا پکا مقدار
الایچی دانہ مرچ سیاہ	زیرہ چینی ہمراہ
ایہ بھی میلو دارو چار	ہک ہک لوے دا مقدار
ایہ دوا سب کٹ بلا	چھوٹی چھچی نال ہلا
ایہ جوارش کر کے تیار	دیہ روگی نوں نت نہار
تے دے نوں رت کھوا	دیوے جلدی رب شفاء

بیان نفوع ترش

آٹہ دانے نویں انار	آٹو انبلی دارو چار
تولہ تولہ وزن تولہ	رات پانی گھت رکھ پوسا
فجر بلاؤ مصری گھت	نت پیوے اوہ ہفتے ست
ایہ نفوع آزمودہ کار	ہووے تے دا دفع آزاد

بیان رب انبلی

رب انبلی دا کرد تیار	چٹے روگی رت نہار
معدیں دفع کرے صفرا	دیوے تے دی مرض و نجا
انبلی دو سیرے منگوا	نل پانی وچ صاف کرا
سیر پکا مصری وچ گھت	گاہڑی بہت پکاویں پت
چٹے ایہ رت بیمار	ہے نہ تے دا ذرہ آزاد

مرتب
زینو
سیر
نت
رب
ایہ
ترش
نفوع
بعد
دیویں

نگے تر
نال
گردیاں
نال
کس
اس
سبب

بیان رُب لیموں

رُب لیموں دا عجب دوا زہنویں دو سیر جنگا سیر پکا مصری وچ گھت نت نہار صبح اٹھ پختے رُب انار بے کریں تیار ایہ رُب ہین دونوں مشہور ترش انار دانہ منگوا نقوع کر پانی دے وچ پیو بعد غذاں بے قے آوے دیویں ہر ہفتہ اسہال	دیوستے دی مرض ونجا چھر پانی کڈھ صاف کرا حکاڑھی خوب پکاویں پیت قے صفراوی دی جرٹھ پٹے مصری سیر، دو سیر انار بنادن دا ہکو دستور زرشک آملہ تال ملا حکم خدا تھیں جنگا تھیوے شریت لیموں فیض پہنچا دے ملین جیڑی سرد کمال
---	--

بیان عطش مفرط

لگے ترہیہ بے حدوں زیادہ نال داتانی کہ دریافت گردیاں وچ یا تلی پھیر نال عقل کہ تحقیقات کس عضوے وچ داخل ساڑ اس اعضا دا کرو علاج سبب ترہیہ دا بے صفرا	کہ دریافت موزی مادہ کس اعضا وچ داخل آفت یا وچ معدے قلب جگر کس اعضا وچ ہے آفات کس سببوں پیا بگاڑ طبع موافق سمجھ مزاج یا سر یا ہو یا سودا
--	---

<p> ہے صفرا دا خاص نشان سب بلغم بن جاوے شور دیوے آتش بدن لگا کسے اعضا دہج ہوئے عاتی ایس سبب لگے بھڑکارا پانی پیوے بہتی وار ضعف مٹانے نوں ہو جائے قوت ماسکے ہووے نرم ماسکے قوت کرے گریز دفع ہو جاوے موزی صفرا شربت لیموں نال پلا کرے پھردی سڑکن دور چھ چھ ماسے وزن قدر دانے آلو ڈالو ست جسموں کٹ سٹے صفرا رہے نہ دہج طحال قصور خرفہ گھوٹ پلا نہار نت پلا مصری دہج گھول کڑھ لعاب پلایا کر بھکھڑا خرفہ نال پلا کر کچھ مدت استعمال </p>	<p> کڑا ذائقہ تلخ دمان بہت ہووے صفرا دا دور ادھ بلغم حکم رکھے صفرا یا سڑیا مادہ احتراقی دہج اعضا کرے سڑکارا پورے جدول چیتے دہج ساڑ بہتی وار قارورہ آوے آوے بہت قارورہ گرم دافع قوت ہووے تیز اول دو تہے قے کروا خرفہ کاسنی گھوٹ پلا نسخہ ایہہ پلا ضرور دھنیا کاسنی نیلو فر انبلی دو تولے دہج گھت کر کے نت نقود پلا کرے حرارت جگروں دور دیہہ نت شربت ترش انار لعاب بھیدانہ ایسغول بنفشہ قطعی نیلو فر کاہو کاسنی گھوٹ پلا کوزہ مصری لے دہج ڈال </p>
---	--

کھن مصری رنت چٹا
 مرچاں لون نہ ہرگز کھا دے
 بید مشک تے عرق گلاب
 کاسنی دھنیاں مشک کافور
 گھوٹ سینے تے لپ کر
 جیکر بلغم ہووے شور
 سنبھین کر استعمال
 شربت انہلی کر کے تیار
 بے صفرا لے دج خون
 خون گرم ہو کرے خروش
 دچ اعضا کرے ابرگیہ
 کوڑیاں چیزاں دیون نفع
 پانی پتر رنم کڈھا
 پیوے اوہ گھیو رنت بیمار
 شربت آلو اتے عناب
 کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق
 پاپڑ موندی برگ حنا
 رات پانی دج کرو نفوع
 جیکر ہووے سرد مزاج
 کچلے تے کونین فولاد
 مدبر آٹا کچلے لیا

آلوں سرد نفوع پلا
 گرم چیز دے راہ نہ جائے
 پیوے مصری ڈال شتاب
 پھل گلاب تے صندل پور
 دیوے فوراً ساڑ و نجا
 دیوے دج بدن لے زور
 شیرہ کاسنی دا دج ڈال
 دیہ روگی نول رنت نہار
 تیز نہایت بہت زبون
 مارے دج بدن لے جوش
 میں سببوں لگے تریہ
 جوش خون ہو جائے دفع
 گھیو گو کے دے دچ سٹرا
 ہووے جلدی دفع آزار
 فائدہ بخش بہت شتاب
 پیوے ہوس شتابی فرق
 دھنیاں پت رنم لے پا
 فجے رنت کھد اس شروع
 پوے موافق گرم علاج
 جھبے زائل کرن فساد
 کونین فولاد اس نال بلا

چھ چھ ماشے ترے دوا پانی ڈال حب کر دیار گولی دونیس وقت کھوا عرق سونف داجے نت پیوے	گھٹ کھل وچ جمع کرا دو دو رتی دا مقدار ادوں گھیو کر گرم پلا عوض پانی دے چنگا تھپوے
---	--

بیان درد شکم

درد شکم وچ پیدا ہووے اُوٹھے اندر پیٹ ڈنڈول اوکھا بہت کرے آزار سرد ریاچ یا گرم مواد یا کوئی خشک سوداوی ساڑ جیکر خاص ہووے صفرا جے خشکی تھیں ہووے پیر جیکر ہووے درد ریاچی جے آزار ہووے اوہ سادہ ترش چیزاں کر استعمال سکنجبین دی تے کرائیں پانی گرم اس دے وچ ڈال	روگی ڈھائیں مائے روے ٹھاٹھاں لہراں مائے سول تھپے تھپے منجھی وانگ بیمار پاوے معدے وچ فساد کرے شکم دے وچ بگاڑ تے جیہا کوئی نہیں دوا تازہ دودھ بڑا اکیر دیوے جلد شراب ملائی یا کوئی گرم نہایت مادہ دیویں سب صفرا نکال سرکہ رائی نال ملائیں کر و شتابی استعمال!
---	--

نسخہ فی صفراوی

سکنجبین توے و نیہ لے	پانی گرم پیالے ترے
----------------------	--------------------

سرکہ پتہ
گرم پانی
قبض شکم
عرق سو
تل چھا
سرکہ پتہ
یا تو
انہی ر
دو تو
جے گرم
پیوے
ترش گو
نہو گلگل
آچار کا
آب یہ
مصری
انار دا
ڈنڈے کر
پتلی چڈ
جاوے
کدے کدے

سرکہ پنج تولے وچ ڈال
 گرم پانی دی کر امداد
 قبض شکم دچہ بہت جے ہوئے
 عرق سولف ادھ سیر منگا
 تل چھاننی وچ صاف کرا
 کسٹرائل گھت تولے چار
 یا تولے چار انڈا نیل
 انہلی رات بھٹانک پوسا
 دو تولے سرکہ وچ ڈال
 جے گرمی خشکی دی پیڑ
 پیوے سنگتیاں دا آب
 ترش گوکی لسی جے پیوے
 رنبو گلگل دا آچار
 آچار گاجر دی کاخی پیوے
 آب لیموں سنگترہ انار
 مصری تھوڑی جیہی ملا
 انار دانہ تے مرچ سیاہ
 ڈنڈے گوندے وچ گھوٹا
 پتلی چٹنی کر کے تیار
 جاوے مرض پرانی ہو
 کدے کدائیں دیوے زور

رائی کٹ ملا مشقال
 خارج ہووے سب مواد
 ملین جیہا دوا نہیں کوئے
 مغز فلوس چھٹانک ملا
 ترے تولے کھنڈے وچ پا
 دیہہ پاک دن وچ دو تے وار
 پیوے ادھ سیر دو دھ وچ میل
 فخرے تل چن صاف کرا
 گھت مصری کر استعمال
 جاوے اس تھوں گھت دھیر
 فائدہ بخشے بے حساب
 درد شکم تھیں مویا جیوے
 وچ غذا میلو ہر بار
 فائدہ بہت نہایت تھوے
 جے پیوے ہر روز بیمار
 دیوے شکموں درد اٹا
 نمک تھوڑا جیہا کر ہمراہ
 پانی تھوڑا جیہا ملا
 چٹے روگی رت نہار
 درد شکم وچ رہے کھلو
 پاوے پیچ سخت مروڑ

دو ترے چارے کے تئیں
 زرشک تر پھلہ برگ مغیل
 چالی دانے آلو سیاہ
 انار دانے تو لے ست
 بھانڈے مٹی سے دھج ڈال
 پاہک پانی بت پلائے
 یہ نسخہ آزمودہ کار
 تازہ گرد کا دودھ بت پیوے
 نسخہ ہک عجیب ہتھ آیا
 بہت شتابی دیوے نفع
 تیزاب گندھک منگوا
 قلمی شورہ تو لے ست
 دھج پیالے چینی ڈال
 جے دھواں تیزاب لگ جائے
 دھوپے اس نوں رکھ سوکھا
 شیشی دے دھج رکھ سمہال
 وزن خوراک ماشہ ہک تول
 ہک دو وادی بت پلائے
 درد شکم جے کرے لاچار
 سخت جلابوں جیکر پیڑ
 شیرہ پیوے مغز بادام

خارج کرد مواد لعین
 پنج پنج تو لے قدر تعلیل
 انبلی پاہک کہ ہمراہ
 سرکہ پاہکا دھج گھت
 نقوع کر ترے سیر پانی نال
 نواں پُرانا سول دنجائے
 سائیں بخش کیتا کئی بار
 فصل خدا تھیں چنگا تھیوے
 درد شکم اُتے آزمایا
 درد شکم ہو جائے دفع
 نصف چھٹانکی وزن تول
 تیزاب گندھک دھج گھت
 کپڑیاں دی کریں سمہال
 سوتر کپڑا سب سڑ جائے
 تیزاب سب خشک ہو جا
 وقت حاجت کر استعمال
 سکنجبین سادہ دھج گھول
 فائدہ بہت نہایت پائے
 معدے وچوں کڈھے مار
 ہووے اوکھا بہت سر پہ
 مصری گھت اس دے دھج عام

شیر
 بکرہ
 خیر
 جیکر
 عجب
 بہت
 عرق
 دو د
 دو ترے
 وانگ
 سامیر
 رمی
 گرم
 روئی
 سبز
 سبب
 مادی
 دساں
 دار چینی
 مرچاں
 منقہ

شیرہ چار مغز کڈھوا
 بکری گال دا دودھ پلا
 شیرہ خرقہ کاسنی پیوے
 جیکر ہودے درد ریاجی
 عجب لوطکے دساں ہور
 بہت شتابی دیوے نفع
 عرق اجوین پودینہ یا
 دو دو تولے عرق ترے گھت
 دو ترے دفعہ دو دو گھٹ پیوے
 وانگ طلسم ایہ عجب دوا
 سامیں بخش سمیتا کئی بار
 رمی سنگی لا گلاس
 گرم پانی دی کرو ٹکور
 روئی یک طرفہ پکوا
 سبز پودنہ مقوم گھوٹا
 سبب رتج یا بلغم باد
 مادی ہووے بھانویں سادہ
 دساں ہور عجیب دوا
 دار چینی، لک، مرچ سیاہ
 مرچاں تخم کرفس وچ گھت
 منقہ ادھ پا نال ملا

پیوے دیوے درد دجا
 گوکی لسی خوب دوا
 فضل خدا تھیں چنگا تھیں
 دیوے قرق رتج گواہی
 دیوے رتج شکم دی نور
 درد شکم جھب ہووے دفع
 عرق سولفہ دا نال ملا
 ڈال شراب تولے وچ ست
 سول شکم تھیں مویا جیوے
 دیوے فوٹا درد آڑا
 ایہ نسخہ آزمودہ کار
 کرے درد رتج دا ناس
 جاوے درد ٹھکانہ چھوڑ
 تیل مٹھا گھت شکم بٹھا
 گول کرکے جلد گھوٹا
 درد معدے وچ کرے فساد
 ہووے روز بروز زیادہ
 دیوے رتج دا درد دجا
 پودنہ سندھ کرو ہمراہ
 ترے ترے تولے دایست
 ڈنڈے کونڈے وچ گھوٹا

عین
 میل
 ہمراہ
 ہمت
 نال
 ف
 بار
 ہووے
 نہ مایا
 دفع
 تولا
 ہمت
 سال
 جاتے
 ہو جا
 متعال
 گھول
 پاتے
 مار
 سر
 ج عام

تولے تولے دا مقدار
 پکھول ایہ ترے عرق پلا
 عرق پودنہ عرق اجوین
 علامتاں رتھ شکم دیاں چار
 پختہ اس دا ایہ نشان
 مجرب نسخہ لکھاں کتابی
 مگ مرچاں سنڈھ زیرہ سیاہ
 مصطکی دارچینی دج ڈال
 گھت منقہ دج گھوٹا
 بلغم باد یا سرد مواد
 حب ایانج دیہو جلاب
 دیہو اس نوں تے ضرور
 مجرب کراں بیان دوا
 پودنہ زیرہ سولف لیا
 چھ چھ ماشے پنج دوا
 تل پن اس نوں صاف کرا
 ست اجوین پودنہ داست
 سنڈھ داست اس نال پلا
 بک بک رتی دا مقدار
 دستان نسخہ ہور عجیب
 درد رتھ نوں دیوے نفع

کھاوے روگی رنت نہار
 سکنجین دے نال پلا
 عرق سولف دا ایہ ترے ہین
 نفخ قراقر درد ڈکار
 سرد چیزوں پاوے نقصان
 زائل رتھ دی کرے خرابی
 لونگ الاچی کر ہمراہ
 پودنہ ہر بک دو مثقال
 چھ ماشے ہر روز کھوا
 جے معدے دج کرے فساد
 مادہ خالص کرو شتاب
 مادہ فاسد ہووے دور
 بلغمی دیوے درد دنجا
 دارچینی اجوین پلا
 کٹ پانی گھت خوب جوشا
 ماکھوں ڈال ہر روز پلا
 روغن دارچینی دج گھت
 کھنڈ دج ڈال ہر روز کھوا
 ہودن ایہ دوائیں چار
 استعمال جے کریں طبیب
 پٹ جڑواں کر دیوے نفع

جے تے
 عرق
 بک
 سائبر

نسخہ
 تخم
 مین
 دوترا
 سرکہ
 روگ
 گرم
 دال

سبب
 لازم
 جاو
 طبع
 درم

اس نون فائدہ بہت پہنچاے توئل ہک مشقال کونین مرض رتخ ہو جاوے مات ایہ نسخہ ڈٹھا اکسیر	جے تے معدیوں رتخ نہیں آوے عرق پودنہ سونف اجوین ہک ہک گھٹ پلا دن رات سائیں بخش حکیم فقیر
--	--

نسخہ تے بلغمی

دستاں تے یابے جھب چھ ماشے رائی گھٹ گھٹ ترے سیر پانی گھٹ ابال نل کے پُن کے صاف کرا پنج پنج تولے وزن قدر کھنڈ نال اس تے کروا ہووے جلدی دفع نساد پہلاں اس نون لے کھوا	نسخہ تے دا بہت عجیب نغم مولیٰ لے ماشے ست مین پھل دا ڈوڈہ ہک ڈال دو ترے اس نون جوش دیوا سرکہ ماکھوں شامل کر ردگی نون ترے دار پلا گرم پانی دی کہ اداد دال مونگی دی خوب پکا
---	---

درد شکم و رمی

ہے ہمیش معدے دچ پیڑ ردی مادہ کریں خیال مشکل ہوندا اوس علاج شاید رب کرے شفا حق اس دے دچ ہے اکسیر	سبب جے ہووے دم گھنیر لازم تاپ ہے اُس نال جاوے اس دی بگڑ مزاج طبع موافق کرو دوا دم معدے دی جو تدبیر
---	--

ملین مالش یپ مکور
تقویت دیہہ دوا غذا

موافق طبع علاج جو ہور
دیوے اس نوں رب شفا

بیان مرض فی الدم

فی الدم ہک مرض زیون
خون مری یا سر تھیں آئے
یا معدیوں یا جگر طحال
جیکر تاپ ہووے ہمراہ
بہت دیر جے رہے آزار
دارو اس دا کرو شتاب
اول باسلیق چھڑا
جیکر تاپ نہ ہووے نال
یئرمہ سیاہ کندر گنار
خم حماض بگل ارنی ڈال
اقاقیا ماجو اصل انیم
گوہیاں دج رسونت تیار
ایہہ گولی ہک ہک نت کھائے
نال پیوے شربت انجبار
بکری کھوتی گادہ شیر
گلقدن تازہ ادس کھوا
شربت حب آلاس پلا

نال تے دے آئے خون
یا کوئی رگ سینہ پھٹ جاک
آوے خون کرے بد حال
کرے روگی دا حال تباہ
وانگہ سل لے کرے خوار
فی الدم ایہہ مرض خراب
پچھوں اس دا کریں دوا
کرو دوا ایہہ استعمال
شاد نہ پتھر پھٹکڑی ساڑ
ہر ہک تولہ وزن سمبال
ترے ترے ماشے وزن حکیم
بٹھ پنجاہ ٹٹھ دج شمار
فی الدم نوں ترے ونجلیے
فی الدم نہ رہے آزار
فی الدم نوں ہے اکیر
شیرہ خرفہ گھوٹ پلا
فی الدم دا خوب دوا

خونے دا
جے شربت
پلوے ضرور

شربت انج
دو دو تو
تر کر رات
نل کے پو
فی الدم
جے خونی
پیوے عو
لول الدم

رکم شکم
رات سویر
کے تالو
ردویں رہ
خالی اندر
حرکت کرن

فرغے دانت ساگ کھوا جے شربت پوست خشکاش پولے غرورت ہور جے آ	ہے ایہ بہت اکیر دوا پیوے کرے مرض داناس نفث الدم دھج دیکھیں جا
---	---

شربت انجبار صندلی

شربت انجبار سن وید دو دو تولے وزن تولہ تر کر رات پانی دھج ڈال مل کے پُن کے صاف کرا قے الدم نول ہے اکیر جے خونی ہون اسہال پیوے عورت مدت چند لول الدم نول دیوے نفع	بورہ صندل سرخ سفید انجبار پنج تولے پاء فجرے دو ترے دیہہ اہال ترے پا مصری گھت پکا نک دی بند کرے نکیر پیوے روگی پانی ڈال کرے خون حیض دا بند نفث الدم کرے جھپ دفع
---	---

بیان کرم شکم

کرم شکم جد ہون پیدا رات سویں مکھ پانی آوے ککے تالو حلق زبان ردویں رہن ٹھکانہ سہل خال اندر دیون کج حرکت کرن کیڑے دن رات	ایہ علامتاں ہون ہویدا جاگے منہ خشک ہو جاوے کرم شکم دے خاص نشان وقت بھکھ پاون تھقل ہووے بہت طبیعت زچ ردویاں دھج پولے سرلاٹ
---	--

جو ہور
رب شہ

خون
مٹ جک
بد حال
مال تباہ
سے خوار
خراب
زیں دوا
ستعمال
طری ساڑ
سمہال
زن حکیم
چ شمار
ونجلے
آزار
اکیر
پلا
دوا

ضعف طبیعت دے دج آوے
حب القرع حیات صغیر
اس نوں کن حکیم ملہپ
ترہجے کدو دانے ہین
اشنا عشری دج مقام
دج دقاق پاوون تھرقل
مستقیم دج رہن مدام
لاضمنے دج پوسے نقصان
آون سفریلوں باہروار
ایہ دکھ مودی آن کھلووے
نکن باہر جھاڑے نال
دارو اس دا کردشتاب

بہت مدت جیکر ہو جاوے
کرم شکم ترے قسم شریر
کرم لمبے کپ دانگوں سپ
دوجی قسم چنونی کہن
کرم ملہپ پنہاں دا نام
کدو دانیالہ والی ول
چھوٹے کرم چنونی نام
کرم شکم دج کرن زیان
جد ہو جادون کرم بسیار
جدوں رطوبت گندی ہووے
گنہر جادون جد ہک دو سال
بہت پلید ایہ مرض خراب

نسخہ مجربہ کرم شکم

ریزہ ریزہ کٹ کترا
مصری تھوڑی نال ملا
سرے وانگ ہو جاوے ٹھیک
باقی رہے مرط رگڑو آن
خوب باریک مہین کرا
کٹ قلعی دے نال ملا
ہک پڑی دیہ وقت نہار

قلعی تولے دولے منگوا
سب پتھر تے گھت پسا
کر تو اس نوں خوب باریک
کر پھر اس نوں کپڑ چھان
مصری تھوڑی جیہی ملا
عشق پیچا دو تولے لیا
پڑیاں اس دیاں بنھو چار

<p>پھدوں کھٹی لستی پیوے پہلاں ترے دینہ دودھ پلا ادھ پا گوڑ نال خوب کوٹا صبح نہار مغز نار جیل پڑی کھوا مڑ لستی نال پڑی دوجی مڑ پھیر کھوا دو ترے روز مٹھا گھيو دودھ ساری دل نکل جد جاے جے قصور رہ جاے باقی دو پڑیاں مڑ پھیر کھوا ایس طور کر استعمال</p>	<p>فضل خدا تھیں چنگا تھیں گھيو شکر وچ بہت ملا دیوے سوئے وقت کھوا کھائے گوڑ اس دے وچ میل دیوے کیرٹے ترے نکال چار روز دا فرق کرا پہلی دیہ جے ہوئے بندھ پھیر دواخہ ہرگز کھائے کرم شکم رہ تھاون باقی پنج پنج دینہ دا فرق کرا فضل کرے رب ذوالجلال</p>
---	--

نسخہ کرم شکم

<p>تلخ تو لے دوئے منگوا تھوڑی تھوڑی لستی پا میلو کھٹی لستی نال عشق پیچا چھ ماشے لیا تازے پانی نال نگھاے جد اسہال ہوون اس جاری گرٹ نال پنج پنج تو لے لیا گری کھوپا گرٹ نال ملا</p>	<p>سل پتھرتے گھت گھسا چھ ماشے دا وزن گھسا وقت فجر کر استعمال وقت پیشی دے کٹ پھکا کرم شکم سب باہر آدے باہر نکل جاے دل ساری کٹ کے سوئے وقت کھوا پہلاں اس توں لے کھوا</p>
--	---

وقت فجر کر استعمال چاول گھیو دودھ مٹھا ڈال پنجویں دارو شروع کرا ایہو قاعدہ پیر استاد	دارو کھٹی سسی نال چار روزہ کر استعمال فاصلہ پنج پنج روز دیوا کرم شکم دا رکھیں یاد
---	--

نسخہ مجربہ کرم شکم

<p>ہک عجب نسخہ ہتھ آیا! کدو کیڑیاں دے درکار جاوے کدھ پڑانا ہو کرو انتھائیں استعمال تروی تول خاص سفید ترے ماشے دیسی صابن لے ہک دن دھو ترے واری کھاو ادھا حصہ وقت فجر چاول شکر گھیو ملا بوٹی زخم حیات پلا گوڑ تل پہلاں خوب کھوٹا صبح نہار مغز نازیل بوٹی زخم حیات گھوٹا کدو کیڑے کرم ملہپ نظر جے آوے سخت جنگال</p>	<p>کئی دفعہ اس نول آزمایا دفع ہو جاوے کھاندیاں سار رہے شکم دے وچ کھلو یکل جاوے کیڑے فی الحال بابڑنگ چھ ماشے دئید کھٹ ملاؤ دوا ترے کھٹی سسی نال نگھاوے ادھا وقت نماز ظہر پہلاں ترے دن کریں غذا دیویں ہفتے بعد دوا دیویں سوتے وقت کھوا کھاوے گھر اس دے وچ میل پہلے پنج ست روز پلا رہن نہ وچ شکم دے چھپ ترے ہفتے کر استعمال</p>
--	--

ہفتے بعد ہر روز کھوا جے کچھ باقی رہے قصوہ دو ترے دفعہ کر استعمال	اس نول استعمال کرا ایہو یاد رکھیں دستور دیوے کیڑے سب نکال
--	---

نسخہ کرم شکم

ہر شناسی کیا فقیر دڑتیا میں ادھ عمر تمام ہر چھٹانکی گری دا تیل لگے جدوں نہایت مچکھ ترش کا بنی جیکر نت پیوے پانی کشتہ ترش نتار سرکہ تیز چھٹانکی گھت دونویں وقت کر استعمال	ٹوٹکے پاس میرے اکیر کیڑے شکم کرے قتل عام سٹ دینہ دیوہ مٹھاچ میل تدوں پلا نا رہی دوکھ فائدہ بہت زیادہ تھیوے پیوے رہے نہ ذرہ آزار پیوے رت دھاڑے ست مرن کیڑے موزی بد حال
---	--

نسخہ کرم شکم

انار ترش دی چھل لیا ہر چھٹانکی قند سیاہ پیوے صاف کر وقت نہال پہلاں ترے دن دودھ پلاٹیں چوتھے دینہ کر استعمال باقی پھیر جے ہے فساد	ہر چھٹانکی کٹ جوش اس دے نال کرو ہمراہ دفع ہودن کیڑے بدکار گھینو شکر وچ بہت ملاٹیں مرن کیڑے موزی بد حال ایہو قاعدہ رکھیں یاد
---	--

نسخہ کرم شکم مجربہ

نسخہ بیان کراں آذمایا کریں جے اس نوں استعمال بوٹی تک گندھوک نام اکثر جنگل دے وچ پیدا دوروں اس مارے بدبو ماشے ترے یا چار گھوٹا دو ترے دفعہ کرے ایہ کام ملہپ چتونی کدو دل	صدر بصدی تریا آیا مرن کیڑے ہوئی کے بدحال گندھی بوٹی کہن عوام ہو دے موسم نال ہویدا نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو کھا دے گر دے نال ملا کیڑے کل کرے قتل عام مڑے کے پھیر نہ کرن خلل
--	---

نسخہ کرم دراز

جیکر ہودن کرم ملہپ نسخہ ایہ بنا ضرور تروی ماشے چھ سفید دونوں ترے ماشے پا اتوں کھٹی لستی پیوے دو ترے دفعہ کرے استعمال ترے ماشے قلعی جے گھوٹ پلاوے	شکل جہاندی دانگوں سپ کرم ملہپ ہو جادون دود کمیڈہ با بڑنگ لے دید میل دوا ترے گھوٹ پھکا کیڑیوں معدہ فارغ تھیوے ہودن دفع ملہپ چندال بہت شتابی نفع اٹھاویں
--	--

نسخہ کرم شکم

کمیڈہ صابن دیسی لیا بابڑنگ ایہ دارو چار	عشق پیچہ کٹ تروی یا ترے ترے ماشے دامقدا
--	--

گھوٹ
دو ترے
پا پانی
دلے
گود تیا
دقت

کرم یا
خارش
دساں
چرا اتر
پھ ما
ہفتے

مسئل
تروی
افستہ
دھڑکے
نقور

گھوٹ کوندے دے وچ ملا دو ترے دفعہ دوا کما دے پا پانی دے وچ گھوٹا دلے مانہ برابر سب گوڑ تیل پنج پنج تولے لے وقت فجر کر استعمال	کھٹی لسی نال ملا کرم شکم مڑ نظر نہ آ دے گویاں اس دیاں لے بنا نال عقل دے بھو حب کٹ کے وقت سوتے کھائے دارو کھٹی لسی نال
---	--

نسخہ کرم خورد

کرم باریک کرن جے تنگ خارش ہووے سفرے وچ دستاں میں یک سہل دوا چراگتہ پا پڑا افسنتین چھ ماشے رات پوسا ہفتے بعد دیویں اسہال	سفرے وچ جے مارن ڈنگ سخت طبیعت ہووے زچ سیونک چننے رہے نہ کا وزن برابر دارو تین فجرے مل کر صاف پلا مرن کیڑے ہوئی کے بد حال
--	---

نسخہ مسہل کرم خورد

مسہل کراں بیان عجیب تروی تولے دو سفید افسنتین وچ ہنگ ملا ڈنڈے کوندے وچ گھوٹا گھوڑا جیہا پانی وچ پا	کرم دفع ہو جاوے سب گودا خشک تماں ہک وید ترے ترے ماشے وزن تلا چھانٹی وچ گھت صاف کرا مانہ برابر حب بنا
--	--

ہفتے بعد بچہ ماشہ کھائے

سارے پانی نال لنگھائے

سخہ گرم خورد

گرم خورد جے کرن خوار
دساں ہک عجب پچکاری
آڑو دے پت لے منگوا
نگدہ پانی دے دج گھول
ترے ترے ماشے مٹھاتیل
کر سفرے دے وچ پچکاری
اکثر لڑکے بال نادان
بوٹی زخم حیات پلا
پانی پت آڑو دج بوڑ

ہو دے روگ بہت لاچار
کر استعمال نہ رہے بیماری
ڈنڈے کونڈے دج گھول
کپڑے دج کر صاف انڈول
ماشہ ہک مصبر میل
اس دے جیسی نہیں کوئی کاری
ہوون اس دکھ نال جیران
دیوے جھبڈے صحت خدا
روں سفرے دے دج پنڈر

بیان مرض ضعف معدہ

ہو دے خوب نہ ہضم طعام
غذا معدے دج رہے کھلو
رہے شکم دے دج گرانی
بد ہضمی دی بہت نہایت
ادبت آون تے جی متلاوے
آون گندے بھس ڈکار
معدہ ہضم نہ کرنے غذا

ضعف معدہ اس آکھن نام
بہت دیر تک ہضم نہ ہو
ضعف معدے دی خاص نشانی
کرے ہمیش بیمار شکایت
ممنہ بھر کر لیاں پانی آوے
رہے ہمیش طبع بے زار
لاغر ہوندے جان اعضا

مجھکھ تھوڑ

جذ معد

گرم یا

دیوے

معدہ

سبب

غیر طبعی

مادی مر

سرد چیز

رنگ

کدی کدی

کوڑا

دیوے

ترش

جوارش

جوارش

مریہ

دج مرض

جیکر

چہرہ

گرم چیز

خواہش نال نہ پیوے کھائے
 ہووے سرخوں درد ضرور
 گرے معدے وچ پوے فساد
 کرے معدے دا حال تباہ
 لے شکم وچ قبض مدام
 نبض قارورہ کرو شناخت
 بے معدے وچ کرے بگاڑ
 گرم چیزیں ہووے زیادہ
 گرم مرض ادہ نال یقین
 سرخ بدن شکم وچ درد
 تریہ لکھن خشک ہو جائے
 ایہ صفراوی ہے نشان
 رہے نہ معدے وچ قصور
 دیون سب صفرا نکال
 ضعف کرے صفراوی دفع
 گرم دکھاں لے آوے کام
 ضعف معدے نوں ہے اکبر
 حاجت وقت ادھتوں لکھئے
 کرے قوت معدے برباد
 سمجھ علامت اس دی دید
 سردیوں ہووے دکھ مزید

مکھ تھوڑی ہندی اس جاوے
 جد معدے وچ پوے قصور
 گرم یا سرد یا خشک مواد
 دیوے ضعف معدے نوں جا
 معدہ ہضم نہ کرے طعام
 سبب ضعف دا کر دریافت
 غیر طبعی صفرا دا ساڑ
 مادی مرض ہووے یا سادہ
 سرد چیز دیوے تسکین
 رنگ اکھیں چہرے دا زرد
 کدی کدی کوڑی تے آوے
 کوڑا رہے ہمیش دھان
 دیوے تے تلئیں ضرور
 ترش چیزاں کر استعمال
 جوارش انہی دیوے نفع
 جوارش تمر ہندی اس نام
 مربہ آملہ زرد ہریٹ
 وچ مرض صفراوی تے
 جیکر رنج یا سرد مواد
 چہرہ اکھیں رنگ سفید
 گرم چیزاں اس پون مفید

لکھاں

ت لاچار
 بے بیماری
 بچ تھوڑا
 بے اند دل
 بے میل
 کوئی کاری
 ل جبران
 ت خدا
 بچ پخوڑ

آکھن نام
 ہضم نہ ہو
 خاص نشانی
 شکایت
 پانی آوے
 بے زار
 بان اعضا

دھلی نبض پیشاب سفید گرم جوار شاں دیون نفع کر استعمال جوارش عود پہلاں دیہہ مسہل اس قے انوشدارو اس فیض پہنچے	اکھ علامتاں بلغم وید معدیوں کرن ریاہ سب دفع معدیوں ضعف کرے نابود دفع مادہ موزی کرے ضعف معدیوں جلد و نجات
--	--

جوارش عود

کرو تیار جوارش عود ایہ نسخہ حکماء قدیم دع طبیبان دے مشہور قوت گردہ کرے صحیح مگ مرچاں سندھ زیرہ سیاہ خولنجاں دارچینی دج ڈال آملہ دانے میل انار نخم کرفس کبابہ لیا کیسر خالص مشک کافور ادھ سیر پکا کھنڈ ملا کر کے خوب دو اندا قوام دزن اس داماشے پنج چار کھا دے نت صبح تے شام رتع معدے نول دیوے نفع	ضعف معدے نول دیوے سود بہت پسند اس کرن حکیم کرے پرائیاں مرضاں دود معدیوں دود کرے سب رتج مصطفی پودنہ کرے ہمراہ چھوٹی دڈٹی الاچی نال ہر یک تولے دا مقدار جعفل لونگ جلوٹی پا ترے ترے ماشے ڈال ضرور سر کر ادھ سیر نال منگا کٹ دوا ملاؤ تمام معدیوں زائل کرے آزار کرے شتابی ہضم طعام کرے شکم دیاں مرضاں دفع
--	--

ہور جو

صدری

گولیاں

دار چینی

پودنہ

چوتھا

رس کر

ہور د

آملہ

پودنہ

زیرہ

کٹ

چورن

تر پھل

چھانک

تر کھلا

ہود جو ہودن سرد آزار	کڑھے باہر بدن تھیں مار
حَبِ ہاضمہ	
صدری ہک نسخہ لاثانی گولیاں ایہہ بنا ضرور دار چینی گھم مریچ سیاہ پودنہ سنڈھ ہنگ دچ گھت چوتھا حصہ ہنگ دچ ڈال رس کنوار دچ بنھوں حب بہت مدت دی پاس نشانی ہاضمہ دچ نہ رہے قصور سو پھر نمک کرد ہمراہ وزن برابر دارو دست کٹ حمام دستے لے نال دور کرے بد ہاضمی جھب	
سفوف ہاضمہ	
ہور دساں ہک عجب سفوف آملہ دانے ترش اناہ پودنہ دار چینی بادیاں زہرہ نمک سو پھر دچ گھت کٹ کے کرد سفوف تیار بد ہاضمی جھب کرے موقوف دو دو تولے دا مقدار الاچی دانہ ہرڑالی کن ہک ہک تولہ دارو دست پھلے روگی رنت نہار	
چورن ہاضمہ	
چورن ایہہ بنا ضرور تر پھلہ تر کٹ پودنہ لے چھٹا نک اناہ دانہ دچ ڈال ہوتے ضعف معدیوں دور ہر ہک ہودن تولے ترے نمک ترے تولے نال	

ترکٹا - سونٹھ - کالی مرچ - پیل

ترکٹا - آملہ - ہرڑ - اور ہرڑ کو کہتے ہیں - گوہر ہے ہیں -

بلغم وید
 ح سب دفع
 رے نابود
 کرے
 ونجائے

لیے سود
 کرن حکیم
 رضاں دور
 سب رتخ
 لہ ہمراہ
 پچی نال
 دا مقدار
 جلوتی پا
 ڈال ضرور
 نال منگا
 لاڈ تمام
 لے آزار
 ضم طعام
 رضاں دفع

الاجی دانہ زیرہ سیاہ ہک ہک تولہ چار دوا عرق مینو وچ گھوٹ تمام	دار چینی اجوین ہمراہ گٹ چھان سب جمع کرا چورن باضمہ کرے طعام
---	---

نسخہ مجربہ ریح مشکین

کرفس اجوین زیرہ منگوا ترہ نیمہ دن سرکے وچ پوسا نمک سو پھر سنڈھ میلونا گٹ بچھ ماشے نت پھکا پودنہ سو نف دار چینی لے	ترے ترے تولہ وزن تولہ کر کے خشک باریک گھوٹا ہک ہک تولہ لے وچ ڈال ایہ جو شانڈہ کاہٹر پلا ترے ترے ماشے دار و ترے
---	--

چٹنی باضمہ

سرکہ کشمش قند سیاہ منقہ ادراک دانے انار دار چینی تے مرچاں سیاہ دو دو تولے وزن تولہ گھوٹ کونڈے چٹنی کرتیار کچھ مدت کر استعمال	دس دس تولے کر ہمراہ پنج پنج تولے دا مقدار دھنیاں زیرہ کر ہمراہ سسے دار و جمع کرا ضعف معدے نول ہے درکار چٹے اس نول لذت نال
---	--

چورن اگن بھکھ

جیکر ضعف معدے نول ہے	انار دانہ پنج تولے لے
----------------------	-----------------------

پودنہ سنگ ترے اجوین سوچر، سانجھ نمک اندوان دار چینی سب کٹ دوا رس زیتو دج، چون تیار اگن بھکھ چون دا نام	مک مرچاں سنڈھ زیرہین آملہ الاچی دانہ آن اک ایک تولہ وزن تولہ کر کے کھاوے وقت تیار جلدی باضمہ کرے تیار
--	---

بیان ورم معدہ

جے معدے نوں ہووے ورم رہے ہمیش معدے نوں پیڑ نم معدے یا معدے دج معدہ بہت ہو جائے سخت باضمہ دے دج پوے قصور ہووے حالت سخت تباہ ردی سالم کریں شناخت ہووے خاص جے ردی مادہ غذا دوا جو کچھ اوہ کھاوے لازم تاپ رہے ہمراہ جیکر مادہ ہووے سالم شامل تاپ نہ ہرگز ہو چنگی طرح پچھان مزاج جیکر دموی ہووے ورم	کرڑہ سخت نہایت گرم طاقت بدنی کرے ظہیر! ورم کرے روگی نوں زچ کرڑہ پتھر دانگ کرخت طاقت ہوندی جائے دور کر توں اس دی طرف نگاہ دائر لازم کر دریافت ہوندا جاوے ورم زیادہ قے دے نال نکل سب جائے اکثر اس نوں کرے فناء نال عقل کر اس نوں معلم ورم معدے دج ہے کھا طبع موافق کریں علاج کرڑہ سخت یا پولا نرم
---	--

سڑکن تلخی کرے خوار
 لال سُرخ ورم دا رنگ
 باسلیق رگ کھول دوبارہ
 ورم معدے تے لیسپ کرا
 دھنیاں پیلک خوب گھوٹا
 سرکہ تھوڑا جیہا ملا
 جیکر زور ہووے صفرا
 عرق کاسنی سونف پلا
 ملین دے اس ابلتاس
 پیلک دی اس کرد نطول
 بنفشہ اسی پُھل گلاب
 تخم حطی بابونہ گل
 کرے قبض دی بہت شکایت
 بنفشہ کاسنی سونف منگا
 لے توں ایہ دوائیں چار
 پنج تولے خالص گلقد
 ڈنڈے گوندے وچ گھوٹا
 ہک چھٹانکی ابلتاس
 گودا چھاننی نال چھنا
 تھے اس دے کرکے تھے
 ہک تولہ روغن بادام

ہر دم رہے طبع بیزار
 ضرباں چیکاں مارن ڈنگ
 قوت طاقت سمجھ بیمار
 دیوے اُس نوں رب شفا
 آٹا دچ جواں دا پا
 ورم معدے تے لیسپ کرا
 یا سڑیا ہو یا سودا
 سکنجیں دے وچ بلا
 عرق گلاب کرکے وچ راس
 موافق قوت طبع رنجول
 سبز پیلک وچ ڈال شتاب
 لیسپ نہیں کوئی اس دے تل
 ہووے معدہ سخت نہایت
 مغز تخم کدو وچ پا
 دو دو تولے دا مقدار
 اس دے نال کرو پیوند
 شیرہ کپڑے وچ چھنا
 گھول دیو وچ بے وسواس
 چار تولے وچ کھنڈ بلا
 صبح پیشی دیگر پی لے
 داخل کرن حکیم تمام

دہودو ترے دفعہ ضرور جے پیوے نت شربت دینا رکی شربت استین بنزور معدے نول رکھ ہر دم تر شدت درد جے کرے دم پوست ڈوڈے ترے منگا ایسبغول اس دے منج گھول جے دھنیاں پلک گھوٹ نکا طبع موافق دیہ غذا سرد مواد جے بلغم باد فائدہ دیون چیزاں گرم درد پیڑ تپ ذرہ نہ ہو استسقادے وانگ بیمار پودنہ سولف اجوین داعرق ہک ہک رقی اصل کونین دیویں ایہ بنا اس حب	معدیوں قبض ہوئے سب دور معدیوں کٹ سٹے بیماری یا دیہ درد نہ رہے قصہ روغناں نال نہ ہرگز ڈر ہووے مادہ بہت جے گرم مل پانی وچ صاف کرا درم اٹے کر لیپ اندول گرم درم وچ فائدہ پادیں خشک چیزوں پر ہیز کرا معدے دے وچ کرے فساد سرد چیزوں پاشے رنج ورم ورم معدے وچ رہے کھلو وچ شکم دے رکھے بھار شروع کرا ہووے جب فرق عرق نال ملا دن رین کرے شفا اس خالق رب
---	--

حب مسہل بلغمی

تروی توے دو سفید گدا خشک تھے دا پا سکینج گوگل ریوند گھت	غار یقون مصبر دید سقمونیا اصل نال ملا تو نو ماشے داروست
---	---

<p>گٹ کے دائرہ سب چھنا عرق سولف وچ بھول جب ڈبے یا بوتل وچ ڈال ہفتے بعد ہر روز کھوا اس دا ہے ایہ خوب علاج پانی تھیں پر ہیز کرا سخت جلاب نہ نیڑے ڈھو کاسنی سولف سنا تمام پنج تولے گلقد ملا حل کر اس وچ نال قیاس شکموں باہر نکلے بھار خارج کرو مواد بعین بابونہ اسی میتھی پا نیل مسٹھا کر گرم کرا کر توں درم ہو جائے نرم</p>	<p>سقمونیا ترے ماشے وچ پا دانے مانہ برابر سب گولیاں رکھ حفاظت نال چھ ماشے دا وزن تولا جیکر بلغھی سرد مزاج عرق سولف اس بہت پلا جیکر درم مرکب ہو بنفشہ مغز کدو بادام تول تول وزن گھوٹا پنج تولے گودا ابلتاس کھنڈ پلا پلا دو بار ہر ہفتہ دے کے تئیں کالے تیل اس گھوٹ لگا یا پلٹس بنھ درم پکا ہوو علاج جیٹرا تر گرم</p>
---	---

بیان قروح معدہ

<p>قروح معدہ ادوہ مرض سدا ہے اوکھا ہووے بہت آزاری نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو کرے روگی دامندہ حال</p>	<p>درم معدہ جیکر پھٹ جائے معدیوں ریم رہے نت جاری منہ دچوں آدے بدبو اکثر تاپ ہووے اس نال</p>
---	--

طا
پاک
دا
تا
نہ
قر
۳
ملیہ
ادوہ
کل
تاز
خور
میل
بنفہ
پنج
قروح
تکرہ
ایہ
ہور

طاقت جسم بہت گھٹ جائے پاک آفے زل قے نال درد معدے دا کرے خراب تازہ دیہ بکری دا شیر مقوڑا جیہا شہد ملا قرم معدہ جد ہووے صاف آش جواں دی دیہ غذا	ضعف طبیعت دے وچ آفے یا زل آفے نال اسہال دارو اس دا کرد شتاب قرم معدے نوں ہے اکیر روگی نوں ہر روزہ ملا کرے قصور خداوند معاف وچ روغن بادام ملا
--	--

نسخہ ملیتن

ملتن اس نوں دیہ ضرور ادھ سیر خالص عرق گلاب مل عرق وچ ہتھاں نال تازہ گودا انبلساس خوب طرح مل ہتھاں نال میل چٹانک اس وچہ ترنجبین بنفشہ گل تے نیلو فر ہنچ ہنچ تولے وزن دوا تجرے دیگی وچہ جوشا تھرے پا پکا مصری گھت ایہ شربت روگی بت پیوے اکور بے پورے ضرورت آ	ریم قرم تھیں ہووے ددر ادھ پاگھت گلقد شتاب کپڑے وچ کر صاف نکال ڈال چٹانکی نال قیاس چھاننی دے وچ لے نکال ایہ اس نوں دیویں ملیتن نال ملٹی شامل کر رات پانی وچ تر کر دا مل پن کپڑے وچ کر دھوا تار والی پکواویں پت فائدہ بہت نہایت تھیوے نفث مدھ وچ دیکھیں جا
---	---

بیان مرض ڈکار

جیکر آدن بہت ڈکار
گرے سودا معدے دچکار
یا صفرا یا بلغم رتج
جے صفرا دا ہے سبب
رُب سنگترہ ترنج انار
جیکر ہودے گرم ریاح
مرتبہ زہتو جیکر کھائے
ہووے جیکر بلغم باد
سولف الاچی دانہ گلقد
ترے ترے ماشے ترے دوا
کھائے روگی رت نہار
عرق پودنہ سولف اجوین
کمونی کرن حکیم پسند
حاجت بقی ہوس جلاب
رتتر ماس کھوا بیڑا
پیپرمنٹ دار چینی ست

معدے دے دچ پوے وگاڑ
آدن کھٹے بھس ڈکار
نال علامت کرو صبح
ایہ دوا کر اس دا جھب
کدھن معدیوں گرم آزار
سکجبین دیوے اصلاح
معدیوں جھب صفرا دنجائے
معدے دے دچ کرے فساد
مصطکی نال کرو پیوند
پیہہ کے دچ گلقد ملا
دفعہ ہو جاوے بھس ڈکار
ایہ ترے عرق پلا دن رین
بھس ڈکار کرے جھب بند
طبع موافق کریں شتاب
گھیٹو مصالحہ گھت گھیرا
کھائے رت کھنڈ دچ گھت

چوڑن ہاضمہ

چوڑن ہاضمہ کرو تیار
بہت دفعہ آزمودہ کار

بد
دار
ہر
پود
انار
دند
چھا
کھا
جے
اول
ہفت
کرا

مرتبہ
ترا
آدن
مص
ماکھو

<p> بہ ہضمی رتخ سبب ڈکار دار چینی سندھ زیرہ سیاہ ہرٹاں دی چھل مرچاں یا پودنہ مصطکی نگھاں سداب انار دانہ پنج تولے آن دہلے کوٹھے دھج گھوٹا چھاویں رکھ سوکھا وچ تھال کھاوے بہت لگاوے جھکھ جے ہو جائے دُکھ پُرانا اول دے کے تے تلئیں ہفتے تیک دوا کماے کر استعمال ہفتے پنج چار </p>	<p> ہودن معدیوں جلد فرار الاچی دانہ کر ہمراہ آملہ نمک سوخچر دھج پا ہر ایک تولہ وزن حساب کٹ سبب چھاننی وچ چھان زنبو دا پانی دھج پاء حاجت وقت کر استعمال دفع کرے معدے دا دُکھ ہرگز ہضم نہ ہووے کھانا استعمال کر نال یقین مرطاب تے تلئیں دیواے رہے نہ معدے وچ آزار </p>
--	---

نسخہ مرتبہ لیموں وغیرہ

<p> مرتبہ لیموں عجب دوا تراش زنبو چھل دور کرا آون جدول دو ترے اُبال مصری یا کھنڈ پانی پا ماکھوں دانگ ہووے جدآ </p>	<p> مرصاں دھج کرے صفرا پانی دھج گھت جوش دیوا پانی دھج توت نکال زنبو گھت توام پکاء مرتبان وچ رکھ دھکا </p>
--	---

ایہ مرتبہ جے نت کھاوے
 قطع کرے دُکھ جھکھ ددھاوے

نسخہ چٹنی ہاضمہ

۷۰

نسخہ چٹنی دا آزمایا کرے جے ایسنوں استعمال الاجی دانہ مرچ سیاہ ادھرک نمک دانے زار چھوٹے کشمش نال ملا سرکہ کھنڈ یا یا منگوا انبلی ہک پھٹائی تول چھاننی وچ گھت صاف کرا کے گاہڑہ جدوں قوام رہت نہار جیکر کوئی کھلے	ہندوستانوں لکھیا پایا ہضم طعام کرے فی الحال زیرہ دار چینی سمراہ پنج پنج تولے دا مقدار دس دس تولے وزن تول کر کے صاف قوام پکا تھوڑے جیسے پانی وچ گھول سرکہ کھنڈ دے نالی ملا کٹ ملاؤ دوا تمام کر کے ہاضمہ بھکھ لگا دے
---	---

جوارش کمونی

جوارش کمونی کرو تیار دیوے رتج شکم دی توڑ دفع دیوے کر بھس ڈکار دار چینی سنڈھ مرچاں سیاہ چھل ہریڑ اجڑیں سداب ترے ترے تولے وزن دوا بورہ ارمنی تولہ گھت	ایہہ نسخہ آزمودہ کار دارد اس دے جیہا نہ ہو رہے نہ معدے وچ آزار پودنہ گھماں کر دے سمراہ ڈالو اصلی پھل گلاب پنج تولے گلکند ملا مدبر زیرہ تولے ست
---	--

مکنا خا
جوارش
دارد

نے ز
راتیں
راتیں
ایہہ
تولے

پچک
مادہ
سبب
تاپ
شامل
جیکر
معدے
باسلیو
کاسنی

گٹ دوا ملا دھتتہ تقال رتھ معدے دھتتہ آفے کام بہت باریک نہ ہرگز کر	گٹا خالص ماکھیوں ڈال جوارش کوئی اس دانام دارد اس سے درٹھ کر
---	---

بیان مدبرہ زیرہ سیاہ

چھنڈ پھوک کے صاف کرا نجرے دھتتہ رکھ سوکھا نجرے پھیر سوکادیں وت چنگی طرح سوکھا ہر بار زیرہ ایہ مدبرہ جان	زیرہ خالص سیاہ راتیں سر کے دھتتہ پوسا راتیں مڑ سر کے دھتتہ گھت ایہ طریقہ کر ترے وار توے اُتے کرہ بریان
---	--

بیان ہچکی

معدیوں دفع کرے نقصان ایس سببوں ہچکی آدے پھوڑہ قرعہ یا ٹھنسی گرم ردی مادہ کریں خیال مرض ہچکی دی رہے کھلو سوزش ٹھنسی تے گھبرا بادہ خون نہایت گرم یا جو کال معدے تے لا ڈنڈے کوڈے دھتتہ گھوٹا	ہچکی حرکت معدہ جان مادہ موڈی باہر نہ جاوے سبب ہچکی دا جیکر ورم تاپ پڑنا جیکر نال شامل جیکر تاپ نہ ہو جیکر بہت ہووے صفرا معدے دے دھتتہ ہووے ورم باسلیق دا نقصد کرا کاسنی دھنیاں پیسک لیا
---	---

سرکہ تھوڑا جیہا ملا
 سبب ہچکی دا جے صفرا
 یا کوئی تیز غذا دوا
 سنگبین دی قے کردا
 ترش چیزاں کر استعمال
 نہو دی سنگبین پلا
 نہو گھگل دا آچار
 سنگبین پانی دچہ ڈال
 آلو انہلی ترش انار
 شربت لیموں نت نہار
 رب انار دا جے چٹے
 جے خشکی دا ہووے زور
 معدہ ہووے کرڑہ سخت
 لعاب بہیدانہ ایسغول
 پیوے روئی نت نہار
 بنفشہ روغن آپ بنا
 آتش جوال دی نت پلا
 شیرہ مغز کدو بادام
 گوکا مکھن مصری گھت
 دودھ بکری دا روز پلا
 شیرہ کاسنی گھوٹ پلا

درم معدے تے لپ کر
 یا سٹریا ہو یا سودا
 پوے مخالف معدے جا
 گرم پانی دے دچ ملا
 دیون سب صفرا نکال
 دیوے ہچکی ترش دغا
 ہووے ہچکی دیکھ فرار
 دفع ہووے ہچکی فی الحال
 ہچکی گرم نکالن مار
 پیوے ذرہ نہ رہے آزار
 ہچکی گرمی دی جڑھ پٹے
 دیوے ہچکی نت مروڑ
 مسکے منہ زبان کرخت
 بنفشہ روغن مصری گھول
 ہچکی دا رہے نہ آزار
 گھیو گوکا اس دے دچ پا
 روغن دچ بادام ملا
 شام پلا مصری گھت عام
 چٹے فجر دھاڑے ست
 تازہ مصری دچ ملا
 گودا انہلتا سس ملا

دودھ
 جیکر ہچکی
 مصطکی
 پیہ ملا
 عرق پلا
 سونف
 دانے
 کٹ جوش
 زیرہ
 ایہ بھی
 دار چینی
 کھانے
 ہچکی بعد
 پچھے است
 ضعف طبیہ
 ادہ ہچکی
 طبع موافق
 شاید رب
 جیکر ہچکی
 قل ڈوڈہ
 وزن برا

دوتیرے داری سے تلئیں
 جیکر ہچکی خاص ریاحی
 مصطکی دار چینی گلقد
 پیہ ملا جیکر کوئی کھائے
 عرق پلودنہ سونف اجوین
 سونف زیرہ منگوا سفید
 دانے چھوٹی الائچی تے
 کٹ جو شا پیوے کر صاف
 زیرہ پلودنہ خوب گھٹا
 ایہ بھی نسخہ کرو ضرور
 دار چینی باریک کرا
 کھائے نال میل گلقد
 ہچکی بعد جے قے اسہال
 پچے استفراغ یا خون
 ضعف طبیعت سے وجہ آئے
 اوہ ہچکی نہوے بحرائی
 طبع موافق کرو علاج
 شاید رب اس رحم کماے
 جیکر ہچکی لڑکا بال
 قول ڈوڈہ طباشیر یا
 وزن برابر دارو چار

ہووے ہچکی دفع لعین
 معدے سے دچ کرے تباہی
 الائچی دانہ کرو پیوند
 ہچکی فوراً دفع ہو جائے
 ڈال سکنجبین دیہ دن لین
 چھل الائچی چھوٹی دئید
 ہر یک ہووے ماشہ ترے
 کرے قصور خداوند معاف
 سرکے سے دچ میل چٹا
 ہڈکی معدیوں ہووے دور
 الائچی دانہ نال ملا
 ہڈکی جلد ہو جائے بند
 آوے بہت کرے بد حال
 آوے اس نول سمجھ نولون
 مردیاں دانگ جسم ہو جائے
 سخت تاپ اس خاص نشانی
 کر اس دامرطوب مزاج
 اپنے فضلاں نال بچائے
 ہووے بہت کرے بد حال
 الائچی مصطکی نال ملا
 مکش نال چٹاؤ نہار

بیان مرض منغص

مرض منغص جد ہووے پیدا وج شکم دے وٹ مروڑ اٹھے اندر پیٹ ڈنڈ دل ہر ہفتہ یک دیہ تلٹین گوکا تازہ دودھ اکیسر یا بکری دا رنت پلا جے گرمی اس بہت نہایت چیزاں ترش نقوع پلا خرفہ کاسنی تخم خیار آلو انبلی ترش انار سبب جے ہووے بلغم باد اگن بھکھ چورن جے کھائے جواڑش کوئی دیوے نفع دوتڑے اس نوں مسہل کر رتج بلغم جد ہووے دور سجوں پودینہ بڑا مفید	بکھ علامت اس دی دیدا ہووے پیش سخت کھروڑ دیوے رتج نہایت سول ایہ مت رکھیں نال یقین وج آزمائش ایس فقیر مصری بخوڑی جیہ پلا کرے قبض دی سخت شکایت معدیوں دفع ہووے صفرا پیوے گھوٹ نہ ہے آزار شربت لبموں رنت نہار رتج معدے وج کرے فساد وٹ مروڑ رتج ونجاوے کرے مروڑہ پیش دفع طبع موافق ذرہ نہ ڈر رہے نہ معدے وج قصو دیہ توں اس نوں نال تاکہ
--	---

بیان قبض دائمی

قبض شکم وج جیکر دائم	ہے دن رات برابر قائم
----------------------	----------------------

جادے مر
جد معدے
سبب پیو
جھاڑہ سخت
شال نال
کھن گوکا
تازہ گاو
سکجین
ماوالجین
روغن بی
طین دو
شربت منز
سبب قبض
کرتوں اس
سبب یا ہو
پھرے دیار
درد پیٹ
معدیوں سر
جے ہو جاوے
آدن بہت
جھاڑش دارچہ

وج شکم دے رہے کھلو
 بہتیاں مرضاں ہوں ظہور
 کر ڈی سخت ہوئے اس مرض
 آوے بہت وچوں بد مشک
 یا سڑیا ہو یا سودا
 مصری تھوڑی جیہی ملا
 خشک قبض نوں ہے اکیر
 ترش چیزاں رکھ شامل نال
 کہ توں چالی روزہ طیب
 گو کے دودھ دے وج ملا
 دے کے گھوٹا قبض کش
 کرے شتابی قبض کش
 ہووے کر توں خوب صحیح
 جیہڑا دیوے رتخ نوں توڑ
 قبض معدے وج کرے فساد
 ہووے بہت طبیعت زچ
 رہے شکم وج قبض کھلو
 جی متلائے سرنوں گھار
 لاغر ہوندے جان اندام
 دارو اس دا کرو ثناب
 معدیوں رتخ دی قبض اٹھاوے

جادے مرض پُرانی ہو
 جد معدے وج پوے فتور
 سبب پیوست جیکر قبض
 جھاڑہ سخت نہایت خشک
 شامل نال ہووے صفرا
 مکھن گو کا حجر کھوا
 تازہ گا وہ بکری شیر
 سکنجبین کر استعمال
 ماء الجبن والی ترکیب
 روغن بید انجیر پلا
 ملین دو ترے چار کروا
 شربت منت پلا سنا
 سبب قبض دا جیکر ریح
 کر توں اس دوا دی توڑ
 سبب یا ہووے بلغم باد
 پھرے ریح شکم دے وج
 درد پیٹ وج پیدا ہوا
 معدیوں سرنوں چڑھے بخار
 جے ہو جادے مہکم طعام
 آدن بہت ڈکار خراب
 جوارش دار چینی جے کھاوے

دی ویدا
 ت کھروڑ
 ت سول
 مال یقین
 س فقیر
 جی ملا
 ت شکایت
 ت صفرا
 ت ہے آزار
 ت نہار
 ت فساد
 ت نجاوے
 ت دفع
 ت نہ ڈر
 ت وج قصو
 ت نال تاکید
 ت بار قائم

حب چورن اس نت کھوا ہینے دے دج ہک دو بار	دیوے معدیوں قبض و نما حب مہل اس سے درکار
--	---

ملین گھوٹ

بنفشہ کاسنی سوٹف سنا ہک ہک تہ لہ وزن دوا ڈنڈے دج گھوٹ گودا انبلس دا تازہ خیرے سے دج حل کر ایہ دارد دو حصے کر	مغز تخم کدو دج پاء پنج تولے گلقد ملا مل پن دور کر و سب گھوٹ کرے تولے پنج اندازہ چھاننی دج گھت صاف کر پیوے فحری وقت ظہر
---	---

صفت شربت سنا

شربت کرد سنا تیار بہت مجرب ایہ دوائی کاسنی پھل گلاب سنا پا ہک پکا انبلی ہود دو سو دانہ آٹو سیاہ کر کے شربت دانگ تیار شربت ایہ بڑا اکیر	صفراوی مرضاں سے درکار دیوے مرضوں جھب دوائی پنج پنج تولے وزن تھلا بنفشہ گل سے تولے دو مصری ترے پا کر ہمراہ تولے پنج پلاؤ نہار تجربہ سائیں بخش فقیر
--	---

مرضاں کرے معدے دیاں دفع
یرقان نرد نول دیوے نفع

حب چورن
سرد آزا
دار چینی
ہنگ نمک
عرق نہو
بیر ہما
دیوے رتر

جوارش
دار چینی
مرچاں گم
راس
نگناں خالہ
ڈال مرتبہ
درد معد
دیوے معد

صفت حب چورن

حب چورن نوں کرد تیار سرد آزار معدے دے سب دار چینی گھہ مرچ سیاہ ہنگ نمک سو پھر دھ گھت عرق زیتو گھت کھل کرا بیر برابری بنھوں حب دیوے رتج شکم دی توڑ	اوس قبض شکم درکار دور ہو جاون کھا دیاں سب پودنہ سنڈھ کرد ہمراہ دارو تولہ تولہ ست دھنکے کونڈے دھ گھوٹا کھائے رتج اڈا اوس جھب دارو اس دے جہانہ پور
---	--

جوارش دار چینی

جوارش دار چینی کرد تیار دار چینی سنڈھ پودنہ عود مرچاں گھماں مصطلک چھڑ راس ، رتج ، انیسول پا گماناں خالص ماکیوں ڈال ڈال مرتبان دھ رکھ درد معدہ رتج بلغم باد دیوے معدیوں رتج اڈا	معدیوں رتج نوں کرے فرار دو دو تولے کر موجود لونگ ، الچی ، سونف تگر ہک ہک تولہ وزن تولہ گٹ دوا بلا دھ تھال دیوے سرد آزار پرکھ شکموں نفخ کرے برباد درد پیڑ رتج رہے نہ کا
---	---

بیان مرض توج

مشکل مندی درد قولنج
 جھاڑہ بول نہ ہرگز آئے
 وج شکم رودے قولون
 ایہ حقیقی خاص قولنج
 درد شکم دا کرے لاچار
 جیکر اس دا گرم مزاج
 گرم جلاب نہ نیڑے ڈھو
 خشکی جیکر بہت اس ہوئے
 ادھ پا پکا گھیو کر گرم
 پچھول اس نوں دیہ تلمین
 بنفشہ کاسنی پھل گلاب
 مغز کدو بادام سنا
 ڈنڈے کوڈے وج گھوٹا
 گودا انبتاس دا تازہ
 چار تولے وج کھنڈ ملا
 حقے اس دے کر کے ترے
 گرم پانی دی کرد لٹول
 ایہ پکاری کرد ضرور
 سیر یک پانی گرم کرا
 کسرائل تولے گھت پنج
 جے ادھ سڈہ خاص فذائی

سخت عذاب پنچائے رنج
 سول نال روگی کر لادے
 ہوئے سڈہ سخت تریون
 دیوے بہت نہایت رنج
 آدے کسے نہ وقت قرار
 کر تول اس دا سرد علاج
 دیہ تلمین اس نوں کو
 روویں سڈہ بدھ کھلوے
 پیوے شکم ہو جائے نرم
 ہووے دفع قولنج لعین
 دو دو تولے قدر حسب
 یک یک تولہ نال ملا
 شیرہ کپڑ چھان کرا
 ڈال چھٹانکی کر اندازہ
 تولے دو گوکا گھیو پا
 صبح، پیشی دیگر پی لے
 دیوے جب خلاصی سول
 خشک قولنج ہوئے جب دور
 تولہ صابن حل کرا
 کر پکاری خشک قولنج
 پاوے استھیں جب رہائی

ماز
 ادھ
 اش
 دو
 چالی
 ہر

غیر
 درد
 سب
 رنگ
 خلط
 با
 درم
 با
 گرم
 پچھو
 شرب
 شمش
 جلد

نازہ گوکا دودھ پخوا ادھ پاگھو گوکا دین گت اٹھیں دھاڑے دیہہ تلپین دورے والا خشک قولنج چالی روز کر استعمال ہر ہفتہ ایہو دستور	کھنڈ تھوڑی جیسی دچ پا نت پلاؤ دھاڑے ست خیار شنبڑے نال یقین مڑ کے پھیر نہ دیوے رنج جادے چھوڑ قولنج خیال کر توں استعمال ضرور
--	---

بیان قولنج غیر حقیقی

غیر حقیقی مرض قولنج درمی ماوے عرضی رنج سبب قولنج دا جیکر درم رنگ چہرہ اکھیں منہ لال خلط خون دے سب نشان باسلیق دا قصہ کرا درم اُتے جوکاں لگوا باسلیق دا قصہ ضرور گرم نہ ہرگز دیویں چیز پکچوں اس نوں دیہہ تلپین شریت آو خاص عتاب شمش چیزاں کر استعمال جلد اسہال ہودن اس جاری	کس حکیم طباب دین رنج التوی ایہہ پنج پیچ ہودے ادھ دمی گرم سڑکن تلخی سخت کمال چہرے دچوں ہون عیان سبھی طرفوں دیر نہ لا دیوے اس نوں رب شفا ہک دو دفع نکال ضرور ایہو رکھیں یاد نیر سرد چیزاں دی نال یقین دیہہ ہرقت اس نوں گت آب خیار شنبڑے کر شامل نال مورے دفع قولنج بیماری
--	---

سرخ
بلوے
تربون
سرخ
قرار
و علاج
وں کو
وے
نرم
لعین
صلب
ل بلا
کرا
اندازہ
پا
نے
سئل
ب دور
سکرا
قولنج
رمانی

دھنیاں پلک خوب گھوٹا صندل گھس دج عرق گلاب گل روغن سرکے دج ملا جیکر درمی سخت تولنج اکثر تپ ہووے اس نال گرم یا سرد دوا جو کھاوے دیوے زور نہ ہر بلا مادہ ٹھہرے کچھ نہ معدے دج جاوے پھیل شکم دچ سائے تولنج درمی ایہہ خطرناک تولنج ایلاوس اس دا نام	ورم اُتے جھب کر ملا ورم اُتے کر لپ شتاب ورم گرم تے کر ملا دیوے بہت نہایت دج روگی بہت ہووے بد حال تے دے نال نکل سب جاوے ہوندا جاوے ورم زیادہ دیوے ورم اوپر نول کھج سول شکم دج ٹھاٹھال مارے کرے بیمار شتاب ہلاک جھب بیمار کرے قتل نام
--	---

تولنج صفراوی

جے تولنج ہووے صفراوی جھاڑہ بول ہو جھاڑے قبض چہرہ اکھیں ہوون زرد سٹرکن تریہہ تلنج گھبرا سخت تیز موزمی صفرا ہووے معدہ بہت کثرت پاوے معدے دج کمند کرے تولنج نہایت سول	یا مادہ مٹیا سوداوی تیز تواتر ہووے قبض بہت لاچار کرے اس درد نظر نشان آدن صفرا جمع ہووے معدے دج جا کرڑہ خشک نہایت سخت جھاڑہ بول ہو جاوے بند اٹھے اندر پیٹ ڈنڈول
---	---

سکنجیں
ترش
ہر ہفتہ
خیار
جیکر عا
مادہ خا
چھٹانکی
ہر ہفتہ
بنفشہ
دو دو
ترنجبین
شیرہ
پیوے
حتمے اس
جے خشکی
بکری عکار
صابن گر
تیل مٹھا
سبب
آلوہ
چھٹانکی

سنجیں دی تے کروا
 ترش چیزاں اس بہت پلا
 ہر ہفتہ یک تے تلئیں
 خیار شہر معجون کھوا
 جیکر عادت ہو س تو لیج
 مادہ خاص ہووے صفرا
 چھٹانکی مکھن فخر کھوا
 ہر ہفتہ دے کے تلئیں
 بنفشہ کاسنی پھل گلاب
 دو دو تولے وزن تولا
 ترنجبین تے ابلتاس
 شیرہ کپڑے دھچ چھنا
 پیوے ڈال روغن بادام
 جتھے اس دے ترے کروا
 بے خشکی دا بہت سبب
 بکری گال دا تازہ دودھ
 صابن گرم پانی دھچ گھول
 نیل مٹھا گھت کر پکاری
 سبب صفرا جیکر تو لیج
 آلوہ انبلی ترش انار
 چھٹانکی گودا ابلتاس
 گرم پانی دے نال پلا
 معدیوں قطع کرے صفرا
 دیوے اس نوں نال یقین
 دیوے سخت تو لیج دھچا
 دوہے نال پہنچا دے رنج
 شامل نال ہووے سودا
 گلیو دودھ گوکا شام پلا
 خارج کرو مواد لعین
 مغز کدو دھچ ڈال شتاب
 ڈنڈے کوندے دھچ گھوٹا
 پیچ پیچ تولے کر کے قیاس
 مغز فلوس مڑ حل کر
 یا گوکا گھیٹو ڈالو عام
 ترے داری دن دھچ پلا
 کر پکاری اس نوں جھب
 رنت پلا بے ہووے بُدھ
 چھ ست ماشے ہووے تول
 اس دے جی نہیں کوئی کاری
 دیوے سخت کسے نوں رنج
 شربت یمنوں دیہ نہار
 ادھ سیر دودھ دھچ کرے اس

ترے تو لے روغن بید انجیر
دیویں اس وچ گلقتہ ملا
بنفشہ مغز کدو بادیاں
پنج تو لے گلقتہ ملا
شیر اس دا کر کے صاف
قوی کرنا ہے ہو منظور
سنگترہ نبو اس بہت کھوا
تو لے چار انڈ دا نیل
دیویں ہک وو دفعہ پلا
آلو اسیلی ہے عتاب
جیکہ سخت ہووے اس سول
کھٹی گوکی لسی پیوے
مرتبہ بیموں دا ہے کھاے
غلغل نبو دا آچار

ڈال پلا اس نول اکیر
تو لے دو ترے چار تولا
سنا ہر یک تولے آن
ڈنڈے کوئلے گھٹ گھٹا
دیہہ قصور کرے رب موان
انبلس ملاؤ ضرور
معدیوں قطع کرے صفرا
ادھ سیرگافے دودھ دچ میل
دیوے اس نول صحت خدا
نقوش کر کے اس یوشتاب
گرم پانی دی کرو نطول
فضل خدا تھیں چنگا تھیں
تولنج صفراوی وور ہو جائے
کھاوے بنت نہ رہے آزار

بیان تولنج ریاحی

جیکہ سرد تولنج ریاحی
آکھن اس نول باد تولنج
پیٹ تمام نفع کر جاوے
ہووے قرقر رودیاں وچ
جھاڑہ بول نہ آوے مول

کرے شکم دے وچ تباہی
دورے نال پہنچے رنج
وانگوں ڈھول آوازہ آوے
نفع شکم نول دیوے رنج
ٹھاٹھاں لراں مائے سول

عرق
پھر
زیرہ
تیل
دیہہ
معجون
پودر
شور
ساگ
اجوین
سندھ
گھوٹ
گوشہ
شور
سرکہ
کرو
بالون
کھٹی
یک
کھٹ
باد

عرق پودنہ سونف اجوین
 پھرے جے رتج شکم دے منج
 زیرہ سونف جوین کوٹا
 تیل مٹھا گھت کرو ٹکور
 دیو نیچار شنبہر معجون
 معجون پودنہ ریت کھوا
 پودنہ دار چینی اجوین
 شورہ ترتر مرغ شیرا
 ساگ باقو دا جے نت کھادے
 اجوین پودنہ زیرہ سیاہ
 سنڈھ گھاں وچ دیویں گھت
 گھوٹ منقے وچ ملا
 گوشت ادرک ڈال پکا
 شورہ پیوے سرکیاں نال
 سرکہ نمک دی کرو ٹکور
 کرو محلل جلد نطول
 بابونہ اسی مینقی لیا
 کٹی کے پانی وچ ابال
 یک طرفہ روٹی لے پکوا
 کھڑ سورجیاں سنڈھ جوین
 باد قونج جے بہت پڑانا

میل شراب پلا دن رین
 گلاس رمی دی جوین کھج
 پوٹلی کپڑے منج بنھا
 جکے رتج ٹھکانہ چھوڑ
 ہووے دفع قونج زبون
 درد نفخ رتج رہے نہ کا
 دیو انہاں داست دن رین
 دیو مصالحہ ڈال گھنیرا
 معدیوں یخ دا تخم و نجافے
 مصطکی دار چینی ہمراہ
 ترے ترے ماشے داروشت
 روگ نول ہر روز کھوا
 گرم مصلح نال ملا
 دفع قونج ہووے فی الحال
 نفخ رتج جاے سب چھوڑ
 ہووے دفع قونجی سول
 بنفشہ خطی نال ملا
 کرے نطول روٹے دے نال
 تیل مٹھا گھت کے بنھوا
 گھوٹ ضماد کرو دن رین
 وچ شکم دے کرے ٹھکانا

نسخہ ایک لکھاں اکسیر کالی زیری تولے چار پودنہ سنگ ترے اجوین رس کنوارہ وچ بنھو حب ایک دو گویاں نت کھوا عرق پودنہ سونف اجوین باد قونج دست رتخ مول	بخرہ سائیں بخش فقیر زیرہ سیماہ تولہ مقدار ایک ایک تولہ ایہ پنج لین چنے برابر گویاں سب اکٹوں ایہ ترے عرق پلا عرق ترے ایہ کافی بہن سٹے پٹ اٹھاندی مول
---	---

مجموع خیار شنبہ

بنا خیار شنبہ مجموع بنفشہ گلے کے ادھ پا فجرے دیپی دے وچ ڈال تل کپڑے وچ صاف کیا کر کے چھانٹی وچ صفا گاہڑہ ہودے جلدوں توام سفوفیا رب السوس منگا مصطفیٰ نمک لاہوری ڈال ترہ دی اکٹھ تولے وچ گھت وزن خوراک تولے رہے چار دست جلدوں ہودن اس جاری وزن تولہ جیکر نت کھاے	دفع قونج کرے ملقون رات پانی وچ تر کر دیا دو ترے اس نوں دیہہ ابال پا ایک انبلس پا پا پا ماکھیوں کھنڈہ رلا مکٹ میل ایہ دوا تمام سونف انیسوں نال پلا ایک ایک تولہ وزن سمبال بادام روغن وچ تولے رت ہر ہفتہ کھاے ایک بار زائل ہودے کل بیماری قبض شکم دی دور ہو جاے
--	--

کمر مع
جیکر
اجوین
سونف
دار چینی
ینگنا خا
نودس
جس نو
اس نو
ماضمہ

چٹنی
کشمش
پودنہ
ہر پا
نمک
گھوٹ
چٹنی

معجون پلودینہ

<p>شکموں رتج نکالے مار پائے استھوں جلد ربائی شندھ کرفس کرو ہمراہ الاچی دانہ لے وچ پا دو دو تولے قدر حساب کٹ دوا ملا وچ تھال کرے پیٹ رتج دا چاک دورے مال پہنچاے رتج پیٹر سول رتج ہوئے دفع معجون پلودینہ اس دانام</p>	<p>✓ کہ معجون پلودنہ تیسار جیکر خاص قولنج ریاجی اجوین پلودنہ زیرہ سیاہ سولف، مصطکی، حاقرقما دارچینی مگ مرچ سداب نگنا خالص باکھوں ڈال نودس ماشے وزن خوراک جس نول ہوئے باد قولنج اس نول تروت دکھاے نفع ماضمہ صعب ہے کرے طعام</p>
---	--

نسخہ چٹنی

<p>ذائقہ عمدہ کرے دمان پنچ پنچ تولے دارد ترے الاچی دانہ کہ ہمراہ قند پشادری تولے چار سرکہ حسب ضرورت ہو وقت ضرورت ذائقہ چکھ بیاضے جلدی نال ڈکارہ</p>	<p>چٹنی میں یک کراں بیان کشمش ادرک انہلی لے پلودنہ زیرہ مرچ سیاہ ہر یک تولے دامقدار نمک لاہوری تولے دو گھوٹ کونڈے پیالی وچ رکھ چٹنی ایہہ بڑی مزے دار</p>
---	--

معجون مسہلی

معجون مسہل کر تیار ضرور	کرے شکم دیاں مرضاں دود
قبض شدہ ریح بغم باد	درد شکم ہور سرد مواد
فالج، گنٹھیا، واؤ، نسیان	رہے نہ جئے وجہ نشان
تروی تولے چار سفید	ستونیا اصلی تولہ دید
دار چینی سنڈھ جفضل بیا	مصطکی مگ جلوتری پا
آملہ صاف کر کے وچ گھت	بک بک تولہ وار وشت
آملہ رچھل ہریڑن ڈال	پینچ پینچ تولے وزن سمہال
کٹ چھان دج شہد ملا	ستویں دینہ بک وار رکھا
وزن خوراک اس تولے دو	دودھ گھٹ کر و مناسب جو
دیویں نرم لطیف غذا	خشک چیزاں پرہیز کرا
جد اسہال ہو دن اس جاری	ہوئے بدنوں قطع بیماری

بیان قویج عرضی

قویج عرضی دا کراں بیان	ہودے نال شراکت آن
ووم شانہ گردہ رنج	پیدا عرضی کرے قویج
گردہ جدوں ورم کر جائے	جھاڑہ بول نہ ہرگز آوے
سخت ہودے گردے منج سول	جھاڑہ بول نہ آوے مول
سکنبین دی تے کردا	دیوے اس نوں رب شفا
انبلا سرا دی کر تلپین	ہودے دفع قویج لعین

جیک
گھینو
مالش
تدبیر
کشت
تازہ
بنفٹ
مغز
شیر
انبلا
چھان
حصے
کرد
رتی
قویج
یا دو

کراں
درد
ابوین

گھیو دودھ کر استعمال
دیویں جھب قبض نوں کھول
جاوے درم ٹھکانہ چھوڑ
مرضاں دوج عارض ہو جائے
گوکے دودھ دوج دیہہ ہک ار
گھیو کھنڈ اس دے دوج ملا
دو دو تولے میل شتاب
ڈنڈے گونڈے دوج گھوٹا
کپڑے دوج گھت صاف کرا
شیرے دے دوج دیویں کھول
کھنڈ ملا دوج تولے چار
فجر پیشی دیگر پی لے
ہودے دفع عارضی سول
درد گرے نوں تروت دنجائے
دیوے مالش نال ربائی
دیہہ جھولارے ادھر ادھر

جیک تاپ نہ ہو دے نال
گھیو دودھ دا دیویں جھول
مالش پڑے کرو ٹھکور
تو بخ عرضی ایہ نام سدا ہے
کٹرائل لے تولے چار
تازہ گوکا دودھ ملا
بنفشہ کاسنی پھل گلاب
مفر کدو دو تولے پاء
شیرہ اس دارے کڈھا
انبلیتاس پھٹانکی تول
چھاننی دوج کر صاف نتار
صحتے اس دے کرو ترے
کرو محل لیب لٹول
رتی ترے بر شعلہ کھا دے
تولج جے کر ہودے التوائی
یا دونوں ہمتھ قدم پکڑ

بیان معجون سائین بخش

دیوے مرضاں بیر دیاں توڑ
لٹن اس تھیں گھت دیہیں
بذر البنج کرد ہمراہ

کراں بیان معجون ہک ہور
درد شکم جوڑاں دیاں پڑاں
اڑین پلودنہ زیرہ سیاہ

سقمونیا غقر قرحا سداب دو دو تولے سب دوا کٹ چھان ماکھوں دچہ گھت درد رتج جس کمرے لاچار نوراً اس لوں دیوے نفع	مگ مرچاں سنڈھ ڈال شتاب ترے ماتھے افیون ملا دزن خوراک اس ماتھے رشت ترپھے مچھی دانگ بیمار درد پیٹ رتج ہووے دفع
--	--

بیان ضعف جگر

ضعف جگر جد کرے ظہور رنگ سفید بگا ہو جائے دل نوں بہت پوس دھڑکا اُٹھے جدوں اندھالی آوے طاقت ہووے بہت ضعیف یا کوئی سخت تپ دا ساڑ یا کوئی کچی مٹی کھاے یا گندی روڑی دی دا یا جد مڑ بکا بہتا آوے موزی مرض ایہ بہت خراب ضعف جگر جے تاپ سبب پہلاں زرد رنگ ہو جائے زور کرے موزی صفرا ہووے اس دا گرم مزاج	اڈ جاوے چہرے دا نور ضعف طبیعت دے دچ آوے ہرگز کم نہ ہووے کار وقت چلن دے دم چڑھ جائے دھڑکا دل دیوے تکلیف کرے جگر دے دچا بگاڑ ضعف جگر او تھوں ہو جائے لگے ضعف جگر ہو جا سرد ہوا جگر دچ دھاے دارو اس دا کرد شتاب دیوے ضعف بدن نوں جب اکھیں چہرہ رنگ دٹاے شامل نال ہووے سودا کر توں اس دا سرد علاج
---	--

کاسی
گودا
نل
ہر
مستحیہ
آلو

بزدلی
بلغی

رنگ

چہرے

یا مٹی

پھڑکے

دیہہ اس

کئی ہزار

ضعف

بہے جسم

نستہ

کپہ

اس نوں

ادھ پا

کاسنی ہک چھٹانک گھوٹا گودا انبلتاس داتازہ کل کے چھاننی دوج چھنا ہر ہفتہ دیویں تنشین ستنجین اُس رنت پلا آلو اہلی کرو نفوع ہندی شربت بہت مفید بلغی ضعف جگر دا دید رنگ اکھیں چہرہ بدلائے چہرے دوج دے ابھرن یا مٹی بھس ہو جائے پھر کے دل کر کے رقتار دیہ اس نوں فخنوش معجون کئی ہزار دفعہ آزمایا	شیرہ کپڑے دوج چھنا ڈال چھٹانکی کر اندازہ ترے واری دینہ دوج پلا قطع ہودے صفرا لعین شیرہ کاسنی نال پلا مصری ڈال رنت کرو شروع دیہ تول اُس نوں نال تاکید رنگ ہو جائے بہت سفید قوت بدن ضعف کھا جائے نظر نہ آوے ہرگز خون رنگ سفیدی دے دوج آئے ادھکا ہودے بہت بیمار پیدا کرے بدن دوج خون ہرگز کدے خطا نہیں پایا
---	---

نسخہ آہن اکسیر

ضعف جگر بہت پرانہ رہے جسم دوج عاتی ہو نسخہ ہک آہن اکسیر اس نوں لے بنا ضرور ادھ پا رگڑ لوہے دا بورہ	رہے بدن دوج کل ٹھکانہ فائدہ کرے دوانہ کو بجربہ سائیں بخش فقیر ہودے ضعف جگر دا ددر ادھ سیر پچا سرکہ پورہ
--	---

دھج سفید بوتل دے پا
 بعد چلیوں شروع کرا
 دو تولہ تر پھلا روز پوسا
 یا ماریا ہو یا منور کھوا
 یا لوہے دا رگڑ کھوا
 یا دیویں آہن اکیر
 کشتہ جے دیویں فولاد
 وزن فولاد وا رتی ترے
 ایہ نسخہ آزمودہ کار
 نجث الحدید کر استعمال
 دھڑکا ضعف ہوئے سب دود
 ادھر ٹکا گوکا نال جے ہوئے
 گھیو مٹھا گھت روئی ٹکھاے
 استعمال چالی دینہ کر
 ضعف جگر جیکر یرقانی
 جیکر ضعف سبب طحال
 ضعف جگر جس مرض داعین
 ضعف جگر دا کرد علاج

ایک چلیہ روز ملا
 پانی تر پھلا نال ملا
 اکیر آہن دھج ڈال ملا
 تر پھلا کٹ اس نال ملا
 ماریا ہو یا کھن دھج پا
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 پٹے ضعف دالی بنیاد
 وزن لوہے دا ماشہ ہے
 سائیں بخش کیتے کئی بار
 رنگ بدن ہو جاوے لال
 رہے نہ جتے دھج قصور
 فائدہ بہت نہایت تھیوے
 گرم چیز دے راہ نہ جاے
 رہے نشان نہ ضعف جگر
 پیلا رنگ اس خاص نشانی
 کرد علاج اس دانی الحال
 کرد دوا اس دا بالفرض
 گرمی سردی سمجھ مزاج

بیان ورم جگر

ورم جگر جد پیدا ہوئے
 طرف سمتی ادہ مل کھلوئے

لازم تار
 جے ہو
 ہے ایہ
 جیکر ما
 رنگ بد
 باسلیق
 زرد خول
 جیکر در
 رنگ ہو
 سوزش
 ہضم غذا
 نکل غذا
 ہووے لا
 توت بدن
 ہووے ان
 ہضم کدو
 بر یک
 زردے
 دو تولہ
 جیکر
 ہووے
 چمک

<p> لازم تاپ رہے ہے نال ہے ہو جاوے رمدی مادہ ہے ایسہ دکھ بڑا ناپاک جیکر مادہ دموی ورم رنگ بدن دا ہووے لال باسلیق رگ کھول ضرور زرد خون ہے نظری آ جیکر ورم ہووے صفراوی رنگ ہو جاوے زرد سیاہ سوزش تریہ تلخی گھبرا ہضم غذا نہ ہووے مول نکل غذا جاوے قے نال ہووے لاغر بدن ضعیف توت بدنوں گھٹ دی جائے ہووے اندر خشک نہایت ہضم کدو مضر بادبان ہر یک تول وزن دوا ڈنڈے کونڈے وچ گھوٹا دو تولے شربت دینار جیکر ہووے ورم کینخت گوگل چربی مٹھا تیل </p>	<p> کرے روگی دا مندا حال ہوندی جاوے ورم زیادہ کرے روگی نول جلد ہلاک ہووے بہت نہایت گرم اکھیں چہرہ سرخ کمال گندہ خون کرو سب دور ورم جگر تے جوکان لا یا مادہ سٹریا سوداوی ضعف جگر ہووے ہمراہ نظر نشان آدن صفرا لازم رہے جگر وچ سبول بعضیاں نول آدن اسہال ہر دم ورد دیوے تکلیف دن دن کھانا تھوڑا کھائے کرے قبض دی بہت شکایت کاسنی نال ملاؤ آن پنج تولے گلقد ملا شیرہ کڈھ ہر روز ملا پیوے نال ملاؤ تھار مرزہ بہت نہایت سخت کر کے گرم موم وچ میل </p>
---	--

نت لگاؤ کر کے گرم
 طہریتِ نت پلا دینا
 عرق کاسنی عرق نکو
 جیکر ہووے گرم مزاج
 خیرہ کاسنی گھوٹ پلا
 تخم کاسنی صندل بور
 پانی سرکہ گھت گھوٹا
 جیکر حاجت ہوں جلاب
 سولف کاسنی خوب گھوٹا
 تولہ تولہ وزن تولہ
 بہک چھٹانکی انبتاس
 چار تولے دھج کھنڈ پلا
 جسے اس سے کرے ترے
 سُدہ گرم یا خشک مواد
 جیکر تاپ نہ ہووے نال
 ورم نال تب لازم ہو
 سُدہ خشک یا ہووے گرم
 بنفشہ مغز کدو بادام
 جیکر تاپ نہ ہووے نال
 پچھوں اس نول سے تلہین
 بنفشہ روغن مالش کر

سخت ورم ہو جائے نرم
 کرے جگر دی قطع ازار
 شامل اس سے نال ہے ہو
 ہرگز گرم نہ کریں علاج
 مصری کھنڈی جیہی پلا
 دھنیاں پھل گلاب کافور
 ورم جگر تے کرے طلا
 نرم ملین دیہو شتاب
 مغز تخم کدو دھج پا
 پنج تولے گلقد پلا
 کرو اضافہ بے دسواس
 ترے واری دن دھج پلا
 صبح پیتی، دیگر نی لے
 کرے جگر دے غرہ لساد
 ورم نہ ہرگز کریں خیال
 سُدے نال نہ ہرگز ہو
 پہلاں کرو طبیعت نرم
 گھت گلقد پلاؤ شام
 گھیو دودھ صبح کر استعمال
 ہر ہفتہ یک نال یقین
 نت داڑے ذرہ نہ ڈر

بلغم باد یا سرد ریاح	پھرے جگر دے گرد نواح
تا پ نہ اس توں ہوئے مول	رہے ہمیش جگر دے سول
عرق سولف دا شہد ملا	کدھ تازہ ہر روز پلا
گرم بزوری دیوے نفع	کرے ریاح جگر دی دفع
مجنون کوئی رنت کھوا	دیوے جگر دی رتخ دنج
جواش دار چینی جے کھاے	بلغم رتخ دا نم اٹھاے
جیکر کھنگ نہ ہوئے نال	ترش چیزاں کراستعمال
سنبھیں بزوری منگوا	نجرے رنت نہار پلا

شربت بزوری گرم

بنا بزوری شربت گرم	زائل کرے جگر دا درم
کاسنی چھ تولے منگوا	چھ تولے مع سولف ملا
نم کرنس تولے ترے گھت	چھل جڑھ کاسنی تولے مت
چھ تولے جڑھ سولفاں لے	جڑھ کرنس گھت تولے ترے
پوٹی تخم کشوت بنھا	ڈیڑھ تولے دا وزن تولا
دارو کٹ سب رات لوسا	مجبے دیچی دے جوشا
کل پن کپڑے مع تمام	ترے پاکھنڈ گھت کرو تمام
سرد آزار جگر دے کل	پیوے رنت جاوے جھب کھل

شربت دینار

شربت کرو تیار دینار	جگری مرضاں دے درکار
---------------------	---------------------

ریوند تخم کثوث منگا ریوند نول درڑہ کردا چھل جڑہ کاسنی پھل گلاب ست ست تولے وزن تولا فجرے دیگی دے دچ ڈال نل کے پن کے صاف کرا دو ترے تولے نت پلا پیلک سونف کاسنی دافع ماء الاصول پلاڈ ضرور	دو دو تولے وزن تولا پوٹلی تخم کثوث بنھا تخم کاسنی ڈال شتاب رات پانی دچ ترہ کردا دو ترے اس نول دیہہ ابال ترے پا مصری گھت پکا تازہ پانی ڈال ملا پیوے پیوے شتابی فرق کرے جگر دیاں مرضاں د
---	--

ماء الاصول بزور

ماء الاصول بزور بنا تخم کاسنی سونف منگا جڑاں سونف کاسنی دچ گھت گلقدن میل تولے دچ چار روگی نول ہر روز پلا جیکر ہودے سرد مزاج کرے چنگی طرح خیال نال عقل دے سمجھ وقوف	دیوے مرضاں جگر دغا تخم کھکھڑی کھیرے دچ پا ہرک ہودن ماشے ست کاہڑہ جوشاندہ کرو تیار دیوے سدہ جگر دغا کر توں اس دا گرم علاج کرنس جڑہ کرنس دچ ڈال کاسنی کرنس خیال موقوف
---	--

منقہ پنج تولے دچ پا
عوض گلقدن دچ شہد ملا

سوء القنیہ

رنگ زرد پیلا ہو جاوے
 ہووے نظر نہ آوے خون
 چہرے وچوں ہون عیان
 کس حکیم طیب تمام
 لکھیا طبیاں وچہ حکماء
 تپ دا اوہ احتراق بچیان
 لازم تپ اس خاص قشانی
 دج جگر دے کرے بجگاڑ
 تپ دے بعد ہووے بانویش
 کرنا جائز سرد علاج
 گرمی دالے تب نشان
 پیوے نت نہسا ضروری
 ہووے قطع آزاد تمام
 ہووے دفع شتاب آزار
 دیویں اُس نوں نال یقین
 عرق کاسنی سونف ملا
 کدھن باہر جگر دا ساڑ
 شیرہ کاسنی نال ملا
 کرے جگر دے دج فساد

جہول جگاڑ جگر وچ ہووے
 ہستیاں پیراں تے ابرہون
 ضعف جگر دے وچہ نشان
 سوء القنیہ مرض دا نام
 ایہ پہلا درجہ استقا
 تپ دے بعد جے ہووے آن
 ہے اوہ مرض مادہ بحرانی
 سبب تاپ بحرانی ساڑ
 ہے ایہ خاص حقیقی مرض
 ہووے اس دا گرم مزاج
 نبض قارویوں لے بچیان
 شربت خالص سرد بنووری
 دیو شربت درد مدام
 جے پیوے شربت دیتار
 برہنئے دج بک تلمین
 شربت افستین پلا
 بہت کھلے سنگترے انار
 سکنجبین سادہ بنت پلا
 بلغم خام یا سرد مواد

سوء الحقیقہ مرض ہو جائے
 کدے قبض تے گدی مروڑا
 وجہ منجم دے پورے تصویر
 لاغور بہت بدن ہو جائے
 جادے مرض پرانی ہو
 ہتھ پیر کر جادن ورم
 بل جادے استسقا دے نال
 استسقا دا کرد علاج
 منفع ماء الاصول دیہ گرم
 گولیاں حب ایار ج نال
 عوض پانی دے عرق پلا
 جبیکر اس دا سرد مزاج
 کھادے سرد نہ کوئی چیز
 عرق سونف دا کر استعمال
 ڈاچی دا پیوے دودھ تازہ
 قسم اناج نہ ہرگز کھاوے
 جبیکر تاپ ہووے اس نال
 سوء الحقیقہ جبیکر مرض
 ورم طحال دا کرد علاج

رنگ اکھیں چہرہ بدلاوے
 بھکھ بند تے کھاوے تھوڑا
 بگڑے خواب والا دستور
 ضعیف طبیعت دے وجہ آوے
 رہے جسم دے وجہ کھلو
 پوللا جسم ہو جادے نرم
 کرے روگی دا مندا حال
 پہلاں منضج دیہو شتاب
 جادے ہو طبیعت نرم
 کرد صفائی بدن سہماں
 تازہ سونف دا شہد ملا
 اس دا ہے ایہ خوب علاج
 اتنی رکھیں یاد ہمیشہ
 پانی ترک کریں ہر حال
 موافق قوت سمجھ اندازہ
 سرد پانی دے راہ نہ جادے
 کہ کونین دی استعمال
 ورم طحال دا ہووے عرض
 تا ہووے تندرست مزاج

جبیکر رتج دا ہووے زور
 نکھان مجرب نسخہ ہووے

دار
 عا
 ہ
 رس
 کھا
 پانی
 بابونہ
 کرے
 اس
 کڑوا
 رات
 ہر ہفتہ

پا ہلک
 تروی
 کالی چھ
 جو
 کرے

دار چینی گھم مریج سیاہ	پودنہ سنڈھ کردہ ہمراہ
عاقڑ حاتینوں اجوین	اصلی ہنگ برابر لین
ہک ہک تولہ وزن تولہ	سوچر نمک تولے در پا
رس کنوار دج بنھول حب	کھادے نفع دکھادے جھب
کھادے جانوراں دا ماس	گھت مصالحہ بے دسواس
پانی سرد نہ لستی پیوے	جب تک خوب نہ چنگا تھیوے
بابونہ روغن مالش کر	بنت دھاڑے ذرہ نہ ڈر
کرے ریاضت بہت علیل	تا مادہ ہودے تحلیل
اس دارو دی کرتوں لوڑ	جیہڑا ریح نوں دیوے تولہ
کڑوا چرائستہ افسنطین	ترے ترے ماشے دارو تین
رات پانی دج تر کردا	فجر جوشاندہ کاہڑ پلا
ہر ہفتہ دیویں تلئیں	طبع موافق نال یقین

شربت افسنطین مسہلی

پا ہک پکا پھل گلاب	افسنطین چھٹانک شتاب
تروی غار یقون سفید	ہک ہک تولہ ڈالو دید
کالی چھڑ چھ ماشے پا	رات پانی دج رکھ پھل
فجر جوش کر صاف کرا	ترے پا کھنڈ سفید ملا
کر کے شربت دانگ تیار	پیویں دونوں وقت نہا

عرق سونف دا نال ملا
دیوے اس نوں رب شفا

بیان استقا

استقا یک سخت آزار
 حدوں باہر پیٹ وودھ جائے
 جگر وں موذی گرے مواد
 پردیاں دج شکم گھس جائے
 مادہ فاسد کرے نزول
 باطنی دج بگاڑ ہو جائے
 استقا کے ترے اقسام
 خاص لمی دی ایہ شناس
 چہرہ شکم ورم کر جائے
 جد انگل دی دیوے دب
 جائے جُستہ پھل تمام
 طبعی جیہڑا استقا
 بہت شکم نوں دیوے کھج
 نال انگل جد چوٹ چلائے
 تینیاں جاوے شکم نہایت
 زرق استقا خراب
 خاص زرق دی ایہ نشانی

بہت نہایت کرے خوار
 بہت انسان تکلیف پائے
 دج شکم جا کرے فساد
 سخت شکم نوں ضرر پہنچائے
 پردے کرے صفات قبل
 ضعف طبیعت دے دج آئے
 لمی، طبعی، زرق نام
 ہستیں پیریں پورے آسان
 دانگ خمیر بدن پھل جائے
 ڈا پورے ورم تے جھب
 ہندی دج سچو دہر نام
 دج شکم دے بھرے ہوا
 کن کتھو دھر ہندی دج
 دانگوں ڈھوں آوازہ آئے
 کرے قبض دی بہت شکایت
 دانگ شک ہو جائے آب
 دانگ مشک دے چھلکے پانی

ساجد استقا دا چار
 قے، منہج، سہل امداد

لمج
 جب
 بن
 جیکر
 پانی
 عوض
 ہے
 یہ
 شکور
 نصف
 استقا
 جن
 قسم
 انما
 لسی
 شر
 عوض
 پانی
 عرق
 سوا
 سائیں
 بخ
 مجرب
 کرے
 ریام
 ہندی
 شربت
 عرق
 سوا

طبع موافق کر تلمیخیں	ہر ہفتہ ایک تال یقین
حب ریوند کر استعمال	دیوے مادہ مرض نکال
بنت پلا ڈاچی دا بشیر	لجی نول ڈٹھا اکیر
جیکر تاپ نہ ہووے تال	شیر شتر دا کر استعمال
پانی آن نہ دیوے مول	پاوے تال اوہ صحت رنجل
غوض غذا پانی دے دودھ	دیہر ہر روز جے ہووے بدھ
ہے ایہ نسخہ بڑا لاثانی	بجربہ حکمت دج یونانی
شکوں مادہ مرض نکال	ہر ہفتہ بعد ملین تال
نصف رقی کونین ملا	عرق سونف دا بنت پلا
استقاجے خاص ریاجی	کرے نہ مڑکے ذرہ تباہی
جن کتھو دہر استقا	دیوے شکوں تخم اٹھا
قسم المانج نہ ہرگز کھاوے	سرد پانی دے راہ نہ جاوے
لسی شربت مول نہ پیوے	تال اوہ روگی چنگا تھیوے
غوض پانی جے سونف دا عرق	پیوے پلوے شتباہی فرق
عرق سونف دا بہت پلا	سرد چیزوں پرہیز کرا
سائیں بخش اُس نول آزمایا	ہرگز کدے خلا نہیں پایا
مُجرب مٹل بابونہ تیل	مل دج نمک تھوڑا جیہا میل
کرے ریاضت دیندے رات	استحیہ بہت ہووے دکھ مات
بندری شربت یا دیہہ ورد	طبع موافق گرم یا سرد
شریت افستخیں اکیر	دج آزمائش ایس فقیر
عرق سونف دا تال ملا	روگی نول ہر روز پلا

نحوار
پاؤں
فساد
پنچک
مات قبیل
دج آئے
قی نام
آساس
بل جادے
جھب
دہر نام
بھرے ہوا
دج
آوازہ آئے
بست شکایت
جائے آب
چھلکے پانی

جے پیوے شربت دینار
 جیکر زتی استسقا
 پانی نشتر نال نکال
 حب ریوندی کرو تیار
 حاذق حکماواں آزمایا
 کھائے ہر ہفتہ یک دار
 ریوند، گوگل، غاریقون
 رب السوس سقمونیا گھت
 تروی تولے چار پلا
 برابر مانہ دے دانے نال
 کھاوے ہر ہفتہ یک دار
 جیکر ہووے مرد جوان
 لمبی بلغمی استسقا
 دساں نسخہ ہووے آزمودہ
 جادے مرض پرانی ہو
 استسقا طبعی نول نفع
 دار چینی مگ مرغ سیاہ
 کالی زیری سنڈھ اجوین
 کٹ چھان کے داد سب
 یک یک رتی دا مقدار
 سولف منقہ بنت جو شا

جائے استسقاء آزار
 کرے خراب کسے نول آ
 کل کلاخ کر استعمال
 استسقا دے ہے درکار
 فائدہ بہت نہایت پایا
 گویاں نو ماشے مقدار
 ایارج فیقرا ہندی لون
 یک یک تولہ داروست
 عرق سولف وچ حب بنا
 گویاں بنھوں عقل سمہال
 چھ ست ماشے دا مقدار
 کھاوے نو ماشے بھر آن
 دیوے جسموں تخم اٹھا
 کامل حاذق دا فرمودہ
 رہے جسم دے وچ کھلو
 دیوے نفع کرے سب دفع
 گوگل تخم کرفس ہمراہ
 دارد وزن برابر بین
 وچ منقہ بنھوں حب
 وزن روزانہ ماشے چار
 پچھوں ماکھوں ڈال پلا

ہر
 کر
 ش
 نہ
 دیو
 پانی
 رد
 ہر
 نکل
 وچ
 پہلے
 سو
 بین
 پانی
 سرکہ
 وچ
 گرم
 است
 کس
 استسقا
 نسخہ

ہر ہفتہ یک کرو جلاب
 کرے جیکر صفرا بگاڑ
 شیرہ کا سنی دیوے نفع
 نسخہ یک لکھاں ادرار
 دیوے دم جگر نوں سود
 پانی مولی دا کڈھوا
 ردگی نوں ہر روز پلا
 ہر ہفتہ یک قے کروا
 نکل مادہ موزی سب جاے
 وچ مہینے دو دو بار
 پہلے ہفتے قے کروا
 سوئے تخم مولی دے یا
 مین پھل ڈوڈہ یک ڈال
 پانی ڈال پیالے ترے
 سرکہ یک پچھٹاکی گھت
 وچ حلق دے کھنپ پھرا
 گرم پانی دی کر امداد
 استسقا سبب طحال
 کرے مواد سودا کرخت
 استسقا مین اس نام
 نسخہ یک عجیب ہمتہ آیا

جادے استسقا خراب
 پوے جگر وچ دائم ساڑ
 کرے بگاڑ جگر دا دفع
 رہے نہ استسقا آزار
 استسقا نوں کرے نابود
 شورہ تھوڑا جیہا ملا
 دیوے اُس نوں رب شفا
 قانوپخہ وچ لکھیا حکماء
 مرض نہ مڑکے شکل دکھاے
 قے جلاب کراویں چار
 دوجے وچ جلاب دیوا
 تول تول وزن تول
 کٹ سب پانی وچ ادبال
 ترے واری اس نوں پی لے
 میلو کھنڈ تولے وچ سنت
 نال عقل دے قے کروا
 ہووے خارج خوب مواد
 جیکر کرے کسے بد حال
 کرے شکمے پردے سخت
 کن حکیم یونان تمام
 بہت دفعہ میرا آزمایا

اس نون کرو تیار ضرور
 تیزاب گندھک منگوا
 نوشتا در سوہاگر شورہ لے
 ہک تول دھج ڈال کہیں
 ترے پا عرق لے کے بادیاں
 تول تول رنت پلاڈ
 پہلاں ایہہ سفوف پھکا
 تنم کر بخوہ تولے دو
 تول میل اورڈ کونین
 پکھوں اوہ دوا پلا
 جین تے استقا ریاجی
 ڈاچی دا رنت پیوے شیر
 بکریاں دا پیوے دودھ
 طبلی جیکر استقا
 نسخہ کراں بیان لاثانی
 ادھ پا اک دا دودھ چوا
 چوہارے ترے اس دھج رکھا
 بگل حکمت پھر اس نون کر
 جد گول ہو جاوے لال
 چوہارے کونڈے دھج پیس
 ہک ہک گولی رنت کھوا

کرے مرض جین سب دور
 ماشے بیخ بوتل وچ پا
 تول تول داو ترے
 ڈال بوتل دھج چائے پیس
 بوتل وچ پلاڈ آن
 شیرہ کاسنی نال ملاڈ
 دکھ جین دا رہے نہ کا
 دو تولے ست ڈال گلو
 ہک ماشہ کھائے دن رین
 دفع کرے جین استقا
 رنل شکم تھیں ہون راہی
 حق اس دے دھج ہے اکیر
 تازہ رنت جے ہودس بدھ
 دیوے نفخ شکم نون آ
 تجربہ کیتا ہویا دہقان
 آٹا کٹک اس دھج ملا
 گول ہتھان نال بنا
 دھج تنور گرم لے دھر
 جلدی اس نون باہر نکال
 گولیاں اس دیاں بخوہ کہیں
 عرق سفوف دا نال بلا

ہک پائے روئی کنک پکا
 نسخہ ایہہ آزمودہ کار
 گوگل خالص بھینسیا آن
 ہک دو ماشے بے نت کھائے
 تخم کرفس تے زیری سیاہ
 سبب صفرا یا بلغم شور
 دارد دیہہ اس نول اورار
 سفید زیرہ ریوند جو کھار
 کٹ چھان کے کرد سفوف
 پانی مولی کٹ کڈھا
 مویاں اس نول بہت کھوا
 غرہ کاسنی تخم خیار
 نوشادر ریوند پیلک لیا
 ایہ نسخہ آزمودہ کار
 استقنا نال رہے تاپ
 درم جگر ہودے ہمراہ
 ہودے خاص ردی ادہ ماد
 قوت بہت بدن گھٹ جائے
 لازم تاپ اس رہے دم
 جیکر مادہ سالم ہو
 جیکر تاپ نہ ہوئے نال

تیل مٹھا گھت شکم بخا
 دو ترے ہوئے شفا بیمار
 بھولے دے دے کور بریان
 طبل استقا و نجادے
 گھوٹ سر کے دچ یپ کرا
 استقا بے دیوے دور
 کرے جگر دا دفع جگاڑ
 شورہ وزن برابر چار
 ترے ماشے کھاون نال دقون
 ادہ پا پکا نت پلا
 مرجاں کایاں نمک لگا
 شیرہ پیوے نت نہار
 گھوٹ سر کے دچ یپ کرا
 سائیں بخش کیتی کئی بار
 نال اجل ادہ کرے ملاپ
 کرے روگی دا حال تباہ
 ہوندی جائے مرض زیادہ
 رنگ شکل چہرہ بدلائے
 کرے جیاتی ختم تمام
 جائے مرض چروانی ہو
 مادہ سالم کریں خیال

جد کد اُس نوں خیر ہو جائے طبی استسقا ریاحی عرق پودنہ سونف اجوین ہک رتی ہر روز کونین جھڑا لکھی استسقا گرم زرقی نوں دیون نفع کل کلاخ تے شربت ورد	رحمت رب تھیں صحت پامے پامے عرقاں نال رانی ترے ایہ پنج پنج تو لے لین کر کے حل پلاون رین حب ریوند جیہا نہیں دوا کرن بگاڑ جگر دا دفع ایہ مجرب نسخے سرد
--	---

نسخہ استسقا زرقی مجربہ

چھل درخت شریہہ کچال عوض پانی دے نت پلا تے جلاب شامل رکھ نال	پنج پنج تو لے کٹ ادبال عرق سونف دا نال پلا فاصلے نال کر استعمال
---	---

نسخہ کل کلاخ سرد

کل کلاخ کر سرد تیار کاسنی اصل پھل گلاب رب اتوس تے مغز خیار میل عصارہ افستین زرد ہریڈاں دی چھل گھت ماذریوں مدترہ ڈال ترجیبیں کھنڈ انبتاس گھول پانی دچ صاف کرا	زرقی گرم نہ رہے آزار نال ملٹھی میل شتاب ہر ہک دو تو لے مقدار تو لے ترے کر بہت مہین وزن قدر اس تو لے ست کر کے تو لے پنج خیال میلو ایہ ترے بے دواس دیگی دے دچ گھت پکا
---	--

ماکھ
چھ
گرم
سایہ
ماذر
سرکیو

شربت
استسقا
معدیول
سرہک
نجرے
ادھ
دو ترے

نخت من
صغ
اغز بہت
نصف جگر

<p>ماکھوں دانگ پکے جد قوام چھ ست ماشے نت کھوا گرم زتی جے استسقا سائیں بخش اس نوں آزیایا ماذریوں مد تبر کر سریوں ہفتے بعد کڈھا</p>	<p>کٹ ملاؤ دوا تمام پچھوں شربت ورد پلا دیوے اس دی بیخ اٹھا بہت نہایت نفع اٹھایا ست روز سر کے دچہ دھر دھوئیکے دھتے رکھ سوکھا</p>
---	---

شربت ورد

<p>شربت ورد بنا طیب استسقا نوں دیوے نفع معدیوں خارج کرے مواد سرہک پکا پھل گلاب نجرے دیگی دچ جوش ادھ سیر پکا مصری گھت دو ترے تولے نت پلا</p>	<p>ہے ایہ نسخہ بڑا عجیب کرے شکم دیاں مرضاں دفع دفع جگر دا کرے فساد رات پوسا رکھ اندر آب مل کے پن کے صاف کرا شربت دانگ پکا دیں پت عرق سونف دا تال پلا</p>
---	--

بیان ورم الطحال

<p>سخت مندا دکھ ورم طحال صغ ہضم دے پوے فتور لاغز بہت بدن ہو جاوے ضعف جگر ہووے ہمراہ</p>	<p>حالت بہت کرے بد حال طاقت جسموں ہووے دور چہرہ زردی رنگ دھانے کرے بدن دا رنگ تباہ</p>
---	--

چلے حرکت یا کرے کار
 دن دن قوت گھٹ دی جاوے
 جلدی اس دا کرو دوا
 مولیاں چار سبز منگوا
 ٹولی چیر بھانڈے وچ ڈال
 سفید زیرہ تے مرچ سیاہ
 نمک تھوڑا جیہا وچ گھت
 وزن چھٹا تک ادھ پانت کھاوے
 رائی سرکے وچ گھوٹا
 بھلوٹا اوپر پوسے طحال
 چار دفعہ کر ایہو کار
 ساڑ گویا گھیو زیت لگا
 پنج توے بتو دا ست
 دو توے ہر روز یلا
 تیرے توے مصری چھ ڈال
 سرکہ خالص مٹھا تیل
 مکھن ادھ یا فوری کھاوے
 کھر شو پانی گھت پیوے
 کھر ادھ پا دا مقدار
 ایہ بھی نسخہ ہے دہقانی
 سائیں بخش حکیم فقیر

دل نول بہت پوسے دھڑکا
 روگی فکر کرے غم کھاوے
 مت ہو جاوے استقا
 دھو پانی وچ صاف کرا
 سرکہ ادھ سیر میلو نال
 دو دو توے کر ہمراہ
 کھاوے روگی ہفتے ست
 درم طحال دفع ہو جاوے
 پلستر اوپر تلی لگا
 کترو قینچی نال سمہال
 یک مہینے وچ یک بار
 دیوے جھیدے زخم چھوڑا
 سرکے دے وچ بوتل گھت
 بشیرہ کاسنی نال با
 تیرے ماہ تک استعمال
 ملو تلی تے دونوں میل
 کرڈے سخت طحال و خجافے
 چھ ماہ تیک تا چنگا تھیوے
 پیوے پانی فجر نثار
 تجرہ کہتا ہویا لانا فی
 ایہ نسخہ مکھے اکیر

مرض
 زرد
 مرض
 یرقان
 ہود
 آلو
 خرفہ
 انار
 چرائی
 تر پھل
 بجرے

چالی دا
 ادھ پا
 چار تولہ
 رائی پا
 اک دن
 ہر اسہال

بیان مرض یرقان

مرض جلدوں ہووے یرقان زرد قارورہ زرد زبان مرض یرقان قسم ہے ترے یرقان جے ہووے ننگ سفید ہووے زرد چہرہ یرقان آلو انہلی ترشش انار خونہ کاسنی خوب گھوٹا انار دانہ آلمہ کشنیز چراستہ پا پڑا افسنتین تر پھلہ تولہ، نال ملا خجری تل پن صاف کرا	پیلا رنگ ہووے انسان اکھیں چہرہ زرد دہان اصفر - اسود - ابیض ہے ابیض اس نوں اکھن دید ترش نقوع پلاؤ آن نقوع کر کے دیہ رت نہار وقت فجر دیہ مصری پا نقوع کر کے دیہ نال تمیز ہر راک ہوون ماشہ تین رات پانی دج رکھ پوسا مصری ڈال اس رت پلا
---	---

نقوع ملین

چالی دانہ آلو سیاہ ادھ پا پتکا پھل گلاب چار تولہ پھل ہرڈ کھا رائیں پانی دج پوسا اک دن دے دج دو ترے در جد اسہال اس ہوون جاری	ادھ پا انہلی کر ہمراہ چھٹاکی کاسنی میل شتاب اک تولہ دج میل سنا خجری تل پن صاف کرا پیوے مصری ڈال نہار قطع ہووے یرقان بیماری
--	---

ہر ہفتہ ایہہ دیہہ تلشین در ترے دفعہ جے تے کراویں سکنجین بنوری نہار	جاوے نس یرقان لعین فائدہ جلدی نال اٹھاویں پیوے رہے نہ ذرہ آزار
--	--

بیان بواسیر

بواسیر ہک مرض زبولن موہکے آگن سفرے دچ ست قسماں موہکیاں دیاں ہین نخلی - تری - عنبی - تینی نخلی وانگوں بڑھ کھجور تری موہکا مثل چولے عنبی موہکے مثل انگور تینی موہکا مثل انجیر توٹی موہکے وانگ شہتوت ٹولولی موہکے سمجھ مشال عمی موہکا بہت کرخت خون نہ اس توں آوے مول جد ہو جاوے گندہ خون سفرے نال مچاؤن جنگ رہے شکم دچ قبض مام جے مدت تک ہے بیماری	موہکیاں وچوں آوے خون کرن روگی نوں ڈاڈا زچ بہت حکیم سپانے کمن توٹی - ٹولولی - عینی سخت قسم موہکا مشہور سفرے دچ تراٹاں مائے پاؤن سفرے دچ فتور چلے خون اس تھیں جیوں سیر لے وانگوں نرم جیوں سوت جیونکر دانے مڑ چرال طرف باہر دی کرڑہ سخت اوکھا ہووے بہت رنجول موہکے پیدا ہون زبولن ضرباں سوزش ماؤن ڈنگ آوے کسی نہ دقت آرام پاؤے سفرے وچہ خواری
--	---

دار

نسخہ

صدر

تیزار

ترے

دارچا

کرکے

کھریں

ذرہ

جد موہکا

ہک ہفتہ

جے دار

پھلے

جد موہکا

نہیں کن

گھوٹ

جے موہکیاں

مردہ سنہ

ہور دسا

سکھیا

دارواس دا کرد شتاب	مت زندگانی کرے خراب
نسخہ مجربہ سائیں بخش سنیا سی	
نسخہ بیان کراں عجیب	قطع کرے موہکیاں نوں جھب
صدری بصدری ٹڑیا آیا	دج کتاباں کے نہ پایا
تیزاب گندھک منگوا	ہک تولے دا مقدار تول
ترے ماشے گھت سم الفا	رے کپور تولہ مقدار
دارچکنا ورقہ ہڑتال	ترے ترے ماشے لے دچ ڈال
کر کے جمع بوتل دج گھت	وچے رکھ دہارے ست
کھل دے وچہ خوب پہا	شیشی دے دج رکھ ٹیکا
ذره ہک دارو سرچو نال	موہکیاں اُتے لا سمہال
جد موہکیاں تے دارو لاؤ	اوسے ویلے سیک دیواؤ
ہک ہفتہ جے دارو لاؤ	جرٹھاں تیک موہکے سب کھاؤ
جے دیوے تکلیف دوا	پلٹس گھت پنیر بنھا
پھل کے ہوون موہکے لال	اٹھویں دسویں دیون کمال
جد موہکے مردار ہو جاوون	خود بوڑے ہو کے گر جاوون
نہیں کنڈی دے نال کھچا	قیچی نال اس نوں کترا
گھوٹ بھنگ مڑ پٹہ بنھ	ذرا زخم دا مہے نہ سنھ
جے موہکیاں نوں زخم ہو جاؤ	اس مرہم دے نال چھڑاؤ
رُودہ سنگ سفیدہ رال	نت لگا مکھن دے نال
ہور دساں نسخہ اکسیر	تجربہ سائیں بخش فقیر
سکھیا دھاگے نال لگا	پانی تھوڑا جیہا ملا

اوہ دھاگا سوئی وچ ڈال دھاگے نوں ہر روز کھپا دھونی گوگل روز دیوا جے آس نوں ہووے تکلیف سکے موکے مردار ہو جاون گنڈی گھٹ کچ سمہاں بچھوں نگدہ بھنگ بنھا تیزاب گندھک منگوا کچ مدت موکھیاں تے لافے گھیر دودھ بہت کریں غذا موکے تے بندہ رشیم دی تار	میکے دھ سوئی دے نال جاوے سب موکھیاں نوں کھا دانے حرمل نال بلا پیش بنہ پنیر کشیف درد پیڑی نہ ذرا مناو کٹ اس قینچی استرے نال دیوے عجب دے زخم چھڑا زنک لوشن وچ حل کرا ایہ بھی موکھیاں نوں کھا جاوے خشک چیزوں پر ہیز کرا موکھ ہو جاوے مردار
---	---

نسخہ بوا سیر

لے یک تولہ جست سڑا چھ چھ ماشے دامقدار پانی دے وچ نرم کرا نت لگاؤ صبح تے شام	پھٹکڑی لون بار دت بلا میل کھل کر دارو چار مے اوپر کرے طلا خشک مے ہو گرں تمام
--	---

نسخہ مجربہ بوا سیر سائین بخش

شورہ قلی کتہ سفید رسکپور، توتیا، بیان	سڑیا جست بڑتال لے دید ہر یک تہہ تہہ ماشے آن
--	--

شورہ
دودھ
بیہ
فقور
کے

شورہ
کڑک
وچ
شورہ

دس کنوار دچہ حب بنا موہکے تے جد کریں طلا	لا بنت لب دے نال گھسا ہک ساعت تک سیک دیوا
نسخہ بوا سیر	
رسکپور - ورقیہ ہر تال جست ساڑیا کتھ سفید تیزاب گندھک دچہ ڈال ہفتے بعد اس کھری کر	توتیا شورہ دے دچہ ڈال وزن برابر دارو دپید بوتل دے دچہ رکھ سہال مرد بوتل دچہ رکھ ٹیکا
نسخہ بوا سیر	
شورہ پھٹکری آملہ سار دودھ اک دے دچہ ترکروا پیہہ کے ڈبی دے دچہ ڈال تھوڑا لب دے نال رملہ ترے ہفتے جے بنت لگا دن	توتیا وزن برابر چار چھاویں اس نوں رکھ سوکھا ریکھیں خوب حفاظت نال تخمیاں اوتے کرو طلا سب مسے گل کے جھڑ جادون
نسخہ بوا سیر	
جڑے ہوئے سپ لے منگوا کوزے دچہ گل حکمت کر مرد آدوے جھبے نکال تھوڑا لب دے نال گھسا	اُتے پیٹھ نوشادر پا دچہ انگیتھی اک دے دھر پیہہ کے ڈبی دے دچہ ڈال موہکیاں اُتے کرو طلا

نسخہ بوا سیر

ماچو پھٹکڑی سچلے	گھس لب دے وچہ دارو ترے
موہکیاں تے نت کرد طلا	دیوے قائمہ ترے دکھا

نسخہ بوا سیر

رسکیورتے کتھ سفید	کر بریاں طوطیا دید
وزن برابر ترے دوا	پیہ کے مکھن نال لگا
جد موہکیاں تے دارو لاؤ	پچھل جلدی سیک دیواؤ
دو ترے ہفتے نت لگاؤن	سب متے گل خشک ہو جاؤن
جے دیوے تکلیف دوا	پولش گھت پیر بنھا

نسخہ بوا سیر

گداختہ کر کے جست شتاب	ڈال دیو اتے سیما ب
کر کے کھول ڈبی دہج پا	لا نت لب دے نال گھسا

نسخہ بوا سیر

توتیا پارہ پھٹکڑی لے	ترے ترے ماشے دائرے ترے
توتیا پارے نال ملا	نئے توں اول کھول کرا
چھ ماشے جست ساڑیا ڈال	سب دارو کر کھول کمال
فقوڑا ب دے نال گھسا	موہکیاں تے نت کرد طلا

نیلا
دو
توتیا
بھانڈ
جد سفر
کتھ مرد
کر کر چھٹ
دائے ہر
دھونی اس
گل اس
دھونی دیو
نار پست
دیو دھونی چھا
دھونی کچلے
دھونی بھنگ

نسخہ بواسیر دہقانی

نیلا تھو تھا پھٹکڑی ساڑ دو سیر پکا کلر شور توتیا پھٹکڑی کر باریک بھانڈے مٹی بے وچ بھر جد سفرے نوں زخم ہو جائے کتھ مردہ سنگ سفیدہ رال	ایک ایک ٹوٹے دا مقدار دیہہ سیر پانی سے وچ کھول اوس پانی وچ میلو ٹھیک نت اس نال استنجا کر اس مرہم دے نال چھڑا دے نت لگا مکھن دے نال
---	---

نسخہ دھونی بواسیر

کوکڑ چھڑی بوٹی لیس دائے ہرمل بھنگ ملا دھونی اس دی دیوے سود گوگل اس دے نال ملا دھونی دیہہ پیرانا چم خارپشت جے دھونی دیوے دیہہ دھونی پھل اک دی جڑھ دھونی کچلے دی اکسیر دھونی بھنگ جوین خراسانی	اجوین خراسانی وچ پاء گھوٹ سبھ یک جان کرا مورکے سب ہو جان تابود دھونی اس نوں نت دیوا زور متے داہوہے کم بخٹے فیض متے نوں ادویں متے خشک ہو جادین جھٹ تجربہ سائیں بخش فیتر دیہہ متے ہو جادین غلطی
--	---

جے دے ہرمل نال ملاویں
زیادہ اس تھیں فیض اٹھاویں

نسخہ خوراکي بوا سیر

آٹا تخم بکین کڈھا
 کوکڑ چھڈی بونی پیوے
 بوا سیر دا جیسکر خون
 دساں نسخہ فائدہ مند
 بناؤ اُس نوں نال وقوف
 پا آٹا تخم بکین کڈھا
 چاکسو ڈال تے دچہ چار
 آب کوکڑ چھڈی کڈھوا
 پت رخم دا پانی کڈھوا
 مڑ پاپٹے دا پانی پا
 یا رسوت چھٹاکی تول
 میلو دچ رسوت سفوف
 چنے برابر جب بنا
 ترے حسب وقت فجر کھا
 کوکڑ چھڈی رنت گھوٹا
 ایہ نسخہ کیتا آزمائشی
 کوکڑ چھڈی رنت گھوٹا
 کر کے صاف شیشی دچ گھت
 بوا سیر نوں دیوے سود

چھ ست مائے رنت پھکا
 فضل خدا تھیں چنگا تھیوے
 کرے نہایت خوار زبون
 جلدی خون ہو جائے بند
 کرے شکایت خون موٹوں
 بیخ توے کالی ہرڑ ملا
 ٹھوٹ کوٹے دچ خوب سنوا
 ترے دفع تر خشک کرا
 اس دچ تر کر خشک کرا
 تر کر کے مڑ خشک کرا
 تھوڑے جیسے پانی دچ گھول
 گولیاں بنھو نال وقوف
 ترے ترے دونوں وقت کھوا
 گھیو دودھ گو کے نال لٹھائے
 پچھوں دونوں وقت پلا
 سائیں بخش حکیم شناسی
 کپڑے دچ گھت صاف کرا
 لا موکیاں تے ہفتے ست
 سب مٹے ہو جان نابود

تر دھک
 ہک د

نسخہ

مستیاں

اٹھ دس

تیل مٹھا

مڑ کر صا

مائے ترے

نال انگل

کر استہ

اول مو

اول سفر

نال انگل

بوا سیر ہک

پھر دیا ج

ترد یک بوٹی گھوٹ پلا	دیوے اس نوں فیض پہنچا
ہک دو کالی مریج منگا	نمک تھوڑا جیہا دسج پا

نسخہ بو اسیر یونانی

نسخہ ایہہ بڑا لاثانی	لکھیا اندر طب یونانی
ستیال تے جیکرنت لادیں	فائدہ بہت نہایت پادیں
اٹھ دس بجھو لے پکڑا	ڈال شیشی دے وچ رکھا
تیل مٹھا ہفت تو لے چاہ	دھپے رکھ چاہیں دھاڑ
مڑ کر صاف شیشی وچ پا	ترے ماشے تو تیار پیس ملا
ماشے ترے در قیا ہر تال	پیہہ کے میلو اُس دے تال
نال انگل دے نت لگا	جاوے سب مستیال نوں کھا
کر استعمال مہینے تیک	موہکے سب گل جاوے ٹھیک
اول موہکے باہر نکال	پھیر دوا کر استعمال
اول سفرہ تر کروا	روغن انگل نال لگا
نال انگشت لگا دوا	موہکیاں اُتے کرد طلا

بیان رنج البواسیر

بواسیر ہک قسم ریاحی	پادے سفرے دج تنہا ہی
پھرے ریاح رد دیاں دے دچ	درد کرے روگی نوں رنج

شامل نال آون اسہاں	کرن روگی دا مندا حال
--------------------	----------------------

حَبْ مَجْرَبِ رَیْحِ الْبَوَاسِیرِ حَبْ جَوَکْرَاجِ

کواں بیان مجرب حَبْ گوگل بھینسیا دس مثقال منقہ گھیند وچ کمر بیان ترے ماشے افیون ملا سوا لکھ اس سٹ لگائیں کھک حَبْ دودھ قتی کھائے گوپیاں جو گجراج اس نام	رتج بوا سیر دنجائے جھب منقہ نصف وزن دنج مثقال دانے سب نکالو آن حمام دستے دے وچ کوٹا گولیاں ماشہ قدر بنائیں پانی دے گھٹ نال لنگھائے رتج شکم دے آون کام
---	---

نسخہ ریح البواسیر

لکھاں مجرب ہو دوا گوگل بھینسیاں زیری سیاہ اجدین پود نہ ہرٹاں زنگ وزن برابر سب دوا چھ ماشے پانی نال پھکا ایہ نسخہ آزمودہ کار	دیوے رتج بوا سیر دنج زیرہ سیاہ کرو ہمراہ ستویں نال ملاؤ بھنگ گٹ کے سبھے جمع کرا بواسیر رتج دے نہ کا سائیں بخش کیتا کئی بار
--	---

نسخہ ریح البواسیر اطریفل مقل

اطریفل مقل ڈٹھا اکیر رتج روده نول دیوے نفع	دور کرے دکھ رتج بوا سیر در دپیڑ ہو دن سب دفع
---	---

چھل بھیرہ ہرڑاں سیاہ	آملہ نال کرد ہمراہ
چھل ہرڑاں زرد ملا	دو دو توے چار دوا
گوگل ہک چھٹانکی آن	گھیو گوکے دچ کر بریان
کٹ پھٹانکی سب دوا	ماکھیوں خالص دچ ملا
وزن چھ ماشے نت کھائے	عرق سونف دے نال لنگھاے
رتج جے ہووے ٹھنڈی تر	عرق پودنہ شامل کر
جوشے ہووے باد انگیز	بالکل کر اس تھیں پدہ ہیز

بیان کا پچ نکلتا ✓

حاجت وقت جے کے بیمار	نکے کا پچ اُس باہر وار
ماسکہ قوت کم ہو جائے	سُفرہ سارا باہر آوے
ہووے بہت طبیعت زچ	وقت حاجت دے لگے کھج
اکثر بچے بال نادان	ہوون اس دکھ نال حیران
لکھاں دوا ہک خاندہ مند	جس نوں کرن حکیم پسند
شاہ ارزانی دا فرمودہ	بہت بیمار داں تے آزمودہ
سُرمہ ماجو پھل انار	پھٹکڑی نال ملاڈ ساڈ
چارے دارو کر باریک	مثل خیار ہو جادون ٹھیک
گل روغن دے دچ ملا	سُفرے اُتے رنت لگا
پانی دچ جوشا نیپال	آدست کر اُس دے نال
پودانہ چمڑا لے سڑوا	چھڑک کا پچ گل روغن لا
ہور دساں ہک عجب دوا	سکر دے پت گھوٹ بنھا

بیان پھوڑہ بھگندر

پھوڑہ ہک بھگندر نام	رکھے سفرے پاس مقام
کس حکیم اس قرعہ ناسور	پاؤے سفرے دینے فتور
ریم ہے نہت اس تھیں جاری	اوکھا ہودے بہت آزاری
ہے ایہ مشکل سخت آزار	بہت دیر تک کرے خواہ
موذی قرعہ بڑا بد بخت	دیوے دکھ نہایت سخت
جاوے زخم پُرانہ ہو	کئی سالوں تک رہے کھلو
بہت حکیم علاج کماون	کر کر کے ہو جاون عاجز
قرعہ نہ اس نوں کرے قبول	رہے ہر دم سفرے دچ سول
نسخہ ہک لکھاں اکیر	بہت مجرب بے نظیر
بزرگ شناسی توں تہہ آیا	کئی دفعہ اس نوں آزمایا
بھگندر پھوڑا قرعہ ناسور	ہو جاون سب اس توں دور
سم گدوں دا تولے دو	گل حکمت کرے ساڑیا ہو
تولہ ہڈی گاں دی ساڑ	ماشے ترے ملاؤ یتکار
گوشت خورہ مردہ سنگ	ترے ترے ماشے میل سنگ
رسپیور ترے ماشے گھت	ہک سپ دی گنج دابو ست
تیل مٹھا ادھ پا مقدار	سپ گنج نوں آسے دچ ساڑ
آگ تھیں لاء کے ہیٹھ رکھا	پہیہ کے دارو سب ملا
کر کے مر دم دانگ تیار	تھوڑا لاون وچ ہک بار
ہاکی مال آلودہ کر	قرعہ ناسور آکے رت دھر

دن

جد

جد

پچھور

مردہ

ترے

سب

ایہ

روغن

سم گدو

رسپیور

رال

نیلا

تھو

لے

دن

ایہ

خارش

<p>دن دے دج ہک بار لگا دے جد گندہ گوشت کھا جا دے جدوں قرح ہو جاے صاف پچھوں مرہم ایہہ لگا مڑدہ سنگ، موم کتھ رال ترے تولے گوکا گھیو لیا سب داؤد پیہہ دج ملا ایہہ مرہم مدت تیک کماے روغن سم خرے نکال</p>	<p>اٹھویں پہر پچھوں بد لاوے ایہہ مرہم نہ پھیر لگا دے کرے قصور خدا دند معاف دیوے جھیدے زخم چھڑا چارے چاے چھ چھلشنے ڈال گھت کر چھی دج موم رلا ایہہ مرہم اس نت لگا گوشت تازہ نواں اگلے بھگندرتے کر استعمال</p>
---	---

نسخہ مجربہ بھگندرو ناسور و گھنیر

<p>سم گدوں دا تولے چار رسکیور - شنگرف - سیماں رال مڑدہ سنگ موم سفید نیلا تھوٹھا کر بریان لے دس تولے مٹھا تیل دن دے دج ہک بار لگا ایہہ ہے نسخہ بہت اکیر</p>	<p>گل حکمت کر اس نوں ساڑ ہک ہک تولہ میل شتاب برابر وزن داخل کر دید ماشے ترے ملاؤ آن بنا مرہم وارو سب میل اٹھویں پہر پچھوں بد لا تجربہ سائیں بخش فقیر</p>
--	--

بیان خارش سفرہ

خارش جیکر سفرے دج	ہو دے کرے نہایت نفع
-------------------	---------------------

اس دا کرد معلوم سبب سبب کرم جے خارش ہووے کرم شکم دا کرد علاج سبب جے ہووے گندہ خون خون جے ہووے بہت زیادہ جے ہووے مادہ صفرا سنگی رُمی جوکاں لا گل روغن سرکے دھج ملا	موافق مرض معالجہ جھب ناخن نال دیر نول کھووس حکماواں دا جویں رواج نال جوکاں کڈھ خون زبون نصد نال کر خاسج مادہ سوزش بہت کرے گھبرا مادہ موذی دفع کرا سُفرے تے مالش کروا
--	---

بیان ورم سُفرہ

جے سُفرے نول ہووے ورم باسلیق دا نصد کرا جے صفرا دی ہووے مادہ سفیدی اندا مُرغ لے آ مشک کافور تھوڑا جیہا ڈال درد جے ہووے شدت نال دھنیاں کاسنی پیگ لے گھوٹ پانی دھج لیپ کرا جیکر ہووے ورم زیادہ پشہ پنج ست روز لگا جد بن جادے مادہ ریم	مادہ دموی ہووے گرم ورم موذی تے جوکاں لا سُفرے دھج زیادہ گل روغن دھج میل لگا کر سُفرے تے استمال انیم تھوڑی جیہی دھج ڈال وزن برابر دارو ترے دیوے سڑکن تروت ونجا بلغم خون مرکب مادہ بنھوں پلش خوب پکا چیرو نشتر نال جلیم
---	---

یا
جد
سبب
محل
کالی
بابون
میل

قرص
ویم
ناسور
یا کوئی
ماجو
گرے

درد گرو
سبب در
کس سبب
رنگ یا

یا اس تے اوہ دارو لا جدوں دم ہو جائے جاری سبب ورم دا جیکر رتخ محل اس تے کرو ضماد کالی زیری سر کے نال بابونہ اسی مینھی لیا میل پانی مڑ کر کے گرم	دیوے جیہڑا زخم بنا ہو دے زائل کل بیماری کر توں اس نوں خوب صیغ ہو دے جلد تحلیل مواد گھوٹ لپ کر استعمال ڈنڈے کونڈے گھت گھوٹا پٹہ پنھوں اوپر ورم
---	---

بیان قرعہ سفرہ یعنی نواسیر

قرعہ جے سفرے دتج ہو ویم رہے نت اس تھیں جاری ناسور سفرے تھیں آدے ریم یا کوئی شخص موکے کٹوادے ماجو مائیں پھل انار گر کے مکھن نال ملا	بہت دیر تک رہے کھلو ادکھا ہو دے بہت آزاری نواسیر اس گھن حکیم اس سبب ناسور ہو جائے پھٹکڑی نال ملاؤ ساڑ زخم قرعہ تے رت لگا
---	---

بیان درد گردہ

درد گردہ چہ پیدا ہوئے سبب درد دا کرد شناس کس سببوں ہو یا درد رتخ یا ورم یا کنکر ہو	روگی ڈھائیں مارے روئے نال علامت کر کے قیاس گرم طبیعت ہے یا سرد گردے دے دتج رہے کھلو
---	--

کابو غرقہ ، تخم خیار
 بذر البنج تورہ دق پاء
 ہمراہ شربت پوست خشتاش
 سبب درد دا جیکر درم
 گرمی خشکی پادے زور
 درد گردے داکرے لاجار
 ہودے قبض نہایت سخت
 جھاڑا بول نہ آوے بول
 نظر بے آوے غلبہ خون
 جھندے باہلیق رگ چھٹ
 ظاہر درم جے نظری آ
 جیکر تاپ نہ ہوئے نال
 بنفشہ خطمی خوب گھوٹا
 آٹا دق جواں دا ڈال
 گرم پانی دے کرے نطول
 عرق سولف یا عرق گلاب
 دس تولے خالص گافند
 پنج تولے ترنجبین ملا
 چھٹائی گودا انبتاس
 تورہ ڈال روغن بادام
 حصے اس دے ترے چاکر

پنج پنج تولے دا مقدار
 ماشہ یک انیم ملا
 چھ ماشہ دیہ بے دسواس
 مادہ تیز نہایت گرم
 دیوے گردے دق مردہ
 ترپچے مچھی دانگ بیمار
 گردہ جادے ہو کرخت
 ادکھا ہووے بہت رنجول
 کھول فصہ کڈھ خون زبون
 مابض صابن دی رت کڈھ
 پشت کرتے جوکاں لا
 گھٹو دودھ بہت کر استعمال
 پیلیک دھنیاں نال ملا
 کر گردے تلپ سہال
 اوپر گردے درم نطول
 ڈیڑھ یک یا منگواشتاب
 مل عرق دق کر د پیوند
 کپڑے دق گھت صاف کرا
 حل کر اس دق نال قیاس
 فاصلے نال پلاؤ تمام
 فخر پلا پیشی دیگر

جدا سہال ہوون اس جاری
 ہو رہی ہو ٹوٹکے بہت عجیب
 کسٹرائل لے تو لے چار
 یاد یہ عرق سونف وچ گھول
 آتش جواں دی رشت پلا
 جے گردے وچ ہووے رتخ
 مادہ اس دا ہووے سرد
 ہرگز ذرا آرام نہ آوے
 رتخ گردے وچ ماکے ڈنگ
 مجرب کراں بیان دوا
 ڈیڑھ چھٹنک شراب منگا
 دو ترے دفعہ پلا گھٹ گھٹ
 رتخ گردے نوں کرے خواب
 محل اوپر کرد ضمد
 بابونہ میٹھی انسی گھت
 گھوٹ پانی وچ گرم کرا
 جیکر دیویں رکھی گلاس
 سہنچ تو لے زیرہ سیاہ
 ترے داری سرکے وچ تر
 مڑا اُس نوں کر کے بریان
 دار چینی مگ مریج سیاہ

جاکے قبض کھل ہک واری
 دیوے نفع قبض نوں جھب
 دودھ وچ گھول پیوے بیمار
 دیوے جھب قبض نوں کھول
 روغن نال بادام ملا
 کرو علامتاں نال صبح
 رتخ کرے گردے وچ درد
 درد نال روگی کرلاوے
 ہووے سخت آزاری تنگ
 دیوے فوراً رتخ اڑا
 عرق پودنہ سونف ملا
 جڑاں رتخ دیاں پئے سٹ
 اس دا خاص دوا شراب
 ہووے رتخ دا دور فساد
 ایلوا کٹھ سوئے تلست
 تیل مٹھا گھت پیپ کرا
 کرے درد رتخ دا ناس
 پنج کلونجی کر ہمراہ
 کر کے خشک مڑا اُس نوں کر
 ماکھوں وچ ملاؤ آن
 سنڈھ ہر اک تولہ ہمراہ

زیر گم اس دج ملا مرچاں پودنہ سونف اجوین جو گراج بھی خوب دوا جے دکھ بہت پرانا ہو شدت پکڑے دو روئے نال دستاں میں ہک نشہ ہو دار چینی گم مرچ سیاہ خونجاں گول بابونہ گھت کر معجون ماکھوں وچہ ڈال جانورال دا کھانے ماس	چھ ماشے ہر روز کھوا پلا پچھوں اس نول دن رین دیوے رتج دی بیخ اٹھا رتج گرتے دج رہے کھلو حالت بہت کرے بد حال دیوے درد رتج دا توڑ پودنہ سنڈھ کرد ہمراہ وزن برابر دارو ست کرد ہمیشہ استعمال ڈال مصالح بے وسواس
---	--

نسخہ ریح شکن گردہ

گم مرچاں سنڈھ لے شتاب دار چینی تے زیرہ سیاہ دو دو تولے دا مقدار چھ ماشے دا وزن پھکا بھکھڑا کاسنی تخم خیار	پودنہ میل کرفس شتاب دیسی اجوین کرد ہمراہ گٹ پھان پھکی کر تیار سونف ملٹی کاہڑ پلا ہر ہک چھ ماشے مقدار
---	--

بیان مرض سنگریزہ

سبب ریت یا کنکر روڑ ریت سرخ آدے یا زرد	ہو دے گرتے دج مرد سخت ہو دے گرتے وچہ درد
---	---

کنا
دو
ش
ک
جا
وق
را
پیا
ک
گرم
جے
بابو
جیکا
کاس
شیر
چھ
جد
مولیا
جو
کھاو

کنکر نکلے کدے کدائیں
 آوے دورے نال آزار
 ثقل گرانی گردے ویج
 شدت کرے جے درد نہایت
 کسٹ ائل لے تولے چار
 چار تولے ویج کھنڈ ملا
 وقت درد جے قے کر دیں
 رائی مونی بیج منگوا
 پیالے ترے پانی دچہ ڈال
 یک چھٹا کی کھنڈ ملا
 گرم پانی دی کر امداد
 جے اس ہودے سرد مزاج
 بابونہ میسقی سوئے جوشا
 جیکر بہت اس گرم مزاج
 کاسنی خرفہ بکھڑا لیا
 شیرہ پانی گھت کڈھا
 چھ ماشے سنگ یہود پھکا
 جد اُس نوں ہودے ادرار
 مویاں دے پت خوب گھوما
 جو کھار قدرے دچہ گھت
 کھاوے نت معجون یہود

روگی رووے مارے ڈھائیں
 بہت دیر تک کرے خوار
 ہودے کرے نہایت زنج
 کرے قبض دی بہت شکایت
 دودھ گوکا سیر یک مقدار
 پیوے ہودے قبض کشا
 بہت نہایت فائدہ پاویں
 تولہ تولہ کٹ جوشا
 چار تولے سرکہ گھت نال
 ترے پیالے ترے وار پلا
 خارج کرے تمام مواد
 اس دا ہے ایہہ بڑا علاج
 اوپر درد نطول کرا
 کہ توں اُس دا سرد علاج
 چھ چھ ماشے وزن تولہ
 ترے ماشے شورہ نال ملا
 پچھوں ایہہ دوا پلا
 کنکر کنکرے باہر دار
 قلمی شورہ نال ملا
 نت پلا دلاڑے نت
 کنکرے ریت کرے نابود

تخم کھیرہ غریبوزہ لیا
 پیوے اس نول ریت جوش
 پچھوں اس نول کاہڑ پلا
 گھیٹو دودھ جیہا دوا نہیں کو
 تخم بھکھڑا نال رطاب
 شیرہ کڈھ کے صاف کرا
 کرو ہمیشہ استعمال
 کنکر ریت کرے سب ناس
 گھیو گوکا دافر وچہ پا
 کر کچھ مدت استعمال
 کلنٹی وزن برابر چار
 پچھوں زیرہ سونف پھکا
 کرن پتھر نول بھورہ بھورہ
 کچی سنی نال پھکا
 مشانیوں گر دیوں کڈھن توڑ
 کنکر پتھر روڑ و نجادے

سونف لمٹی کاسنی لیا
 چھ چھ ماشے سب دوا
 ترے ماشے سنگ یہود پھکا
 جے اس خشکی غالب ہو
 کاسنی زیرہ سونف منگا
 ڈنڈے کونڈے وچہ کوٹا
 مصری کچھ قدرے وچہ ڈال
 بھٹڑ جانورال دا ماس
 گوشت پانی وچ پکا
 زیرہ نمک تھوڑا جیہا ڈال
 شورہ سنگ یہود جو کھار
 پنج چھ ماشے وزن پھکا
 جو کھار سوہاگہ قلمی شورہ
 چارے وزن برابر لیا
 سنگریزہ کنکر پتھر روڑ
 معجون عقرب جیکر کوئی کھائے

معجون عقرب

دیوے کنکر ریت اوڑا
 دیوے کنکر ریت نکال
 چھ چھ ماشے دارو ترے

معجون عقرب ہے عجیب دوا
 کر ریت اس نول استعمال
 پکھاں بیدگ مرچاں لے

ساڑ اکھوئیں تولے چار سُنڈھ ترے ماشے وچہ پا کھادے چھ ریتی مقدار سولف کاسنی تخم خیار انیسوں تخم خربوزہ گھت رات پوسائیکے فجر اوبال چار تولے گوکا گھیٹو پاء	کاکج دو تولے مقدار ماکھوں دج معجون بنا پیوے نال جوشاندہ کاہڑ ہر ہک تولے دا مقدار کلمھی ہر ہک شے ست مل پن کے وچہ مصری ڈال پچھوں اس نول ترت پلا
---	---

معجون حجر الیہود

کرد تیار معجون یہود پاپک سنگ یہود منگا مغز تخم کھکھڑی وچہ ڈال کاکج وچہ کلمھی پاء گٹ چھان وچہ شہد پلا کاسنی بھکھڑا تخم خیار کئی دفعہ اس نول آزمایا جیکر پتھر بہت کرخت نے جا اس نول ہسپتال	ریت کنکرنوں کرے نابود کھل دے دج خوب پسا مغز تخم خربوزہ نال دو دو تولے سب دوا چھ ست ماشے رنت کھوا پلا پچھوں ہودے ادرار بہت نہایت نفع اٹھایا کرڑہ بہت نہایت سخت کڈھن باہر آسانی نال
--	---

ورم گردہ و مثانہ

مثانے یا گردے دج درم	ہودے سوج یا پھوڑہ گرم
----------------------	-----------------------

کرڑہ سخت ہووے تپ نال
 جھاڑہ بول نہ آدے مول
 جے اوہ ہووے ردی مادہ
 دیوے کسے نہ وقت آرام
 جیکر ہووے مادہ سالم
 رنگ ورم جے ہووے لال
 باسلیق یا صافن چھڈ
 جے صفراوی ہووے مادہ
 ملین ابلت اس کرا
 ترنجبین پنج توے گھت
 محل لپ اٹے کر ورم
 جیکر تاپ نہ ہرگز ہو
 بابونہ اسی مہتی لیا
 پانی گھت کونڈے گھٹوا
 جیکر قبض طبیعت ہو
 کسٹرائل لے توے چار
 گھنڈ تھوڑی جیہی میل پلا
 جیکر سرد سوداوی ورم
 ماش نیل نطول مکور
 جیکر درد نہایت ہووے
 ایہ دوا اس کرو طلا
 ضرباں درد کرے بد حال
 ڈاڈا ہووے تنگ رنجول
 ہونڈی جادے مرض زیادہ
 کمرے روگی دی عمر تمام
 نال عقل دے کرتوں معلم
 دھوی مادہ کمریں خیسال
 جوکاں نال گندہ لٹو کڈھ
 ہووے سوزش درد زیادہ
 عرق سونف لے دج ملا
 مل گلفند توے دج ست
 گل روغن دج کر کے گرم
 گھیٹو دودھ جیہا دوانیں کو
 آٹا دج جواں دا پا
 میل روغن گل لپ کرا
 دیہہ ملین اس نوں کو
 عرق سونف پا یک مقدار
 ہووے اس دی قبض کشا
 کر استعمال دوا تر گرم
 نہیں کوئی مثل انہادی ہو
 روگی ہنجوں بھر بھر دے
 دیوے فرار درد اڈا

ج
 جا
 ریم
 نال
 جیکر
 جیکر
 جے
 ملین
 مشائ
 ترنجبین
 پھر

کا ہو کیسر گوند افیم جیکر ورم پیپ کر جاوے نال نشتر دے آس نوں چیر لعاب بنفشہ نیلوفر مصری تھوڑی جیہی ملا لعاب بہیدانہ اسبغول لعاب تخم خطمی جے پیوے خرفہ کاسنی گھوٹ پلا	سفیدی مرغ ملا حکیم طرف باہر دی نظری آوے خارج کرد مواد شیر ریشہ خطمی شامل کر روگی نوں ہر روز پلا نت پلا مصری وچہ گھول حکم خدا تھیں چنگا تھیوے دھنیاں کا ہو نال ملا
---	--

بیان قروح گردہ و مشانہ

جیکر ورم پیپ کر جاوے جاری اس تھیں ہووے ریم ریم آفے دل نال پیشاب نال غفل دے کرد علاج جیکر مادہ دسوی ہو جیکر ہووے حاجت آ جے گرمی دی کرے شکایت ملین دیہہ اس ابلتاس مشانے یا گردے وچہ ہووے ترنجبین خالص تھلقد پھر اس نوں دیویں ادوار	بہت گندہ ہوئی کے پھٹ جائے آکھن اس نوں قروح حکیم ہووے سوزش درد عذاب کر دریافت طبع مزاج باہجہ فصد نہیں دارو کو جو کال اس تے تریز لگا ہووے سرکن درد نہایت عرق سونف گھت نال قیاس وقت بول دے روگی رووے کر کے اس دے نال پیوند کدھے مادہ باہر دار
--	--

بھکھڑا تخم خیار گھوٹا
 کچھ قدرے مصری وچ گھت
 مواد موذی تھیں کرو صفائی
 جد دل قرح ہو جاوے صاف
 شیان ابیض دی کرو پکاری
 قرص کا کچ جے او کھاوے
 نال پیوے شربت خشخاش
 گھیو دودھ گوکا ترے پلا
 بھکھڑا کاسنی سونف گھوٹا
 کر کے اس نوں کپڑ چھان
 دو تولے وچ شہد پلا
 ایہ بھی کرے قرح نوں صاف
 نسخہ ہک عجب ہتھ آیا
 جیکہ قرح پُرانا ہو
 پاک ہے اس تھیں نت جاری
 بول دیورا آدے بدبو
 کرے جے ایسوں استعمال
 لوبان کوٹیا مکتہ سفید
 روغن صندل نال پلا
 گٹ چھان کے دارو سب
 ہک ہک گولی نت کھوا

کاسنی خرفہ نال پلا
 پیوے نت دھڑے ست
 ہووے مرضوں جلد رہائی
 کرے قصور خدا دند معاف
 ہووے جلد دفع بیماری
 درد قرح داترے دنجائے
 کرے شتاب درد داتاس
 دو تولے وچ شہد پلا
 دیگی پانی گھت جوشا
 چار تولے گھیو ڈالو آن
 روگی نوں ہر روز پلا
 کل تقصیر کرے رب معاف
 بہت دفعہ اس نوں آئیایا
 دنج مٹانے رہے کھلو
 اوکھا ہووے بہت آزاری
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 ہووے قرح دفع فی الحال
 خشک بیروزہ مابو دید
 پنج پنج تولے کل دوا
 چھ ماشے دی بھنوں حب
 گھیو دودھ گوکا نال پلا

ذیاب
 پیوے
 کیڑیا
 دن
 اکثر
 ترے
 بھ
 ایہ

قرص پُرانا دُوکھ سوزاک	کھانڈیاں گولی جادو بھاگ
قرص کا کنج	
<p>قرص کا کنج نسخہ لاثانی دیوے قرص مٹیانہ نفع مغز تولے دس تخم خیار تخم کرفس ، دم الاغویں گل ارمنی رکر گوند ملا ترے ماشے دھج ڈال اہیم بہیدانہ دے دھج لعاب ہک ہک قرص ہر روز کھوا</p>	<p>مغرب حکمت دھج یونانی فوراً درد کرے سب دفع کا کنج چار تولے مقدار بھنگ فراسانی اجوین ہک ہک تولے سب دوا چالی قرص بنا حکیم نال عقل بنھ قرص شتاب شیرہ خرفہ گھوٹ پلا</p>
ذیابیطس	
<p>ذیابیطس ہک سخت آزار پیوے پانی بہت نہایت کیڑیاں کھیاں اُپر بول دن دن قوت گھڑی جاوے اکثر بل جاوے دق نال ترے ماشے لے پھل انار چھ ماشے دھنیاں دھج پا ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ</p>	<p>بول چلے اس مثل نشار آوے بول اس ہر ساعت بیمین خاص حکیمان قول لاغر بہت بدن ہو جاوے کرے روگی دا مندا حال انبل دو تولے مقدار مصری گھٹ نقوع پلا شاہ ارزانی دا فرمودہ</p>

نسخہ مجربہ ذیابیطس

نسخہ ایہ بنا ضرور
 افیم کیس ، کچلہ کونین
 وزن برابر دارو سب
 ہتھوں گولیاں سب سنوار
 ہک ہک گولی نت کھوا
 گوشت گھیو گھت نت کھاے
 روٹی کنک تھوڑی جیہی نال
 کرے حیوانی نت غذا
 گوشت گھیو انڈے نت کھاے
 ایہ نسخہ اعظم اکیر
 مجرب ہک نسخہ لاثانی
 قرص ذیابیطس اس نام
 کاہو خرفہ دو دو
 دھنیاں صندل گلاب
 رگل ارمنی تے پھل انار
 ترے ماشے گھت مشک کافور
 نو ماشے دا قرص بنا
 کرے ذیابیطس دکھ دور
 پکھاں بید دارو پنج ہین
 کٹ پانی دینج ہتھوں حب
 دو دو رتی دا مقدار
 دونویں ویلے بعد غذا
 نمک مصالح ذرہ نہ پائے
 کرے گوشت نت استعمال
 انڈے گھیو دینج پکا
 ٹون مرچ دے راہ نہ جائے
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 تجربہ کیتا ہو یا یونانی
 کرے استعمال صبح تے شام
 پنج پنج تولے وزن تولا
 دو دو تولے میل شتاب
 چھ چھ ماشے دا مقدار
 دینج دوا ملا ضرور
 پانی ایسیغول ملا

کھاے قرص ہک نت بیمار
 پیوے پانی ترش انار

بیان بول الدم

بول الدم ہک مرض زبولن زخم مثانے گردے وچ سبب گرمی یا رگ پھٹ جانے غالب خون جے نظری آوے پا پڑا رلم مہندی کرشنیز ہک دو ہفتہ رنت پلا جے گرمی دا ہووے زور نشانہ کلر گوند کتیرا پھل انار پھسکڑی خام پھکی چھ ماشے رنت کھاے بکھڑا کاسنی خرنہ لیا	راہ بول دے آوے خون ہووے کرے نہایت زچ ہووے سوزش درد اکاڑے باسلیق دا قصہ کراوے ایہہ نقوع عجائب چیز دیوے خون دا جوش بٹھا نسخہ عجیب دساں ہک ہور مغز تخم کھکھڑی کھیرا ہر ہک تولہ وزن تمام بول الدم دا دکھ و نجاے پچھوں شیرہ گھوٹ پلا
---	---

نسخہ بول الدم

کریا گوند کلر گل انار خون سیا و شاں کندر لیا ترے ترے تولے کل دوا کٹ پھان سب جمع کرا	کتیرا مغزے تخم خیار طباشیر گل ارمنی پا ماشے ترے افیم ملا پنج چھ ماشے رنت پھکا
آملہ تخم انار پوسا پچھوں ایہہ نقوع پلا	

نسخہ بول الدم

سفید زیرہ الاچی جو کھار
گٹ چھان پھکی کر تیار
پچھوں ایسہ نقوع پلا
آملہ تولہ رات پوسا
دو تولے مصری وچہ ڈال
ریوند وزن برابر چار
پنج ماشے دیہہ نت تھار
پاپڑا دھنیاں رخم حنا
فجر گھوٹاٹیکے صاف کرا
کر دو ہفتے استعمال

بیان سلسل بول

سلسل بول ہک مرض خراب
پیوے پانی بہت زیادہ
بول دگے ہر وقت مدام
قوت گر دیاں دی گھٹ جاوے
ستا لاغر بدن ضعیف
دھنیاں مر کے وچ پوسا
مڑا اس نول کر کے بریان
لعاب بہیدانہ مصری ڈال
پت رخم دا شیرہ کڈھوا
ہینے وچ دو ہفتے کروا
جست الحدید معجون جے کھاوے
گوشت بکرے دا دن رات
جاری ہے ہر وقت پیشاب
بول آوے اس بے اندازہ
آوے کسے نہ وقت آرام
ضعف مٹانے دے وچ آوے
ہووے جیونکر مرد ضعیف
ترے دینہہ مڑا اس خشک کرا
گھوٹ پھکی تولہ نت آن
استعمال کر اس دے نال
کر کے صاف اس نت پلا
دیوے اس نول رب شفا
سلسل بول دفع ہو جاوے
کھائے دکھ ہو جاوے مات

شیرہ
بیضہ
نیم

چھل
پنج

ادھ

ماکھیل

ادھر

ایہ

بہت

ست

تقطیر

تر پھل

پانی

پت

نم

نظرہ قطر

سبب

ب

شیرہ دھنیاں دج پکاوے بیضہ مرغی دا منگوا نیم بریاں اس نوں کروا	مرچ مصالح نمک نہ پاوے برابر گھیو اُس دے دج پا روٹی نال اس نت کھوا
---	---

نسخہ معجون خبث الحذید

چھل ہریڑ بہیڑہ لیا پنج پنج تولے دا مقدار ادھ سیر ماریا ہو یا منور ماکیوں دج معجون بنا ادھر ڈک جے نت اُتوں پیوے ایہ نسخہ آہن اکسیر بہت مریضیاں تے آزمایا ست سال دا ایہ آزار تقطیر البول تسلسل دکھ تر پھلہ پت بنم پھل اناہ پانی دج نقوع کر ہیوے پت بنم دے نت گھوٹ پلا	آملہ دی چھل نال ملا کٹ چھان کے رکھ سنوار میلو اُس دے دج ضرور چھ ست ماشے نت کھوا فائدہ بہت نہایت تھیوے تجربہ سائیں بخش فقیر اُس دے کہے خطا نہیں پایا ہو دے اس تھیں تر ت فرار نہ اُٹل کرے ہو دے تن سکھ پنج پنج ماشے دا مقدار فائدہ بہت نہایت تھیوے دیوے مسلسل بول و بجا
--	--

بیان تقطیر البول

قطرہ قطرہ بول جے آوے سبب جے سردی بلغم باد	تقطیر البول ادھ مرض سداے کرے مثانے دج فساد
--	---

ماسکہ قوت سست ہو جاوے
 دیہ نسخہ آہن اکسیر
 بیضہ مرغی دا ہک آن
 دو تولے دوج شہد ملا
 کلے تل گھوڑ گھٹ گھوٹا
 دو ترے ہفتے جے نت کھاے
 جو گراج دی کھاے حب
 جے گرمی دا خاص نشان
 ہووے رنگ قارورہ زرد
 غرضہ کاسنی تخم خیار
 گھوٹ پانی دوج صاف کرا
 گوکا مکھن رنت نہار
 بکری دا دودھ مصری ڈال

ضعف مٹانے دے دوج آئے
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 گھیو گوکے دوج کر بریان
 روگی نول ہر روز کھوا
 ہک چھٹانکی رنت کھوا
 ضعف مٹائیوں دودھ ہو جائے
 تقطیر البول و نجاوے جھب
 کوڑا ذائقہ خشک دمان
 دوج مٹانہ سوزش درد
 چھ چھ ماشے دا مقدار
 وقت شام دیہ مصری پا
 کھاے ذرا نہ رہے آزاد
 وقت شام کر استعمال

بیان بندش بول

بول جے بند کے دا ہووے
 بول نہ اس نول آئے مول
 کر تون چنگی طرح شناس
 کس سبب تھیں ہو یا آزاد
 سبب ریت یا کنکر ورم
 یا کوئی ضرب یا لگے سٹ

روگی ڈھائیں مارے روئے
 دوج مٹانے ہووے سول
 نال عقل دے کر کے قیاس
 کس مادی دا ہے بجاڑ
 یا کوئی رتخ یا مادہ گرم
 یا باطن وچر ہوئے پھٹ

سبب
 باسیلو
 عمل
 ظاہر
 سبب
 سبب
 مٹولیاں
 ہک ہر
 شورہ
 دیہ ترہ
 میننگنی
 مٹانے
 جیکر ہو
 دوج مٹا
 شورہ
 پانی ورن
 رکھ ڈنڈ
 لے ذرہ
 شورہ کی
 دوج مٹا
 بول نہ

سبب بندش دا جیکر درم
 باسلیق رگ نوں جھب چھڈ
 گل روغن مالش کردا
 ظاہر درم جے ہووے لال
 سبب مواد غلیظ یا گند
 سبب ریت یا کنکر ہو
 ٹولیاں دے پت خوب گھوٹا
 ہک ہفتہ کر استعمال
 شورہ قلمی تولے ترے
 دیہ ترے وار پانی وچ گھول
 مینگنی چوٹیاں دیاں گھوٹا
 مٹانے اوپر کرد ضماد
 جیکر ہووے درم کرخت
 وچ مٹانے اٹھے سول
 شورہ کالی مرچ کافور
 پانی وچ شیاف بنا
 رکھ ڈنڈی وچ ٹھنڈی آب
 لے ذرہ ہک مشک کافور
 شورہ کیسو پھل گھوٹا
 وچ مٹانے جیکر ریح
 بول نہ اس نوں آوے مول

ہووے دموی مادہ گرم
 صافن تھیں گندہ ہو کڈھ
 دیوے اس نوں رب شفا
 جوکاں لا اس تے فی الحال
 جیکر بول ہو جاوے بند
 وچ مٹانے رہے کھلو
 تولہ شورہ گھت پلا
 دیوے کنکر ریت نکال
 حصے اس دے تولے کرے
 دیوے جھب بول نوں کھول
 قلمی شورہ مال رلا
 بند بول نوں کرے کشاد
 کرڈہ بہت نہایت سخت
 گرم پانی دی کرد نطول
 وزن برابر پیس ضرور
 وچ سووارخ قضیب چڑھا
 آوے او سے وقت پیشاب
 رکھ ڈنڈی دے وچ ضرور
 پانی دے وچ یسپ کرا
 ہووے تیغ دیوے تصدیح
 وچ مٹانے ہووے سول

انیسوں سونف کرفس اُبال
 پودنہ الاچی دانہ گھت
 ہر ایک ہودے ماشے چار
 دو تولے ماکھوں وچہ گھت
 گرم روغن دی ماش کر
 جیکر دیویں کھچ گلاس
 جانوراں دا ماس کھوا
 بابونہ ہرمل سوئے اُبال
 بابونہ روغن اکٹھ سداب
 روغن بید انجیر پلا
 تخم کرفس اجوین گھوٹا
 پانی کچھ قدرے وچہ ڈال
 پیٹھ توے دے اگ ٹکا
 تیل مٹھا گھت کرو ٹکور
 گل بابونہ میٹھی آن
 کٹ جوشا کر کرد نطول
 جیکر ہودے خشک مزاج
 گھیب دودھ گوکا میل پلا
 جے کھلے کسے نہ جیلے بول

دارچینی زیرہ وچ ڈال
 کٹ ملا ایہہ داروست
 کر کے صاف پلاؤ نہسار
 پیوے رت دھارے ست
 مال زورے ذرہ نہ ڈر
 کرے درد متح دا تاس
 دارچینی زیرہ وچ پاء
 درم سخت تے پانی ڈال
 ماش کر ہر وقت شتاب
 عرق سونف دے مال ملا
 نمک سبھی کٹ مال ملا
 پوٹلی بنھ دھاگے دے مال
 رکھ پوٹلی گرم کرا
 جاوے رتج ٹھکانہ چھوڑ
 حرمل تخم کرفس بادیاں
 پاوے جھب شفا ربغول
 کر اس دا مرطوب مزاج
 گل روغن ماش کرا
 نفع نہ دیوے کوئی ڈول

ہسپتال وچہ جلد لے جا
 مال سوئے دے بول کرا

پیدا
 خون یا
 بول و
 ڈنڈی
 یا حیض
 یا کوئی
 یا کوئی
 ڈنڈی
 ہودے
 اول کر
 پچھوں
 جیکر
 استعمال
 نسخہ کرا
 دیوے م
 بابونہ چد
 الاچی
 کٹ
 چھ
 ہرے

بیان سوزاک

<p> پیدا ہووے دکھ سوزاک خون یا پاک آوے راہ بول بول وچوں آوے بدبو ڈنڈی دے دھج پوندا ساڑ یا حیض دالی عورت دے مال یا کوئی پیوے بہت شراب یا کوئی کھاوے گرم غذا ڈنڈی دے دھج زخم ہو جاوے ہووے ایس سبب آزار اول کر اس اندری جھاڑ پچھوں اس نول دیو دوا جیکر قرعہ پیرانا ہو استعمال کرو پچکاری نسخہ کراں بیان عجیب دیوے مرض سوزاک دنیا ریوند چینی شورہ دید الہی خورد پھٹکڑی خام کٹ چھان پھکی کر تیار فجرے شام ہمراہ نقوع </p>	<p> اچانک ڈنگ مائے جیون ناگ ہووے زخم قرعہ دی ڈول سرکن درد نہایت ہو سادہ گرمی کرے بگاڑ ہووے بہت خراب کمال تیزی کرے قضیب خراب یا کوئی تیز یا سخت دوا درد نال روگی کر لاوے بہت طبیعت کرے بیزار دے کے کوئی دوا ادرار دیوے گرمی جگر بوجھا ڈنڈی دے دھج رہے کھلو اس دے جیہ نہیں کوئی کاری صاف کرے جھب قرعہ قضیب جلدی رب اس کرے شفا جو کھار زیرہ دھج ڈال سفید مک بک تولہ وزن تمام پنج چھ ماشے دا مقدار رکھ دو ہفتے اس نول شروع </p>
--	---

پا پڑھ پت غم مندی لے
 نقوع پانی دج کر کے تر
 ادھ پا پکا گھیو پنکھار
 گورکھ پان بوٹی اکیر
 رات پانی دج رکھ پوسا
 درد نہایت کرے جے تنگ
 رسونت افیم کافور گھسا
 ترے ماشے پھٹکڑی پھل کرا
 مویاں دا پانی نت پیوے
 غم دے پت پیوے نت گھوٹ
 بوٹی بھنگ اس نت پلا
 نسخہ ہک نکھاں کرامات
 کریں جے ایسوں استعمال
 کباب چینی تے کتھ سفید
 مٹھی میل گلو دا ست
 سہاگ پھٹکڑی کر بریان
 دو ماشہ دج ڈال افیم
 ہر روزہ صاف کر کے دج گھت
 چھ ماشے دا وزن پھکا

پنج پنج ماشے وزن ترے
 شامل نال پھکی دے کر
 پیوے مصری ڈال نہار
 دج آزمائش ایس فقیر
 مجھے مصری ڈال پلا
 وانگ اٹھوئیں مارے ڈنگ
 پانی دج نت کرد طلاہ
 کھور لسی دج نت پلا
 بہت شتابی چنگا تھیوے
 رہے سوزاک دا ذرانہ کھوٹ
 برہم ڈنڈی دے نال رلا
 دفع ہو جادے دکھ آفات
 دیوے دکھ سوزاک نکال
 تباشیر الاچی ڈالو دید
 آٹا پھلی بکتر دا گھت
 ہر ہک تولہ میلو آن
 پھکی کٹ بنا حکیم
 تول وزن دج تولے ست
 خرفہ کاسنی گھوٹ پلا

ایہ بھی ہے نسخہ آزمایا
 فائدہ بہت نہایت پایا

سفید
 ہر
 دن
 کچی

جیکہ
 سنگ
 سکے
 الاچی
 خرفہ
 میٹھا

نسخہ
 پھٹکڑی
 سنگ
 سکے
 رال

نسخہ اندری جھاڑ

سفیدہ زیرہ ریوند جو کھار ہر ایک تولہ تولہ لیا دن وچ پنج چھ دفعہ پھکا کچی لسی بے شمار	قلبی شورہ دارو چار چارے کٹ کے جمع کرا کچی لسی بہت پلا پیوسے بہت ہووے ادراہ
---	---

نسخہ سوزاک مجرب

جیکہ تینوں ہووے لوڑ سنگ جراثحت تولہ گھت سکے لے مصری دچ مار الچی خورد تولہ دچ ڈال فرزہ کا سنی بھکھڑا لیا بٹھا مرچ نہ ہرگز کھائے	مجرب نسخہ دشاں ہوا خشک بیروزہ تولے ست دو تولے تولے دا مقدار چھ ماشے کر استعمال پکھوں شیرہ گھوٹ پلا گرم چیزے راہ نہ جادے
---	--

نسخہ مجربہ سوزاک قروچی

نسخہ بیان کراں طلسم بھٹانکی روغن صندل لیا سنگ جراثحت سرمہ سیاہ سکے لے مصری دچ مار رال ماجولے کتھ سفید	کرے نابود قروح دا اسم چھٹانکی خشک بیروزہ پا دو دو تولے کر ہمراہ ڈھانی تولے دا مقدار ہر ایک دو دو تولے دید
---	---

پھلے اس دی لے بنا اتوں ادھ پا گھٹو پلا ہودے دفع سوزاک آزار	سجے دارو جمع کرا چھ ست ماشے رنت پھکا ہر ہفتہ دیہ اندری جھاڑ
--	---

نسخہ آزمودہ سوزاک

نم دے پت اس نال پلا نقوع کر پیوے رنت نہار ترے ہفتے کر استعمال فضل خدا تھیں چنگا تھیں ہودے قرعہ سوزاک فرار	پھل جڑھ نیم کمین کوٹا ہک ہک تولہ دامقدار شورہ چار ماشے دج ڈال بہت کچی کرستی پیوے ہودے جد اس نوں ادرار
---	---

نسخہ سوزاک صدری

رسونت تولے دو نال پلا قوام پانی گھستہ کرو حکیم بنھوں کھادے رنت نہار کا ہو غرض نال پلا	پھلکڑی دو تولے بڑوا ہک ماشہ دج ڈال افیم گولی ترے ماشے مقدار اتوں کاسنی گھوٹ پلا
--	--

ٹوٹکہ صدری دہقانی

بہت مدت دی پاس نشانی تازہ تولہ رات پوسا شورہ چار ماشے دج پا	دستاں نسخہ ہو دہقانی دزخت پیل دی چھال لیا مجزل پٹن صاف کرا
---	--

پیوے

پھلکڑی

دو ہاں

دھنیار

ترے ما

ایہہ

اس تولہ

دو سنگ

تیل از

سیاہی

وقت

ادھ پا

دو تولے

پیوے جے ہک ہفتہ وار	رہے نہ قرعہ سوزاک آزار
شناسی نسخہ سوزاک	
پھٹکڑی تولہ پھل کرے دوہاں نوں باریک کرا دھنیاں پا پڑا، رتم تقوع ترے ماشے پھٹکڑی پھل کرا	شورہ قلمی تولے ترے چار ماشے دا وزن پھکا پانی وچ رکھو رنت شروع کھور لسی وچ رنت پھلا
شناسی ٹوٹکہ سوزاک	
ایہہ نسخہ آزمودہ کار اُس نوں لے بنا ضرور دو سنگ گال دے لے منگوا تیل ازٹ دے وچ پاء سیاہی لاه ڈھکن دے نال وقت صبح اکھیں وچ پاء	سوزاک واسطے کرو تیار وچ شناساں دے مشور ریتی نال پورہ کروا بتیاں سب اس وچ جلا رکھ کھڑ وچ ڈبی ڈال دیوے مرض سوزاک و نجا
ٹوٹکہ سوزاک	
ادھ پا گوکا گھیو منگوا دو تولے وچ ڈال شراب	دو تولے وچ کھنڈ ملا پیوے رنت نہار شتاب
ہفتے بعد ہک اندری جھاڑ دیہہ اُس نوں ہووے اذار	

ترے ہفتے تک کہ اس طور مویاں اُس نوں رنت کھوا درا جونی برہم ڈنڈی لیا	قرحہ سوزاک جاوے فی الفور جھوٹ تیک ادھ سکے کھا بونی بھنگ رنت گھوٹ پلا
---	--

نسخہ پچکاری سوزاک کہنہ قروحی

جیکہ قرحہ سوزاک پیرانہ اُس نوں پت کرے پچکاری کیس پھٹکڑی خام افیم باراں تولے پانی ڈال قرحہ پیرانا دکھ سوزاک	رہے ڈنڈی دج کل ٹکانہ نرا ل ہووے قرحہ بیماری ہراک رتی قدر حکیم کہ پچکاری استعمال ست سالانہ داجا بھاگ
--	---

نسخہ پچکاری سوزاک

سرکن سوزش ڈنڈی دج پت نم پانی دج گھوٹا کیڑے دج گھت صاف کرا ترے ترے ملشے ڈال ضرور اس دی رنت کرد پچکاری کانور رسونت افیم ملا	جیکہ کرے نہایت زنج پانی ترے چھٹانک ملا کتھ سفید رسونت ملا رتی قدر افیم کانور نرا ل ہووے قرحہ بیماری بشی دج سوراخ چڑھا
--	--

نسخہ سوزاک قروح آتشکی

پارہ سکہ دونوں ملیا	تولہ تولہ تولہ	وزن تولہ
---------------------	----------------	----------

دو نویں آپس دینچ ملا کھائے مکھن دے دینچ گھت بہت شتابی چنگا تھیں	کھل دے دینچ گھت پسا دزن بنائیکے اُس دے ست اُتوں گوکا گھیٹو جے پیوے
---	--

نسخہ پچکاری سوزاک

چھ چھ ماشے ہوون ترے ترے چھٹانک پانی دینچ پا پھٹکڑی مُشک کا فیر ملا پیہہ کے میلو خوب سنوار کر کے نال پلاؤ آن ہو دے زائل قرعہ بیماری ریم قرعہ تھیں صاف کرا قرعہ سوزاک ہو دے سب دوا	تر پھلہ مہندی دھنیاں لے رات چھتے دینچ رکھ پوسا فجرے مل پُن صاف کرا ہک ہک رتی دا مقدار نصف رتی طوطیا بریان نال عقل دے کہ پچکاری ہر ہفتہ اندری بھار کرا ایہو یاد رکھیں دستور
---	---

لوٹنک پچکاری

فجرے مل پُن صاف کرا میل کرو پچکاری آن گرم پانی گھت کہ پچکاری	تر پھلہ پانی دینچ پوسا نصف رتی طوطیا بریان گوشت خورہ ماکھوں باری
--	--

نسخہ پچکاری سوزاک کہنہ

رسونت پھٹکڑی کتھ سفید	تر پھلہ پھل سہاگہ دید
-----------------------	-----------------------

ہر یک ترے ترے ماشے لیا کر کے صاف کرو پچکاری دو ترے ہفتے کرو ضرور پچھوں ڈال روغن بادام	پانی ترے چھٹانک ملا دفع ہو جاوے قرحہ بیماری قرحہ پرانا ہووے دور پچکاری نال صبح تے شام
--	--

آتشک

آتشک مرض مشہور باد فرنگ ہندی دین نام مرد گندی عورت داسنگ وقت صحبت عورت تھیں ہو نکلے چڈیاں دین بٹوہ زخم ضرور آلت تے ہو غیر حقیقی باد فرنگ نادی باد فرنگ اس نام نکلے سڑیا ہو یا مادہ طبع موافق کمرہ علاج خاص حقیقی باد فرنگ مغرب اس دا نکھال دوا نسخہ یک مخفی اسرار کئی دفعہ اس نون آزمایا باد فرنگ ہے بارہا سال	طبائ دین جمہ مذکور آکھن ایس نون لوک تمام کرے اچانک مارے ڈنگ باد فرنگ حقیقی سو اڈ جاوے چہرے دا نور شکل قرحہ بن رہے کھلو ہووے باہجہ عورت لے سنگ کمن ہندی دین لوک عوام ہووے خارش بہت زیادہ گرمی سردی سمجھ مزاج کرے خراب نہایت تنگ دیوے باد فرنگ دجا بخشیا یک تجربہ کار ہرگز کدی خطا نہیں پایا ہووے دفع کرے فی الحال
--	--

ریک
چھ
ادھ
نال
دون
جد
برگ
برگ
چھل
دلیہ
ہر ہفتہ
ہو دے
باسکین

مغرب
کریں
مردا
سپاری
نہلا
مفل

<p> رِسکپور، شنگرف، سیماہ چھ چھ ماشے سب دوا ادھرک بے پانی وچ سب نال ملائی حَب کھوا دونوں وقت گولی پک کھاوے جد نہ آوے کرے موقوف برگ چنبیلی پت کچنال برگ مغیل یا برگ انار چھل رگڑ یا ہرٹ لہا دلیہ گندم کرے غذا ہر ہفتہ پک کرو جلاب ہودے جیکر دھوی مادہ باسلیق دا فصد کرا </p>	<p> ترے اجوین ملا شتاب کھل دے دج خوب لہا چنے برابر بنھوں حَب گرم گوکا دودھ نال ملا آتشک دی نیخ اٹھاوے ایہو رکھیں یاد وقوف کرے غرارے نت اوبال کرے غرارے نت نہار کرے غرارے نت جوشا گھیو گوکا دافروچ پا جادے باد فرنگ شتاب خون بدن وچ بہت زیادہ پچھوں دارو شروع کرا </p>
---	---

مرہم باد فرنگ

<p> مُجرب مرہم باد فرنگ کریں جے ایسنوں استعمال مردا سنگ تے کتھ سفید سپاری توے اپر سڑوا نیلا تھوٹھا کر بریان کھل دے دج خوب پسا </p>	<p> زخم نہایت کرن جے تنگ زائل مرض کرے فی الحال رِسکپور تے شنگرف دید چھ چھ ماشے سب دوا ماشے ترے ملاؤ آن دھوتے مکھن نال لگا </p>
---	---

ایک ہفتہ جے مرہم لائے ایہ مرہم مثل طلسمات زخم پورا نہ قرعہ ناسور	آتشکے زخم دنجائے کرے زخم آتشکے مات اس مرہم تھیں ہوں دوا
--	---

دھونی باد فرنگ

لکھاں دھونی یک مثل تفنگ زخم جے ہوں بہت نہایت پھٹ شتاب ہو جاوے خشک شکر ف نیلا تھوٹھا لے قلعی چونہ ہو مرچ سیاہ ایک ایک تولد سب دوا ٹوا دچ زمین کڈھا دیہ دھونی منہ ننگا رکھ دھونی دیہ یک ہفتہ وار	درج کرے تھب باد فرنگ کرے درد دی سخت شکایت رہے زخم دا ذرہ نہ مشک رسکیور ایہ دارو ترے ماجو عقرقرھا ہمراہ میل موم ست وزن بنا گولیاں اُتے رکھ دوا نوراً فائدہ لیں پرکھ رہے نہ باد فرنگ آزار
--	---

دھوڑہ باد فرنگ

کرن نہایت زخم جے تنگ مجرب دھوڑہ خشک دوا سپاری کٹ توے تے ساڑ چھ ماشے کتھ ڈال سفید نیلا تھوٹھا کر مریان	دساں دھوڑہ باد فرنگ دیوے جھبے زخم چھڑا چھ ست ماشے دا مقدار کرو باریک کھریل دچ دید ترے ماشے دا وزن پچان
---	--

گدکا
مکھن
ست

شکر
تباکو
گھوٹ
بکی گھن

محقہ بیو
تجربہ
عقرقرھا
گھوٹ
اُتے
ست

باد فرنگ
ایہ نسخہ

گوکا تازہ مکھن لیا	اک وہیہ پانی نال دھوا
مکھن نال زخم چوڑا	دھوڑا چٹکی نال دھوڑا
ست دھاڑے دھوڑہ دھوڑ	زخم تمام ہو جادن ددر

حقہ فرنگ

شنکرف تولہ کھل کرا	چار لونگ دوج پیس ملا
تبناکو کوڑا تولے چار	گوڑ گھت دو تولے مقدار
گھوٹ دوا سب خوب ملا	ٹکیاں اس دیاں چار کرا
ٹکی گھت حقہ دوج پیسے	چار روز تک چنگا تھیوے

حقہ فرنگ

حقہ پیون دا اک ڈھنگ	دساں ہے نہ باد فرنگ
تجربہ کاراں دا فرمودہ	بہت بیماراں تے آزمودہ
عقر قزح شنکرف تنکار	ہک ہک تولے دامقدار
گھوٹ پانی دوج قرص بنا	حقہ اس دے ست کرا
اُتے پیٹھ تبناکو دوج	گھت حقہ دوج پیسے کج
ست روز کر استعمال	کرے شفا خدا فی الحال

شناسی نسخہ باد فرنگ

باد فرنگ والا بیمار	جے ہوئے زخماں نال لاچار
ایہ نسخہ اعظم اکسیر	بخشیا ہک بزرگ کبیر

<p> رکپور شنگرف منگوا گوگل چھ ماشے وچ گھت بیضے مرنی دے وچ ڈال گٹھ کے آٹا کنک لگا نال مٹی رگل حکمت کر جد گولہ ہو جائے لال مٹی آٹا دور کرا یا اس وچ کھل دے پیس ہک ہک حب دو وقتی کھاوے اتوں پیوے گوکا دودھ روز آون اس نوں اسہال جیکر منہ اس دایک جائے کرے غارے استعمال </p>	<p> چھ چھ ماشے دزن ٹولا مفر جیپال دانے گھت ست سب دوا عقل دے نال بیضہ اس دے وچ لگا وچ تنور گرم دے دھر رگ تھیں اس نوں جلد نکال ڈنڈے کونڈے وچ گھوٹا گولیاں اس دیاں بنھ اکیس وچ ملائی گھت لنگھاوے کر کے گرم جے ہو دس بدھ دیوے مادہ مرض نکال پھیر دوانہ ہرگز کھاوے کرے شفا رب ذوالجلال </p>
--	--

نسخہ آتشک مجرب

<p> شنگرف رکپور منگوا ترے ترے ماشہ دارو چار چھ ماشے سیماب ملا عرق نبتو وچ کھل کرا ہک ہک حب دو وقتی کھاوے پچھوں پیوے گوکا دودھ </p>	<p> مصطفیٰ رومی عقر قمر چار رتی گھت سم الفار چھ ماشے گھت مرچ سیاہ مونگ برابر حب بنا گھت ملائی وچ لنگھاوے ادھ سیر قدر جے ہوے بدھ </p>
---	---

دست کرمانی

تجربہ
آتشک
اس
پھل
ترے
چار
پتے
دو
بعضیا
دو ترے
گوکا
چیزا
زنی
دارچین
رک
جو تھانی
دو ترے
صبح

نسخہ آتشک

نسخہ بخشیا اوس نشانی زخماں دے دینچ چلے شو کرے بگاڑ جسم دا دفع نیلا تھو تھہ کر ہمراہ نیلا تھو تھہ کر بریان نبتہ دا دینچ پانی پا نال عقل دے گویاں سب بعضیاں نوں استھیں تے آئے باد فرنگ جاے فی الحال باد فرنگ نہ شکل دکھاے دلیہ گندم وچ سنوار مرچ نوں دے راہ نہ جاے گوکا دودھ گھت کرے غذا	تجزیہ کار ہک ہندوستانی آتشک جے دیوے زور اُس نوں بہت پہنچاے نفع پھل ہریٹاں زرد سیاہ ترے ایہہ تولہ تولہ آن چار پہر تک کھل کرا چنے برابر بنھوں حب دو حب پانی نال سنگھاے بعضیاں نوں آدن اسہال دو ترے ہفتے جیکر کھاے گوکا گھیو کھاوے بسیار چیزاں خشک نہ ہرگز کھاے فرنی چانول چرب پلا
--	---

بشناسی نسخہ باد فرنگ

چھ چھ ماشے دا مقدار جوہر انہاں دا لئیں اڑا استھیں زیادہ کرے ہلاک دیوے باد فرنگ اڑا اتوں گوکا دودھ پلا	دار چکنا تے سم الفصار رسکیور تولہ دینچ پا جو تھائی چانول دی خوراک دو ترے ہفتے تیک کھوا صبح ملائی گھت سنگھا
---	--

شناسی نسخہ آتشک

جیکر باقی رہے قصور
جاوے مرض پُرانی ہو
کدی کداہیں دیوے زور
ہووے خاص جے مادہ سرد
شناسی نسخہ کراں بیان
رسکیپور تے سم الفار
اکھ پھر تک کھل کرا
مُڑ زبُو دا پانی وچ گھت
مُڑ کوری ہانڈی دے وچ دھر
دیوے وانگ جلاویں لاٹ
ہک پھر تک آگ جلا
پیالے تے ٹاکی رکھوا
نال پانی پیالے رکھ تر
دھوئیں دے نزدیک نہ جائیں
جد ہو جاوے ہانڈی سرد
جوہر کھرج عقل دے نال
چوتھائی چاول دی خوراک
گھت مکھن دے وچ لنگھاوے
ہک ہفتہ تک نت کھوا

کرے جسم دے وچ فتور
رہے بدن دے وچ کھلو
گھتے وچ جسم دے مشور
رہے اعضاواں دے وچ درد
رہے نہ یاد فرنگ نشان
ہک ہک تولے دا مقدار
کیلے دا پانی وچ پا
ہک دن کھل کراویں وقت
چار چوٹے گل حکمت کر
تیز آگ تھیں جاوے پاٹ
جوہر دوہاں دا لے اڑا
کیلے دا پانی کدھ پا
مت جوہر جاوے سب سڑ
مُڑ سر اکھیں جسم بجائیں
ہیٹھ اتار چوٹے تھیں جلد
ڈبی دے وچ رکھ سمہال
اس تھیں زیادہ کرے ہلاک
آتوں گوکا دودھ پلاوے
مُڑ ہک ہفتہ بند کرا

مُڑ کھا
نا طر
جیہڑا
تھیو دو

رسکیپور
لونگ
چار پہ
ہک ہک
جد مٹھ آ

آتشک
کوڑیاں
تیقے تا
کوڑیاں
سبب
دہمانہ
پت کر
م کر

مڑ کھاٹے جے ہووے لوڑ نا طریقے پیر استاد جیڑا مادہ موزی باقی گھو دودھ اس نوں بہت پلا	پھر یک ہفتہ دیوے چھوڑ ایہو قاعدہ رکھیں یاد رہے نہ دوج جسم دے عانی ہرگز ذرہ نہ کرے وساہ
--	---

نسخہ یاد فرنگ

رکپور چھے ماشے لب لونگ یاراں گھٹ کھل کرا چار پرتک اس نوں پیس یک یک حب دو وقتی کھاٹے جد منہ آوے کرے موقوف	چھ ماشے کالی مرچ ملا ادھرک دا پانی دوج پا گولیاں اس دیاں بنو چائیس لکھن دے دوج گھٹ بنگھاٹے ایہو رکھیں یاد وقوف
--	--

نسخہ آتشک غیر حقیقی

آتشک جے غیر حقیقی کوڑیاں چیزاں کرد نقوع تیقے تال طبع کر صاف کوڑیاں چیزاں کرد نقوع سبب جے ہوئے گندہ خون دہمانہ کوئی گھوٹ نت پیوے پت کر نحوہ پیوے گھوٹ نخم کر نحوہ گھوٹ پلا	مادہ تھیں ہووے حقیقی ماکھیوں ڈال رکھونت شروع موافق طبع کرے رب معاف ماکھیوں ڈال رکھونت شروع جلدی خارج کرو زبون فضل خدا تھیں چنگا تھیوے رہے نہ دوج جسم دے گھوٹ ماکھیوں خالص دوج ملا
--	--

فتور
کھلو
مشور
درد
نشان
مقدار
پا
وقت
ت کر
پاٹ
لے مڑا
ٹھ پا
سب سڑ
م بچائیں
میں جلد
سمال
ہلاک
پلا دے
کرا

نیل کنٹھی ذرا بوٹی پیوے رسونت جے پیوے گھوٹ تیار کرے جے خون گندہ نقصان	برسم ڈنڈی جھب چکا تھیوے ہفتے ست نہ رہے آزار کر استعمال روغن کلیان
---	---

روغن کلیان یعنی روغن رخم

برگ رخم دے لے منگوا گھول وچ پانی صاف کرا ڈال کرٹا ہی وچ پکا کر کے صاف بوتل وچ گھت خون گندہ سب کرے صفا	نگدہ کونڈے گھوٹ بنا گھیو گوکا اُس نال جلا ساڑ پانی سب ہیٹھ لپا ترے تو لے پیوے ہفتے ست پھوڑہ پھنسی رہے نہ کا
---	---

بیان جریان منی

چلے دھات کے انسان غیر طبعی احتراقی مادہ قوت ماسکہ ہووے مات سبب حرص یا آدے جوش بلوے خرابی وچ خزانے جے گر دے دا ہے جریان سرخ دھات یا ہووے زرد خاص علاج اس دا ادرا دودھ گھیو بہت کر استعمال	کس حکیم اُس نوں جریان دافع قوت کرے زیادہ تھہر نہ سکے اچلے دھات طرف منی وچ پوے خردش یا گر دے یا وچ مٹانے اس دا ہے ایہہ خاص نشان لازم ہے گرے وچ درد کہ توں ہووے دفع آزار گردہ صاف کرے فی الحال
--	--

برہم ڈنڈی، بوٹی گورکھ پان
 گھوٹ چھان مصری دج گھت
 ایہ بوٹیاں چارے اکیر
 کاسنی بھکھڑا تخم خیار
 خزانوں دھات جے آکے وید
 سڑیا گرمی نال خزانہ
 ہووے مادہ منی رقیق
 دساں نسیم مثل کند
 موصول ہک جھانک سفید
 گوند رگڑ دی نال پلا
 طباشیر الاچی پھل امار
 سکے لے مصری دج مار
 چھ ست ماشے نت پھکا
 برہم ڈنڈی جے نال ملا دیں
 کاسنی خرفہ تخم خیار
 استعمال کر ہفتے ست
 غلبہ خون جے نظری آ
 نسخہ کمال ہک بہت پسند
 سکے لے مصری دج مار
 طباشیر سفید الاچی گھت
 پنج چھ ماشے نت کھوا

بو پھلی بوٹی تے بھنگ بریان
 پیوے دھات نہ آکے دت
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 شامل کر ہووے ادراہ
 ہووے اس دارنگ سفید
 جھیرا ظرف منی دا خانہ
 آوے وقت پیشاب تحقیق
 کرے تڑت دھات نوں بند
 سکے نصف چھٹائی دثید
 آٹا پھلی رگڑ دا پا
 ہر ہک دو تولے مقدار
 گھٹ پھان کر پھکی تیار
 اوٹوں بوٹی بھنگ پلا
 دو چند اس تھیں نفع اٹھاویں
 شامل کر ہووے ادراہ
 مرط کے دھات نہ آکے دت
 اول باسلیق پھڑا
 کرے تڑت دھات نوں بند
 ڈھائی تولے دا مقدار
 ہر اک ہودن ماشے ست
 گوکا کھن نال پلا

نسخہ ہو رہا کہ کراں بیان
 ثعلب موصلی لے سفید
 پنج پنج تو لے دا مقدار
 چھ ست ماشے نت پھکا
 گوند کیترا رات پوسا
 مرچاں ٹون نہ ہرگز کھاکے
 مغز تخم ابلی لے
 موچرں اتا مکھانہ لیا
 ہک ہک تولہ دارو چار
 چھ ست ماشے صبح کھوا
 برہم ڈنڈی بوٹی جے پیوے
 سپاری کٹ دو تولے آن
 گوند رکر تے بھنگ پلا
 تچ نال مکھانہ گلنار
 کٹ پھان کے سب دوا
 چھ ست ماشے نت کھوا
 آٹا پھلی رکر دا لیا
 پنج تولے مصری دچہ گھت
 اتوں بوٹی بھنگ جے پیوے
 برہم ڈنڈی کر استعمال
 سکتے مصری دچہ مار

بہت شفا ہونے انسان
 ایسبھول دا چھلکا دید
 مصری میل تولے پنج چار
 پچھوں گوکا دودھ پلا
 دودھ بکری گھت فخر پلا
 گرم چیزے راہ نہ جاوے
 بیروزہ ہر ہک تولے ترے
 ثعلب گوند رکر دچہ پا
 مصری دس تولہ مقدار
 ہو پھلی بوٹی نت گھوٹ پلا
 فضل خدا تھیں چنگا تھیوے
 گھیو گوکے دچہ کر بریان
 سفید موصلی لے پنج پا
 ہر ہک دو تولے مقدار
 گھیو گوکے دچہ چرب کرا
 ہو پھلی بوٹی بھنگ گھوٹ پلا
 پنج تولے دا قند تولا
 کھاوے فخرے ماشے ست
 بہت شستابی چنگا تھیوے
 مصری تھوڑی جیہی دچہ ڈال
 دو ترے تولے دا مقدار

گو

ڈو

نال

گوند

چھلکا

پنج

چھ

کیترا

رات

پوسا

مرچاں

ٹون

نہ

ہرگز

کھاکے

مغز

تخم

ابلی

لے

موچرں

اتا

مکھانہ

لیا

ہک

ہک

تولہ

دارو

چار

چھ

ست

ماشے

صبح

کھوا

برہم

ڈنڈی

بوٹی

جے

پیوے

سپاری

کٹ

دو

تولے

آن

گوند

رکر

تے

بھنگ

پلا

تچ

نال

مکھانہ

گلنار

کٹ

پھان

کے

سب

دوا

چھ

ست

ماشے

نت

کھوا

آٹا

پھلی

رکر

دا

لیا

پنج

تولے

مصری

دچہ

گھت

اتوں

بوٹی

بھنگ

جے

پیوے

برہم

ڈنڈی

کر

استعمال

سکتے

مصری

دچہ

مار

گو کے مکھن نال رطل
وقت صبح دے نت چٹا

نسخہ جربان

ڈوڈے پوست لے منگوا
نال رطل خشک سفید
گوند لکڑ دھاوہ گلنار
چھلکا ایسغول رطل
پینج پینج تولے وزن تولہ
چھ ست ماشے وزن پھکا
کتیرا پانی دج پوسا
دھنیاں خشک اس دے فوج پا
ہر ہک ترے ترے تولے دید
ہر ہک تولے دا مقدار
سفید موصلی لے وچہ پاء
ادھ پا مصری کٹ رطل
پچھوں ایہہ دوا پلا
پیوسے فوجے دودھ رطل

بیان ضعف باہ

ضعف باہ جے ہووے پیدا
قوت باہ دے دج زبان
یا اس معدہ بدن ضعیف
سبب یا خوف یا دہم یا غم
یا کوئی گرم قوت دا ساڑ
مادہ باہ جو ریح روح خون
یا پتلی ہو جاوے دھات
کریں معلوم سبب اس ویدا
کس سبب ہو یا نقصان
یا گردے دل جگر خیف
قوت باہ گئی ہو کم
قوت باہ وچ کرے بگاڑ
ہووے کم یا سست زبون
قوت ماسکے ہووے مات

یا چم گوشت رگاں اعصاب
آلت دے ہو جان خراب

یا عورت باہنجم ہے کئی سال
یا دل وچ بد دہم خیال
گرمی سردی سمجھ مزاج
جو ہو دے غم دا اسباب
سبب ہے ڈر یا دہم خیال
رنگ برنگ پہنا لباس
رنگ برنگ سنا اس راگ
صورت خوب دکھا تصویر
نازک بدن جو شکل کمال
انوشدارو اس نت کھوا
جے اس معدہ بدن ضعیف
یا مادہ باہ روح رتخ خون
اطریفل خبث الحمید بنا
یا نت کھوا لبوب کبیر
شناسی نسخہ یک لاثانی
کشتہ سونا - قلعی - عقیق
کشتہ مونگا سکے سیم
پاک مصری کٹ ملا
سبب ہے گرم خلط دا ساڑ
دعات ہو جائے بہت رقیق
اول اس نوں کر تبرید

قوت باہ نہ رہے برحال
یا بزدل یا شرم کمال
کہ توں نال قیاس مللج
ہر جیلے کہ دور شتاب
پکڑے قوت باہ زوال
اُتے چھڑک عطر دی باس
دل نوں چھوڑ جائے غم بھاگ
نس جاوے غم گھٹ دہیر
کر شادی ہووے خوشحال
دیوے دل دا ضعف و نجا
یا گرے دل جگر نحیف
کم ہووے یا سست زبون
چھ ست ماشے نت کھوا
حق اس دے وچ ہے اکیر
تازہ پیدا کرے جوانی
خالص اصل فولاد تحقیق
ترے ترے ماشے وزن حکیم
ترے ترے ماشے مکھن نال کھوا
قوت باہ وچ کرے بگاڑ
باہ وچ کم ہووے توفیق
شریت شیر سرد مفید

مغل
مرد
طب
بار
دند
جے

تازہ
تعلب
چار
رنگار
لے
چمبی
مالش
سرد
گھٹ
اول
دو ترکہ
خبث

مغلظ نسخہ لکھناں لاثانی موصلی یک چھٹانک سفید ستاور ثعلب موصلی سیاه طبائشیر سفید الاچی لے باراں تولے مصری ڈال وزن تولہ یک نت کھوا جے گرمی دا بہت سبب	مجرب حکمت مع یونانی چھلکا ایسغول پنج وید گوند لکر پنج کر ہمراہ ہر یک ہودن تولے ترے کر کچھ مدت استعمال پچھوں گوکا دودھ پلا شریت سرد شامل کر جیب
---	--

نسخہ مغلظ منی

تازہ دودھ ادھ سیر متکا ثعلب موی لے سفید چار تولے گوکا گھی ڈال رنگاں پٹھے جے ہودن سست لے کے دار چینی دا تیل چربی مرغا مع ملا مانش اوپر کرو اخیل سرد مواد جے بلغم باد گھٹ بدن مع ہوسے خون اول اس نوں کرا سہال دوترے دفع خارج کر مادہ جبت الحدید کھوا معجون	دو تولے دج شہد ملا چھ چھ ماشے پیہ کے وید پیوے ادنت سرکیاں نال مل ایہ روغن ہودن چست پیہ کے عقر قرا دج میل اہل آتے کرو طلا ہووی غیر مواد تحلیل قوت باہ دج کرے فساد استا لاغر بدن بدن زبون تنقے حب ایارج نال ہووی قوت باہ زیادہ پیدا کرے بدن دج خون
---	---

معمون لبوب کر استعمال دیہ غذا اُس نوں مقویات کھوا گشتہ اُس نوں فولاد شراب کباب گوشت بریان مطبخن سیویاں چرب پلا سبب جے سردی وجہ مشائے کم ہو جاوے باہ نہایت بیضہ مرغی دا منگوا ڈیڑھ چھٹائی گھیو دج ڈال معمون زرعوئی عجب دوا فلاسفہ تے بر شعثا دونویں	سستی دفع ہووے فی الحال کھویر گھیو گھٹ کے مغزیات کرے ضعف دا دفع فساد بیضہ مرغی، مغز حیوان کھن دودھ مصری وچ پا پیدا ہووے ضعف خزانہ کرے بول دی بہت شکایت دو تولے دج شہد ملا پکا حلوا کر استعمال کرے نہایت قوت باہ کرن زیادہ باہ نوں ادویں
--	--

معمون زرعوئی

زرعوئی کر تیار حکیم قوت باہ نوں دیوے نفع دونویں بہن سُرخ سفید اندر جوتے، بوزی دان لونگ جعفر سُنڈھ کالی چھڑ دار چینی لک مرچ سیاہ ہر یک تولہ قدر منگوا مرتبان دج رکھ سمہال	نسخہ ۱ یہ حکماء قدیم بلغم یاد کرے سب دفع تو دریاں موصدیاں گھٹ دید ہر یک تولے تو نے اوزان خونچاں خرقہ شامل کر مٹھی کھٹ کرد، سمراہ ماکھوں دج معمون بنا وزن اُس دا ہے دو مثقال
---	--

بک
صد
دار
مد
تر
جام
بک
جے
ہے
ہو
ہو
بہت
سائیں
بہت

بیضہ
دار
چند
بک

نسخہ مُمَسِّک

ہر مجرب میرے پاس نشانی کر دیواں اس نول اظہار عقر قرعہ سنڈھ کر ہمراہ ہر ہک تول دزن سمہال دج منقہ حب بنا چنے برابر بھوں حب ہرگزہ شستی رہے نہ کا کرے زیادہ قوت باہ دافع ضعف باہ ہر قسم کرے شتانی نال درست دیوے شہوت دج توفیق سست مرد نول کرے چالاک ایہ نسخہ مُمَسِّک اکسیر ہرگزہ کدے خطا نہیں پایا	ہک نسخہ مُمَسِّک لاثانی صدر بصدری مثل اسرار دار چینی نگ مرچ سیاہ مدبر آٹا کچھ ڈال ترے ماشے افیون ملا حام دستے دج کٹ کے سب ہک ہک گولی بنت کھوا جے گھٹ شراب کریں ہمراہ ہے ایہ نسخہ مثل طلسم ہووے قوت باہ جے سست ہووے منی جے بہت ترقی بہت دیر تک رہے امساک سائیں بخش حکیم فقیر بہت دفعہ ایسوں آزمایا
--	--

نسخہ طلسمی قوت باہ

دو تولے آب پیاز ملا ماکھیوں میل تولے دج ست ادھ پاگھیو دج کر بریان	بیضہ مرغی دا منگوا دار چینی ترے ماشے گھت آٹا ہک پھٹا نکی آن
---	---

خدا آٹا ہو جادے لال کر کے حلوے وانگ تیار شراب دو گھٹ پیوے ہمراہ	پکڑ دوا سب دینے ڈال وقت شام کھاوے بیمار کرے زیادہ قوت باہ
---	---

سنخہ قوت باہ

جھفل لونگ مصطکی لیا خونجاں دارچینی وچ ڈال ہر ہک تولہ قدر دوا دینے منقے بنھوں حب وقت شام ہک گولی کھاوے	جلوتری عقرقرھا وچ پاء کیاب چینی بابونہ نال ماشے ترے افسیم رلا ترے ترے ماشے گولیاں سب دودھ گھیو ماکھیوں میل کھاوے
---	--

روغن طلا سستی قضیب

ماہل سنگنی جھفل لیا ہک ہک تولہ سب دوا لے کے خالص مٹھاتیل دو گھٹ پارچہ لے سفید اس نول بٹی وانگ بنا پیالہ چینی پیٹھ رکھا خدا ساری بٹی جل جا	دارچینی لونگ عاقرقرھا کوندے گھت باریک کرا دارو سب اس دے دینے میل کر آلودہ نال اس دیند مال ادھے دے پکڑ جلا روغن اس دے دینے چوا روغن شیشی گھت رکھا
---	--

سبب ہے سستی بلغم باد
پٹھے اس دی بنیاد

نسخہ طلا

رائی خراسانی اجوین دو دو رتی دا مقدار تیل بمشے دے وچ طلا	خم حمرل کوڑی کھٹ لین کھٹ پیس ایہہ داد چار ذکر اُتے نت کرو طلا
--	---

نسخہ طلا

چھ ماشے پنبہ رموں دا لیا رکھ دھپے اُس لے سکھا گھبو گوکے وچ تر کروا روغن شیشی نال چوہا لاڈ سپاری سیون چھوڑ	اک دے دودھ وچ تر کروا بٹی اُس ذی لے بنا سیخ نال اس نوں لٹکھا حاجت وقت آلت تے لا روغن اس دے جیہا نہ ہو
---	---

روغن طلا

برد بیاچ یا بلغم باد روغن کراں بیسان طلا چڑا پھٹے رگاں جوشت عقر قرحا ماہل سنگنی لیا دارچینی خراسانی اجوین دو دو تولے سب دوا ترے بیضے زردی دچہ میل	جے آلت وچ کرے فساد دیوے سستی ذکر دنیا ماتش تمقیں ہو جان درست جھفل لونگ جلوتری پا خم حمرل دارو آٹھ دین کھٹے کر درڑہ کروا پتال جنت نال کدھو تیل
---	---

ڈال
بیمار
باہ

پاء
نال

ملا

سب

کھلائے

عاقتر قرحا

بیک کرا

دچ میل

دبید

پلڑ جلا

چ چوہا

ت رکھا

یا آتشی شیشی وچ ڈال ہک قطرہ آلت تے بیس جے چرنی مرقا کریں آمیز	تیل کڈھ رگل حکمت نال شستی نس جاوے چھڈ دیس بہت قوت ہو عا دے تیز
---	--

بیان پٹہ قضیب

ہور دساں ہک عجب دوا بند مواد رگاں وچ ہو کسے سبب نہ ہووے حل ذکر اُتے کر استعمال ہوونے سست مریض بابوس پٹھے رگاں ہو جاوے صاف	ہرگز کدے نہ پوے خطا یا چمڑے وچ رہے کھلو پاوے شہوت وچ خلل دیوے غیر مواد نکال شہوت آدس مثل خروس کرے قصور خداوند معاف
--	---

روغن مجربہ طلا

ماہل کنگنی مغز جیپال عقر قرقا وچ لونگ طلا دو دو تو لے دارو ست در لہ کر دارو سب میل یا تیل مٹھا وچ چرب کرا رکھو شیشی دے وچ ڈال روغن طرف اوپہ دے لا کر کے اوپہ ذکر طلا	کچھ چھل تراش کے ڈال یار جینی جعفر وچ پا نعم ارنڈ چھٹانکی گھت کڈھ آتشی شیشی وچ تیل پیتال جتر دے نال کڈھا وقت حاجت کر استعمال حشفہ سیون لٹیں بجا اُتے پٹی پان بنھا
---	---

پتر
دو
روغن
مجربہ

ملذذ
عور
دارو
منہ
صحبت

لے
وزن
میل
صحبت

دارو
وزن

پت پان جے ہتھ نہ آوے دو تہے روز گزر جد جادون روغن پھیر نہ ہرگز لائیں مغرب روغن ایہہ طلا	پت بیری دے توڑ بھٹاے پھنسیاں جسم اُتے رنکل آون گوکا گھیٹو لا زخم چھڑائیں دیوے سستی جلد دجا
--	---

نسخہ ملذذ

ملذذ نسخہ آیا یاد عورت مرد آون دج جوش دارچینی سنڈھ عقرقرا منہ دج چتھ نکال لعاب صحبت وقت ذکر تے لا	صحبت وقت کرے دلشاد ہوون لذت نال بے ہوش ترے کٹ کے درڑھ کرا وقت دخول لگاؤ شتاب دیوے لذت لطف دیکھا
---	---

نسخہ ملذذ

لے سنڈھ کیسر لونگ ایتم وزن برابر سب دوا میل تھوڑا جیہا دچ شراب صحبت کرے عورت دے نال	دارچینی عاقرقرا حکیم پیہ سے ڈبی دج رکھا صحبت وقت لگاؤ شتاب عورت بہت ہوئے خوشحال
--	--

نسخہ ملذذ

دارچینی سنڈھ عاقرقرا وزن برابر چار دوا	کباب چینی بھی کر ہمراہ چربی بکرا نال طلا
---	---

وقت صحبت آلت تے لائے لذت نال مست ہو جائے

نسخہ ملذذ

سو گہ عقہ قرچا کافور
پہیہ پاکھیوں دیوچ ملا
ایسا لذت لطف دکھائے
ترے برابری ضرور
لیپ کرد نت جماع
لذت نال بے ہوش ہو جائے

سرعت انزال

سرعت انزال مرض اودہ جان
جد شہوت دا کرے خیال
جد نہ دیک عورت دے جائے
خوشی نہ اس نوں آدے مول
سبب ڈر خوف یا دہم خیال
دل نوں ضعف ہووے یا غم
قوت دافع ہووے تیز
یا گرمی اس وچ خزانے
یا اس گزر گئے کسی سال
طرف منی مارے جوش
یا اس ضعف جگر تحقیق
حبث الحدید اکھوا معجون
اول اوس دی شادی کر
ہووے جھب خلاص انسان
جلدی نال ہووے انزال
لذت لطف نہ ہرگز آوے
رہے طبیعت بہت ملول
آوے دل وچ سوچ کمال
قوت ماسکہ ہووے کم
ہووے ماہ منی گریز
یا گریز یا وچ مٹانے
عورت نال نہ ہو یا دصال
آوے شہوت وچ خروش
سبب صفرا یا خون رقیق
کاہڑہ کرے بدن وچ خون
دل تھوں دور ہووے غم ڈر

دل تھوں وہم خیال و نجاوے پچھوں دارو شروع کرا دل تھوں دور ہوئے وسواس غیر عورت ہے راہ نہ جاوے ایہ رکھ یاد نصیحت مت	روح اس دافرحت و بیج آوے اول اس داکر کے سیاہ رہے ہمیشہ عورت پاس چیزاں گرم نہ ہرگز کھاوے کرے زنا نہ ہرگز دت
--	---

شناسی مجرب نسخہ قوت باہ ✓

مڈھے تائیں کرے جوان ماسکہ قوت کرن زیاد ہوئے شامل نال تحقیق پاء مصری کٹ کے بیج پا موچرس ڈال یکس دید گوند کیکر بیج کر ہمراہ کٹ کے نال ملاؤ چھان پھکی ہس دی لے بنا ڈیڑھ تولہ کھائے وچ ڈال نال عقل دے سمجھ طیب رات پوسا رکھ پانی ڈال سیرگو کے دودھ وچ پا ڈیڑھ تولہ دارو وچ یادے کرد ہمیشہ استعمال	شناسی نسخہ کراں بیان گشتہ سونا رسیم فولاد مونا رسکہ قلعی عقیق ترے ترے مائے سب دوا موصلی یک چھٹانک سفید ستاور ثعلب موصلی سیاہ ترے ترے تولے دارد آن سبھے دارو جمع کرا بھیر پکاٹیکے مامندے نال کراں بیان اس دی ترکیب یک چھٹانکی ماٹاں دی دال نہرے دھو چھل دور کرا وانگوں بھیر جیدوں یک جاوے گھٹو چھٹانکی اس وچ ڈال
--	--

ایہ نسخہ مخفی اسرار کرے خزانوں دفع آزار

نسخہ مجربہ سرعت انزال

نسخہ ہور آزمودہ کار
سنگ جراثحت سرمہ سیاہ
سنگ یہود تے کتھ سفید
طباشیر الاچی بھنگ بریان
کباب چینی مابو گلنار
حمام دستے دے دج کوٹا
پا پکا مصری دج ڈال
چھ ماشے دا وزن مدام
بہت جے گرمی دج خزانے
شامل نال رکھو ادرا
کاہو خرفہ تخم خیار
گرم نہ کھاوے کوئی چیز

ہوئے بہت شفا بیمار
قلمی شورہ کہ ہمراہ
آٹا پھلی رگڑ دا دید
خشک بہروزہ میلو آن
کندر سب متقالاں چار
گھیو گوکے دج چرب کرا
کھاوے دودھ بکری دے نال
کھاے نت صبح تے شام
سوزش سرکن دج شانے
ہودے جلدی دفع آزار
بھکڑا کاسنی ایہ ادرا
ایہو رکھیں یاد تیز

نسخہ مجربہ سائیں بخش حکیم

ایہ نسخہ میرا آزمایا
کرے جے ایس نوں استعمال
سپاری چکنی تولے پیس
موصلی پھلکا ایسغول

صدری بصدری تریا آیا
دفع ہودے سرعت انزال
حمام دستے لوہے دج پیس
دو نویں پنج پنج تولے تول

الاجی خرد ستاور لیا داہڑی بوہڑ موصلی سیاہ دو دو تولے دانہ ست پنج سیر گوکا دودھ منگا سیر پکا گوکا گھی ڈال کھویا لال جدول ہو جا مصری سیر پکا دینج پت لڈو بندھ چھٹا کی تول ہک ہک لڈو جے نت کھاے	آٹا پھلی بکتر دا پا گوند بکتر پنج کر ہمراہ مٹک کا نور ماشے ترے گھت کڑا ہی گھت کھویہ پکوا کھویا کر اس دے دچ لال جلدی نال کڑا ہی لاه کھویا میل دوا سب گھت ہے ایہ نسخہ بڑا امول کرے قوت امساک دوا ہے
--	---

۷ نسخہ قوت باہ صدری

ہے ایہ نسخہ صدری آزمائشی جیکر ضعف قوت دینج آوے قوت شہوت ہووے مست ادھ سیر پکا مانہ دی دال گھوٹ ڈنڈے دینج آن دار چینی مغز نار جیل چارے مغز تے مغز بادام سیر ہک آب پیاز کڈھا گاہڑہ جدول ہو جاوے قوام دو ترے تولے فجر کھوا	بخشیا ہک فقیر شناسی منی خزانہ یوں خشک ہو جاے کر استعمال ہو جاے چست رات پوسا فجرے دھو ڈال ادھ سیر گھیو دینج کر بریان مغز پستہ چلغوزہ میل پنج پنج تولے وزن تمام سیر ہک ماکھیوں گھت پکا کٹ ملا دوا تمام گھیو دودھ پچھوں گھول ملا
---	--

تسے تولے سوتے وقت کھوا ہک چھٹانک شراب پلا

نسخہ قوت باہ صدری

جے قوت باہ دوج نقصان کریں جے اس نوں استعمال موصلی تولے پنج سفید ستاور ثعلب مغز بادام پستہ مغز ، مغز نارجل چار مغز لے کے دوج پیا موچرس موصلی ڈال سیاہ الچی دانہ نال پلا ماکھیوں گوکا گھیو شراب ڈال کڑا ہی دوج کر توام کر اس دا معجون تیار دزن اس دا ہے تولے دو

صدری نسخہ کراں بیان دیوے جسموں مرض نکال دار چینی پنج تولے وٹید شقاقل مغز چلغوزہ عام مغز اخروٹ ، فندق وچ میل ہر ہک قدر چھٹانک دوا گوند رگر دی کر ہمراہ دو دو تولے چار دوا تینوں ہک ہک سیر حساب کٹ ملاؤ دوا تمام کھائے دونوں وقت نہار کھٹی چیز نہ کھائے کو

نسخہ ماء اللحم دوا تشنہ

سبب ڈر یا غم یا دہمات دو آتشہ ماء اللحم پلا ماء اللحم عرق مشہود دو آتشہ عرق ایہہ دانگ کبیر

قوت باہ جے ہو دے مات تھوڑا جہا شراب پلا کرے ضعیف شہوت دافدہ درتن کل امیر کبیر

عرق مثل ایہ آب حیات
 کرن طیب اس نول مرغوب
 پنج تولے اس وزن اندازہ
 پنج سیر گوشت بکرا یا
 گوشت سیر مرغ دا ڈال
 دہ سیر اس درج پانی پا
 عرق کیوڑہ، عرق گلاب
 عرق سونف دا نال ملا
 بڑہ صندل شترخ سفید
 دار چینی تے پھل گلاب
 دونوں الاچیاں کالی چھڑ
 چوب چینی گٹ وچ گھت
 درڑہ کر کے سب دوا
 نخری سارے عرق ملا
 عرق دوا سب کرد اکٹھ
 نال سچ دے عرق نکال
 مٹھی مٹھی آگ جلا میں
 بہت شتابی مول نہ کر
 کرے کوئی اس نول استعمال

کردا صُغف قوت دامت
 قوت بخشے جگر قلوب
 پیندیاں سار ہوئے روح تازہ
 چرنی ساری دوز کرا
 تھوڑا گھیو گھت بھن کر لال
 چھ ست بوتل عرق کھینچا
 بید مشک درج میل شتاب
 ہر ہک ہووے سیر کا
 بنفشہ نیلوفر گھت وید
 گاؤ زبان درج میل شتاب
 دو دو تولے وزن قدر
 تول وزن وچ تولے ست
 اٹھ سیر پانی درج پوسا
 مڑ دوا دو آتشہ کھینچا
 عرق نکالو بوتل اٹھ
 دوترے دفعہ بھانڈی وچ ڈال
 یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں
 مت عرق کچھ جادے سڑ
 پیدا کرے شہوت فی الحال

کرے نہایت قوت باہ
 دیوے سستی صُغف و نجا

خارش خُصیہ

جیکر خارش خُصیاں وِج
 بلغم شور احتراق مواد
 سُریا مادہ بلغم شور
 سہاگہ آملہ سار کسبیس
 نیلا تھو تھا کر بریان
 دو ماشے وِج دہی ملا
 بعد دو ساعت استعمال
 پچھوں گل روغن گواء
 سبب جیکر صفرا دا ساڑ
 پھوڑے پُخسیاں ہون ظہور
 سرکن سوزش مارے ڈنگ
 نیکے خون یا پانی زرد
 مُردا سنگ کتھ پھل انار
 گل روغن سرکے وِج ملا
 جے سرکن دا بہت قصور
 پچھوں تخم کرفس جو شا
 سبب جے ہووے خون زیادہ
 ہووے کرے نہایت زنج
 خُصیاں دے وِج کرے فساد
 نیکے خارش دیوے زور
 ہرک چھ ماشے پیس
 ماشہ ہک ملاؤ آن
 خُصیاں اُتے کرو طلاء
 دھویں گرم پانی دے نال
 سرک تھوڑا جیہا ملا
 خُصیاں دے وِج کرے بگاڑ
 خُصیاں دے وِج کرن قنور
 خارش کرے نہایت تنگ
 بعد خارش دے ہووے درد
 ہندی وزن برابر چار
 خُصیاں اُتے کرو طلاء
 میل تھوڑا جیہا مُشک کاوڑ
 خُصیے اس دے نال دھوا
 رلیا نال سوداوی مادہ

نال قصہ کر خارج خون
 جیکر گندہ بہت زبُون

درم تخصیص

<p>مادہ سرد ہووے یا گرم کر کے چنگی طرح خیال سوزش سرکن درد زیادہ نال ملاؤ صندل بور تخصیصاں تے کر لپ شتاب تخصیصے اس سے نال دھوا مل سرکن ہو جادے دور ہووے گندہ بہت زبون پشت کمر تے جوکاں لا دیہ ملین اس نوں کو تخصیصاں دے دے کرے فاد دیوے اس نوں فاصط نال کمری کرے دکھ سب دفع کرڑہ بہت نہایت سخت گرم پانی دی کرد نطول ہووے جھبے دور فساد ردغن کھڑا ارڈہ ملا گھوٹ پانی دے گرم کرا کس لنگوٹ خوب بنھا</p>	<p>جے خضیاں دے ہووے درم کر معلوم علامتاں نال جے صفراوی ہووے مادہ کاسنی دھنیاں مُشک کاؤ گھوٹ کوندے گھت عرق گلا پینک پانی دے جوش غل ردغن گھت مُشک کاؤ سبب درم دا جیکر خون صافن باسلیق چھڑا جیکر قبض شکم وچ ہو جیکر کوئی سرد مواد اول تے پچھل اسہل جوارش کندر دیوے نفع جیکر ہووے درم کزخت اوکھا ہووے بہت رنجول مخلل اوپر کرد ضماد مالش ردغن گرم کرا بابونہ میتھی سوئے لیا تیل مٹھا گھت لپ کرا</p>
---	--

بیان فتن

فتن مؤذی ہک بُرا آزار
 بھارے نل ہوون جیوں دم
 پردہ شکم جو نام صفاق
 رودہ نکل اس راہ شکاف
 پانی ریح یا سخت مواد
 جیکر پانی خُصیاں وچ
 جھلکے خُصیاں دے وچ پانی
 خُصیاں وچ پانی بھر جاوے
 یا اُس دیوے داغ یا دیوے گل
 یا پانی نشتر نال نکال
 نال عقل دے نشتر لا
 ہر ہفتہ ہک کرو جلاب
 پوند کھڑا حرم زعفران
 سبکینج ، مصطکی ، گوگل پا
 ہک ہک تولہ سب دوا
 عرق سونف وچ جھنوں خُب
 گولیاں چارینج نت کھاوے
 قیل الماء نول دیوے نفع
 کندرا شق صبر مٹ لیا

ہندی وچہ آکھن نل بھار
 کرڑے سخت یا پوے نرم
 کسے سبب ہو جاوے چاق
 گرے نلاں دے وچ غلاف
 وچ نلاں دے کرے فساد
 اترے کرے نہایت ریح
 رقی استسقاء نشانی
 قیل الماء اوہ فتن سداوے
 نہیں دوا کوئی اس دے تل
 خُصیاں دی کرہت سمنہال
 خُصیے اوپر طرف جھڑا
 خُب ایارج نال شتاب
 تخم کرفس انیسول آن
 چھل ہریٹاں زرد ملا
 کٹ چھان سب جمع کرا
 چنے برابر گولیاں سب
 خُصیوں استسقا و نجاوے
 قیل الریح ہو جاوے دفع
 دندے کوڑے دے گھوٹا

یا
 فتن
 دیو
 را
 ہو
 دست
 کرف
 دار
 الاچ
 حمام
 کھاو
 ماء
 بہت
 زیری
 زرد
 کرڑہ
 نل
 قروا
 خشک
 مالش
 روغن

پانی تھوڑا جیہا ملا
 نفع ہے ہووے خاص ریاضی
 دیوے نفع نہایت زور
 دائم رہے نالوں وچ سول
 ہودن خُصیے پھل عظیم
 دستان ہک عجیب دوا
 کرفس انیسوں زیرہ سیاہ
 دارچینی مگ مریخ خونجاں
 الاچی دانہ نال ملا
 حمام دستے دے وچہ کوٹا
 کھاوے نت ہک دو متقال
 ماء الاصول دوا ہے نال
 بہت نہایت دیوے نفع
 زیری سیاہ اجوین سداب
 زردی بیضہ وچ ملا
 کرہ خشک، غلیظ مواد
 نل ہو جاوے بہت کرفت
 قرۃ العین اس دا نام
 خشک مواد ہے ہووے سرد
 مالش کرد ارزہ دا تیل
 روغن بیضہ کرو طلاء

پٹہ خُصیاں تے بنھوا
 خُصیاں تے وچ کرے تباہی
 ہووے خُصیاں وچ مروڑ
 اوکھا ہووے بہت رنجول
 قیل الریح اس کمن حکیم
 دیوے خُصیوں ریح اڑا
 پودنہ سُنڈھ کرو ہمراہ
 گل بابونہ میل سورنجاں
 دو دو تو لے سب دوا
 تگناں ماکھیوں نال ملا
 دیوے خُصیوں ریح نکال
 کرے جیکر نت استعمال
 بلغم باد کرے ریح دفع
 مصبر نال ملا شتاب
 خُصیاں اُتے پیپ کرا
 جے خُصیاں وچ کرے فساد
 کرڑے دانگ پتھرے سخت
 کہن حکیم طیب تمام
 شامل رہے ہمیشہ درد
 روغن نال بابونہ میل
 چربی مرغا نال ملا

بھار
 نرم
 چاق
 ملاف
 فساد
 زنج
 نشانی
 باوے
 تل
 منہاں
 جھڑا
 شتاب
 س آن
 د ملا
 جمع کرا
 سب
 بنجاوے
 دفع
 تھوڑا

<p> روغن گل یا روغن گرم بہت نلاں وچ جیکر سول ترے تولے کالے تل لے آ تیل مٹھا گھت گرم کرا اُتوں کس لنگوٹ بنھ جے خُصیاں ہے وچ غلاف نام اس دا قیل الامعاء سخت قسم ایہہ فتق شدید مشکل بگڑے جدوں مزاج مصطکی صبر کنڈر گلنار گھوٹ مکوٹے پانی وچ ہرگز حرکت کرے نہ کام رحمت کرے جیکر رب شافی پٹہ اوپر بہن شکاف جادے دکھ پُرانا ہو باہجھ کڑے کوئی نہیں علاج </p>	<p> ہو ر قیر و طی کرے جو نرم گرم پانی دی کرو نطول پانی گھت کونڈے گھٹوا پٹہ خُصیاں تے بنھوا استعمال کرو دو چن اُترے روده راہ شکاف طبّاں وچ آکھن حکماء بہت دیر تک رہے پلید شروع مرض دا کہاں علاج ماجو سبز پھٹکڑی ساڑ بنھوں کس لنگوٹ رھج ترے روز تک کرے آرام دو ترے پٹے ہوون کافی جتھوں روده نکلے صاف بہت مدت جے رہے کھلو بنھوں اُس نوں جیویں راج </p>
--	--

نسخہ نل بھار طفل

<p> خشک بہروزہ تولہ لیا کنڈر کتھ ہے ماجو بریان کٹ کے سبھے کرو باریک </p>	<p> ماشے ترے اینیم ملا ہر یک چھ چھ ماشے آن میدے وانگ ہو جاول ٹھیک </p>
--	--

لٹا
 آدا
 جے
 نال
 کالی
 تھو
 اُس
 جس
 جمن
 طبع
 کر
 جے
 سرد
 دار
 رنج

لٹ پانی نال پوسا آدل خُصیہ لے جڑھا	دارو چھڑک خُصیہ تے لا روغن بابونہ کلواء
---------------------------------------	--

نسخہ نل بھارا طفل

جے لڑکے دانل ودھ جائے نال درد دے ہوئے نہج کالی زیری لے منگوا تھوڑا جیہا مصبر میل اُس نوں پلٹس وانگ بنا	سببِ ع دے یا پھل جائے لگے بہت نلاں نوں کھج پانی گھت خوب گھوٹا اگ تے رکھ مٹھا گھت تیل خُصیاں تے پٹ بنھوا
--	---

بیان عسر الولادت

جس عورت نوں ہوئے عادت جمن وقت نہایت پیڑ طبع مزاج اس کر مطلوب کر کچھ مدت استعمال جے اس ہووے شکم کشیف سرد خشک اس بہت مزاج دار چینی چھ ماشے لیا دوچ منقے دارو سب	مشکل جنما وقت ولادت اوکھا ہووے بہت سریر تا حاصل ہووے مطلوب عادت دفع ہوئے فی الحال جمن وقت پہنچے تکلیف کر توں اس دا ایہ علاج چار چوہارے کٹ پلا چار حصے کر بنھوں صَب
--	---

چار دفعہ دن دوچ کھوا
گھیو دودھ گوکا کاہڑ پلا

گھیٹو دودھ گوکا کا ہڑ پلا
 بابونہ روغن میل تمام
 شکم پیڑو نوں تر کروا
 بچہ جنے آسانی نال
 ٹوٹکہ بیان کراں ہک ہور
 چھٹانک پُرانا گرہ ہمراہ
 چار چوہارے ہوون نال
 سونف ملا کٹ ماشے ست
 کل کے پُن کے صاف کرا
 آوے بچہ باہر وار
 دیوے سچا حمل نکال
 چھٹانکی گھیٹو گھت گرم کرا
 چار تولے ماکھیٹوں دج پا
 بچہ جنے آسانی نال
 دار چینی پنج ماشے پا
 زردی اس دج کر بریان
 عورت نوں دو وقت کھوا
 پانی تھوڑا جیہا ملا
 پیڑو اُتے یب کرا
 مشکل کرے آسان خدا
 گرم دودھ دج گھول پلا

چار دفعہ دن دج کھوا
 پُششہ روغن مغز بادام
 فرج نہانی دج ملا
 ایسے طرح کر استعمال
 جیکر تینوں ہوئے لوڑ
 لے تل ہک چھٹانکی سیاہ
 دار چینی ترے ماشے ڈال
 منقہ پندراں دانے گھت
 پانی دے دج گھت جوشا
 پیوے عورت اُکھ نہار
 ہفتہ کرے جے استعمال
 تازہ ادھ سیر دودھ منگا
 زردی بیضہ نال ملا
 پیوے عورت سرکیاں نال
 ہک بیضے دی زردی لیا
 ادھ پا پکا گھیٹو لے آن
 کھنڈ تھوڑی نال ملا
 اسی میتھی خوب گھوٹا
 تیل مٹھا گھت گرم کرا
 پیڑو جدوں گرم ہو جا
 چھٹانکی اہلتاس منگا

قدرے لے گھیر دج ڈال

بچہ جنے آسانی نال

بیان ادویہ ساقط حمل و جنین

وقت ولادت عورت تائیں
لے بہتیرے جھاڑ کلاوے
دج شکم دے ہوئے درد
کلبخی ٹالیوں میتھی لیا
نم گاجر دے لے دج گھت
کٹ پانی دج گھت ادبال
کل پن اس نول صاف کرا
دو ترے دفعہ کرا استعمال
کوڑی کھٹ تماں سداب
پیرو اُتے لیپ کرا
تھلی شورہ زیت نہار
پانی تازے نال لنگھاے
چھ ست ماشے خشک سداب
سقمونیا اصلی ماشے ترے
بر ہفتہ کر کے اس طور
کر شاف روں اس دج جھول
نم گدوں دا کرو بخور
جڑہ تے دی چھل گھوٹا

پنچے تنگی مارے ڈھائیں
ہرگز بچہ باہر نہ آوے
ہتھ پیر ہو جاوون سرد
سونف اجوین کرفس ملا
ترے ترے ماشے دارو ست
پورا نہ پنچ تو لے ڈال
عورت تائیں ترے پلاء
بچہ باہر آوے فی الحال
گھوٹ پلاء دج شہد شتاب
بچہ مردہ کرے جدا
چھ ست ماشے دا مقدار
کچا پکا حمل گراوے
گھوٹ پانی دے دج شتاب
اس پانی دج حل کرے
پیوے حمل گرے فی القو
مونہ رحم دا دیوے کھول
حمل شکم تھیں ہووے دور
پانی اُس دا صاف کرا

<p>مصبّر تھوڑا جیہا ملا یا پشیم نوں کر کے تر زندہ مردہ پچا کچا اٹ سٹ دی جڑھ لے گھوٹا شافہ کر نمک دج کھور دھونی آدمیاں لے وال پودنہ پانی وچ گھوٹا شافہ کر شورہ دج گھت ہک ہفتہ ایہ عمل کما لے</p>	<p>رؤں آلودہ فرج رکھا موت نہ رحم دے اگے دھر کرے شکم بھین خارج پچہ تھوڑا جیہا مصبر یا پچہ گرے شکم نوں چھوڑ دیوے پچہ ثرت نکال ترے ماشے دا وزن ملا دیوے رن حمل نوں سٹ کچا حمل باہر جھب آدے</p>
---	---

بیان استقاط حمل

<p>جس عورت نوں آدے حیض جاری خون ہو جائے عام ہو جاوے اس عادت دلم دو بجے تریجے چوتھے ماہ گرم مواد جد دیوے زور زہریلا مادہ مارے ڈنگ شامل تاپ چڑھے جے نال اول اُس نوں کر تبرید سرد نقوع پلایا کر گوند کتیرا رات پوسا</p>	<p>اندر حمل نہ دیوے فیض خارج حمل ہو جائے خام رہے نہ حمل شکم دج قائم ہو دے کچا حمل تباہ ہو دے اندر رحم مردہ ہو دے عورت ڈاہڈی تنگ عورت بہت ہو دے بد حال ظاہر باطن نال تاکید دھنیاں عطمی نیلو فر فجر پلا دودھ بکری پا</p>
--	--

دھنیاں بھکھڑا خوب گھوٹا شیرہ کوڑے گھوٹ نال بہیدانہ ریشہ خطمی لیا ایسبغول دا کڈھ لعاب کر شافہ اُس دیوے فیض ماجو کتھ گلنار کافور دھنیے دے پانی دچہ گھول حب آلاس ماجو گلنار کاسنی دھنیاں صندل پورہ ترے مائے مشک کافور ملا	کاہو خرفہ نال ملا پیوے عورت مصری ڈال مصری ڈال لعاب پلا مصری ڈال پلاؤ شتاب فوراً بند ہو جائے حیض دو دو ماشے پیس ضرورہ کر شافہ ایہ بڑا امول سفید پھٹکڑی چھل انار ہرک چھ ماشے پورہ شکم پیڑو تے لیپ کرا
---	--

احتباس طمث

گھٹ یا بالکل بند ہو جائے احتباس مرض دا نام ضعف یا غلظت خشک یا آب سُدہ ورم قروح یا پھٹ کر توں اُس نوں خوب یح جھب دے اس دی کراصلیج عادت وقت نہایت درد پیڑو تے مالش کردا استعمال حکیم یونان	جس عورت نوں حیض نہ آئے جے ہو جاوے بند تمام کر معلوم اُس دا اسباب یا اس خون بدن وچ گھٹ یا کج باد یا بلغم رتج جیکر ہوس سبب ریاہ دائم رہے مٹانہ سرد روغن کٹھ دا آپ ہٹا محرّب نسخہ کراں بیان
--	--

سونف تخم خربوزہ لیا
 اجوین کرفس پودنہ لے
 کٹ جو شانده کر کے تیار
 نسخہ کراں بیان ہک ہور
 دار چینی مگ مرغ سیاہ
 خونجاں زیرہ کالا ڈال
 کالی چھڑ بابونہ گل
 ترے پاپکا شہد منگا
 فخرے نت چھ ماشے چٹ
 جو شانده جیکر پھلاناں
 محرب نسخہ بہت لاثانی
 کریں جے ایسنوں استعمال
 پودنہ آہو بیر سداب
 ترے ترے ماشے دارد آن
 وزن چھ ماشے کھائے تول
 لے تل ہک چھٹانک سیاہ
 پورا نہ گڑ پنچ تولے ڈال
 کاہڑ جو شانده کر کے تیار
 دار چینی ترے ماشے کھول
 گوگل دا جے کرے بخور
 تخم خربوزہ میتھی لے
 ہک ہک تول وزن تول
 ترے ترے ماشے دارد آن
 پیوے ماکھیوں ڈال نہار
 رتخ مشانیوں دیوے تول
 سندھ سداب کر دہراہ
 الاچی دانہ بھی گھت نال
 دو دو تولے دارد کل
 کٹ تمام معجون بنا
 جڑاں رتخ دیاں سے پٹ
 پیوے فائدہ کرے کمال
 نکھیا اندر طب یونانی
 کھولے حیض بند ست سال
 بول مویر منقہ ڈال
 کٹ باریک کپڑے دیچ چھان
 دیوے جھب حیض نول کھول
 منقہ پنچ تولے ہمراہ
 پنچ چوارے ہوون نال
 پیوے ماکھیوں ڈال نہار
 دیوے بند حیض نول کھول
 رہے نہ بندن حیض قصور
 سونف ہر ہک ماشے ترے

پود
 دار
 پور
 دو
 پنہ
 پورا
 چھ
 پیو
 مغز
 ہک
 دو
 جے
 جے
 چھٹا

حدود
 غلبہ پا
 لاغریہ
 بہت
 ایہ

درمان

دودہ زیرہ پے سفید
 دار چینی تے تخم خیار
 پورا نہ گڑ گھت تولے چار
 دو ہفتے کر استعمال
 پنہ داندہ تولے ترے
 پورا نہ گڑ گھت تولے چار
 چھ ماشے ثابت اجوین
 پیوے نال جوشاندہ کاہڑ
 مغز پنہ دانے لے آ
 یک یک تولے دامقدار
 دو ترے ماشے وزن قدر
 جے گھٹ بدن چھوے خون
 جے خشکی دا ہودے زور
 چھٹا نکی مکھن فجر کھوا

کرس اجوین دامیسل کر دید
 ہر یک ترے ماشے مقدار
 پیوے کاہڑ ایہہ نت نہار
 کھولے حیض بند فی الحال
 کٹ جوشا پانی دھالے
 پیوے عورت نت نہار
 جے کھاوے عورت دن لین
 بند حیض ہووے ادراہ
 تخم خربوزہ کٹ رلا
 پلا پکھوں پانی وچ کاہڑ
 قلمی شوره داخل کر
 کھوا خبث الحدید معجون
 نال طراوت خشکی توڑ
 گھیو دودھ اس نول شام پلا

بیان کثرت طمث

جمدوں دافر حیض جے آوے
 غلبہ پاوے جمدوں آزار
 لاغر بہت جسم ہو جاوے
 بہت دیر جے رہے آزار
 ایہہ ہے موذی مرض خراب

کثرت طمث ادہ مرض سدائے
 چلے خون اس مثل تشار
 خون دیکھ عورت گھبراے
 کرے طبیعت بہت خوار
 دارو اس دا کردشتاب

تولہ
 دوتہ
 نہار
 توڑ
 ہمار
 نال
 کل
 بنا
 پٹ
 کمال
 یونانی
 ت سال
 ڈال
 ج چھان
 دن کھول
 ہمار
 نال
 ال نہار
 دن کھول
 من قصور
 شے تینے

سبب ہے ہودے غونی مادہ
اول باسلیق چھڑا
پچھوں شربت سرد نقوع
بفشہ شربت نیلوفر
سرد نقوع شربت عناب
جے صفرا کر جائے زور
ہر حیلے اس کر تبرید
بکری دا دودھ نت پلا
پا پڑا دھنیاں نیلوفر
کر کے پانی دوج نقوع
شربت نال پلاؤ عناب
شیاف دساں ہک مثل کند
سفید سماگ پھٹکڑی ساڑ
کندر کتھ مابجہ بریان
کٹ دوا سب جمع کرا
پوست پانی کر کے صاف
رکھ رعم دوج بنھ شیاف
پا پڑا سنیاں نیلوفر
جیکہ مرض پُرانی ہو
مجرب نسخہ آکھ سناواں
ہے میرا آزمودہ کار

ہووے گندہ خون زیادہ
 خون گندہ سب دور کر
 مصفا خون کراؤ شروع
 نت اٹھ فخر پلایا کر
 کرن صاف سب خون خراب
 دیوے طرف رحم دے نہ
 شربت شیرہ سرد مفید
 نال کتیرا گوند رلاء
 آلو انبلی شامل کر
 رکھ ترے ہفتے اس نوں شروع
 جاوے موزی مرض خراب
 کرے شتاب حیض نوں بند
 سرمہ کالا پھل انار
 ہر یک ترے ترے ماشے آن
 پوست ڈوڈے چار جو ثنا
 سٹولاں اس وچ بنھ سفیان
 کرے قصور خداوند معاف
 نقوع کر نت پلایا کر
 رہے جسم دے وچ کھلو
 لکھیا طبیاں وچ حکماواں
 ہوئے بہت شفا بیمار

نشاستہ لکڑی گوند کثیرا
 بنلوچن مصطکی بریان
 خشک بہروزہ مائیں رال
 سنگ جراح دھالیاں بے پھل
 کیسر خشک کافور افیم
 گھوٹ لعاب بہیدانہ ڈال
 ہک ہک قرص دو وقت کھوا
 دساں شربت دی ترکیب
 کاسنی دھنیاں نیلو فر
 حب آلاس لکڑی انجبار
 کٹ پوسا پانی وچہ ڈال
 نل کے پین کے صاف کرا
 شربت دانگ پکاڈ قوام
 جے شربت پوست خشخاس
 ہر ہفتہ کروا تلمشیں
 دانہ ہک مابو دا لے
 پھشکڑی پھل ماشہ وچ پاء
 پانی ہک تولہ مقدار
 کر شاد سرمہ نال آلود
 ہور ہک شادہ عجب دوا
 پھشکڑی چھ ماشہ سڑوا

کلنار مغز کلکھڑی کھیرا
 جفت بلوط سواہ سرطان
 سپاری کتھ موجرس ڈال
 خسرو ہر ہک تولہ نکل
 ماشہ ماشہ ڈال حکیم
 قرص بنا ہک ہک مشقال
 پچھوں شربت ایسہ پلا
 کر ہمراہ اس نال طبیب
 بورہ صندل شامل کر
 ہر ہک چار تولے مقدار
 فخرے دیگی وچ اوبال
 سیر پکا معری وچ پا
 شامل رکھ صبح لے شام
 پیوے رہے نہ حیض خناس
 دو ترے واری نال یقین
 پھل اناراں ماشہ ترے
 کٹ پانی لے وچ جوشا
 رہے جدول اس ہیٹھ اوتار
 زخم زخم دا کرے نابود
 دیوے حیض دا زخم اٹھا
 پھل انار چھ ماشہ پاء

چھ ماشے کتھ ملاؤ آن
 رتی چار کافور حکیم
 کر کے کھل باریک کرا
 بنھ اس دے دھج اٹھ شیان
 کر شافہ روں اس دھج بوڑ
 مڑ کے حیض نہ شکل دکھاے
 ساری عمر نہ آوے حیض
 بکری دا دودھ شام پلا
 دیوے بختے دھج مروڑ
 ایہو رکھیں یاد تمیز
 پھل انار ماجو دھج ڈال
 پیہہ کے خوب باریک کرا
 ڈوڈے پوست نال ملا
 آبدست اس رت کرا
 ہووے جلدی دفع فساد
 یک یک رتی قدر حکیم
 ترے چھٹانک پانی دھج ڈال
 ہر ہفتے دھج یک دو داری
 تجربہ ساتیں بخش فقیر
 آسا پھلی رکنر دا دیند
 گوند رکنر تچ کر ہمراہ

چھ ماشے دارد بریان
 چار رتی دھج ڈال انیم
 سبے دارد جمع کرا
 مہندی دا پانی کر صاف
 دھنیے دے پانی دھج کھور
 عورت ایہہ شیان کماوے
 بہت نہایت دیوے فیض
 مکھن گوکا رت کھوا
 مت خشکی کر جاوے زور
 گرم خشک کوئی دیہہ نہ چیز
 پھٹکڑی پھل مائیں نپال
 وزن برابر سب دوا
 دھج پانی دھج جوش
 کپڑے دھج گھت صاف کرا
 جے پیڈ دتے کریں ضماد
 کیس پھٹکڑی میل انیم
 ترے ماشے پیہہ گھت نپال
 کرے عورت اس دی بکھاری
 ایہہ بھی ہے نسخہ اکسیر
 پھل دھاوا تے کتھ سفید
 حب آلاس تے سرمہ سیاہ

پھل انار تے صندل بُو رہ کھربا گل ارمی تے نسیال کٹ پھان کے سب دوا گھیٹو گو کے دج چرب کرا چھ ست ماشے نت پھکا کاہو خرفہ کاسنی لے گورکھ پان بوٹی نت پیوے پت نم برہم ڈنڈی لے آ آلو بخارا دانے ست شیرہ دھنیاں گھوٹ پلا انار دانہ آملہ لے آ رات پانی دج کرو نقوع انہلی پانی دج کر تر گوکی نستی بہت پلا	ہر ایک دو دو تولے پورہ ہر ایک تولے دج ڈال پھلی اُس دی لے بت مصری تھوڑی جیسی ملا اُتوں گوکا دودھ پلا گھوٹ پلا ایہ داند ترے حیض اس بند شتانی تھیوے دھنیاں گھت کے گھوٹ پلا نقوع نت پیوے مصری گھت کاہو خرفہ نال ملا زرشک سماق ایہ چار دوا فجرے نت رکھو اس شروع مصری ڈال پلایا کر طباشیر کچھ نال ملا
--	--

بیان عقر عقیمہ

جیکر بچہ جنے نہ رنڈ عقر عقیمہ آکھن نام دج رحم سے پوے فساد عقر مرض وے بہت اسباب طبع موافق کرو علاج	کس ہندی دج اُس نوں سنڈ طباں دج حکیم تمام پیدا ہودے نہ اولاد آون ناپیں دج حساب چنگی طرح پچھان مزاج
---	---

مارے جوش یا دموی مادہ	دفع قوت کرے زیادہ
قوت ماسکہ ہووے سست	کرے نہ اپنا فعل درست
ہووے نطفہ جلد فرار	اندر رحم نہ پھڑکے قرار
یا اس ہووے بندش حیض	یا آوے حدوں باہر بے فیض
یا مادہ صفرا دا ساڑ	کرے رحم دے وچ بگاڑ
یا سودا احتراقی سخت	کرے رحم دا جسم ک سخت
یا کوئی ریح یا بلغم باد	پاوے اندر رحم فساد
یا اس خون جسم وچہ گھٹ	موہکے قرعہ ورم یا پھٹ
یا کوئی موزی مرض آفات	کرے قوت رحم دی مات
درج رحم دے گرے مواد	سبب اوس ہووے بے اولاد
چنگی طرح پچھان مزاج	طبع موافق کرو علاج
مارے جوش جے خون زیادہ	فصد نال کر خارج مادہ
یا سلیق دا فصد کرا	صافن گٹھیوں ناڑ چھڑا
جیکر بلغم دیوے زور	حب ایارج نال پخوڑ
دے کے دو تڑے چار جلاب	بلغم خارج کرو شتاب
سبب جیکر غالب صفرا	دیویں ٹھنڈی سرد دوا
جیکر خشکی کرے مغلوب	گھٹو دودھ نال کر مرطوب
مکھن تازہ رنت کھوا	گوکا دودھ مصری وچہ پا
ہر ہفتہ دے کے تلین	مادہ خارج کرو لعین
جیکر گھٹ بدن وچہ خون	کھوا خبث الحدید معجون
سبب جے ہووے حیض زیادہ	دفع کرو جو موزی مادہ

ج
م
ا
ع
خا
ور
بع
اوا
جے
نسخہ
عق
خالص
پشم
جاو
حمل
طبع
ک
بدرہ

سبب ہے ہودے حیض زیادہ
 نمک شاذ فائدہ مند
 سبب قروح درم یا پھٹ
 جس سبب ہے ہودون مرض
 مطلق اس دا کہاں علاج
 اول اس نوں مسہل کر
 عقرقرحا دارچینی لیا
 خالص کیسر اصل افیم
 وچ منقے حب بنا
 بعد حیض ہک ہفتہ کھاوے
 اول ہر ماہ کرے جلاب
 بے عورت دا سرد مزاج
 نسخہ کراں بیان مجرب
 عقرقرحا دارچینی چھڑ
 خالص وچ شراب گھوٹا
 پشم یا پنبہ رول تر کر
 جاوے عورت خاوند پاس
 حمل اس حکم خدا دے نال
 طبع موافق کرو جلاب
 ہک سال کر استعمال
 پورہ ہمتی دند منگا

دفع کرو جو موزی مادہ
 کرے جو جھب خون نوں بند
 کرو معالجہ اس دا جھٹ
 کرنا دارو اس دا فرض
 کر فاسد مادیوں صاف مزاج
 بعد حیض دے ذرہ نہ ڈر
 بھنگ لونگ جعفری وچ پا
 ترے ترے ماشے ڈال حکیم
 برابر دانہ مرچ سیاہ
 حکم خدا تھیں حمل ہو جائے
 مٹ کھلے ہک ہک حب شتاب
 اس دا ہے ایہ خوب علاج
 کیتا بہتی دفعہ مجرب
 ہک ہک ماشہ وزن قدر
 کپڑے دے وچ صاف کرا
 منہ رجم دے آگے دھر
 ہک ہفتہ کر بے وسواس
 ہودے کرے بے استعمال
 بعد فراغت حیض شتاب
 ہودے سنڈ حمل دے نال
 ہک چھٹانکی وزن تولا

الذی

گھوٹ زیرہ وچ میل سفید
 مصری گٹ چھٹانک ملا
 ہر ماہ اندر ہک جلاب
 بعد جلابوں ایہ دوا
 مٹ دو ہفتے دیوے چھوڑ
 کر اں بیان شافے دا عمل
 کر توں بعد فراغت حیض
 پھل دھاواتے پھل امار
 پھل کڑی پھل ترے ماشہ ڈال
 ہک ماشہ وچ میل انیم
 ترے ماشے وچ گھول شراب
 ہک ہفتے تک شافہ کر
 بعد حیض ہک ہفتے تیک
 جس عورت دا گرم مزاج
 اس طرح علاج کرو ہک سال
 بہت بدن وچ خون زیادہ
 اول اُس دا فصد کرا
 مازو زیرہ لے سفید
 عقر قرقا دار چینی لیا
 ترے ماشے دا وزن قدر
 بعد حیض ہک ہفتہ تیک

ہووے وزن چھٹانکی دید
 چھ ماشے دودھ نال پھکا
 بعد فراغت کرو شتاب
 بعد اں روزاں تیک کھا
 بعد دو ہفتے کھاے ہو
 فضل خدا تھیں ہوئے حمل
 بہت شتاب پہنچا دے فیض
 چھ ماشے دا مقدار
 ہک دانہ مابھوگت نال
 کر بار یک تمام حکیم
 عورت شافہ کرے شتاب
 جاوے عورت خاوند گھر
 استعمال کراویں ٹھیک
 اس واسے ایہ ٹھیک علاج
 ہووے سندھ حمل قے نال
 ہووے گندہ دموی مادہ
 صافن باسلیق چھوڑا
 کالی زیری میل وید
 برابر وزن بار یک کرا
 دارو وچ شراب کر تر
 شانہ اوس کراویں ٹھیک

مر

رحم

سبب

صفر

یا کو

سبب

جو ہو

جے

بعد

منقہ

نسخہ

کیسر

سندھ

زردی

کرو

شدت

دودھ

اجرائی

در کجھ مدت استعمال فضل کرے رب ذوالجلال

درد رحم

<p>مادہ گرم ہووے یا سرد وجہ رحم سے ہووے پیڑ وجہ رحم دے کرے فساد وجہ رحم دیوے تصدیق یا حقدوں باہر چٹے فیض کرے نعالجہ اس دا حجب آوے رحم نون سخت مروڑ ہووے سخت نہایت درد پیوے شہد تھوڑا جیہا یا درد رحم دا رہے نہ آسم دو دو ماشے وزن حکیم تیس تیس ماشے دھپا درد رحم تے کرو طلا جلدی درد ہو جائے دور لے ادھ رتی قند ایم ہووے جلد خفیف بیماری پوست پانی گھٹ گھوٹا دیوے جلدی درد و نجا</p>	<p>رحم اندر جے ہووے درد سبب درد یا زخم گھنیر صفرا خون یا خشک مواد یا کوئی باد یا بطن ریح سبب جے ہووے بندش فیض جو ہووے معلوم سبب جے وقت ولادت لگے زور بعد ولادت جیکر درد منقہ پودنہ سولف جوشا نسخہ کراں بیان طلسم کیسر بنہ رافعہ ایم سندھ مصبر مالوں لیا زردی بیضہ وجہ طلا کرو طلا بروقت ضرور شدت درد جے کرے ایم دودھ وجہ گھول پکا اجرائی خراساں منگوا درد رحم تے کرو طلا</p>
--	--

<p> چوتھائی رقی قدر افیم نت کھوا صبح تے شام ناشتہ ترے تو لے بریان تو لے دو میٹھی کٹ پا جد دونوں ہو جاوے لال علوا کر کے اس دا طیار سبب جے ہووے دد ریاچ پودنہ زیرہ سونف منگا ترے ترے لہفتے دا دسب کاہڑ جو شانہ مشہد ملا ہرمل لالوں سنڈھ لیا گھوٹ پانی دج گرم کرا سبب رتج یا بلغم سرد دو ترے روزا یہ لپ کرا سبب درد جے ورم کرخ محمل اوپر کرو ضماد گل بالونہ بیٹھی آن گھوٹ پانی دج گرم کرا جے ورم کر جاسے ریم سبب جے ہووے بندھ جیض پودنہ آجو بیر سداب </p>	<p> منقہ دج کھوا حکیم آوے اُسے وقت آرام چار تو لے گھبو دج کر آن دونوں کڑھی نال ہلا چھٹا نکی کھنڈ شربت کر ڈال کھاوے عورت نت نہار جھبڈے کر اس دی اصلاح منقہ دار چینی لگ پا کٹ جوشا پانی دج سب پیوے نت رہے نہ کا جوین مصبر گوگل پا درد ریح تے لپ کرا ہووے اندر رحم جے درد دیوے رتج دا درد آڑا ہووے بہت نہایت سخت ہووے جلد تحلیل مواد سوئے زیری سیاہ کتان تیل مٹھا گھت لپ کرا داد اس جا کرد حکیم ایہ شاذ اُس دیوے فیض بول منقہ میل شتاب </p>
--	--

تنہ
 کھوٹا
 کچھ
 پوست
 کٹ
 پودانہ
 گوگل
 اقیس
 شدت
 ہووے
 بالوں
 پانی
 دوسرا
 درد
 ج
 شکر
 گل
 رو
 نقشہ
 تازہ
 سبب

کٹ کے کرتوں کیڑ چھان
 شافہ حیض دیوے جھب کھول
 کھولے حیض بندست سال
 دار چینی گھت ماشے ترے
 دیچی دے وچ گھت اوبال
 دیوے اوسے وقت آرام
 فوراً درد ہو جاوے دور
 درد رحم جائے فی الحال
 ہووے بہت نہایت سرد
 ہووے سرد مزاج تحقیق
 افیم دو ماشے نال طلا
 درد رتج تے کرو طلا
 رہے نہ ہرگز ذرہ قصور
 یا اس آدنے حیض زیادہ
 سرد یسپ کر استعمال
 شربت شیرہ سرد طلا
 شکم پیڈ تے ماش کر
 بت دھاڑے مصری پا
 جوکاں لا خارج کر مادہ

ترے ترے ماشے دارد آن
 تھوڑا جیہا پانی وچ گھول
 کچھ مدت کر استعمال
 پوست دا ایک ڈوڈہ لے
 کٹ سونف توالہ یک ڈال
 پو بانہ گڑ پیوے گھت عام
 گوگل بھنگ گھت کرو بخور
 اقیموں پانی وچ جوشا
 شدت سختی کرے جے درد
 ہووے ڈونگا درد غمیق
 بالوں رائی سندھ ایلوا
 پانی دے وچ خوب گھوٹا
 فوراً درد ہو جاوے دور
 درد جیکر صفراوی مادہ
 شرکن سوزش ہووے نال
 گل روغن ماش کردا
 بنفشہ روغن نیلو فر
 تازہ گوکا دودھ طلا
 سبب جے ہووے دموی مادہ

سبب سودا جے مادہ سخت
 ہووے پتھر دانگ کرخت

بیم
 ام
 آن
 پلا
 ڈال
 مار
 صلاح
 پا
 سب
 کا
 پا
 کرا
 درد
 آڑا
 سخت
 مواد
 ستان
 کرا
 حکیم
 فیض
 سب

بہت نہایت ہووے سرد سخت رحم دہج ہووے درد

روغن مجربہ درد بلغمی

جاوے مرض پُرانی ہو
مغرب روغن کراں بیان
ماہل کنگنی زیری سیاہ
چراستہ دانے ہرمل لے
لونگ جعفر سُنڈھ ہالوں لیا
آٹا کچلہ ترے اجوین
گٹ تمام پانی رکھ ڈال
تھوڑا پانی رہے تال لاه
ادھ سیر پکا مٹھا تیل
مٹھی مٹھی آگ جلد
جد سارا پانی جل جائے
کر کے صاف بوتل بیج ڈال
گنڈھیا سرد لقوقہ ادھر تک
گزانہ تمدد کرے ظہیر
ہووے سخت لک دج درد
مل اس نال ہتھاندے جس
ایہ روغن اسرار طلسم
ہووے جس دا سرو مزاج

فائدہ کرے نہ دارد کو
رہے نہ درد دا نام نشان
کوڑی کھل کرد ہمارا
ہر یک ہوون تو لے ترے
عقر قرعہ دار چینی پا
ہر یک یک توڑ بین
ترے دن پچھوں جوش ابال
مل کے پن کے صاف کرا
گھت کڑا ہی لے دج میل
پانی سارا دور کرا
باقی اصلی تیل رہ جاوے
دقت حاجت کر استعمال
پیڑاں درد کرن جس تنگ
آکر جادے سب سریر
ہووے بہت نہایت سرد
چھوڑ بدن دکھ جادے نس
دور کرے درد ہر قسم
اس دا ہے ایہ خاص علاج

رقم
بہت
گرم

بعد
بدل
مغرب
پنج
سیر
سورنجا
گٹ
تو لے

شنگرف
جعفر
کک
خالص
بار
کک

اس دی جلدی کر اصلاح کر مالش دکھ ہووے دفع سخت جے ہووے درد بخول	رجم مٹانے وچ ریاح بہت شتاب پہنچائے نفع گرم پانی دی کرو نطول
---	---

نسخہ درد پر سوتک

ہووے اوکھا بہت سریر ہووے بہت نہایت تنگ دیوے سوتک درد و نجا کھویہ اس دا سے بنا کر کھنڈ سیر بلاؤ آن دس دس توے دانہ ترے کھویا دے وچ جلد بلا دیوے سوتک وافر و نجا	بعد ولادت جیکر پیڑ بدل چاوے عورت دارنگ مجرّب کراں بیسان دوا پنج سیر پکا دودھ منگا سیر پکا گھیو وچ بریان سورنجاں دار چینی سنڈھلے گٹ چھان کے تہے دوا توے پنج درد وقت کھوا
--	--

نسخہ درد رجم پر سوتک

دار چینی مرچاں تک پا سورنجاں ترچیاں شامل نال گٹ چھان سب جمع کرا ترے تہے ماشے میل حکیم وچ منقہ حب بنا جلد شفا کرے اس رب	شندف عقرقر سنڈھلے جھنڈا لوٹکے کے بیج ڈال ہک ہک تولہ سب دوا خالص کیسر اصل افیم برابر دانہ مرچ سیاہ ہک ہک دودھ کھائے جب
---	--

وے درد

دارو کو

م نشان

ہمراہ

لے تہے

پا

نورین

جوش ابال

اف کرا

وچ میل

ر کرا

ہ جادے

استعمال

س تنگ

ب سریر

مہایت سرد

وے نس

قسم

خاص علاج

جوشاندہ دارچینی دے نال
گرم روغن کوئی مالش کر
ماکھوں دو تولے وچہ ڈال
کھٹ دا تیل بناٹیکے گھر

بیان ورم رحم

پیدا رحم اندر جے ورم
اکثر تاپ ہووے اس نال
ضرباں چیکاں مارن ڈنگ
وچہ رحم دے درد نہایت
نال علامت کریں پکھان
جیکر خونی ہووے ورم
سرخی چہرہ رنگ زبان
گاہرہ سرخ قارورہ لال
صافن رگ دا فصد کرا
جے مؤذی صفرا دا ساڑ
زہر دار صفراوی مادہ
زردی چہرہ رنگ زبان
تاپ چڑھے شدت دے نال
اول اس نول کر تبرید
گھوٹے دے دیویں تلین
پکھوں اس نول دیہہ ادبار
سڑکن جیکر رحم دے وچہ

ہووے مادہ سرد یا گرم
روگی بہت ہووے بدعال
ہووے عورت ڈاٹری تنگ
کرے قبض دی بہت شکایت
ورم مؤذی دا کل نشان
مادہ تیز نہایت گرم
ذائقہ مٹھا رہے دمان
شامل تاپ ہووے اس نال
ورم ظاہر تے جوکاں لا
اکرے رحم دے وچہ بگاڑ
سڑکن تلخی کرے زیادہ
کوڑا رہے سواد دمان
درداں ضرباں کرن پھان
ظاہر باطن نال تیز
دو ترے واری نال یقین
خرفہ کاسنی تخم خیار
کرے طبیعت عورت زچہ

مش
دھ
جوا
سب
رد
جیکر
چڑ
محل
میٹ
جیکر
حب
کرض
ہر
کڑ
گول

رحم و
سوزش
نل وچہ

مشک کافور تے عرق گلاب
 دھنیاں کاسنی صندل بور
 جواں دا آملہ پیلک پا
 سب سودا جے دریم کرخت
 روغن گرم کرو تعمیل
 جیکر رتخ یا بلغم باد
 چڑھے نسخ رحم دے وج
 محلل اوپر کرو ضماد
 میٹھی اسی کٹ او بال
 جیکر تپ نہ ہوئے نال
 حب ایارج دا جلاب
 یک دو دفع جینے وج
 کرفس انیسوں سونف لیا
 ہر یک چار ماشے مقدار
 کپڑے وج گھت صاف کرا
 گوگل دا جے کرین بخور

سیل طہارت کرد شتاب
 پھل گلاب تے مشک کافور
 گھوٹ پانی وج لیپ کرا
 ہووے بہت نہایت سخت
 ہووے موزی درم تحلیل
 کرے رحم دے وج فساد
 درد کرے تے لگے کھچ
 ہووے جھب تحلیل مواد
 داخل کرے پکاری نال
 ہووے سرد مزاج کمال
 دو تیرے واری کرد شتاب
 کر بلغم بدنوں لے کھچ
 پود نہ دار چینی وج پا
 کٹ کے دیچی دے وج کاہڑ
 ماکھیوں ڈال ہر روز پلا
 ہووے رتخ رحم بھین دور

قرحہ رحم

رحم وچوں آوے جس ریم
 سوزش سرکن وچ پیشاب
 بدل وچوں آوے بدبو
 قرحہ رحم اس کن حکیم
 درد نہایت کرے خراب
 بہتہ دیر دکھ رہے کھلو

ل
تھر

گرم

حال

لگ

ہایت

شان

گرم

دخان

س نال

س لا

بگاڑ

زیادہ

دخان

بیجان

تیز

نال نقین

خیار

بت زچ

قرحہ رحمہ تے قرحہ مشیانہ
 دوہاں بیماریاں دا ہک قسم
 نسخہ کریاں بیان عجیب
 کندر کتھ مابو گلزار
 طباشیر الاچی لے سفید
 سنگ جراح نشاستہ رال
 پھٹکڑی ساڑ سہاگر پھل
 روغن صندل تولے ست
 چھ سات مانے رنت پھکا
 بھکھڑا کا سنی تخم خیار
 تازہ گوکا دودھ پلا
 دھال ہور عجیب پیکاری
 یا ہک پانی گرم کرا
 گوشت خورہ گھت انتقال
 جیکر قبض شکم وچ ہو
 گل روغن پیکاری نال
 جدول قرحہ ہو جاوے صاف
 خشک بیروزہ بھسکتہ رال
 ایہ بھی ہے شافہ آزمودہ
 دردجے ہووے شدت نال
 کیس ایہ پھٹکڑی گلزار

علاج علامت ورنج یگانہ
 فرق بموجب عفرہ در اسم
 بہت دفعہ ہو یا تجریب
 کتاب چینی لے مغز خیار
 رگدہ گوند ملٹھی وید
 آٹا پھل رگدہ دا ڈال
 ہک ہک تولہ دارو کل
 دارو کٹ چھان وچ گھت
 کا ہو خرفہ گھوٹ پلا
 شامل نال کردہ ادمار
 دو تولے وچ شہد ملا
 زخموں ریم نکالے ساری
 دو تولے وچ شہد ملا
 کر پیکاری استعمال
 دیہہ ملین اس تول کو
 دونوں وقت کر استعمال
 کرے قصود خداوند معاف
 کر شافہ چربی گان لے نال
 قرحہ رحمہ دا کرے نابود
 ایہ پیکاری کر استعمال
 ہک ہک رتی دارو چار

پا
 نا
 رس
 تن
 کر
 بی

سو
 پود
 کھڑ
 ماکھی
 عرق
 کر فسر
 خوب
 روغن

ورج
 بھکھڑا
 وھنیا

پانی گرم کرا نال عقل دے کر پچکاری رسوت تر پھل چھل انار ترے ترے ماشے سب دوا کر پچکاری استعمال بیکر ہووے ہووے طلب	پیشہ کے اس دے دے دے اس دے مثل نہیں کوئی کاری کتھ سفید پھنگڑی ساڑ پا پانی گھت تر کردا ہو دے دفع قرح ست سال قرح مٹائیوں دیکھیں جھب
--	---

بیان نفخ رحم

سوف ہک تولے منگوا پودنہ چھ ماشے دے گھت کٹ جوشائیکے صاف کرا ماکیوں دے جوشاندے کھو عرق پودنہ سوف اجوین کرفس پودنہ پت سدات خوب پانی دے دے دے رگڑا ردغن کھٹ بنائیکے گھر	دار چینی چھ ماشے پاء ہک مگ لے متقہ ست شہد دو تولے دے دے نفخ رحم دی دیوے توڑ شہد ڈال پیوے دن رین سفید زیرہ دے دے ڈال شتاب کر کے صاف حمل کرا پیڈو تے نت مالش کر
--	--

سوزش رحم

دے دے دے سوزش ہووے بھکڑا کاسنی تخم خیار دھنیاں مشک کافور	سڑکن نال عورت نت رووے خرفہ گھوٹ پلا ایہ چار پیڈو ۱ تر کردا
--	--

بیگانہ
اسم
جرب
خیار
عید
ڈال
وکل
گھت
پلا
ادمار
ہمد
سای
شہد
مستعمل
نور
استعمال
معاف
دے نال
سے نابود
استعمال
دو چار

کاسنی نال ملا شتاب	بُورہ صندل پھل گلاب
گھوٹ پانی دوج بیس کرا	اگلے پچھلے دوا

سیلان الرحم

سیلان رحم اس نام بیماری	رحم تھیں رہے رطوبت جاری
جامہ رہے ہمیش خراب	وگے رحم تھیں گندہ آب
سورجیس لمرکس دوج پا	منفر تخم انبلی لیا
پھل دھاوہ گوند لکڑی ہمراہ	ثعلب مصری موصلی سیاہ
ہر ایک دو دو تولے پورہ	مجیٹ سفید صندل دا بُورہ
مصری سولہ تولے و نیم	چھٹانکی موصلی میل سفید
چھ ست ماشے رت کھوا	کٹ چھان سب جمع کرا
پلا پچھوں مصری دودھ پا	کتیرا پانی دوج بوسا
دار چینی سنڈھ شامل کر	موتھا عقرقرحائے چھڑ
پیہ کے کپڑ چھان کرا	وزن برابر سب دوا
شانہ کرد دوج رحم شتاب	گھول بخوراجیہا دوج شراب
ماجو بکتھ باریک کرا	فراسانی اجوین منگواء
شانہ پوٹلی بنھ چڑھا	وزن برابر ترے دوا
ہور چڑھا پوٹلی دوج ڈال	چار پہر دے بعد نکال
شانہ اس دے جیہا نہ کو	سرد طبیعت جیکر ہو
کرے مرض دی دفع شکایت	لذت پیدا کرے نہایت
سرد فٹافے دا کرد علاج	جس عورت دا گرم مزاج

کراں بیان شافے دا ذکر پھٹکڑی کتھ مابو گلنار پیہ کے کپڑ چھان کرا چٹکی بھر شراب دج کھور عورت ایہہ شیان کماے تقیہ طبع موافق کر فاصلے کے ہفتہ وار	عورت مثل ہو جائے بکر وزن برابر دارو چار ڈبی دے دج رکھ کھا شافے کر دلوں اس دج بوڑ تنگ رحم اس دا ہو جائے دو ترے دفعہ ہرگز نہ ڈر کر تنقیہ دو ترے چار
---	---

بیان اختناق الرحم

اختناق الرحم یک عجب آزار عورت مردے وانگ نموش پر مرگی وانگ نہ لگ کھج رحم بھیس موزی اٹھ بخار بے اوہ عورت زور آور شہوت اس نوں پایا زور نوبت وقت بھنوں ہتھ پیر نکلخہ اس نوں جلد کرا دھنیاں کٹ گھٹ مشک کاوڑ ہم بستر کر خاوند نال سبب بے ہووے بندش حیض پٹنگی طرح پچھان مزاج	عورت تائیں کرے خوار ہووے مرگی وانگ بیہوش ہووے بہت طبیعت زنج ہوش حواس کرے بے کار بھیج شتاب اس خاوند گھر ہوش حواس گئے منہ موڑ ہووے بہت شتابی خیر سرکے دج گلاب ملا نال ملاؤ صندل بوڑ جادے مرض اس دی فی الحال کر دارو اس پہنچے فیض طبع موافق کر د علاج
--	---

<p>شربت شیرہ سرد پلا وچ طبیعت کرے فساد سر پیراں نوں ماسش کر گوکا دودھ اس شام پلا نال جلاب خارج کر مادہ خارج کرتے نال مواد مغزوں خارج کرے بخار کدھو باہر مواد لعین یا پلپیاں وچ دیویں کھج رمی سنگی نال پخوڑ عذاب بنفشہ شامل کر مصری ڈال کر اس شروع</p>	<p>جے غالب ہووے صفرا جیکر سڑیا خشک مواد بنفشہ روغن نیلو فر مکھن مصری فجر چٹا سبب جے بلغم بہت زیادہ جے فم معدے وچ فساد دیہ اس نوں کوئی نسوارہ دو ترکے دفع دے کے یلین خالی سنگیاں موراں وچ جے اُس بہت لہو دا زور حسدنی بورہ نیلو فر رات پانی وچ کرو نقوع</p>
--	---

خارش رحم

<p>عورت دکھ خارش تھیں رووے پیہہ کے لائیل کوڑے نال شرے ایہہ وزن برابر پیس کر استنجا اُس دے نال پیوے ہوسر شتائی فرق مجھ مدت کر استعمال پانی دیگی گھت ادبال</p>	<p>اندر رحم جے خارش ہووے کیس مندی کتھ لے نیپاں سہاگر چھل انار کیس تھوڑا وزن پانی وچ ڈال کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق دو تو لے ماکھیوں وچ ڈال تم کرفس جوشا کٹ ڈال</p>
--	---

آبدست کر اس دے نال کھاوے گرم نہ خشک نہ تیز	نفع عارض توں کرے کمال مرچوں ٹوٹوں کرے پر ہیز
سرطان رحم	
<p>پیدا درم ہووے سرطان ہووے بہت نہایت سخت شدت ورم کرے سرطان شامل تاپ جے ہووے نال موذی سخت جے ردی مادہ اکثر ورم ایہہ لاعلاج جیکر مرض پرانی ہو نال عقل دے کر توں معلم شریا سخت سودا مواد یا سودا رل بلغم خون میتھی اسی سوئے لیا ڈنڈے کوڈے دھج گھوٹا مٹھاتیل گرم کر گھست حرل کالی زیری لے برکے دے دھج گھوٹ لگا جد مادہ ہووے تحلیل جد مادہ پک ہووے یم</p>	<p>اندر رحم کرے نقصان کرڑہ پتھر دا بگ کرخت درداں ضرباں کرن حیران عورت بہت ہووے بد حال ہونداجاوے ورم زیادہ دیوے سخت بگاڑ مزاج رہے رحم دے دھج کھلو جیکر مادہ ہووے سالم دھج رحم دے کرے فساد کرن پیدا کر ورم زبون گل بابونہ نال رلا تھوڑا تھوڑا پانی پا پٹہ بٹھ دھاڑے ست اسی تول تول ترے ترج درمیں تحلیل ہو جا بادے جھب شفا جلیل بقول جادے پخت حکیم</p>

<p>جے اودہ درم قرچہ بن جائے ظاہر درم جے مثل گھنیر پٹہ زنت بنھوں ترہ گرم جیکر مادہ فاسد خون سرد خشک جے ہووے درم گرم جیکر ہووے سرطان پیلک دھنیاں خوب گھوٹا دھنیاں دا پانی کڈھوا درم گرم تے کرو غلا جد ہووے ضرورت استعمال بنفشہ نسطری نیلوفر</p>	<p>مرہم شافہ نال چھڑا دے ہووے کر اس دی تدبیر درم سخت ہو جائے نرم لا جوکاں کڈھ خون زبون روغن مالش کر ترہ گرم نال علامت کریں پکھان درم گرم تے تیپ کرا سکہ اس تے وچ گھسا دیوے گرمی درم دجا درم والی مرضاں وچ بحال بوٹا فطول کرایا کر</p>
---	---

بیان مرض رجاء

<p>عورت تائیں رجا بیماری مثل حمل پیٹ پھل جائے جد میعاد حمل لنگھ جاوے بعضے کہن رحم وچ بچہ بعد ترہ بیوں سالال یا چار جد رب دا ہووے فرمان باہر حکم خدا دے نال جے عورت نول مرض سبب</p>	<p>پادے اندر رحم خواری عورت حمل امید جتاوے تد آزار معلوم کراوے باہجہ روح تے رہندا کچھ ہووے اس دی خلق تیار داخل روح اس ہووے آن آوے جیویں ولادت چال پہنچے دکھ دوا کر جھب</p>
--	--

نال
جیت
شک
لے
لوند
چھ
شام
سبب
سبب
حیض
یاوے
رہے
سروچ
جاوے
نسخہ کر
اول اس
کم کر قس
بزدل
کوت
دوا
پہنچے
سونا

نال علامت کریں معلوم
 جیکر بچہ دج زامدان
 شکل کہ رنگ بن سہے کھلو
 لے مالتی دے دند دا پورہ
 لوندے کوندے دج گھوٹا
 چھ ماشے دو وقت کھوا
 شام زیرہ دیر گھوٹ سفید
 سبب جے ہووے بلغم باد
 سبب مواد کثافت گند
 حیض نہ اُس نوں آوے مول
 یا دج رحم دے ہووے رتج
 رہے نفخ رحم دے دج
 سرد چیز اس ضرر پہنچاوے
 جاوے مرض پیرانی ہو
 نسخہ کراں بیان عجب
 اول اُس نوں کرو جلاب
 تخم کرفس زیرہ سنڈھلے
 پودنہ دارچینی اجمین
 کٹ دوا چھاننی دج چھان
 چھ ماشے رت کاہڑے نال
 تخم سونف خر بوزہ لیا

سبب مرض دا جیویں رسم
 معلوم بچہ ہون نشان
 سرگز حرکت کیے نہ کر
 ادھ یا پکا ہووے پورہ
 براہ مصری نال رطا
 گھیو دودھ بچوں فجر پلا
 مصری گھت اس دے دج دید
 پاوے اندر رحم فساد
 مونہ رحم دا ہووے بند
 لازم رہے گوکھ دج سول
 کرو علامت نال صبح
 درد لگے تے لگے کچھ
 گرم غذاؤں نفع اٹھاوے
 دو تے سال جے رہے کھلو
 بلغم رتج و نجاوے محب
 جب ایار ج نال شتاب
 ہر یک ہودن تو لے ترے
 ترے ایہ دود تو لے لین
 براہ کھنڈ پلاؤ آن
 نت نہار کر استعمال
 انیسوں تخم کاسنی پا

ہر ہک تولے دا مقدار
 چار تولہ خالص گلقد
 تخم کرفس لے ہک مثقال
 سولف انیسوں تخم خیبار
 کاہڑ جو شانده کر کے تیار
 شافہ کرو جو لیاوے حیض
 احتباس حیض دے دوج
 جے فاسد مادہ خونی گرم
 جوکان اُس نے تیرت لگا
 جے مادہ صفرا سودا
 کاسنی بھکھڑا تخم خیبار
 گھوٹ پانی دوج صاف کرا
 کچھ مدت کر استعمال
 سخت سودا کثیف یا گند
 بنفشہ روغن دی پچکاری
 کرو طبع اس دی مرطوب
 روغن گل دی مالش کر

کاہڑ جو شانده کرو تیار
 نال جو شانده کر کے پیوند
 میتھی دو تولے دوج ڈال
 ہر ہک تولے دا مقدار
 پیوے حیض ہووے ادوار
 بہت شتابی پہنچے فیض
 دیکھیں جانہ ہوویں دوج
 پیدا کرے رحم دوج درم
 گٹیوں صافن ناڑ چھڑا
 کرے بگاڑ رحم دوج جا
 خرفہ چھ چھ مالشے چار
 تے مالشے شورہ گھول پلا
 دیوے سب آلود نکال
 کرے سوراخ رحم دا بند
 کہ ہک دن دوج دو تیرے واری
 گھیو دودھ اوس پلاؤ خوب
 دن دوج دو تیرے دفع نہ ڈر

بیان وجع المفارصل

غنٹھیا ہندی دوج زبان
 اوکھا ہووے بہت سرخی

وجع مفارصل کسن یونان
 بند بندے دوج ہووے پیڑ

نال
 غنٹھیا
 منفع
 مالش
 ہر ہفتہ
 نت کھ
 بر شعشا
 جوڑیں
 بھانس
 جے مع
 جب کچھ
 مالش کر
 سفوف
 روغن کا
 روغن
 سورنجا
 گھوٹ پا
 دوجی
 تخم ہرمل
 مصلہ کیسے
 گھوٹ پانی

نال علامت لے پچان
 گنٹھیا مرض جے ہووے سرد
 منفع نال پکاؤ مواد
 مالش کر نت روغن گرم
 ہر ہفتہ دیویں ہک بھانس
 نت کھوا معجون سورنج
 برشعشائے حب جو گراج
 جوڑیں مٹھا پیچھ جڑاؤ
 بھانس دیو حرمل کنڈیاری
 جے معجون کھوادیں سیر
 حب کچلہ تے حب سورنج
 مالش کرد روغن ادراگ
 سفوف سورنجاں عجب دوا
 روغن کانپھل دا اکسیر
 روغن کچلہ روغن سیر
 سورنجاں کوڑی کٹھ ایلا
 گھوٹ پانی وچ کرد ضماد
 پیٹی دا نت تیل لگا
 تخم ہرمل تینوں اجوین
 مصبر کیسر سندھ ایم
 گھوٹ پانی وچ کرد طلا

سردی گرمی کر کے دھیان
 کل جوڑاں وچ ہووے درد
 ہر ہفتہ ہک کرد جلاب
 سخت جوڑ ہو جاوون نرم
 بکل مار ننگا رکھ سانس
 پیڑاں درد وچاے رنج
 گنٹھیا داؤ دا بڑا علاج
 دفع ہو جائے گنٹھیا داؤ
 اس دی مثل نہیں کوئی کاری
 مارے وچ نشانہ تیر
 دفع کرن گنٹھیا دا رنج
 گنٹھیا داؤ دا ہے تریاق
 دیوے گنٹھیا داؤ وچا
 بجزہ سائیں بخش فقیر
 سردرداں وچ مارن تیر
 لالوں سندھ کرفس طلا
 دفع ہو جاوے سرد مواد
 دیوے پیڑاں درد وچا
 گھوٹ پکا بھو دن رین
 تہے تہے ماشے وزن حکیم
 دیوے فوراً درد اٹا

پوست داگھٹ جے نت پھیرے
 گندھیا دا دے ہووے گرم
 تاپوں بعد جے کرے ظہور
 یا اس تاپ رہے کچھ نال
 گندہ سڑیا ہو یا مواد
 گل روغن دی مالش کر
 دو ترے دفع دے کے تلپین
 پھر توں اس توں کر تبرید
 جیکر سڑیا مادہ خون
 صافن باسلیق چھڑا
 کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق
 مالش روغن کریں حنا
 وچ ملا کچھ مشک کا فور
 انبرول دی دیویں بھانس
 انبرول دا کرو نطول
 انبرول دا کرو ضماد
 سڑیا مادہ بہت کرنخت
 ظاہر باطن کر مرطوب
 جے صفراوی ہووے مادہ
 دانے ایسبغول منگا
 درد گرم تے کرد طلا

بہت شتابی چنگا تھیوے
 سڑکن درد جوڑاں وچ ورم
 پاوے جوڑاں وچ فتنور
 مواد بحران کرے انتقال
 جوڑاں دے وچ کرے فساد
 بنفشہ روغن شامل کر
 خارج کرو مواد لعین
 شربت شیرہ سرد مفید
 ہووے گندہ بہت زیوں
 خون گندہ سب دور کرا
 نت پلا ہووے جھپ فرق
 دیوے دیداں گرم دجا
 ہووے درد دکھ سب دور
 بکل مار ننگا رکھ سانس
 ہووے جلد شفا رنجول
 زائل کرے شتاب فساد
 کرے اعضاواں نوں جے سخت
 تاں حاصل ہووے مطلوب
 سڑکن سوزش بہت زیادہ
 پوست پانی وچ پوسا
 دیوے سڑکن شربت و نجا

گل روغن و بچ مشک کا فور دھنیاں پیلک صندل بور پانی دے وچ خوب گھوٹا جیکر پیڑاں دھوی مادہ رمیاں سنگیاں جو کال لا پاپڑا دھنیاں افسنتین تحقیق ہے ہووے خشک سبب گو کا گھیو اُس بہت کھوا ادھ پا گو کا گھیو پنکار	میل مالش اس کرو ضرور کاسنی پھل گلاب کا فور درد گرم تے لپ کر اُوے نظر بے خون زیادہ خون گندہ سب دور کر نقص کر پیوے دارو تین کرو مرطوب طبیعت جھب فجر مصری مکھن پا وقت شام دیہہ نت نہار
--	---

نسخہ روغن مجربہ سائیں بخش حکیم

مالش ہک عجیب اکسیر سک جادو ہے لنگ پران گوشت چم ہو جائے خشک یا کوئی اعضا جوڑ جاوے حرکت جس ہووے سببست ماہل کنگنی کٹھ لے آ کانچھل میل اجونیاں چار رات پانی وچ کٹ جو شا ل پین اُس نوں صاف کر دوبارہ پھیر	تجربہ سائیں بخش فقیر پتی ارک یا بانو ران رے رطوبت دانہ مشک سکلی لکڑ دانگ اکڑاے اس مالش تھیں ہون درست بابونہ دانے حرمل پا دو دو تولے دا مقدا فجر کڑا ہی وچ جو شا تیل بٹھا ادھ سیر بلا منہی منہی اگ جلا
---	--

تیل اکلا خاص رہ جاوے رکھ بوتل دچ صاف ستار روغن اسی دا دچ میل پنج پنج تولے وزن تمام چھٹانکی چینی بڑ گھت ڈھال گھت کر اہی دے دچ میل کر مالش نہ رہے آزار سکے لنگ ہودن بر حال فضل خدا تھیں چنگا تھیوے	جد سارا پانی جل جاوے ہیٹھاں جلدی نال اوتار تیل ارنڈ گری دا تیل روغن کدو مغز بادام گوکا گھیو چھٹانکی ڈال چرنی سنے تمام ایہہ تیل ہک دن دے دچ پنج ست وار مالش کر چھ ماہ ہک سال ادھ پا گھیو گوکا رنت پیوے
--	---

مجموع سورنجاں

سورنجاں مٹھیاں لے دچ پا دو دو تولے دا مقدار مدیر کچلہ اسگندہ نال جعقل لونگ کرہ ہمراہ ہر ہک تولہ تولہ لے ترے ترے ماشے قدر حکیم ادھ سیر دودھ دچ گھت پا رہے نہ پانی دا دچ مشک ہک ہک دونویں وقت کھوا کر دوا رنت استعمال	ماہل کشتی حرمل گوگل یا کٹ بلا ایہہ دارو چار عقرقرہ لونگ سنڈھ ڈال دار چینی لگ مرغ سیاہ پپلاں مول اجویناں ترے خالص کیسر اصل افیم سب دوا کٹ جمع کرا دودھ جدول ہو جائے خشک ترے ترے ماشے وزن بنا جوشاندے دار چینی دے نال
--	--

شام وقت تک وزن کھوا
پچھوں گھیبو دودھ گرم پلا

نسخہ حب سورنجاں

حب سورنجاں عجب دوا
سورنجاں مصبر تروئی لے
چھل ہرڑ کرفش وچ گھت
عرق سولف وچ بنھوں حب
وزن اُس دا ہے دو مثقال
ست روز مُنضج کردا
ہر ہفتے ایہہ کر اسہال
جد اسہال ہوون اُس جاری
ست روز ملضج کردا
ایسے طور کر استعمال
بیضہ گوشت کرے غذا

دیوے بلغمی درد و نجا
ہر تک ہوون تولے ترے
سقمونیا ہر تک ماشے ست
دانے مانہ برابر سب
کھادے تازے پانی مال
ہفتے بعد تک وزن کھوا
دیون سب مواد نکال
زائل ہووے کل بیماری
ہفتے بعد جلاب دیوا
دیون پیڑاں درد نکال
ادھرک گھیبو مصالح پا

نسخہ سفوف سورنجاں

سفوف سورنجاں دچہ پونانی
بہت نہایت دیوے نفع
سورنجاں مٹھیاں تروئی لے
سناکی دو تولے گھت
کیسر دو ماشے گھت وید

مجرّب نسخہ بڑا لاثانی
گٹھیاں درد ہوون سب دفع
ہر تک ہوون تولے ترے
سقمونیاں اصلی ماشے ست
برابر نسخہ کھنڈ سفید

ترے ماشے دا وزن تول	تازے پانی نال پھکا
---------------------	--------------------

نسخہ حب کچلہ

محرّب نسخہ کچلہ حب ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ جاوے مرض پُرمانی ہو کرے جے اینوں استعمال گنٹھیا استرخا ادھرنگ ہر ہفتہ ہک کرد جلاب مدتہ کچلہ تولے دو دارچینی نگ مرچ سیاہ عقرقرہ سنڈھے دچہ گھت حب ایارج مرچ سیاہ ہک دو حب کر استعمال دارچینی چھ ماشے تول	گنٹھیا سرد و نجاوے جھب درداں پیڑاں کرے نابودہ بہت دیر تک ہے کھلو پیڑاں درد جادون فی الحال رہن نہ ہک ذرہ وچ انگ حب ایارج نال شتاب شنگرف رومی تولہ ہو جعفل لونگ کرد ہمراہ چھ چھ ماشے دارو ست بند ادھرک پانی ہمراہ جوشاندے دارچینی نال ماکھیوں دو تولے وچ گھول
---	--

معجون محربہ حکیم سائین بخش

معجون محربہ کراں بیان بہت بیماریاں تے آزمایا دارچینی اسگند خونجاں زیرہ سیاہ مابل کنگتی لے	گنٹھیا دا نہ رہے نشان بہت نہایت فیض اٹھایا گل بالونہ سنڈھے سورنجاں ہر ہک ہوون تولے ترے
--	---

<p>الاچی چھڑگ مرغ ایہہ چار کٹ سجے چھاننی دج چھان میل تمام معجون بنا دونوں وقت تولہ ہک کھانے ہے آزمودہ ایہہ معجون ہک مہینے دج جلاب مالش گرم روغن دی کر</p>	<p>ہر ہک تولے دا مقدار ماکھیوں سیر ملاؤ آن مرتبان دج رکھ ٹیکا گنٹھیا واڈ دی بنج اٹھانے رہے نہ گنٹھیا واڈ منعون ترے داری اس کریں شتاب دن دج دو ترے دفعہ نہ ڈر</p>
---	--

نسخہ معجون السیر

<p>کس یونانی کل حکماء ایہہ نسخہ اعظم اکسیر کریہ وجج الورک ادھرنگ کرتے جے ایس نول استعمال مصطکی سنڈھ پاناں دی جڑھ چھل ہریٹاں مرغ سیاہ دارچینی جلو تری لے کیسر ہک تولہ دج ڈال لسن ترے تولے منگوا سیر پکا تازہ دودھ لیا کھوئے وانگ ہووے جد آن سیر پکا ماکھوں دج گھت</p>	<p>معجون سیر جیہا نہیں دوا تجربہ سائیں بخش فقیر ہووے گنٹھیا نال چرنک جڑیا کھل جاتے تت کال دیویں شامل الاچیاں کر جعفل لونگ کرد ہمراہ ہر ہک ہودن تولے ترے کٹ چھان سب رکھ سمہال کڈ گلیاں اس صاف کرا گلیاں مقوم اس دج پکا ادھ پا گھیو دج کر بریان چنگی طرح پکا دیں پت</p>
--	---

جلدی نال کرڈا ہی لاه کھاٹے رنت ہک قدر اکھروٹ ہر ہفتہ مسہل کروا	سب دارو وچ کٹ ملا رہے نہ جوڑاں دے وچ کھوٹ ست روز مٹ پھیر کھوا
--	---

نسخہ گنٹھیا بلغمی

شنگرف جعفر لونگ بنگا ترے ماشے وچ ڈال ایم گولیاں ماشہ وزن بنا جوشاندے دارچینی دے نال	ہک ہک تولے وزن تولا منقے وچ بنھ حب حکیم ہک حب اس نوں رنت کھوا کر حب رنت ہک استعمال
--	---

نسخہ درد بلغمی ہرتم

چھٹاکی چھل جڑھ اک لہا کوزے وچ گل حکمت کر چار رتی اس وزن خوراک بعضیاں نوں اس تھیں تے آوے ورے اس نوں نال وقوف ضیق سینے نوں جاوے چھوڑ	نصف چھٹاکی مرچ سیاہ سار اگلیٹی دے وچ دھر میل کھنڈ وچ دیہہ بیاک بلغمی پیڑاں درد و تجاوزے گنٹھیا بلغمی کرے موقوف اس دے مثل دارو نہیں ہوا
---	---

نسخہ مطبوخ سورنجاں

دار چینی سنڈھ زیرہ سیاہ ترے ترے ماشے دامقدار	سورنجاں مٹھیاں کر ہمراہ کاہڑ پلا ایہہ دارو چار
---	---

دیوے پیڑاں درد و نجا	دو تولے وچ شہد بلا
نسخہ روغن سداب	
<p>کہ تول اس نول خوب صبح ہوون پیڑاں درد فرار ادھ سیر پکا وچ اندازہ رائی مالوں عقرقرھا ہر ہک دو دو تولے لین پانی وچ سداب پوسا کل پُن کپڑے وچ چھنا</p>	<p>سرمداد بے ہووے متع روغن کرد سداب تیار پانی کڈھ سداب داتازہ کانپھل دانے ہر مل لیا کوڑی کھٹ ترے اجوین دارد سب درڑا کردا نجرے دیگی وچ جوشا</p>
روغن فرقیون	
<p>بلنمی درداں دے درکار ہنج پنج تولے قدر تول دار چینی بھی ہوئے نال کٹ کے سبھے جمع کرا فجر جو شامل صاف کرا دو جی واری پھیر پکا چھٹاکی فرقیون پیہ میل مالش کردن رات شباب شاہ ارذانی دا فرمودہ</p>	<p>روغن فرقیون کر تیار کوڑی کانپھل کھٹ منگوا پودنہ عقرقرھا وچ ڈال دو دو تولے ترے دوا رات پانی وچ رکھ پوسا ادھ سیر مٹھا نیل ملا سڑ پانی یک جا دے نیل ادھ پا پکا میل شراب ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ</p>

نسخہ لیپ مخدر درد ہر قسم

پوست خراسانی اجوین مصبر کا ہو ڈال افیم گھوٹ دوا سب دج شراب کراہیہ اس نوں لیپ ضرور	دونوں ہک ہک تولہ لیں دو دو ماشے قدر حکیم درد آتے کر لیپ شتاب نوراً درد ہو جاوے دور
--	---

بیان روغن اوراق

کراں بیان روغن اوراق ضرباں چیکاں پیڑاں درد سوباغنے حرمل برگ ارنڈ پتر اک سنبھالو گھت ست قسم ایہہ ہک ہک مٹھ رات پانی دج کٹ پوسا سیر پکا لے مٹھا تیل جد پانی سارا سڑ جائے اگ تھیں اس نوں جلد آنا پیڑاں درد جو جوڑاں دج	گنٹھیا داو دا ہے تریاق جاون چھوڑے ہوون سرد برگ دھتورہ برگ اک مٹھ ہک ہک مٹھ ایہہ ست ادھ پا پکا کورڑی کٹھ نجر کرٹا ہی دج جوشا کر کے صاف دیویں دچ میل باقی تیل خالص رہ جائے گھت بوتل دج صاف تیار مالش اُس دی لے سب کج
--	---

نسخہ روغن کچلہ

روغن کچلہ خوب دوا	دیوے کٹھ دبد آڑا
-------------------	------------------

ادھ پا پکا کچھ لیا تراش اس نوں چاقو نال سیر ہک پانی دے دج گھت گھت کڑا ہی دج جوشا ادھ سیر مٹھا لے تیل منٹھی منٹھی آگ جلا جد سارا پانی جل جادے آگ تھیں جلدی نال اوتار لقوہ استرخاء کل پیڑ کمریہ گنٹھیا واڈ ادھرنگ	ڈال پانی دے دج جوشا کٹ حمام دستے دج ڈال رکھ پوسا دھاڑے ست نصف ہے تاں صاف کرا گھت کڑا ہی دے دج میل خوب طرح اس لے پکا خالص تیل باقی رہ جادے رکھ بوتل دج صاف نتار کر مالش ہو جان دہیر مڑ کے پھیر نہ مارن ڈنگ
--	--

نسخہ روغن کانپھل

روغن کانپھل دا اکسیر کمریہ گنٹھیا پیڑاں درد کانپھل کوڑی کھٹ منگا کٹ درڑہ کر دارو چار سیر پانی گھت رات پوسا نصف رہے لاه پیٹھ رکھا سیر پکا گھت مٹھا تیل خوب طرح اس لے پکا جد پانی سارا جل جا	تجزیہ سائیں بخش فقیر زائل کرے جے ہوون درد حمل ترے اجوین رلا ادھ ادھ پا پکا مقدار فجر کڑا ہی دج جوشا کل کے کپڑ چھان کرا دونویں دج کڑا ہی میل پانی سارا جذب کرا کر کے صاف بوتل دج پا
--	--

وقت حاجت مگر استعمال دیوے پیڑاں درد نکال

نسخہ حب شنگرف

سبب ہے مادہ باد فرنگ جادے مرض پُرانی ہو درداں جوڑاں وچ تمام مادہ موذی جوڑاں وچ کیسر لونگ جعفر لے آ شنگرف رسکیور وچ گھت قدر مریج دے بنھوں حب ہک ہک حب اس بت کھوا جد مٹھ آدے کرے موقوف	پیڑاں درداں کین جن تنگ فائدہ کرے دوا نہ کو ہوون لین نہ دین آرام داخل ہوئی کے کردا زچ دار چینی سنڈھ عقرقا ہر یک ہووے ماشے ست ادرک دے وچ پانی سب پچھوں گھیبو دودھ گرم پلا ایہو رکھیں یاد وقوف
--	---

بیان درد پشت

درد کمر ہے پیدا ہو ہووے روٹی تنگ نہایت وچ کمر دے ہووے پیڑ سبب یا ہووے باد ہوا یا فاسد مادہ دموی گرم یا موذی صفرا دا ساڑ یا مادہ سودا کرخت	رہے کمر دے وچ کھلو اٹھدا بہند اکری شکایت ادکھا ہووے بہت سری کھڑے وچ کمر دے جا کرے گوشت پشت وچ دم کرے کمر دے وچ بگاڑ پٹھے کرے کمر دے سخت
---	---

<p>سبب درد ہے فاسد خون ہے مادہ موذی صفرا ظاہر باطن کر تبرید سبب جبکہ داخل سودا مالش کر نت مٹھا تیل رمی سنگی پیچھ لگا دو ترے دفعہ کر ایہوکار ایہ بھی ٹوکھ ہے اکسیر روغن کٹھ دی مالش کر سبب ہے باد یا بلغم سرد حرمل سنڈھ اجوین گھوٹا تیل مٹھا گھت گرم کرا جدوں جذب ہو جائے آب رائی مالوں سنڈھ ایلوا زردی بیضہ وچ ملا شدت حدوں ہے کرے حکیم ہے جاوے مرض پُرانی ہو</p>	<p>کٹھ سنگی رمی نال زبون کٹھرے وچ کمرے جا لیپ بلین سرد مفید پچھے کمر کرن اکڑا سنڈھ سورج مصبر میل پیہہ دارو بندوق لگا ہووے کمروں درد فرار کمروں جلد نکالے پیڑ دفع ہو جاوے درد کمر کٹھرے وچ کمرے درد پانی تھوڑا جیہا ملا دارو لکڑی نال ہلا کرو پشت تے لیپ شتاب ترے ترے ماشے وزن تولا درد کرتے کرد پلاء کر شامل ماشے ترے ایم فائدہ کرے دوا نہ کو</p>
---	---

مجر بہ شناسی نسخہ

درد کمر دا جاوے جھب
 دار چینی سنڈھ عقر قرعا

بہت مجرب دساں حب
 کسیر لونگ جعفر لے آ

چھ چھ ماشے وزن حکیم
 دج منقہ بنھوں حب
 ہک ہک گولی جے نت کھاے
 ماش کریں جے روغن سیر
 کہ روغن سچلہ استعمال
 گولیاں جو گراج جے کھاے
 نسخہ ہک لکھاں دہقانی
 کہ دیواں اس نوں اظہار
 میتھی اسی گری چوہارے
 دار چینی اسگند لے آ
 گٹ پیس ایہہ دارو چار
 ممولیاں تخم کنڈیاری پیس
 بہت پُرانا گڑ منگوا
 پانی دج گود گھبو کر پت
 ہک چھٹانکی جے نت کھاے
 تریہوں اجونیاں دا کڈھ نیل
 میل روغن دچہ بیدہ بجر
 جے لادیں روغن جیپال
 جاوے دُکھ پُرانا ہو
 گنڈی مٹھا تیل لیا
 یا اس داغ یا دیویں گل

ترے ماشے دج ڈال انیم
 قدر چنے دے گولیاں سب
 درد پشت دچوں نس جاے
 درد کمر سر مارے تیر
 درد کمر جاوے فی الحال
 درد کمر دا ترت دنجائے
 مجرب میرے پاس نشانی
 دو ترے ہوئے شفا بیمار
 پا پا پکا لے ایہہ چاے
 سنڈھ سورنجاں نال بلا
 پنج پنج تولے دا مقدار
 گٹ ڈال دج تولے بیس
 گھیو ہک ہک ادھ سیر پکا
 گٹ پیس دارو سب گھت
 درد پشت دج پھیر نہ آوے
 روغن دار چینی دج میل
 ماش اس دی ہے اکسیر
 دیوے کمروں درد نکال
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 کاغذی پچھ ترے وار لگا
 نیکے مادہ موذی کل

در
کہ
م

رد

ادھ

ادھ

کرے

مالش

لے

گھت

وقت

روغن

ڈوڈیا

رات

تے

چا

درد ہے ہووے وچ کنگر دڑ	دیوے طرف باہر دی چھوڑ
کپڑا ہو جائے انسان	حدیہ اس دا نام پھان
منکے باہر آون نکل!	دارو اس دا ہے مشکل

روغن سیر

روغن سیر بنا ضرور	کرے درد رتج دا دور
ادھک سیر مٹھالے تیل	ڈال کر اہی چولھے میل
ادھ سیر گلیاں تھوم کڈھا	تیل مٹھے دے وچ جلا
کر کے صاف بوتل وچ ڈال	وقت حاجت کر استعمال
مالش روغن خوب کرا	بہت ہتھال دا زور لگا

روغن حب الملوک

لے دو تو لے حب جیپال	مٹھا تیل چھٹانکی ڈال
گھت کر اہی وچ جلا	کر کے صاف شیشی وچ پا
وقت حاجت دے کرو طلا	روغن نال ازٹ طلا

روغن خنظل

روغن خنظل کرو تیار	ہووے درد ہر قسم فرار
ڈوڈیاں حرمل شحم دھتور	ادھ ادھ پاپکا لے پورہ
رات پانی وچ کٹ پوسا	خیر کر اہی وچ جوشا
تے چار چیر وچ ڈال	دیویں دو ترے ہو راوبال

<p>مل کے پُپن کے صاف کرا مڑ کے دھج کڑا ہی پا جد پانی سارا سڑ جاوے کر کے صاف شیشی دھج ڈال ہے ایہ روغن مثل طلسم</p>	<p>سیر یک مٹھا تیل ملا چاہڑ اگ تے خوب پکا کڑا ہی اگ تھیں پیٹھ لہا کر کچھ مدت استعمال درد موقوف کرے ہر قسم</p>
---	---

دھج الورک

<p>درد چتر دھج ٹھہرے آ چتر دھج اٹھ گڑے تک جاوے جے چتر دھج ہووے دم رگ صافن دا فصد کرا موذی مادہ ہووے دور کوڑیاں چیزاں رت پلا جیکر چتر دے دھج درد چتر اُتے گل لگا روغن دھاتورہ ملوا اجوین نوشادر مالوں رائی گھوٹ پانی دھج لپ کرا کچا مٹھا تیل لیا</p>	<p>دھج الورک کس حکما درد نال روگی کر لادے خونی فاسد مادہ گرم رمی سنگی جوکان لاء ہے نہ چتر دھج قصور نقوع کر رب کرے شفا ہووے بہت نہایت سرد دیوے اس نوں رب شفا دیوے بلغمی درد دنیا ترے ترے ماشے چار دوائی دیوے فائدہ تڑت پہنچا ایواناں انیم گھسا</p>
--	--

پچھ کے کاغذی وانگ لگا
 فوراً دیوے درد اٹا

روغن دھتورہ

<p>ہوون پیڑاں سرد قرار سبز ڈوڈیاں حریل پا تسے اجونیاں تولے ترے فخرے دیگی رچ جوشاء ادھ سیر مٹھا تیل ملا کر کے صاف شیشی رچ پا ہوون درد پیڑاں سب دور رہن نہ یک ذرہ رچ انگ</p>	<p>روغن دھتورہ کر تیار ڈوڈے دھاتورہ منگوا ادھ ادھ پا پکا کٹ لے کٹ سب پانی رچ پوسا نل پن اس نول صاف کرا مڑ دوبارہ خوب پکا مالش اس دی کرو ضرور گنٹھیا استرخا ادھرنگ</p>
--	---

تدبیر گل

<p>بہت دیر تک رہے کھار ڈونگھا چنگی طرح پکا بخٹے صحت رب کریم گوتر وچ جیپال گھسا سل پتھر اُتے گھس لے خون پوئنج کے اُتے دھر سٹ اٹھ روز نہ جادیں بھل مڑ گھیو لاء نہ ہرگز ڈر بلغم خارج کرو شتاب</p>	<p>جیکر مرض پُرانی ہو درد چٹڑتے گل لگا نکلے مادہ بن کے ریم درد اُتے پچھ خوب لگا موٹے تازے دانے ترے زوندے نال آلودہ کر پتنگی طرح پکاؤ گل ست روز لب لا رکھ تر دے کے دو ترے چار جلاب</p>
--	---

بیان عرق النساء ہندی رنگین

<p>عام لوگ آکھن اوترنج دھج رگ لت دے کہے قور سخت نہایت رنج پہنچاے لنگا ہو جادے انسان بہت سخت دیوے تصدیق وجے چوکنے دھج تراٹ لک چوکنے گئے تیک گندہ ہوٹیکے کرے فساد درد کرے تے لگے کچھ آوے کہے نہ وقت آرام ہرگز کہے آرام نہ آئے دست - فصد - گل - دین ناڑ مرد موافق طبع مزاج پہلاں گوہے نال ادچھا گھس کے لاگو تر دے نال کناریاں تے گوگل گھس لا پنجویں کاغذی لٹیں اوتار دیوے جھدے زخم چھڑا کر توں فصد عقل دے نال</p>	<p>عرق النساء سخت ہک رنج ہندی دھج رنگین مشہور چتر دوں درد گئے یک جاے درد ہووے دھج پتی ران پھرے نسا رگ دے دھج رنج پوسے لت دے دھج بھرناٹ عرق النساء جو رگ باریک داخل رہے اس دھج مواد پھر مواد یا رنج اس دھج چیر پوسے دھج لت تمام جب تک ادہ نہ نکل جاے خاص علاج رنگین دے چار مالش دارو ہور علاج مڈھ چیمپی دے گل لگا ادہ دانہ حب جیپال اوپر رتوں دا پھاٹ لگا تھک لگا گل تے دینہ چار گوکا گھیو رت ساڑ لگا چیمپی دے مڈھ لڑکے نال</p>
--	--

<p> ہووے فوراً درد فرار کر بلغم نال خارج جھب دو ترے دفعہ نہ ہرگز دُر روغن نال انڈی میل خوب ہستھاں دا زور لگا دفع ہو جاوے جھبے پنج جب تک آوے نہ آرام ناٹ پا پڑی کن دج بھال دھاگا دج کن دے پھیر کھتا کن دھاوے سو سجا کن روغن اکیر روز نہ ہرگز رہے آزاد دور ہو جاوے رنگن دا پانی دے گھٹ نال لنگھاو فقیر شناسی دا فرمودہ سورنجاں تولہ نال رلا خالص دج شراب گھوٹا دیوے فائدہ تر ت پہنچا </p>	<p> جد نکلی خون چچی دی ناٹ جے بلغم دا خاص سبب تنقیہ حب ایارج کر مالش کر بنت مٹھا تیل مالش اس دینہ رات کرا نت کھوا معجون سورنج مالش کر ہر روز مدام کن روخاؤ سوئی نال کرے ترے مہینے دیر رنگن سچی طرف جے ہو بکتے طرف جے ہو دے پڑ مصبر رتی کھاوے چار پچھوں گھيو دودھ میل پلا تارا میرا تلی لگاے ایہ بھی ٹوکے ہے آزمودہ صابن تولے دو منگوا اجوائن خراسانی دج پام خاص درد تے یسپ کرا </p>
--	--

بیان فقرس

درم ہووے تے لکے رکھ

جے ہستھاں دے گتاں دج

ہووے کرے پیراں داناں
 جیویں گاں بھینس دا سنگ
 طبّاں دج حکماء تمام
 گئے گٹ جاوے کر گرم
 پانی سرد نال کوئی نہاوے
 یا تپ بعد ہووے بالفرض
 طرف انگشتاں گھٹے شور
 گندہ سڑیا ہو یا مادہ
 سنگیاں رمیاں جوکاں لا
 رہے نہ چھتے دج قصور
 کرے ہتھیاں پیراں دج درد
 کر توں اس دا سمجھ مزاج
 کرو علاج مرکب جو
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 دیوے نقرس مرض و بجا
 انت پلا ہووے جھب فرق
 روگی نوں ہر روز پلا
 مشہر سارے دج جہان
 کر کے صاف گوکا گھینڈ پا

گٹیاں پیراں دج آماس
 اونگلاں ہتھ کر جاوے ڈنگ
 آکھن نقرس اس دا نام
 اکثر مادہ اس دا گرم
 جسہ جدوں طپش دج آسے
 اوہتوں پیدا ہووے مرض
 بادہ مرض دیوے جد نور
 جیکر ہووے خون زیادہ
 صافن باسلیق چھڑا
 فاسد مادہ ہووے دور
 جیکر بلغم یا ریح سرد
 دج مفاصل دانگ علاج
 جیکر مرض مرکب ہو
 جاوے دکھ پُرانا ہو
 گولیاں سم الفار کھوا
 کوڑیاں چیزاں اکڈھ عرق
 روغن رنم دا آپ بنا
 نام اس دا روغن کلیان
 پانی دج پت رنم گھوٹا

دیکھی دے دج گھت پکا
 ساڑ پانی سب پیٹھ لٹا

نسخہ حب سہم الفار

<p> ہوئے کئی شفا بیمار ہر یک تڑے تڑے مافے دید ڈال کھل وچ پیس سنوار موٹہ برابر گولیاں سب خشک چیز دے راہ نہ جاے دُور ہو جاوَن درداں ورم طبع موافق مول نہ ڈر مڑ کھاے جے ہو دس لوڑ خشک چیز دے راہ نہ جاے نقرس داؤ دی بیخ اڈاے کاغذی مٹھا تیل لے لا رہن اعضاواں وچ نہ ورم کر اس دا مرطوب علاج جھقوں تیک سکے اوہ کھا مغل روغن اُس نال ملا ہستیاں نوں ہر وقت مروڑ سمیات یا سخت دوا </p>	<p> مجرب نسخہ سہم الفار طباشیر الچی کتھ سفید ہک ماشہ گھت سہم الفار عرق لیموں گھت بھول حب ہک ہک حب دو وقت کھاوے پچھوں گھیو دودھ پیوے گرم ہر ہفتہ ہک مسہل کر ہک ہفتہ مڑ دیوے چھوڑ ایسے طور دوا کماوے ہفتہ چھوڑ ہفتہ مڑ کھاے جیکر ہووے سرد ہوا مالش کر اس روغن گرم جس نقرس دا خشک علاج گھیو مکھن اُس بہت کھوا بنفشہ روغن رنت ملا مالش تے کر بہتا زور جے کوئی کھاوے خشک غذا </p>
--	--

اوچتوں جاوے بگڑ مزاج
 اُس دا ہے ایہ خوب علاج

بیان مرض زانو واؤ

<p> جو جیکر کوئی سخت مواد گوڑے جڑ جاون اس نال درم ہووے گوڑیاں وچ جا دساں ہک عجیب ٹکور گوڑے جڑے ہوئے ست سال ہلدی سبھی ٹون لیا کڑھی بیٹھ انگار رکھا پوٹلی گرم تیل وچ بوڑ سارا دینہ کر ایہو کار کر کے اک ویہ روز ٹکور یا گوڑے تے جوکاں لا کر ایہو دن رات تعمیل جیکر باقی رہے تصویہ ایسے طرح کر یک دو بار کچھ مدت کر مائش گرم ہر ہر قسم ریاضت کر جیکر باد فرنگ آزار جھب کھوا حب سم الفار جیکر بلغم باد یا رنج </p>	<p> گوڑیاں دے وچ کرے فساد بہت بیمار ہووے بد حال آکھن اس نون زانو واؤ جس دے مثل علاج نہیں ہو کھلن حکم خدا دے نال درڑہ کر پوٹلی بنھوا تیل مٹھا تھوڑا جیہا پا گوڑے اُتے کرو ٹکور ہو ہو شیار نہ بہت ہار رگٹیوں صافن رگ نون چھوڑ فاسد مادہ دور کرا ہووے سخت مواد تحلیل ایہو یاد رکھیں دستور ہووے موذی دفع آزار پٹھے سخت ہو جادن نرم اسواری گھوڑا چتر فر زانو دے وچ کرے بگاڑ موذی مادہ کرے فرار گوڑیاں نون دیوے تصدیح </p>
--	--

کاغذی مٹھا تیلیہ لا
 دو ترے اس نوں کو جلاب
 جیکر مرض زانو دی خشک
 پٹھیاں نوں لگ جاوے کھج
 جو روغن ہوئے مذکور
 گرم پانی وچ رنت نہا
 سائیں بخش کیتی ایہ کار
 سبب جے بلغم خالص سرد
 مالش کر رنت مٹھا تیل
 سنڈھ سورج دار چینی لے
 کٹ چھان وچ شہد ملا
 ہر ہفتے وچ ہک جلاب
 حرمل ترے اجوین گھوٹا
 تیل مٹھا گھت گرم کرا
 مالش روغن گرم کرا
 تیل مٹی دا رنت لگا
 چار تولے گلقد منگا
 کھاے اس نوں جدوں بیا
 کرے جے ایسوں استعمال

دو ترے دفعہ نہ ہے ہوا
 خارج مادہ کرو خراب
 ہے رطوبت دا نہ مُشک
 ہووے سخت نہایت زنج
 مالش کر چھ ماہ ضرور
 دیگ عظیم حمام کراہ
 ہوئے کئی شفا بیمار
 ہووے گوڈیاں لے وچ درد
 پیہہ کے نال سورنجاں میل
 پیچ پیچ تولے دارد ترے
 چھ ست ماشہ رنت کھوا
 حب ایارج دیہ شتاب
 پانی تھوڑا جیہ ملا
 گوڈیاں تے پڑ بنھوا
 دیوے اس نوں رب شفا
 روغن نال ارند ملا
 سقمونیا ماشہ ہک ملا
 ہوون درداں جلد فرار
 شروع ہوون اس نوں اسہال

درد جیکر دیوے تکلیف
 شدت اس دی کرے خفیف

وَجَعُ الْكَتِفِ

الحمد لله

مونڈھے دے دوج ہوئے پیڑ
 راتیں دینہ آرام نہ آئے
 درد بازو دوج مارے ڈنگ
 مونڈھے اُتے گل لگا
 نال استریے کچھ لواء
 ست دھاڑے ٹھک لگا
 اٹھویں کاغذی لٹیں آثار
 ٹٹنگہ کراں بیان لاثانی
 انبرول کٹ لے جوشا
 انبرول دی دیو بھانس
 پیٹھ انبرول بٹھا
 سرد دوا ایہ نال وقوف
 مالش کر بت کھڈ داتیل
 چالی روز کر استعمال
 مونڈھے دوج جے ہوئے درد
 پانی دوج اجوین گھوٹا
 پیٹھ بٹھ عقل لے نال
 سورنجاں مٹھیاں خوب گھوٹا
 مالش کر بت اوپر درد
 پورے سارے بازو دوج چیر
 درد نال روگی کر لائے
 ہوئے بہت طبیعت تنگ
 گوتر دوج جے پال گھسا
 رموں آلودہ کر چڑا
 کاغذی چنگی طرح پکا
 پھیر لگا گوکا گھیو ساڑ
 نہیں دوا کوئی اس داثانی
 کر کے صاف نطول کرا
 بنگل مار ننگا مکھ سانس
 گھوٹ پانی دوج خوب پکا
 ہوئے پیڑ شتاب موقوف
 روغن نال ازندھی میل
 دیوے مونڈھیوں درد نکال
 مادہ اس دا ہوئے سرد
 تیل مٹھا گھت گرم کرا
 دو ہفتہ کر استعمال
 تیل مٹھا گھت گرم کرا
 زائل کرے جے ہوئے سرد

سبب از تش

ہاوند
 تیل
 فرا
 حالہ
 ویک
 مایل
 روغن
 نت
 سایہ
 شدہ
 درد
 جاوہ
 مقرو
 زخم
 سیٹ
 دودہ
 جد
 زخم
 سبب
 قصد
 وکال

ہا بونہ الہی میسقی لیا
 تیل مٹھا گھت گرم کرا
 خراسانی اجوین منگا
 خالص دج شراب گھوٹا
 ٹوٹکے ہے ایہ دانگ طلسم
 ماہل کنگنی ترے اجوین
 روغن دار بھانڈے دج پا
 نت اس نوں مالش کروا
 سائیں بخش ایسنوں آزمایا
 شدت درد جے کرے حکیم
 درد اُتے جھب کرے طلا
 بادے درد پرانہ ہو
 مقروضی دارو اس تے لا
 زخم جدوں ہو جائے جاری
 پیٹ کبوتر دی لے رائی
 دودھ انجیر دے دج گھوٹا
 جد اُس جگہ زخم ہو جائے
 زخم دیر تک رکھو جاری
 سبب جے ہووے خونی ادہ
 فصد نال کر خارج خونی
 جوکاں سنگیاں اس تے لا

پانی ڈال کونڈے رگڑا
 درد اُتے پٹہ بنھوا
 دانے حرمل نال طلا
 سخت درد تے لیپ کرا
 دیوے فیض درد ہر قسم
 حرمل ادھ ادھ پاسب لین
 پیتال جنتر نال تیل کڈھا
 روغن نال ارزہ طلا
 بہت نہایت فیض اُٹھایا
 دودھ دج اک دے گھس ایم
 دیوے جلدی نفع پہنچا
 نفع نہ بخشے دائد کو
 دیوین اس تے زخم بنا
 خارج ہووے کل بیماری
 ہک ہک تولہ دو دوائی
 درد مونڈھے تے لیپ کرا
 گھیو ساڑ کے نت لگا دے
 زائل ہووے کل بیماری
 ہووے گندہ خون زیادہ
 جیڑا گندہ بہت زبون
 دو ترے دفعہ نہ دیر لگا

گندہ خون جد ہودے دفع دردوں جلد ہو جائے دفع

ٹوٹکہ دہقانی

ٹوٹکہ کراں بیان دہقانی
مریض جیکر ہودے مسکین
بول کھیرے چھترے دایا
پاک دودھ بھیڑ دج گھت
کرے جے ایس نوں استعمال
بقرہ پیڑاں دج لاثانی
دیہہ اُس نوں ہودے مسکین
پک چھٹانکی وزن تولا
پیوے نت دھاڑے ست
فضل کرے رب ذوالجلال

دج العقب

جیکر پب یا اڈی دج
پتر اک دے توڑے آ
تھلے جوتی دے دج گھت
یا اک دے پت گھت پخوڑ
آٹھ دس دینہ کر استعمال
جیکر درد پیراں نوں دم
صافن رگ دا فصد کرا
جیکر سوزش پیراں دج
کوڑیاں چیزاں گھوٹ پلا
یا کوڑے دارو کرو فقوع
آلو اہلی ترش انار
کرے کسے نوں درد جے نہج
تیل مٹھا لا گرم کرا
جادے درد نہ آوے وت
تیل مٹھا گھت کرو ٹکور
دیوے اڈیوں درد نکال
سبب خون دے مادہ گرم
گل روغن سرکہ نت پلا
کرے نہایت ڈاڈا زج
دو تولے نت ماکھوں پا
مصری ڈال رکھو نت شروع
فقوع کر پیوے نت بہار

سکین
نوشا
کھا

داعا
بھار
ہے
کر مع

سبب
سبب

پک

میعون

میون

ہر ماہ

عرق سو

مالش

مکھن گھ

جد ہودے

میں

طبع

شیرہ کاسنی نال پلا	سکنجین اس رنت پلا
وزن برابر دارد پیس	نوشادر آملہ سار کسین
گوکے مکھن نال نہار	کھاوے ہک رتی مقدار

داع الفیل

ہاتھی دانگ ہو جان پران	داع الفیل مرض اودہ جان
ہوون اس دکھ نال علیل	بھارے موٹے قدم جیوں فیل
کرے روگی نون بہت لاچار	ہے ایہ مشکل سخت آزار
کس سبب دکھ ہو یا پیدا	کر معلوم علامت ویدا
کر خارج سبب خون زبون	سبب ہے ہووے گندہ خون
کر توں چنگی طرح صحیح	سبب ہے ہووے بلغم ریح
تنقیہ اوس نون دیوے نفع	ہک مہینے دج ترے دفع
پچھوں سوئف دا عرق پلا	معمون پودنہ رنت کھوا
کمون کوے مرض نون دفع	معمون فلاسفہ دیوے نفع
ہووے موزی دفع پلا	ہر ماہ دج دو قے کردا
سرد پانیوں پرہیز کردا	عرق سوئف دا بہت پلا
روغن نال ازبڑی میل	مالش کرو بالونہ نیل
مت خشکی اُس جاے دھا	مکھن گھیو نہار کھوا
مادہ موزی کر اخراج	جد ہووے مرطوب مزاج
کر تنقیہ استعمال	چھ مہینے تا یک سال
تان ہووے مادہ خفیل	طبع موافق کرد تعدیل

دفع

ثانی

سکین

تولا

ست

لجلال

نسج

کرا

وت

مکور

نکال

گرم

پلا

زج

پا

شروع

نہار

دَوَالی

مرض دوالی پلبیاں دوج کنڈل مار ناڑاں پھل جان گرمی سردی سمجھ مزاج موافق اس دے طبع مزاج مالش مسهل یب نطول داء الفیل دا جو دستور مالش گل ردغن کردا جوشانت پسیک کرو نطول مینے دوج دو ترے جلاب سمجھ علامت مودی مادہ	آن کرے ناڑاں تول زنج وانگ سپولیاں نظری آدن کرتوں اس دا خوب علاج مادہ مودی کر اخراج طبع موافق کرو درجول اوہو اس دا کرو ضرور بابونہ روغن نال بلا محلل کرو ضماد رنجول طبع موافق کرو شتاب کہ اخراج جے خون زیادہ
--	--

بیان حمیات

تا پاں دی ترے قسم پکھان جئے یوم ہودے جد شروع اصلی جئے یومی تاپ کہ دو روز ترے یا چار ہودھویں روز یا ہودے دور جیکر اس تھیں ددھے زیادہ	جئے یوم - حلطی - دق جان رکھے نال تعلق روج ٹٹ جاوے مہلت تے آپ یا آوے یک ہفتہ دار ہے نہ جئے دوج تصور کرے بگاڑ غلط دا مادہ
--	--

ادھ تب غلطی کن حکما جد غلطیاں دج پورے قصور تب دے نال تعلق دل حرارت غریبہ شعلہ مار حمی یوم دے قسم پچیس دو قساں تب دق پچیان	کھڑے دج جسم دے آ حمی غلطی کرے قصور رکھ دے پھیر دے دج بل دیوے دل دی طبع بگاڑ غلطی تب دے قسم پینیس حقیقی غیر حقیقی جان
--	---

بیان نام و سبب حمی یوم

و کھو دکھ سناواں نام استضافہ اس دا نام بھکھ ترہہ تھیں پیدا ہو دیوے ضعف کرے کم طاقت تعبیہ رنج کرے جے کو پاؤے اندر عقل زوال غضبیبہ غضبوں کرے ہویدا سبب بے خواب ہوئے بیمار فرعیہ خوف کسے نوں آوے آوے خواب اس با بوجہ حساب دج جسم دے آن کھلوے یا کوئی تیز یا سخت دوا نال بدن دے کرن ملاپ	حمی یوم پچیس اقسام سبب تاپ جے بند مسام جو عیبہ عطشہ ایہ تب دو استفراغیہ بعد فراغت تخمیہ بد مضمی تھیں ہو وہمیہ وہم جو کرے کمال غیمیہ غم تھیں ہووے پیدا سہریہ تاپ جو رہے بیدار سیدیہ سدہ تھیں ہو جاے نومیہ بہت کرے جو خواب حریریہ جدوں حرارت ہوے پاؤے مخالف جدوں غذا فدائیہ دواشیہ ایہ دو تاپ
--	---

دل زنج
مری آدن
ب علاج
اخراج
و رنجول
کرو ضرور
نال ملا
و رنجول
و شتاب
خون زیادہ

دق جان
تعلق روح
ہلت لے آپ
ہفتہ وار
دج قصور
غلط دا مادہ

بہتا فکر کرے انسان
 غشیہ غش تھیں کرے ظہور
 جد کوئی پیوے بہت شراب
 نزلیہ شدت وقت زکام
 درمہ تپ ہووے جد ورم
 جد سردی بہت لگے انسان
 وجعیہ سخت درد جد ہووے
 تشفیہ ترک جو کرے ریاضت
 جے کوئی کرے ریاضت سخت
 جٹی یوم پچیس اقسام
 بہتا گرم ہووے جد رُوح
 یا نہو جاوے بند مسام
 یا کوئی سخت دوا غذا
 یا دھپ سخت یا آگ داساڑ
 سبب ہوا یا پالا سخت
 سبب درد یا پھوڑا ورم
 سبب تریہ یا زیادہ بھکھ
 سبب خواب یا بہت بخوابی
 سبب یا ریزش نزلہ خام
 سبب خوب فکر یا غم
 سبب رنج یا وہم خیال

فکریہ پیدا ہووے آن
 اڈ جادے چہرے دا نور
 چڑھے خمریہ تپ شتاپ
 آن جسم دج کرے مقام
 کردا بہت جسم نوں گرم
 سرمیہ حاضر ہووے آن
 آن جسم دے دج کھلوے
 ایہو اس دی خاص شناخت
 چڑھے ریاضیہ تپ یکلخت
 رگن کے سب سنائے نام
 جٹی یوم ہووے تد شروع
 یا لگ جاوے سخت زکام
 کرے بگاڑ معدے دج جا
 کرے جسم دے دج بگاڑ
 سردی اثر کرے یک لخت
 کرے تپ رُوح نوں گرم
 دیوے تپ جسم نوں دکھ
 کرے تپ دج بدن خرابی
 کرے تپ دج جسم مقام
 دیوے رُوح نوں تپ الم
 رُوح نوں تپ کرے بد حال

یا حدود زیادہ استفراغ سبب یا غش یا ضعف نہایت پیوے یا کوئی بہت شراب سبب یا بدھمی تھیں تاپ یا طاعون یا تاپ دہائی جو ہووے معلوم سبب نال طریقے پیر استاد اول کرد پچھان مزاج گرمی سردی کر کے دھیان نبض قارورہ کر و شناخت	ضعف دیوے دل بگر دماغ ہووے تپ دی سخت شکایت یا غصیوں تپ چڑھے شتاب اکوے روگی کرے درلاپ پاؤے روح دے دج تباہی کہ توں اس دادر و جھب قاعدہ کلیہ رکھیں یاد طبع موافق کرو علاج نال علامتاں لے پچھان حال حقیقت کر دریافت
--	---

علاج حمی یوم

حمی یوم ایہ سادہ تاپ عاجت نہیں اس بہت علاج سبب ہے ہووے بند ماسم بھانس دیو پانی کر گرم گرم جگہ دے دج بہا گلقد تازہ اس بت کھوا جیکر کھنگ نہ ہووے نال	دفع ہووے منزل تے آپ جائز مدد کرن مزاج مل گوگا گھیو بدن تمام سخت ماسم ہو جادن نرم جتنے ذرا نہ لگے داء الاجی دانہ نال ملا سکھیں کر استعمال
--	--

بنفشہ شربت نیلوفر
وقت تریہ پلایا کر

ہے آن
را نور
شتاب
مقام
گرم
آن
دے
شناخت
شناخت
نام
نوع
نکام
بج جا
بگاڑ
نخت
دل گرم
س دکھ
ن خرابی
مقام
پالم

نسخہ عرق آور

نوشادر ماشہ یک منگا	شورہ ماشہ چار ملا
پانی پندراں تولے ڈال	سرکہ دو تولے گھت نال
تھتے اس دے ترے کروا	یک یک گھنٹے بعد پلا
مڑھکا جدوں پھوے اس جاری	ہووے تپ دی رفع بیماری
دیہہ اس نوں اینٹی فیبرین	نال پانی دے رتی تین
مڑھکا بہت نہایت آفے	جلدی بہت بخار و نجافے
پاشو یہ اس نوں کرو ضرور	سر دا درد پھوے اس دور
گل روغن بابونہ گل	جان مسام شتابی کھل
سبب دھپ یا اگ داساٹ	گرمی تھیں تپ کرے جگاٹ
آلو انبلی کرو نقود	مصری ڈال کراؤ شروع
پنڈے گل روغن ملوا	گوکا مکھن نال ملا
دھنیاں صندل مشک کاٹو	گھوٹ بدن تے ملو ضرور
تاپ جے چڑھے زکام	گرے سینے تے نزلہ خام
پچی ریزش کھانسی نال	نکھلے بہت کرے بد حال
ریزش کا ہڑے نال پکا	بنفشہ سونف ملٹھ جوشا
گاد زبان گل نیلوفر	نال جوشاندے شامل کر
کھنڈ سفید تھوڑی جیہی ڈال	کر کچھ مدت استعمال
سبب جے سردی باد ہوا	ہووے تاپ کے نوں آ
سونف منقہ دیہو ادیاں	ماکھوں دو تولے دے ڈال

عرق

دیہو

عرق

گرم

بد

انار

ترش

قبض

غش

تھیر

شربت

بد

مشک

رہ

بھی

سبب

سر

بیکر

تاپ

بعض

کی

بیمہ

کے

منہ

کالف

جی

ہے

کر

ہو

عرق سونف دا شہد ملا
 بدھمی تھیں جیکر تاپ
 نفخ شکم نوں دیوے رکھج
 دیو پودنہ سونف اوبال
 کچھ قدرے تازہ گلقد
 عرق پودنہ سونف اجوین
 گرم شکم نوں کر مکور
 بدھمی جے گرمی نال
 انار دانہ آملہ منگوا
 ترش انبلی ترش انار
 قبض شکم وچ کرے خرابی
 غش تھیں تاپ کسے نوں آوے
 شربت صندل عرق گلاب
 بید مشک دا عرق ملا
 مرہ بھی تے سیب کھوا
 سبب سردی دا جیکر غش
 جیکر تاپ نہ ہووے نال
 جفضل کیسر لونگ پسا
 پیہہ کے منہ اُس دے وچ ڈال
 مخالف جیکر پوے غذا
 جے کر ہووے گرم سبب

عوض پانی دے اوس پلا
 ہووے کرے روگی ورلاپ
 ہووے بہت طبیعت زچ
 زیرہ دارچینی وچ ڈال
 نال جو شانڈے کر دیونہ
 سکنجیس گھت دیہہ دن رین
 دیوے رتج شتابی توڑ
 ترش دوا کر استعمال
 نقوع کر کے اس روز پلا
 سکنجیس دیہہ رت نہار
 دیہہ اس نوں تلپین شتاب
 ضعف ہووے دل گوے کھاوے
 روح کیوڑہ پیہے گھت آب
 مصری کوزہ نال ملا
 ورق چاندی دے نال ملا
 آوے ہوش جاوے اُس نس
 گرم دوا کر استعمال
 دو دو رتی وزن تلا
 دیہہ منقہ سونف اوبال
 گرم یا سرد ملا تیز دوا
 سکنجیس گلاب ملا وچھب

جیکر سرد دیوے تپ زور
 سونف پودنہ زیرہ ڈال
 چھ چھ مائے ترے دوا
 دیگی دے وچ گھت او بال
 روگی نول ایہ روئے پلا
 تپ بے ہووے سرد ریاچ
 تاپ سبب جے استفراغ
 مقوی جگر اس کریں دوا
 مرتبہ بھی دیہ اُس سبب
 مرتبہ آملہ دیہ گلقد
 عرق کیوڑہ عرق گلاب
 سبب تاپ دا وہم یا غم
 شربت صندل رنت پلا
 سبب تاپ دا جیکر ورم
 یا ترہیہ بھکھ یا نیند بے خوابی
 جس سبب تھیں پوئے فتور
 درد پیڑ یا موزی مرض
 یا طاعون یا تاپ و بائی
 یا ماما خسرہ کرے ظہور
 اصلی مرض دا کرو علاج
 جد اصلی مرض رفع ہو جائے

پاوے وچ بدن دے شود
 منقہ شامل کر کے تال
 منقہ دو تولے وچ پاء
 کر کے صاف ماکھوں وچ ڈال
 دیوے گھنڈا تابچہ اوڑا
 عرق سونف دیوے اصلح
 ضعف دیوے دل جگر دماغ
 مقوی دل بت دیہ فدا
 نال ورق چاندی کر زیب
 ورق طلا کر نال پیوند
 شربت صندل میل شتاب
 یا کچھ غصہ سخت الم
 گاؤ زبان دا عرق پلا
 سخت گھنیر یا پھوڑہ گرم
 پاوے اندر جسم خرابی
 کر اس نول ہر چیلے دور
 تاپ ہووے جس دکھ دا عرض
 پاوے اندر جسم تباہی
 پاوے تپ اس نال فتور
 تال ہووے تندرست مزاج
 مرض حاضی نظر نہ آدے

و
 ق
 ح
 دا
 ر
 لا
 س
 سید
 مطہ
 بلغمی
 عفر
 جے
 دو
 تاپ

بیان تب خلطی

خلطی تپ قسم ہے چار
 فعلوں موجب پینتی نام
 دائرہ آوے دورے نال
 باہر رگال جے تپ دامادہ
 وچ اعضاواں کرے بگاڑ
 قوت بدن اس کرے تحلیل
 جد پھر مادہ جمع ہو جائے
 داخل رگال لے وچ مواد
 رہے لزومت تپ دی دلم
 لازم محفوظا رہے مدام
 سبب تپ دا جیکر خون
 مطبقہ ہے اس تپ دانام
 بلغمی تپ رہے لازم دلم
 صفراوی ہر قسم دا تپ
 جے خالص صفراوی مادہ
 دو بے دن مڑ نظر آوے
 تپ ترثیا اس دانام

چونہ خلطوں تھیں کرے بگاڑ
 دائرہ لازم حسب مقام
 لازم رہے دائم ہر حال
 کرے نقص بہت زیادہ
 دیوے دورہ شعلہ مار
 ہو جاوے تسکین علیل
 مڑ نوبت دورے دی آئے
 گندہ ہوئی کے کرے فساد
 وچ جسم دے ہر دم قائم
 نوبت شدت کرے تمام
 ہووے گندہ بہت زیوں
 کرے عفونت خون تمام
 وچ بدن لے ہر دم قائم
 نال رعب لے کرے ملاپ
 یک دن آوے بہت زیادہ
 تریجے مڑ حاضر ہو جائے
 اکھن ہندی لوک تمام

جے بلغم نال مرکب ہو
 بہت دیر تپ رہے کھلو

لازم رہے شامل ہر حال جد صفراوی ہووے حدت غیر طبعی سبب سودا تاپ ربع اس نام شناس تاپ ربع دو قسمال جان ہک دن چڑھے دو روز نہ آئے ربع دائرہ اس دا اسم ربع لازم قائم ہر حال	نوبت شدت کرے کمال کرے وقت نوبت دے شدت ہووے تاپ شروع جد آ چوتھیکہ کن عوام الناس دائرہ لازم کریں پچھان مڑ چوتھے دن بدن تپائے بہت دیر تک ہے وجہ جسم چڑھے چوتھے دن شدت نال
---	---

بیان تب مطبقہ دموی

مطبقہ تب ہک سخت آفات جدوں عفونت پائے خون ایہ تب شروع ہووے تب آ خون گندہ جد کرے بگاڑ چہرہ سُرخ نہایت گاہڑہ پہلاں لے کے نام خدا پچھوں دیہ شربت عناب آلو انبلج رات پوسا جیکر قبض شکم وجہ ہو	ہکوجیہا رہے دن رات ہووے گندہ بہت نریون داخل وجہ عروقال ساڑ پوے جسم سائے وجہ ساڑ اکھیں سُرخ ہوون سر بھارا باسلیق دا فصد کرا نال بلا نت عرق گلاب فجر پلا نت مصری پاء دیہ ملیں اس نوں کو
--	---

جیکر کھنگ نہ ہووے نال
ترش چیزاں کر استعمال

بہت کھوا سنگترہ انار
 جیکر کھانسی شامل ہو
 دیہ توں اس نوں اوہ دوا
 بنفشہ صندل بور عناب
 جے بلغم نال مرکب ہو
 کراں بیان عجیب دوا
 چراتہ پاپڑا افسنتین
 گلو تازہ ترے ماشے ڈال
 نظر جے آوے خون زیادہ
 جیکر ہووے لڑکا یا ل
 دموی تاپ جان دو قسم
 جیکر خون عفونت پاوے
 جے باہجہ عفونت کے فروش
 سوکھس اس تپ دانام
 دموی مادہ مارے جوش
 علامتاں دموی ہون ظہور
 شربت رنت انار پلا
 آلو انبلی کرو نقوع
 شربت آلو کر کے تیار
 بنفشہ شربت نیلوفر
 قے نال صفرا اخراج

زنبو گاجراں دا آچار
 چیزاں ترش نہیڑے ڈھو
 خون گندہ جو کرے صفا
 کر کے دیہ نقوع شتاب
 بہت مدت تپ پے کھلو
 دیوے تپ دی بیخ اکھا
 دو دو ماشے دارو تین
 نقوع کر کے استعمال
 فصد نال کر خارج مادہ
 نال جوکاں مے خون نکال
 کرے بگاڑ بہت دھج جسم
 مطبقہ تپ اوہ نام رکھا
 خون بدن دھج مارے جوش
 کہن حکیم طبیب تمام
 سوکھس تپ کرے بیوش
 باہجہ عفونت کرے فتور
 سنگجیں پانی دھج پا
 مصری ڈال کراؤ شروع
 اس نوں رنت پلاڈ نہار
 روغن کر د ماش کر
 کر ایہ عمدہ بڑا علاج

گرم پانی دے نال دلا
رکھ ہمیشہ اس نوں شروع

سکنجییں دی قے کردا
ہور شربت شیرہ سرنقوع

بیان تپ غب دائرہ خالص

دساں اس دے خاص نشان
مُڑ تریجے دن بدن تپا دے
بہت پیاس لگے اس آب
نوبت وقت طبع گھبرا دے
آون کرن سخت بد حال
سرنوں درد دیوے نقصان
دج بے ہوشی کرے بکا
کرے تعفن دج اعضا
پاون رنج عفونت نال
کرے تعفن دج اعضا
ٹٹ جاوے منزل تے آپ
یا آوے نوبت ست دار
ہووے تپ دی رفع شکایت
پاوے سخت نہایت شور
فجر پلا رنت مصری پاو
خارج کر موزی صفرا
دفع کرن صفرا دا سار

دائرہ غب دا کراں بیان
ہک دن چڑھے دو بجے نہ آوے
سرکن تلخی زرد پیشاب
اوبت آون تے جی متلا دے
زرد رنگ دی قے اسہال
مُونہ کوڑا تے خشک زبان
دل نوں بہت ہووے گھبرا
غیر طبعی موزی صفرا
جیونکر معدہ جگر طحال
ایہ مادہ مفرد صفرا
غِب دائرہ خالص تاپ
ترے نوبت آوے یا چار
مدت نوبت باراں ساعت
دورہ غب جے دیوے زور
آلو انبلی رات پوسا
سکنجییں دی قے کردا
شرش زیتو سنگترے انار

<p> سکنجین تازیہ تے گلقد خرفہ کاسنی تخم لے کھیرہ جیکر ہووے قبض نہایت گھوٹے والی دیہہ تیلیں بنفشہ کدو مغز لے آ گھوٹ پانی وچ داوچار شیرہ اس دا صاف کرا دو ترے داری ایہہ تیلیں جیکر خواہش کرے غذا گاجر لیموں دا آچار کھچڑی دیہہ مونگی دی دال گشت مچھی مرچ نہ دیہہ </p>	<p> دائرہ غیب وچ فائدہ مند گھوٹ پلا مصری گھت شیرہ وچ شکم دے درد شکایت خارج کر صفرا لعین کاسنی پھل گلاب ملا دو دو ترے دا مقدار مصری ڈال اس ترت پلا دیہہ توں اس نوں نال یقین دیہہ ترشی کر کے ہمراہ غلغل آملہ دا ہر بار یا چاول اس دیہہ اوبال رکھیں یاد نصیحت ایہہ </p>
--	---

بیان غیب لازمہ

<p> لازمہ غیب جے کرے ظہور بلغم نال بے صفرا تعفن کرے رگاں دے وچ داخل وچ عرقاں مادہ دو جے دن کچھ رہے لزومت وقت چڑھائی لگے پالا جیکر بلغم ہووے شور </p>	<p> کر معلوم جیویں دستور داخل ہون عروقیں جا نوبت وقت کرے تپ زج ہک دن ہووے بہت زیادہ تریکے دن مڑ کرے نصومت شدت وقت ہووے دل کاہلا دیوے دورہ سخت مروڑ </p>
--	---

بلغم شور حکم صفرا
 جے غالب ہووے صفرا
 اچوں بدن رنگین پیشاب
 بدنوں سرنوں چڑھے بخار
 جے بلغم دا ہووے زور
 گھولی بہت اس خواب
 رے جیکر کچھ بلغم خام
 شروع نوبت دج لرزہ آوے
 غلبہ جیٹری کرے کیفیت
 کیفیت موجب کرو علاج
 اٹھتالی ساعت نوبت تاپ
 بلغم نال جے کرے ملاپ
 جب تک بلغم نضج نہ کھاوے
 جیکر حکم خدا دے نال
 یا نکسیر آوے یا عرق
 منضج دے کے کر تلیسین
 تپ غلب نال جے ہووے کھنگ
 بنفشہ سونف ملٹھ جوشا
 ترش نہ دیویں کوئی چیز
 چراتہ کرٹو گلو جوشا
 ترے ترے ماشے دامقدا

رکھے آکھن کل حکماء
 تلخی بہت ہووے گھبرا
 آون سُفنے بہت خراب
 سرنوں درد ہووے بسیار
 دورہ بہت ہووے کمزور
 پھیکا ذائقہ بہت خراب
 ہون درداں جسم تمام
 دل نون دھوپ نہایت بھاکے
 معلم اس دی کرو ماہیت
 موافق جیٹرا طبع مزاج
 مُڑ ہولا ہو جاوے آپ
 بہت دیر تک ہے غلب تاپ
 ہرگز بدنوں تاپ نہ جائے
 بحران ہووے تے یا اسہال
 تپ غلب تھیں جھب ہوئے فرق
 دیہہ مُڑ شربت افسنتین
 بلغم نکالے چٹے رنگ
 نت پلا مصری دج پا
 ایو رکھیں یاد تیز
 پیوے نت دج کھنڈ ملا
 پیوے کر کے صاف نتا

سبب ہے ہودے بلغم شور
 رنگ چہرے دا پیلا زرد
 شربت لیموں رنت پلا
 بہت صفرا جے کرے لاچار
 جیکر اس نول قے کراویں
 سنگجیں کر استعمال
 ترش انار دانہ کھوا
 بہت دیر غب ہے جے تاپ
 ہک ہک رتی قدر کوبین
 ایہ نسخہ آزمودہ کار
 بہت نہایت فیض اٹھایا
 کوڑیاں چیزاں رنت جوشا
 جے اوس ہتھیں پیرس دم
 یا دیویں شربت دینار
 عرق سونف دا بہت پلا
 ہر ہفتہ دے کے تلین
 بلغم منضج نال پکا
 جاوے دکھ پُرانا ہو
 ایہو کر اس دی تدبیر

یا ہودے صفرا دا زور
 شربت دیہہ بزوری سرد
 کٹ سٹے مودی صفرا
 رنت کھوا سنگترے آنا
 فائدہ جلدی نال اٹھایں
 آلو انبلی پانی ڈال
 روگی نول ہر روز چٹا
 کرے جے بلغم نال ملاپ
 عرق سونف وچ دیہہ دن پین
 سائیں بخش کیتا کئی بار
 ہرگز کدے خطا نہیں پایا
 دیہہ اس نول وچ شہد بلا
 شربت دیہہ بزوری گرم
 یا دیہہ درد نہ رہے آزار
 سرد پانیوں پرہیز کروا
 خارج کرد ہواد بعین
 ہر ہفتہ شہل کروا
 بہت دیر جے رہے کھلو
 حق اس دے دج ہے اکیر

دیہہ غذا اس نول بخود آب
 چاول دیا یا کش کاب

نسخہ تپ غیب لازمہ کہنہ

تپ غیب جیکر بہت پُرانا نسخہ مجرب کراں بیان گشتہ ابرک مُشک کافور ترے ترے ماشے دامقدار ترے ترے رقی دامقدار وزن خود اک ایہ مرد جوان ایہ نسخہ آزمودہ کار	رہے بدن وچ مل ٹکانہ رہے نہ تپ دا نام نشان کونین ست گلو ڈال ضرور لے کے میل دوائیں چار کھاوے فجرے نت نہار عمر موافق بال نادان ہوئے بہت شفا بیمار
--	--

بیان شرط الغیب

جے دونویں غیاں مل جاوَن شطر الغیب اس تپ دا نام ایہ تپ چڑھے جدول انسان اوکھا اس دا سمجھ قیاس پہلاں کر کے خوب دھیان غلبہ جس دا نظری آ جے مادہ لائق اخراج جے مادہ لائق تبدیل خفیف مواد جے لائق عرق جے مادہ وچ جگر جگاڑ	آپو اپنا ضرر پہچا دَن دائر لازم حسب انتظام مشکل آوے وچ پچھان کرے طبیب دا ناشناس غالب لے مواد پچھان طبع موافق کرو علاج منضج مُسہل قے علاج طبع موافق کرو تعدیل کر تدبیر ہووے جھب فرق کر کے دیویں اس نوں ادوار
--	--

<p>غیب لازمہ وانگو کرو علاج شریت دیوس رنت بزور</p>	<p>سمجھ کیفیت طبع مزاج ہو دے تاپ پورا نہ ہو</p>
<p>نسخہ مجربہ صدری سائین بخش حکیم</p>	
<p>ہک صدری نسخہ لکھاں ضرور تولہ ورقہ لے ہڑتال کھل دے وچ کھل کرا جد اوہ ہو دے کرڑہ آ سو تر تولے چار ولا گولہ پیالی وچ رکھاؤ جد اوہ گولہ سرد ہو جا ریج رقی دا وزن کھوا بہت نہایت نفع دکھاے کڑو چرائتہ افستین عرق سونف دا رنت پلا</p>	<p>رہے نہ تپ دا ذرہ قصو پنج تولے اک دا دودھ ٹال اک دا دودھ سب جذب کرا گولہ فلولہ پکڑ بت سرتے کوئلہ اک رکھا جھتھے اس نہ لگے واؤ پیہ کے ڈبی وچ رکھا قدرے کھنڈ اس وچ پلا تاپ پُرانہ دور ہو جائے کاہڑ پلا ایہ دارو تین پانی تھیں پرہیز کرا</p>
<p>بیان تپ محرقہ</p>	
<p>مُحرقہ تاپ بڑا ہک سخت گرم تیز صفرا دا ساڑ مُحرقہ تپ ایہ بُری آفات نور دیوے جد بہت بخار</p>	<p>پیدا آن ہو دے یک سخت جگر معدے وچ کرے بگاڑ کرے قوت بدن دی مات ترپے مچھی وانگ بیمار</p>

پھرے بدن وچ نہری مادہ
عقل ہوش وچ پوے فساد
تے دست ہو جاوَن جاری
گھوکی دانگ ہوئے سرسام
پوے جگر دل دے وچ ساڑ
سرگن ترہیہ تلخی گہراے
کوڑا ذائقہ زرد دِلان
زردی رنگ قارورہ آئے
رنگ اکھیں چہرے دا زرد
جیکر پوے ردی بحران
جیکر دسواں روزہ لنگھائے
تے دست اس بند نہ کر
ایس تاپ تھیں رب رحمان
مُحَرِّقہ موزی تاپ خراب
سنگنجیں کی تے کروا
شریت لیموں تڑش انار
جیکر آدن بہت اسہال
زُر شک آملہ دانے انار
قابلِ کوئی نہ دیویں چیز
سنگنجیں جے پیوے سادہ
خرنہ کاسنی تخم خیسا

ہووے تلخی طیش زیادہ
 باتان بہت کلوے بکواد
 پوے طبیعت وچہ خواری
 آوے کسے نہ وقت آرام
 اوکھا ہووے بہت بیمار
 دل نوں طیش پہنچے کر لاک
 سکے تالو خلق زبان
 ضعف پوے دل گھانا کھاے
 چڑھے بخار ہووے سرد
 اٹھویں دسویں کدھے جان
 فضل خدا تھیں صحت پائے
 بند کرن وچ بہت خطر
 بخشے رحمت نال امان
 دارو اس دا کرو شتاب
 انبی آلو بہت پلاء
 بہت مفید پون درکار
 ہووے قوت جسم بڈھال
 دیہو نقدع کر صاف تیار
 نال ہوش رکھ یاد تمیز
 کرے معدیوں خارج مادہ
 جگر وں کرے مواد ادار

<p> ترش لیموں سنگترے انار شربت لیموں آلو سیاه شربت صندل قرص کافور بید مشک تے کیوڑہ عرق بنفشہ شربت نیلو فر بہت جے ہووے حال تباہ دھنیاں کاسنی صندل بور گھوٹ پانی وچ کرو طلا تے اسہال جے آون زرد دیہ گھوٹے والی تلپین بنفشہ کاسنی پھل گلاب دو دو تولے پیوے گھوٹ جیکر خواہش کرے غذا غفل زیتو دا آچار کاغی گاجر دی جے پیوے گرم خشک کوئی چیز نہ کھاوے جیکر سر وچ درد بخار وانگ غیب سے محرقہ تاپ </p>	<p> خارج کرن بدن دا ساڑ دیوے محرقہ تاپ و نجا دیہ بنت ذرہ نہ رہے قصو میل گلاب ہووے جھب فرق پانی ڈال پلایا کر دیوے اوہ ترے عرق طلا پھل گلاب تے مشک کافور دیوے سڑکن جسم و نجا ہووے قبض شکم وچ درد دو ترے داری نال یقین مغز کرد وچ ڈال شتاب دفع ہووے جسموں سب گھوٹ دیوے ترشی نال طلا کھاوے نال غذا ہر بار بہت شتابی چنگا تھیوے مت مڑ تاپ عود کر آوے کرو پاشویہ دو ترے وار دفع ہووے منزل تے آپ </p>
---	---

پر مدد طبع دی کرن ضرور
 مت کوئی پاوے ہووے فتور

بیان تب بلغمی

<p>بلغمی تب جد کرے آغاز بلغمی تب دے بہت اقسام جے بلغم نال بے صفرا دو مادے فاسد دل جاوے دائم آون دورے نال جے دورہ کرن صبح یا شام اُتر جاوے ہووے تسکین نائبہ مواظبہ نام شناس رات چڑھے دینہ نظر نہ آئے چڑھیا تاپ رہے دن سارا بچیا رات رہے جے ساری باطن گرم جے باہر سرد تاپ لیفور یا اس دا نام باطن سرد جے ظاہر گرم انفیالوس تب نام بچیان یک اُترے دوجا چڑھ جائے شرکیہ چڑھے شراکت نال وجہ رگاں جے سرد مواد دائمی تب ثقیل اس نام لازم رہے جسم وجہ دائم</p>	<p>آوے مدت بہت دراز موجب ضرر سداون نام داخل ہون اعضائیں جا تاپ مرکب شروع ہو جاوے نوبت وقت کرن بد حال کدے تاپ تے کدے آرام مڑ نوبت تے چڑھے بعین وجہ مشہور عوام الناس اوہ تب بلی سداوے بند مسام ہووے سر بھارا آنکھن اُس نول تاپ نہاری چڑھے بخار ہووے سرد کن حکیم طعیب تمام رہے تاپ جسم تے نرم دیکھو طبیاں وجہ بیان بادلہ داخلہ نام سداوے جیونکر معدہ جگر لمحال داخل ہوئی کے کرے فاد مثل دق تشبیہ تمام کہو جیہا ہمیشہ قائم</p>
--	---

ج
تہ
فا
بلغم
جے
کا
دو
بنفہ
گاؤ
عل
دو
جیکر
جیکر

خاص حقیقی تپ دق حادہ
 فرق دوئوں وچ اتنا جان
 بلغمی تپ دی خاص علامت
 بھاویں دائرہ لازم ہووے
 نایہ نوبت دیوے دائم
 تپ دے نال جے کھانسی ہو
 ریزش خام جے ہووے نال
 ریزش سرد جے ہووے خام
 جب تک بلغم نفع نہ کھاوے
 تپ وچ ریزش پختہ آوے
 فاسد مواد جے بہت خراب
 بلغمی تپ ہر قسم پرانا
 جے کھانسی ہووے تپ نال
 کاہڑ جوشاندہ روز پلا
 دو انجیر منقہ چار
 بنفشہ ماشے پنج منقہ
 گاؤ زبان پنج ماشے ڈال
 کل پین اس وچ کھنڈ ملا
 دو ترے ہفتے استعمال
 جیکر حاجت ہو س جلاب
 جیکر شامل گرم بخار

ہووے بعد غذا زیادہ
 کبے طیب دانا پہچان
 وچ جسم نت کرے اقامت
 وچ بدن دے آن کھاوے
 لازم رہے ہمیشہ قائم
 چیزاں ترش نہ نیڑے ڈھو
 کرو جوشاندے استعمال
 منفع نال پکاؤ تمام
 تپ بدن نوں چھوڑ نہ جاوے
 شربت فائدہ بہت پہنچاوے
 دیہہ کوئی اس نوں نرم جلاب
 بیٹھے جیکر کل ٹھکانا
 ریزش خام کرے بد حال
 دیوے ریزش خام پکا
 سونف یک تولے دا مقدار
 چار عناب سوڑیاں آٹھ
 رات پوسائیکے فجر اوبال
 دیوے ریزش خام پکا
 کرو جاوے تپ کھنگ فی الحال
 کاہڑ جوشائیکے دیہہ شتاب
 آوے کھانسی پک کھنگار

اعجاز شربت اس دیوے نفع
 بیفور یا تپ جے بہت پُرانا
 باطن گرم تے ظاہر سرد
 کر کچھ مدت استعمال
 لشقہ تاپ والا بیمار
 دیو شربت رنت بزور
 پیوے شربت روز اصول
 مرکب تپ نول نال یقین
 مرکب تپ جے تائبہ ہو
 صفرا تپ وچ جے ہوئے تیز
 ہر ہفتہ یک قے کروا
 غشیہ تاپ کرے بد حال
 انقیالوس نول قے کروا
 ہر ہفتہ دے وچ یک بار
 ہتھیں پیریں جے کر درم
 شربت رنت پلاؤ بزور
 شربہ تپ نول دیوے نفع
 جے پیوے شربت دینار
 سبب جے ہووے بلغم شود
 غالب جیکر بہت صفرا
 رنگ جے ہوئے پیلا زرد

کرے کھنگ تاپ سب دفع
 ہے باطن وچ مل ٹھکانا
 رنت پلاؤ اس شربت درد
 دیوے جسموں تاپ نکال
 پیوے شربت روز دینار
 نہا ر یہ بیلہ ہووے دور
 مواظبہ بلغمی رہے نہ مول
 دیو رنت شربت افسنتین
 شربت فائدہ کرے گلو
 ہووے جلدی نال گریز
 مواظبہ نائبہ رہے نہ کا
 کر شربت صندل استعمال
 نہیں کوئی اس دے جیادوا
 ہووے انقیالوس قرار
 شربت دیو بزوری گرم
 کرے مبادلہ داخلہ دور
 کرے مواد جگر دا دفع
 جاوے بیلہ تاپ نہاری
 دیوے تاپ مرکب زور
 سکنجبین گلقد کھوا
 شربت دیو بزوری سرد

بنفشہ شربت زیت پلا
 تپ وچہ لگے تریہ نہایت
 شربت اُس نول دیہہ انار
 لعاب بہیدانہ اسبغول
 یا دیہہ شربت ترش انار
 خالص بلغمی تاپ جے دائم
 غالب ہووے مادہ سرد
 بلغم خام جے کرے بگاڑ
 سونف انیسوں افسنتین
 کُٹ پانی وچ رات پوسا
 پنج تو لے گلقد وچ ڈال
 کل پُن کر کے صاف پلا
 پلا زیت شربت افسنتین
 ایہہ بھی شربت ہے مشہور
 بلغمی تاپ جے کرے بیحال
 بہت مدت آوے تپ طول
 منقہ سونف انجیر جوشا
 سرد نہ دیویں کوئی چیز
 مرکب تاپ جے بہت پُرانا
 رہے بدن دے وچ کھلو
 دو ترے چار مہینے آئے

نیلو فر دا نال پلا
 سڑکن سوزش بدن شکایت
 دو ترے تو لے دا مقدار
 دیویں شربت دے وچ گھول
 شیرہ کاسنی تخم خیا
 رہے جسم وچ ہر دم قائم
 وچ اعضا وداں ہووے درد
 دیویں ایہہ جوشاندہ کاہڑ
 کرفس ہر یک ماشے تین
 فجرے دیگی وچ جوشا
 دیویں دو ترے ہووے ابال
 دیوے بلغمی تاپ وچا
 دیوے فائدہ نال یقین
 ہووے تاپ پُرانا دور
 پھل ماتا ہووے اسی نال
 اوکھا ہووے بہت رنجول
 دیہہ زیت اس نول شہید ملا
 ایہو رکھیں یاد تیز
 کرے جسم دے وچ ٹھکانا
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 ہرگز بلغم نفع نہ کھاے

کرے روگی دا مندا حال کراں بیان اس دا اظہار فضل خدا تھیں فیض اٹھایا ہک تولہ ست ڈال گلہ میل ماشہ ہک دیہہ دن رین دیہہ ہک تولہ نال یقین سائیں بخش کیتا کئی بار سر تپ دے وچ ماسے تیر مرکب رشقہ انقیالاس نس جاوے کرے درلاپ چھوڑ بدن تپ جاسے نس سے کٹ تاپ دا سیس دفع کرے تپ دی پریشانی کر ایہہ نسخہ استعمال پیوے گھوٹ گلہ وچ پا ہووے دائمی تاپ فراد شاہ ارزانی دا فرمایا ہووے بہت شتابی فرق کر کچھ مدت استعمال	دل سودا بلغم دے نال نسخہ ہک مخفی اسرار کئی ہزار دفعہ آزمایا تخم کر بخوہ تولے دو ترے ماشے ہاؤڑ کونین پچھوں شربت افسنتین ایہہ نسخہ آزمودہ کار ڈٹھا ایس نوں مثل اکیر لیفوریا بلیہ تاپ دیوس مواظبہ ناٹبہ دائمی تاپ کھائے نت دھاڑے دس جے استعمال کرے دن میں یاد آیا نسخہ دہقانی کنہہ تاپ جے لڑکا بال چا دل کڈھ اجوین پوسا ترے ہفتے پیوے یا چار ٹوٹلہ یاد مینوں ہک آیا دفع کرے تپ نوں راہ عرق کٹ اجوین شہد وچ ڈال
---	---

کنہہ تپ نوں دیوے دفع	بلغم باد ہووے سب دفع
----------------------	----------------------

نسخہ تپ مرکب

مرکب تپ دا عجیب دوا گلو چرائیئے افسنتین دو ماشے وچ کر دو ملا نجرے دیہہ نت کر کے صاف بے رنگ ہووے پیلا زرد بزدوری شربت کر کے تیار	دس سال دیوے رب شفا دو دو ماشے دارو تین رات پانی وچ رکھ پوسا تا پوں کرے خداوند معاف شام پلا نت شربت زرد پیویں دونویں وقت نہار
--	---

شربت گلو

ہووے بال یا مرد جوان بہت دیر تک ہے کھلو گلو تازہ چھ تولے لیا افسنتین نیلوفر لے ترے پا مصری ڈال ضرور جے غالب گرمی وچ جسم ایہ گہی ہے اسے نسخہ آزمودہ	تاپ مرکب کرے حیران فائدہ شربت کرے گلو پھل گلاب بنفشہ پا ہر یک ہوون تولے ترے کرہ قوام جیویں دستور ہووے تاپ دفع ہر قسم شاہ ارزانی دا فرمودہ
--	---

شناسی نسخہ تپ کمنہ

جے تپ چڑھے شراکت مال نسخہ ہک آزمودہ کار	جیونکر گردے جگر طحال دفع کرے تپ راہ ادراہ
--	--

<p> شناسی نسخہ ایہ مشہور قافی شورہ مرغ سیاہ شورہ کرچھی دے دج پا مرچاں گھت گھت شورہ کاہڑ جد مرچاں سڑ جان تمام جلدی پیالے دے دج ڈال نوشت در چھ ماشے دج پا وزن کھوانت رتی ست گلو زیرہ چانول اجوین کر ایہ نسخہ نال تاکید جد اس نوں ہووے ادراہ جے سر دج اس ہووے پیر جے کر خواہش کرے غذا یا کدو پاک، مونگی دال </p>	<p> تاپ پورا نہ ہووے دُور ہر ہک دو دو تو لے یا چاہڑ اگ تے خوب پکا سیخ ہلا مرچاں سب سار یک جاوے شورہ سب غام کر مڑ اس نوں کھل کمال شیشے دے دج رکھ ٹکاء مڑ کے تاپ نہ آوے دت پچھوں گھوٹ پلا دن رین پوے تاپ نوں بہت مفید ہووے تپ دا دفع انار یا شویہ حق اس دے اکیر کچھڑی دیہہ نخود آب پکا یا چانول اس دیہو اوبال </p>
--	---

نسخہ تپ بمعہ اسہال

<p> جے تپ بعد آون اسہال دشاں نسخہ بہت عجیب جیکر کھنگ نہ ہووے نال زرشک آملہ دانے انار کر کے پانی دج نقوع </p>	<p> پکڑے قوت ضعف کمال نفع پہنچاوے دشاں جھب کہ ایہ نسخہ استعمال سماق برابر دارد جاہ رکھ دو ہفتے تک ایہ شروع </p>
--	---

یا شربت اس حب الالاس مواد سبب ہے معدے ورج کہ توں اول اوہ علاج بنفشہ مغز کدو بادیان دس تولے خالص گلقد کپڑے ورج گھت صاف کرا بہت پہنچا دے نفع نہایت	رنت پلاڈ بے دسوا اس وقت مردے لگے کھج کرے مواد جیڑا افراج سنا تول تول سب آن گھوٹ پانی ورج کرو پیوند دن ورج ہک دو یار پلا کرے مرض دی رفع شکایت
--	--

نسخہ لعوق تپ و سرفہ

جے غالب صفرا طیب شروع مرکب تاپ ہو جائے ہو دے ریزش نزلہ گرم دیویں اس لعوق بنا بہیدانہ خطمی نیلوفر دو دو تولے وزن تول رات پوسا پانی ورج ڈال مل کے پُن کے صاف کرا خوب طرح کر گاہرہ قوام نشاستہ رب السوس کتیرا مغز تخم کدو بادام دو تولے خشمش سفید	بلغم نال ہو دے ترکیب کھانسی بہت نہایت آئے خشک مزاج ہوئے یا نرم چٹے اس نول صبح د عشا بنفشہ اس نے شامل کر لسوڑیاں سودانہ ورج پا فجرے دیگی ورج ادبال ادھ سیر مصری نال پلا ایہ دوا کٹ میل تمام مغز تخم کھکھڑی کھیرا ہک ہک تول وزن تمام نال ادنہاں کر شامل دید
---	--

چھ تولے روغن بادام کرد ایہ چٹنی استعمال	کر چھپی نال ملا تمام دیوے ریزش باہر نکال
--	---

لعوق مجربہ تپ و سرفہ خونی

تپ دے دھج جے آوے کھنگ خون آوے کھانسی دے نال لعوق دساں ہک فائدہ مند پوست پانی دھج جوش خوب طرح کل ہستھاں نال تریبہ تولے مصری دھج گھت کر کے چنگی طرح توام نشاستہ حب السوس کتیرا مغز تخم کدو بادام ہک ہک تولہ انت چٹا	کرے خراب نہایت تنگ روگی بہت ہووے بد حال کھانسی خون کرے جھب بند ڈیڑھ چھٹانکی وزن تولا کر کے صاف کرٹا ہی ڈال گاہڑی خوب پکاویں پت کٹ دوا ملاو تمام مغز تخم کھکھڑی کھیرا تولہ تولہ وزن تمام دیوے کھانسی خون دغا
--	--

لعوق مسہل

جے تپ دے دھج قبض نہایت کراں بیان لعوق جلاب جے پیوے پانی دھج گھول ادھ پا گودا ابلتاس ادھ سیر عرق سونف لے تول	ہووے روگی کرے شکایت چٹے آون دست شتاب دیوے قبض شکم دی گھول تازہ لے تول نال شناس گودے تول اس دے دھج گھول
---	--

چھانسی دے وچ صاف کرا دیگی گھت گاہڑہ کر قوام دس تولے خالص گلقد کتیرا مغز کدو بادام سقمونیا اصلی غاریقون تولے دو روغن بادام ریوند ترے ماشے وچ ڈال ہر ہفتہ کھاے ہک بار	باراں تولے مصری پا کٹ ایہ میل دوا تمام خوب گھوٹا کر نال پیوند ہک ہک تولہ وزن تمام ترے ترے ماشے تروی دون کٹ ملا دوا تمام مرتبان وچ رکھ سہماں وزن خوراک تولے ترے چار
--	---

نسخہ شربت برزور

مرگب جیکر تاپ پُرانا بہت دیر تک ہے وچ جسم شربت کرو تیار برزور تخم خیزہ تخم بادیاں تخم کدو تے تخم خیار بنفشہ خطمی کاسنی جرہ گاؤزبان خالص وچ گھت ہک چھٹانکی ڈال منقا رات پوسا پانی وچ ڈال پیوسے بنت پانی وچ ڈال ہے ایہ شربت مثل طلسم	ہے بدن وچ کل ٹیکانا مواظبہ ناشہ تپ ہر قسم ہر دے تاپ پُرانا دور کاسنی تخم کسبہ آن دو دو تولے دا مقدار ملٹی فافشا کالی چھڑ ہک ہک تولہ داروست مصری میلو ترے پا پکا کرد قوام عقل دے نال دیوسے بدنوں تاپ نکال دور کرے تپ گرم ہر قسم
--	--

جے تپ وچ صفرا دا زور	ہووے کرے نہایت شور
اس نول بہت پہنچاے نفع	کرے بگاڑ جگر دا دفع

نسخہ شربت افسنتین مہسل

جے تپ دے وچ ہووے قبض	تیزی بہت ہووے وچ قبض
شربت افسنتین بنا	مہسل والا قبض کشا
لے توں پا پڑا افسنتین	ہر ہکا ہووے تولے تین
تمہندی تے پھل گلاب	دس دس تولے ڈال شتاب
موزہ منقہ آلو سیاہ	ہر ہک دانے لے پنجاہ
مصری سٹھ تولے وچ ڈال	کرو قوام عقل دے نال
دزن اس دا تولے ترے چار	پیوے پانی ڈال نہار
ایہہ شربت مہسل افسنتین	کرے خارج صفرا لعین
بزوری شربت سرد تیار	کرے پیوے رت نہار

نسخہ شربت بزوری سرد

کاسنی تخم کھیرے لے آ	تخم کھکھڑی خربوزہ پاء
کٹ درڑہ کر دارو چار	ہر ہکا پنج تولے مقدار
چھل جڑ کاسنی لے دچ گھت	تول قدر وچ تولے ست
رات پانی گھت تر کروا	نجر جوشا کر صاف کرا
ترے پا اس وچ مصری ڈال	کرے قوام کر استعمال

نسخہ شربت صفرا

کراں بیان نقوع جلاب	کرے خارج صفرا شتاب
---------------------	--------------------

کراں
بنفشہ
انہلی
نقوع

شربت
شامل
انہلی

<p>اس دے جیہا جلاب نہ ہو انہلی کرد چھٹانک ہمراہ سنائی چھل ہر شتاب رات پانی دج رکھ پوسا کھنڈ چھٹانکی نال ملا کر کے تولے چار اندازہ ریوند ماشے چار ملا ہک دن وچہ ترے وار پلاں اس دے جیہا جلاب نہ کو رہے نہ تپ دی ذرا قصو</p>	<p>سبب تاپ جے بلغم شور پنج غناب، دیہہ آلو سیاہ بنفشہ کاسنی پھل گلاب تول تول وزن تول مل کے پُن کے صاف کرا گودا انہلتاس دا تازہ حل کر چھانسی نال چھنا بادام روغن چھ ماشے پائیں جیکر قبض شکم دج ہو صفرا معدیوں ہووے دور</p>
--	--

نقوع سرد

<p>رکھ ہمیشہ اس زون شروع چھ چھ ماشے شامل کر پندراں دانے آلو سیاہ دیوے تپ صفرا نکال</p>	<p>کراں بیان ہک ہور نقوع بنفشہ دھنیاں نیلوفر انہلی چار تولے ہمراہ نقوع کر کے استعمال</p>
--	--

نسخہ شربت آلو بخارا

<p>دیوے تپ صفرا ادڑا شربت اس دے جیہا نہ ہو چالی دانے آلو سیاہ</p>	<p>شربت آلو عجیب دوا شامل ہووے بلغم شور انہلی پا پکا منگوا</p>
---	--

آب سنگترہ تے آب انار ترے پاپکا مصری گھت صفراوی تپ نوں بہت لاثانی ایہ شربت اعظم اکیر صفراوی تپ دا ہونے زور	دیہ دیہ تو لے دا مقدار شربت وانگ پکاویں پت لکھیا طبیاں وچ یونانی آزمودہ سائیں بخش فقیر اس دے زہر دیوے سب توڑ
---	--

ترکیب سکنجیں بزوری گرم

بنا سکنجیں بزوری گرم جڑھاں کرفس جڑھاں بادیاں کٹ سب پانی وچ پوسا غل پین اس نوں صاف کرا سرکہ دیہ تو لے وچ ڈال جے سرکے توں رکھیں دود سرد مزاج نوں دیوے نفع	دیوے فائدہ بلغمی ورم ہر ہک پنچ پنچ تو لے آن فجری دیگی گھت جوشا ماکھوں ادھ سیر نال ملا کرو قوام عقل دے نال ایہ شربت گرم بزور بلغم باد ہونے سب دور
---	--

بیان حئی ربح

آکھن حئی ربح یونان حئی ربح قسم دو جان ہک دن آئے دو دن راحت	چوتھیا ہندی وچ زبان دارہ لازمہ نام پچھان چوتھے دورہ کرے نہایت
ادھ چوتھیا تپ دارہ ہے نوبت پختی ساعت تک ہے	

<p>جے دائم لازم رہے دوج جسم تھوڑا تھوڑا رہے ہر وقت چوتھیہ تاپ سوداوی ساڑ کئی سالان تک ایہہ تپ لے مدت نوبت چوی ساعت مجرب نسخہ کراں بیان مشک کافور شورہ اجوین ترے ترے ماشے دامقدار ہک ہک رتی دو دقتی کھاے دو ہفتے کر استعمال دائرہ لازم ریع آزار ایہہ نسخہ اعظم اکسیر</p>	<p>ریع لازم اوس دا اسم چوتھے دیوے دورہ سخت چونہ خلطاں تھیں کرے جگاڑ جلدی مادہ نفع نہ کھاے مڑا ہو جائے دفع شکایت رہے نہ تپ دا نام نشان گلو دا ست اصلی کونین! میل پوڑی بنہ رتی چار مڑکے تاپ نہ شکل دکھاے دو نویں دقت دودھ گو کے مال نسن بدنوں ڈھائیں مار تجربہ سائیں بخش فقیر</p>
--	--

شناسی نسخہ تپ ریع

<p>مجرب ہک نسخہ لاثانی دو ترے چار دفعہ آزمایا ریع تاپ ہو جائے دور نوشادر شورہ مہج سیاہ چار رتی بنت وزن کھوا نظر جے آوے گندہ خون تیز جیکر ہووے صفرا</p>	<p>بخشی ہک فقیر نشانی فائدہ وچ خطا نہیں پایا رہے نہ تپ دی ذرہ قصو ترے ترے ماشے کر ہمراہ آڑوں بوٹی بھنگ پلا خالص کر دسب لمو زبان شربت شیرہ سرد پلاء</p>
--	--

طبیعت اس دی کر مرطوب گوشت اس نوں خوب کھوا	کر استعمال گھیو دودھ خوب گوکا گھیو وافر دج یا
--	--

شناسی نسخہ مجربہ تپ راج

نوشادر شورہ صندل بُوَر تکے تڑے ماشے دارو گھت سوچا کبیر اصل افیم پوست دے پانی دج سب ہک ہک حب دو دقتی کھائے ہور مرکب تاپ ہر قسم جیکر کھانسی ہو دے نال جلدی نال دکھائے نفع	مرچاں دار چینی کا نور بھنگ مدبر ماشے ست ہک ہک ماشہ وزن حکیم چار رتی دی بخنوں حب راج مرکب تاپ دجائے دور ہو جاون وچوں جسم پیڑاں درد کرن بد حال پیڑاں درداں ہوون سب دفع
--	---

نسخہ تپ کہنہ بلغمی و راج

نوشادر شورہ قلمی لیا دودھ اک دالے تولے چار سیخ لوسے دی نال ہلا جدوں راکھ اس دی بن جائے پیہہ کے شیشی دے دج ڈال کھنڈ تھوڑی جیہی نال ہلا لکڑ پیپل دی مسواک	دو دو تولے وزن تولہ میل سجھ دج کر چھی ساڑ چنگی طرح سواہ کرا دھواں نکلتا بند ہو جائے دو رتی کر استعمال آلوں پانی گرم ہلا تاپ راج تھیں کرے بیاض
---	---

ہے ایہہ ٹوٹکے عجب دوا دیوے فائدہ تروت وکھا

نسخہ تب و اسہال و سرفہ اطفال

جیکر ہووے لڑکا بال! ڈوڑے پوست ہنگ گھوٹا کر ہک چونڈی استعمال ہے ایہہ ٹوٹکے بہت آزمودہ

تب تھوں بعد آون اسہال ٹٹکے کپڑ چھان کرا دور ہوون تب ٹھنگ اسہال اسہال اطفال کرے نابودہ

نسخہ تاپ پر سوتک

مغرب نسخہ کراں بیان بہت دیر تک رہے کھلو اس نول دیہہ ایہہ کا ہڑپلا گلو چرائتہ افسنتین چار انجیر منقہ اکھ رات پوسائیکے فجر جو شا عوض پانی دے سونف داعرق ایہہ نسخہ آزمودہ کار

رہے نہ تاپ دا نام نشان فائدہ کرے دوا نہ کو دیوے کمنہ تاپ و نجا ترے ترے ماشہ داروقین سونف تولہ شقال ملٹھ دیہہ نت اس نول شہد بلا پیوے بہت ہووے جھب فرق ہووے کئی شفا بیمار

بیان کمی دق

دق تاپ دو قسم بچیان غیر حقیقی دق بالفرض

حقیقی غیر حقیقی جان ہووے بہت پرانی مرض

<p> حقیقی دق دی خاص شناخت رکھے نال تعلق دل تعلق نہیں اس غلط نال حرارت غریبہ دل دوج جا داخل ہوئی کے دچ شریان حرارت غریبہ ہے دچ زنج رطوبت نیل چراغ مثال لاغر بہت بدن ہو جاوے شامل ہووے کھانسی نال دن دن کھانا تھوڑا کھاوے آخر دست ہوون جد جاری جید خاص علامت اوس درجے ترے دق دے ہیں جدوں شروع تپ ہووے آن دوجا درج نام ذبول مختلف تریجا درج نام پہلے دچ علاج آسان تریجے درجے لا دوا دہیہ تقویت نال غذا شورہ گوشت دھنیاں نال نمک تھوڑا جیہا دچ ڈال </p>	<p> ہووے پیدا باہم شراکت دچ رگاں دے جاوے بل لازم تاپ رہے ہر حال پیدا کرے تاپ دق آ کرے رطوبت دانقصان لے بیوست دل کھچ حرارت لاٹ جیوں بتی لال چمڑا گوشت مٹ سوکاوے ہووے قوت ضعف کمال طاقت بہت جسم گھٹ جاوے ہووے اس دی موت تیاری بعد غذا تپ مارے جوش دق ذبول - مختلف کہن اوہ پہلا درج دق جان گھٹ جاوے طاقت رنجول رطوبت کرے فنا تمام دوجے درجے مشکل جان ہووے پیش نہ جاوے کا تازہ گوکا دودھ پلا مرغ مصالحو ذرہ نہ ڈال کھائے چانول ردی نال </p>
---	---

د
 س
 طب
 چھ
 کٹ
 پچھو
 قرص
 دھنیہ
 عرق
 بنور
 فرقہ
 ایہہ

عرق
 ایہہ
 دھنیاں
 گاوڑیا
 نم
 خطمی
 کسے پاچ
 سیر پاچ

دھنیاں صندل مُشک کا قوط سرد جگہ سے دُج بیٹھا طباشیر سفید الائچی گھت چھ چھ ماشے چار دوا کُٹ پیس کر پھکی تیار پچھوں شربت نیلوفر قرص سرد اس بت کھوا دھنیا صندل نیلوفر عرق شیر نسخہ اکسیر بزوری شربت افسنتین خرفہ چارے مغز گھوٹا ایہ بھی ٹوٹکد ہے لاثانی	سینے تے کر لیپ ضرور صندل عرق گلاب سونگھا رب السوس گلو دست مصری تولے ترے منگا کھاوے چار ماشے مقدار دونوں وقت پلایا کر شیرہ خرفہ نال پلا نقوع کر بت پلایا کر دُج آزمائش ایس فقیر فائدہ بخش نال یقین پیوے گوکا دودھ پلا بجربہ کیتا ہویا دہقانی
---	--

نسخہ عرق شیر

عرق شیر نوں کر دتیار ایہ ہے عرق بڑا اکسیر دھنیاں صندل سُرخ سفید گاؤ زبان گل نیلوفر تخم خطمی تے تخم خیار ترے پا چھل کدو گھت نال بنج سیر پانی گھت پوسا	آوے تب دق سے درکار بخنچے فائدہ بے نظیر لے پھل گاؤ زبان سے وید تخم کاسنی شامل کر بنج پنج تولے دا مقدار ویہ تولے چھل پیٹھا ڈال ست سیر دودھ گھت عرق کچھا
--	---

دودھ داری بھانڈے وچ ڈال عرق شیر اس کن حکیم گرم غذاؤں کر پر ہیز	پنج چھ بوتل عرق نکال پیوے رحمت کرے کریم سخت چیز تھیں کرے گریز
--	---

نسخہ قرص بارہ

نشاستہ بکر گوند کتیرا لے دھنیاں مے مغز کدھا طباشیر الاچی چھوٹی ڈال مغز تخم خربوزہ تر خیازی لے خشکاش سفید تخم خطمی تے صندل بورہ لعاب گھت وچ ایبغول ہک قرص ہر روز کھوا	مغز تخم کھکھڑی کھیرا گل ارمنی رب السوس ملا کاہو خرفہ شاذخ مال مغز بہیدانہ شامل کر چھلکا ایبغول گھت دید ہر ہک وزن برابر پورہ قرص بنا چھ ماشے تول شیرہ خرفہ گھوٹ پلا
---	---

بیان تب جذری و حصبہ

جذری حصبہ تب دو قسم ماتا خسره والا تپ اس تب نال ایانے بال شرح اکھیں سر پڑھے بخار بہت ایانے بال نادان ہودے دودھ کمر وچ کار	ماتا خسره ہندی اسم ٹٹ جاٹے منزل تے آپ اکثر بہت ہودن بد حال سرنوں درد ہودے بسیار ڈر ڈر جاگن ہو حیران بہت طبیعت کرے بیزار
--	--

کرے عفونت فاسد مادہ دو ترمے دن آفے یا چار جے رنگ دانے سرخ سفید جے رنگ دانے زرد سیاہ گول گول دانے باریک دانے سرخ سفیدی رنگ یا جیوں دانے مڑھراں گندہ مادہ مارے جوش سب تھیں پہلے فصد کرا جے کوئی ہوئے منع ربیب شربت نت پلاؤ عذاب مسام جیکر اس ہوون بند بنقہ سونف انجیر جوشا دیویں سرد نہ کوئی دوا یاد یہ نت اس سونف داعرق رکھیں اس نون اوس مکان	ہوندا جاوے تاپ زیادہ نکھن دانے باہر وار اس نون نیک اکھن سب دید کرن نہایت حال تباہ اوہ دانے خسرے دھیک جیونکر پستوں پتھر ڈنگ ماتا دی ایہ خاص مثال کرے بدن سے وج فروش گندہ مادہ دور کرا جوکان نال کڈھو لمو جھب عرق سونف دا ڈال شتاب دسان نسہ فائدہ مند دیہ نت اس نون شہد بلا مت اس پورے خالف جا شہد بلا جھب ہووے فرق رجتھے داؤ نہ لگے آن
---	--

بیان تاپ و بائی

شروع ہو جلدے تاپ دیا
بند ہو جادون کل مسام
نفل اعضا دوا بدلائے

چلے گندی جودوں ہوا
کرے عفونت بدن تمام
گرم بخار باطن نون جاوے

اسم
آپ
حال
بسیار
میران
بزار

پہونچے روح نول طیش تباہی
 تے دست ہو جادون جاری
 غیر طبعی مودی صفوا
 اوبت آون تے جی متلاشے
 کوڑا ذائقہ تریہ نہایت
 بلغم سب ہو جاوے شور
 ہتھیں پیریں پون کوڑل
 فاسد گریم تیز صفرا
 زردی اکھیں رنگ زبان
 فاسد مادہ مارے جوش
 آوے زردی رنگ پیشاب
 محرقہ دانگ ہووے حالات
 بے گندہ ہو جاوے خون
 بعضیاں نول آون اسہال
 بعضیاں نول ہووے سرسام
 تاپ وبائی کرے خراب
 سکنجبین دی تے کردا
 گھوٹے والی دیہ تلیمین
 گاہے تے گاہے اسہال
 جدوں بدن ہو جاوے صاف
 قابض کوئی نہ دیویں چیز

شروع ہو جاوے تپ وبائی
 دیوے طبیعت وچ خواری
 دیوے آتش بدن لگا
 رنگ زرد پیلا ہو جاوے
 خشک مونہ دی کرے شکایت
 دیوے وچ اعضاواں زور
 عقل ہوش وچ پوے نفل
 تلخی بہت کرے گھبرا
 خشک ہو جاوے حلق دہان
 کرے جسم دے وچ خروش
 نظر کن اچویں کرے خراب
 کرے قوت بدن دی مات
 پیدا کرے مودی طاعون
 ہیضہ ڈاکی کرے بے حال
 کرن بے ہودہ باث کلام
 دارو اس دا کرد شتاب
 گرم پانی دے نال ملا
 خارج کر صفرا بعین
 کل مادہ صفرا نکال
 کرے تصور خداوند معاف
 ایہو رکھیں یاد تمیز

چیک

آلو

سنگ

بنفشہ

سرد

خوفہ

بید

شر

طبع

کاسنی

گھوٹ

روغن

بنفشہ

چیکر

چیکر

سرخ

سیلوق

دھنیا

کرکے

<p>جیکر کھنگ نہ ہووے نال آلو انبلی کرو نقوع سنگترہ ربو رب ترش انار بنفشہ شربت نیلو فر سرد پانی گھت روزہ پلا خرفہ کاسنی تخم خبیان بید مشک تے عرق کلاب شریت الیموں رب انار طبع ہے اس دی کرے رجوع کاسنی دھنیا صندل بور گھوٹ پانی وچ یب کرا روغن کدو مالش کر بنفشہ روغن رنت ملا</p>	<p>ترش چیزاں کر استعمال شام صبح رکھ اس نوں شروع دیہ توں اس نوں بہتی دار عرق کیوڑہ شامل کر دیوے اس نوں رب شفا دیہ اس نوں ہووے ادرار مصری ڈال پلاؤ شتاب شریت انبلی دیہ نہار دیہ توں اس نوں ترش نقوع پھل کلاب تے مشک کاؤ دیوے سڑکن بدن وچا گوکا مکھن شامل کر گھو گوکے دے نال ملا</p>
---	---

بیان ورم ہر قسم

<p>جیکر ورم ہووے کوئی پیدا جیکر ہووے دموی ورم سرخ ورم دا ہووے رنگ باسلیق دا قصہ کرا دھنیا پا پڑا نم چنا کر کے پانی وچ نقوع</p>	<p>کر معلوم علامت دیدا نخن غلیظ نہایت گرم بہت کرے روگی نوں تنگ ورم اُتے جوکاں لگوا صندل بور غلاب ملا مصری ڈال کراڈ شروع</p>
---	--

پتر بنم دے لے گھوٹا
 جے بلغم خون مرکب ہو
 پٹہ بنھ جواہری باٹ
 یا اس پولش رنت بنھا
 بنھوں کر کے گرم کنوار
 جدوں درم کر جاوے ریم
 ریم جدول ہو جاوے جاری
 صابن منہ زخم وچ رکھ
 مونہ زخم دا جاوے کھل
 چار تو لے گوکا گھیو لیا
 مردا سنگ موم کتھ رال
 کر کے مریم وانگ تیار
 ٹاکی ملل نال لگا
 مادا ورم جے کر صفرا
 سڑکن بہت ورم دے وچ
 رنگ ورم دا ہووے زرد
 سخت ورم وچ ہووے ساڑ
 پیلک دھنیاں مشک کا فور
 گھوٹ پانی وچ لپیپ کرا
 لپیپ کرداوس ایسٹول
 جیکر ورم کرے اکڑا

ورم گرم تے کرو پلا
 ورم دیر تک ہے کھلو
 پک ورم جھٹ جاوے پاٹ
 دیوے جلدی ورم پکا
 دیوے جھب ورم نوں پاڑ
 نشتر نال اس چیر حکیم
 ہووے دُور بیماری ساری
 پٹہ پولش بنھوں دکھ
 لا ایہ مریم جاوے گھل
 زخم دے پت گھت ساڑ پونا
 چھ چھ ماشے میلو نال
 پک دن وچ لا دو ترے بار
 دیوے جھب دے زخم چھڑا
 تلخی بہت کرے گھبرا
 ہووے کرے نہایت زچ
 نارے ضرب تراٹان درد
 اوکھا ہووے بہت بیمار
 جواں دا آٹا صندل بور
 دیوے سڑکن ورم دجا
 مشک کا فور پانی وچ گھول
 اس تے ایہ قیر دلی لا

گھل
 خط
 بنف
 لعا
 گل
 سفید
 ٹاکی
 جیکر
 یا او
 رہے
 زخم
 منقہ
 میستھو
 کچھ ق
 دیوے
 رات
 ورم
 کالی
 جلد
 کچھ
 جیکر

گل روغن وچ موم لگا
 خطمی دا دج میل لعاب
 بنفشہ روغن کرو طلا
 لعاب کڈھ کے ایسبغول
 گل روغن لے تولے چار
 سفیدی بیضہ مشک کافور
 ٹاکی ملل نال سفید
 جیکر بلغمی ہووے ورم
 یا اوہ ہووے ورم ریاحی
 رہے ورم وچ دائم درد
 تخم کرفس حرمل اجوین
 منقہ تیل اسی انجیر
 میٹھی اسی گھوٹ بنا
 کچھ قدرے پانی وچ ڈال
 دیوے بہت نہایت نفع
 اٹ سٹ دی جڑھ خوب گھوٹا
 ورم سرد تے کرو ضماد
 کالی زیری گھوٹ لگا
 جلد ورم نوں کرے تحلیل
 پچھ کے جیکر ملیں برود
 جیکر ہووے درد عظیم

پیہہ کے مُشک کافور ملا
 ورم گرم تے لاؤ شتاب
 موم سفید کافور ملا
 دیہہ قیزوطی لے دج گھول
 پک تولہ وچ موم پنکھار
 کچھ قدرے وچ میل ضرور
 ورم گرم تے لانت دید
 پولہ بہت نہایت نرم
 کرے جسم لے وچ تباہی
 طبع مزاج ہووے اس سرد
 گھوٹ پانی وچ لا دن رین
 تیل میٹھا گھت بنھ اکیر
 بابونہ تیل میٹھا وچ پا
 پکا پلٹس بنھ پٹی نال
 درد ورم رتج ہووے دفع
 تیل میٹھا گھت گرم کرا
 ہووے جلد تحلیل مواد
 سرکہ اس لے نال ملا
 ہووے چھب شفا علیل
 ورم رتج نوں دیوے سود
 ہالوں رائی صبر انیم

گھوٹ پانی دھج کرو طلا
 مل کے بلغم نال سودا
 ہووے مادا اس داسرد
 تپ نہ ہووے ہرگز نال
 پوٹلی سچی ٹون بنھا
 ہیٹھ انگاری اگ ٹکا
 گرم گرم نت کرو گھور
 صابن پانی نال گھسا
 ایلوا پیس اس دے دھج ڈال
 جے سبب بلغم تے خون
 پولٹس اُس تے نت بنھا
 جدوں درم ریم کر آئے
 چیرو نشتر نال شتاب
 نشتر تھیں جیکر غم کھا آئے
 گراں بیان ہک لیپ اسرا
 سچی چونہ صابن لیا
 گھوٹ ماکھوں دھج کرو ضماد
 دیٹ کبوتر مرغ لے آ
 چوک نیدھ تھوٹھا دھج میل
 ایہ درم دیوے جھب پاڑ
 بہت زخم دھج جیکر ریم

دیوے فوراً درد اڈا
 پیدا کرے درم جے آ
 لازم ہے درم دھج درد
 کہ گھور ایہ استعمال
 مٹھا تیل توڑے تے پا
 پوٹلی اس دھج گرم کرا
 اس دے جیہا علاج نہ ہو
 گوگل مین پھل نال ملا
 دو ترے لیپ کر استعمال
 ہووے پیدا ورم زبولن
 کچا خوب مواد پکا
 ہک مواد نرم ہو جائے
 خارج کرو مواد خراب
 ریم ورم دھج نظری آئے
 دیوے جھب ورم نہ پھاڑ
 نمک نوشادر نال ملا
 کڑھے گندہ پاڑ مواد
 خالص چونہ نال ملا
 پیہہ کے لا مٹھے دھج تیل
 درموں کرے مواد ادرا
 ایہ مرہم نت لاؤ حکیم

اج
 ا
 ج
 نی
 س
 ماد
 کر
 طبع
 جیا
 پٹھ
 گوگر
 ورم

ریم ورم تھیں کرے صفا
 سفیدہ قلعی تولہ ہک لپٹا
 رکھ آگ تے خوب جوشا
 موم تولہ اس لے ویج ڈال
 سفید کتھ مردہ سنگ رال
 مرہم گھوٹ مار بنا
 غیر طبعی سبب سودا
 ہووے اس دا رنگ سیاہ
 ہووے ورم نہایت سخت
 جیکر ورم ہووے سرطانی
 اکثر تپ رہے اس نال
 ہووے اس دا ردی مادہ
 نیڑے اس لے مول نہ جا
 سخت ورم جے بہت پیمانہ
 مادہ اس دا سالم ہو
 کر تشخیص اس طبع مزاج
 طبع مزاج جے ہووے سرد
 جیکر تپ نہ ہووے نال
 پٹہ بندھ اس تے تر گرم
 گوگل بھینسیا زیری سیاہ
 ورم سخت لے کرو ضماد

دیوے جھیدے زخم چھڑا
 تیل بٹھا پنج تولے پا
 جد ہو جاوے تیل سیاہ
 ہیٹھ اتارو جلدی نال
 چھ چھ ماشے میلو نال
 مرہم ٹاکی نال لگا
 پیدا ہووے ورم جے آ
 کرے روگی دا حال تباہ
 کرڑہ پتھر وانگ کرخت
 وانگ پشت سرطان نشانی
 مہلک اس نوں کریں خیال
 ہوندا جاوے ورم زیادہ
 ورتے اس تے رب رضا
 رہے جسم ویج نل ٹھکانا
 بہت دیر تک بے کھلو
 داخل خارج کرو علاج
 ویج ورم لے ہووے درد
 کرودما رنت استعمال
 مادہ سخت ہو جاوے نرم
 گھوٹ سرکہ گھت ہمراہ
 ہووے جلد تحلیل مواد

منقہ کالے تل انجیر پانی کھوڑا جیہا ملا کسٹرائل وائل نت تیل چربی بکرا موم سفید جیکر سرکن وچ سرطان مادہ موذی دیوے رنج گولی سکے دیئے آ مٹک کافور کھوڑا جیہا ڈال مادہ موذی جے احتراقی شامل نال جیکر کچھ خون جوکاں اس تے تر ت لگا ادبال پیلک نت کر جل ہارا تخم اسی بالونہ گل گھوٹ پانی صج کرو ضماد کر کھوڑا کھوڑا فصہ خفیف دو ترے اس نوں دیتلین پیلک دھنیاں صندل بور گھوٹ پانی وچ کرو طلا	گھوٹ پٹہ بندہ وانگ اکیر تیل مٹھا گھت گرم کرا روغن نال بنفشہ میل نال انہاں کر شامل دید ہووے بہت کسے انہاں ہووے طبع نہایت رنج شیرہ دھنیاں وچ گھسا کرو طلا نت استعمال ہووے وچ ورم دے عاقی نظر جے آدے بہت زبول دو ترے دفع نہ دیر لگا کھائے سخت مواد بھنگارہ میتھی سوئے بنفشہ پھل ہووے سخت تحلیل مواد تاں ہو جاوے ورم ضعیف سرد چیزاں دی تال یقین بنفشہ نطی مٹک کافور ہووس اس نوں تر ت شفا
---	---

بیان دتل یعنی پھوڑہ

دتل نام پھوڑہ مشہور	ہووے چمڑے وچ ظہور
---------------------	-------------------

دھوی پھوٹے دارنگ لال
 رت کڈھ پھوڑے کے جے تنگ
 جے صفرا دی ہووے مادہ
 رنگ پھوڑے دا ہووے زرد
 پیک دھنیاں خوب گھوٹا
 پھوڑے اُتے کرو طلا
 جے بلغم نال مرکب ہو
 انسی آٹا لون ملا
 پیٹ پنج ست روزہ بنھا
 جے پھوڑہ ریم کر آوے
 چیرو جلدی نشتر نال
 جدوں ریم ہو جائے جاری
 نشتر تھوں جیکر ڈرکھاوے
 کبوتر بیٹ چوڑا اشتخا
 شہد میل لا دو ترے دار
 جاری جد ہو جاوے ریم

ہووے اس وچ درد کمال
 جوکاں اس تے لافنگ
 سوزش سرکن کرے زیادہ
 مارے ضرباں تراٹاں درد
 صندل مشک کا فور ملا
 دیوے سرکن تریت ونجا
 چمڑے لے وچ رہے کھلو
 پانی گھت پولٹس پکوا
 دیوے خام مواد پکا
 پولہ بہت نرم ہو جاوے
 ریم گندہ سب دیو نکال
 ہووے دفع شکایت ساری
 تال پھر ایہ دوا لگاوے
 صابن کٹ دوا ایہ چار
 پھوڑا درم دیوے جھب پاڑ
 فضل کرے اس رب کریم

مرہم سندھور

چھ چھ ہاتھ میلو نال
 ہاتھ ترے ملاؤ آن
 مٹھا تیل چھٹانکی دھید

مرد اسنگ سندھو کتھ لال
 طوطیا سبز کرو بریان
 تولہ ڈالو موم سفید

تولہ ساڑ زپسی وچ ساڑ پورائے پھوڑے تے نت لکے	مرہم اس دی کرد تیار حکم خداے نال چھڑا دے
مرہم دقل	
لے گل روغن تولے چار جدوں نیل ہو جادے سیاہ کر چھپی لاه شتابی نال مردا سنگ سفید کتھ رال	سفید قلعی تولہ وچ کاہڑ موم تولہ ہک کہ ہمراہ ایہ دوا پیہ کے وچ ڈال چھ چھ ماشے میلو نال
بیان مرہم رنگاری	
پھوڑہ جیکر بہت پُرانا مرہم اُس تے لا رنگاری خشک ہر روزہ درماں چار سفیدہ قلعی موم کتھ رال چھ چھ ماشے سب دوا گوکا گھیو پھٹانکی ڈال	رہے چڑے وچ کل ٹھکانا زخموں ریم نکالے ساری چھ ماشے وچ میل رنگار لکڑ گوند ملاؤ نال کوٹ پیس کر جمع کرا بنا مرہم کر استعمال
مرہم دقل کمنہ	
جیکر پھوڑا بہت پُرانا مصطکی کتھ صابون لیا ہر ہک تولے دا مقدار	رہے جسم وچ کل ٹھکانا رال سفیدہ قلعی لیا خشک ہر روزہ تولے چار

نیلا تھوٹھا کرہ بریان ماشے ترے زنگار ملا دو تولے گھت موم سفید پہلاں گھیو نوں گرم کرا پچھوں سب دوا ملا مرہم ٹانگی نال لگا	ماشے چار ملاؤ آن دارو سبھے کھل کرا گھیو گوا دس تولے دید صابن موم سفیدہ پا مرہم گھوٹ مار بنا پھوڑے دے اُتے نت لا
---	--

بیان مرہم مجربہ دمل کُسنہ

مرہم کراں بیان عجب مزدہ سنگ کندر کتھ رال ہک ہک تولہ سب دوا نیلا تھوٹھا کرہ بریان سفید پھٹکڑی مشک کا فورہ موم سفید تولے دو گھت ایہہ مرہم اس نت لگا کر کچھ مدت استعمال	پھوڑا زخم دجاوے جھب سفیدہ قلعی بہروزہ ڈال کھل دے دج خوب پسا ماشہ ہک ملاؤ آن ترے ترے ماشے میل ضرور ڈال گوا گھیو تولے ست دیوے جلدی زخم چھڑا زخم جاوے بھر جلدی نال
---	--

بیان کچھری

بغلاں دج ہک درم عظیم کچھری اکھن ہندی دج پٹہ بنہ نت باٹ جوار	درم مغا بن کھن حکیم کرے بغل نوں ڈاڈا زنج پا بنہ کر کے گرم کنوار
---	---

یا اُس تے پلٹس بنھوا
 اسی آہا میل گھوٹا
 پانی گھیو گھت خوب پکا
 جدوں درم ریم کر آوے
 نظر آوے اُس دے وچ ریم
 یا مقرومی دارو نال
 سہاگہ نمک چوندہ اشخار
 گوڈے اُتے رکھ کنوار
 مڑ مریم اوس اوہ لگا
 سوزش جیکر بہت وچ درم
 کراں بیان ضماد یک سرد
 ایسغول دا لیپ کرا
 گھوڑا جیہا مشک کافور
 مجرب ہے ایہ بہت عجب
 بنفشہ خطمی اسی لیا
 آہا وچ جواں دا ڈال
 گھوٹ پانی وچ کرو تعیل
 تیل مٹھا گھت گرم کرا

خوب طرح نئے ورم پکا
 گودا کنوار دا گرم کرا
 نمک سوہاگہ ڈال بنھا
 پولا بہت نرم ہو جائے
 چیروہ نشتر نال حکیم
 پھاڑ زخم نوں ریم نکال
 وزن برابر دارو چار
 بنھ دیوے کچھالی پھاڑ
 دیوے جلدی زخم چھڑا
 ہووے بہت نہایت گرم
 سوزش سخت ونجائے درد
 پانی دھنیاں پیلک پار
 اس دے نال ملا ضرور
 سڑکن درد ونجائے جھب
 میٹھی گل بالونہ پا
 بنھ پڑ کر استعمال
 کرے ورم نوں جلد تحلیل
 ورم آتے رت بیپ کرا

بیان مہنورات

پھنسیاں پٹے ہون ظہور
 اُس نوں کن حکیم مہنور

رنگ آنہاں دا لجینر لال
 باسلیق دا قصد کرا
 پا پڑا دھنیاں برگ حنا
 ترے ترے ماشے سب دوا
 رات پوسا رکھ اندر آب
 جیکر سرکن پھنسیاں وچ
 ادہ مادہ صفراوی جان
 گل روغن سرکہ مشک کافور
 بھس کتھ چھل آمار ملا
 گل ارمنی سرکہ وچ ملا
 شربت نیلوفر آمار
 ماجو مائیں کتھ نیپال
 پیہ کے مکھن نال لگا
 جیکر خارش ہووے نال
 پیلک دھنیاں گھوٹ لگا
 سوزش بدنوں ہووے ددر
 جیکر بلغم ہووے شور
 صندل بور کیس گھوٹا
 شربت انبلی نت نہار
 کوڑیاں چیزاں نت پلا
 رات پانی وچ کر دقوع

ہووے دموچی کریں خیال
 مادہ کندہ دور کرا
 مونڈی صندل بور ملا
 دانے پنج عناب ملا
 صبح پیوے گھت شہد شہاب
 ہووے کرے نہایت رنج
 چمڑے وچ کرے نقصان
 گل ارمنی ماجو صندل بور
 بدن اُتے مالش کرا
 نت بدن تے کر د ملا
 پیوے پانی ڈال نہار
 مشک کافور ملا ڈال
 دیوے سرکن ترے وچا
 کیس تھوڑی جیہی لے وچ ڈال
 صندل مشک کافور ملا
 رہے نہ چمڑے وچ قصور
 خارش نال دیوے کچھ زور
 گل روغن سرکہ گھت ملا
 پیوے ہووے دور آزار
 پا پڑا مونڈی رخم حنا
 مکھوں ڈال کرا و شروع

بیان بنات الیل

بنات الیل دھپڑ مشہور وقت رات یا سرد ہوا بند ہو جاوے موزی مادہ بند ہو جاوے کل مسام تخم کر فس اجوین گھوٹا دیہہ دھونی اس نوں اجوین ہک دو اس نوں کر دجلاب پھنسیاں وچوں پانی زرد تنقیہ اس دا خوب علاج کوڑیاں چیزاں نت پلا چرائتہ ہرڑاں زرد سیاہ درا جوئی دیویں نت گھوٹ	ہوون سردی وقت ظہور پیدا ہون بدن دج آ ہو دے خارش بہت زیادہ نکلن دھپڑ بدن تمام گل روغن ڈال ملا ایہ دوا فائدہ مند ہیں مطبوع ہلیہ زرد شتاب نکلے شامل ہووے درد موافق جیڑا طبع مزاج دھنیاں پاڑا غم حنا نقور کر دیہہ ماکھوں ہمراہ فیل کنٹھی دیہہ رہے نہ گھوٹ
--	--

جلاب مطبوخ ہلیہ زرد

پھل گلاب لے تولے چار بنفشہ پاڑا سونف سنا بکاسنی تولے دو دج پا فجے دیگی دے دج ڈال تل کے پن کے صاف کرا	برابر چھل ہریڑ اذکار ہک ہک تولے وزن تولے رات پانی دج رکھ پوسا اس نوں چنگی طرح ادبال پنج تولے مغز فلوں ملا
--	---

اس
صفحہ

پیون

سخت

اصلی

موزی

جسم

بائڑ

جھڑ جا

سن

رل

فاسد

جائے

غیر

کرت

جلدی

دج

کوڑیاں

سیو گوکا

اُس نوں چھاننی دچہ نکال حقے اس دنے کر کے ترے پیون وقت گوکا گھبو گھت	چار توے کھنڈ اس دچہ ڈال ضبح پیشی دیگرہ پی لے ماشے چھ یا ہووے ست
---	---

بیان مرض جذام

سخت مرض یک نام جذام اصلی شکل جسم دی ڈیل موزی مرض دیوے جد زور جسم و چون آوے بد بو بگڑے چہرے دی تصویر جھڑ جاوے ابرو دے وال سُن ہو جاوے ہتھ تے پیر رل سودا خون دے نال فاسد خشک مواد کھلوتے جائے بگڑ خلق دا سار غیر طبعی سودا اخراقی کرے جسم دا حال تباہ جلدی اسی دا کرد علاج دوچ مہینے دو جلاب کوڑیاں چیزاں دا کدھ عرق گھبو گوکا ادھ پانت پیوے	جاوے بگڑ سریر تمام ساری ہو جاوے تبدیل ہتھیں پیریں چلے شور نیرے ڈھک نہ بیٹھے کو روگی بہت ہووے دلگیر سرخ سفید بدن تے خال رہے ہمیش اکھیں دچ گھیر حالت سخت کرے بد حال چوہنڈی دڈھیاں درد نہی نکلے بہت غراب آواز ہووے دچ جسم دے عاتی دیوے استھوں رب پناہ نہیں سب جائے بگڑ مزاج طبع موافق کرد شتاب پیوے ہوس شتابی فرق فضل خدا تھیں چنگا تھیوے
--	---

زنت نہوا وچ گرم حمام
 بدن اُتے مالش زنت کر
 یا زنت ملو اینڈ ہی تیل
 ظاہر باطن کر تر طبیب
 مکھن تازہ نت کھوا
 ہک دو دفعہ مہینے وچ
 چھوویں مہینے فصد کرا
 کئی دفعہ اس فصد کرا
 بادام روغن دی دیہہ نسوار
 خشک مواد ہر دوے جدو
 بادام روغن وچ گھیو ملا
 اطر فیض دیہہ شاہترہ ملا
 کوڑے عرق رکھے ہمراہ
 دو تو لے ماکھوں وچ ڈال
 مرچاں نمک نہ ہرگز کھاوے
 کشتہ سیم سونا اکسیر
 کھاوے ککھ مکھن دے نال
 ماء الجبن والی تر کیب
 دھماں بولی ہے کوئی پوے
 کہ بخوا کریں جے استعمال
 ماکھوں خالص نال ملا

جادون اس دے کھل مسام
 بنفشہ روغن نیلو فر
 گوکا گھینو اس دے وچ میل
 نال دوا غذا طبیب
 بکری دا دودھ شام پلا
 کرو جلاب مادہ لے کھج
 گندہ مادہ دور کرا
 موافق قوت سن ہوا
 خشک مغزوں کرے فرار
 رہے نہ جتے وچ قصور
 سرتے مالش زنت کرا
 کھاوے اس نوں صبح عشاء
 گھیو دودھ دانہ کرے وساہ
 کرے سال دو استعمال
 خشک چیز دے راہ نہ جاوے
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 ہک دو سال کر استعمال
 رکھ اس شامل نال طبیب
 جوش خون تھیں چنگا تھیوے
 پھل پت کھوٹ پیوے ہر سال
 دیوے دکھ جذام و نجا

نسخہ نقوع مُصفا خون

ایہ نقوع پلا ضرور پاپڑا مونڈی برگ حنا ہر یک دارو ماشے چار کچھ مدت کر استعمال	کرے جوش خون دا دور افقیموں تر پھلہ ہرڑ سیاہ نقوع کر پیوے بت نہار ماکھیوں دو تولے وچ ڈال
---	--

نسخہ عرق مُصفا خون

نسخہ ایہ مصفا خون بانسہ افستین گلو مونڈی بوٹی برگ حنا دھماں تر پھلہ ہرڑ سیاہ بورہ صندل سُرخ سفید کاسنی دھنیاں نال ملا چھل درخت نم دی لا پاک پکا ڈال غلاب تو دس بوتل عرق نکال دو تولے وچ شہد ملا خون گندہ سب کرے صفا	کرے صفا سب خون زبون چراشتہ پاپڑا شامل کڑو کر بخوہ نال ملا یت نم انبرول ہمراہ چھل گلاب سونف گھت وید بیج بیج تولے سب دوا ادمہ سیر پکا نال ملا کدھ او نہاندا عرق شتاب کہ روگاں تے استعمال پیوے فجری وقت عشا روگ خون دارے نہ کا
---	---

نقوع کر ماکھوں ڈال جے پیوے
گندہ خون صاف سب تھیوے

نسخہ اطریفیل شاہترہ

چھل کابی زرد ہریٹ کہا	دس دس تولے وزن تولہ
چھل بیڑہ ہریٹ سیاہ	آملہ پنج پنج تولے پا
دو تولے تردی میل سفید	سنامی دو تولے وٹید
تولے دو گھت بھل گلاب	کٹ چھان کر جمع شتاب
پا پڑا پا پکا کٹ پا	کٹ سب گھیو دج چرب کرا
اطریفیل کشمش دج تیار	تولہ کھاوے رنت نہار
عنا ب اقیموں لیا	پچھوں اس نوں کا ہڑ پلا

نسخہ عرق عشہ مصفا خون

عرق عشہ کر تیار شتاب	صاف کرے سب خون خواب
عشہ مغربی لے منگوا	سرخ رنگ ہودے ہک پا
خالص چوب چینی دا بورہ	ادھ پا پکا میلہ بورہ
دھنیاں دار چینی یادیاں	پنج پنج تولے ہر یک آن
پا ہک پکا ڈال عنا ب	چار بوتل کھچ عرق شتاب
دو دو تولے رنت پلا	شام صبح ماکھوں دج پلا
نسخہ ایہ مصفا خون	صاف کرے سب خون نابون

بیان مرض خنازیر یعنی ہنجیراں

طبائ دج آکھن خنازیر	ہندی دج مشہور ہنجیر
---------------------	---------------------

اکثر

ایس

محمد دن

گوشت

کڑی

رل

لازم تا

او تھول

جے لاز

جیکر

مادہ

کوڑیاں

حب

اجوین

گندیاں

نم

چھست

مقرو جی

دانہ

ج

اکثر گمہ دن وچ خنزیریاں
 ایس سبب اس دیکھنا نام
 گمہ دن بغلاں وچ انسان
 گوشت چمڑے دے وچکار
 کرڈی وانگ غلہ وچ انجیر
 رل سودا بلغم دے نال
 لازم تاپ رہے جے نال
 اوتھوں کھٹیاں ہوون پیدا
 جے لازم تاپ ہے ہر حال
 جیکر اوہ تپ دائرہ ہو
 مادہ اس دا سالم ہو
 کوڑیاں چیزاں عرق پلا
 حب ایارج دا جلاب
 اجوین مصبر زیری سیاہ
 گنڈیاں ہو جاون تحلیل
 تخم شریہ نہ باریک کرا
 چھ ست ماشے رت کھوا
 مقرومی دارو مہس تے لا

ہوون گنڈھاں مثل انجیراں
 آکھن کل حکیم تمام
 ایہہ دوکھ پیدا ہوون آن
 مادہ موزی کرے بگاڑ
 رنگ سفید اس مثل پیر
 گنڈیاں کرے پیدا ہر سال
 بحرانی مادہ کرے اشتعال
 گردن بغلاں وچ ہویدا
 اکثر بل جاوے دق نال
 نہیں خطرہ اس دے وچ کو
 بہت دیر دیکھ ہے کھلو
 نصف رقی کونین بلا
 ہر ماہ وچ دو کر دشتاب
 گھوٹ سرے وچ کر وطلا
 ہووے جلد شفا علیل
 دو گناں اس وچ ماکھوں پا
 دیوے اس نوب رب شفا
 جاوے سب گنڈیاں نول کھا

سخہ مقرومی

بول وچھی دے وچ گھسا

دانہ جیو لوٹ لیا

دلا
 پا
 مید
 ب
 کرا
 نہار
 ز پلا
 ن غراب
 ہک پا
 پورہ
 آن
 کتاب
 چ پا
 ن دیون

ایسے

مار چوہا
سُٹم گدہ
سنگ
تیل
دھج تیل
ایہہ مرہم
دیوے جا
پھر است

نسخہ

صابن
دھو
کر کے
اول
سے
رو
پھول
انجی
گھٹ

کچھ قدرے گھس سم الفار رُوں دے نال آلودہ کر کناریاں تے گوگل گھس لا پھیر چھا وچھتی دا بول سر تیلی تے رُوں لگا جدوں کاغذی خشک ہو جاوے گوترہ بنج چھ روز لگا جدوں ماس اُتوں گل جاوے گھٹ کنڈی کھج باہر نکال یا گوکا گھیو ساڑ لگا	ہک دو چانول دا مقدار پچھ انجیر اُتے چا دھر گل نول چنگی طرح پکا رکھ ٹکائیے اندر کول گوترہ دے وچ تر کر دا گوترہ تیلی نال لگا دے کاغذی چنگی طرح گڑا انجیر سفید رنگی ہو جاوے زخم چھڑا مرہم دے نال دیوے جلدی زخم چھڑا
---	---

نسخہ مفروحي خورندہ گوشت فاسد

لے بنج تولے مٹھا تیل نیلو تھو تھو تھا حب جے پال ان بچھا چونا صابن اشخار اگ تھقیں لاه کرٹا ہی تیل کر کے مرہم دانگ تیار استرا چنگا تیز منگا رُوں دے نال آلودہ کر جد چھڑا اُتوں گل جاوے نال سرچو باہر نکال	سب کچھ ساڑ اس وچ ہک میل ترے ترے ماشے میلو نال ہک ہک تولے دا مقدار پیہہ کے سب دوا میں میل لاویں تریجے دن ہک بار پہلے روز اس پچھ کر مرہم گنڈیاں تے نت دھر گنڈ انجیر رنگی ہو جاوے زخم چھڑا مرہم دے نال
---	---

ایسے طور کر استعمال
گنڈیاں سب نکالو ڈال

نسخہ مرہم خورندہ انجیر

مارچوہا، کوزے وچ پا
نم گدوں دا تولے چار
سنگ بھینس دا تولے دو
تیل مٹھالے تولے چار
دج تیل دارو سب ڈال
ایہ مرہم گنڈیاں تے لائے
دیوے جد گنڈیاں نوں گال
پھر استعمال مرہم اوہ کر

گل حکمت دے تال سٹرا
گل حکمت کر اس نوں ساڑ
گل حکمت کر ساڑ یا ہو
ہک سپ دی کنج اس چہ ساڑ
بنا مرہم کر استعمال
گنڈیاں نوں جھیک کھا جائے
نال موچنے باہر نکال
جیڑی زخم نوں دیوے بھر

نسخہ مجربہ مرہم خورندہ انجیر وغیرہ

صابن دیسی تولے
دھتور دھتور کھل کر
کر کے مرہم وانگ تیار
اولے انجیر پچھا
تیکے روز پچھوں بدلا
جدوں انجیر ننگی ہو جاوے
گنڈی گھت انجیر نکال
یا اوہ مرہم لے بنا

سفید سنکھیا ماشے ترے
دو تولے گوکا گھیو ملا
ڈبئی دے وچ گھت سنوا
روں آلودہ کر چمڑا
تازہ تازہ ہوو لگا
چنگی طرح ماس گل جاوے
زخم چھڑا گوکے گھیو نال
دیوے جیڑی زخم چھڑا

بیان سُرخ بادہ

سُرخ بادہ ہندی دج نام
 بہت سُرخ سورج دارنگ
 ہووے بدن نہایت لال
 مارے خون دجے جوش نہایت
 نال خون جیکر صفرا
 زرد سُرخ سورج دارنگ
 حمّہ خالص اس دوا نام
 جیکر نال مرکب خون
 پہلاں اس دا قصد کرا
 دیہہ مطبوع بلیہ زرد
 پا پڑہ دھنیاں صندل گور
 چھل زرد ہریٹاں ہرڑ سیاہ
 کر کے پانی دج نقد
 جے غالب ہووے صفرا
 آنو انبل نیلو فر
 دھنیاں کاسنی میل غناب
 فخرے نل پُن صاف کرا
 شاہ سترے داشربت جے پیوے
 دونویں وقت کرا استعمال

حمّہ کسن حکیم تمام
 مادہ موذی مارے ڈنگ
 سڑکن سوزش بہت کمال
 ہووے تپ دی سخت شکایت
 ریلے ہووے تلخی گھبرا
 ہووے کمرے نہایت تنگ
 سوجے جلدی بدن تمام
 ہووے موذی درم زبولن
 پچھوں کر خارج صفرا
 یا کوئی ہووے جلاب جو سڑ
 غناب موذی دج ڈال ضرر
 گلو اقیموں کر ہمراہ
 مصری ڈال کرا و شروع
 ایہہ نقوع اس نیت پلا
 نال بنفشہ شامل کر
 رات پوسا رکھ اندر آب
 مصری اس دج ڈال پلا
 بہت شتابی چنگا پیوے
 سُرخ بادہ جادوے فی الحال

پند و ال
 سپاری
 گھوٹ

ملین
 دھنیاں
 گھوٹ
 عرق گ
 جے حاج
 شربت
 کوریاں
 مرتبہ ز

چنبیل
 ہموون و
 جو کال و
 دو تترے
 کوریاں
 دو ماہ

پندواں تو لے پا پڑا لیا سپاری صندل پھل گلاب گھوٹ لیسپ کر چائے تھوک ملین نال بدن کر صاف دھنیاں کاسنی خوب گھوٹا گھوٹ پانی وچ کرو طلا عرق گلاب ہے کریں پیوند ہے حاجت اس نوں تبرید شربت آلو اتے عناب کوڑیاں چیزاں دا ہے عرق مرتبہ زرد ہر پٹیاں کھائے	اُدھ سیر مصری ڈال پکا نخم کاسنی میل شتاب دیوے سرخ بادہ نوں روک کریے تصور خداوند معاف صندل بوند کا فور ملا دیوے سرکن تر ت و نجا ہووے زیادہ فائدہ مند شربت امبی بہت مفید نت پلا گھت عرق گلاب پیوے ہووے شتابی فرق سرخ بادے نوں نفع پہنچائے
--	---

بیان مرض چنبیل یعنی اکوتہ

چنبیل ہک مشہور آزار ہوون دھدر بہت نہایت جو کال دو ترے دفعہ لگا دو ترے اوس تنقیہ کر کوڑیاں چیزاں نت پلا دو ماہ تک استعمال	پیراں اُتے کرے بھاڑ کرے خارش دی سخت شکایت گندہ مادہ دور کرا طبع موافق ذرہ نہ ڈر نفوق کر کے ماکھیوں وچ پا ہووے چنبیل دفع چندال
---	--

نسخہ مجربہ چنبیل

شنگرف پارہ تے ہڑتال
نوشادر گندھک آملہ سار
نیلم حقوختہ کر بریان
کھل دے وچ کرد باریک
اودھ پائے کے مٹھائیل
دو تولے چرنی بکرا میل
تھوڑا سرکے وچ ملا
ایسے طور کر استعمال
مڑ اس تے گل روغن لا
مڑ ایہہ مرہم پھر لگائیں
بہت چنبیل نوں دیوے نفع

سبز کیس سہاگہ ڈال
بابچی سب تولہ مقدار
مانشے چار ملاؤ آن
وانگ غبار ہودن جد ٹھیک
دارو سب اس دے وچ میل
کر کے گرم گھتو وچ تیل
چنبیل اُتے کر د ملا
دھویں گرم پانی دے نال
سرکے تھوڑا جیہا ملا
گرم پانی دے نال دھوئیں
خارش دھدر کرے نابود

نسخہ چنبیل

لے بیج تولے مٹھائیل
گھت کر اہی وچ سڑا
ٹکڑا ساڑ پُرانی چھٹ
کر اہی اگ تھیں ہیٹھ لہا
نوشادر سہاگہ آملہ سار
پیہہ سب اس دے وچ ملا
چنبیل اُتے رنت لگا
کر کچھ مدت استعمال

دو تولے دودھ اک دامیل
مٹھی مٹھی اگ جلا
خالص جو بکرے دی جت
خوب طرح اس سرد کرا
ہک ہک تولے دا مقدار
مرہم گھوڑ مار بنا
دیوے اُس نوں رب شفا
دھوویں گرم پانی دے نال

طیب آزمائشی

ہے
اکوتہ
ڈنڈ
کر کے
گندھ

نوشادر
مردا
نیلم
پاک
کر کے

سیر ہک
سیر لین
نیلا

ٹوٹکے مجربہ چنبیل

ہے اک ٹوٹکے بڑا لاثانی	مجرب میرے پاس نشانی
اکوتہ چنبیل ہودے دور	رہے نہ چمڑے دھج قصور
ڈنڈہ تھوہر ہک گٹھ منگا	تیل مٹھے دے دھج مٹرا
کر کے مریم دانگ تیار	لا چنبیل تے روز ہک بار
گندھک دا تیزاب لگا	نہیں کوئی اس دے جیہاد دا

نسخہ چنبیل

نوشادر سوہاگہ آملہ سار	باہجی پارہ تخم پنوار
مردا سنگ اس دیونج گھت	ہک ہک تولہ دارو سنت
نیلہ تھوتھا کر بریان	ماشے چھ ملاؤ آن
پاک مٹھا تیل منگا	دارو پیہہ اس دھج رلا
کر کے مریم دانگ تیار	ہک دن دھج لادیں دوبار

نسخہ روغن چنبیل

سیر ہک چھوڑے ٹاہلی لیا	سیر پکا دھج کنک ملا
سیر لیڈے اڈھانڈے ڈال	پتال جنترنال تیل نکال
نیلا تھوتھا کر بریان	ماشے چار ملاؤ آن

چنبیل دھدر نے رنت لا
دیوے جسموں تخم اڈھار

نسخہ چنبیل

آملہ ساڑ پاپڑا ہرنال	نوشادر سہاگہ لے دج ڈال
ست زنبو دا نال ملا	ہک ہک تولہ سب دوا
نیلا تھوتھا کر بریان	ماشے چار ملاؤ آن
سرکے دیونج کھل کرا	اس دے لے شلیاف بنا
گھس پانی دج رنت لگاے	چنبیل دھدری دھو ہوجاے

نسخہ چنبیل

نوشادر مالوں اسی رائی	بیج مولی دے پنج دوائی
وزن برابر سب دوا	کھل کرائے کے جمع کرا
تھوڑا سرکے دج ملا	چنبیل دھدرتے رنت ملا

نسخہ چنبیل

نوشادر ورقیہ لے ہرنال	بھن نیلہ تھوتھا دج ڈال
نیپال سہاگہ بھس کتھ رال	ایہہ بھی چارے ہودن نال
وزن برابر سب دوا	تیل کوڑے دج پیس لگا

نسخہ چنبیل

نیلا تھوتھا کر بریان	کچلہ سار ملاؤ آن
مردا سنگ کتھ آملہ سار	ہر ہک پھ ماشے مقدار

پہہ دارو سب اس دچ گھت	تیل مٹھائے تولے سنت
لانت ہودے دنج آزار	کر کے مرہم دانگ نیار

بیان قویا

آکھن اس نول مرض قویا	دھدر پیدا ہودے آ
چمڑے دے وچ آن کھلوے	جدوں رطوبت گندی ہودے
خارش کرے نہایت زہر	جے اوہ مادہ ہودے شور
کر توں اس دا جلد دوا	دھدر ہودے شروع جد آ
پاوے چمڑے وچ خواری	خارش نال ہودے پوجاری
دھدریاں تے جوکاں لا	اول اس دا فصد کرا
ایہہ دارو نیت اس تے لا	کر کے گندہ خون صفا
سرکہ ڈال لگاؤ سنگ	ہرڑ ہندی کتھ مرواسنگ
خارش مڑکن کرے زیادہ	جے دھدر صفراوی مادہ
خارش پچھوں ہودے درد	نکے دپچوں پانی زرد
دیوے دھدر ترن دغا	بحرب اس دا لکھاں دوا
مرواسنگ کتھ چھل انار	نوشادر سہلگہ آمد سار
لا دھدر تے سرکہ گھت	کیس برابر دارو سنت
خارش دھدر کرے حیران	جیکر رطکا بال نادان
پہہ کے لاہر کے دے نال	ماجو ہندی کتھ نیال
سرکہ دچ دھدر تے لا	یا رس پھٹکڑی ہرڑ تھسا
تھوڑا جیہا سہاگہ میل	یا عت لا گندم دا تیل

<p> بلغم نال جے رمل سودا فاسد مادہ کرے فساد دو ترے چار جلاب کر جیکر دھدر سخت نہایت مغرب نسخہ کراں تحریر پھٹکڑی رائی زرد ہر نال آملہ سار برابر ست ہر ہفتہ یک دیہہ جلاب جے مادہ دموی سودا ایہہ نسخہ آزمودہ کار </p>	<p> ٹھہرے دوج چمڑے دے جا نکلن دوج بدن دے داد فاسد مادہ دُور کرا کرے خارش دی بہت شکایت دھدر چنبیل نوں اکیر نوشادر سہاگہ توتیا ڈال کرو طلا سر کے دوج گھت مادہ خارج کرو شتاب جوکاں دد ترے وار لگا سائیں بخش کیتے کئی بار </p>
--	---

نسخہ دھدری یعنی داد

<p> جے بلغم سودا مواد دھدر بہت نہایت سخت خارش اس دوج رہے مدام نسخہ کراں بیان اکیر اگ دا دودھ تولے دو چو اگ دا دودھ تیل دوج ساڈ مروا سنگ شکر ہر نال نوشادر سہاگہ آملہ سار ایہہ سب تیل دیلج ملا </p>	<p> پیدا کرن بدن تے داد ہو دے پتھر دانگ کرخت آدے کسے نہ وقت آرام تحریر کیتا ایس فقیر مٹھا تیل تولے ست ہو اگ تھیں لاه تیل نوں ٹھار یا پچی پارہ توتیا ڈال چھ چھ ماشے کل مقدار مرہم گھوڑ مار بنا </p>
--	--

کر کے گرم گھتو دج تیل دھدریاں تے بت لگا کرے چلیہ استعمال	تولہ جربی بکرا میل سرکہ تھوڑا جیہا ملا فقور کوڑیاں چیزاں دانال
--	--

نسخہ داد مجربہ مصنف خود

چمڑے دیونج کرے ٹکانہ رہے چمڑے دیونج کھلو کرے جسم دیونج فساد جاندی دھدر نظر نہ آوے ہری لکڑ پلچھی ہمراہ ڈال بھانڈے دج خوب سنوا پنج پنج تولے وزن تولہ وانے گندم تخم بکین تیل کڈھو گل حاکست نال دھدر چنبیل رہے نہ کا	دھدر چنبیل بہت پرانہ مادہ موذی عاتی ہو ہو دے سرد اس خشک مواد جے کوئی ایہہ دوا کماوے لے چھوڑے ٹاہلی دے سیاہ ادھ ادھ سیر پکا مقدار پانچگی دانے حرمل لیا تخم کرفس دانے اجوین ادھ ادھ پاپکا دج ڈال سخت دھدر تے کرو طلا
---	---

✓ عرق دافع داد چنبیل کہنہ مصنف خون

جادے بگڑ سریر تمام گرم موسم دج جادن چھوڑ لوٹاں دھدر مارن ڈنگ نال تحفن ہو دے شور	جے دھدر لوٹاں ہون عام سرد موسم دج دیون زور کھڑوہ چم سیاہی رنگ بوش خون یا دیوے زور
--	--

جاوے مرض پرانی ہو	چمڑے دیوچ رہے کھٹو
مغرب عرق لکھاں اکسیر	نہیں کوئی اس دی مثل نظیر
پہلاں اس دا فصد کرا	کر کے اس دا خون صفا
پتھوں اس نوں شروع کرا	جلدی بخشے صحت خدا
کڈھ عرق ایہہ نال تاکید	بہت دکھاں نوں پوسے مفید
دھدر چنیل جرب جدام	پوسے جادن چھوڑ مقام
تاپ پرانے ہوون دُور	پھوڑے پھنیاں چکنا پُور
سائیں بخش ایہہ عرق آزمایا	بہت دکھاں وج نفع اٹھایا
منڈی بوٹی برگ حنا	چھل ہریٹاں زرد ملا
افسنتین پانسہ وج گھت	چراشتہ میل نرم دے پت
انبرول ہریٹاں سیاہ	پا پڑا کر دے رگھو ہمراہ
بورہ صندل سرخ سفید	پھل گلاب سو فٹے دید
کاسنی چھل بھیرہ ڈال	آنولہ دھنیاں پادیں نال
پنج پنج توٹے لیا شتاب	پا پکا وج ڈال عناب
چھل درخت نم دی لا	آدھ سیر پکا نال ملا
رات پانی وج رکھ پوسا	فجرے اس دا عرق کھینچا
نو دس بوتل کڈھو عرق	پوسے پوسے شابی فرق
خالص ماکھوں اس وج ڈال	شام صبح کر استعمال
ایہہ نسخہ صدی کرامات	کرے بگاڑ بدن دامات
دھدر چنیل ہودن دُور	رہے د جئے وج قصور
ہود خرابی خون ہر قسم	دفع ہو جادے دچوں جسم

لے جا اس فوں دہج حمام ہر ہفتہ ہک دیہہ تیلین ما اجمین والی ترکیب گل روغن سرکہ نال ملا	نہاویں نت صبح تے شام طبع موافق نال یقین چالی روز کریں ترتیب بدن اُتے مانس کردا
---	---

نسخہ داد نصیبین

جیکر داد نلاں دہج ہوبے سبز کپیس کافور انیم گل روغن سرکہ دہج ملا کٹ کے تخم کرنس ادبال	خارش نال نلاں نوں کھوہے ہک ہک رتی قدر حکیم نصیبیاں اُتے لپیپ کرا دھو دیں اس دے پانی نال
---	--

نسخہ داد انگریزی

چھٹانکی تارپین دا تیل داو موزی نے کرد ملا اترے سبکری اس توں عام	مشک کافور تھوڑا دہج میل دیوے فوراً نفع پہنچا آدے جلدی نال آرام
---	--

نسخہ داد دہقانی

نسخہ کراں بیان دہقانی اس نے کہا میرا آزمایا ترسہ ڈوڈے تنیزد ہتھورہ چھٹانکی تیل کوڑے دہج ساڑ	دتی ہک دہقان نشانی ہو قریبے وار خطا نہیں پایا تخم ادنٹے توئے ترے کوڑا ہی اگ تھیں جلد آثار
--	--

مصبر توتیا آملہ سار پیہہ کے اس دے دج ملا کر کے مریم دانگ تیار کر کچھ مدت استعمال	ہر ہک ہودن ماشے چار نال ڈنڈے دے خوب گھوٹا لاہک دن دج دوترے وار دھونٹ گرم پانی دینال
---	--

نسخہ داد و چنبیل کمنہ

جیکر تینوں ہودے لوڑ تیزاب گندھک والا ایہہ بھی دج آزمائش آیا لوشادر سہاگہ آملہ سار پیہہ کے مکھن نال لگا	لکھاں مجرب نسخہ ہور دیوے دھدر نرت و نجا ناٹھ دوترے وار اٹھایا مغز ہریٹ دارو چار غارش دھدر رہے نہ کا
--	---

نسخہ دھدری سر

سفید کتھ تخم پنواڈ تولہ تولہ سب دوا نیلا تھوٹھا کر بریان رس بنو دج کھل کرا گھس سر کے دج نرت لگا	لوشادر سوہاگہ آملہ سار پیہہ کے سارے جمع کرا ماشے چار ملاڈ آن کر کے کھل شیاپ بنا دیوے دھدر گنج اٹا
---	---

نسخہ دھدری آتشکی

سبب جے مادہ باہ فرنگ	دھدرکن بدن نوں تنگ
----------------------	--------------------

نسخہ عجیب آزمودہ کار میکور نے کتھ سفید چھ چھ ماشے چار دوا نیلا تھوٹھا کر بریان مکھن گو کے دج ملا	کراں بیان نہ رہے آوار شگرف میل کنیلہ دید جدا جدا پیہہ جمع کرا ماشے چار ملاڈ آن دھدریاں تے نت لگا
--	--

نسخہ دھدری

نیلا تھوٹھا تول آن چار تولے آٹے دج ڈال نیکے تھوڑا جیہا دوا ست روز جیکر کوئی آدے	تولے آٹے کر کے بریان پیہہ رکھ بوتل دج سہماں لیٹی پانی گھت پکا جانڈی دھدر نظر نہ آدے
--	--

نسخہ دھدری مجربہ

کراں بیان عجیب دوائی روٹی دج تنور سڑوا سہاگہ تولے دو سڑوا سبز توتیا کر بریان دکھو دکھی کھل کرا تھوڑا سر کے دج ڈال شگرف پارا تے ہڑتال تول تولے سب دوا	ہرگز دھدر رہے نہ کائی ڈنڈے کونڈے دج گھوٹا کنیلہ تولے تولے ملا تولہ پک ملاڈ آن چامے دارد جمع کرا کر دھدر تے استعمال آٹہ سار سہاگہ ڈال حرق نہتو دج کھل کرا
---	---

نیلا تھوتھا کر بریان اس دے بھہ شیاف رکھا ہک دو ہفتے نت لگا	ماشے چار ملاڈ آن گھس پانی وچ نت لگا دیوے داد دی یزخ اڑا
--	---

نسخہ دھدری و گنج سر

رحمت ماریا تولے چار نیلہ تھوتھا کر بریان تولے ست گری دا تیل مرہم گھوڑ مار بنا ہست دھدرنوں دیوے سود	دو تولے گھت آملہ سار ماشے چھ ملاڈ آن پیہہ کے سب دوا وچ میل دو ہفتے تک روز لگا گنج پنبل سب ہون نابود
--	---

نسخہ دھدری سر گنج وغیرہ

سفید سہاگہ پھل کرا ناخن گھوڑے دے منگوا لے کے دال بکری دے ساڑ پیہہ کے چارے جمع کرا	ساڑ پُرانہ چم ملا گل حکمت دینال سڑا وزن برابر دارو چار تیل یا سر کے نال لگا
--	--

لوٹکے مجربہ دھدر

آملہ سار یا شتاب پھٹکڑی میلو نلک سفید سرکہ تھوڑا جیہا ملا	پلچٹ میل اس وچ شراب سفید سہاگہ ڈالو دھید دھدر اُتے کر د ملا
---	---

خا
خا
جر
خا
جے
چم
سد

ٹوٹکہ دھدر دہتقانی	
نوشادر ہالوں اسی رائی دزن برابر سبب دوا تھوڑا سرکے دج ملا	بج مولی دے پنج دوائی کھول کراکے جمع کرا دھدر چنبیل تے رت لا
ٹوٹکہ دھدری سرو گنج وغیرہ	
نپال مسر آملہ آن نیلا تھوٹھا کر بریان کیلہ تولہ نال ملا تھوڑا تیل کوڑے دج ڈال	ہک ہک تولہ کر بریان ماشے چھ ملاڈ آن کھول دے دج خوب پیا کر دج تے استعمال
بیان خارش	
خارش بہت خراب بیماری خارش دے دو قسم پچھان جس نوں لگی خارش ہووے خشک خارش اس کہن عوام جے ہو جادے گندہ خون چمڑے دیہج کرے فتور سبب جے ہووے مادہ شور نکٹے پانی زرد یا ریم	پادے چمڑے دج خواری ہک خشک دوجی تر جان ناخن مار بدن نوں کھووے حک کہن حکیم تمام خارش پیدا کرے زبون پھنسیاں پنڈے ہون ظہور خارش کرے نہایت زور اس کہن اس نوں جرب حکیم

خارش جیکر ہووے تر	نصفہ جلابوں ذرہ نہ ڈر
جیکر کھرک پڑانی ہو	چمڑے دے دوج رہے کھلو
پہلاں نصفہ جلاب کرا	مادہ موذی دُور کرا
پھنسیاں ہودن جے بہت نہایت	کرے کھرک دی سخت شکایت
کراں بیان عجیب دوا	پھنسی خارش رہے نہ کا
پاپڑا مونڈی ہرڑ سیاہ	چرائتہ انبرول ہمراہ
برگ جتنا تے نم دے پت	ترے ترے ماشے دارو ست
ماکھوں دو تو لے دوج ڈال	نقوع کر کے استعمال
ہر ہفتہ ہک کرو جلاب	جاوے خارش ڈکھ شباب
مردا سنگ کتھ برگ حنا	چھل ہریڑ کیس ملا
پہرہ کے لائیل کوڑے نال	سیرکہ دوج تھوڑا جیہا ڈال
نوشادر سہاگہ آملہ سار	قلبی شورہ دارو چار
ترے ترے ماشے چارے گھت	نیلا تھوٹھا رقی ست
دہی سرکے دے دوج ملا	بدن اُتے ماش کرا
کر کچھ مدت استعمال	نہاوے گرم پانی دینال

نسخہ خارش خشک

جیکر خارش خشک ریاحی	چمڑے دیوچ کرے تباہی
پھنسیاں پھنسیاں ہودن سخت	خارش بہت کرن بد بخت
سوناگہ باپچی آملہ سار	دو دو تو لے دا مقدار
برابر مردا سنگ کتھ گھت	نیلا تھوٹھا ماشے ست

دو تولے دج ڈال کیس	کر کے سب اکٹھے پیس
دہی سر کے دیوچ ملا	تھوڑا بیہا مالش کردا
گرم پانی دے مال نہوا	گل روغن سرکہ نت ملا

نسخہ خارش کہنہ

سودا تھیں جیکر خارش پیدا	ہووے چمڑے مویج ہویدا
سخت ہو جاوے چم سیاہ	کرے بدن دا رنگ تباہ
یا مادہ سودا احتراقی	ہووے دج بدن دے عانی
سوزش سرکن رہے مدام	خارش لین نہ دے آرام
ماء الجبین کر استعمال	ملین ہر ہفتہ رکھ نال
جیکر چالی روز کما دے	مڑ کے خارش نظر نہ آدے
گلی روغن سرکہ نت ملا	گرم پانی دینا نہوا
مغز تخم کدو تل سیاہ	دودھ دج گھوٹ بدن ملوا
مکھن مصری نت چٹا	خشکی جسموں دور کرا
ظاہر باطن کر مرطوب	تاں حاصل ہووے مطوب

نسخہ خارش دموی

جیکر خارش دموی ہو	رہے جسم دے دج کھلوا
اول اس دا قصد کرا	پچھوں دارو شروع کرا
پپڑا افسنتین سنا	ہک ہک تولے وزن تولا
پار تولے چھل ہرڑاں ڈال	دیچی دے دج گھت اوبال

نل کے پُن کے صاف کرا چنگی طرح پکاؤ توام جے کر باقی رہے تصور	دینہ تو لے دج ماکھوں پار پیوے صبح تے شام پھیرنا اس طور ضرور
---	---

نسخہ خارش اطفال

جیکر لڑکا بال نادان نم دے پتر خوب گھوٹا گھیو گوکا کو شامل نال جد سانا پانی جل جاوے دیہہ لڑکے نوں پسی نال اوہو گھیو پھنسیاں تے لا	پھنسیاں خارش کرن حیران گھول پانی دج صاف کرا پکاؤ کر اسی دیوچ ڈال گھیو تنہا باقی رہ جاوے پھنسیاں دغ ہودن فی الحال دیوے اس نوں تر ت شفا
---	--

نسخہ خارش گرم

قلعی شورہ گندھک لیا دُنڈے کونڈے دج گھوٹا ہندی دے پتر خوب گھوٹا	ہندی دے پتر نال ملا گل روغن سرکہ گھت ملا تیل کوڑے دج گھت ملا
--	--

نسخہ خارش سرد

جیکر خارش خاص ریاحی سردی وقت جے ہووے پیدا دیسی لے اجوین منگا	چڑے دیوچ کرے تباہی سرد خارش اس سمجھیں ویدا تیل مٹھے دج گھت مرّا
--	---

کر کے صاف بوتل دج گھت	مالش کرد دھاڑے ست
اجوین پانی دے دج گھوٹا	جسم اُتے مالش کردا
دوترے گھنٹے کر کے جال	ہوادے گرم پانی دینال
گندھک تے اجوین گھوٹا	تیل مٹھے دج گھت ملا
جد دو گھنٹے گذرن آ	گرم پانی دینال نہوا

بیان چھپاکی یعنی شری

شری مرض ایہہ ہے بد بخت	آن ظہور ہووے یکلفت
چھپاکی دج ہندی اس نام	خارش دھپڑ بدن تمام
ایمانک پیدا ہووے آن	اوکھا بہت ہووے انسان
مرکب تلخی دل گھبراوے	بعضیاں نول معدیوں تے آوے
پھرے بدن دیوچ بخار	کھس کھرک ہووے بیار
بند بدن ہو جان مسام	نکلن دھپڑ جسم تمام
یا کوئی گرم غذا دوا	کھاوے پوے مخالف جا
اوس سبب چھپاکی پیدا	ہوون دھپڑ آن ہویدا
مرکب گل روغن ملوا	دیہہ دھونی اجوین دھوکھا
جد اُس نول آجاوے عرق	ہووے بہت شتابی فرق
جیکر مرض ایہہ کرے بگاڑ	بہت دیر تک رہے آزار
جیکر ہووے خون زیادہ	فصد نال کر خارج مادہ
پاپڑا نم ہندی دے پت	انہول سونڈی دج گھت
عناں ہرمیٹاں مندل بوڈ	اس دینال ملاؤ ضرور

<p>تڑے ترے ماشے سب دوا بحر مل کر کپڑ پھان کر کچھ مدت استعمال برسم دندئی دیا جوتی گھوٹ اطریفل دیہہ اس نون کشنیز جے غالب ہووے صفرا دو ترے چار دیکے تلین جیکر مادہ خاص ریاحی تخم کرنس اجوین گھوٹا تر پھلہ گٹ ماکھوں چوگھت</p>	<p>رات پانی دھج رکھ پوسا دو تولے شہد ملاؤ آن ہووے دفع شوکی بد حال نیل کنٹھی دیہہ رہے نہ کھوٹ اس دے جیہی نہیں کوئی چیز آلو انبلی شروع کرا خالص کرد مواد لعین چمڑے دیوچ کرے تنباہی تیل مٹھا گھت بدن ملا چھتے نت ہاڑے صحت</p>
---	---

بیان درم طاعونی

<p>مشکل مرض ہیک درم طاعون جدوں خدا دا آوے تہر پھیل جادے دھج ملک جہان درم ران یا بخلا لوہج اچانک درم کرے آتنگ سرکن بہت کرے گھبرا بعضیاں نوں ہووے سرسام ایہہ موذی بد مرض طاعون کرے ملک دا حال تنباہ</p>	<p>کل درماں تھیں بد ملعون پیدا کرے طاعونی زہر زائل کرے بہت انسان یا گردن دھج دیوے کھج جیونکر سب چلا دن ڈنگ دیوے ہوش حواس بھلا کن بے ہووے بات کلام بہت نہایت سخت زبون ہووے آدم بہت فتنہ</p>
---	--

ہے طاعون بلا آسمانی
 جدوں زیادہ کرے فساد
 موزی مرض ایہہ سخت بلا
 شامل ہووے تاپ و بائی
 ایہہ بد بخت بیماری چھوٹ
 ایس مرض دی مارے بو
 ایس دکھ نوں ویکھ سیانے
 اس آفت تھیں رب رحمان
 جیکر ہووے ردی مادہ
 زہر جسم وچ جادے دھا
 جیکر مادہ سالم ہو
 جد تک اس نوں خیر ہو جائے
 رنگ ورم جے زرد سیاہ
 جیکر سرخ سفیدی رنگ
 دو چار دے کے تیلیں
 پنڈے تے مالش کروا
 ورم اُتے پلٹس بھوا
 ایہہ بھی ہے ضہاد آزموہ
 تقویت دل دماغ پہنچا
 ورم موزی تے پچھ لگا
 مار ڈنگھی پچھ خوب نکال

نازل تھر خدا نشانی
 آدم بہت ہووے برباد
 ہووے موسم وچ وبا
 دیوے مشکل نال رانی
 جائے لگ جیویں جن بھوت
 نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو
 اکھ اکھ نسن چھڈ کھکانے
 بخشنے رحمت نال امان
 ہوندی جائے مرض زیادہ
 ہرگز پیش نہ جائے کا
 ورم دیوے تک رہے کھلو
 نشانی رب تھیں صحت پائے
 کرے ردگی دا حال تباہ
 دارد اس دا گرو ننگ
 خاسج کرو مواد لعین
 مکھن تازہ گوکا یا
 پانی آٹا گھیو ملا
 ہوئے بہت بیمار آسودہ
 شربت مندل بہت پلا
 مادہ زہری دفع کرا
 دھوویں گرم پانی دے نال

دھنیاں صندل بور گھوٹا
 رگرد ورم سے کرد ضماد
 تازہ گوکا مکھن لیا
 گوکا مکھن بہت کھوا
 بنفشہ شربت نیلوفر
 بید مشک تے عرق گلاب
 رب سیب تے رب انار
 صندل مشک کافور گھسا
 جیکر کھنگ نہ ہووے نال
 شربت لیموں ترش انار
 آلو انہلی دیہہ ننگ
 زرشک انار دانہ وچ ڈال
 سکنجبین اس بہت پلا
 ظاہر باطن کر ترہ طیب
 بنفشہ روغن نیلوفر
 روغن مغز کدو بادام
 سکنجبین دی تے کروا
 بچے کر نال ہووے سرسام
 دو ترے چار ملیں کر
 گا ہے تے گا ہے اسنال
 جیکر ہے ورم اوہ سرد

آٹا وچ جواں دا پا
 ہووے سرکن دور فساد
 رگرد ورم ہر وقت لگا
 مصری تھوڑی جیہی طلا
 رُوح کیوڑہ وچ شامل کر
 پیوے ڈال تازہ وچ آب
 ڈال پانی دیہہ رت نہار
 سینہ اُتے کرو طلا
 ترش چیزاں کر استعمال
 سرد بنوری دیہہ نہار
 جیکر ذرہ نہ ہووے کھنگ
 مصری گھت کر استعمال
 تازہ پانی سرد طلا
 شامل رکھ تبرید طیب
 گوکا مکھن شامل کر
 مالش کرو صبح تے شام
 نہیں کوئی اس دے جیہا دوا
 کہے بے ہودہ بات کلام
 تے دیون تھیں ذرہ نہ ڈر
 دیون جسموں زہر نکال
 رنگ سفید نہ ہووے زرد

میر گز
 چونہ
 چہچہہ
 لا ایم
 جد
 بہت
 دیوہ
 جلدی

دلغہ
 ڈیرہ
 ہندی
 برص
 چھڑے
 غیر طبعی
 چھڑے
 داغ
 نوشاد
 دلغہ
 مائتہ رت

<p> کہ مقروح دوا دے نال صابن نیلا تھوٹھا ڈال پیچھ کے دم اُتے جھب نا دیوے مُنہ ورم دا پاڑ ہووے دُور بیماری ساری ہووے گندہ بہت زبُون اوتھے جائز قصد پکچھان حکیم قدیم گئے ذرا </p>	<p> ہرگز تاپ نہ ہووے نال چونہ سبھی حب جیپال پیچھ ماکھوں نے نال جلا لایس نوں تے دفع یا چار جد مواد ہو جائے جاری بہت زور جے ہووے خون دیوے زور کرے نقصان جلدی اس دا قصد کرا </p>
--	--

بیان برص

<p> برص آزار حکیم اس کہن صورت وچ پوے نقصان آکھن اس نوں لوک تمام صورت شکل دیوے بدلا بہت مدت تک کرے فساد ہودن چمڑے وچ ہویدا ہون علا جوں عاتی دید وارو اس دا کرو ننگ دانگ غبار ہو جائے ٹھیک گل روغن سر کے نال رلا برص مرض نوں فیض پہنچا دے </p>	<p> داغ سفید بدن تے پین ڈبے ہو جاوے انسان ہندی وچ پھلہری نام برص بیماری سخت بلا چمڑے دے وچ گرے مواد غیر طبعی خلطاں تھیں پیدا جھڑے ہوون داغ سفید داغ سفید جو سُرخ رنگ نوشادر سہاگہ کو باریک داغ برص تے کرو طلا ماشہ نت نوشادر کھا دے </p>
--	--

<p>ہور طلا ہک کراں تحریر کلونجی باپچی بیج پنواڑ دیہن سرکے دے دنج بلا گرم پانی دے نال دھوا کھاڑے دی جڑھ گھوٹ جے پیوے کوڑیاں چیزاں دا جے عرق</p>	<p>مجرّب دانگ طلسم اکسیر نوشادر وزن برابر چار داغ برص تے کرو طلا پچھوں گل روغن ملوا بہت شتابی پتنگا تھیوے پیوے ہوس شتابی فرق</p>
---	---

نسخہ برص خوراک

<p>پا ہک ہدی چواں منگا آٹا گھیو کرکے بریان سیر پکا اس وجہ گھیو گھت لٹو ہنہ چھٹانکی تول کشتہ سم الفار اکسیر کچھ مدت کر استعمال گرکے کھٹن نال لنگھاڑے ایسے طور دوا کما دے جیکر ہووے برص سیاہ ہڑتال درقہ لے دنج ڈال</p>	<p>گٹ بہت باریک چھٹا ہک ہک سیر پکالے آن گا ہڑی خوب پکاویں پت کھا ہک رت دوا اتول تجربہ سائیں بخش فقیر نصف چاول دا قدر سہال ہفتہ چھوڑے ہفتہ کھاڑے برص مرض مٹنظر نہ آوے پھٹکڑی آملہ سارا بیا سرک گھت کر استعمال</p>
---	---

بیان مرض بہق

پیدا ہون چھب سفید	بہق برص آکھن اس وید
-------------------	---------------------

سخت کثیف ہو جان مسام
 بہت مدت تک ہے بیماری
 ہوں جدوں مسام کثیف
 جد آ جاوے موسم گرم
 ہووے پوست بدن لطیف
 مخفی نسخہ کراں ظہور
 نوشادر سہاگہ باہجی لے
 دہی سرکے لے وچ ملا
 دو ترے گھنٹے کر کے جال
 کچھ مدت کر استعمال
 میں اس نسخے دی تریواری
 نہیں اس لے وچ ذرا خطا
 کراں بیان یک ہو ردوا
 گندھک گھیو گھوٹ ملا
 شامل کریں جے مغز اخروٹ
 جے ہو جاوے چھنب پڑنے
 بہت مدت ہو جائے طول
 نسخہ یاد آیا آزمائشی
 سرسوں بیج مولی دے لیا
 نوشادر سہاگہ نال ملا
 انٹھی کر کے سب دوا

چنگاں مارے بدن تمام
 پاوے چمڑے دھج خواری
 ایہہ آزار دیوے تکلیف
 مسام بدن ہو جاوے نرم
 ہو جاوے ایہہ دکھ خفیف
 ہووے چھنب بدن لے دور
 پیہہ باریک دوا ترے
 بدن اُتے مالش کرنا
 نہا لے گرم پانی لے نال
 ہووے دفع ہنق لے خال
 کیتی آپ تجزیہ کاری
 کیتی شانی رب شفا
 مجرب اس نوں لے آزما
 گرم پانی لے نال نہوا
 رہے نہ ذرہ تھماں دا گھوٹ
 چمڑے لے وچ کرن ٹھکانے
 اوکھا ہووے بہت رنجول
 آزمودہ راست دین شناسی
 بیج پنج تو لے وزن ٹولا
 باہجی دو دو تو لے یا
 دندے کوندے وچ گھوٹا

دہی سر کے دے وچ ملا دو ترے ساعت کر کے دیر بے نوشادر جے کر پیس نہاے گرم پانی دے نال	بدن اُتے مالش کردا گرم پانی وچ نہا دے پھیر گل روغن وچ روز اکیس رہے نہ کوئی رتھم داخال
---	--

بیان عرق مدنی یعنی ناروا

عرق مدنی درم دا قسم شہر مدینہ وچ آزار ایس سبب عرق مدنی نام پک ورم جد ہووے زیادہ رنگ ورم دا جیکر لال جے کر ورم کرے اکڑا مواد ورم دا جیکر خام مہتر سہاگہ صابن لے کٹھ گودا وچ میل کنوار مادہ ورم جیکر احتراقی رنگ ورم دا ہووے زرد گودا اس تے بنھ کنوار ادھا زبٹو چیر بنھا السی آٹا کنک ملا پلٹس کر پھی وچ بکا	ناروا اس دا ہندی اسم بہت آدم نوں کرے خوار کن حکیم طبیب تمام رگ دے دانگوں نکلے مادہ نال جوکاں دے خون نکال لا گل روغن موم ملا پلٹس لا پکا تمام کٹ ملا دوا ترے رنت بنھ ناروا دیوے پاڑ ہو وچ بدن دے عاقی مارے ضرب تراٹاں درد دیوے منہ درم دا پاڑ طوطیا سبز اوپر چھڑکا پانی گھت کنوار گھوٹا ناروے اوپر رنت بنھا
--	--

نے کے خالص مٹھا تیل
 مرہم گھوٹا مار بنا
 لٹ پٹ دا پٹہ بنھوا
 برگ اک دا بڑا مفید
 سہاگہ پیٹ کبوترہ لیا
 ناروا آتے نت لگا
 مصترہک ماشہ نت کھائے
 جیکر وچ بدن امتلا
 پک ورم جد ہووے تیار
 پیٹ سکے تے باہر نکال
 نکلے رشتہ جدوں تمام
 جے باقی ہووے کچھ مادہ
 اوپر آس دے مرہم لا
 مرد اسنگ سندھو کتھ رال
 پک پک تولہ سب دوا
 مرہم ٹماکی نال لگا
 تشقیہ کرنا اس وچ فرض

کر کے گرم صابن وچ میل
 ناروا آتے نت لگا
 دیوے ناروا نرت ونجا
 نت بنھاس نوں نال تاکید
 گو ترے وچ گھت پکا
 دیوے ناروا جلد ونجا
 ناروا نکل باہر سب آدے
 دو ترے چار جلاب کرا
 نکلے رشتہ باہر وار
 ٹٹ جاوے دا رکھ خیال
 آدے اُسے وقت آرام
 زخم ہو جائے بہت کشادہ
 دیوے جھبڈے زخم چھڑا
 بنا مرہم موم گہو ڈال
 گھیو پھٹاکی نال ملا
 دن وچ دو ترے وار لگا
 مڑ کے عود کرے نہ مرض

بیان چند راناخن

چندرا آکھن لوگ عوام
 پاوے انگل وچ فتور

داخس وچ یونانی نام
 جڑھ ناخن وچ کرے ظہور

کردا
 پھیر
 کیس
 قال

اسم
 خوار
 تمام
 مادہ
 کال
 ملا
 نام

پاڑ
 غاتی
 درد
 پاڑ
 کا
 موٹا
 بنھوا

سخت نہایت کرڑہ ورم
 مارے ضرباں درد تراٹ
 نال زور چڑھ جائے تاپ
 اول فصد جلاب کرا
 طبع موافق کرو علاج
 سرکہ ایسیغول ملا
 چھان کنک دانت بنھا
 جے کر درد کرے اس زور
 انیم گھسا انگل تے لا
 کرڑہ خشک جے ہوئے ورم
 کر کے گرم مٹھا کچھ تیل
 تال اوہ مادہ موزی ورم
 ورم اُتے میٹھس بنھوا
 اسی آٹا نمک ملا
 مادہ موزی جیڑا خام
 جد اوہ ورم ریم کر آئے
 چیر و جلدی نشتر نال
 مغز بادام مغز نار جیل
 ڈنڈے کوڈے وچ گھوٹا
 جیکر ورم نہایت سخت
 جاوے بہت پُرانا ہو

اکثر مادہ ہووے گرم
 سٹرن وانگ آگ دی ٹاٹ
 روگی بہت کرے ورلاپ
 ورم موزی تے جوکاں لا
 دیہو معتدل حسب مزاج
 ورم اُتے جھب لپ کرا
 پانی پوست وچ رکھا
 دیوے مادہ کھچ مروڑ
 اُتے نگدہ بھنگ بنھا
 روغن نال ملاویں نرم
 رکھ انگل اس دے وچ میل
 حل ہو جائے ہوئیے نرم
 کچا سب مواد پکا
 پانی گھیو گھت کے پکوا
 جائے جھبے پک تمام
 پھل سفید رنگ ہو جائے
 گندہ سب مواد نکال
 چوٹارہ نال منقہ نال
 پڑے انگل تے بنھوا
 ہووے کرڑہ بہت کرخت
 رہے ناخن دے وچ کھلو

<p>کراں بیان دوا ہک ہوو نوشادر صابن کنگن کھار تھوڑا جیہا نمک ملا بنھ دیہاڑے ترے یا چار کر کچھ مدت استعمال جیکر ورم اوہ ہووے سرد بینگن کر کے گرم بنھا</p>	<p>جاوے مرض ناخن نوں چھوڑ نیلا تھوٹھا مغز کنوار ورم ناخن تے نت بنھا دیوے سخت ورم نوں پھاڑ دیوے کل جڑھ سب نکال تھوڑا تھوڑا ہووے درد بنھ پیاز کٹ نمک ملا</p>
--	--

بیان مرض بال خورہ

<p>بال چر ہندی دج زبان یا داہڑی دے خارش نال بال اکھڑے دے کے زور دیوے صحت شافی رب رائی وزن برابر چار داع الثعلب رہے نہ کا اس مقام قرعہ بن جائے دیوے جھبے زخم چھڑا گندھک سنگجراحت میل نت زخم تے کرو ملا اکھڑے ہوئے بال اگائے لاوے بال اگن مڑ پھیر</p>	<p>داع الثعلب کمین یونان اکھڑ جاوے سرے دال مواد احتراقی فاسد شور نسخہ کہاں ہک بہت عجیب نوشادر بالوں آملہ سار پیہہ کے سرے دج لگا جتنے ایہ دوا لگاوے مڑ اس نوں ایہ مرہم لا بھس کتھ ہندی مٹھاتیل موم تھوڑا جیہا دج ملا گھوٹ جے کوئی تھوم لگاوے سرک مکھیاں دی ہاگیر</p>
--	--

سپ گنج گھیو گو کے دھج ساڑ	لاہنت ذرہ نہ رہے آزار
نوشادر پیہ کے نت لگا	گل روغن سر کے نال ملا
کر کچھ مدت استعمال	دھویں گرم پانی سے نال
مرغی سے بیضے دا تیل	نت لگا نشادر میل
سم خر بکری دا سڑوا	پیہ سر کے دھج نت لگا
گل روغن کچھ نال ملا	بال خورہ تے نت لگا
نوشادر گو کے مکھن نال	پیہ کے نت کر استعمال

نسخہ مجربہ بال خورہ

نسخہ یک صدی آزمائشی	آکھیا راست دین شناسی
میرے ایس بیماری نال	اکھڑ گئے ابرو سے دال
اس نسخے تھیں سخت پائی	دقی شافی رب ربائی
ذرا دھج نوشادر تے ہڑتال	لایا پیہ کے سر کے نال
ایسا دوا کیتا مقروح	گھیو لگانا کیتا شروع
اُگے سب ابرو سے دال	سارے حکم خدا سے نال

نسخہ وال چمر

ساڑ لوہی بکری سے دال	فریوں کندش ہڑتال
دزن برابر چار دوا	پیہ کے سر کے نال لگا

ایہ بھی ہے نسخہ لاثانی
لکھیا اندر طب یونانی

سرد
گرم
قیروم
گرم
ایسے
نوش
گرم پا

آکھن
پیدا
بے چہر
سڑیا
چمڑے
مجبب
نوشادر
گل روغن
اروانہ
دہی سر

بیان شقوق الاطراف ہندی جہانجن

سرد موسم دج ہے ہتھ پیر گرم موسم دج رہن درست قیرو ملی اُس تے نت لگا گرم پانی دج پیر دھوا ایسے طور کر استعمال نوشادر تیل مٹھے دج میں گرم پانی لے نال دھوا	پھٹ جاوَن ہے عادت ٹھہر پاٹ سیال جاوَن یکمشت نخل روغن چرنی موم بلا نمک صابن اس دج جوشا سرد پانی بھین رکھ سہماں نت لگا دھاڑے بیس سرد پانی دے راہ نہ جا
---	--

بیان کلف

آکھن کلف حکیم یونان پیدا ہون داغ سیاہ جے چہرے دج ہون ٹھو سڑیا ہو یا سودا احتراقی چمڑے دج ٹھکانہ مل مجرّب کراں بیان دوا نوشادر سوہاگہ پھٹکڑی لیا گل روغن سرکے دج بلا اروانہ دا آٹا کوڑا نیل دہی سرکے دے دج بلا	چھائیاں ہندی دج زبان کرن بدن دا حال تباہ اڈ جاوے چہرے دا اند ہو جاوے چمڑے دج عاتی بیٹھے مول نہ ہووے حل ہودن چھائیاں اڈ ہوا پیس باریک توے دوا چھائیاں اُتے کرو طلا نوشادر پیہہ اس دیوچ میل چھائیاں اُتے کرو طلا
--	---

ماء الجبن والی ترتیب
 ہر ہفتے دج ہک جلاب
 نوشادر سوہاگ خوب گھوٹا
 صابن تھوڑا جیہا لگا
 تخم مولی تے دانے رائی
 جیکہ تیزی کرے دوا
 دھوئی کے گرم پانی دے نال
 جلدی نال اتار دوا
 سبب دوا جے زخم ہو جاوے
 مردا سنگ سفیدہ لیا
 روغن گل پنج تولے گھست
 تولے کے موم سفید
 رال تولہ ہک پیس ملا
 کوڑے مغز بادام لینا
 نمک پانی مولی دج پیس

ہک چلیہ کرد طیب
 طبع موافق کرو شتاب
 گل روغن سرکہ ڈال بلا
 گرم پانی دے نال دھوا
 لا سرخے دج جے نہ چھائی
 گرم پانی دے نال دھوا
 گل روغن لا شتابی نال
 مت اس دیوے زخم بنا
 اس مرہم دے نال چھڑا دے
 دو دو تولے وزن تولہ
 کافور ملا دج ماشے ست
 نال تیل دے میل وید
 مرہم بنت زخم تے لا
 گھوٹ سرکہ دج یسپ کرا
 بنت لگا دھاڑے پیس

بیان حرق النار

سڑے جیکوئی آتش نال
 لے کے کپڑا بہت باریک
 نال پانی دے سرد کرا
 سفیدی بیضہ مشک کافور

سڑکن بہت کرے بد حال
 دھوئی کے میل نکالو ٹھیک
 بدن آتے دم دم دکھوا
 سڑے بدن تے لا ضرور

جگ
 گوکا
 گل
 پیسہ
 جیکر
 دھنیا
 سفیدی
 بے سڑ

مرہم
 گل روغن
 ہونہ قلع
 پتھر کن
 پانی
 سڑ دو بج
 سڑ تازے
 پیمبر
 لاری

پانی دھنیاں نال لگا سڑے بدن تے ترے لگا رال کافور ملاؤ دھند بنا مرہم کر استعمال کرے درد دی بہت شکایت رسونت کافور افیم ملا کرو درد تے استعمال سرکن لین نہ دے آرام	گل ارمنی کافور ملا گوکا دہی دودھ وچ ملا گل ارمنی تے کتھ سفید پہیہ کے گھیو گوکے وچ ڈال جیکر سرکن سخت نہایت دھنیاں دا پانی کڑھوا سفیدی بیضہ دے وچ ڈال جے سڑ جادے بدن تمام
--	--

نسخہ مرہم سفیدہ

زخم آگ تے رت لگا موم تولے دو نال ملا پوٹلی بنھ پانی وچ نال دھوا رہے نہ اس وچ ذرا قصور نتار تیزی اس دور کرا دفع کرو تیزی فی الحال ست دفعہ دھویں اس وت گل روغن دے وچ ملا ہک ہک تولہ میل ضرور	مرہم سفیدہ آج بنا گل روغن تولے آٹھ لیا چونہ قلعی چھٹانکی تولہ پتھر کنکر کر سب دور چونہ پانی دے وچ پا مڑ دو بجے پانی وچ ڈال مڑ تازے پانی وچ گھت مڑ پھیر اس نوں خشک کرا گل ارمنی تے مشک کافور
--	---

مرہم سفیدہ اس دا تمام
میلے آگ دے زخم تمام

<p>سڑے جے کوئی پانی نال لے کے جو توے پر ساڑ جو ساڑ کے خوب گھوٹا مشک کافور گل ارمنی میل سپیدی بیضہ مشک کافور تھوڑی جیہی انیم ملا سرکن درد جے کرے خراب یا تھوڑی جیہی دیہہ انیم</p>	<p>یا گھیو نال ہووے بد حال جتنا قدر ہوون دیکار سواہ ہندی دھنیاں نال ملا لانت گل روغن وچ ٹھیل گل روغن وچ میل ضرور سخت درد تے کرد ملا یک دو گھٹ پلاؤ شراب آوے اس نل نیند حکیم</p>
---	--

بیان ضربہ و سقطہ

<p>لگے سٹ جے نال قضا سٹ تے پانی سرد وگا گل ارمنی پھل انار منگا سرکے دے وچ خوب گھوٹا پھل گلاب تے پھل انار سرکے دے وچ خوب پکا جے تھوڑا جیہا میل شراب میدہ لکڑی بلد گھوٹا پانی دے وچ گھوٹ لگا میدہ سک ہلدی اشخار گھوٹ اسی میتھی تل سیاہ</p>	<p>پوے پیم گوشت وچ گھا پچھوں دارو گھوٹ لگا آٹا ماہاں دا نال ملا سخت سٹ تے کرو ملا گل ارمنی مسرکندر گلنار سردی سٹ تے لیپ کر لاویں جلد آوے اس خواب آٹا چھولیاں دا وچ پنا سٹ نول نامدہ بہت پہنچا گھوٹ پانی وچ لاترے وار پانی گھٹ پلٹس پکوا</p>
--	---

تیل
 سید
 پیکار
 زخم
 ماس
 زخم
 جیکر
 میدہ
 پکا
 پٹ
 زخم
 جد نال

کے
 کٹی
 خون
 دیر
 سرد
 سرک
 سنگ

<p> تیل مٹھا اس روچ ملا سبب سٹ دی جیکر ورم پیلک دھنیاں خوب گھوٹا زخم سٹ روچ پلوے ریم ماسخوڑہ ماکھوں منج گھت زخم ریم تھیں صاف ہو جائے جیکر سٹ دا ورم کرخت میدہ لکڑی ہلدی لیا پکا پلٹس گھت مٹھا تیل پٹہ گرما میل بنھا زخم یا سٹ قدم منج ہو جد ناڑاں روچ پانی جاے </p>	<p> پٹہ اس دا بنت بنھوا درد کرے تے ہووے گرم ورم گرم تے لپ کر ایہہ دوا لگا حکیم مرہم وانگ لگا دینہ ست ساڑ گھیولا زخم چھڑا دے ہووے بہت پڑنا سخت سبھی میدہ کنک ملا پانی روچ تھوڑا جیہا میل دو ہفتے رب کرے شفا پانی مول تہہ نیڑے ڈھو روچ پیردے ورم ہو جائے </p>
--	--

بیان جراحات یعنی زخم

<p> کسے سبب جے لگے سٹ کٹی جاوے یا کوئی ناڑی خون زخم دا بند کرا دیر کرن منج بہت خطر سرد پانی دی کرو مکور سرکہ عرق گلاب لیا سنگ جراحات پیہہ کے دھوڑ </p>	<p> یا کوئی ضرب ہو جائے پھٹ ہووے خون زخم تھیں جاری بہت شتابی دیر نہ لا خون وگے مت جاوے مر اس دے جیہا علاج نہ ہو سرد پانی گھت خوب دھوا اُتے پٹی بندھ ضرور </p>
--	---

پورانی بے دریائی ساڑ
 سواہ بانس دی فائدہ مند
 مائیں کتھ ماجو بریان
 چارے پیس زخم تے سٹ
 کھڑیا مٹی نال سریش
 پیٹی بند رکھ ست دھاڑے
 دگدا خون جے بند نہ ہو
 سہاگہ پھٹکڑی کر بریان
 پھل انار تے سرمہ سیاہ
 وزن برابر سب دوا
 کہ باریک زخم تے دھوڑ
 پاوے رگ نون خوب کند
 اُتے رُون رکھ گھٹ بنھا
 خون جدوں بند ہو جائے
 بنا مرہم ایہہ پھٹ تے لاے
 ادھ پاگل روغن منگوا
 کر کے صاف کپڑے وچ تیل
 مال مرہم سنگ کتھ سندھو
 ہک ہک تولہ قدر دوا
 اس مرہم نون بت لگاے
 نال سفید ٹاکی دے لا

دوج زخم دے بھر ہک وار
 کرے خون زخم دا بند
 سپاری ساڑ طلاؤ آن
 دیوے میل زخم دا پھٹ
 خوب ملا بند اُتے ریش
 زخم پھٹ مل جاون ساے
 نال سرد پانی دے دھو
 نال کیس طلاؤ آن
 نپال ماجو کر کے ہمراہ
 جدا جدا سب کھرل کرا
 اک دا زخم ہووے جھبڈوڑ
 فوراً جان ہو جائے بند
 مڑکے خون نہ نظری آ
 زخم پھٹ باقی رہ جائے
 بہت شتابی زخم چھوڑاے
 مٹھ ہک پت نیم گھوٹ ٹرا
 پیہہ کے ایہہ دوا سب میل
 سنگ جراثیم موم کافور
 پیہہ تل روغن دوج ملا
 بہت شتابی زخم چھوڑاے
 دن دوج دو تہے وار لگا

<p>جیکر زخم قدم وچ ہو جد ناراں وچ پانی جاوے گھیو دے وچ پیاز سٹرا زخم پیر نوں گھیو اکیر رُوں گھیو نال آلودہ کر دن وچ دو ترے وار لگا پانی والی کوئی دوا مت کر جائے زخم بگاڑ پانی والی کوئی چیز</p>	<p>پانی ذرا نہ نیرے ڈھو وچ پیرے دم ہو جائے زخم پیرتے نت لگا وچ آزمائش ایس فقیر زخم پیر اُتے نت دھر دیوے جلدی زخم چھوڑا زخم پیرتے کدی نہ لا بہت دیر تک کرے خوار استعمال نہ کریں عزیز</p>
--	---

بیان قروحات

<p>جدوں زخم وچ ہونے ریم پیپ رہے استھیں نت جاری دارو اس دا کرو شتاب ماء العسل نوں گرم کرا یا سرکہ کچھ میل خراب مٹ پانی کچھ گرم کرا گل روغن وچ کر کے تر پہلاں اس نوں خوب دھوا گوشت خورہ بول منگا صابن صبر کنڈر رنگار</p>	<p>اسکھن اس نوں قرح حکیم پاؤے گوشت وچ خواری مت گوشت سب کرے خراب زخم قرحہ دا صاف دھوا صاف کرو دیو قرحہ شتاب کرد قرحہ نوں صاف دھوا پنبہ رُوں زخم وچ دھر ایہ مرہم اس نوں نت لا خون سیاہ وشتاں لے وچ پا ہر ہک چھ ماشے مقدار</p>
--	---

<p>توتیا بھس کتھ زاج افیم ڈیڑھ چھٹانک مٹھالے تیل موم تھوڑا جیہا نال ملا جیکر قرحہ رطوبت دار یا سرے وچ دانگوں گنج اس مرہم نوں کر کے تیار کر کے قرحہ نوں جلدی خشک مہندی مر داسنگ کتھ رال سفیدہ پھٹکڑی پھل کرا ماجو مائیں ڈال کیسیں ڈیڑھ چھٹانک مٹھالے تیل موم کافور تھوڑا جیہا پاء ایہہ مرہم جیکر نت لائے قرحہ موہری دالا جے جاوے شریخ رنگ جے ہووے گھا دو ترے دفعہ کر ایہہ کار</p>	<p>ہک ہک ماشہ وزن حکیم پیہہ سب دارو اس وچ میل مرہم دانگ قرحہ تے لا ہووے کرے نہایت خوار بہت مدت تک دیوے رنج ہک دن وچ لا دو ترے دار رہے رطوبت دانہ مشک چھل انار سفیدہ ڈال ساڑ سہاگ نال ملا ہروزہ ترے ماشے کٹ پیس پیہہ دوا سب اس وچ میل مرہم گھوٹ مار بنا قرحہ گنج سب دفع ہو جاوے اس نوں فائدہ بہت پہنچاوے گرد زخم دے جو کال لا ہووے خونی قرحہ قرار</p>
---	---

مرہم مجربہ رنگاری

<p>جیکر پھوڑہ قرحہ ہو پڑانا ریم رہے نت اس تھیں جاری ہروزہ تو لے چار منگا</p>	<p>رہے بدن وچ نل ٹھکانا لا اس تے مرہم رنگاری تولہ پیس رنگار ملا</p>
--	---

<p>بہروزہ ہودے گلا تر نیلا تھوٹھ کر بریان سفیدہ قلعی چھ ماشہ ڈال موم تول کر گرم ملا ہک دن وچ ہک وار لگا ایہ مرہم کئی دفعہ آزمائی</p>	<p>خشک نہ ہرگز شامل کر ماشے ترے ملاؤ آن ترے ترے ماشہ بھس کتھ رال لا نت ٹاکی نال لگا اٹھویں پہر بچوں بدلا قرحہ پھوڑا تھیں کرے ربائی</p>
---	---

مرہم قرحہ گنج سر

<p>جست ساڑیا تولے چار نیلا تھوٹھ کر بریان ڈیڑھ چھٹانک گری داتیل کر کے مرہم وانگ تیار قرحہ گنج دا ہودے دور</p>	<p>دو تولے گھت آملہ سار ماشے ترے ملاؤ آن پیہہ کے سب دوائیں میل لاویں دن وچ ہک دو بار رہے نہ بالکل ذرہ قصور</p>
---	--

بیان قرحہ دھدری

<p>جیکر قرحہ دھدر دا ہو خارش بہت ہوئے اس وچ نسخہ کراں بیان دہقانی کئی دفعہ اس نوں آزمایا ادھ پا گاچنی مٹی لیا نیلا تھوٹھ کر بریان</p>	<p>بہت دیر تک ہے کھلو بہت کرے روگی نوں زچ فائدے وچ عجب لاثانی بے نظیر فائدہ وچ پایا صابن تولے چار ملا ماشے ترے ملاؤ آن</p>
--	---

پچونہ پسی آملہ سار	ہک ہک تولے دا مقدار
نوشادر سہاگ پھل کر ساڑ	ہر ہک ہووے ماشے چار
کر کے مرہم دانگ تیار	لا ہک دن دج دو ترے وار

نسخہ قرعہ ودمل کہنہ

مردا سنگ تے کتھ سفید	پھٹکڑی تول تول وید
نیلا تھو تھ کر بریان	ماشے ترے ملاؤ آن
میلو چار تولے دج رال	بٹھا تیل ادھ پا دچہ ڈال
مرہم گھوٹ مار بنا	قرعہ پھوڑے آتے نت لا

نسخہ قرعہ ودمل کہنہ

ساڑ پسی سہاگ بریان	پھٹکڑی وزن برابر آن
دارو ترے باریک کرا	گھیو گوکے دے دچہ ملا
قرعہ پھوڑے تے نت لگا	دیوے پھوڑا قرعہ ونجا

بیان ناسور گھنیر

جیکر قرعہ ناسور گھنیر	ہووے پیدا دج سریر
جاہے بہت پرانا ہو	فائدہ کرے دوانہ کو
دکے ہمیش اس تھیں ریم	علاجوں ہوں لاچار حکیم

طلسمی نسخہ دانگ اکیر
تجربہ سائیں بخش فقیر

گھنیر بھگندر قرہ ناسور	ست سالان دا ہوئے دور
سُم گدوں دا تولے چار	گل حکمت کراس نوں ساڑ
دو تولے ساڑ پُرانا چم	کوزے وچ بند کر کے دم
پسی تولے ساڑ ملا	رہسپور تولے وچ پا
تولے مڑی گال دی ساڑ	کوڈیاں زرد سڑاڈ چار
نیلا تھوٹھا کر بریان	ماشے چار ملاڈ آن
ادھ پا مٹھا تیل منگا	سپ دی گنج ہک ڈال مٹا
اُتوں لاه کڑا ہی تیل	پیہہ دوا سب اس وچ میل
تولے ساڑ بکری دے وال	ایہ بھی لے اس دے وچ ڈال
چرنی بکرا موم سفید	ہک ہک تولے میل وٹید
گھونہ کر مرہم وانگ بنا	ٹماکی نال قرہ تے لاء
دن وچ ہک دو دفعہ لگاے	قرہ گھنیر ناسور و نجاوے
ایس نسخے تھیں بہت بیمار	کیتے شفا خداوند گار
سُم گھوڑے گدوں دا لیا	پتال جنر نال تیل کڈھا
ناسور اُتے جے لاویں تیل	دیوے زخم پُرانہ میل
سورخ باریک ناسور بھگند	کتنا ڈونگھا ہووے اندر
نال بتی دے تیل لگا	دوچ سورخ ناسور چھوڑا
جے ایہ تیل بڑا اکیر	مارے دوچ نشانہ تیر
جس قرہ تھیں گند یا ریم	وگدا رہے ہمیش حکیم
اوہ قرہ بل جادے جھب	دیوے صحت شافی رب
ہور ہک نوٹکہ بڑا عجیب	حکیم اجمل خاں دا تجربا

بیان قرعہ تشکی

قرعہ سبب جے باد فرنگ شنکرف مر داسنگ سندھو ہر ہک چھ ماشے مقدار نیلا تھو تھو کر بریان ہک چھٹانک مٹھالے تیل کر کے مرہم وانگ تیار ایہ مرہم مخفی اسرار	بہت کہے روگ نول تنگ کندر کتھ ملاؤ ضرور رسکیور گھت ماشے چار ماشے توے ملاؤ آن موم سفید تولہ دوج میل لاویں دن دوج ہک دوبار ہووے قرعہ فرنگ فرار
---	---

قرعہ گھنیر و ناسور کمنہ

شم گدوں دا تولے چار رسکیور شنکرف سیما ب رال مر داسنگ موم سفید لے دس تولے مٹھا تیل ہک دن دوج ہک بار لگا	گل حکمت کر اس نول ساڑ ہک ہک تولہ میل شتاب برابر وزن داخل کر دید بنا مرہم دارو سب میل اٹھویں پہر پچھوں بدلا
--	--

نسخہ خضاب

تولے چار ہر پڑاں سیاہ نوشادر پھٹکڑی مر داسنگ ہک ہک تولے دا مقدار	چھ تولے سنگرا سخ ہمراہ کسیں سبز دوج میل فنگ کٹ میل ایہ دارد چار
--	---

تو نے اٹھ ماجو لے آن کٹ پیس سب جمع کرا آنولیاں دا ویج ڈالو آب دو ترے ساعت بنھ کھلا	گھيو گو کے ویج کر بریان دو تو لے حاجت وقت لگا داہڑی اُتے کر د خضاب آملہ پانی نال دھوا
---	--

نسخہ خضاب

بُورہ لوسے دا رگڑا ادھ ادھ سیر ترے دوا پت مندی تے ہرڑاں سیاہ چھل بیڑہ چھل آنار چو نہ پھٹکڑی ڈال کیس بنج سیر دہی اس دیوچ پا بھانڈے مٹی دے ویج ڈال ترے جینے رنت ہلا تیل مٹھا گھت کے ہک سیر جد سارا پانی جل جائے اگ تھیں اوس نوں جلد آنار نال کنگھی دے تیل لگا	آملہ پتر دسمہ پا ماجو تو لے پنج ہلا چھل ہرڑاں زرد لیا ہر ہک پاؤ پاؤ مقدار ادھ ادھ پا ہلا کٹ پیس سرکہ قند سیر ہلا ترے جینے رکھ سمہال بعد میعادوں صاف کرا کڑا ہی گھت پکاویں پھیر تیل فقط تنہا رہ جاوے ڈال بوتل ویج صاف تیار داہڑی نوں شانہ کر د
--	--

نسخہ خضاب

سنگرا سخی لے تولہ آن	ماجو دو تو لے بریان
----------------------	---------------------

نوشادر چھ ماشے دج پا جدا جدا کٹ چار دوا آملہ دے پانی دے نال پکھوں ایہ خضاب لگا ہک پھر دے بعد کھولا	پھنکڑی ماشے ترے ملا پانی آملہ دج ملا اول دھو داہڑی دے وال اوپر پتے بوہڑ بنھا پانی آملہ نال دھوا
--	---

بیان زہر خوردہ

جے کوئی زہر سنگیا کھاوے خاص زہر دے چار دوا پہلاں گھیو دودھ جلد پلا سکنجین ہک پا منگا رائی ماشے چار گھوٹا پانی گرم پیالے ترے پکھوں اس جلاب کرا کسٹرائیل لے تو لے ست پنبہ دانہ گھوٹ پلا گھیو دودھ بہت پلا بیباق زہر خوردہ کرے نہ خواب ستو پانی دے دج گھول جے کھاوے مغز اخروٹ جے زہر جگر دج پھڑے قرار	اس نوں تے نہایت آوے گھیو دودھ تے جلاب کرا پکھوں اس نوں تے کرا سرکہ نال پھٹانک ملا سکنجین دے نال ملا ترے حقے کر کے پی لے کسٹرائیل دودھ دج ملا گاہہ دودھ سیروچہ گھت مجرّب کندے نے حکماء کل زہراں دا ہے تریاق مت اس زہر نہ کرے خواب پیوے دارو ہے امول رہے نہ ذرہ زہر دا کھوٹ جلدی کر اس نوں ادرار
---	---

بیان افیون خورہ

<p>جیکوئی کھاوے زہر افیم سُرخ اکھیں سر چڑھے بخار بھادیں کے قسم دی زہر پہلاں ادس پلا گھیو دودھ مڑ اس نون گھیو دودھ پلا کرے جے خشکی بہت افیم مڑ اس نون دیویں تلمیں شیر فرقہ گھوٹ پلا ہر چیلے کر خشکی دور ترش نشی بہت ادس پلا کھوا نتو دا ترش آچار پچوڑ زیتو پانی جے پیوے سفید سہاگہ کر بریان چھ چھ ماشے دا مقدار ادھ پا گھیو دے وچ ملا اس تھیں اس نون آتے تے</p>	<p>گھوئی ادس نیند حکیم جسم بے حس ہووے یکبار کھاوے رہے جسم وچ گھر تے کردا جے ہووے بدھ رہے قصور تاتے کردا گھیو دودھ میل پلا دھکیم خارج کرد سب زہر لعین شربت ترش انار پلا رہے نہ جتے وچ قصور دو ترے دار اس تے گردا کابخی ترش نہ رہے انار بہت شتابی چنگا گھیوے گھیو وچ گھت پلاو آن دیہ توں اس نون بہتی دار زہر والے نون جلد پلا زہر جسم دے وچ نہ رہے</p>
---	---

نسخہ خمار شراب

<p>پیوے کوئی جے بہت شراب</p>	<p>کرے خمار اس بہت خراب</p>
------------------------------	-----------------------------

کھوا زنبو اس ترش انار	بسی ترش نہ رہے آزار
گوکا کھن انت کھوا	نجرے اٹھ مصری دینچ پا

بیان زہر کزدم

بچھو جلدوں چلا دے ڈنگ	ہووے بہت طبیعت تنگ
سخت ڈنگ دینچ ہووے پیڑ	اوکھا ہووے بہت سریر
زور کرے جد زہری مادہ	ہوندی جاوے سوچ زیادہ
گل روغن سرکہ جلد ملا	چونہ لسن گھوٹ لگا
یا سرکے دا کرو طلا	پیر منٹ اس دینچ ملا
یا موم نون گرم کرا	دو ترے قطرے ڈنگ تے لا
یا ماکھوں نون کرکے گرم	لا درد ہو جاوے نرم
گھوٹ بھنوں جے پت کپاس	ہووے درد بچھو دا ناس
تھوڑا جیہا گھیو ملا	درد بچھو تے لیپ کرا
درد بچھو تے مغز اخروٹ	لاؤ پانی دے دینچ گھوٹ
دیسی کٹ اجوین جوش	ڈنگ بچھو دا ترے دھوا
ڈنگ تے لا زنبو دا عرق	ہووے بہت شتابی فرق
زیخ زنبو دے گھوٹ پلا	خم کر لیا لیپ کرا
گھتی مار ڈنگ تے لا	دیوے فائدہ ترے دکھا
پکڑ بچھو گھیو دینچ سٹرا	ادھ ڈنگ بچھو تے لا
سجی پانی دینچ گھوٹا	ڈنگ اُتے جھب لیپ کرا
ہک دو داری تے کروا	دیوے اس نون رب شفا

بیان مارگزیدہ

جس نوں سپ چلاوے ڈنگ
 ہوس گھوکی نیند خماری
 زور کرے جد زہری مادہ
 کرے ڈنگ درد بسیار
 سپ جے ڈنگ گال وچ لافے
 مونہہ پھین خون ہوئے جد جاری
 جے ڈنگ وچ لگے شریان
 جیکر ڈنگ لگے وچ چم
 گھیو دودھ اس نوں جلد پلا
 جیکر پتے رنم چباوے
 برگ رنم جے پیوے گھوٹ
 ٹنگ ایہہ اعظم اکسیر
 گھول پیوے جے مٹی کھیت
 پانی زنبو دا کڈھوا
 ڈنگ سپ لے اپر دھر
 مغز بنول گھوٹ پلا
 دو ترے واری قے کروا
 بکریاں دی مینگنی لے ساڑ
 پلاہک وار سرہول داتیل
 بدل جاے چہرے دارنگ
 جاوے بگڑ طبیعت ساری
 ہوندی جاوے زور زیادہ
 ہووے بہت طبع بیزار
 جلدی زہر جگر وچ دھاے
 پوے طبیعت وچ خواری
 کرے حیاتی دا نقصان
 اثر زہر دا ہووے کم
 ترے دن اس نوں قے کروا
 اثر زہر دا ترے دنجاے
 رہے نہ ذرہ زہر دا گھوٹ
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 اثر زہر والے سمیٹ
 پیبہ روں دا ترے کروا
 ہرگز زہر نہ کرے اثر
 دیوے زہر دا اثر دنجا
 دیوے زہروں رب رب
 پیوے پانی گھوٹ نتار
 تھک تھوڑا جیسا وچ میل

جد اُس نون اس تھیں تے آئے ایہ بھی ہے زہر دا تریاق پھر اس نون کوئی دیہ جلاب یا اس رمی سنگی لا ڈنگ سپ تے پیچھے لگا ڈنگ سپ تے اُتے دھر جدوں ڈنگ ہو جائے جاری گھبٹو ساڑ کے رت لگا بیج ست دفعہ دھاڑی دج گھبٹو گوکا اس بہت پلا	دوجی داری پھر پلائے اچانک مرگ تھیں کرے بیباق خاسق ہووے زہر شتاب زہر باہر دی طرف کھپا دودھ آگ جیپال گھسا ڈنگ پکائی کے جاری کر نکلے زہر جسم تھیں ساری دیوے جلدی زخم چھوڑا لاؤ تمام زہر لے کھج زہر سپ دا خوب ددا
---	--

نسخہ فے آور

مین پھل دا ڈھڈھ منگوا ادسے وقت اُس نون تے آئے	گھوٹ پانی دج ترت پلا زہر جسم تھیں دفع ہو جائے
--	--

نسخہ فے آور

ہک ہریشے دی چھل لا فور اُتے اُس نون آجائے	مل پانی دے دج پلا زہر جسم دی دفع ہو جائے
--	---

نسخہ فے آور

طوطیا ہک ماشہ یاریک	کر کے کل تبتو دج ٹھیک
---------------------	-----------------------

پانی لیموں چوس منگوائے	بہت شستابی ہے اس آفے
دو ترے دفعہ کرے اس طو	نہ ہر نکل جائے فی الفور
پہلاں گھیر دودھ میل پلا	پچھوں اس نکلے کر دیا

نسخہ قے آور

سکنجبین پا ہک منگوا	چھٹانکی سرکہ نال پلا
ترے سیر پانی گرم گرا	نمک کھوڑے جلد کر دیا
میل ماشے ترے رائی گھوٹ	ذرا نہ رہے معدیہ کھوٹ

نسخہ گزیدن زنبور

جے ڈیموں نمک کے نوں وے	کوٹا تیل شتاب لگانے
یا سرکہ گھٹ نمک لگا	ہودے ادسے وقت شفا

بیان گزیدن سگ دیوانہ

ہلکا گتا نال قضا	مارے دند کے نوں آ
چالی روز زخم رکھ جاری	زہر دفع ہو جائے ساری
سرکہ گندا مھوم کوٹا	نمک نوشادر نال پلا
زخم دند تے کرد طلا	دیوے اس نوں زخم بنا
جیکر تینوں ہودے لوڑ	مقدومی لا دوائیں ہور
بڈنہ پتی حب جے پال	طوطیا سبز شال کر نال
مقام زخم دا خوب پچھا	میل شہد دھج کرد طلا

<p> ایک مہینے وچ جلاب مکھن مصری رت کھوا ہر چیلے کر خارج زہر سرخ مریچ تے تھوم گھوٹا لے مرغی دی بیٹ منگا ورم اُتے جے کریں طلا کچلے گو تر وچ گھسا ماکھوں گنڈھا لون گھٹا ہر ماہ وچ دو کرو جلاب زخم جاری اس دا رکھوا ہر چند زخم اس جاری کر ایو جیہی نہیں کوئی چیز مکھی گوڑ دے وچ ملا ہر ہفتہ اس لون قے لے </p>	<p> دو ترے داری کر شتاب مت خشکی اس جائے دھا رہے نہ کسے جگہ وچ ٹھہر زخم اُتے جھب کرو طلا وچ ملائی گھت ملا دیوے جلدی سوچ اُڑا زخم اُتے رت کر د طلا زخم کتے تے تر ت نکا کدھو جسموں زہر شتاب مقرومی دارد اس تے لا نال زہر جاوے میت م رکھیں دل وچ یاد نمیز بٹھ گولی اس لون زکلا جسموں زہر نکل سب جائے </p>
--	--

نسخہ تجربہ زہر سگ دیوانہ

<p> نسخہ ایک لکھاں کرامات پچلے دو تو نے منگوا تراش چاقو نال اُسوں آن کھل دے وچ کرو باریک مگ مریچاں سُنڈھ ترے دوا </p>	<p> کرے دفع سب زہر آفات ترے روزہ تک نہ کروا گھٹو گو کے وچ کر بریان خوب باریک ہو جائے ٹھیک چھ چھ ماشے کٹ ملا </p>
---	--

ڈنڈ
قد
ہک

جیکر

ادپ

اوپ

پولا

مت

تربہ

رو

بے

تیل

نسہ

نسہ

نسہ

بیمار

سوا

ویو

بنا

ڈنڈے کونڈے دھج گھوٹا قد چنے دی بنھوں جب ہک ہک گولی رت کھوا	پانی تھوڑا جیہا ملا نال عقل سے گویاں سب اثر زہر دا رہے نہ کا
--	--

بیان شکستہ استخوان

جیکر ہڈی جاوے ٹٹ اوپر مٹھا تیل لگا اوپر تختیاں نوں رکھوا پولا پولا گرم بنھائیں مت اس نوں پہنچے تکلیف تزیجے روزہ کھول مرٹ بنھ روغن گدی پٹی لا جے ہودے لکڑی چوٹ تیل مٹھے دی کھل منگوا	ہتھال نال جوڑ جھب گھٹ گدی پٹی نال بنھا دھاگا بنھ مضبوط کرا ہرگز بہت زور نہ لائیں دیویں اس نوں گھوٹ تخفیف میلو سب ہڈیاں واسنھ تختیاں نوں مضبوط کرا بنھ اس تے کالے تل گھوٹ بنھ رت پانی دھج پکا
---	--

نسخہ معمول مطب حکیم جگ شیر خلف الرشید حکیم مائیں بخش

نسخہ کراں بیان عجیب بیماری نوں پیغام پہنچاے سول شکم نوں کرے نابود دیوے آن پیغام شفا بناوین دی ہن دساں تمیز	فائدہ پادون لوگ طیب بیماری دیکھ کافور ہو جاے درد دندان نوں دیوے سود درد شکم نوں کرے تباہ سمجھن نال عقل عزیز
--	---

نوشادر گرو مرعہ سیاہ تور تور تین دوا چارے خوب باریک کر آئیں رتی دو خوراک جوان جے اس دا مقدار بڑھاویں پانی سارہ نال لنگھا نل یقین کر استعمال جیکر درد دندان نول ہوئے	تخم دھتورہ کر ہمراہ تخم دھتورہ چھ ماشے پا یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں نصف خوراک بل نادان نوراً توں نقصان اٹھائیں خشک چیز دے راہ نہ جا درد فرار کرے فی الحال روگی آہیں مارے رووے
--	--

تمت	رتی اک ملا دیں آن نوراً فائدہ نہیں پہچان	بالنحیر
-----	---	---------

- | | |
|-----------------|------------------------|
| ۱۔ طب اکبر کاٹل | ۱۱۔ کتنز المخریات کامل |
| ۲۔ مرج البحرین | ۱۲۔ کتنز المخریات |
| ۳۔ کلید طب | ۱۳۔ کتنز المخریات |
| ۴۔ بیاتق کریمی | ۱۴۔ کتنز المخریات |
| ۵۔ مفردات غشی | ۱۵۔ کتنز المخریات |
| ۶۔ استد عطار | ۱۶۔ کتنز المخریات |
| ۷۔ علم کشتہ جات | ۱۷۔ کتنز المخریات |
| ۸۔ قنزن الادویہ | ۱۸۔ کتنز المخریات |
| ۹۔ قانون طب | ۱۹۔ کتنز المخریات |
| ۱۰۔ تشریح الطب | ۲۰۔ کتنز المخریات |

شیخ غلام حسین اینڈ سنز پبلشرز اردو بازار لاہور

محمد الحسن جان

گلو منڈی

ضلع وہاڑی

تحصیل پورے والا

~~1900~~

طبی

نام کتاب

طب اکبر کامل

بستان المفردات

بیاض کریمی

کلید طب

علم کشفیات

تشریح الطب

دار الشفا (پنجابی)

تحفہ لقمان

بیاض کبیر کامل

حاذق اجمل خان

کنز الحیات کامل

ہندوپاک کی جڑی بوٹی

جڑی بوٹیوں کے عجیب و غریب فوائد

کتاب المفردات

کتاب مرکبات

مغز المفردات

60/-

60/-

60/-

49/-

13/50

35/-

10/-

100/-

78/-

132/-

84/-

96/-

85/-

55/-

75/-

ابن سینا

حکیم محمد نذیر عرشی

حکیم محمد نذیر عرشی

ڈاکٹر عبدالرشیدی

سائیں بخش

سائیں بخش

حکیم غلام قادر

کبیر الدین

اجمل خان

حکیم عبداللہ

حکیم عبداللہ

کرشن دت

منظر اعوان

منظر اعوان

غلام جیلانی

شیخ غلام حسین اینڈ سنز لاہور